



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

سوره ح

۷

ترجمه و تفسیر
سوره های امام موسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۷
۱۹	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۳۷	پیام امام خمینی به حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در مورد ترور نافرجام ایشان
۳۸	بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه امداد بروجرد
۳۸	برای اصلاح آشفته‌گی‌ها همه ما باید گروه امداد باشیم
۳۸	تلاش مذبوحانه مخالفین نهضت برای ایجاد جو بدبینی و متوقف ساختن مردم
۴۰	بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی کاشان
۴۰	عبرت گرفتن از تاریخ موجود
۴۱	فرو ریختن حکومت نتیجه از دست دادن پایگاه ملی است
۴۲	کاری کنید که دل مردم را بدست بیاورید
۴۴	بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات و دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران
۴۴	نقش موثر دایره مخابرات در پیشرفت نهضت
۴۴	حصول پیروزی به واسطه اتفاق آراء و توجه یکپارچه مردم به شکست طاغوت
۴۵	پرداختن به گرفتاری‌های شخصی و غفلت از مقصد مایه توقف نهضت
۴۷	آنها از این کلمه اسلام می‌ترسند
۴۹	اهمیت شناسایی ضدانقلاب
۵۱	بیانات امام خمینی در جمع پاسداران، مرز نشینان دشت مغان و بانوان مکتب ولی عصر
۵۱	انسان‌سازی و تهذیب نفس، مقصد نهائی انبیا و اولیاء است
۵۲	ایجاد مملکت اسلامی مشروط بر اجرای احکام اسلام
۵۳	لبیک به ندای اسلام در تحصیل معنویات
۵۳	علم و ادب در خدمت معنویات
۵۴	بیانات امام خمینی در جمع کارگزاران و کارکنان روزنامه کیهان

۵۴	وظایف خطیر مطبوعات
۵۴	آزادی واقعی یعنی اجرای قوانین اسلام
۵۷	بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و اهالی یزد
۵۷	هدایت جامعه ، وظیفه علمای اسلام است
۵۷	امروز روزی است که باید اصول را حفظ کرد
۵۹	بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر قزوین
۵۹	فساد و خرابی های معنوی از دستاوردهای رژیم سلطنتی
۵۹	غربزدگی ، اسفناکترین نوع وابستگی
۶۱	گرفتاری قلم های سوء ، بدتر از گرفتاری سرنیزه
۶۲	بیانات امام خمینی در جمع پهلوانان ورزش باستانی
۶۲	ما همه زنده ایم برای احیاء سنت پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)
۶۲	تمام مقصد ما باید اسلام باشد
۶۳	استقرار حکومت الله به همت تمام اقشار ملت
۶۴	محبت اقتضا می کند که اختلاف در کار نباشد
۶۵	بیانات امام خمینی در جمع علمای سبزوار و بانوان چهار مردان قم
۶۵	آنچه که تحمل مشقت را آسان می کند کار برای خداست
۶۵	اشخاصی که قلم دست می گیرند بر ضد اسلام ، برضد روحانیت ، بشناسند آنها را
۶۶	آزادی را اسلام به ما داد ، قدر این آزادی و اسلام را بدانید
۶۷	بیانات امام خمینی در جمع روحانیون ، فرهنگیان و مردم کرج به مناسبت شهادت شهید مطهری و سوء قصد به حجت السلام رفسنجانی
۶۷	جدیت در حفظ حیثیت اسلام و شناساندن چهره حقیقی جمهوری اسلامی
۶۹	سفارش عمومی به اقشار ملت در نظارت بر کلیه امور و اعتراض به اعمال خلاف اسلام
۷۰	امور باید موافق اسلام باشد
۷۲	بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیئت قائمیه تهران
۷۲	در قیام لله شکست راه ندارد
۷۳	آنچه برای ما مهم است عمل به تکلیف شرعی است
۷۴	جمهوری اسلامی همپاش باید اسلامی و با محتوا باشد

- ۷۶ حفظ انقلاب درونی و تحول روحی ، بالاترین پیروزی هاست
- ۷۸ بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی دریائی بندرعباس
- ۷۸ آزادی ، امانت بزرگ الهی
- ۷۸ خداوند با نعمت آزادی ما را امتحان می کند
- ۷۹ آزادی را در صلاح ملت و صلاح کشور صرف کنید
- ۸۰ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان اهواز
- ۸۰ نهضت اسلامی عامل مجتمع شدن همه اقشار
- ۸۰ مقصدمان این نبود که فقط محمد رضا برود ، مقصد اسلام است
- ۸۱ ما دنبال تحقق اسلام هستیم ، نه اسم اسلام
- ۸۲ عمال اجانب چون از اسلام می ترسند ، هر چیزی که ترویج از اسلام بکنند از او می ترسند
- ۸۳ می شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند
- ۸۴ بیانات امام خمینی در دیدار با ورزشکاران و کارمندان تربیت بدنی
- ۸۴ شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید
- ۸۴ ما باید بیدار باشیم توطئه ها را خنثی کنیم
- ۸۵ ورزشکاران با ایمان پشتوانه ملت و اسلام
- ۸۶ پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت ۱۵ خرداد
- ۸۹ بیانات امام خمینی به منسبت سالگرد ۱۵ خرداد
- ۸۹ اشاره
- ۹۰ نظر آن ملتی که نهضت را بوجود آورد و قدرت های بزرگ را شکست ، میزان است
- ۹۱ ای غرب زدگان ، انسان بی محتوا به خود آئید!
- ۹۲ اسلام در همه وقت و خصوصا حالا قابل اجراست
- ۹۳ من به شما اخطار می کنم که به اسلام وفادار باشید
- ۹۴ قدرت روحانیت را که یک قدرت الهی است از دست ندهید
- ۹۴ این مساجد است که نهضت را درست کرد
- ۹۵ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز
- ۹۵ دانشگاه ، مرکز تعیین سعادت و شقاوت ملت

- رسالت انبیا ، الهی کردن انسان ها در همه ابعاد و جوانب ۹۵
- نجات اسلام و قرآن ، انگیزه روح شهادت طلبی و ایثار ملت در انقلاب ۹۶
- برای اسلامی کردن دانشگاه جدید کنید ۹۷
- تمام مقصد ما اسلام است ۹۷
- امور مادی ، مقدمه ای برای هدایت و رشد انسان ها ۹۸
- کوشش کنید که انسان درست کنید ۹۹
- پیام امام خمینی به شیعیان لبنان ۱۰۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی ایران ۱۰۲
- خواست و مقصد واحد اقشار ملت در نهضت ، عنایتی الهی است ۱۰۲
- محقق ساختن احکام اسلام ، ضامن دوام رحمت و عنایت الهی ۱۰۲
- استقلال فکری را از ما گرفته اند ۱۰۳
- اسلام انسان ساز است و غرب نابود کننده انسانیت ۱۰۴
- تداوم نهضت ، تا تحقق حکومت اسلام و قرآن ۱۰۶
- بیانات امام خمینی به وزیر امور خارجه ترکیه ۱۰۸
- اسلام برای تمام کشورها یک آرمانی است که در آن همه چیز هست ۱۰۸
- اسلام حکومت ها را موظف به خدمت کرده است ۱۰۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان دزفول ۱۱۲
- مسئولیت خطیر و شریف مادران و معلمان ، تربیت انسان ها ۱۱۲
- اصلاح و افساد جامعه در گرو نحوه تربیت معلمین ۱۱۳
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات ۱۱۴
- قضیه ، قضیه اسلام است ۱۱۴
- تکلیف ملت ، کوشش و جدیت برای اصلاح امور و سازندگی کشور تا تحقق جمهوری اسلامی ۱۱۴
- دستیابی به مملکتی نمونه با تحقق احکام و قوانین اسلام در همه ابعاد و جوانب مملکت ۱۱۵
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران ۱۱۷
- سرنوشت یک ملت در دست دو قطب دانشگاه و روحانیت است ۱۱۷
- در رژیم طاغوت تعلیم دانشگاهی بر اساس غربزدگی بود ۱۱۸

- ۱۱۸ ----- تربیت غرب انسان را از انسانیت خلع کرده
- ۱۱۹ ----- تنها مکتب های توحیدی الهی انسان سازند
- ۱۱۹ ----- زحمات پانزده ساله ملت برای تحقق یک مملکت اسلامی بود
- ۱۲۰ ----- مسؤولیت دانشگاه پلیس سنگین تر و حساستر از سایر قسمت هاست
- ۱۲۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع وزیر امور خارجه و هیئت سفرای ایران در کشورهای خارج
- ۱۲۱ ----- شستشوی مغزی ملت ایران در جهت بی محتوایی و گرایش به غرب
- ۱۲۲ ----- توصیه به سفرای ایران در حفظ استقلال و عدم خودباختگی در برابر محافل غربی
- ۱۲۳ ----- بعد اسلامی و ایمانی نهضت را که موجب پیروزی شد حفظ کنید
- ۱۲۳ ----- تاکید فراوان بر شروع مطالب با (بسم الله الرحمن الرحيم)
- ۱۲۴ ----- لزوم پرهیز از مجالس طاغوتی و برپائی محافل ساده اسلامی
- ۱۲۵ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر شوروی
- ۱۲۵ ----- از شوروی می خواهیم در افغانستان دخالت نکند
- ۱۲۵ ----- اگر تره کی به راه خود ادامه دهد ، سرنوشتش سرنوشت محمد رضا خواهد بود
- ۱۲۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر ری و بازاریان تهران
- ۱۲۷ ----- مقصد نهائی ملت ، تحقق احکام اسلام در سراسر بلاد مسلمین
- ۱۲۷ ----- معنای آزادی در جمهوری اسلامی ، آزادی عمل در چهار چوب قوانین اسلام
- ۱۲۸ ----- نعمت آزادی ، امتحانی الهی است
- ۱۲۸ ----- در جمهوری اسلامی همه چیز باید اسلامی باشد
- ۱۲۹ ----- نابودی نیروهای انسانی ، از جنایات ۵۰ ساله خاندان پهلوی
- ۱۲۹ ----- وظیفه پاسداران ، صیانت از اسلام و نفوس خود
- ۱۳۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان و درجه داران پادگان ها و یگان های شهرستان تبریز
- ۱۳۰ ----- تلاش گسترده ریشه های گندیده رژیم سابق
- ۱۳۱ ----- وظائف خطیر ارتش اسلام در رابطه با خدا و خلق
- ۱۳۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع عشایر خوزستان
- ۱۳۴ ----- تحت ظلم و فشار بودن تمام اقشار در رژیم شاه
- ۱۳۴ ----- ایجاد تفرقه میان اقشار توسط ریشه های فاسد

- سعی اخلاک‌گراں جهت عدم تحقق جمهوری اسلامی است ----- ۱۳۵
- بسط اختلافات جزئی ، راهی برای بازگشت اجانب ----- ۱۳۵
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران ----- ۱۳۷
- اعمال ضد مردمی عمال اجانب در لباس طرفداری از توده ها ----- ۱۳۷
- ننشینید تا خائنین دانشگاه را قبضه کنند ----- ۱۳۹
- جلوگیری قاطعانه از اخلاک‌گراں مزدور ----- ۱۴۰
- تکیه بر اصلاح دانشگاه از طریق سخنرانی و روشنگری ----- ۱۴۱
- خطر دشمنان به ظاهر دوست و لزوم احتراز از آنان ----- ۱۴۲
- بیانات امام خمینی در جمع پزشکان ، کارکنان و گروهی از مجروحین بیمارستان شفاپایه‌ایان ----- ۱۴۵
- همه جان ها فدای اسلام عزیز و احیاء آن ----- ۱۴۵
- بیانات امام خمینی به آیت الله محمد باقر صدر ----- ۱۴۶
- بیانات امام خمینی در جمع کارمندان بانک مرکزی ایران ----- ۱۴۷
- این مملکت در طول پنجاه و چند سال با اسم تمدن رو به تباهی رفته است ----- ۱۴۷
- تکلیف کارمندان بانک کوشش در جهت اصلاح مفاسد آن است ----- ۱۴۸
- ما می خواهیم همه جا یک رنگ اسلامی پیدا کند ----- ۱۴۸
- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم ----- ۱۴۹
- هر گاه برای اسلام احساس خطر کنم تکلیفم را ادا می کنم ----- ۱۴۹
- امروز طرح اشکال ، یا توطئه است یا جهالت ----- ۱۴۹
- با به تعویق افتادن تصویب قانون اساسی باید فاتحه اسلام را خواند ----- ۱۵۰
- طرح مجلس مؤسسان الهام گرفته از شیاطین و خطری برای اسلام است ----- ۱۵۰
- چه کسانی رفتارندم را تحریم کردند؟ ----- ۱۵۱
- اینقدر تحت تأثیر غریزه ها نباشید ----- ۱۵۱
- صلاح اسلام و مسلمین در تصویب قانون اساسی است ----- ۱۵۲
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون ، وعاظ و گویندگان مشهد ----- ۱۵۳
- (و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین) ----- ۱۵۳
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مردم ----- ۱۵۶

- ۱۵۶ - اشاره -----
- ۱۵۶ - پیروزی بی نظیر ملت و شکست مفتضحانه شاه و عمالش در تاریخ ثبت گردید -----
- ۱۵۷ - عدم صلاحیت حقوقدانان غربزده در تدوین قانون اساسی -----
- ۱۵۸ - میزان ، راءى ملت است -----
- ۱۵۹ - يك قدرى در مطالبتان تعقل كنيد ، نگذاريد ملت به تنگ بيايد -----
- ۱۶۰ - امروز اختلاف سلیقه و تشتت برخلاف مسیر ملت است -----
- ۱۶۱ - صفوف خود را از غربزدگان و عمال رژیم فاسد جدا سازید -----
- ۱۶۱ - ترس غربزدگان از روحانی و دانشگاهی صالح -----
- ۱۶۳ - بیانات امام خمینی در دیدار با جامعه و عاظم تهران -----
- ۱۶۳ - در صدر اسلام ، مسجد مرکز فعالیت های سیاسی بوده است -----
- ۱۶۳ - تبلیغات دامنه دار جهت جدا نمودن روحانیت از سیاست -----
- ۱۶۵ - ایجاد تحول روحی در جامعه ، اراده الهی بود -----
- ۱۶۶ - مخالفین ، با جمهوری مخالف نیستند ، بااسلام مخالفند -----
- ۱۶۶ - ما می خواهیم مملکت اسلامی درست کنیم ، نه غربی -----
- ۱۶۹ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی جوانان و حزب جمهوری اسلامی وفرهنگیان شهرستان ملایر -----
- ۱۶۹ - قدرت اسلام عامل تجمع طوایف مختلف در زیر یک سقف -----
- ۱۷۰ - لزوم شرکت در جهاد سازندگی به عنوان یک وظیفه الهی -----
- ۱۷۱ - بیانات امام خمینی به ملت ایران در مورد تشکیل جهاد سازندگی -----
- ۱۷۳ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم تهران نو ، نمایندگان کارکنان کشتارگاه اصفهان و عشایر کرد -----
- ۱۷۳ - توجه کنید که ما مسلمانیم و فقط قانون اسلام را می خواهیم -----
- ۱۷۴ - شما عشایر محترم خرابکاران را در بین خود راه نداده هدایت شان کنید -----
- ۱۷۵ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن ندای اسلام قم -----
- ۱۷۵ - باید تمامی هم و غمتان متوجه مسائل اصولی مثل تصویب قانون اساسی باشد . -----
- ۱۷۷ - تکلیف بر گسترش مساجد ، این مراکز تبلیغات اسلام و بسیج قشون -----
- ۱۷۸ - پیام امام خمینی به ژستکار دستن رئیس جمهور فرانسه -----
- ۱۷۹ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران مسجد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)تهران -----

- به غیر اسلام نباید فکر کنیم ----- ۱۷۹
- این تحولی بود که به دست خدا واقع شد ----- ۱۷۹
- حفظ عنایت خدا منشاء تمام پیروزی هاست ----- ۱۸۰
- شما که موعظه خدا را پذیرفتید حافظ آن باشید ----- ۱۸۱
- باید قانون اساسی را به نفع اسلام تحکیم بخشیم ----- ۱۸۲
- بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب الزهرا و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم ----- ۱۸۳
- بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند ----- ۱۸۳
- قدرت ایمان را برای رسیدن به جمهوری اسلامی حفظ کنید ----- ۱۸۴
- اگر هر کسی در هر پستی هست آنجا را خوب اداره کند مملکت خوب می شود ----- ۱۸۴
- بعد از متمرکز شدن اصول ، همه امور به جای خود عمل شود ----- ۱۸۵
- شیاطین در پی آنند که نگذارند قانون اساسی تصویب شود ----- ۱۸۶
- فرمان امام خمینی به حجۀ الاسلام نوری ----- ۱۸۷
- بیانات امام خمینی در جمع وعاظ خراسان ----- ۱۸۸
- درباره قانون اساسی اسلام ، اسلام شناس باید نظر بدهد نه روشنفکران خارجی ----- ۱۸۸
- لزوم انتخاب علمای اسلام شناس و آشنا به مسائل روز جهت نمایندگی مجلس ----- ۱۸۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از طلاب حوزه علمیه مشهد ----- ۱۹۰
- اشاره ----- ۱۹۰
- اظهار نظر در مورد قانون اسلام بر عهده (اسلام شناس) است نه روشنفکران خارجی ! ----- ۱۹۱
- لزوم جدیت ملت در انتخاب علماء مطلع برای تدوین قانون اساسی و تعیین سرنوشت ----- ۱۹۲
- بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و فرهنگیان بابل ----- ۱۹۴
- دو قوه مادی و معنوی انسان وقتی ارزش دارد که در خدمت خدا باشد ----- ۱۹۴
- ممالک به اصطلاح اسلامی تمام شان مشترک المنافع و پشتیبان یکدیگر هستند ----- ۱۹۵
- قدرت الهی باعث جمع شدن قوای روحانی و قوای مادی شد . ----- ۱۹۵
- بیانات امام خمینی در جمع هیأت اعزامی از سیستان و بلوچستان ----- ۱۹۷
- بنابراین بود که فرهنگ ما را از بین ببرند ----- ۱۹۷
- تحصیل استقلال برای مملکت با تصویب قانون اساسی ----- ۱۹۷

- ۱۹۸ جاهائی که عقب افتاده است مقدم است
- ۲۰۰ بیانات امام خمینی در جمع هیئت نیوزیلندی
- ۲۰۱ بیانات امام خمینی در جمع علماء و روحانیون مشهد
- ۲۰۱ این عنایت الهی بود که یک ملتی که هیچ نداشت ، توانست بر قدرت هائی که همه چیز داشتند غلبه کند
- ۲۰۲ آنکه مردم خونشان را درراه او دادند ، اسلام بود
- ۲۰۳ به اسم اسلام لطمه بر حیثیت اسلام زدند
- ۲۰۳ محدودیت پادشاه و کیفر در دنیای مادی گواهی بر وجود یک عالم نامتناهی است
- ۲۰۵ بیانات امام خمینی خطاب به وزیر امور اقتصاد و دارائی و معاونین این وزارتخانه
- ۲۰۵ از وجوه تمایز حکومت اسلامی با حکومت طاغوت ، (داشتن پایگاه مردمی) است
- ۲۰۷ خمس تمام عایدی یک مملکت در سال رقم هنگفتی است که میتواند کشور را اداره کند
- ۲۰۸ امر بر جدیت مسؤولین در رفتار نیک با مردم و ایجاد یک محیط برادری
- ۲۰۹ روش بررسی قانون اساسی و تصویب آن در دنیا نمونه است
- ۲۱۲ بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر یمن شمالی
- ۲۱۳ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن کاراته ایران
- ۲۱۴ پاسخ امام خمینی به نامه آقای یوسف کرمعلی
- ۲۱۵ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان لنگرود و پاسداران انقلاب اسلامی همدان
- ۲۱۵ رسالت انبیا ، تزکیه نفوس و مهار جهات مادی افسار گسیخته انسان
- ۲۱۶ بر طبق موازین کتاب و سنت اعمال قدرت کنید
- ۲۱۷ مسؤولیت خطیر روحانیون در حفظ حیثیت اسلام
- ۲۱۹ پاسداران قرآن و اسلام باشید
- ۲۲۰ پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف
- ۲۲۱ پیام امام خمینی به اهالی آذربایجان در مورد کمک به سیل زدگان
- ۲۲۲ بیانات امام خمینی در دیدار با طلاب و روحانیون شهرستان تبریز
- ۲۲۴ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت تهران
- ۲۲۴ هجوم اشخاص فرصت طلب وقیضه امور ، پس از پیروزی نهضت
- ۲۲۵ همه اقشار از اختلاف و تفرق که مضر برای اسلام و ملت است پرهیز کنند

- پیام امام خمینی به مردم فردوس ----- ۲۲۶
- بیانات امام خمینی در جمع طلاب حوزه علمیه اصفهان ----- ۲۲۷
- وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا سرمنشاء همه کمالات است ----- ۲۲۷
- نیل به مقام انسانیت ، با منزّه شدن از تعلقات دنیوی ----- ۲۲۷
- با تعلم و تهذیب نفس به جند الهی وارد شوید ----- ۲۲۸
- بیانات امام خمینی در جمع مردم اردکان فارس ----- ۲۳۰
- پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی ، الهی و اسلامی ----- ۲۳۰
- اصل ، محفوظ ماندن مکتب است نه به دست آوردن پیروزی ظاهر ----- ۲۳۰
- هشدار به رعایت حدود و عمل به موازین شرعی برای پیشگیری از شکست ----- ۲۳۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان شیلات جنوب ----- ۲۳۴
- همه موظفیم که خودمان را اصلاح کنیم ----- ۲۳۴
- تلاش شیاطین برای ایجاد تفرقه و فساد میان اقشار مردم ----- ۲۳۴
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی همدان ----- ۲۳۵
- خوبستن داری و حفظ احکام اسلام بالاترین پاسداری است ----- ۲۳۵
- وظیفه خطیر پاسداران خدمت صادقانه بر طبق موازین اسلام است ----- ۲۳۵
- کوشش در اصلاح خویش و دفع توطئه گران ----- ۲۳۶
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قرچک ورامین ----- ۲۳۷
- در مملکت اسلامی غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد ----- ۲۳۷
- آزادی باید منطقی و طبق قانون الهی باشد ----- ۲۳۸
- اصلاح و تهذیب نفس ، مسوولیتی خطیر برای تحقق احکام اسلام ----- ۲۳۸
- بیانات امام خمینی در جمع افراد جهاد سازندگی و کارکنان شرکت نفت ----- ۲۴۰
- هر جنبشی که این صد سال اخیر شده از طرف روحانیون بوده است ----- ۲۴۰
- توجه و هوشیاری در مقابل توطئه شیاطین ، بر ضد اسلام و روحانیت ----- ۲۴۳
- تنها با تمسک به حبل الله و وحدت کلمه پیروزی تثبیت می شود ----- ۲۴۴
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان کارخانه اتمسفر ایران ----- ۲۴۵
- اساس اقتصادی کشورها بسته به وجود کارگر و کشاورز است ----- ۲۴۵

- ۲۴۵ ----- به ثمر رساندن نهضت ، به ید قدرت کارگران و جوانان برومند
- ۲۴۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان
- ۲۴۷ ----- مقدمترین جهادها ، سازندگی انسان و جهاد اکبر است
- ۲۴۸ ----- برای خدمت به اسلام و کشور کوشش کنید
- ۲۴۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع علمای اصفهان
- ۲۴۹ ----- اصفهان ، مرکز علم و علمای بزرگ اسلام
- ۲۴۹ ----- تکلیف ما ، حفظ وجاهت و ترویج اسلام
- ۲۵۰ ----- پیش نویس قانون اساسی را بررسی ، و نظریات خود را اعلام کنید
- ۲۵۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت‌معلم
- ۲۵۱ ----- ضرر عالم بی تهذیب بیشتر از جاهل بی دانش است
- ۲۵۱ ----- نوک تیز حمله اجانب همیشه متوجه دو قشر روحانی و دانشگاه بوده است
- ۲۵۴ ----- در برابر نقشه های اجانب بیدار باشید
- ۲۵۵ ----- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران منطقه ۱۲ تهران
- ۲۵۵ ----- پاسدار باید خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند
- ۲۵۶ ----- اعمال شما تحت مراقبت و مناقشه دشمنان است
- ۲۵۷ ----- سعی کنید طوری رفتار کنید که خدا این تکلیف الهی را قبول کند
- ۲۵۸ ----- بیانات امام خمینی به مردم مرودشت
- ۲۵۹ ----- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم
- ۲۵۹ ----- موضوع علم انبیاء تربیت انسان است
- ۲۶۰ ----- همه موجودات عالم اسماء خدا هستند
- ۲۶۱ ----- صراط مستقیم از علق شروع می شود و تا الوهیت ادامه می یابد
- ۲۶۱ ----- مقام انسانیت با قرائت به اسم رب حاصل می شود
- ۲۶۲ ----- با اسم خدا و با محبت و رحمت به اصلاح انحرافات پردازید
- ۲۶۴ ----- جاری نمودن حدود الهی در جامعه یعنی رحمت بر امت
- ۲۶۵ ----- دعوت اقسا رملت به وحدت با تشبث به جبل الله
- ۲۶۶ ----- پرهیز از اعمال انحرافی و خلاف موازین به منظور حفاظت از مکتب

- ۲۶۷ ----- تأکید بر انتخاب وکلای متدین و مطلع برای تعیین سرنوشت اسلام
- ۲۷۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان وزارت کشاورزی عازم کشور اتحاد جماهیر شوروی
- ۲۷۲ ----- پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار
- ۲۷۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات (تلفن بین شهری)
- ۲۷۶ ----- بیانات امام خمینی در جمع هیئت شرکت کننده در سمینار محاسبات وزارت دارایی
- ۲۷۶ ----- درس عبرت از سرانجام فلاکت بار حکام ظلم و جور و غیر مردمی
- ۲۷۸ ----- تکلیف بر کمک و همیاری اقشار برای آباد ساختن خرابی های مملکت
- ۲۸۰ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با خواهران دانشجوی دانشگاه دماوند
- ۲۸۰ ----- گروه بندی ها و مطرح شدن مسائل شخصی بعد از پیروزی نیم رس انقلاب
- ۲۸۱ ----- گروه بندی های مختلف منفعت طلبان به منظور ایجاد اختلاف و فعالیت های تخریبی
- ۲۸۱ ----- تکلیف بر حفظ نهضت اسلامی و جاری نمودن احکام اسلام
- ۲۸۳ ----- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام آذری قمی
- ۲۸۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع بانوان اهواز
- ۲۸۶ ----- بیانات امام خمینی در دیدار اعضای هیئت بحرینی و کرد و پاسداران قائمیه
- ۲۸۶ ----- دشمنان در صدد بد جلوه دادن نهضت اسلامی هستند
- ۲۸۷ ----- امروز هر قدم کجی که برداشته شود به نام اسلام تمام می شود
- ۲۸۸ ----- کاری نکنیم که امام زمان (سلام الله علیه) پیش خدا خجالت بکشد
- ۲۸۹ ----- حکومتی که مردم حامی اش باشند، سقوط نمی کند
- ۲۸۹ ----- نگذارید عملی از شما صادر بشود که اجر شما از بین برود
- ۲۹۰ ----- در اسلام همه میزان، تقواست
- ۲۹۱ ----- بیانات امام خمینی در جمع جامعه ورزشکاران باستانی مشهد
- ۲۹۳ ----- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از جوانان اصفهان
- ۲۹۳ ----- امروز طرح مسائل تفرقه آمیز خلاف مصالح اسلام است
- ۲۹۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران اسلامی منطقه ۱۲ تهران
- ۲۹۴ ----- پاسداری از مکتب اسلام با عمل به قوانین و مقررات آن
- ۲۹۵ ----- پاسداری از هواهای نفسانی و رفتار دلسوزانه با مردم از اهم تکالیف است

- ۲۹۶----- تأکید بر حفظ حیثیت اسلام و جلوگیری از بهانه جوئی دشمنان
- ۲۹۸----- بیانات امام خمینی در جمع بانوان سواحل جنوب
- ۲۹۸----- تحول همه جانبه فکری و روحی را خداوند نصیب ملت کرد
- ۲۹۸----- این نهضت شما را از قید و بندها نجات داد
- ۲۹۹----- تأکید بر ادامه نهضت و انتخاب وکلای متدین و مطلع
- ۳۰۰----- بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور
- ۳۰۰----- واقعیت هر رژیمی از اجزاء آن رژیم معلوم می شود
- ۳۰۱----- همه ملت اسلام ، پاسدار اسلامند
- ۳۰۳----- کاری نکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده شود
- ۳۰۴----- متاع بزرگمان اسلام را آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم
- ۳۰۵----- بیانات امام خمینی در کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد
- ۳۰۵----- لزوم جلوگیری از خرید و فروش مواد مخدر و مبارزه با مطلق فساد
- ۳۰۶----- آن کسی که در سرحدات شلوغ کاری می کند و آن کسی که هروئین را در مملکت رواج می دهد هر دو طبق یک نقشه برای شکست این نهضت عمل می کنند
- ۳۰۹----- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و عشایر استان فارس و کهگیلویه
- ۳۰۹----- فقر و محرومیت موجود در جامعه ، میراثی بر جای مانده از رژیم منفور پهلوی
- ۳۱۰----- باید به مسئولین مملکتی که وارث خرابی است مهلت داد
- ۳۱۱----- نیاز به برقراری آرامش برای دفع آشوبگران و استقرار جمهوری اسلامی
- ۳۱۲----- برای تثبیت نظام ، باید به انتخاب اشخاص متعهد به اسلام همت گماشت
- ۳۱۴----- پیام امام خمینی در جمع گروهی از عشایر بویراحمد
- ۳۱۴----- سرکوبی و تضعیف عشائر ایران از اقدامات رضاخان برای جلوگیری از قیام یکپارچه آنان
- ۳۱۵----- ظلم و اختناق ، ویرانی و ایجاد نارضایتی از موجبات انفجار ملت
- ۳۱۵----- حفظ ایمان و وحدت کلمه و دفع توطئه ها ، رمز تداوم نهضت
- ۳۱۸----- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان آباد
- ۳۱۸----- نامحدود بودن شعاع بینش مکاتب توحیدی در تربیت انسان
- ۳۲۰----- بررسی تفاوت های اساسی میان حکومت اسلامی و حکومت های دیگر
- ۳۲۱----- ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 - مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 5-126-422-964؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 3-127-422-964؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

اشاره

- بیانات امام خمینی در جمع کارگران و کارکنان روزنامه کیهان ۵۸۳/۸
- ۱۸ - وظایف خطیر مطبوعات
- ۱۸ - آزادی واقعی یعنی اجرای قوانین اسلام
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و اهالی یزد ۵۸۳/۸
- ۲۱ - هدایت جامعه، وظیفه علمای اسلام است
- ۲۱ - امروز روزی است که باید اصول را حفظ کرد
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر قزوین ۵۸۳/۸
- ۲۳ - فساد و خرابی‌های معنوی از دستاوردهای رژیم سلطنتی
- ۲۳ - غریزگی، اسفناکترین نوع وابستگی
- ۲۵ - گرفتاری قلم‌های سوء، بدتر از گرفتاری سرنیزه
- بیانات امام خمینی در جمع بهلوانان ورزش باستانی ۵۸۳/۸
- ۲۶ - ما همه زنده‌ایم برای احیاء سنت پیغمبر اسلام (ص)
- ۲۶ - تمام مقصد ما باید اسلام باشد
- ۲۷ - استقرار حکومت الله به همت تمامی اقشار ملت
- ۲۸ - محبت اقتضا می‌کند که اختلاف در کار نباشد
- بیانات امام خمینی در جمع علمای سبزوار و بانوان محله چهارمردان قم ۵۸۳/۹
- ۲۹ - آنچه که تحمل مشقت را آسان می‌کند کار برای خداست
- ۲۹ - اشخاصی که قلم دست می‌گیرند برضد اسلام، برضد روحانیت، بشناسید آنها را
- ۳۰ - آزادی را اسلام به ما داد، قدر این آزادی و اسلام را بدانید
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون، فرهنگیان و مردم کرج ۵۸۳/۹
- ۳۱ - جدیت در حفظ حیثیت اسلام و شناساندن چهره حقیقی جمهوری اسلامی
- ۳۱ - سفارش عمومی به اقشار ملت در نظارت بر کلیه امور و اعتراض به اعمال خلاف اسلام
- ۳۳ - امور باید موافق اسلام باشد
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت قانمیه تهران ۵۸۳/۱۰
- ۳۶ - در قیام الله شکست راه ندارد
- ۳۶ - آنچه برای ما مهم است عمل به تکلیف شرعی است
- ۳۷ - جمهوری اسلامی همه‌اش باید اسلامی و بامحتوا باشد
- ۳۸

- ۴۰ - حفظ انقلاب درونی و تحول روحی، بالاترین پیروزی‌هاست
- ۴۲ - بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی دریایی بندرعباس ۵۸۳/۱۱
- ۴۲ - آزادی، امانت بزرگ الهی
- ۴۲ - خداوند با نعمت آزادی ما را امتحان می‌کند
- ۴۳ - آزادی را در صلاح ملت و صلاح کشور صرف کنید
- ۴۴ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان اهواز ۵۸۳/۱۱
- ۴۴ - نهضت اسلامی عامل مجتمع شدن همه اقشار
- ۴۴ - مقصدمان این نبود که فقط محمدرضا برود، مقصد اسلام است
- ۴۵ - ما دنبال تحقق اسلام هستیم، نه اسم اسلام
- ۴۶ - عمال اجانب چون از اسلام می‌ترسند، هر چیزی که ترویج از اسلام بکند از او می‌ترسند
- ۴۷ - می‌شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند
- ۴۸ - بیانات امام خمینی در دیدار با ورزشکاران و کارمندان سازمان تربیت بدنی ۵۸۳/۱۲
- ۴۸ - شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید
- ۴۸ - ما باید بیدار باشیم توطئه‌ها را خنثی کنیم
- ۴۹ - ورزشکاران با ایمان، پشتوانه ملت و اسلام
- ۵۰ - پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت ۱۵ خرداد ۵۸۳/۱۲
- ۵۳ - بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد ۵۸۳/۱۵
- ۵۳ - پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به راهنمایی روحانیت
- ۵۳ - نظر آن ملتی که نهضت را بوجود آورد و قدرت‌های بزرگ را شکست، میزان است
- ۵۵ - ای غرب‌زدگان! انسان‌های بی‌محتوا! به‌خود آئید
- ۵۶ - اسلام در همه وقت و خصوصاً حال قابل اجراست
- ۵۷ - من به شما اخطار می‌کنم که به اسلام وفادار باشید
- ۵۸ - قدرت روحانیت را که یک قدرت الهی است از دست ندهید
- ۵۸ - این مساجد است که نهضت را درست کرد
- ۵۹ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز ۵۸۳/۱۶
- ۵۹ - دانشگاه، مرکز تعیین سعادت و شقاوت ملت

- ۵۹ - رسالت انبیا، الهی کردن انسانها در همه ابعاد و جوانب
- ۶۰ - نجات اسلام و قرآن، انگیزه روح شهادت‌طلبی و ایشار ملت در انقلاب
- ۶۱ - برای اسلامی کردن دانشگاه جدید کنید
- ۶۱ - تمام مقصد ما اسلام است
- ۶۲ - امور مادی، مقدمه‌ای برای هدایت و رشد انسانها
- ۶۳ - کوشش کنید که انسان درست کنید
- ۶۵ - پیام امام خمینی به شیعیان لبنان ۵۸۳/۱۹
- ۶۶ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای هیأت شورای مرکزی آمار ایران ۵۸۳/۲۰
- ۶۶ - خواست و مقصد واحد اقشار ملت در نهضت، عنایتی الهی است
- ۶۶ - محقق ساختن احکام اسلام، ضامن دوام رحمت و عنایت الهی
- ۶۷ - استقلال فکری را از ما گرفته‌اند
- ۶۸ - اسلام انسان‌ساز است و غرب نابودکننده انسانیت
- ۷۰ - تداوم نهضت تا تحقق حکومت اسلام و قرآن
- ۷۲ - بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه ترکیه ۵۸۳/۲۱
- ۷۲ - اسلام برای تمام کشورها یک آرمانی است که در آن همه چیز هست
- ۷۲ - اسلام حکومت‌ها را موظف به خدمت کرده است
- ۷۶ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان ذرفول ۵۸۳/۲۱
- ۷۶ - مسؤولیت خطیر و شریف مادران و معلمان، تربیت انسانها
- ۷۷ - اصلاح و افساد جامعه در گرو نحوه تربیت معلمان
- ۷۸ - بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات ۵۸۳/۲۱
- ۷۸ - قضیه، قضیه اسلام است
- ۷۸ - تکلیف ملت، کوشش و جدیت برای اصلاح امور و سازندگی کشور تا تحقق جمهوری اسلامی
- ۷۹ - دستیابی به مملکتی نمونه با تحقق احکام و قوانین اسلام در همه ابعاد و جوانب مملکت
- ۸۱ - بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه پلیس تهران ۵۸۳/۲۱
- ۸۱ - سرنوشت یک ملت در دست دو قطب دانشگاه و روحانیت است
- ۸۲ - در رژیم طاغوت تعالیم دانشگاهی براساس غربزدگی بود

- ۸۲ - تربیت غرب انسان را از انسانیت خلع کرده
- ۸۳ - تنها مکتبهای توحیدی - الهی انسان‌سازند
- ۸۳ - زحمات پانزده ساله ملت برای تحقق یک مملکت اسلامی بود
- ۸۴ - مسؤلیت دانشگاه پلیس سنگین‌تر و حساستر از سایر قسمت‌هاست
- ۸۵ - بیانات امام خمینی در جمع وزیر امور خارجه و هیأت سفرای ایران در کشورهای خارج ۵۸۳/۲۲
- ۸۵ - شستشوی مغزی ملت ایران در جهت بی‌محتوایی و گرایش به غرب
- ۸۶ - توصیه به سفرای ایران در حفظ استقلال و عدم خودباختگی در برابر محافل غربی
- ۸۷ - بعد اسلامی و ایمانی نهضت را که موجب پیروزی شد حفظ کنید
- ۸۷ - تأکید فراوان بر شروع مطالب با «بسم الله الرحمن الرحیم»
- ۸۸ - لزوم برهیز از مجالس طاغوتی و برپائی محافل ساده اسلامی
- ۸۹ - بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر شوروی ۵۸۳/۲۲
- ۸۹ - از شوروی می‌خواهیم در افغانستان دخالت نکند
- ۸۹ - اگر تره‌کی به راه خود ادامه دهد، سرنوشتش سرنوشت محمدرضا خواهد بود
- ۹۱ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بناسداران شهر ری و بازاریان تهران ۵۸۳/۲۳
- ۹۱ - مقصد نهائی ملت، تحقق احکام اسلام در سراسر بلاد مسلمین
- ۹۱ - معنای آزادی در جمهوری اسلامی، آزادی عمل در چهارچوب قوانین اسلام
- ۹۲ - نعمت آزادی، امتحان الهی است
- ۹۲ - در جمهوری اسلامی همه‌چیز باید اسلامی باشند
- ۹۳ - نابودی نیروهای انسانی، از جنایات ۵۰ ساله خاندان پهلوی
- ۹۳ - وظیفه پاسداران، صیانت از اسلام و نفوس خود
- ۹۴ - بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان و درجه‌داران پادگان‌ها و یگان‌های شهرستان تبریز ۵۸۳/۲۳
- ۹۴ - تلاش گسترده ریشه‌های گندیده رژیم سابق
- ۹۵ - وظائف خطیر ارتش اسلام در رابطه با خدا و خلق
- ۹۸ - بیانات امام خمینی در جمع عشایر خوزستان ۵۸۳/۲۳
- ۹۸ - تحت ظلم و فشار بودن تمام اقشار در رژیم شاه
- ۹۸ - ایجاد تفرقه میان اقشار توسط ریشه‌های فاسد

- ۹۹ - سعی اخلاک‌گراں جهت عدم تحقق جمهوری اسلامی است
- ۹۹ - بسط اختلافات جزئی، راهی برای بازگشت اجانب
- ۱۰۱ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران ۵۸۳/۲۳
- ۱۰۱ - اعمال ضد مردمی عمال اجانب در لباس طرفداری از توده‌ها
- ۱۰۳ - نشینید تا خائنین دانشگاه را قبضه کنند
- ۱۰۴ - جلوگیری قاطعانه از اخلاک‌گراں مزدور
- ۱۰۵ - تکیه بر اصلاح دانشگاه، از طریق سخنرانی و روشنگری
- ۱۰۶ - خطر دشمنان به‌ظاهر دوست و لزوم اجتراز از آنان
- ۱۰۹ - بیانات امام خمینی در جمع پزشکان، کارکنان و گروهی از مجروحین بیمارستان شفاپنجتیان ۵۸۳/۲۴
- ۱۰۹ - همه جان‌ها فدای اسلام عزیز و احیاء آن است
- ۱۱۰ - پیام امام خمینی به آیت‌الله محمدباقر صدر ۵۸۳/۲۴
- ۱۱۱ - بیانات امام خمینی در جمع کارمندان بانک مرکزی ایران ۵۸۳/۲۴
- ۱۱۱ - این مملکت در طول پنجاه و چند سال با اسم تمدن رو به تباهی رفته است
- ۱۱۲ - تکلیف کارمندان بانک کوشش در جهت اصلاح مفاصل آن است
- ۱۱۲ - ما می‌خواهیم همه‌جا یک رنگ اسلامی پیدا کند
- ۱۱۳ - بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم ۵۸۳/۲۵
- ۱۱۳ - هرگاه برای اسلام احساس خطر کنم تکلیفم را ادا می‌کنم
- ۱۱۳ - امروز طرح اشکال، یا توطئه است یا جهالت
- ۱۱۴ - با به تعویق افتادن تصویب قانون اساسی باید فاتحه اسلام را خوانند
- ۱۱۴ - طرح مجلس مؤسسان الهام گرفته از شیاطین و خطری برای اسلام است
- ۱۱۵ - چه کسانی رفرا ندم را تحریم کردند؟
- ۱۱۵ - اینقدر تحت تأثیر غریزه‌ها نباشید
- ۱۱۶ - صلاح اسلام و مسلمین در تصویب قانون اساسی است
- ۱۱۷ - بیانات امام خمینی در جمع روحانیون، وعاظ و گویندگان مشهد ۵۸۳/۲۵
- ۱۱۷ - «ولانها ولا تحزنوا وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین»
- ۱۲۰ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مختلف مردم ۵۸۳/۲۵
- ۱۲۰ - پیروزی بی‌نظیر ملت و شکست مفتضحانه شاه و عمالش در تاریخ ثبت گردید

- ۱۲۱ - عدم صلاحیت حقوقدانان غربزده در تدوین قانون اساسی
- ۱۲۲ - میزان، رأی ملت است
- ۱۲۳ - یکتدری در مطالباتان تعقل کنید، نگذارید ملت به تنگ بیاید
- ۱۲۴ - امروز اختلاف سلیقه و تشنیت برخلاف مسیر ملت است
- ۱۲۵ - صفوف خود را از غربزدگان و عمال رژیم فاسد جدا سازید
- ۱۲۵ - ترس غربزدگان از روحانی و دانشگاهی صالح
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه و عاظم تهران ۵۸۳/۲۶
- ۱۲۷ - در صدر اسلام، مسجد مرکز فعالیت‌های سیاسی بوده است
- ۱۲۷ - تبلیغات دامن‌دار جهت جدا نمودن روحانیت از سیاست
- ۱۲۹ - ایجاد تحول روحی در جامعه، اراده الهی بود
- ۱۳۰ - مخالفین، با جمهوری مخالف نیستند با اسلام مخالفند
- ۱۳۰ - ما می‌خواهیم مملکت اسلامی درست کنیم، نه غربی
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی جوانان و حزب جمهوری اسلامی و فرهنگیان شهرستان ملایر ۵۸۳/۲۶
- ۱۳۳ - قدرت اسلام عامل تجمع طوایف مختلف در زیر یک سقف
- ۱۳۴ - لزوم شرکت در جهاد سازندگی به‌عنوان یک وظیفه الهی
- پیام امام خمینی به ملت ایران در مورد تشکیل جهاد سازندگی ۵۸۳/۲۶
- ۱۳۷ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم تهران، نمایندگان کارکنان کشتار گناه-اصفهان و عشایر کرد ۵۸۳/۲۷
- ۱۳۷ - توجه کنید که ما مسلمانیم و فقط قانون اسلام را می‌خواهیم
- ۱۳۸ - شما عشایر محترم خرابکاران را در بین خود راه نداده هدایت‌شان کنید
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن ندای اسلام قم ۵۸۳/۲۸
- ۱۳۹ - باید تمامی هم و غمتان متوجه مسائل اصولی مثل تصویب قانون اساسی باشد
- ۱۴۱ - تکلیف بر گسترش مساجد، این مراکز تبلیغات اسلام و بسیج قشون
- پیام امام خمینی به زیستکار دستن رئیس جمهور فرانسه ۵۸۳/۲۸
- ۱۴۲ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران مسجد نسی اکرم (ص) تهران ۵۸۳/۲۸
- ۱۴۲ - به غیر اسلام نباید فکر کنیم

- ۱۴۳ - این تحولی بود که به دست خدا واقع شد
- ۱۴۴ - حفظ عنایت خدا منشأ تمام پیروزی‌هاست
- ۱۴۵ - شما که موعظه خدا را پذیرفتید حافظ آن باشید
- ۱۴۶ - باید قانون اساسی را به نفع اسلام تحکیم بخشیم
- ۱۴۷ - بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب الزهرا و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم ۵۸۳/۲۸
- ۱۴۷ - بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند
- ۱۴۸ - این قدرت ایمان بود که شما را به خیابان‌ها کشید
- ۱۴۸ - قدرت ایمان را برای رسیدن به جمهوری اسلامی حفظ کنید
- ۱۴۹ - اگر هر کسی در هر پستی هست آنجا را خوب اداره کند، مملکت خوب می‌شود
- ۱۵۰ - شیاطین در پی آنند که نگذارند قانون اساسی تصویب شود
- ۱۵۱ - فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام نوری ۵۸۳/۳۰
- ۱۵۲ - بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و علمای خراسان ۵۸۳/۳۰
- ۱۵۲ - درباره قانون اساسی اسلام، اسلام‌شناسی باید نظر بدهد نه روشنفکران خارجی
- ۱۵۳ - لزوم انتخاب علمای اسلام‌شناس و آشنا به مسائل روز جهت نمایندگی مجلس
- ۱۵۴ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از طلاب حوزه علمیه مشهد ۵۸۳/۳۰
- ۱۵۴ - اصل حرکت روحانیت و سایر اقشار ملت، جایگزین نمودن اسلام به جای طاغوت است
- ۱۵۵ - اظهار نظر در مورد قانون اسلام بر عهده «اسلام‌شناس» است نه روشنفکران خارجی!
- ۱۵۶ - لزوم جدیت ملت در انتخاب علماء مطلع برای تدوین قانون اساسی و تعیین سرنوشت
- ۱۵۸ - بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و فرهنگیان پابل ۵۸۳/۳۰
- ۱۵۸ - دو قوه مادی و معنوی انسان وقتی ارزش دارد که در خدمت خدا باشد
- ۱۵۹ - ممالک به اصطلاح اسلامی تمامشان مشترک المنافع و پشتیبان یکدیگر هستند
- ۱۵۹ - قدرت الهی باعث جمع شدن قوای روحانی و قوای مادی شد
- ۱۶۱ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت اعزامی از سیستان و

- بسلوچستان ۵۸۳/۳۰
- ۱۶۱ - بنابراین بود که فرهنگ ما را از بین ببرند
- ۱۶۱ - تحصیل استقلال برای مملکت با تصویب قانون اساسی
- ۱۶۲ - جاهائی که عقب افتاده است، مقدم است
- ۱۶۴ بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت نیوزیلندی ۵۸۳/۳۱
- ۱۶۵ بیانات امام خمینی در جمع علما و روحانیون مشهد ۵۸۳/۳۱
- ۱۶۵ - این عنایت الهی بود که یک ملتی که هیچ نداشت، توانست بر قدرت هائی که همه چیز داشتند غلبه کند
- ۱۶۶ - آنکه مردم خویشان را در راه او دادند، اسلام بود
- ۱۶۷ - به اسم اسلام لطمه بر حیثیت اسلام زدند
- ۱۶۷ - محدودیت پادشاه و کیفر در دنیای مادی گواهی بر وجود یک عالم نامتناهی است
- بیانات امام خمینی خطاب به وزیر امور اقتصاد و دارایی و معاونین این وزارتخانه ۵۸۳/۳۱
- ۱۶۹ - از وجوه تمایز حکومت اسلامی با حکومت طاغوت، «داشتن پناگاه مردمی» است
- ۱۷۱ - خمس تمام عایدی یک مملکت در سال رقم هنگفتی است که می تواند کشور را اداره کند
- ۱۷۲ - امر بر جدیت مسؤولین در رفتار نیک با مردم و ایجاد یک محیط برادری
- ۱۷۳ - روش بررسی قانون اساسی و تصویب آن در دنیا نمونه است
- ۱۷۶ بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر یمن شمالی ۵۸۴/۱
- ۱۷۷ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن کاراته ایران ۵۸۴/۱
- ۱۷۸ پاسخ امام خمینی به نامه آقای یوسف کر معلی ۵۸۴/۱
- ۱۷۹ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان لنگرود و پاسداران انقلاب اسلامی همدان ۵۸۴/۲
- ۱۷۹ - رسالت انبیا، تزکیه نفوس و مهار جهات مادی افسار گسیخته انسان
- ۱۸۰ - برطبق موازین کتاب و سنت اعمال قدرت کنید
- ۱۸۱ - مسؤولیت خطیر روحانیون در حفظ حیثیت اسلام

- ۱۸۳ - پاسدار و محور قرآن و اسلام باشید
- ۱۸۴ پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف ۵۷۴/۲
- ۱۸۵ پیام امام خمینی به اهالی آذربایجان در مورد کمک به سیلزدگان ۵۷۴/۲
- ۱۸۶ بیانات امام خمینی در جمع طلاب و روحانیون مدرسه ولی عصر شهرستان
تبریز ۵۷۴/۲
- ۱۸۸ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت
تهران ۵۷۴/۳
- ۱۸۸ - هجوم اشخاص فرصت طلب و قبضه امور، پس از پیروزی نهضت
- ۱۸۹ - همه اقتدار از اختلاف و تفرق که مضر برای اسلام و ملت است برهیز کنند
- ۱۹۰ پیام امام خمینی به مردم فردوس ۵۷۴/۳
- ۱۹۱ بیانات امام خمینی در جمع طلاب حوزه علمیه اصفهان ۵۷۴/۳
- ۱۹۱ - وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا سرمنشأ همه کمالات است
- ۱۹۱ - نیل به مقام انسانیت، با منزّه شدن از تعلقات دنیوی
- ۱۹۲ - با تعلم و تهذیب نفس به جند الهی وارد شوید
- ۱۹۴ بیانات امام خمینی در جمع مردم اردکان فارس ۵۷۴/۴
- ۱۹۴ - پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی و اسلامی
- ۱۹۴ - اصل، محفوظ ماندن مکتب است نه به دست آوردن پیروزی ظاهر
- ۱۹۵ - هشدار به رعایت حدود و عمل به موازین شرعی برای پیشگیری از شکست
- ۱۹۸ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان شیلات جنوب ۵۷۴/۴
- ۱۹۸ - همه موظفیم که خودمان را اصلاح کنیم
- ۱۹۸ - تلاش شیاطین برای ایجاد تفرقه و فساد میان اقشار مردم
- ۱۹۹ بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی همدان ۵۷۴/۴
- ۱۹۹ - خویشنداری و حفظ احکام اسلام بالاترین پاسداری است
- ۱۹۹ - وظیفه خطیر پاسداران خدمت صادقانه برطبق موازین اسلام است
- ۲۰۰ - کوشش در اصلاح خویش و دفع توطئه گران

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قرچک و رامین ۵۸۴/۴
- ۲۰۱ — در مملکت اسلامی غیر قانون خدا هیچ چیز حکومتی ندارد
- ۲۰۱ — آزادی باید منطقی و طبق قانون الهی باشد
- ۲۰۲ — اصلاح و تهذیب نفس، مسؤلیتی خطیر برای تحقق احکام اسلام
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قم و کارمندان شرکت نفت آبادان ۵۸۴/۵
- ۲۰۴ — هر جنبشی که این صد سال اخیر شده از طرف روحانیون بوده است
- ۲۰۷ — توجه و هوشیاری در مقابل توطئه شیاطین، برضد اسلام و روحانیت
- ۲۰۸ — تنها با تمسک به حبل الله و وحدت کلمه پیروزی تثبیت می شود
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان کارخانه اتمسفر ایران ۵۸۴/۵
- ۲۰۹ — اساس اقتصادی کشورها بسته به وجود کارگر و کشاورز است
- ۲۰۹ — به نمر رساندن نهضت، به ید قدرت کارگران و جوانان برومند
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان ۵۸۴/۵
- ۲۱۱ — مقدمترین جهادها، سازندگی انسان و جهاد اکبر است
- ۲۱۲ — برای خدمت به اسلام و کشور کوشش کنید
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علمای اصفهان ۵۸۴/۵
- ۲۱۳ — اصفهان، مرکز علم و علمای بزرگ اسلام
- ۲۱۳ — تکلیف ما، حفظ و جاهت و ترویج اسلام
- ۲۱۴ — پیش نویس قانون اساسی را بررسی، و نظریات خود را اعلام کنید
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران ۵۸۴/۶
- ۲۱۵ — ضرر عالم بی تهذیب بیشتر از جاهل بی دانش است
- ۲۱۵ — نوک نیز حمله اجانب همیشه متوجه دو قشر روحانی و دانشگاهی بوده است
- ۲۱۸ — در برابر نقشه های اجانب بیدار باشید
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران منطقه ۱۲ تهران ۵۸۴/۶
- ۲۱۹ — پاسدار باید خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند
- ۲۲۰ — اعمال شما تحت مراقبت و مناقشه دشمنان است
- ۲۲۱ — سعی کنید طوری رفتار کنید که خدا این تکلیف الهی را قبول کند
- پیام امام خمینی به مردم مرودشت ۵۸۴/۶
- ۲۲۲

- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم ۵۸/۴/۷ ۲۲۳
- ۲۲۳ - موضوع علم انبیا تربیت انسان است
- ۲۲۴ - همه موجودات عالم اسماء خدا هستند
- ۲۲۵ - صراط مستقیم از علق شروع می‌شود و تا الوهیت ادامه می‌یابد
- ۲۲۵ - مقام انسانیت با قرائت به اسم رب حاصل می‌شود
- ۲۲۶ - با اسم خدا و با محبت و رحمت به اصلاح انحرافات پردازید
- ۲۲۸ - جاری نمودن حدود الهی در جامعه یعنی رحمت بر امت
- ۲۲۹ - دعوت اقتدار ملت به وحدت با تشبیه به حبل‌الله
- ۲۳۰ - پرهیز از اعمال انحرافی و خلاف موازین به منظور حفاظت از مکتب
- ۲۳۱ - تأکید بر انتخاب وکلای متدین و مطلع برای تعیین سرنوشت اسلام
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مهندسين وزارت کشاورزی عازم کشور اتحاد جماهیر شوروی ۵۸/۴/۸ ۲۳۴
- پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار ۵۸/۴/۹ ۲۳۶
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مسخارات (تلفن بسین شهری) ۵۸/۴/۱۰ ۲۳۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت شرکت کنندگان در محاسبات وزارت دارایی ۵۸/۴/۱۰ ۲۴۰
- ۲۴۰ - درس عبرت از سرانجام فلاکت بار حکام ظلم و جور و غیرمردمی
- ۲۴۲ - تکلیف بر کمک و همیاری اقشار برای آباد ساختن خرابی‌های مملکت
- بیانات امام خمینی در دیدار با خواهران دانشجوی دانشگاه دماوند ۵۸/۴/۱۱ ۲۴۴
- ۲۴۴ - گروه بندی‌ها و مطرح شدن مسائل شخصی بعد از پیروزی نیم‌رس انقلاب
- ۲۴۵ - گروه بندی‌های مختلف منفع‌طلبان به‌منظور ایجاد اختلاف و فعالیت‌های تخریبی
- ۲۴۵ - تکلیف بر حفظ نهضت اسلامی و جاری نمودن احکام اسلام
- فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام آذری قمی ۵۸/۴/۱۱ ۲۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع بانوان اهواز ۵۸/۴/۱۱ ۲۴۸
- بیانات امام خمینی در دیدار با اعضای هیأت‌های بحرینی و کرد و پاسداران ۲۵۰

- فائمه ۵۸/۴/۱۲
- ۲۵۰ - دشمنان در صدد بد جلوه دادن نهضت اسلامی هستند
- ۲۵۱ - امروز هر قدم کجی که برداشته شود به نام اسلام تمام می‌شود
- ۲۵۲ - کاری نکنیم که امام زمان سلام‌الله علیه پیش خدا خجالت بکشد
- ۲۵۳ - حکومتی که مردم حامی‌اش باشند، سقوط نمی‌کند
- ۲۵۳ - نگذارید عملی از شما صادر بشود که اجر شما از بین برود
- ۲۵۴ - در اسلام همه میزان، تقواست
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای جامعه ورزشکاران باستانی مشهد ۵۸/۴/۱۲
- ۲۵۵
- ۲۵۷ - بیانات امام خمینی در جمع گروهی از جوانان اصفهان ۵۸/۴/۱۲
- ۲۵۷ - امروز طرح مسائل تفرقه‌آمیز خلاف مصالح اسلام است
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۱۲ تهران ۵۸/۴/۱۲
- ۲۵۸ - پاسداری از مکتب اسلام با عمل به قوانین و مقررات آن
- ۲۵۸ - پاسداری از هواهای نفسانی و رفتار دلسوزانه با مردم از اهم تکالیف است
- ۲۵۹ - تأکید بر حفظ حیثیت اسلام و جلوگیری از بهانه‌جویی دشمنان
- ۲۶۰
- بیانات امام خمینی در جمع بانوان سواحل جنوب ۵۸/۴/۱۲
- ۲۶۲ - تحول همه‌جانبه فکری و روحی را خداوند نصیب ملت کرد
- ۲۶۲ - این نهضت شما را از قید و بندها نجات داد
- ۲۶۳ - تأکید بر ادامه نهضت و انتخاب وکلای متدین و مطلع
- بیانات امام خمینی در جمع مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور ۵۸/۴/۱۲
- ۲۶۴ - واقعیت هر رژیمی از اجزاء آن رژیم معلوم می‌شود
- ۲۶۵ - همه ملت اسلام، پاسدار اسلامند
- ۲۶۷ - کاری نکنیم که امام زمان سلام‌الله علیه پیش خدا شرمنده شود
- ۲۶۸ - مناع بزرگمان اسلام را آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد ۵۸/۴/۱۲
- ۲۶۹ - لزوم جلوگیری از خرید و فروش مواد مخدر و مبارزه با مطلق فساد
- ۲۶۹ - آن کسی که در سرحدات شلوغکاری می‌کند و آن کسی که هر نفسین را در مملکت رواج می‌دهد هر دو طبق یک نقشه برای شکست این نهضت عمل می‌کنند
- ۲۷۰

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و عشایر استان فارس و کهگیلویه
۵۸۴/۱۲

۲۷۳ - فقر و محرومیت موجود در جامعه، میراثی بر جای مانده از رژیم منغور بهلوی

۲۷۴ - باید به مسئولین مملکتی که وارث خرابی است مهلت داد

۲۷۵ - نیاز به برقراری آرامش برای دفع آشوبگران و استقرار جمهوری اسلامی

۲۷۶ - برای تثبیت نظام، باید به انتخاب اشخاص متعهد به اسلام همت گماشت

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از عشایر بویر احمد ۵۸۴/۱۳

۲۷۸ - سرکوبی و تضعیف عشایر ایران از اقدامات رضاخان برای جلوگیری از قیام
یکپارچه آنان

۲۷۹ - ظلم و اختناق، ویرانی و ایجاد نارضایتی از موجبات انفجار ملت

۲۷۹ - حفظ ایمان و وحدت کلمه و دفع توطئه‌ها، رمز تداوم نهضت

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان آباده ۵۸۴/۱۴

۲۸۲ - نامحدود بودن شعاع بیش مکاتب توحیدی در تربیت انسان

۲۸۴ - بررسی تفاوت‌های اساسی میان حکومت اسلامی و حکومت‌های دیگر

۲۸۵ - ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامي، 1364.

مشخصات ظاهري: ج.

وضعيت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی: 8563402

ص: 15

پیام امام خمینی به حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در مورد ترور نافر جام ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام مجاهد متعهد آقای هاشمی عزیز مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد از بیمارستان پیام داد به رضاخان بگویند من زنده هستم . مدرس حالا هم زنده است . مردان تاریخ تا آخر زنده هستند . بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است . آمریکا و دیگر ابر قدرت ها بدانند ملت ما زنده است . اجتماعات عظیم این دو سه روز شاهد زنده بودن انقلاب است . اینان با این تلاش های احمقانه نمی توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند نمی توانند شخصیت انسانی اسلامی مطهری و هاشمی را ترور کنند هر چند ترورها حساب شده و سازمان یافته باشند و از لابه لای آنها جای پای ابر قدرتها و جنایتکاران بین المللی به چشم بخورد . ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه ها مقاومت کند توطئه ها را بشکند با کمال مراقبت انقلابی این جنایتکاران را شناسایی کنند و به دادگاههای انقلابی معرفی کنند . پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظفند از این شخصیت های ارزنده انقلابی حفاظت کنند و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند اگر چه خود آنان راضی نباشند . ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد و اجازه دخالت خیانتکاران را در کشور خود ندهد . ما ملت های بزرگ اسلامی را به همکاری در این نهضت اسلامی ایران دعوت می کنیم . باید دست جنایتکاران از ممالک اسلامی و از عموم مستضعفین قطع شود و وعده الهی نسبت به اقشار ملت های اسلامی تحقق یابد . من به آقای هاشمی فرزند برومند اسلام تبریک می گویم که در راه هدف تا نزدیک شهادت به پیش رفت و سلامت و ادامه خدمت ایشان را از خدای تعالی خواستارم .

والسلام علیکم وعلی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 1

بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه امداد بروجرد

برای اصلاح آشفته‌گی‌ها همه ما باید گروه امداد باشیم

بسم الله الرحمن الرحيم

زحمات شما پیش خدای تبارک و تعالی محفوظ است. ما همه باید گروه امداد باشیم. اسلام همه مردم را به رعایت یکدیگر دعوت فرموده اند (کلکم راع) همه ما مسوولیم و (کلکم مسوول) همه باید رعایت همه ملت را بکنیم و همه باید از لشکر اسلام باشیم و از گروه امداد. شما البته به این اسم مسمی هستید و امیدوارم که عملتان موافق با اسم باشد. همین طوری که اسمتان گروه امداد است و تا حالا امداد کردید، از این به بعد هم به برادران خودتان، به کشور خودتان، به شهر خودتان گروه امداد باشید و مطابق با آنچه خدای تبارک و تعالی فرموده است مطابق دستورات او عمل کنید و دعا کنید که همه ما گروه امداد باشیم و همه عمل کنیم به وظائف اسلامی خودمان. امروز ایران محتاج است به گروه امداد. ایران محتاج است که همه گروه‌ها گروه امداد باشند برای آنکه آن چیزی که برای ایران گذاشته اند خرابی است، آشفته‌گی است و با امداد همه باید این آشفته‌گی‌ها رفع بشود.

تلاش مذبحخانه مخالفین نهضت برای ایجاد جو بدبینی و متوقف ساختن مردم

یکی از امدادهائی که ملت می‌توانند بکنند این است که ایرادها را کم بکنند. الان وقت این است که ما باز این نهضت را به پیش ببریم وقت این نیست که ایراد بکنیم. آنهایی که وادار می‌کنند مردم را به ایراد، آنها می‌خواهند نهضت پیش نرود، آنها از پیشرفت نهضت نگران هستند می‌دانند که اگر این نهضت پیش برود برای آنها دیگر جائی نیست از این جهت اشکال تراشی می‌کنند. مردم را وادار به ایراد می‌کنند وادار به ایراد می‌کنند. و اینها برای این است که متوقف کنند مردم را یا بدبین کنند. گاهی می‌گویند که (خوب چه شده است تا حالا که چیزی نشده است). ملت می‌داند که چه شده است دنیا هم می‌داند که چه شده است و از این شده‌ها نگرانند اینهایی که می‌گویند چه شده است از این شدن‌ها نگرانند برای اینکه آنچه شده است این بوده است که تمام متفکرین دنیا را به تحیر واداشته است. يك ملتی که به دستش هیچ نبود قدرت‌های بزرگ را شکست، آزادی برای خودش تهیه کرده. (چه شده است) یعنی چه؟ الان این شده است که ما نشسته ایم. با هم. آزاد با هم صحبت می‌کنیم. در چند سال پیش يك چنین اجتماعی، کمتر از این هم برای ما ممکن نبود برای شما ممکن نبود. ما الان دست

دیگران را از سر مملکت‌مان کوتاه کرده ایم و چند وقت پیش از این هر چه بود آنها می بردند حالا نمی برند . اینها که می گویند (چه شده است) برای این است که مردم را بدبین کنند و اشخاص غافل هستند ، شاید بسیاری از این (چه شده است) بسیاری غفلت بکنند و اگر اینها بگذارند چیزهایی دیگر هم می شود لکن البته به تدریج باید این آشفتگی ها رفع بشود . همه ایران باید گروه امداد باشند . اگر همه گروه امداد شدند و رفع این اشکالات همه خواهد شد و اگر ایرادگیر شوند اشکالات رفع نمی شود و احتمال اینکه يك وقتی خدای نخواستہ به عقب برگردیم ، يك وقت شکست بخوریم ، يك وقت باز همان مسائل برگردد هست . انشاءالله خداوند شما را گروه امداد برای اسلام قرار بدهد و اجر گروه امداد را به شما عنایت کند و همه موفق و موید باشید و همه باشیم برای خدمت انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 3

بیانات امام خمینی در جمع پرسنل شهربانی کاشان

عبرت گرفتن از تاریخ موجود

بسم الله الرحمن الرحيم

چیزهائی که در دنیا اتفاق می افتد که آنها تاریخ را تحقق می دهد، این برای عبرت گرفتن ما، سرمشق بودن برای ماست. از جمله این قضیه‌های که در ایران اتفاق افتاد. پنجاه و چند سال سلطنت غاصبانه رژیم پهلوی که سرتاسرش مشحون بود از کارهائی که مخالف مسیر ملت بود که شاید اکثرش را شماها یادتان نیست، شماها جوانید، من از اولش بودم، از آن وقتی که کودتا شد، کودتای رضا شاه شد تا حالا ناظر قضایا بوده‌ام. کارهایشان گاهی به ظاهر خیلی فریبنده بود لکن برخلاف مسیر ملت بود. وقتی که او آمد ابتدائاً شروع کرد به اظهار دیانت و اظهار چه و روضه خوانی و سینه زنی و گاهی ماه محرم در همه (در تهران) همه تکیه هائی که در تهران بود می رفت می گردید خودش تا وقتی که سوار مطلب شد، سلطه پیدا کرد.

همین آدمی که اینطور مجلس روضه داشت، هم آنطور سینه زن و ارتش می آمد به سینه زنی (که من خودم دسته های ارتش را هم دیدم) . همین آدم شروع کرد به ضد او عمل کردن، تا قبل از اینکه قدرت پیدا بکند، خواست برای بازی دادن مردم آنطور امور را انجام داد، وقتی که قدرت پیدا کرد درست بر ضد آن کارهائی که کرده بود شروع کرد به فعالیت، من جمله همین آدمی که این دستگاه روضه را داشت همچو قدغن کرد دستگاه خطابه و وعظ و روضه و همه اینها را، که در تمام ایران شاید يك مجلس علنی نبود، اگر بود در خفا، در بعضی شهرها در خفا و به صورت های مختلف و با اسم های مختلف. چیزهائی که موجب نارضایتی مردم بود انجام می داد، مثل قضیه کشف حجاب. کشف حجاب شما نمیدانید آنوقت چه مصیبتی برای مردم بود، نمی دانید چه کرد و مامورها چه کردند با مردم و با زن ها که اسباب نارضایتی عموم مردم بود، منتها قدرت زیاد شده بود، مردم هم هدایت نمی شدند با يك مثلاً قدرت هائی، از این جهت نمی توانستند کاری بکنند لکن عقده ها زیاد بود. بعد هم شروع کرد به اسم اینکه می خواهد قدرت مرکزی را درست کند، عشایر که همه شان، البته در عشائر يك اشخاص غیرباب هم بود، لکن اینها يك پشتوانه‌ای برای ملت بودند، تمام اینها را از بین برد و آنطور فشار آورد به مردم و نارضایتی ایجاد کرد که وقتی که آن سه قدرت خارجی در جنگ عمومی اینها حمله کردند به ایران، آمریکا و انگلستان و روسیه، اینها همه با هم حمله کردند، در جایی که مخالفت با آلمان

می خواستند بکنند حمله کردند به ایران ، در عین حالی که همه چیز ایران در خطر بود و مردم برای همه چیزشان نگران بودند ، لکن وقتی گفتند که رضاخان را اینها برده اند مردم شادی می کردند . اینطور رفتار کرد ، رفتار غیر عقلانی ، رفتاری که برای خاطر انگلستان بود . آنوقت انگلستان این را آورد روی کار ، بعد از او نوبت به پسرش رسید که این را دیگر بیشتر شما یادتان است این هم کارهایی کرد که به حسب صورت فریبنده بود لکن کم کم هی هر چه پرده بالا رفت دیدند که بر خلاف مسیر ملت است . ملت با او مخالف شد منتها در طول این سی و چند سالی که بود ، هی عقده ها روی هم آمد ، عقده های مردم روی هم آمد و هی نارضایتی ها زیاد شد و هی خدمت های او به اجانب یکی بعد از دیگری هی فاش شد تا رسید به آنجا که من شاید مکرر این را در بعضی از صحبت هایم گفتم که نکن کاری که وقتی بروی ، همه مردم شادی کنند ، نکن این کاری را که همین مطلب را ، که وقتی که پدر تو رفت همه شادی کردند در عین حالی که همه در خطر بودند ، تو نکن این کار را ، که وقتی رفتی همه شادی کنند . حکومت اگر حکومت ملی باشد و به دست ملت یک حکومتی وجود پیدا بکند ، چون از خودشان است ، اگر یک وقتی از بین برود همه ناراحت می شوند ، اگر بخواهد از بین برود ، همه پشتیبانش هستند ، لکن حکومت اگر چنانچه پایه قدرتش بر دوش ملت نباشد ، به این وضع در می آید که آن روزی که می گویند رفت ، خیابان ها آنطور شد که دیدید (من نبودم لکن نقل می کنند) شادی ها آنطور شد که دیدید . همان که من به او تبه دادم که نکن که اینطور بشود . این باید مایه تبه برای ماها بشود ، فرق نمی کند ، یک قدرتی که در راس است و همه مملکت تحت سیطره اش است ، یا یک قدرتی که در یک استان است ، یا یک قدرتی که در یک شهر است ، یا یک قصبه است ، اگر چنانچه عقل داشته باشند ، قدرت ها باید از این تاریخ موجود عبرت ببرند که وقتی حکومتی پایه قدرتش به دوش ملت نباشد و ملت با قلبش با آن موافق نباشند ، هر چه قدرتمند باشد هم نمی تواند پایداری کند . دیدید که قدرت خودش چه بود و علاوه بر او همه قدرت ها با او موافق بودند ، یعنی ما در تمام دنیا یک کسی که با او مخالف باشد حالا شاید یک نفر مثلاً یکی از دولت ها شاید آن هم اظهار می کرد حالا راست گفته یا نه نمی دانم اما تمام دول بزرگ با او موافق بودند . ابرقدرت ها موافق بودند ، تمام دول غربی با او موافق بودند ، این خلیج و این کویت و این _ عرض می کنم که _ دول عربی با او موافق بودند ، در عین حال چون پایه قدرت بر قلوب مردم نبود ، روی دوش ملت نبود ، همه قدرت ها دستشان را روی هم گذاشتند که و قدرت هایشان را روی هم گذاشتند که نگه دارند او را و نتوانستند ، رفت ! این یک تاریخ موجود است و باید برای ما همه عبرت باشد .

فرو ریختن حکومت نتیجه از دست دادن پایگاه ملی است

شما که در شهربانی کاشان هستید ، آن هم که در شهربانی قم است ، آن هم که رئیس شهربانی کل است ، آن هم که رئیس ارتش کل است ، آن هم که رئیس ژاندارمری کل است ، آن هم که رئیس دولت است ، اینها توجه داشته باشند که آن که می تواند اینها را نگه دارد و حفظ کند ، ملت است ، ملت است ، ملت

می تواند این قدرت ها را حفظ کند ، اگر ملت پشتیبان این جمعیت شد ، اینها همه کاری می توانند بکنند و اگر ملت يك وقتی نارضایتی پیدا کرد ، اگر امروز صحبت نکنند ، چند روز دیگر صدایشان در می آید چند وقت دیگر صدایشان در می آید ، آن روزی که ملت صدایش در بیاید دیگر نمی تواند يك قدرتی با او مقابله بکند . از این جهت باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که اینکه ملت را راضی می کند این است که ببینند که شهربانی برای آنهاست ، نه شهربانی ضد آنهاست . در زمان طاغوت مردم شهربانی را ، ارتش را ، ژاندارمری را ، دولت را تا برسد به خود آن آدم ضد خودشان می دیدند ، اگر هم فرض کنیم يك شهربانی یا يك رئیس شهربانی بود که این موافق با ملت بود ، نمی توانست عملی بکند که مردم احساس کنند که این موافق است و لهذا خوب و بدش در نظر همه مردم بد بود و آن پایگاهی که باید از آن اول تا آن آخر داشته باشد ، در ملت آن پایگاه را از دست داد . وقتی نباشد که پایگاه ملت از دست رفت و نتوانستند هم جوری بکنند که دوباره اعاده اش بکنند ، این است که فرو می ریزد . این الان برای شما و ما و همه قشرهای دولت و ملت و خصوصاً قشرهایی که قوای انتظامی هستند ، این باید يك سرمشق و يك الگو باشد که ببینیم که يك قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد ، این قدرت نمی تواند بایستد سرپای خودش . يك قدرت ولو بزرگ نباشد ، اگر پایگاه ملی داشته باشد ، این غلبه می کند .

کاری کنید که دل مردم را بدست بیاورید

کوشش کنید که پایگاه ملی برای خودتان درست کنید ، این به این است که گمان نکنید که شما صاحب مقام هستید ، منصب هستید و باید به مردم فشار بیاورید . هر چه صاحب منصب ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد ، مردم بفهمند که هر درجهای که این بالا می رود با مردم متواضع تر می شود . اگر يك همچو کاری شد و يك چنین توجهی به مسائل شد و يك همچو عبرتی از تاریخ برای ما شد ، هر قوهای پایگاه ملی پیدا می کند و پایگاه ملی حافظ اوست ، حفظ می کند او را . شهربانی هر شهری اگر چنانچه در خدمت مردم باشد ، اینطور نباشد که مردم وقتی اسم کلانتری را بشنوند ، بلرزند به خودشان ، وقتی بخواهند بروند طرف کلانتری مثل اینکه طرف حبس دارند می روند یا طرف کشتارگاه می روند ، خیال کنند دارند طرف منزلشان می روند و طرف جایی می روند که عدالت در آن هست ، جایی می روند که ظلم در آن نیست ، جایی می روند که با مردم دوست هست ، نه دشمن ، اگر اینطور شد ، دلهای مردم متوجه می شود . مردم زود راضی می شوند ، مردم نفوس شان اینطور است که زود راضی می شوند ، يك نوازش از يك نفر صاحب منصب برای مردم کافی است که تا مدت ها اینها دلشان راضی باشد از او . کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید . پایگاه پیدا کنید در بین مردم . وقتی پایگاه پیدا کردید ، خدا از شما راضی است ، ملت از شما راضی است ، قدرت در دست شما باقی می ماند و مردم هم پشتیبان شما هستند . اگر يك کسی بیاید بخواهد به شما يك تعدی بکند ، ملت به او حمله می کند . به خلاف اینکه اگر مردم دیدند که اینها با آنها نیستند ، اینها دشمن آنها هستند ، اگر يك کسی بیاید ، يك دزدی

بیاید بخواهد به شما حمله کند، آنها کمکش هم می کنند. این يك مطلبی است که الان ما از این تاریخ موجودی که بر ما گذشت باید عبرت بگیریم و بدانیم که اگر پایگاه داشت این مرد بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضاء مردم، هرگز این قدرت به هم نمی خورد، هرگز مخالفت با او نمی شد لکن مع الاسف همه قدرتش را روی هم گذاشت بر ضد مردم، به طوری که اگر می رفت به زیارت حضرت رضا، هر که می شنید می گفت که دارد حقه بازی می کند، اگر قرآن طبع می کرد و بین مردم منتشر می کرد دست هر کس می آمد می گفت که این برای مثل قرآن معاویه است. این برای این است که عمل نشان نداد به مردم، يك عملی که با آن عمل بتواند پایه برای خودش درست بکند. او آن قدرت بالا بود، فرق نمی کند، شما هم که در کاشان هستید و در آنجا يك ادارهای دارید، همین معنا در آنجا هم جاری است، آن برای همه ملت بود، شما برای ملت کاشان هستید، قم هم برای قم هست، تهران هم برای تهران هست. این يك مسأله کلی است برای همه ما که فکر این باشیم _ که برای ملتمان بفهمد ملت که خدمتگزار ملت هستیم، ملت ادراك کند که ما خیر او را می خواهیم، وقتی آن را ادراك کرد که ما همه خیر ملت را می خواهیم، ملت هم پشتیبان ماست. انشاءالله خدا همه شما را حفظ کند. همه موفق باشید و همه خدمتگزار باشید و در این خدمتگزاری بدانید که هم رضای خدا را تحصیل کردید و هم رضای ملت که رضای خداست تحصیل کردید. خداوند به همه شما توفیق عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات و دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران

نقش موثر دایره مخابرات در پیشرفت نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول با خانم ها که از مخابرات هستند چند کلمه صحبت کنم . این دایره مخابرات ، ما که در پاریس بودیم به ما خیلی محبت کردند و به نهضت خدمت . آنوقتی که اعتصاب بود ، آنها اعتصاب کردند لکن تلفن ها را برای اینکه ما با ملت اتصال پیدا کنیم در اختیار ما گذاشتند و این بسیار در آنوقت موثر بود در پیشرفت نهضت ، از این جهت من باید از این دایره تشکر کنم .

حصول پیروزی به واسطه اتفاق آراء و توجه یکپارچه مردم به شکست طاغوت

حالا من يك صحبتی به همه راجع به همه آقایان و خانم ها عرض می کنم . من اصل نابسامانی هائی که در ایران هست فعلا ، و آشفتگی هائی که در همه قشرهای ملت هست ، هم مطلعم و هم متأثرم لکن باید الان ما حساب این را بکنیم که وظیفه فعلی برای ما ، برای ملت ما ، چه بانوان محترمان و چه آقایان معظم ، برای همه چه هست ؟ الان ما در چه حال واقع هستیم ؟ و باید چه بکنیم ؟ قبل از اینکه ما به این مرتبه از نهضت برسیم همه می دانستیم که باید چه بکنیم و لهذا همه ملت باهم همصدا شدند و مقصدشان هم این بود که ما سلسله پهلوی را و رژیم شاهنشاهی را نمی خواهیم و ما يك حکومت اسلامی ، جمهوری اسلامی می خواهیم . همه با هم همصدا بودیم و همه با هم پیش رفتیم تا رسیدیم به آنجایی که با این وحدت کلمه و با این وحدت مقصد ، همه با هم اسلام خواستند و تأیید خدای تبارک و تعالی يك سد بزرگی را شکستید و شکستیم . در آنوقتی که دنبال این قضیه بودید همه می دانید که هیچ قشری توجه به اینکه من حالا چی ندارم ، چی دارم ، گرفتاری خانوادگیم چی هست ، آیا منزلم مثلا برقش مرتب است ، آیا تلفن من چطوری است ، هیچ توجه به این مسائل نبود مطرح نبود این مسائل ، اینکه مطرح بود بین همه این بود که این رژیم نباشد ، يك رژیم الهی باشد . این اسباب این شد که پیروز شدید .

اگر در آنوقت هم که همه داشتند_ مثلا فرض کنید_ که توی خیابان آمده بودند ، هر کسی فکر این بود که خوب ، حالا ما امشب وقتی که برویم منزل شام مان چه هست ، برقمان چطوری است ، تلفن مان چه هست ؟ فرض داریم ، بچه هامان مثلا چطور هستند ، مریض داریم ، اگر اینطور تشتت افکار

بود، هرگز این پیشرفت را نمی کردید. شما هر کدام وارد بودید و همه وارد بودند همان روز در این نهضت و در آنوقتی که شور این نهضت بود و فشار از آن طرف و از این طرف، این توجه این معنا را دارید و خودتان الان برگردید به آن حالی که در آنوقت داشتید، می دانید که هیچ چیز مطرح نبود آنوقت، همه يك توجه، و از خودمان غفلت کرده بودیم آنهایی که توی خیابان ها و بالای پشت بام ها شب و روز فریاد می زدند و الله اکبر می گفتند و مبارزه می کردند و با هیچ، با همه چیز مقابله می کردند اینها ابا توجه به اینکه ما منزلمان چه جوری است، خانه مان آیا داریم یا نه، هیچ ابا این مطرح نبود. آن زاغه نشین های اطراف تهران که يك دفعه من در تلویزیون دیدم وضعشان را، و دیدم روحشان را، که وضعشان، خوب به مشاهده دیدم که عده زیادی در يك زاغهای، در يك سوراخی رفت و آمد می کنند و بعد که پرسید یکی از آنها، که شما چه می کنید؟ روزها چه می کنید؟ گفت ما صبح که می شود با بچه هایمان راه می افیم می رویم تظاهرات. فکر اینکه حالا ما منزلمان این زاغه است و زندگی مان اینطوری است، این فکر از سر مردم پریده بود. همه فکر متوجه و متمرکز شده بود در يك جهت و آن اینکه این رژیم نباید باشد، ما نمی خواهیم اینها را مرگ بر شاه، ما جمهوری اسلامی می خواهیم. این رمز بود از برای اینکه شما پیروز شدید. توجه به خودمان نه، توجه به مقصد. همه رو به مقصد بودیم. رو به خودمان نبودیم. همه آن طرف نگاه می کردیم. این طرف که عبارت از وضع خودمان بود، هیچ توجه به آن نداشتیم. از این جهت پیروز شدیم. لکن خوب پیروزی تا کجا رسیده است، تا اینجا که این بنیان ظلم اساسش شکسته شد و رفت لکن ریشه هاش که هست، حالا به پیروزی ما نرسیدیم.

پرداختن به گرفتاری های شخصی و غفلت از مقصد مایه توقف نهضت

آنی که الان ما را يك قدری به نگرانی می کشد، این است که ملت حالا برگشته به اینکه حال خودش را دارد می بیند، بین راه از مقصد دست برداشته، متوجه شده است به حال خودش. (خانه نداریم) يك عده کثیری به اینکه ما خانه نداریم، خانه می خواهیم. يك عده کثیری به اینکه ما، در اداره مان مثلا- چطور است. يك عده کثیری به اینکه مثلا در دانشگاه چطوری است. از آن حال انقلابی که این ملت داشت و حال توجه به مقصد و غفلت از حالات خودش و گرفتاری خودش بیرون آمده است ملت، سرتاسر کشور اینجوری است الان که همه الان يك توجه به چیز دیگری هم پیدا کرده اند و آن اینکه گرفتاری های خودمان. هر کسی الان، الان روزی چقدر کاغذ برای ما می آید، چقدر مراجعات به جاهای دیگری هست، چقدر مراجعات به دولت هست و همه شکایت از وضع خودشان و دامن می زند به این مطلب اینکه دست هایی که الان در کار است که این نهضت را در نیمه راه متوقف کند.

آنها دست زدند به يك تبلیغاتی و آن اینکه: (چه شد تاکنون چه شده است؟ خوب، این هم جمهوری اسلامی، باز هم برای فقرا فکری نشده است، برای اداری فکر نشده است، باز هم بعضی از همان مهره ها هستند باز هم کذا) هی اشکال تراشی، از همه اطراف عمال آنهایی که می خواهند نگذارند

این نهضت به آخر برسد اینها افتاده اند توی قشرهای مختلف ملت و هر جا به يك صورت به حسب ظاهر فریبنده همان فریب هایی که شاه در آنوقت، شاه سابق در وقت سلطنتش می داد، ماها را و صورت فریبنده درست می کرد (دروازه تمدن بزرگ، عرض می کنم دهقان کذا، آزاد زنان و آزاد مردان، بیرون آوردن نیمی از ملت را برای خدمت) همین حرف هایی که حرف است، محتوا ندارد، همین حرفهای فریبنده الان روی هر نقشهای که کشیده شده است و با دقت کشیده شده است و کاردارها و آن اشخاص که درست مطالعات در همه روحيات مردم داشتند و دارند، همین مسائل را حالا می بینند که تا اینجا که رسیده است، نگذارند جلو برود. اینها فهمیده اند که اگر این نهضت به این قدرتی که تا حالا آمده است برود جلو، این اسباب این می شود که بکلی تا آخر دست آنها کوتاه بشود. این را می خواهند در این نیمه راه خفه اش کنند و لهذا در همه قشرهای مختلفی که اینها عمالشان هست، تبلیغاتی شروع شده است دامنه دار. توی کارگرا می روند يك صورتی با يك وضعی صحبت می کنند که خوب، برای کارگر هم که باز فکری نشد، کو خانه؟ کو زندگی؟ کو چطور؟ آن روزی که کارگر اعتصاب کرد و هیچ توجه به خانه و به زندگی نداشت و با اعتصاب خودش جلو رفت، حالا می آیند به او می گویند که خوب، این هم جمهوری اسلامی پس چه شد الان کو خانه تان؟ کو چطور؟ آنها هم غفلت می کنند از اینکه ما باز نرسیدیم، به جمهوری اسلامی، حالا- باز الفاظ است، معانی تا حالا نیست، مابین راه هستیم باز به مقصد نرسیدیم، مثل اینکه مثلا يك رئیس کاروانی به دوستان و اعضای کاروان بگوید که ما وقتی به منزل رسیدیم خیر، همه اسباب و وسایل راحتی آنجا فراهم است، بعد که دارند حرکت می کنند، يك جا اینها اعتقادشان این اصل بشود که رسیده ایم، باز می بینند که نه دیگر باز زحمت و باز جور و باز راه رفتن و باز چیز است، هی بروند ایراد بگیرند که خوب، ما که رسیده ایم حالا پس کو این وعده هایی که تو کردی. این غفلت از این است که ما نرسیده ایم باز به آنجایی که باید برسیم، نرسیدیم.

الان ریشه هایی از آن رژیم سابق و عمالش هست، آنطوری که گفته می شود در سرحدات و کنار سرحدات بیرون از کشور، چه در طرف ترکیه و چه در طرف افغانستان و چه در طرف عراق و آنجاها هستند اشخاص، جاهای دیگر هم هستند و اینها يك توطئهای الان دارند و می خواهند يك اجتماعی داشته باشند، با هم روابط پیدا می کنند و عمالشان توی جمعیت ها افتاده اند و توی قشرهای مختلف ملت افتاده اند و اشکالتراشی می کنند.

امروز باید توجه به این معنا داشته باشیم که وقت اشکالتراشی و وقت اینکے حالا ماچه شد کارمان، يك قدری زود است حالا، همه را باید توجه به این بدهیم که ما بین راه هستیم الان، يك رایی ملت داده اند به جمهوری اسلامی، با راءى ملت جمهوری اسلامی رسمیت دارد اما محتوایش تا حالا- تحقق پیدا نکرده، اسلام که این نیست. ما می دانیم که همه قشرهایی که هست باز رنگ هایش رنگ های غیراسلامی است لکن الان اگر چنانچه همه ما توجه به این بدهیم که برویم سراغ اینکه فلان اداره وضعش چه جوری است، فلان رئیس اداره وضعش چه جوری است، فلان کس چه جوری است، فلانی خوب عمل نمی کند، فلانی خوب عمل می کند، اگر از آن معنایی که الان ما دنبالش هستیم و می خواهیم

متحققش بکنیم ، می خواهیم قانونش را بگذرانیم ، می خواهیم مجلسش را درست بکنیم ، اگر از این مرز برگردیم به این مسائل فرعی و اصل را از دست بدهیم خوف این است که دوباره برگردد مطلب به حال اول . الان وقت این نیست که تا عرض کنم که ناراحت بشویم از اینکه چرا خوب دولت کار نمی کند . خود دولت هم می داند که آنطور نمی تواند با شدت کار بکند اما سوء نیت ندارند کار زیاد است ، گرفتاری زیاد است ، آشفتگی زیاد است و این اضافه کنید به این زیادی آشفتگی و کار ، اینکه اشکال تراشی زیاد است . می روند نمی گذارند که این کارگرهای نفت ، کارگرهای ادارات ، کارخانه ها ، نمی گذارند اینها کار بکنند . می گویند که باید ما همین حالا این کارفرماها را همه را از بین ببریم و چه بکنیم . در صورتی که الان وقت این حرف نیست و اینهایی که دارند این را می گویند از فرصت دارند استفاده می کنند برای اینکه نهضت را جلوی پیش را بگیرند ، مهار کنند . می روند توی رعیت ها و اینها نمی گذارند کشت بکنند ، بعد ، از آن هم که کشت شده الان نمی گذارند برداشت کنند .

آنها از این کلمه اسلام می ترسند

شما دیدید که در فراندم که آمال يك ملت بود ، مسأله ملی بود . تاریخ سراغ ندارد يك همچنين ملی بودن يك فراندمی را ، يك چنین اشتیاقی را که همه داشتند ، زن و مرد و جوان ، پیر و مریض و علیل و همه آمدند پای صندوق و رای دادند ، باز يك دستهای پیدا شدند که تحریم کردند ، يك دستهای پیدا شدند که رفتند با تفنگ جلوی پیش را گرفتند ، يك دستهای پیدا شدند که صندوق ها را آتش زدند . اینها دلشان برای ملت سوخته بود که این کارها را می کردند؟ يك کار غیر ملی بود؟ يك کار تحمیلی بود؟ يك زوری در کار بود؟ يك فشاری در کار بود؟ یا با کمال آزادی و اشتیاق نه اینکه فقط رای بخواهند بدهند . این بچه های کوچکی که وقت رای دادنشان نشده بود و به آنها گفته بودند رای ندهید ، متاثر بودند ، اعتراض می کردند که يك دسته شان آمدند اینجا من نصیحت شان کردم ، دلداری شان دادم . يك همچو مسالهای که همه ملت می خواست ، همه قشرها می خواستند زن و مرد رفتند رای دادند و قریب به اتفاق رای دادند و آنها همه قوایشان را که روی هم جمع کردند نیمی از صد ، شاید شد یا فرض کنید قدری بیشتر . چه شد که تحریم کردند؟ چه شد که جلوی پیش را می خواستند بگیرند؟ چه شد که صندوق را آتش می زدند؟ جز این است که اینها نمی خواستند تحقق پیدا کند؟ اینها می خواستند جمهوری اسلامی نشود . از جمهوریش می ترسیدند؟ نه ، جمهوری که ترسی ندارد شوروی هم جمهوری است . از اسلامش می ترسیدند ، از این کلمه اسلام می ترسند آنها ، از جمهوری اسلامی می ترسند ، از دولت اسلامی می ترسند ، الان این توطئه در کار است که نگذارند این نهضت جلو برود . رای فقط ما دادیم کار دیگری که انجام ندادیم .

ما همه می دانیم که نتوانسته ایم تا حالا- ، برای اینکه کار کم نیست کار زیاد است و الان این ایرادهایی که گرفته می شود ، چه ایرادهای باشد که صحیح باشد (من هم می دانم بسیارش صحیح

است، ایشان که خواندند الان من هم تصدیق دارم که بسیاریش صحیح است) چه آن چیزهایی باشد که صحیح نیست، هر دوی اینها الان به حال نهضت ما که تورا است مضر است. همه باید دست به هم بدهیم. همه ما، همه قشرها، همه دانشگاهی ها، همه تاجر و کاسب و عرض کنم کذا، همه زن و مرد همانطوری که تا حالا دست به هم داده بودیم و تا اینجا رساندیم که موجب حیرت همه متفکرین شد، از اینجا به بعدش که مهمتر است باید دست به هم بدهیم تا این مراحل را بگذرانیم. بعد هم نباید ما بنشینیم منتظر اینکه يك قشری این کار را انجام بدهد. يك مملکتی است مال همه تان، آشفته هم هست، فقیر زیاد، بیکار زیاد لکن ما باید پرسیم ازشان که این فقر زیاد و بیکاری زیاد مال انقلاب است؟ چون شاه رفته است فقیر زیاد شده است! چون رژیم به هم خورده است بیکاری زیاد شده است! یا نه يك مسالهای است که الان ما وارث آن خرابی ها هستیم؟ دولت وارث آنها هست. یعنی خرابی را کرده اند و رفته اند، دزدی هایشان را کرده اند و رفته اند، قرض ها رابه بانک ها گذاشته اند و رفته اند، از هر بانکی چند صد میلیون دلار قرض کردند و رفتند. الان وقت این است که ما با هم باشیم و بعد هم نباید ما بگوئیم چرا او نکرد؟ باید بگوئیم خودمان هم باید بکنیم، همه باید بکنیم، همه باید بکنیم، همه هم وادار کنیم دیگران بکنند اما اشکال تراشی و عرض بکنم که اینطور چیزها که احتمال اینکه موجب يك وقفهای بشود، موجب يك عرض بکنم که تزلزلی در نهضت ما بشود، امروز صلاح هیچ يك از قشرهای ملت نیست. امروز، هم دانشگاهی و هم من طلبه و هم آقا که آقا هستند و هم شما که از آقایان هستید و هم خانم ها و همه ملت امروز باید با هم برویم جلو، فردا هم با هم بسازیم. توقع نداشته باشید که ما بسازیم، خوب ما چکاره هستیم؟ شما هستید، ما هستیم، دیگران هستند. نه من باید بنشینم بگویم که خانم ها این کارها را انجام بدهند، نه خانم ها بنشینند بگویند فلانی انجام بدهد. آنها به اندازه خودشان، ما به اندازه خودمان، شما به اندازه خودتان، دولت به اندازه خودش، ارتش به اندازه خودش، اداره به اندازه خودش چیزی نیست که يك دولت بتواند انجام بدهد. آشفته گی، آشفته گی نیست که يك دولت بتواند یا يك قشر از ملت بتواند. همه ما بگوئیم که ما هیچ کاری نمی کنیم، دانشگاهی ها بکنند، دانشگاهی نمی تواند بکند. دانشگاهی بگوید که ما هیچ کاری نمی کنیم، آخوندها بکنند. آخوندها هم هیچ چیز. ما همه هر دو بنشینیم بگوئیم تاجرها این کار را بکنند، کاسب ها این کار را بکنند، ازشان نمی آید. ملت اگر چنانچه همه با هم نباشند، اگر دست به دست هم ندهند، اگر هر کسی هر مقداری که ازش می آید کار نکند، این مملکت نمی تواند این آشفته گی را از دست بدهد، باید همه مان باهم. اگر همه با هم مشغول شدیم پیروز می شویم، پیش می بریم.

همین طور که دیدید همه با هم بودید و يك همچین سد بزرگی که هیچ کس احتمال شکستش را نمی داد، شکستید. با دست الهی شکستید. اجتماع شکست این را. برای سازندگی هم و برای پیشرفت از حالا به بعد هم همین مطلب لازم است. از حالا به بعد ما باید این راه را طی کنیم. ما بین راه هستیم. ما نرسیدیم به آخر. یعنی اوایل هستیم فقط يك موانعی را آن هم نه به تمام ریشه هایش، مهمش البته از بین رفته است و این هم که از بین رفته است هیچ کس احتمال نمی داد، هیچ متفکری. سیای آمریکا

گفت: (ما اشتباه کرده بودیم، حسابمان غلط در آمد) برای اینکه آنها حساب مادیت می کردند و این قضیه، قضیه الهی بود.

ما الان بین راه هستیم یعنی نصف راه هم نرفتیم دیوارها را شکستیم، رد کردیم، حالا می خواهیم برویم. يك راءى دادیم، راءى كه برای ما خانه نمی شود، راءى برای ما این چیزها را تمام نمی کند، عمل می خواهد، رایش را دادیم عملش را باید بکنیم، دنبال این باید عمل بکنیم، باید همانطوری که الان مطرح است نمایندگان را تعیین بکنیم برای اینکه قانون اساسی درست بشود، نمایندگان را تعیین بکنیم برای اینکه مجلس درست بشود مجلس ملی باشد يك مجلس فرمایشی نباشد، يك مجلسی نباشد كه به قول محمدرضا خان لیستش را می نوشتند و می دادند می گفتند اینها را، خود این اقرار کرد كه لیست را می نوشتند منتها می خواست برای خودش تعریف درست بکند، پدرش را تكذیب می كرد. برای حالای خودش تعریف درست كند، جلوی خودش را، جلوتر خودش را خراب می كرد كه لیست را می فرستادند از سفارتخانه ها و ما هم مجبور بودیم كه همان لیست را، وكلا را همانطوری تعیین بکنیم. این چیزی بود كه اقرار كرد خودش. منتها او می خواست بگوید كه حالا- دیگر اینجور نیست و حال آنكه بدتر بود. حالا- يك مملكتی هست كه نصف راه را بلکه كمتر از نصف را ما رفتیم و البته این قدرت های بزرگ كه مانع بودند اصولش از بین رفته است و ریشه هایش مانده است كه این هم با دست شماها باید از بین برود. این توطئه ها را شما ملت باید بشكنید، هم بانوان مكلفند هم آقایان مكلفند كه بشكنند این چیز را. بعد كه این ریشه ها از بین رفت و موانع از بین رفت، آنوقت وقت این است كه سازندگی پیش بیاید یعنی این، تا آنجائی كه باید این دولت موقت كارش را بکند و بعد مجلس بیاید در كار و قضیه سازندگی. امید اینکه مجلس هم برای ما كار بکند صحیح نیست، مجلس هم يك چند صد نفرند، ازشان كاری نمی آید. باید همه قشرها برای خودشان تكلیف فرض كنند. بگویند ما موظفیم. همانطوری كه هر آدمی خودش را موظف می داند كه بچه خودش را، اطفال خودش را اداره كند و می رود دنبال اینکه اداره كند او را، این احساس باید در ما پیدا بشود كه این مملكت عائله ما هستند و خانه ماست. این خانه را باید درستش بكنند. صاحبخانه ها هم یکی نیست، دو تا نیست، همه اند. اینطور نیست كه صاحبخانه های داشته باشیم. همه ملت است و همه كشور. همه كشور مال همه ملت است. اینها باید خودشان بنشینند درستش بكنند و باید همه با هم دست به هم بدهیم و الان وقت این نیست كه ما اشكال كنیم به این طرف و آن طرف اشكالی كه شما می كنید من هم دارم خودشان هم دارند لكن الان وقت طرحش نیست كه باز يك آشفتگی بر آشفتگی ها اضافه بشود. امروز وقت این است كه ما همه با هم این سد را بشكنیم. یعنی این ریشه ها را، سد را شكستیم الحمدلله، این ریشه ها را درآوریم از زیر خاك و بریزیم بیرون.

اهمیت شناسایی ضدانقلاب

این مفسدهایی كه الان دور می گردند توی دانشگاه می روند _ عرض بكنم كه _ تظاهرات راه

می اندازند ، توی خیابان ها می روند چه می کنند ، با هر بهانه های يك بساطی درست می کنند ، اینها را بشناسیم . همه قشرها اینها را بشناسند که چه جور اشخاصی هستند ، چی دارند می کنند؟ اجتماعاتشان روی چه میزان است ؟ آیا به اسلام اعتقاد دارند یا ندارند؟ آیا اینها جمهوری اسلامی می خواهند یا جمهوری دموکراتیک می خواهند؟ یعنی جمهوری منهای اسلام . باید همین معانی در ذهن ما باشد که این جمعیت هایی که تو کار کارخانه ها می روند و توی کشاورزها می روند و توی دانشگاه ها می روند و سر نمی دانم این طرف و آن طرف می روند ، باید اینها را بشناسیم که اینها چه اشخاصی هستند و اینها را بشناسانیم به ملت تا ملت از اینها احتراز کند و اینها را دشمن را بگیرد بیرونشان بکند و بعد این مراحل که طی شد و این قشرها از بین رفتند آنوقت سازندگی هم با همه ملت است همه با هم ، همه با هم شکستیم ، همه با هم باید این سازندگی را بکنیم . الان وقت این کار است . من هم قبول دارم آشفتگی ها هست اما آشفتگی علاجش به این است که همه کار بکنیم ، همه دقت بکنیم در امورمان . هر کس خیال نکند که از من چه کاری می آید هر آدمی از او يك کاری می آید . يك قطره باران از آن کاری نمی آید اما به اندازه يك قطره است . يك قطره کار يك قطره را می کند همین قطره های باران است که سیل را راه می اندازد و سیل سدها را می شکند . همین قطره ها ، یکی ، یکی ، یکی های ما که مثل قطره باران هستیم بود که با هم وقتی مجتمع می شد و در خیابان فریاد می زدیم ، سدی را می شکست . اگر آن روز هم می گفت خوب من يك آدم هستم ، من که نمی توانم در مقابل توپ حرفی بزنم ، هر کسی این فکر را می کرد حالا باز همان بساط بود و همان آریامهر و همان نصیری بود و همان هویدا و همان بساط . اما این قطره ها که به نظر می آید چیزی نیستند و هستند وقتی پهلوی هم جمع شدند از بین بردند اینها را . الان هم همین طور است این قطره ها متفرق نشوند . اینها دنبال این هستند که این قطره ها را از حال اجتماع بیرون کنند ، متفرق کنند ، بشوند قطره ، قطره ، قطره را بعد هم می شود از بین برد . يك پاسبانی از بین می برد . الان وقت این است که همه با هم دست به هم بدهیم ، همه با هم تأیید هم را بکنیم . من تأیید شما را بکنم شما تأیید مرا بکنید . ما همه تأیید دانشگاهی ها را بکنیم . دانشگاهی ها تأیید بازاری ها را بکنند ، بازاری ها تأیید چیز را بکنند تا این کار را پیش ببرند . تا این آشفتگی ها کم کم رفع بشود ، تا این موانع برداشته بشود و بعد دنبالش سازندگی پیش بیاید .

انشاءالله خداوند همه شما را ، می دانم که حسن نیت دارید همه تان ، می دانم دلتان برای این مملکت می سوزد لکن در عین حالی که الان این آشفتگی ها هست الان این کندروی ها هست لکن باید کمک بکنید . نباید يك باری را روی بار بگذارید باید يك باری را کم کنید . انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند ، موفق باشید . بانوان را حفظ کند ، آقایان را حفظ کند و همه موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران ، مرزنشینان دشت مغان و بانوان مکتب ولی عصر

انسان سازی و تهذیب نفس ، مقصد نهائی انبیا و اولیاء است

بسم الله الرحمن الرحيم

نهضت هائی که به وسیله انبیا و اولیا علیهم السلام واقع شده است ، قابل مطالعه است . ما که تابع مکتب انبیا هستیم باید آن نهضت ها را مطالعه کنیم و بفهمیم نهضت چه بوده است ، برای چه بوده است ، مقصد انبیا چه بوده است ، مقصد پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از نهضت اسلامی چه بوده است مقصد ائمه علیهم السلام چه بوده است ، آیا فقط این بوده است که دست ستمکاران را کوتاه کنند؟ آیا دعوت انبیا فقط برای این بوده است که مزاحمین با مستضعفین را کنار بزنند و همین که غلبه بر آنها کردند و کار را به پیروزی و راندن آنها رساندند کار تمام است؟ آیا مقصد انبیا این است که ظالم نباشد فقط؟ یا مقصد بالاتر از این است؟ اگر مقصد بالاتر از این است باید ما هم که تابع انبیا هستیم و تابع مکتب اسلام هستیم ، به تبعیت از آن بزرگان دین و دنیا مقصدمان همان مقاصد باشد . آیا راندن رژیم پهلوی و ابطال رژیم شاهنشاهی تمام مقصد بود؟ آیا رفاه ملت و رسیدن ملت به چیزهای مادی آخر مقصد است؟ انبیا آمده اند تا مردم را ، تا جامعه را ترتیبی بدهند که رفاه زندگی مادی آنها باشد؟ مقصد انبیا این بوده است که مستکبرین بروند و مستضعفین به نوای دنیا برسند؟ یا مقصد بالاتر از اینهاست؟ مقصد انبیا دنیا بوده است؟ اینهمه انبیا آمده اند و دعوت کردند و کشته شدند ، جنگ ها کردند و زحمت ها کشیدند ، فقط برای این بود که مستکبرین را کنار بزنند و توده های مردم را برای آنها رفاه حاصل کنند؟ یا مقصد بالاتر از اینهاست؟ خدای تبارک و تعالی که انبیا را فرستاده است ، برای تعمیر دنیا فقط فرستاده است؟ یا مقصد بیشتر از اینهاست و بالاتر از اینهاست؟ اگر مقصد همین شکست مستکبرین بود ، ما به مقصد تقریباً رسیدیم و آنها را شکست داده ایم ، ملت ما شکست داد اجانب را ، دست خیانتکاران را قطع کرد و این ریشه هائی هم که مانده است آن را هم قطع می کنند لکن مقصد همین نیست ، اگر مقصد این بود که زاغه نشین ها از زاغه نشینی بیرون بیایند و يك سر و سامانی پیدا کنند ، این هم انشاء الله می شود و با همت همه باید بشود لکن باز مقصد این نیست مقصد این است که کشور ما يك کشور اسلامی باشد کشور ما در تحت رهبری قرآن ، تحت رهبری پیغمبر اکرم و سایر اولیاء عظام اداره بشود . رفتن مستکبرین مقدمه است ، رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است . رژیم اسلامی مثل رژیم های مکتب های مادی نیست مکتب های مادی تمام همیشان این است که مرتع

درست بشود، تمام همت این است که منزل داشته باشند، رفاه داشته باشند (آنهايي که راست می گویند). اسلام مقصدش بالاتر از اینهاست. مکتب اسلام يك مکتب مادی نیست، يك مکتب مادی معنوی است. مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد، معنویات، اخلاق، تهذیب نفس. اسلام برای تهذیب انسان آمده است، برای انسان سازی آمده است. همه مکتب های توحیدی برای انسان سازی آمده اند. ما مکلفیم انسان بسازیم. شما خانم ها که زحمت کشیدید و به اینجا آمدید در این زحمت، مکلفید انسان بسازید، مکلفید در دامن های خودتان انسان مهذب بار بیاورید. مقصد اسلام و مقصد همه انبیا این است که آدم ها را تربیت کنند، صورت های آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود، اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است. يك مملکتی که در ارای انسان مهذب است، تمام مطالبش حل است. انسان آگاه مهذب، همه ابعاد سعادت را برای کشور تامین می کند. انسانی که ایمان به خدای تبارک و تعالی دارد، انسانی که متعهد است، انسانی که مهذب است، دست ظالم را کوتاه می کند لکن مقصد همین نیست، این یکی از خدمات هائی است که می کنند، آزادی برای مردم تامین می کنند، لکن این یکی از مقاصد است همه این نیست، استقلال برای کشور تامین می کند لکن همه مقصد این نیست، رفاه برای امت درست می کند لکن مقصد این نیست. انسان حیوان نیست، انسان يك موجودی است که در طرف سعادت به بالاترین مقام می رسد، در طرف کمال به بالاترین مقام موجود است می رسد و اگر انحراف داشته باشد از پست ترین موجودات پست تر است. انبیا که دیدند مردم در هلاکت هستند از حیث اخلاق، از حیث عقاید، از حیث اعمال، مکتب هائی را خدای تبارک و تعالی به آنها الهام کرد تا نجات بدهد انسان را به همه ابعادی که دارد. اگر انسان حیوانی بود مثل سایر حیوانات، لکن حیوانی که تدبیر دارد، حیوانی که اهل صنعت است، اگر این بود احتیاج به آمدن انبیا نداشت. برای اینکه این راه، راهی است که مادیین خودشان ادراک می کنند. آمدن انبیا برای این است که آن راه هائی که بشر نمی داند، آن حقایقی را که انسان نمی داند، به آنها تعلیم بفرمایند. انبیا برای راهنمایی يك مقام بالاتر، يك مقام انسانی بالاتر آمده اند. قرآن کتاب آدم سازی است، برای آدم ساختن آمده اند، کتاب حیوان سازی نیست، کتاب تعمیر مادیت نیست، همه چیز است، انسان را به تمام ابعاد تربیت می کند، مادیات را قبول دارد در پناه معنویات و مادیات را تبع معنویات قرار می دهد.

ایجاد مملکت اسلامی مشروط بر اجرای احکام اسلام

مملکت وقتی مملکت اسلامی است که تعالیم اسلام در آن باشد. اگر تعالیم اسلامی در آن نباشد، اسلامی نیست. هر چه ما بگوئیم جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی لفظ نیست، با راء ما جمهوری اسلامی تحقق پیدا نمی کند، بله رژیم رسمی رژیم جمهوریت می شود لکن اسلامی نمی شود مگر آنکه احکام اسلام در او جاری بشود با جریان قانون اساسی هم اسلام نمی شود. با مجلس شورا هم اسلام نمی شود. اینها همه مقدمه است. وقتی می توانید بگوئید که مملکت اسلامی است که بازاری اسلامی

بشود، تهذیب نفس باشد، نه مثل بازار ما که سنگر گرانفروشی و تعدی است، وقتی اسلامی می شود که مرد و زن اسلامی بشوند، همه افراد اسلامی باشند. الگو حضرت زهرا (سلام الله علیها) است، الگو پیغمبر اسلام است. ما وقتی مملکت مان اسلامی است، وقتی می توانیم ادعا کنیم که جمهوری اسلامی داریم که تمام این معانی که در اسلام است تحقق پیدا بکند. ما الان اول راه هستیم، ما جمهوری اسلامی را به رآی اثبات کردیم، دست خیانتکاران هم بریدیم و می بریم لکن این کافی نیست، بعد از آن باز راه زیاد است، هم راه تحصیل زندگی صحیح برای مستمندان که در پیش است و باید پیش برود، هم راه معنویات است که آن راه بالاتر است.

لیک به ندای اسلام در تحصیل معنویات

خانم های محترم، خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید، کودکان خودتان را اسلامی بار بیاورید که در اسلام همه چیز است. خودتان در پناه اسلام و به اخلاق اسلامی متخلق بشوید که همه چیز در اسلام است. آقایان محترم! خانم های محترمت! ندای اسلام را لیک بگویند. اسلام برای تامین علف نیامده، اسلام برای تامین معنویات آمده است، همهاش فریاد از مادیات نباشد، بر خلاف مسلك اسلام است. معنویات اگر تحقق پیدا کرده، مادیات معنوی می شود و به دنبالش هست. اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد، مادیات را مستقلا قبول ندارد. اساس، معنویات است. يك کشور با معنویاتش کشور است.

علم و ادب در خدمت معنویات

آزاد باشد و هر چه بخواهد بکند! ولو دزدی بکند! ولو خیانت بکند! امروز روز امتحان است برای شما. شما آزاد شدید، شما مستقل شدید. آزاد شدید که هر چه بخواهید بگوئید؟! و هر چه بخواهید بکنید؟! خیر، خدای تبارک و تعالی به شما آزادی عنایت کرد و شما را در این آزادی امتحان می فرماید ببیند تا ما چه بکنیم، در این آزادی چه بکنیم، با زیر دستان چه بکنیم، با برادران خود چه بکنیم، با خواهران خود چه بکنیم، آزادی تنها سعادت ملت نیست، استقلال تنها سعادت ملت نیست، مادیت تنها سعادت ملت نیست، اینها در پناه معنویات سعادتند، معنویات مهم است. بکوشید تا معنویات تحصیل کنید، علم تنها فایده ندارد، علم با معنویات علم است، ادب تنها فایده ندارد، ادب با معنویات. معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می کند و کوشش کنید در تحصیل معنویات، در خلال علم که تحصیل می کنید معنویات را تحصیل کنید، دانشگاه ها معنویت پیدا بکنند، مدارس معنویت پیدا بکند، مکتب ها معنویت پیدا بکنند تا انشاءالله سعادت مند بشوند. خداوند همه شما را سعادت مند کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کارگزاران و کارکنان روزنامه کیهان

وظایف خطیر مطبوعات

بسم الله الرحمن الرحيم

من به طور کلی مسائل را طرح می‌کنم، افراد چطور هستند من اطلاعی ندارم. به طور کلی در هر کشوری مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیو آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشد. مطبوعات باید ببینند که ملت چه می‌خواهد، مسیر ملت چیست، روشنگری از این طریق داشته باشد و مردم را هدایت کند. اگر مطبوعاتی پیدا بشود مسیر آنها بر خلاف مسیر ملت است، راهی که آنها می‌روند غیر از راهی است که ملت می‌رود و این بر فرض اینکه ملت هم و دولت هم اجازه بدهند که بنویسند و بگویند، لکن مورد تأیید این ملت نمی‌تواند باشد و نباید آن را حساب کرد که یک رسانه ملی است و یک روزنامه کشوری و ملی است و اگر خدای نخواستہ در نوشتن و نوشتن، نوشتن مقالات انحرافی و نوشتن مقالاتی که در مسیر ملت است این نحو عمل نکنند، این به نظر می‌آید که توطئه در کار باشد، این غیر از آزادی مطبوعات است.

آزادی واقعی یعنی اجرای قوانین اسلام

آقایانی که اسم از آزادی می‌آورند، چه آقایانی که داخل در مطبوعات هستند و چه قشرهای دیگری فریادی از آزادی می‌زنند، اینها آزادی را درست بیان نمی‌کنند یا نمی‌دانند. در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است، در حدود قوانین آن مملکت است. مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند. معنی آزادی این نیست که هر کس بر خلاف قوانین، بر خلاف قانون اساسی یک ملت، بر خلاف قوانین ملت هم هر چه دلخواهش می‌خواهد بگوید. آزادی در حدود قوانین یک مملکت است. مملکت ایران مملکت اسلامی است و قوانین ایران قوانین اسلام است. در قانون اساسی زمان سابق هم این معنا که هر چه بر خلاف قانون اسلام باشد قانونی نیست و قانون باید موافق با قوانین اسلام باشد، هست و هر قانونی که در ایران، قانون اساسی که در ایران بخواهد قانونیت داشته باشد، نمی‌تواند قانونی باشد که بر خلاف گفته پیغمبر اسلام، بر خلاف گفته قرآن باشد. پس آزادی که گفته می‌شود که مطبوعات آزادند، بیان آزاد است اینها معنایش این نیست که مردم آزادند که هر کاری می‌خواهند بکنند مثلاً آزادند دزدی بکنند، آزادند به فحشا بروند آزادند مراکز فحشا درست کنند. این آزادی، آزادی غربی است (البته به

استثناء دزدیش) این آزادی غربی است که هر کس هر کاری دلش می خواهد بکند ولو اینکه فحشا باشد، ولو اینکه يك کارهایی باشد ناشایسته. اینطور آزادی در ایران نمی تواند باشد، آزادی در حدود قانون باید باشد. قوانین اسلام را باید ملاحظه کرد، در چهار چوب قوانین اسلام، در چهار چوب قانون اساسی، بیان آزاد و بحث آزاد. این اشتباهی است می کنند اینهایی که فریاد از آزادی می زنند، اینها غرب زده اند، آزادی غربی می خواهند. اینها که دم از دموکراسی می زنند، اینها همان دموکراتیک غربی می خواهند، آزادی غربی را می خواهند یعنی بی بند و باری. در غرب هر چه شده است ما هم باید تبع آنها باشیم، اینها جزو غربزده ها هستند. روزنامه ها آزادند مطالب بنویسند، مسائل بنویسند، اما آزاد هستند که اهانت به مثلا مقدسات مردم بکنند؟! آزادند که فحش به مردم بدهند؟! آزادند که تهمت به مردم بزنند؟ همچو آزادی نمی تواند باشد، آزادی توطئه نمی تواند باشد. اگر روزنامه های فرضا (من نمی خواهم يك روزنامه های را بگویم اینطور است) اگر يك روزنامه های توطئه بر ضد مسیر ملت می خواهد بکند با نوشتن چیزهایی که بر خلاف مسیر ملت است و با نوشتن چیزهایی که بر مسیر ملت است، اگر بخواهد توطئه بکنند و راهی برود که دشمن های يك ملت آن راه را می روند، ترویج بکند از کارهای دشمن های يك ملتی، بنویسد چیزهایی که مربوط به دشمن های يك ملت است، اگر اینطور باشد، اینطور آزادی ها را ملت ما نمی تواند بپذیرد.

ملت ما اینهمه زحمت کشیدند و اینهمه خون دادند و اینهمه گرفتاری پیدا کردند و اینهمه فریاد زدند، اینها برای اسلام این کارها را کردند، اسلام را مردم می خواهند. اگر چنانچه ما اسلام نداشتیم، الان همه همان معانی سابق بود. مردم برای جهات دیگری غیر از اسلام نمی روند خون خودشان را بریزند. مردم شهادت را می خواهند. الان هم باز اشخاصی می آیند از من استدعا می کنند که دعا کنید که ما شهید بشویم. شهادت را برای چه می خواهند؟ شهادت را برای این می خواهند که مثلا غیر اسلام چیز دیگری تحقق پیدا کند؟! يك دموکراسی غربی باشد؟ يك آزادی مثل شوروی باشد؟ يك آزادی مثل آمریکا باشد؟ یا اسلام را می خواهند؟ اگر اسلام نبود همه اینها که دارند می گویند آزادی، آزادی، همه اینها یا در اروپا باید زندگی بکنند یا در بیغوله ها. اسلام اینها را از بیغوله ها بیرون آورد و از خارج کشور آورد به داخل، حالا که آورده باز حرف هایی می زنند که مسیر، مسیر اسلام نیست. این کاری که اسلام کرد این بود که شماها را آزاد کرد، شماها را از حبس ها بیرون آورد، شماها را از تبعیدات برگرداند. شماهایی که رفتید در خارج نشستید و تماشا کردید تا خون مردم ریخته شد، حالا فرصت به دستتان آمد و آمدید به ایران. همچو کرد که شما حالا آزاد شدید، لکن آزادی که بر ضد اسلام صحبت کنید. آزادی که بر ضد همان که شما را آزاد کرده است، بحث بکنید. آزادی که همه چیز بگویند، الا اسلام. همه حرف ها را بزنید، همه چیز خوب است، لکن از اسلام صحبت نشود. اگر يك کسی از اسلام صحبت می کند به او حمله بکنید. این حرف ها نیست در کار، مطبوعات و کلیه چیزهایی که در يك کشوری هست به خدمت ملت باید باشد. برای يك ملتی باید آموزنده باشد. مسیر ملت را باید روشن کند نه اینکه بر خلاف مسیر ملت عمل بکند. هر جا و هر روزنامه های، هر مطبوعاتی و هر چه

که از این رسانه های تبلیغاتی هست ، همه اینها باید مسیرشان همان مسیر ملت باشد و تخلف از این نکنند . این هم بر صلاح خودشان است ، هم بر صلاح کشور است و هم موافق با قوانین موضوعه در يك كشوری است . من از خدای تبارك و تعالی می خواهم که همه شماها موفق باشید به خدمت . امروز روزی است که باید همه خدمت بکنند . امروز روزی نیست که هر کسی به يك طرف بکشد . همه این مسیر ملت که راه افتاده است . ملت ، بینم چه کرد ، ملت چه می خواهد . _ ملت _ همان که ملت می خواهد همه با هم باید دنبال این برویم . همان که این قدرت بزرگ را به هم زد و شکست باید دنبال او رفت تا بتوانیم نجات بدهیم ملت را . اگر این مسیر را ما دست از آن برداریم ، حرف هایی ، هی بنشینند يك مطلب بگویند ، اختلاف ایجاد بکنند ، این اسباب این می شود که ما نتوانیم این نهضت را به آخر برسانیم . من يك هشدار می دهم به روزنامه نویس ها ، به رادیو و تلویزیون ، به جمعیت هایی که هر کدام حالا پیدا شدند ، به همه جمعیت ها ، این يك هشدار است به اینکه همه جمعیت ها اگر بخواهند خیانت نکنند به ملت ، اگر بخواهند خدمت کنند به کشور ، مطالعه کنند ببینند مسیر این ملت چه بود ، چرا این ملت به خیابان ها ریخت و الله اکبر گفت ، چرا جوان هایش را داد و شب پشت بام ها رفت و فریاد زد و مرگ بر که و زنده باد بر که گفتند ، این برای چه بود؟ برای اسلام بود ، اینها اسلام می خواستند فقط مسأله این نبود که ما آزادی می خواهیم ، آزادی منهای اسلام نمی خواهند ملت ایران ، ملت ایران اسلام را می خواهد . آزادی باشد لکن مثل شوروی باشد؟ آزادی باشد لکن مثل مملکت دیگری باشد ، اجنبی باشد؟ کی همچون چیزی را ملت ما می خواست . این آقایان در اشتباهند ، من نمی گویم خائنند ، من می گویم در اشتباهند باید اشتباهات خودشان را رفع کنند ، باید همه با هم باشند ، همانطوری که همه با هم به اینجا رسیدند ، همه با هم از اینجا تا آخر مسیر که در اولش حالا هستیم ، همه باهم این مسیر را طی بکنیم . انشاءالله خداوند همه را هدایت کند و همه ما به راهی که خدای تبارك و تعالی راضی است قدم برداریم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و اهالی یزد

هدایت جامعه، وظیفه علمای اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

یزد از شهرهایی بود که نمونه بود، چنانچه قم از شهرهای نمونه بود، لکن اینکه علمای آنجا خصوصا آقای صدوقی که مورد علاقه شدید من است، آنجا بودند، بحمدالله در این نهضت پیشقدم بودند و این نهضت را کمک شایان کردند، سایر علما، یزد هم که ارادت به همه دارم در این معنا شرکت داشتند، چنانچه طبقات مختلف محترم یزد هم بسیار به این نهضت کمک کردند خداوند همه آنها را حفظ کند و خداوند سعادت به همه اینها عنایت کند. من از شما آقایان که اظهار لطف کردید و از راه دور، از کویت و از یزد آمدید برای ملاقات من، برای تقدیر، تشکر خودم را از شما و سایر اهالی یزد، به واسطه شما ابلاغ می کنم. خداوند آنها را هم سلامت و سعادت عنایت کند. باید ما بدانیم که همه مکلف هستیم، علماء اسلام مکلفند در صف جلو، وظیفه آنها زیاده از دیگران است، وظیفه آنها هدایت جامعه است. الان ما احتیاج داریم به اینکه جامعه را هدایت کنیم، از این تقرفهای که می خواهند بین جامعه بیندازند جلوگیری کنیم و این به عهده علما در درجه اول است که مردم را آگاه کنند که از شر این شیاطینی که می خواهند بین قشرها تفرقه بیندازند و از توطئه های باقیمانده رژیم سابق جلوگیری کنند، مردم را آگاه کنند که اگر چنانچه این قشرها در بین شما نفوذ کنند و خدای نخواستہ تفرقه بیندازند بین مومنین و بین مردم ممکن است که مسائل سابق برگردد، و مسائل سابق اگر برگردد اسلام در خطر است، کشور تا آخر در خطر است.

امروز روزی است که باید اصول را حفظ کرد

باید در این وقتی که از همه اوقات برای ایران حساستر است، علماء ایران و فقهم الله و سایر اقشار، جوانان محترم، دانشگاهی ها، دانشجویها، طلاب علوم دینی، بازاری ها سایر اقشار، دهقان و کارگر توجه داشته باشند به اینکه شیاطین در کمین اند و اگر خدای نخواستہ غفلت بشود و این ریشه های پوسیده باز رشد کنند بین جامعه، زحمت ها هدر می رود. الان چیزی نیستند لکن اگر هوشیاری نباشد، اگر جلوگیری نشود ممکن است که رشد کنند. شما آقایان از قبل من سلام به همه علماء یزد دامت برکاتهم برسانید و از قول من استدعا کنید که قشرهای مردم را آگاه کنند. الان وقت

بهانه گیری نیست ، الان وقت نیست که ما راجع به جزئیات امور ملاحظه بکنیم ، جزئیات امور را نظر بکنیم و از اصول غفلت کنیم . امروز روزی است که باید اصول را حفظ کرد ، حفظ اصول به این است که این ریشه های گندیده را از بن در آوریم و این حرف هایی که بین مردم انداخته اند که اسباب نارضایتی مردم می شوند ، باید هدایت کنید مردم را که اینها اغراض دارند . ما امروز احتیاج به وحدت کلمه داریم بیشتر از دیروز ، ما امروز احتیاج به این داریم که همه با هم به سوی اسلام ، به سوی جمهوری اسلامی

ص: 22

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر قزوین

فساد و خرابی های معنوی از دستاوردهای رژیم سلطنتی

بسم الله الرحمن الرحيم

قزوین هم از شهرهایی بود که خرابی و مصیبت از اکثر جاها درش بیشتر واقع شد و شما قزوینی های محترم، هم مصیبت دیدید و هم خرابی در شهرتان واقع شد و هم پایمردی کردید و من وقتی که این جوان های برومند را می بینم خوشحال می شوم و موجب افتخار است و از خدای تبارک و تعالی سلامت همه را خواستارم. تا کنون ما از اسلام، الان باز حرف است، البته جمهوری اسلامی، همه هم راء دادید به جمهوری اسلامی، لکن باز اینکه باید بشود و انشاءالله بعدها خواهد شد نشده است. الان باز آن خرابی های اخلاقی که در طول سلطنت این پدر و پسر در ایران تحقق پیدا کرد و آن فسادهایی که در این مملکت پیدا شد، و دامن به آن زدند به عنوان ترقی به عنوان تعالی، به عنوان تمدن بزرگ، اینها طولانی است تا اینکه ترمیم بشود. آن که از همه چیز به کشور ما صدمه اش بیشتر بود این بود که نیروی انسانی ما را خراب کردند و نگذاشتند رشد بکنند. مراکز فساد در شهرها و بخصوص در تهران آنقدر زیاد بود و آنقدر تبلیغ در کشاندن جوان های ما به این مراکز فساد شد و آنقدر راه های فساد برای جوان های ما باز کردند و دامن زدند به اینها و کشاندند اینها را در مراکز فساد که این خرابی از همه خرابی ها بدتر بود. خرابی های مادی جبرانش آسانتر از خرابی های معنوی است.

غریز دگی، اسفناکترین نوع وابستگی

نفت ما را دادند و رفت و از بین رفت. حالا نفت را دوباره از سر برای خود ایران است. کشاورزی را از بین رفته بود، بعد دوباره قابل جبران است انشاءالله زود جبران می شود. لکن می شود. لکن نیروهای انسانی مهم است. اینها نیروهای انسانی ما را از بین بردند، نگذاشتند رشد بکنند، در بین خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردند، یک صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند، طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را از دستمان گرفتند. این بدتر از آن استقلال گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت، ما روحیه خودمان را از دست داده بودیم هر چه می شد در ذهن همه این بود که باید از خارج این کارها درست بشود. می خواستند اسفالت کنند یک خیابانی را یا یک - بین این شهر با آن شهر یک خطی

بشکند، آن باید از خارج بیاید. اهانت کردند به نیروهای انسانی ما، محتوا را گرفتند. تا یکی مریض می شد این باید انگلستان برود و حالا هم با تتمه‌اش هست. اطباء که گاهی می آیند اینجا می گویند ما خودمان می توانیم معالجه کنیم اینهایی که می برند آنجا، ما هم می توانیم معالجه کنیم، لکن مردم را جوری بار آوردند که سلب اطمینان کردند از خودشان، استقلال فکری را از ما گرفتند، ما در فکر و در اندیشه و در روح وابسته شدیم. این وابستگی بسیار اسفناک است. وابستگی نظامی را با يك روز یا يك ماه می شود رفعش کرد، بیرونشان کرد، وابستگی اقتصادی قابل جبران است، زود می شود جبران کرد. اما وابستگی روحی و انسانی است که بسیار مشکل است. يك بچه را از آن بچگی، کوچکی که بوده است در دامن مادرش و تارفته است به دبستان، تارفته است به دبیرستان و تارفته است در دانشگاه، هر جا رفته تبلیغات جوری بوده است که این را وابسته بار آورده اعتقادش این شده که به غیر ارتباط با خارج نمی شود کاری کرد، خودمان چیزی نداریم، حتی گمان این است که خودمان، حتی اخلاقمان هم اخلاق صحیح نباشد، این است که مشکل است ترمیمش، به این زودی ها هم ترمیم نمی شود و همه باید دست به هم بدهند برای ترمیم این جهت که این وابستگی از بین برود و يك مملکتی باشد که هم اقتصادش مستقل باشد، هم فرهنگش مستقل باشد، هم انسانش مستقل باشد، هم فکرش مستقل باشد. استقلال فکری، استقلال روحی. الان هم در هر جا که بروید، هر مجلسی از این روشنفکران ما درست می کنند، باز حرف ها همان حرف های غریبزدگی است، همان حرف هاست، همان حرف هائی که در زمان طاغوت وقتی جمع می شدند دور هم می گفتند، حالا هم باز همان حرف ها را می زنند. از وابستگی و غریبزدگی ما بیرون نیامدیم و به این زودی بیرون نمی آئیم. آن گوینده شان که خدا رحمتش کند (حالا فوت شده است) گفته بود که ما همه چیزمان باید انگلیسی باشد، یکی از معاریف اینها که: ما همه چیزمان باید انگلیسی باشد. اینطور محتوا را از دست داده بود و میان تهی شده بود. صورت، صورت يك آدم مثل سایر مردم، ولی محتوا، و محتوای وابسته. این، به این زودی ها ما نمی توانیم این قشرهای روشنفکر و این قشرهای آزادی طلب را به این زودی نمی شود که آنها از آن محتوایی که درشان 50 سال، 30 سال، 20 سال تزریق شده است و تهی کردند خودشان را از خودشان، خودشان از خودشان غافل شدند، به این زودی نمی شود اصلاحش کرد. يك فرهنگ تازه می خواهد، يك فرهنگ متحول می خواهد که حالا از اول بچه های ما را بار بیاورند به يك فرهنگ انسانی، اسلامی، استقلالی. يك فرهنگی که مال خودمان باشد که این بچه از اول بار بیاید به اینطور که من خودم هستم که سرنوشتم را می توانم دستم بگیرم هی تو گوشش نخوانید که فرهنگ نمی دانم - اروپا و آمریکا. هی تو گوش ها خواندند این را، همه چیز باید از آنجا باشد، همه چیز ما وابسته باید باشد، اخلاقمان هم باید وابسته باشد، وقتی هم که آزادی می خواهیم يك آزادی غربی می خواهیم، ما باید غربی باشیم، يك آزادی می خواهیم که همان شبیه آزادی غرب باشد. این معنا به این زودی از توی مغزهایی که شستشو شده است 40 و 50 سال، 20 و 30 سال و به جای مغز ایرانی، مغز اروپائی آمده است، به جای فکر ایرانی، فکر غربی جانشین آن شده است، این به این زودی نمی شود رفعش کرد، این

محتاج به يك طول مدتی است که فرهنگ ، يك فرهنگ مستقل ، نه يك فرهنگ استعماری که آنها برای ما دیکته کردند . آنها برای ما دیکته کردند ، فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الان عوض شده ، غربی شده ، وقتی هم حرف می زنیم حرفمان غربی است ، وقتی اسم خیابان می گذاریم ، اسم خیابان های غرب را می گذاریم ، اسم اشخاص غربی را می گذاریم ، خیابان روز ولت ، خیابان کندي ، خیابان کذا . اینها غربزدگی است ، در تمام اروپا بگردید يك خیابان محمدرضا پیدا نمی کنید ، يك خیابان نادر پیدا نمی کنید . خیابان هایمان هم خیابان غربی است ، تعارف هایمان هم تعارف غربی است ، آداب و معاشرتمان هم ، با هم معاشرت غربی است ، همه چیز . ما يك وابستگی روحی پیدا کردیم ، این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است . اسلام يك وقتی سیطره اش بر همه ممالک بود ، آنوقت روم و ایران بود که هر دو اینها از همه ممالک _ آنها دیگر آنوقت به وحشیگری بودند_ این دو تا مملکت مستقل متمدن ، آن روز اسلام سیطره اش بر اینها شد و همه را اسلامی می خواست بکند .

گرفتاری قلم های سوء ، بدتر از گرفتاری سرنیزه

در هر صورت من از شما جوان ها متشکرم که آمدید از نزدیک با هم ملاقات کنیم و درد دلمان را بگوئیم . زیاد است ، درد دل ها زیاد است . ما از سرنیزه ها و مسلسل ها و اینها فارغ شدیم . سرقلم ها حالا ضد ماست ، قلم ها به جای نيزه ها آمده است ، مقاله ها به جای مسلسل ها ، حالا به روی اسلام بسته شده است . الان ما گرفتار سرنیزه نیستیم ، ما گرفتار قلم هستیم ، اهل قلم ، ما گرفتار روشنفکرها هستیم ، ما گرفتار آزادیخواه ها که آزادی را نمی دانند چی است ، هستیم . یعنی چه آزادی . ما الان گرفتار اینها هستیم و من امیدوارم که بیدار بشود يك وقت ملت ما ، يك وقت آزادیخواه های ما هم بیدار بشوند ، از این غربی بودن بیرون بیایند ، توجه بکنند به خودشان ، خودشان را مستقل قرار بدهند . يك وقت از اسلام همه جا ، به همه جا چیز صادر می شد فرهنگ صادر می شد ، حالا ما همه چیزها مان باید تبع باشد . خداوند انشاءالله همه شما را توفیق بدهد و برای مملکتمان مفید باشید و برای اسلام مفید باشید و مملکت خودتان را خودتان حفظ کنید دیگر ننشینید به اینکه ژاندارمری و پاسبان اینها بیایند . خودتان همه پاسبان و خودتان همه ژاندارمری و خودتان همه ارتشی و همه چیز خودتان هستید ، مملکت هم مال خودتان است ، خودتان حفظش کنید (حضار: در سایه رهبری شما حضرتعالی) خداوند همه تان را حفظ کند .

بیانات امام خمینی در جمع پهلوانان ورزش باستانی

ما همه زنده ایم برای احیاء سنت پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)

بسم الله الرحمن الرحيم

از اینکه جوان ها از دست شما رفته و مصیبت واقع شده است من متاثرم لکن برای اسلام و برای قرآن کریم ارزش دارد که همه از بین برویم . ما همه زنده ایم برای احیاء سنت پیغمبر اسلام و احیاء قرآن کریم و باید دین خودمان را به اسلام ادا کنیم . من وقتی که شما جوان ها را می بینم ، ماشاءالله جوان های برومند و پهلوان خیلی خوشم می آید و افتخار می کنم به اینکه جوان ها علاوه بر برومندی بدنی توجه به دیانت و اسلام دارند و همانطوری که ورزش کردند برای تقویت بدن انشاءالله ورزش برای تقویت روح هم کرده اند و می کنند . وقتی این دو قوه با هم شد ، قوه جسمانی و قوه روحانی ، این ارزش خیلی پیدا می کند ، قوه جسمانی برای خدمت و قوه روحانی هم برای هدایت ، با قوه روحانی انسان هدایت کند خودش را و با قوه جسمانی خدمت کند . این دو قوه وقتی که مجتمع شد ، يك انسان به تمام معنا انسان می شود . همانطور که در يك جامعه ، يك قوای فعاله و يك قوای هادیه می خواهد ، يك جامعه را هدایت کن لازم است و جامعه هم باید به آن هدایت عمل بکند . وقتی هدایت صحیح باشد و عمل ، عمل صحیح باشد ، يك جامعه را راه می اندازد و يك جامعه را معتدل می کند ، صحیح بار می آورد . در شخص هم همین طور است . شخص هم مثل يك جامعه می ماند ، يك قوه هادی می خواهد هدایت کند و يك قوه عامله می خواهد ، که عمل بکند . يك عقل فعال می خواهد ، يك عقل نظری می خواهد و يك عقل عملی می خواهد ، ادراک کند به آن عقل نظری مطالب را و هدایت کند همین انسان خودش را به اینکه در راه آن مقصودی که دارد عمل بکند . همانطور که جامعه با این دو قوه اصلاح می شود ، انسان هم با این دو قوه اصلاح می شود و من امیدوارم که همانطوری که شما قوه جسمی تان بحمدالله سالم و خوب است ، قوای روحی تان همانطور باشد و با این دو قوه به اسلام خدمت بکنید .

تمام مقصد ما باید اسلام باشد

الان وقتی است که ما بخواهیم این کشور را از این آشفتگی هائی که دارد نجات بدهیم ، باید همه وجهه نظر را به اسلام بکنیم ، تمام مقصد اسلام باشد . اسلام است که می تواند ما را به سعادت دنیا و آخرت

برسانند . اسلام است که برای ما آزادی ، يك آزادی سالم ، آزادی صحیح تامین می کند . اسلام است که می تواند ما را مستقل کند . اسلام است که می تواند روح ما را قوی کند و به تبع آن جسم ما هم قوی بشود . ما همه الان محتاج به این هستیم . که با این آشفستگی هائی که البته بعد از هر انقلاب آشفستگی ها هست و بحمدالله انقلاب ایران يك انقلاب کم آشفستگی است ، آشفستگی هست نه مثل آنها که در جاهای دیگر انقلاباتی دیگر بوده است . انقلاب روسیه و انقلاب فرانسه ضایعاتش خیلی بوده است . بحمدالله ایران ، آن هم از برکت اسلام است برای اینکه این مردمی که انقلاب کردند ، اسلامی بودند ، مردمی نبودند که بخواهند بیجا خرابکاری بکنند به حد خودشان کردند ، به آن اندازه‌های که مفید بود می کردند ، به آن اندازه‌های که مجاز بود می کردند و لهذا بعد از انقلاب اینطور آشفستگی هائی که در جاهای دیگر بود ، اینطور آشفستگی ها نیست ، البته يك گوشه هائی از آن رژیم باز باقی است و يك عملی هم از خارجی ها باز در بین مردم باقی هست لکن آنها باید به همت ملت ، به همت همه با هم این آشفستگی ها انشاءالله رفع بشود و بعد هم با همت همه سازندگی شروع بشود ، به همت همه اسلام آنطوری که خدای تبارك و تعالی امر فرموده است تحقق پیدا بکند .

استقرار حکومت الله به همت تمام اقشار ملت

الان ما الفاظ است ، باز پا را از الفاظ بیرون نگذاشته ایم ، جمهوری اسلامی راءى هم دادیم اما آن معنا و آن محتوایی که باید تحقق پیدا بکند باز نشده است . الان آشفستگی ها همه جور هست ، تحول لازم دارد . از همه چیز آن که بخواهد بشود ، همه آن آثار طاغوتی که در همه جا الان هست ، الان هم آثار در همه جا هست ، همه اینها باید متحول بشود تا اینکه اسلام به آنطوری که ، به آن چهره زیبایی که دارد _اسلام_ تحقق پیدا بکند ، يك مملکت الهی بشود در مقابل يك مملکت طاغوتی . طاغوت را که از بین بردید باید به جای آن يك مملکت اسلامی و يك مملکت الهی درست بشود . مقابل طاغوت ، الله است . با رفتن طاغوت باید مملکت الله پیدا بشود ، مملکت الهی پیدا بشود و آن هم با همت همه است ، نه _ما_ روحانیون می توانند تنها کار انجام بدهند و نه دولت می تواند تنهایی انجام بدهد و نه قشری از اقشار ملت . همانطوری که همه پیش بردید ، با هم مسأله را پیش بردید ، با هم پیروزی را تا این حدود ایجاد کردید ، نائل شدید به پیروزی ، باز هم با هم باید این قافله را به منزل برسانید . اگر با هم نباشید ، اگر این قوا همه با هم مجتمع نشوند نمی توانند کاری انجام بدهند . این حرف هائی که اینطرف و آنطرف گفته می شود ، این اختلافاتی که دارد هی دامن به آن زده می شود ، همه اینها مخالف بامسیر ملت است . ملت ما با هم همه اسلام را خواستند ، همه ملت فریاد کردند با الله اکبر که ما اسلام را می خواهیم ، ما حکومت اسلامی می خواهیم ، جمهوری اسلامی می خواهیم . مقصد ملت اسلام است ، اینها که گذشت اینها مقدمات بود ، اینها چون مانع بودند از اینکه اسلام تحقق پیدا بکند ، مردم این مانع ها را رد کردند ، ظالم ها را کنار زدند ، آنهایی که غارت می کردند اینها را کنار زدند لکن مقصد اصلی این است که يك حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند ، رژیم يك رژیم انسانی _اسلامی_ بشود و مملکت ، يك مملکت

اسلامی _ انسانی بشود که اسلام در همه قشرهای مملکت ، در همه قشرهای مملکت همه جا اسلام باشد ، هر جا بروید رنگ اسلام ببینید و من امیدوارم که با همت همه شما آقایان و با همت همه اقشار ملت آن آرزوئی که ما داریم تحقق پیدا بکند . خداوند انشاءالله شما را توفیق دهد .

محبت اقتضا می کند که اختلاف در کار نباشد

من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و اختلاف که ریشه همه مفاسد است کنار گذاشته بشود همه با هم برادر ، همه با هم برابر و دوست . در بین شما آن چیزی که از همه بیشتر به چشم می خورد ، محبتی است که در شماهاست . شماها اهل محبت هستید و محبت اقتضا می کند که اختلاف در کار نباشد . دو نفر که هم را دوست دارند باهم اختلاف نمی کنند و شماها بین تان محبت رایج است و مردانگی ، و امیدوارم که آن صفات بزرگی که هر دو آن صفت از طرف خداوند تبارک و تعالی است این اسباب این باشد که اختلافات در کار نباشد ، همه با هم ، همه مان باهم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع علمای سبزوار و بانوان چهار مردان قم

آنچه که تحمل مشقت را آسان می کند کار برای خداست

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید از آقایان که از راه دور تشریف آورده اند و در این هوای گرم و در این منزل کوچک زیر آفتاب تشریف دارند و تحمل زحمت می کنند و از خانم هائی که تشریف آورده اند و در این هوای گرم مستمع هستند تشکر کنم و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی مسئلت می نمایم. آنچه که زحمت ها را آسان می کند این است که برای خداست، کاری که برای خدا باشد، تحملش آسان است ولو در آفتاب باشد، ولو در گرما باشد. اولیاء خدا برای خدا زحمت ها کشیدند، اسلام با خون پیش رفت، با زحمت پیش رفت، با فداکاری پیش رفت و ما باید با فداکاری پیشرفت کنیم. اسلام محتاج به فداکار است، قرآن کریم محتاج به فداکاری قشرهای ملت است، پیغمبر اکرم به این ملت چشم دوخته است، نامه های اعمال پیش ایشان می رود و ما باید کوشش کنیم که رضایت خدای تبارک و تعالی را به دست بیاوریم.

اشخاصی که قلم دست می گیرند بر ضد اسلام، بر ضد روحانیت، بشناسند آنها را

شما با زحمت های خودتان، با رنج های خودتان، چه آقایان و چه خانم ها، این پیروزی را تحصیل کردید و باید با زحمت های خودتان، با رنج های خودتان، با فداکاری های خودتان ادامه بدهید. الان موقعی است که احتیاج به ادامه نهضت است، نهضت نارس است، بین راه است و شیاطین توطئه می کنند. باید همه ملت با هم، همه قشرها با هم، آنها که برای اسلام دلشان می طید، آنهایی که کشور خودشان را می خواهند، باید از مسائل خصوصی، از مطالبی که مربوط به خودشان هست، از آمال و آرزوهای شخصی دست بردارند و به فکر ملت باشند و به فکر اسلام باشند و به فکر کشور باشند و توطئه ها را با وحدت کلمه خنثی کنند. آنهایی که در بین مردم، کارگرا، دهقان ها، دانشکده ها، دانشگاه ها می روند و تخم فساد می کارند، آنها را بشناسند، ببینند که اینها چه کسانی هستند و از کجا تأیید می شوند و کی آنها را تأیید می کند. قلم های مسموم را بشناسند، اشخاصی که قلم دست می گیرند بر ضد اسلام، بر ضد روحانیت، بر ضد مسیر ملت قلم فرسائی می کنند، بشناسید آنها را. سوابق اینها را به دست بیاورند. مطالعه در احوال و سوابق اینها بکنند.

آزادی را اسلام به ما داد، قدر این آزادی و اسلام را بدانید

ما احتیاج به وحدت کلمه داریم . زحمت ملت ما برای اسلام است . برای اسلام بود . اسلام است که سعادت همه را تامین می کند و اسلام است که ما را پیروزی رساند و اسلام است که ما را به پیروزی می رساند . اگر اسلام نبود و اگر اسلام نباشد ، ملت باز معنائی که سابق بود بر می گردد . آنهایی که حکومت می خواهند بین ما بکنند ، عمالشان را وادار کردند بر ضد اسلام ، بر ضد روحانیت عمل کنند و قلم فرسائی کنند . بیدار باشید ملت بیدار باشید علمای اعلام ! خطبای عظام ! دانشگاهی ! بازاری ! کارگر ! دهقان ! همه بیدار باشید و دشمن های خودتان را بشناسید . دشمن های اسلام را بشناسید . اگر اسلام نبود اینها که برای آزادی قلم فرسائی می کنند ، اینجا نبودند ، آزادی نداشتند . آزادی را اسلام به ما داد ، قدر این آزادی را بدانید و قدر این اسلام را بدانید . کسانی که برای کشور می خواهند خدمت کنند ، به اسلام خدمت کنند ، باید روحانیت را تقویت کنند ، دانشگاه را تقویت کنند . من از خدای تبارک و تعالی بیداری ملت را مسئلت می کنم . من از خدای تعالی سعادت همه ملت را و سعادت و سلامت شما آقایان و خانم ها که تشریف دارید مسئلت می کنم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون، فرهنگیان و مردم کرج به مناسبت شهادت شهید مطهری و سوء قصد به حجت السلام رفسنجانی

جدیت در حفظ حیثیت اسلام و شناساندن چهره حقیقی جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

اینکه پیش من اهمیت دارد این اموال نیست، این دارائی های جنایتکاران نیست. اینکه من خیلی به آن اهمیت می دهم این است که امروز که جمهوری اسلامی اعلام شده است و مردم ایران را از شر آنها، از شر رژیم فارغ می دانند و جمهوری را اسلامی می دانند، همه اقشار ملت خصوصا آنهایی که در راس کار هستند، خصوصا روحانیینی که در راس کار هستند اینها جدیت کنند به اینکه نبادا خدای نخواستہ چهره جمهوری اسلام به طور قبیح بین مردم وجود پیدا کند. این اهمیت در راس همه امور این معناست. اموال چیزی نیست ببرند، بخورند یا بگیرند، یا برای مستضعفین کار بکنند، البته می شود، آنکه اهمیت دارد حیثیت اسلام است که باید کوشش کرد این حیثیت را حفظ کرد. تا حالا مردم می دیدند که خوب، یک دولت طاغوتی است و کارهایش کذا و کذاست. وقتی که دولت طاغوتی رفت مردم توقع دولت اسلامی دارند. مردم توقع دارند که حالا که نمی توانید همه کارها را یکدفعه اصلاح کنید لکن آنهایی که در راس کار هستند جوری نباشد که اسلام را هم مثل یک دولت طاغوتی ما عرضه بکنیم. اگر ما مسامحه کنیم در امور یا تخطی کنیم از آن مشی که اسلام و حکومت های اسلامی دارد، این اسباب این می شود که اسلام را ما در نظر عالم، در نظر غیر، در نظر جوان های بی اطلاع از اسلام، قشرهایی که اسلام را درست اطلاع بر آن ندارند در نظر اینها یک صورت طاغوتی به آن داده بشود. این شکست است که تا آخر اسلام را به شکست می رساند.

دیروز به بعضی از این آقایان که اینجا بودند گفتم که آن روزی که وجهه اسلام بخوهد درش خدشه وارد بشود، آن روز است که بزرگان اسلام جانشان را دادند برای او. در زمان معاویه و در زمان پسر خلف معاویه مسأله اینطور بود که چهره اسلام را اینها داشتند قبیح می کردند، به عنوان خلیفهاالمسلمین، به عنوان خلیفه رسول الله آن جنایات را می کردند. مجالسشان، مجالس چه بود. اینجا بود که تکلیف اقتضا می کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند و این چهره قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می دهند و اشخاص غافل ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه دارد و یزید دارد، این است که خطر می اندازد اسلام را و این است که مجاهده برایش

باید کرد ولو انسان به کشتن برود .

تا حالا همه قشرها (خداوند همه شان را سعادت و سلامت بدهد) مبارزه کردند و این قشری که ظالم بودند ، ستمکار بودند خائن بودند ، این رژیم فاسد را شکستند و از بین بردند ، حالا که دست خود مردم افتاده است مملکت ، و ادعا این است که يك حکومت اسلامی است ، که يك جمهوری اسلامی است ، حالا است که خطر زیاد است حالا است که برای قشر روحانیت از همه بیشتر (برای اینکه اینها نمونه‌های از اسلام هستند ، نمونه‌های از انبیاء هستند) برای سایر قشرها هم همین معنا ، این که به اسلام عقیده دارد ، به خدا عقیده دارد ، برایش الان يك تکلیف هست که در اینوقتی که آن رژیم طاغوتی رفته است و حالا- يك رژیم ما ادعا می کنیم اسلامی و انسانی هست ، يك وقتی طوری نشود که کمیته ها در سرتاسر کشور عرض بکنم پاسدارها در سرتاسر کشور ، سایر قشرها در سرتاسر کشور خودشان را آزاد بدانند که هر کاری می خواهند بکنند ، آزاد بدانند که هر جور می خواهند رفتار بکنند . این است که اگر چنانچه کمیته ها روی موازین اسلامی عمل نکنند ، اگر روحانیون که در راس جامعه هستند روی موازین مقررات به طور دقت عمل نکنند ، اگر دولت به طور دقت عمل نکند ، اگر ارتش به طور دقت عمل نکند و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام ، يك صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می شود که حالا هم که دولت اسلامی مثلا شد ، حالا هم که جمهوری اسلامی شد مثلا پاسدارهای اسلام می ریزند خانه های مردم را غارت می کنند ، چه می کنند . يك قضیه که بشود ، کافی است که بگویند همه می کنند ، دو تا قضیه وقتی که واقع بشود که بیخود بریزند به خانه های مردم و از آنجا مثلا غارتگری بکنند ، این کافی است برای اینکه بگویند کمیته هایی که ، بگویند پاسدارهای اسلامی وضعشان غارتگری است . يك کمیته در يك محلی اگر واقع بشود ، دو تا کمیته در يك محلی اگر واقع بشود و بر خلاف مقررات شرع درش عمل بشود کافی است که بگویند کمیته های اسلامی هم اینطور هستند که اینطور کارها را انجام می دهند . اگر دو تا حبسی بر خلاف مقررات اسلام با او عمل بشود کافی است که بگویند حبس اسلام هم مثل حبس ساواک می ماند . الان يك تکلیف بسیار بزرگی به عهده همه ماست . من که يك طلبه هستم این تکلیف را دارم ، آقایان هم که از آقایان (روحانیون) هستند این تکلیف را دارند ، سایر قشرها هم دارند که کوشش کنیم وجهه اسلام و صورت اسلام را آنطور که هست نمایش بدهیم ، نه آنطوری که خلفای مثل معاویه و یزید و بعضی از ، یا بسیاری از خلفای اموی و بنی عباس جلوه می دادند . به عنوان اینکه ما نماینده اسلام هستیم ، کارهایی می کردند که با اسلام مخالف بود و اسباب این می شد که يك وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند .

الان ما در يك امتحان بزرگ واقع هستیم . الان خدا ما را امتحان می کند که آیا ما در این وقتی که يك مطلب دستمان آمده ، يك قدرتی دستمان آمده است ، آیا ما چه می کنیم ؟ ما هم همان هستیم به صورت دیگر؟ یا خیر ، ما روی مقررات عمل می کنیم آنی که مهم است پیش من این است که امروز خطر هست در کار ، خطر کمونیست در کار اینقدرها نیست ، هست ولی اینقدرها نیست ، خطر ساواکی دیگر اینقدرها نیست در کار ، این خطرها مهم نیست ، اموال شاه سابق برود یا نرود پیش من چیز مهمی

نیست، قصرهای کذا و کذا پیش ما چیز اهمیت داری نیست، آنی که اهمیت دارد این است که وجهه اسلام محفوظ باشد، صورت اسلام آنطوری که هست باشد، امروز که دست ما افتاده یک جوری نمایش ندهیم که بگویند اسلام این است. یک وقت می گویند که فلان آدم اینطوری است، این اشکالی ندارد، فلان شخص اینطوری است. یک وقت اگر بنا شد که مثلا در قشر معممین خدای نخواستہ، در قشر علما خدای نخواستہ یک مطلب خلافی واقع بشود، دو تا مطلب خلاف واقع بشود مردم می گویند که خوب اینها نمایندگان اسلام هستند، نمایندگان اسلام هم همین طورند، پس معلوم می شود اسلام اینطوری است. کمیته هایی که برای کمیته اسلامی هست و کمیته در حکومت اسلامی هست اگر چنانچه یک قضیه‌های بر آن واقع بشود، صورت اسلام را بد نمایش می دهد و اگر یک همچین کاری به دست ماها واقع بشود، جرمی است که بخشودنی نیست، پیش خدای تبارک و تعالی بخشودنی نیست. این مثل سایر گناه ها نیست، این یک گناه بزرگی است که اسلام را ما در خطر انداختیم، اسلام را بر خلاف آن چیزی که هست نمایش دادیم.

و لهذا من از همه، از همه کمیته ها، از همه پاسدارها، از همه معممین، از همه اهل منبر، از همه اهل محراب، از همه مسلمان ها عاجزانه با کمال عجز و تواضع استدعا می کنم که این اسلامی که الان به دست شما افتاده است وارونه نشانش ندهید، همانطور که هست عرضه کنید. اگر اسلام همانطور که هست عرضه کنید، دنیا قبولش می کند، متاع خوبی است. اما اگر چنانچه امروز خدای نخواستہ ما یک جور عملی بکنیم که این عمل اسباب این بشود که بگویند اسلام اینطوری هست، بزرگتر خیانت را ما به اسلام کردیم.

سفارش عمومی به اقشار ملت در نظارت بر کلیه امور و اعتراض به اعمال خلاف اسلام

این یک سفارش عمومی است که پیش من اهمیت دارد و باید عرض بکنم به همه، به همه قشرهای ملت باید عرض بکنم. با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف اسلام نباشد، یک قدم. با کمال دقت ملاحظه کنید که کمیته هایی که در تحت کفالت شماسات اشخاصی توی آن نباشند که خلاف اسلام عمل می کنند. با کمال دقت ملاحظه کنید که کسانی که به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان چه، معممین کذا اینها یک قدم خلاف برندارند که خدای نخواستہ چهره اسلام را بر خلاف آنطوری که هست قبیح نشان بدهند. این در نظر من از همه چیزها اهمیتش بیشتر است و مسؤولیتش هم بیشتر. همه ما مسؤولیم که این کار را انجام بدهیم یعنی آنطور که، آنقدری که قدرت داریم این کار را انجام بدهیم که گمان نشود که اسلام هم مثل سایر حکومت های دیگری هست و تا حالا دستشان چیزی نبوده حالا که دستشان آمده همانند که بودند و همانند که هستند. این مسأله مهم است. و آقایان توجه کنند و همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی خودت را حفظ کن. مسأله،

مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است، اگر دیدند که يك كمیته خدای نخواستہ بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل می کند، بازاری باید اعتراض کند عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند، معمین و علما باید اعتراض کنید، اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند يك معمم بر خلاف موازین اسلام خدای نخواستہ می خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است. آنوقت هم باید بگیرند اما حالا کار مهم است. حالا- اساس، اساس وجهه اسلام است، اساسی است که الان اسلام به دست ما افتاده، داریم چه می کنیم؟ بنابراین آنی که به نظر بنده مهم است این است و البته اینها هم باید عمل بشود اما اینها در درجه دوم است درجه اولش عبارت از این است که همه ما، همه قشرها، همه، اینها همه باید این جهت را توجه داشته باشند و همه آنها مراعات این مسئله (کلکم راع) همه باید مراعات این مسائل را بکنند، توجه داشته باشند که نبادا من يك وقت يك کلمه بر خلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند، بنویسند، بگویند، آقا، خدای نخواستہ آقا، شما، ایشان، اینهایی که الان مردم توجه به آنها دارند و می گویند اینها مثلا دارند اداره می کنند، چه حکومت باشد و چه کسانی که عرض بکنم که از این دادگاه ها باشد هر جا باشد، الان وقت این است که همه اینها مواظبت کنند خودشان، مواظبت کنند در اینکه يك قدم کج نگذارند و اسلام را حفظ کنند، صورت اسلام را آنطوری که هست نشان بدهند و اگر خدای نخواستہ يك کسی پیدا شد که يك کار خلاف کرد اعتراض کنند مردم و مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می کنی؟ در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت (در منبر بود، کجا) که اگر من يك کاری کردم، شما چه بکنید، يك عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می کنیم. باید اینطور باشد، باید مسلمان اینطور باشد که اگر هر که می خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می خواهد باشد اگر دید پیش را کنار گذاشت شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد.

امور باید موافق اسلام باشد

اگر ما بخواهیم اسلام را حفظ کنیم و اینطوری که بخواهیم يك نمونه در عالم نشان بدهیم، ایران را بگوئیم يك نمونه است، يك الگو هست، با رفتن شاه درست نمی شود، با رفتن ظالم ها درست نمی شود. اگر بنا شد که ظالم ها رفتند و ما يك دسته دیگر جایشان نشستیم همان کارها را به اندازه های که قدرت داریم بکنیم، ما هم همان هستیم، ما هم همان رژیم هستیم، ما هم همان ظالم هستیم. این يك مطلبی است که باید همه بدانند و همه ملت باید بدانند و در راس آنها این است که روحانیون و کسانی که مرجع امورند در همه جاها، دولت اسلامی عرض بکنم که ارتش اسلامی، همه قوای انتظامیهای که حالا همه می گویند ما اسلامی هستیم و از طاغوت بیرون آمدیم و به اسلام گرایش پیدا کردیم، مجرد لفظ فایده ندارد، باید محتوا داشته باشد، باید شهربانی حالا وضعش با آنوقت تغییر بکند، نه لفظش تغییر بکند و وضعش همان باشد، باید شهرداری ها همین طور باشند، ارتشی ها

همین طور باشند، وزارتخانه ها همین طور باشند، ادارات همین طور باشند، بازار همین طور باشد، بازار باید بازار اسلامی باشد، نه بازار چپاولگری، نه بازار قاچاق، بازار اسلامی باشد به حال مردم رسیدگی بکنند، این مردم دارند از بی بضاعتی چه می شوند، آنهایی که فرصت طلبند حالا اجناس را چند مقابل بالا می برند، اینها با وضع اسلام موافق نیست، مخالف است عرض بکنم که بنابراین الان بر عهده ما همه، همه افراد ملت از صدر تا ذیل، چه در دستگاه های حکومتی باشند، چه نباشند، چه در دستگاه هایی باشد که تمشیت امور را می کنند چه نباشند، الان به عهده همه ما این است که ما کارهایمان را موافق اسلام قرار بدهیم و اسلام را حالا که می گوئیم جمهوری اسلامی هست و حالا که می گوئیم مملکت اسلامی است و حالا که می خواهیم عرضه کنیم به خارج که این ایران الگو باشد از برای سایر جاها، يك وقت جوری نباشد که يك الگویی باشد الگوی شیطنی باشد و ما غفلت از آن بکنیم. باید يك الگوی اسلامی باشد و این وظیفه برعهده همه ماهاست. انشاءالله خداوند همه شما را موفق بدارد و من تشکر می کنم از اینکه آقایان از راه دور آمدند برای ملاقات ما و امیدوارم که این امور هم اصلاح بشود انشاءالله.

امام خمینی در جواب سوال یکی از حضار فرمودند:

امور باید موافق اسلام باشد. ثروت اگر ثروتی است که مخالف اسلام است مصادره خواهد شد، حساب خواهد شد. این املاکی که گفته شدند که مصادره می شوند و دولت چه می کند املاك مردم نیست عبارت از زمین های مواتی که دولت سابق بدون اینکه مالک باشد فروخته است یا اشخاص بدون اینکه مالک شده باشند فروخته اند. اینها هست نه اینکه يك کسی خودش زمینی را احیا کرده و بروند از او بگیرند. این حرف ها نیست در کار، اسلام این حرف ها راه ندارد که برای هوای نفس اشخاص مال مردم را از آنها بگیرد، نیست. مال مردم روی حقوق حقه شرعی و روی موازین الهی باید درست بشود و اگر موازین الهی عمل بشود، همه امور درست می شود.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیئت قائمیه تهران

در قیام لله شکست راه ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

امیدوارم که ما همه جزء هیئت قائمیه باشیم و همه به آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب سلام الله علیه برای ما تعیین فرموده اند عمل کنیم و صورت ها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی. شاید این وصفی که برای حضرت صاحب سلام الله علیه ذکر شده است دنبال همین آیه شریفه که می فرماید که: (قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی) دنبال همین معنا باشد که همه باید قیام بکنیم قیام واحد که بالاترین قیام همان آن شخص واحد است و همه قیام ها باید دنبال آن قیام باشد و قیام لله باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید که: من فقط يك موعظه دارم به شما (قل انما اعظکم بواحد) به امت بگو که فقط من يك موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که قیام کنید و قیام لله باشد، قیام لله کنید. البته آن حضرت قیام لله می فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست برای دیگران نیست لکن شیعه های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در اینکه قیام کنند لله، برای خدا. که اگر قیام برای خدا باشد، اگر عمل برای خدا باشد، اگر نهضت برای خدا باشد، شکست ندارد، برای اینکه آن چیزی که برای خدا هست اگر در صورت هم خیال بشود که شکست خورد به حسب واقع شکست نخورده است، حضرت امیر سلام الله علیه با معاویه جنگ کردند و شکست خوردند لکن شکست نبود. این شکست صوری شکست حقیقی نبود چون قیام لله بود قیام لله شکست ندارد. تا امروز هم او غالب است، تا ابد هم او غالب است. سید الشهداء سلام الله علیه با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند. چون قیام لله بود اساس سلطنت آن خبیث را به هم شکستند. در صورت، ایشان کشته شدند لکن اساس سلطنت را شکستند، اساس سلطنتی که می خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی در آورد. خطری که معاویه و یزید بر اسلام داشتند این نبود که غصب خلافت کردند، این يك خطر کمتر از آن بود. خطری که اینها داشتند این بود که اسلام را به صورت سلطنت در می خواستند بیاورند، می خواستند معنویت را به صورت طاغوت در آورند، به اسم اینکه ما خلیفه رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به يك رژیم طاغوتی. این مهم بود. آنقدری که این دو نفر ضرر به اسلام می خواستند بزنند یا زدند جلوتری ها آنطور نزدند. اینها اصل اساس اسلام را وارونه می خواستند بکنند. سلطنت بود،

شرب خمر بود، قمار بود در مجالسشان. خلیقه رسول الله و در مجلس شرب و خمر؟ و در مجلس قمار؟! و باز خلیقه رسول الله نماز هم می رود در جماعت می خواند. این خطر از برای اسلام خطر بزرگ بود، این خطر را سیدالشهدا رفع کرد. قضیه، قضیه غصب خلافت فقط نبود، قیام سیدالشهدا سلام الله علیه قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود، آن سلطنت طاغوتی که اسلام را می خواست به آن رنگ درآورد که اگر توفیق پیدا می کردند، اسلام يك چیز دیگر می شد، اسلام می شد مثل رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنت. اسلامی که آمده بود و می خواست رژیم سلطنتی را و امثال این رژیم ها را به هم بزند و يك سلطنت الهی در دنیا ایجاد کند، می خواست طاغوت را بشکند و الله را جای آن بنشانند، اینها می خواستند که الله را بردارند، طاغوت را جایش بنشانند، همان مسائل جاهلیت و همان مسائل سابق. شکست نبود کشته شدن سیدالشهدا سلام الله علیه چون قیام لله بود قیام لله شکست ندارد. خدای تبارک و تعالی می فرماید فقط يك موعظه همه موعظه ها را يك موعظه من دارم. پیغمبر اکرم واسطه، خدا واعظ، ملت متعظ، من فقط يك موعظه، بیشتر از يك موعظه ندارم (انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله) اینکه برای خدا قیام کنید وقتی که دیدید که دین خدا در معرض خطر است برای خدا قیام کنید. امیرالمومنین می دید که دین خدا در خطر است معاویه دارد وارونه می کند دین خدا را، برای خدا قیام کرد. سیدالشهدا هم همین طور برای خدا قیام کرد. این يك مطلبی است که برای يك وقت نیست، موعظه خدا همیشگی است هر وقت دیدید که بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی اسلامی الهی خواستند که قیام کنند، خواستند وارونه کنند مسائل اسلام را، به اسم اسلام، اسلام را بکوبند، اینجا لله باید قیام کرد و نرسید از اینکه شاید بتوانیم، شاید شکست بخوریم، شکست تویش نیست.

آنچه برای ما مهم است عمل به تکلیف شرعی است

من در پاریس که بودم بعضی خیراندیش ها می گفتند که نمی شود دیگر، وقتی که نمی شود، باید چه کرد، باید يك قدری گفتم ما تکلیف شرعی داریم عمل می کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم، برای اینکه آن راما نمی دانیم قدرتش را هم الان نداریم اما تکلیف داریم، ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می کنیم. من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم هم تکلیف شرعی مان عمل کرده ایم، هم رسیده ایم به مقصد. اگر پیش نبردیم به تکلیف شرعی مان عمل کرده ایم، نتوانستیم، حضرت امیر هم نتوانست، تکلیف را عمل کرد ولی در مقابلش ایستادند، اصحاب خودش ایستادند در مقابلش، نتوانست. این چیزی نیست، خوب مابه اندازه قدرتمان ما می توانیم کار بکنیم. وقتی که ما دیدیم که یا شما دیدید که يك رژیمی اسلام را دارد وارونه می کند، به اسم عدالت اسلامی دارد ظلم را ترویج می کند می خواهد اسلام را اینجوری معرفی کند، يك وقت می ایستد و می گوید من کاری به اسلام ندارم، این سبکتر است تکلیف برای انسان. يك وقت يك کسی قرآن طبع می کند و زیارت حضرت رضا سلام الله علیه می رود و در ملاء عام نماز می خواند و حرف هایش هم این است که: (عدالت اسلامی

را ما می خواهیم جاری کنیم، ما می خواهیم اسلام را) و فریاد می زند که ما اسلام را می خواهیم درست کنیم، وارونه درست می کنند، اینجاست که تکلیف مشکل است. اینجاست که اسلام در خطر است که انعکاسش در خارج و گاهی در داخل هم. اگر اینها موفق می شدند در داخل هم گاهی انعکاس این بود که خوب همین است دیگر، این رژیم اسلامی همین است. ما قیاممان، شما قیامتتان برای خدا باید باشد. وقتی دین خدا را انسان در خطر دید برای خدا باید قیام کند. وقتی احکام اسلام را در خطر دید برای خدا باید قیام کند. توانست، عمل کرده به وظیفه و پیش هم برده، نتوانست، عمل به وظیفه کرده. گاهی وقت ها تقیه حرام است. آنوقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است نمی تواند تقیه بکند، آنوقت باید هر چه بشود برود. تقیه در فروع است در اصول نیست، تقیه برای حفظ دین است. جایی که دین در خطر بود جای تقیه نیست، جای سکوت نیست.

جمهوری اسلامی همهاش باید اسلامی و با محتوا باشد

حالا ما بینیم وظیفه مان چیست. تا حالا انجام دادید وظائف اسلامی تان را خداوند به همه شما اجر عنایت کند. تا حالا همه با هم دست به هم دادید، جناح روحانی، جناح دانشگاهی، جناح بازاری، جناح اداری، جناح ارتشی (یک قشرشان البته) همه دست به هم دادند و این دیوار بلندی که واقع شده بود بین ملت و آن چیزی که باید به آن برسد و اسلام - آن را شکستید. خداوند به شما اجر عنایت کند. اما حالا تمام شده دیگر قضیه؟ ما حالا دیگر آسوده هستیم و هر کدام باید برویم سراغ کارهایمان؟ یا خیر آسوده نیستیم باز هم؟ باز هم بین راه هستیم. الان ما باز محتوای اسلام را، واقعیت اسلام را در ایران پیاده نکردیم. همه ما رأی دادیم به جمهوری اسلامی، صحیح، با رأی تنها اسلام نمی آید. به حسب رسمیت، رسمیت مملکت ایران الان جمهوری اسلامی است به حسب رأی همه مردم، اما محتوای اسلام باید در این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند. فقط ما بگوئیم جمهوری اسلامی و همه جهاتش غیر اسلامی باشد این اسلام نمی شود که. آن هم سابق می گفت اسلام، معاویه هم داد می کرد اسلام، نماز جماعت هم می رفت می خواند، امام جماعت هم بود. خلفاء بنی العباس هم بعضی شان از فضلا و علما بودند و بعضی شان یا همه شان هم نماز جماعت می خواندند و آداب صوری را عمل می کردند لکن محتوای اسلام را اینها، محتوای قرآن را اینها می خواستند تهی کنند. اینها با اعمالشان می خواستند که يك اسلام منهای محتوا (مثل حالا اسلام منهای روحانیت، اسلام منهای محتواست. محتوای اسلام را اینها دارند درست می کنند) باشد. اینها می خواستند که يك اسلامی، (اسلام را قبول داریم، بله اسلام)، اما الفاظ فقط، دیگر از حد لفظ نرود به محتوا.

محمد رضا خان هم اسلام را می گفت قبول داریم، هیچ هم مضایقه نداشت از اینکه شما بروید در مساجد نمازتان را بخوانید ولو اینکه این مضایقه این هم داشت از ترس يك چیز دیگر. انگلیس ها که آمده بودند عراق را گرفته بودند شنیدم که آن سردارشان دیده بود که يك کسی دارد بالای ماذنه يك چیزی می گوید، اذان می گفتند. گفته بود این چیست؟ گفته بودند اذان می گوید. گفته بود که به

که به امپراطوری انگلستان هم ضرر دارد این؟ گفته بودند نه. گفت بگوید، هر چه می خواهد بگوید نماز و روزه ما به امپراطوری انگلستان ضرری نداشت، هیچ هم کاری نداشتند به تو، هر چه می خواهید نماز بخوانید، هر چه می خواهید روزه بگیرید، آنی که به امپراطوری همه ضرر داشت آن اسلام و محتوای واقعی اسلام بود که مع الاسف بسیاری منسی واقع شده است. سیاست اسلام همچو منسی شده است که اصلا سیاست يك ننگی بود در اینجا، می گفتند فلان آخوند سیاسی است و ساسهالعباد که در زیارت جامعه می خوانیم، اگر به يك مقدس مآبی هم گفتند، تعبیرش لابد می کرد اگر جرات نمی کرد بگوید که آن هم سیاسی است، این يك چیز بود که يك کسی در حکومت دخالت بکند که این حکومت باید صحیح باشد جریان صحیح باید باشد. این از تبلیغات همان شیاطین بود که می خواستند قشر اسلام را صورتش را نگه دارند و ماها مشغول به همین صورت ها باشیم و محتوا نباشد در کارهایشان را انجام بدهند. محتوای اسلام که مهمش اسلام قیام لله، نهضت لله، جلوگیری از ظلم ظالمین، از ستم ستمکاران، اجرای عدالت اسلامی اینها منسی باشد، برویم هر چه دلمان می خواهد مسأله بگوئیم، هر چه می خواهیم نماز بخوانیم. مسأله گفته نشود که باید جلوگیری از طاغوت کرد. این را نگوئید مسأله، هر چه دیگر می خواهید بگوئید اما این نباید گفته بشود. سینه بزیند لکن هیچ صحبت از سیاست نکنید همان سینه بزیند بی محتوا. باید سینه زدن هم محتوا داشته باشد امسال باید چراغان بکنید با محتوا، نه صرف چراغان صرف چراغان خوب است اما آن فایده‌های که برای اسلام باید داشته باشد خصوصا چراغان برای کسی که قیام می کند، چراغان برای قیام لله، يك پرتوی باشد این چراغان از قیام لله، از جلوگیری از مفاسد، از ریشه کندن این ریشه های مفاسدی که الان بین مردم منتشر هستند باز، این ریشه هائی که می خواهند نگذارند این نهضت پیش برود با هر صورت، چراغان در کمال خوبی، در کمال عظمت با محتوا، باید امسال فرق کند با همه سال ها، شما امسال باید جبران کنید آن جهات سابق را. يك وقت به وقوف است، يك وقت به حمله. آن جهاد بود که آن روز کردید این هم جهاد است که امروز می کنید اما متوجه باشید که (ان تقوموا لله، انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله) اینکه نهضت، قیام برای خدا باشد، هر کاری می کنید برای خدا باشد نمایش نباشد برای خدا باشد، پرنمایش (اما نه برای نمایش، برای خدا) محتوایش را حفظ کنید. گویندگانی بیایند در مجالس شما که مسائل را درست بگویند برایتان. ما الان به آخر نرسیدیم ما تا حالا جز يك الفاظی بیشتر نبوده، البته کارهائی کرده اند اما آنی که ما می خواهیم تا حالا نشده است آنها، يك رایب دادیم به جمهوری اسلامی و آن رژیم رفت و يك رژیم دیگری است لکن باید همه چیز اسلامی بشود. آن روزی ما به آخر مقصد رسیدیم که همه چیزمان اسلامی باشد، بازار يك بازار اسلامی باشد. بازاری که يك متاعی را يك تومان می خرد و سی تومان به این فقرا و ضعفا می دهد این بازار اسلامی نیست. بازاری که قاچاق وارد می کند و به قیمت های گزاف می دهد و اقتصاد اسلام را می خواهد به هم بزند این اسلامی نیست، این بازار اسلامی نیست اینها باید اسلامی بشود، خودشان اسلامیش کنند. بازاری که به فکر ضعفا و فقرا نباشد، بازاری که پهلویش ضعیف باشد و به فکر نباشد، این بازار اسلامی نیست. ملتی که اینجا

قصرهای روی هم روی هم درست کنند و آنجا زاغه نشین ها باشند (شما همه زاغه نشین را دیدید چطورند لابد شماها دیدید من هم صورتش را دیدم) يك مملکتی که زاغه نشین ها آنطور باشند و مردم به فکر اینها نباشند این مملکت ، مملکت اسلامی نیست صورت است محتوا ندارد این . حضرت امیر می فرماید (به حسب نقل) که شاید در سر حدات يك کسی گرسنه باشد ، به خودش رنج می دهد که مبادا يك کسی از او گرسنه تر باشد . آن امیر ماست ، او آقای ماست ، امام ماست . ما ، هی بگوئیم امام و اقتدا نکنیم به او ، در کارها هیچ اقتدا نباشد . امام معنایش این است ، شیعه معنایش این است که مشایعت کند همانطوری که تابوت را که می برند اگر همه از این طرف دنبال تابوت رفتند تشییع کردند ، اگر تابوت را از این طرف می برند یکی از این طرف برود این را تشییع نکردند . شیعه باید اینطوری باشد مشایعت کن علی را . البته قدرت نداریم ما مثل او ، هیچ کس قدرت ندارد ، اما به زهد ، به تقوا ، به رسیدگی به مظلوم ها ، به رسیدگی به فقرا مشایعت کنیم از او نمی توانیم مثل او زندگی بکنیم ، نمی توانیم که مشی او را داشته باشیم ، قادر بر این نیستیم . او يك موجودی بوده ، معجزهای ، جمع ما بین تضاد ، جمع بین همه ضدها را کرده بود . يك آدم در قدرت آنطور که به حسب نقل از این طرف می زد دو تا می کرد ، در جنگ می زد می کشت تمام کسانی که بر ضد اسلام بودند . از آن طرف يك آدم زاهد ، يك آدم عابد تا صبح بنشیند نماز بخواند . آدم زاهد و عابد اهل جنگ نیست ، آدم جنگجو هم بیشترش اهل زهد و تقوا و امثال ذلك نیست ، جمع می کرده او بین همه . ماها نمی توانیم اما می توانیم که اقتدا کنیم به او تا حدودی ، می توانیم رسیدگی کنیم به فقرای مملکتمان ، به ضعفايمان .

حفظ انقلاب درونی و تحول روحی ، بالاترین پیروزی هاست

يك تحولی در ایران پیدا شد تحول روحی که این تحول روحی از این غلبه‌های که کردید بر طاغوت و او را عقب زدید و همه دنیا به قول شما متحیر بود ، این تحول از آن بالاتر بود . تحول روحی که در ملت پیدا شد ، ملتی که از يك پاسبان می ترسید ریخت در خیابان ها بچه و بزرگش گفت ما شاه را نمی خواهیم ، از يك پاسبان می ترسید دیروز ، امروز اینطور شد . این تحول ، تحول روحی بود که خدا داد . ملتی که چك و چك می کرد در معاملاتش برای زیاد شدن و کم شدن ، در يك برهه از زمان همچو انسانی رفتار می کرد با اهل ملت خودش و همچو تحول برایش حاصل شده بود که یکی از آقایان می گفت که دیدم يك زنی يك چیزی در آن تظاهرات ، آنوقت که تظاهر می کردند يك زنی يك کاسهای دستش است پول در آن است گفتم لابد مثلا فقیر است تا رسیدیم به او دیدیم می گوید که امروز تعطیل است و اینهایی که دارند می روند ممکن است بعضی شان بخواهند تلفن کنند پول هم که حالا نمی توانند پیدا کنند من اینها را گذاشتهام برای تلفن . این يك امر کوچکی است ولی خیلی بزرگ است ، يك تحولی است که عظمتش خیلی زیاد است . در يك برهه از زمان آنوقتی که انقلاب بود و فشار بود وقتی که آنطور که من می شنیدم وقتی که این آقایان که در خیابان می آمدند عبور می کردند از اطراف ، از خانه ها چیز به آنها می دادند ، آب می آوردند گلاب می زدند ، چه می دادند ، ساندویچ می دادند . يك حس انسانی

تعاون پیدا شده بود در آن حال انقلاب . این انقلاب روحی از آن انقلابی که در خارج واقع شد عظمش زیادتراست . اگر این انقلاب را ما حفظ بکنیم و آقایان حفظ بکنند ، بدانند که از همه پیروزی ها بالاتر است ، این انقلاب روحی را حفظش بکنید ، حالا که رسیدیم ما به مثلاً يك قسم از پیروزی و آن رفع موانع است ، حالا مدتی اعتصاب شده است و مثلاً کم دخیلی شده است ، حالا اینطور نباشد که تلافی بخواهید در آورید . تلافی آن اعتصاب هائی که کردید حالا بخواهید به جان مردم بیفتید و تلافی کنید . اگر اینطور باشد ، آن روحیه اسلامی الهی از دست رفته است و اگر آن روحیه از دست رفت پیروزی هم از دست ما می رود . این را باید حفظش کنید ، این تحول روحی را باید حفظش کنید . نگویند که حالا گذشت و دیگر چطور هر که برود سراغ کار خودش و هر که سر کسب خودش و آنطوری که هر روز تقریباً (حالا با کم و زیادش) به ما می آیند شکایت می کنند که گرانفروشی چقدر شده . گرانفروشی چه شده ، قاچاق گری چقدر شده ، هروئین فروشی چقدر شده ، تریاک فروشی چقدر شده ، اگر برگردد آن تحول روحی که يك برهه از زمان بود و شما را به پیش برد اگر خدای نخواستہ آن برگردد خوف این است که جهات دیگر هم برگردد . عنایت خدا برگردد . عنایت خدا به این ملت ، عنایت خدا به این ملت این پیروزی را به ما داد ، هیچ کس نکرد خدا کرد . هیچ کس نیست آن که هست خداست عنایت کرد به ما ، این حس تعاون که در مردم پیدا شد رحمت خدا به اینها توجه پیدا کرد . خدای تبارک و تعالی عنایت دارد به بندگان خودش ، به ضعفا عنایت دارد . این حس تعاون که پیدا شد رحمت خدا دنبالش بود ، این رحمت خدا و عنایت خدا شما را به پیروزی رساند کوشش کنید این را نگهش دارید . اگر نگه داشتید پیروزی شما تا آخر است ، تا آخر آخر و اگر خدای نخواستہ از دست ما برود نمی دانم چه می شود . من امیدوارم که امسال با شکوه هر چه تمامتر و با محتوای هر چه تمامتر این جشن بزرگ انشاءالله تعالی انجام بگیرد و آقایان همه با سلامت و سعادت و آقا انشاءالله . به سلامت و همه مان با هم این نهضت را به پیش ببریم که همه باهم يك جمهوری اسلامی ، با محتوای اسلامی در همه جهات خداوند تأییدتان کند انشاءالله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل نیروی دریایی بندرعباس

آزادی، امانت بزرگ الهی

بسم الله الرحمن الرحيم

اول باید تشکر کنم از شما آقایان که از راه دور آمدید برای ملاقات ما و خوشوقتم از اینکه مواجه با هم هستیم و می توانیم صحبت ها را با هم بکنیم. ما گذشته را پشت سر گذاشتیم و بحمدالله موفقیت آمیز بود. به گذشته خیلی نباید نظر کرد، عمده آینده است. تکلیف فعلی ما چیست؟ و تکلیف بعد از این و آینده ما؟ فرق نیست بر اینکه ما همه مکلف هستیم به تکلیف های الهی برای حال و برای آینده. در حال حاضر می دانید که آشفتگی هایی در کار است و توطئه هائی برای اخلال، تکلیف ما در این حال که اخلالگرها که می خواهند نگذارند این نهضت به ثمر برسد چیست و تکلیف آینده ما چیست؟ ما تا کنون آزادی را به دست آوردیم. همه الان آزادانه از محل خودتان آمدید و با هم ملاقات می کنیم که قبل از این چنین آزادی برای شما نبود، برای ما هم نبود. ما الان آزاد هستیم. آزادی يك نعمت بزرگ الهی است آیا در این موقع که آزاد هستیم، ببینیم که از این آزادی آیا سوء استفاده می کنیم یا استفاده مشروع؟ آزادی يك امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرد، آیا این امانتی که خدای تبارك و تعالی به ما داد و ما را آزاد کرد، با این آزادی چه می کنیم؟ آیا آزادی را صرف صلاح ملت و اسلام می کنیم؟ یا آزادی را صرف جهاتی که بر خلاف مسیر نهضت و بر خلاف رضای خداست؟

خداوند با نعمت آزادی ما را امتحان می کند

الان ما همه در حیطة امتحان گذاشته شدیم. قشرهای ملت همه از روحانیون گرفته است تا دانشگاهی، از نیروی هوایی گرفته است تا نیروی زمینی و تا نیروی دریایی، بازارهای اسلام، سرحدات اسلام، عشایر ایران همه ما الان آزادیم و در تحت امتحان خداوند ما را با این نعمت امتحان خواهد کرد. اگر ما آزادی را در مسیر خودش برای صلاح ملت، برای صلاح اسلام، در خدمت کشور، از این آزادی استفاده کردیم، از امتحان درست بیرون آمده ایم و اگر خدای نخواستہ آزادی را صرف کردیم بر خلاف مسیر ملت و اسلام، حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم، حالا که آزاد هستیم به زیر دستان خودمان ظلم کنیم، حالا که آزاد هستیم بر خلاف نظامات اسلامی و بر خلاف نظامات ملی عمل کنیم. هرج و مرج بیا کنیم چون آزاد هستیم، تحت هیچ قاعده نباشیم تحت هیچ يك

از قواعد اسلامی و ملی نباشیم، اگر اینطور باشد، آزادی را سلب کردیم بر خلاف مسیر ملت و برخلاف مسیر اسلام. توجه داشته باشید که از این امتحان آبرومند بیرون بیایم. اگر من طلبه وقتی آزاد شدم به رفقای خودم، به زیردستان خودم، به دوستان خودم تعدی کردم، برخلاف مسیر نهضت عمل کردم، برخلاف مسیر ملت عمل کردم، من به این آزادی که خدای تبارک و تعالی داده است خیانت کرده‌ام. اگر شما برادرهای نظامی من هم حالا که آزادی پیدا کردید بخواهید از این آزادی سوء استفاده کنید، برخلاف مسیر ملت، برخلاف مسیر کشور عمل نکنید، برخلاف نظامات مقرر عمل نکنید، شما هم مثل من از این امتحان بیرون نیامدید و خدای نخواستہ خیانت کردید. امانت خدا را حفظ کنید. به امانت خدا خیانت نکنید.

آزادی را در صلاح ملت و صلاح کشور صرف کنید

شما آزادید، آزادی را صرف کنید در صلاح ملت، در صلاح کشور. و آزادی برای این نیست که هر کسی هر کاری می‌خواهد بکند، قاچاق فروشی بکند، گرانفروشی بکند، سرحدات را به هم بزند، نظام را به هم بزند، جهات مقررات ملی و دولتی و اسلامی را ملاحظه نکند، معنای آزادی این نیست، آزادی در حدود مقررات است، مقررات را باید حفظ کرد و کسی حق ندارد به شما تعدی بکند، شما آزادید و کسی حق ندارد شما را محدود کند لکن مقررات را باید همه حفظ بکنیم، من که در اینجا هستم و شما که در سرحدات هستید، باید مقررات را حفظ بکنیم باید نظامات را حفظ بکنیم، باید جهاتی را که مقرر شده برای ما و شما هم حفظ بکنیم تا انشاءالله این کشور را به سامان برسانیم. اگر من که اینجا هستم بر خلاف مقررات عمل کنم و آن که در تهران است بر خلاف مقررات عمل کند و آن که در سرحدات است برخلاف مقررات عمل کند، خدای نخواستہ این نعمت را که خدا به ما داده است و باید شکر او را بکنیم، کفران او را کرده ایم و خدای نخواستہ از ما گرفته می‌شود و باز بر می‌گردیم به سال‌های سابق و به گرفتاری‌های سابق. شما آقایان و ما اینجا، شما آنجا و همه ملت در هر جا که هستند باید از آزادی استفاده صحیح بکنند، از آزادی استفاده‌های سوء نکنند. همه باید با مقرراتی که شرع و عقل معین می‌کند، با نظاماتی که باید عمل به آن کرد، همه با هم به این نظامات عمل بکنیم، به این مقررات عمل بکنیم. من از شما دوستان عزیز، فرزندان محترم که در سرحدات هستید و در آنجا زحمت می‌کشید و در هوای گرم برای اسلام و برای کشور خودتان خدمت می‌کنید کمال تشکر را دارم و امیدوارم که شما خودتان سرحدات را حفظ کنید و نگذارید قاچاق وارد بشود، خصوصاً اسلحه قاچاق و مواد مخدرهای که برای ملت ما مضر است، خود شما باید آنجا فعالیت کنید و جلوگیری از این مطالب بکنید. خداوند به همه شما سلامت و سعادت و عزت و عافیت عنایت کند شما را جزء فداکاران اسلام قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان اهواز

نهضت اسلامی عامل مجتمع شدن همه اقشار

بسم الله الرحمن الرحيم

این نهضت بحمدالله تا کنون بسیار ثمر بخش بوده است گر چه ما در اوایل امر هستیم . این نهضت موجب شد که ما و شما در يك محل مجتمع بشویم و مسائلی که داریم طرح بکنیم . قبل از این يك همچو امری میسور نبود ، ما در کنار بودیم و شما در کناری دیگر و سایر اقشار ملت هم متفرق . این نهضت الهی موجب شد که آن متفرقات مجتمع بشوند و آن مطلبی که باید بشنوند و بگویند ، با هم در میان بگذارند تا انشاءالله مسائل حل بشود و ما به آن مقصدی که داریم نائل بشویم .

مقصدمان این نبود که فقط محمد رضا برود ، مقصد اسلام است

مسائل زیاد است لکن مهم ، الان که ما در بین راه هستیم و به مقصد نرسیدیم ، فقط موانع را رفع کرده ایم والا مقصد ما بالاتر از این معانی است ، مهم این است که نهضت محفوظ باشد . این نهضتی که این قدرت را داشت که يك همچو قدرت شیطانی را در هم شکست و محمدرضا در عین حال که خودش يك قدرت عظیم بود دنبال او هم همه قدرت ها ، همه قدرت هائی که در عالم بودند با او موافق بودند و با ما مخالف ، معذک این نهضت چون يك نهضت الهی بود ، نه يك نهضت مادیگرانی ، نهضت ملی ، يك نهضت الهی ، يك نهضت اسلامی بود از این جهت پیروز شد و تمام قدرت ها نتوانستند این شیطان را نگه دارند . او رفت و دیگر برگشت ندارد ، لکن مسأله این نبود که او برود ، مسأله این بود که دنبال رفتن او قطع ایادی همه قدرتمندها بشود و این هم شده است ، البته ریشه هائی دارد و انشاءالله اینها هم از بین خواهند رفت ، لکن مسأله این هم نبود ، مسأله اساسی ما این نبود که رژیم سلطنتی برود و قطع ایادی دیگران بشود ، اینها همه مقدمه بود برای مسأله اساسی ما ، او اسلام است . انبیا که جنگ می کردند با مخالفین توحید ، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند ، مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند ، دین حق را در عالم منتشر کنند . آنها مانع بودند اینها می دیدند که این مانع را باید برداشت و به مقصد رسید .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مقصدشان این نبود که مشرکین مکه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند ، مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت ، حکومت

قرآن باشد، حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از اینکه این حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند منتهی به جنگ می شد و معارضه آنها معارضه می کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می کردند. جنگ ها، جنگ های زیادی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است، همه برای این معنا بوده است که موانع را از سر این مقصد الهی، مقصد اعلی که دارند و آن تحکیم حکومت اسلامی، حکومت الله، حکومت قرآن، همه برای این بود، به طوری که اگر چنانچه معارض با این نبودند معلوم نبود که جنگ پیش بیاید. معارضه داشتند و نمی گذاشتند که این حکومت تحقق پیدا بکند، جنگ پیش آمد. ملت ایران و ما مقصدمان این نیست و نبود که فقط محمدرضا برود، رژیم سلطنتی از بین برود، دست اجانب کوتاه بشود، اینها همه مقدمه بود، مقصد اسلام است.

ما می خواهیم که اسلام حکومت کند در این مملکت، احکام اسلام در این مملکت جریان پیدا بکند. اگر ما فرض کنیم که حکومت رژیم سلطنتی از بین برود و یک رژیم دیگری بیاید که آن رژیم دیگر، ایادی دیگران هم از او، از مملکت ما قطع بشود، یک رژیمی بیاید اما رژیم اسلامی نباشد، برخلاف اسلام باشد، این مقصد ما حاصل نشده. اگر مقصد این بود که محمدرضا برود و دست اجانب قطع بشود، بله، اما اگر مقصد اصلی ما این است که اسلام تحقق پیدا بکند، اگر مقصد اصلی ملت ایران این است که جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند، حکومت عدل الهی تحقق پیدا بکند، رفتن آنها همه مقدمه بری این مطلب است.

این اشتباه نشود که ما می خواستیم که او برود، رفت، تمام شد، خیر، تمام نشده است. این مانع از کار بود چون مانع بود که ما به مقصد برسیم با او معارضه کردیم. او نمی گذاشت که عدل الهی تحقق پیدا بکند، او نمی گذاشت که مملکت ما یک مملکت اسلامی با یک حکومت عادل باشد و محقق بشود این رژیم، از این جهت معارضه شد با او، او رفت. اگر به جای اینکه او رفت یک رژیم دیگری تحقق پیدا کند مثل یک رژیمی که در اروپا هست مثلا، مثلا مثل فرانسه ما بخواهیم بشویم که ما رژیم محمدرضا را کنار بگذاریم، یک رژیمی مثل رژیم فرانسه که کاری به اسلام ندارد، اگر اینطور باشد اینهمه خون ریختن ملت ما برای این نبوده است که حالا یک مملکتی باشد، مملکت اسلامی نباشد ولو رژیم سلطنتی هم نباشند. یک رژیم غیر اسلامی خیر. بسیارند رژیم آزاد منشانه، رژیمی که استقلال هم دارد، آزادی هم می دهد اما یک آزادی می دهد که بروفق اسلام نیست. احکام، احکام اسلام نیست. رژیم، رژیم اسلام نیست. عدالت اسلامی به آنطوری که در اسلام است نیست، ما همچو چیزی را نمی خواستیم و نمی خواهیم.

ما دنبال تحقق اسلام هستیم، نه اسم اسلام

حالا- که ما می گوئیم جمهوری اسلامی، معنایش این نیست که فقط ما راءی به جمهوری اسلامی دادیم دیگر به باقی کارهای دیگر کار نداریم. جمهوری اسلامی معنایش این است که همه مردم راءی بدهند یا اکثریت راءی بدهند به اینکه جمهوری لکن احکام، احکام اسلام، جمهوری که در او قانونش

قانون اسلام باشد. اگر يك جمهوری باشد که قانونش قانون اسلام نباشد، این آن نیست که ملت ما می خواهند و راءى بر آن دادند. اینهمه خون دادند مردم به اینکه اسلام تحقق پیدا بکند، دنباله کار انبیاست، دنباله کار رسول خداست، دنباله کار امیرالمومنین علیه السلام است، دنباله کار سیدالشهدا است سیدالشهدا خودش را داده برای همین که اسلام تحقق پیدا بکند، یزید می خواست اسلام را از بین ببرد. ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. ما در هر يك از مواردی که هست، در تمام شؤون مملکت مان می خواهیم که احکام اسلام باشد، قرآن حکومت کند بر ما، قانون اسلام بر ما حکومت کند، هیچ کس دیگر حکومت نداشته باشد و ما الان بین راه هستیم و نرسیده ایم به مقصد.

عمال اجانب چون از اسلام می ترسند، هر چیزی که ترویج از اسلام بکند از او می ترسند

مع الاسف می بینید که در اطراف، خصوصا در اطراف شما، مفسده جوها افتاده اند و می خواهند نگذارند این کار را انجام بگیرد. اینها عمال خارجی هستند، اینها اشخاصی نیستند که برای ملت ما بخواهند دلسوز باشند، اینها می خواهند که این جمهوری اسلامی که از آن می ترسند و اربابانشان هم از همین جمهوری اسلامی، از اسم اسلام می ترسند و لهذا عمالشان به این راه افتادند که جمهوری لازم نیست جمهوری اسلامی باشد، خوب، جمهوری باشد، جمهوری ایرانی باشد، جمهوری دموکراتیک باشد. این برای این است که اینها از اسلام می ترسند، از اسلام آن چیزهایی که باید نبینند دیدند، اسلام تو دهنی به آنها زد و بیرونشان کرد از مملکت. اینها از این می ترسند و لهذا کوشش می کنند خودشان و عمالشان که به هر صورت هستند، آنهايي که به هر صورت هستند کوشش می کنند که این کلمه اسلام تو کار نباشد هر چه می خواهد جایش باشد. آنها راضی هستند که هر چه جای کلمه جمهوری اسلامی، هر چه می خواهید بگذارید، اسلام نباشد دیگر هر چه می خواهد باشد.

در مملکت ما روحانی قدرت نداشته باشد ولو کمونیست قدرت داشته باشد. اینها دنبال این هستند، اینها از روحانی می ترسند و از اسلام می ترسند، چون از اسلام می ترسند، از آن کسانی که مروج اسلام هستند می ترسند. از منبری می ترسند برای اینکه مروج اسلام است، از روحانی و اهل محراب می ترسند برای اینکه مروج اسلام است. چون از اسلام می ترسند هر چیزی که دنباله اسلام باشد، هر چیزی که ترویج از اسلام بکند از او می ترسند و نمی خواهند او را.

و لهذا نعمه اینکه (لازم نیست که اسلام باشد، جمهوری باشد جمهوری دموکراتیک باشد، لازم نیست که اسلام پهلویش بگذارید، اسلام باشد منهای روحانیت، روحانیت نباشد ولو اسلام باشد). معنایش این است که اسلام باشد منهای اسلام. اگر روحانیت نباشد اسلام را هیچ کس نمی تواند نگه دارد. اینها اصلا نقشه بر این است که اسلام نباشد برای اینکه اینها سیلی خوردند از اسلام احساس کرده اند الان که اسلام است که این پیروزی را حاصل کرده، شهادت است که این پیروزی را حاصل

کرده، شهادت است که این پیروزی را حاصل کرده، شهادت هم حفظ اسلام است، از اول اسلام با شهادت پیش برده، حالا هم که می بینید که جوان های ما شهادت را می خواهند. همین امروز هم که من این بیرون ایستاده بودم يك جوان برومندی فریاد می کرد از آنجا که شما دعا کنید که من شهید بشوم. این حس بود که ما را پیش برد، این حس شهادت بود و این حس جلو آمدن برای اسلام و شهادت بود که ما را به پیروزی رساند و اینها از این می ترسند. از اسلام، اینها می ترسند.

می شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند

شما فکری بکنید که این معنای اسلامی، این جمهوری به معنای اسلامی، به همین معنا که عرض کردم که محتوا اسلام باشد، تو دانشگاه وقتی برویم اسلام باشد، تو دادگستری وقتی برویم اسلام باشد، تو وزارت خارجه برویم اسلام باشد، تو ادارات برویم اسلام باشد، تو بازار برویم اسلام باشد، صحرا برویم اسلام باشد، شهر برویم اسلام باشد، کوشش کنید که این معنا حاصل بشود. اگر این معنا حاصل شد شما تا آخر پیروز هستید. با هم باشید همه تان، همه با هم باشید. شما يك نصیب زیادی در این نهضت دارید. می شود گفت که بانوان این نهضت را پیش بردند برای اینکه بانوان ریختند توی خیابان ها، در صورتی که بانوان بنابراین نبود که بریزند در خیابان ها ریختند توی خیابان ها. مردها اگر يك سستی هم احتمال می رفت در آنها باشد همان معنا آنها را شجاع کرد. مرد وقتی دید زن ها آمده اند مشغول يك عملی هستند، مردها شجاع می شوند. شما بودید این پیروزی را نصیب اسلام کردید و شما سهم زیادی در این پیروزی دارید، این سهم را نگه دارید. این پیروزی که دنبال این بود که همه با هم يك تحول روحانی پیدا کرده بودید، يك تحولی که از عالم غیب شما را متحول کرده بودند، این تحول روحانی را حفظ کنید، وحدت کلمه را حفظ کنید. الان ما بین راه هستیم، ما کار زیاد داریم تا همه احکام اسلام جریان پیدا نکند، ما در راهیم. آنوقتی که همه احکام اسلام جریان پیدا کرد، آنوقت ما رسیدیم به مقصد. مقصد اسلام است. این را حفظ کنید، این وحدت کلمه های که پیدا شد و این اسلامی که پیدا شد و این تحول روحی که پیدا شد، این را حفظ کنید. انشاءالله تعالی پیروز هستید. خداوند انشاءالله شماها را پیروز کند و شماها را سعادت مند کند و در دنیا و آخرت شما سعید باشید و انشاءالله هستید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با ورزشکاران و کارمندان تربیت بدنی

شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید

بسم الله الرحمن الرحيم

این چه قدرتی است که شما و ورزشکاران را با يك طلبه مجتمع کرده است؟ این چه قدرتی است که دانشگاهی را با سایر اقشار همراه کرد؟ و این چه قدرتی بود که تمام اقشار ملت ما را، زن و مرد، بچه و بزرگ در هر کسوتی که بودند به خیابان ها کشیده و بر ضد طاغوت آنها را مجهز کرد؟ غیر از اسلام بود؟ این اسلام بود که همه را با هم مجتمع کرد و این اسلام بود که شما را پیروز کرد و این اسلام است که سعادت همه انسان ها را تامین می کند. نه سعادت دنیائی فقط، سعادت دنیا و آخرت. آزادی که در پناه اسلام باشد، استقلال که در پناه اسلام باشد، سعادت برای کشورها و برای کشور ما تهیه می کند، تامین می کند. شما با اسلام این پیروزی را پیدا کردید و با اسلام باید این پیروزی را تعقیب کنید.

ما باید بیدار باشیم توطئه ها را خنثی کنیم

شما باید الان توجه کنید به اینکه دشمن در توطئه است و می خواهد که این وحدتی که در اقشار ملت ما حاصل شد این را از بین ببرد، الان همه آن اشخاصی که بر خلاف مسیر شما هستند، بر خلاف مسیر ملت ما هستند، بر خلاف مسیر قرآن و اسلام هستند، بر خلاف مسیر پیغمبر و ائمه اطهار (علیه السلام) هستند اینها دارند با هم مجتمع می شوند و توطئه می کنند، البته نمی توانند، کاری هم از آنها نمی آید لکن ما هم نباید غافل باشیم ما باید بیدار باشیم و توطئه های آنها را قبل از اینکه اینها با هم مجتمع بشوند خنثی کنیم. مطالعه کنید در حال اینهایی که الان دارند خرابکاری می کنند ببینید که اینها از کجا آمدند، منشاءش چیست، از کجا پیدا شدند، اینهایی که نبودند، بعد از اینکه انقلاب پیروز شد پیدا شدند، حالا هر کدام در يك جایی بودند و اگر بودند در خفا بودند و اگر در خارج ایران بودند، در خارج بودند، حالا که انقلاب رسید اینجا یکی یکی از اطراف آمدند و با هم دارند خودنمایی می کنند. این اقشار مختلفی که حالا تازه پیدا شدند با اسم های مختلف، می بینید که مسیرشان بر خلاف مسیر شماست، حرف هایشان غیر از این حرف هائی است که شما می زنید. شما فریادتان اسلام است آنها چیزهای دیگر می گویند. اینها را باید مطالعه کنید. شماها ببینید که از کجا پیدا شده اند اینها تازه پیدا شدند، از کجا

آمدند ، چطور شده است که حالا آمدند و می خواهند نگذارند این نهضت ما به ثمر برسد . توطئه ها را خنثی کنید .

ورزشکاران با ایمان پشتوانه ملت و اسلام

مملکت ما همین طوری که به علما و دانشمندان احتیاج دارد به این قدرت شماها هم احتیاج دارد . این قدرت وقتی با ایمان باشد ، وقتی که زورخانه با قرآن باشد ، با ایمان باشد ، پشتوانه يك ملت است . وقتی قهرمان ها قهرمان های اسلامی باشند پشتوانه يك ملت هستند ، باوزی يك ملت هستند . آنها می خواستند قهرمان باشد لکن قهرمان آریامهری باشد چون پشتوانه ملت نمی توانست باشد . آنها همه چیز را می خواستند برای خودشان ، ما و شما همه چیز را می خواهیم برای خدا ، برای اسلام ، آنچه که پشتوانه ملت است ، پشتوانه اسلام است ، آن مردهای با ایمان هستند ، ورزشکار با ایمان ، روحانی با ایمان ، دانشگاهی با ایمان ، بازاری با ایمان ، دهقان و کشاورز و کارگر با ایمان ، اینها می توانند پشتوانه يك ملت باشند و نگذارند دست های خائنانه کسانی که می خواهند همه چیز ما را ببرند ، قدرت مادی ما ، قدرت معنوی ما را از بین ببرند ، اینها هست که نمی گذارند . ایمانتان را تقویت کنید ، به اسلام پناه ببرید ، همه مان به اسلام پناه ببریم ، همه جا یاد خدا باشیم . من می دانم که ورزشکارها در گودهای زورخانه یاد خدا هستند ، یاد امیرالمومنین هستند ، تقویت کنید این یاد خدا را تقویت کنید ، این یاد مولا را و همه با قدرت ، همه با ایمان انشاءالله به پیش ببرید . خداوند همه شما را موفق کند و همه سالم و سعادت مند باشید . من خدمتگزار همه شما هستم .

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت 15 خرداد

بسم الله الرحمن الرحيم

با فرارسیدن پانزدهم خرداد خاطره غم انگیز و حماسه آفرین این روز تاریخی تجدید می شود، روزی که بنابر آنچه که مشهود است قریب به پانزده هزار نفر از ملت مظلوم و ستم کشیده ما به خاک و خون کشیده شد، روزی که طلیعه نهضت اسلامی این ملت شجاع و غیور گردیده نهضت عظیمی که بیش از شانزده سال پیش به دنبال قیام روحانیت مسئول و متعهد، در مقابل محمدرضا پهلوی که مخالفتش با اسلام عزیز آشکار و آشکارتر شد، شکل گرفت. روحانیت به اعتراض برخاست و عصر عاشورا پس از حادثهای ناگوار اعتراض با موج عظیم انسانی اسلامی بالا گرفت و به اوج رسید و پس از آن دست ناپاک استعمار از آستین شاه مخلوع در آمد و غائله پانزده خرداد 12 محرم را هر چه دردناکتر بوجود آورد.

محرم چه ماه پرغائله‌های و چه ماه خونی، و چه ماه حماسه آفرینی، ماهی که دستگاه شاهنشاهی بنی امیه را در هم کوبید و ماهی که رژیم شاهنشاهی دو هزار و پانصد ساله جنایتکاران را در هم پیچید.

ملت ما نه محرم را که شاهد قتل عام های وحشیانه جباران است فراموش می کند و نه پانزده خرداد را که سرآغاز نهضت اسلامی روحانیت است.

نهضت از حوزه علمیه قم مرکز فقاقت راستین برخاست و برق آسا در سایر حوزه های علمیه و دانشگاه ها و در تهران و سایر شهرها قشرهای عظیم ملت را فرا گرفت و همه را به میدان مبارزه کشید و در سال های اخیر که حوادث به دنبال حوادث به وجود آمد و ملت بزرگ با شعار اسلام و فریاد الله اکبر و نور ایمان و وحدت کلمه بنیاد پهلوی را از بن کند و ملت ما این روز را عزیز می شمارد و من روز پانزدهم خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می کنم و برای بزرگداشت شهدای خویش در این روز بزرگ در مدرسه فیضیه به سوگ می نشینم به امید آنکه با خواست خداوند متعال باقیمانده ریشه های گندیده استعمار از بیخ و بن کنده شود و جمهوری اسلامی مبنی بر احکام نورانی قرآن مجید در کشور ما مستقر گردد.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

این فصل از ((صحیفه نور)) چون آمیزش سپیده و برف،

چون پیوند شکوفه و بلور است.

موسای، امت بر طور سینای ولایت امر فراز آمده،

و دیو مرده و فرشته باز آمده، اما باغ از زاغک های خزانی خالی نیست.

چنین است که امام بزرگوار امت، در دیدارهای پیاپی رهنمود بیداری میدهند:

اصل حرکت روحانیت و سایر اقشار ملت، جایگزین کردن اسلام، به جای طاغوت است...

وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا، سرمنشاء کمالات است.

در مملکت اسلامی، غیر قانون خدا، هیچ چیز حکومتی ندارد. مقدمترین جهاد، ما سازندگی انسان و جهاد اکبر است.

روز قدس روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است.

به حکم قرآن و اسلام همه مسلمین با هم برادرند.

صفحه قلبمان که همه چیز در آن نقش می شود همان صورت نامه اعمال است.

دانشگاه مرکز تعیین سعادت و شقاوت ملت است...

روحانیون، پاسداران اسلام هستند.

تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است...

تقریباً هر روز عطش زدگان کویر هجر زنان، مردان، کودکان، از دورترین سرزمین های، اشتیاق، پیاده سواره، کفن پوش هروله کنان می آیند... می آیند تا نخست نور بنوشند و تشنگی استخوانسوز سالیان هجر را فرو بنشانند... و غبار ظلمتها و تیرگی ها را از دل بتکانند.

می آیند تا سیرت نبوی و جمال الهی را در صورت روح الهی، نظاره کنند.

و سپس کلام او را بنوشند... و از پولاد کلمات او لباس رزم بپوشند و بخروشند...

ساعتی در پیشگاه او می نشینند تا عمری در برابر دشمن بایستند...

و آن سترگ، آن نستوه، آن دلیر، پیامبر گونه با همه دیدار می کند و به همه رهنمود بیداری می دهد.

ص: 52

بیانات امام خمینی به منسبت سالگرد 15 خرداد

اشاره

پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به راهنمایی روحانیت

بسم الله الرحمن الرحيم

پانزده خرداد چرا بوجود آمد؟ و مبداء وجود آن چه بود؟ در دنباله آن در سابق چه بود؟ و الان چیست؟ و بعدها چه خواهد بود؟

پانزده خرداد را کی بوجود آورد؟ و دنباله آن را کی تعقیب کرد؟ و الان کی همان دنباله را تعقیب می کند؟ و پس از این امید به کیست؟

پانزده خرداد برای چه مقصدی بود؟ و تاکنون برای چه مقصدی است و بعدها برای چه مقصدی خواهد بود؟

پانزده خرداد را بشناسید و مقصد پانزده خرداد را بشناسید و کسانی که پانزده خرداد را بوجود آوردند بشناسید و کسانی که پانزده خرداد، را دنبال کردند بشناسید و کسانی که از این به بعد امید تعقیب آنها هست بشناسید و مخالفین پانزده خرداد و مقصد پانزده خرداد را بشناسید.

پانزده خرداد از همین مدرسه شروع شد. عصر عاشورا در همین مدرسه اجتماع عظیم بود و بعد از اینکه صحبت هائی و افشاگری هائی شد، دنباله آن منتهی به پانزده خرداد شد.

پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدائیت اسلام و راهنمایی روحانیت و همین جمعیت ها که الان اینجا هستند، اینها بودند که 15 خرداد را بوجود آوردند. همین صنف جمعیت بودند که 15 خرداد را بوجود آوردند و همین صنف جمعیت بودند که کشته شدند. همین طبقه از افراد اسلامی که برای اسلام قیام کردند و هیچ نظری جز اسلام نداشتند، 15 خرداد را بوجود آوردند همین جمعیتی که مقصدی غیر از اسلام ندارند، در تعقیب 15 خرداد تا حالا دنباله کردند. از همین جمعیت که مقصدی غیر از اسلام ندارند امید آن است که تعقیب کنند و نهضت ما را به ثمر برسانند.

باید دید این جمعیت کی هستند، اینها که 15 خرداد را بوجود آوردند و آن ها که در 15 خرداد به طوری که مشهور است 15000 فدائی دادند و آنهایی که پس از پانزده خرداد و پانزده های خرداد و پس از قتل عام 15 خرداد و قتل عام های دیگر در میدان ها آمدند، چه قشری از جمعیت بودند؟ آنهایی که پانزده خرداد را بوجود آوردند، آنهایی که دنباله 15 خرداد را تاکنون رساندند، آنهایی که برای شکستن سد رژیم فعالیت کردند. آنهایی که به خیابان ها ریختند و فریاد الله اکبر کردند، همین قشر از

جمعیت بودند . حق مال همین قشر از جمعیت است ، دیگران هیچ حقی ندارند .

الان کی منحرف دارد می کند مسیر ملت ما را؟ چه گروه هائی هستند که ملت ما را از این مسیر می خواهند منحرف کنند؟ چه جمعیت هائی هستند که نهضت اسلامی را می خواهند از اسلامیتش منحرف کنند؟ اینها گروه هائی هستند که عدهای از آنها نمی دانند قضایا را جاهلند و عدهای هستند عالما ، عامدا با اسلام مخالفند .

آنهائی که جاهلند باید هدایت کرد ، باید گفت به آنها که ای آقایان که خیال می کنید به غیر اسلام در ایران می تواند چیزی پیش ببرد ، ای کسانی که گمان می کنید غیر اسلام رژیم را ساقط کرده است ، ای کسانی که احتمال می دهید که غیر مسلمین و غیر اسلام کس دیگر دخالت داشته است ، شما مطالعه کنید ، بررسی کنید اشخاصی که در پانزده خرداد جان دادند ، سنگ های قبرهای آنها را ببینید کی بودند اینها ، اگر يك سنگ قبر از این قشرهای دیگر غیر اسلامی پیدا کردید ، آنها هم شرکت داشته اند . اگر در قشرهای اسلامی ، يك سنگ قبر از آن درجه های بالا پیدا کردید ، آنها هم شرکت داشته اند ولی پیدا نمی کنید ، هر چه هست این قشر پائین است ، این قشر کشاورز است ، این قشر کارگر است ، این تاجر مسلم است ، این کاسب مسلم است ، این روحانی متعهد است هر چه هست از این قشر است . پس 15 خرداد را به تبع اسلام اینها بوجود آوردند و به تبع اسلام اینها حفظ کردند و به تبع اسلام اینها نگهداری می کنند .

نظر آن ملتی که نهضت را بوجود آورد و قدرت های بزرگ را شکست ، میزان است

کسانی که گمان می کنند غیر قدرت اسلام می توانست يك همچو سدی رابشکند ، در خطا هستند . و اما آن قشری که به واسطه مخالفت با اسلام با ما مخالفت می کنند ، آنها باید علاج به هدایت (اگر ممکن است علاج) کرد و الا با همان مشتی که رژیم را از بین بردید ، آن وابسته ها را هم از بین خواهید برد .

از 15 خرداد تا کنون آنچه شده است ، آنچه تحقق پیدا کرده است با فعالیت همین قشر و با جان نثاری همین جمعیت و با خون دادن همین طبقه بوده است . اینها حق دارند در همه چیزهائی که باید تحقق پیدا بکند راءی بدهند . آنهائی که در خارج بودند و حالا آمده اند و آنهائی که در خارج صف بوده اند و حالا وارد صف شده اند هیچ حقی در این نهضت ندارند و نظر آنها هیچ اعتباری ندارد . نظر آن ملتی که نهضت را بوجود آورد و قدرت های بزرگ را شکست و بعد از این هم دنبال همین قدرت خواهد بود ، تمام حق مال اینهاست ، نظرهای اینها میزان است . نظرهای دیگران اگر موافق با نظر اینهاست ، اگر دنباله اسلام است ، اگر با حفظ اسلام و احکام اسلام است ، اهلا و مرحبا و اگر انحراف است و اگر انحرافات است ، آنها باید بروند آنجائی که قبلا بوده اند .

انحرافات را از کجا بشناسیم ؟ از کجا بدانیم که قشر نهضت بوجود آور ، با قشرهای مخالف نهضت کیست ؟ از کجا بفهمیم ؟ از نوشته های آنها ، از گفتار آنها ، از اجتماعات آنها ، از میتینگ های

آنها. هر اجتماعی که بر اساس اسلام و قوانین اسلام است، بر مسیر این ملت است و هر اجتماع و هر نطق و هر خطابه و هر قلمفرسایی که بر خلاف مسیر اسلام است، هر چه باشد خلاف این نهضت است. مخالفین شما می خواهند خون را شما دادید، استفاده را آنها ببرند. مخالفین شما می خواهند زحمت ها را شما کشیدید میوه ها را آنها بچینند. مخالفین شما ملت ستمدیده هیچ رنجی نبردند، در زمان طاغوت هم هیچ رنجی نبردند برای اینکه تبع بودند، موافق بودند یا ساکت بودند، حالا که شما سفره را پهن کردید، اینها به دور سفره نشسته اند برای استفاده. کاش می گفتند شما هم شریک لکن می گویند ما و شما نه. ما و روحانیت نه. ما و قشرهای دیگر نه. همه چیز را برای خودشان می خواهند ما و اسلام نه.

ای غرب زدگان، انسان بی محتوا به خود آئید!

ای غربزده ها! ای اجنبی زده ها! ای انسان های میان تهی! ای انسان های بی محتوا، به خود آئید، همه چیز خودتان را غربی نکنید. ملاحظه کنید چیزهایی که در غرب است، چیزهای خوبی که در غرب است، ملاحظه کنید جمعیت حقوق بشر که در غرب است، ببینید چه اشخاصی هستند و چه مقاصدی دارند، اینها حقوق بشر را می خواهند ملاحظه کنند یا حقوق ابر قدرت ها، را؟ اینها دنبال ابر قدرت ها هستند و حقوق ابر قدرت ها را می خواهند تامین کنند.

شما ای حقوقدان های ما، ای جمعیت حقوق بشر! دنباله این حقوقدان ها نروید، شما مثل این قشر، این قشر زحمتکش، حقوق را اجرا کنید. اینها جمعیت حقوق بشر هستند، اینها برای حقوق بشر زحمت می کشند، اینها تامین آسایش بشر را می کنند و شما صحبت می کنید، اینها عمل می کنند. این کارگراها، این دهقان ها، اینها جمعیت حقوق بشر و حقوقدان هستند. اینها عمل می کنند و شما می نویسید. هیچ يك از شما در راه رسیدن بشر به حقوق خودش فعالیت ندارد. آن که فعالیت دارد، همین جمعیتی است که امروز قیام کرده و 15 خرداد قیام کرد، اینها برای بشر دلسوزند برای اینکه مسلمند، اینها مسلمند. اسلام برای بشر دلسوز است. شما که مسیرتان غیر اسلام است برای بشر هیچ کاری نمی کنید، می نویسید و می خواهید نهضت را منحرف کنید. می گوئید و می خواهید نهضت را منحرف کنید.

از 15 خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم یعنی شما خون دادید، من که نشسته ام اینجا، من هم هیچ حقی ندارم شماها خون دادید، شماها به میدان رفتید، شماها مبارزه کردید، ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم. نه استفاده عنوانی، خاک بر سر من که بخواهم استفاده عنوانی از شما بکنم، خاک بر سر من که بخواهم خون شما ریخته بشود و من استفادهاش را ببرم. طبقه های بالا، آنهایی که فعالیت هیچ نداشتند و مخالفت هم ندارند، حقی ندارند و نباید حقی داشته باشند لکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق می شوند، و من مایوسم که خدمت بکنند. آنهایی که نظر انحرافی دارند، آنهایی که نظر خیانت به اسلام و این ملت دارند، آنهایی که اسلام

1400 ساله را کافی نمی دانند، آنها باید حسابشان را از ملت جدا کنند، جدا هم هست. ما از این به بعد، احتیاج به شما داریم، احتیاج به همین طبقه و بی نیاز از آن طبقات.

اسلام در همه وقت و خصوصا حالا قابل اجراست

امروز روزی است که اسلام باید تحقق پیدا کند. این حرف ها که گفته می شود، نظیر همان حرف ها بود که گفته شد که حالا زود است صبر کنید. ما اگر اسلام را در این انقلاب، در این نهضت احکام اسلام را پیاده نکنیم، کی پیاده خواهیم کرد؟ چه وقت همچو نهضتی تحقق پیدا می کند؟ اگر این نهضت خدای نخواستہ بخوابد و به خاموشی بگراید، کی می تواند دیگر اسم اسلام را بیاورد؟ اگر ما امروز قوانین اسلام را اجرا نکنیم، کی اجرا کنیم؟ آقایانی که می گوئید نمی شود، پس کی می شود؟

پس بگوئید هیچ وقت اسلام نه، بگوئید نهضت منهای اسلام. همانطوری که گفتید اسلام منهای روحانیت، حالا هم بگوئید نهضت منهای اسلام. اگر با این نهضت، اسلام را متحقق نکنید و احکام اسلام را موبه موبه جاری نکنید، مایوس باشید، دیگر نخواهد شد. آنهائی که به اسلام عقیده دارند، آنهائی که دلشان برای قرآن می تپد، امروز باید فعالیت کنند.

15 خرداد برای همین بود. قبل از 15 خرداد برای اسلام بود قیام روحانیون، قیام 15 خرداد برای همین بود، بعد از آن هم دنباله همین بود، اسلام بود لیس الا. ما غیر اسلام نمی خواهیم و اسلام در همه وقت و خصوصا حالا قابل اجراست.

آقایان توجه کنید به گفته های خودتان، توجه کنید به نوشته های خودتان، توجه کنید که شما را اسلام از قید و بند آزاد کرد، توجه کنید که شما را اسلام از خارج بلاد به داخل کشاند، توجه کنید که اسلام شما از زاویه های بیرون کشید، از کنج خانه های بیرون کشید، توجه کنید که اسلام قلم شما را آزاد کرد، توجه کنید که اسلام بیان شما را آزاد کرد، اسلام آزاد کرد، حالا بر ضد اسلام؟! مسلمین می توانند تحمل کنند که اسلام و خون مسلمین شما را آزاد کرد و حالا بر ضد اسلام قیام می کنید؟ چیز می نویسید؟ این کفران نعمت است. خداوند این نعمت را به شما داد شکرانه این نعمت این است که تبعیت کنید از اسلام، توبه کنید از حرف هائی که می زنید، توبه کنید از نوشته هائی که می نویسید، گرایش کنید به اسلام، گرایش کنید به طبقات پائینی که شما پائین می دانید و از شما بالاترند. اینها چهره نورانی اسلام و مسلمین اند، اینها چهره هائی هستند که رسول خدا آنها را می پذیرند، اینها چهره هائی هستند که محبوب خدا هستند. شما هم وارد اینها بشوید، چهره خودتان را با اینها منطبق کنید، آراء خودتان را با اینها منطبق کنید.

هی دم از غرب چقدر می‌زنید، چقدر میان تهی شدید! باید احکام اسلام را با احکام غرب بسنجیم! چه غلطی است.

شکر نعمت این است که به اسلام وفادار باشید. من به شما اخطار می‌کنم که به اسلام وفادار باشید. من شما را نصیحت می‌کنم، من در همین مدرسه شاه را نصیحت کردم و نشنید، شما که چیزی نیستید. عصر عاشورا من گفتم کاری نکن که ملت تورا بیرون کند، نشنید و کاری کرد که ملت بیرونش کرد.

برادرهای من، از هر قشری که هستید وقت نگذشته است وقت توبه باقی است، بیائید با این ملت برادروار در این راه، راهپیمائی کنید. یکی از شما توی این جمعیت نیست. یک دانه از شما توی این جمعیت نیست. بیائید با این مردم هم‌رأی باشید، هم‌صدا باشید. بیائید اسلام که همه شما را نجات داد، به شکرانه نعمت از اسلام وفاداری کنید. برای اسلام باشید. برادرهای من! آنچه می‌خواهید در اسلام است آنچه می‌خواهید در این کنج مدرسه هاست. زندگی آنها را ببینید و مقایسه کنید با آنهایی که برای بشر دلشان می‌تپد یعنی با قلم یعنی با بیان ببینید اینها در چه حال هستند، ببینید زندگی روحانیت چه است، ببینید زندگی این طبقه کارگر چه است، ببینید زندگی کشاورز چه است، ببینید زندگی کاسبکار چه است، برای اینها فکر کنید. دلسوزی این نیست که قلم بردارید به ضد اسلام چیز بنویسید، به اسم حقوق بشر و به اسم حقوقدان با اینها همراهی کنید. شماها تا حالا برای این ملت از جیبتان چیزی خرج کردید؟ به وجدان خودتان من ارجاع می‌کنم. آنهایی که دلشان برای این مستمندان و این بشر می‌سوزد، این زن‌های اطراف شهر قم و زن‌های جنوب تهران و زن‌های جنوب همه شهرستان‌ها (جنوب به معنای اینکه شما می‌گوئید اینها از طبقه پائین هستند) اینها حقوق بشر را می‌دانند و عمل می‌کنند. اینها طلاهای خود را که ذخیره 50 سال، 20 سال، 30 سالشان بود آمدند برای مستمندان دادند. شما چه کردید؟ شماها چه کردید؟ بگوئید. شما هم همراهی کنید با این مستمندان، شما با این طبقه همراه بشوید. نمی‌گویم پول بدهید، می‌گویم قلمتان موافق باشد، قدمتان موافق باشد، رأی‌رأی تان موافق باشد، اسلام را حفظ کنید. اسلام برای شما خوب است برای دنیایان خوب است، اگر آخرت را هم قبول ندارید برای دنیایان خوب است.

با روحانیون مخالفت نکنید، برای دنیایان خوب است، اینها هستند، این قشر روحانی متعهد، این قشر روحانی که توی این حجره‌های کوچک دو تا، سه تا زندگی می‌کنند که بیرونشان کردند این جمعیت زاغه نشین‌های اطراف شهرها که هر هفت نفر، هشت نفر آنها در یک سوراخی زندگی می‌کنند، اینها حقوق بشر را بهتر از ما می‌دانند. اینها جمعیت دلسوزی برای بشرند، اینها جمعیت حقوق بشرند، نه من و شما. بیائید برای اینها فکری بکنید. برای اینها دولت و ملت فکر کنند، اینها حق دارند، حق اینها را ادا کنید و همین‌ها حق بشر را دارند ادا می‌کنند.

قدرت روحانیت را که يك قدرت الهی است از دست ندهید

من به شما جمعیت ها (جمعیت) که هر چند روز دور هم می نشینید نصیحت می کنم، من علاقه دارم که همه سعادت‌مند باشید، من نصیحت می کنم که مسیر خودتان را از اسلام جدا نکنید، مسیر خود را از روحانیت جدا نکنید، این قدرت الهی را، این قدرت روحانیت را که يك قدرت الهی است از دست ندهید. اگر این قدرت از دست برود شما هیچ خواهید بود. این قدرت روحانی است که مردم را به کوچه ها می کشد، قدرت اسلام است که از حلقوم روحانیت بیرون می آید، اینها را نشکنید. خدایا تو می دانی که من برای اینکه معمم هستیم از روحانیت طرفداری نمی کنم، برای اینکه می دانم این قشرند، این قشرند که می توانند ملت را نجات بدهند، این قشرند که مردم آنها را می خواهند.

این مساجد است که نهضت را درست کرد

این مساجد است که این بساط را درست کرد، این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول الله هم و بعد از آن هم تا مدت ها مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود مرکز تجیش جیوش بود. محراب یعنی مکان حرب مکان جنگ، هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. از محراب ها باید جنگ پیدا بشود چنانچه پیشتر از محراب ها و از مسجدها پیدا می شد.

ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید. ای روشنفکران! مسجدها را حفظ کنید، روشنفکر غربی نباشید روشنفکر وارداتی نباشید ای حقوقدان ها! مسجدها را حفظ کنید، بروید به مسجد، نمی روید این مسجدها را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد، تا مملکت شما نجات پیدا کند. خداوند انشاءالله این مسجدها را برای ما حفظ کند. خداوند انشاءالله روحانیون را برای ما حفظ کند خداوند انشاءالله مخالفین را هدایت کند خداوند انشاءالله ملت ما را سعادت‌مند کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز

دانشگاه، مرکز تعیین سعادت و شقاوت ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت يك ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت يك ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب، يك ملت را سعادت‌مند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، يك ملت را به عقب می‌زند. در رژیم سابق شاید از همه جنایت‌ها، جنایت اینکه دانشگاه را به طور صحیح نگذاشتند عمل بکند شاید از همه جنایات بالاتر باشد. آنچه که در اسلام مطرح است اموال نیست، مادیات نیست، معنویات است که باید از دانشگاه به همه اقشار سرایت بکند یعنی، چه دانشگاه شما و چه دانشگاه روحانیون، این دو قشر هستند که تربیت امت به عهده این دو قشر است، این دو قشر از همه قشرها عملشان شریفتر و از همه قشرها مسؤولیتشان بیشتر است، عمل شریف، برای اینکه مرکز انسان درست کردن است دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد، چه دانشگاه روحانی و چه دانشگاه شما و این يك امری بوده است که انبیا علیهم السلام مأمور بر همین امر بوده‌اند که انسان درست کنند. کتب آسمانی، همه کتب آسمانی، برای انسان ساختن آمده است. اگر انسان ساخته بشود، همه چیز به صورت معنویت در می‌آید یعنی مادیت هم به صورت معنویت در می‌آید. بعکس، اگر چنانچه قشرها شیطانی باشند و از دانشگاه ما و شما انسان‌های منحرف بیرون بیاید، معنویات هم به صورت مادیات در می‌آید، فانی در مادیات می‌شود.

رسالت انبیا، الهی کردن انسان‌ها در همه ابعاد و جوانب

آن چیزی که انبیا می‌خواستند این بود که همه امور را الهی کنند. تمام ابعاد عالم را و تمام ابعاد انسان را که خلاصه عالم است، عصاره عالم است، انبیا برای این آمدند که همه اینها را الهی کنند یعنی انسان که خلاصه، عصاره همه عالم است، يك انسان الهی بشود که وقتی که هر کاری می‌کند روی جنبه الهیت بکند. انبیا اینطور بودند که معاشرت‌هایشان هم جنبه الهی داشته است، ازدواج‌هایشان هم جنبه الهی داشته، همه چیزهایشان، هر جهتی که ما به نظرمان يك جهت مادی حیوانی هست آنها این جنبه را انسانی، این جنبه را الهی کرده‌اند. اگر جنگ می‌کنند جنگ‌هایشان الهی است و برای اوست، اگر صلح می‌کنند، صلح‌شان هم الهی است و برای اوست در مقابل

طاغوت ، يك جنبه الهی در مقابل طاغوت است . طاغوت همه چیزش مادی است ، شیطانی است ، معنویات را هم می کشد طرف مادیات و طرف دنیا ، لکن آنها که تابع دستورات الهی هستند ، همین مادیاتی که همه از آن استفاده می کنند همین مادیات را با يك صورت معنویت به آن می دهند ، با جنبه معنویت به اینها نگاه می کنند ، همه عالم را به جنبه الهیت نگاه می کنند ، همه رامظاهر خدا می دانند ، اگر محبت به مردم داشته باشد ، نه به عنوان اینکه این پسر من است ، دختر من است ، این برادر من است ، به آن عنوان معنویت که هست که بنده خداست ، فرستاده خداست . شیطان عکس این است ، طاغوت عکس این است . انبیا آمدند که مردم را از ظلمات به نور دعوت کنند .

(اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاء هم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات) یا اخراج از ظلمت ها به نور است . این کار انبیاست ، این کاری است که خدای تبارک و تعالی به وسیله انبیا انجام می دهد . و یا از نور به ظلمت است ، فطرت انسانی که يك فطرت نورانی است به حسب خلقت ، اینها این فطرت را می کشند طرف ظلمت ، از نور به ظلمت می آید . این کار طاغوت است . این دو جنبه است و هر کدام اصحابی دارد . مؤمنین ، آنهایی که به خدا ایمان دارند از همه ظلمت ها به نور کشیده می شوند و کفار ، آنهایی که ایمان به خدا ندارند از نور به طرف ظلمت ها کشیده می شوند .

نجات اسلام و قرآن ، انگیزه روح شهادت طلبی و ایثار ملت در انقلاب

چیزهایی که در عالم واقع می شود و ما باید از آن چیزها تنبه بکنیم یکی از امور همین نهضت ایران است . از این نهضت ایران باید ما تعلم پیدا بکنیم ، تنبه پیدا بکنیم ، مطالعه کنیم در این نهضت ببینیم که این نهضت چه بود ، برای چه بود؟ و چه شد که تا اینجا پیروز شده است؟ و باید چه کرد که تا آخر پیروز بشود؟ نهضت ها در عالم خیلی بوده است ، انقلابات در عالم خیلی بوده است .

انقلاب در شوروی هم بود ، انقلاب در فرانسه هم بود ، انقلاب ایران با آنجا چه فرقی دارد؟ و انقلاب ایران برای چه هست؟ و انقلاب شوروی برای چه بود؟ مردم ایران چرا در خیابان ها ریختند و فریاد کردند و همه الله اکبر گفتند و فریاد کردند ، این چه بود قضیه؟ آیا مردم ایران هم مثل شورشی های شوروی فریاد می کردند و علف می خواستند! فریاد می کردند و دنیا می خواستند؟! خونشان را جوان های ما برای اینکه يك زندگی مرفهی در دنیا داشته باشند خون می دادند؟ این می شود که يك کسی خودش را بکشد که زندگیش خوب باشد؟ یا خیر این يك نهضتی الهی بود . نهضت مثل نهضت های آنهایی که به خدا اعتقاد ندارند یا آنهایی که نهضت هایشان نهضت های جهت مادی بوده است ، نبوده است . نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی ، به عنوان اسلام ، به عنوان احکام اسلام در خیابان ها ریختند و همه گفتند ما این رژیم را نمی خواهیم و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می خواهیم . این چیزی که انگیزه این ملت بود ، انگیزه همه قشرها الا بعضی ها . زن ها در خیابان ها ریختند ، مردها در خیابان ها ریختند ،

بچه ها آمدند . همین دیشب کسی می گفت که من شاهد قضیه بودم که يك بچه ده ، دوازده ساله سوار موتورسیکلت شده بود و حمله کرد طرف يك تانك و از آن ور هم بچه را تکه تکه کردند ، اما او يك بیرق دستش بودو حمله کرد . این چه بود؟ قضیه ، قضیه چه بود که يك چنین تحول در ملت پیدا شد؟ این تحول عظیمی که در این ملت پیدا شد ، يك تحولی بود که فقط برای این معنا که مثلا رژیم نباشد؟ یا دنباله داشت ؟ رژیم نباشد ، حکومت اسلامی باشد ، اساس او بود ، اساس آن بود که می خواستند قرآن حکومت کند در این کشور . موانع را برداشتند که حکومت ، حکومت اسلامی باشد نه اینکه همه مقصد این بود که فقط آزاد باشیم . همه مقصد این بود که مستقل باشیم ؟ ایران می خواست که مثل مملکت مثلا سوئد باشد؟ آزاد هستند ، مستقل هم هستند . اما اگر قرآن در آن خبری نباشد ، باز هم چنین می خواهد؟! ایرانی ها این را می خواستند که قرآن باشد یا نباشد؟ اسلام باشد یا نباشد؟ ما آزاد باشیم ، ما آن جهت حیوانی مان ، آن جهت حیوانی مان اشباع بشود کاری به معنویات دیگر ما نداریم !! ایران جوان های خودش را برای این داد؟ یا ایران متحول شده بود به يك ملت صدر اسلامی ، يك جوان هایی مثل جوان های صدر اسلام که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند می گفتند شهید هم بشویم سعادت مندیم . مسأله این بود و مسأله این هست .

برای اسلامی کردن دانشگاه جدید کنید

دانشگاه مبداء همه تحولات است . از دانشگاه ، چه دانشگاه علوم قدیمه ، چه دانشگاه علوم جدیده ، از دانشگاه سعادت يك ملت و در مقابل سعادت ، شقاوت يك ملت سرچشمه می گیرد . دانشگاه را باید جدید کرد ، جدید بکنید دانشگاه را درسش کنید ، دانشگاه را اسلامیش کنید . مملکت ما برای اسلام زحمت کشیده است و باید برای اسلام زحمت بکشد و می کشد و همه چیزش باید اسلامی بشود .

همین توقع نباشد که دولت اسلامی باشد ، خیر ، همه چیز باید اسلامی بشود ، همه قشرها باید قشر اسلامی باشد که هر کس که بیاید و ببیند جمعیت را ، ببیند که يك جمعیت الهی اینها هستند ، يك جمعیت اسلامی اینها هستند .

تمام مقصد ما اسلام است

الان وقتی است که خدای تبارك و تعالی ما را امتحان می کند . همین حالا ، همین عصر ما الان بعد از اینکه انقلاب به پیروزی رسیده است تا حدودی ، الان وقتی است که ما در امتحان هستیم که حالا که ما آزادی پیدا کردیم ، این آزادی را صرف چه می کنیم . آزادی پیدا کردیم ، آزادی ، حالا- من آزادم که هر کاری می خواهم بکنم؟! آزادم که به هر که می خواهم اذیت بکنم؟ آزادم که هر چه می خواهم بنویسم؟ ولو به ضد اسلام باشد ، ولو به ضد منافع مملکت باشد . این آزادی است؟ این را ما می خواستیم؟ ما آزادی می خواستیم یا آزادی در پناه اسلام ما می خواستیم؟ ما اسلام می خواستیم ، اسلام هم آزادی دارد اما آزادی بی بندوباری نه ، آزادی غربی ما نمی خواهیم ، بی بندوباری است او .

هر کس با هر که هر طوری می خواهد، هر چه، هر چه، نیست اینطور. آزادی که ما می خواهیم، آزادی در پناه قرآن ما می خواهیم. استقلال مامی خواهیم، آن استقلالی که اسلام به ما بدهد، آن که اسلام بیمه اش کند. تمام مقصد ما اسلام است، همه اسلام برای اینکه اسلام مبداء همه سعادت ها و همه قشرها را از ظلمات به نور می رساند.

امور مادی، مقدمه ای برای هدایت و رشد انسان ها

ما می خواهیم يك جمعیتی نورانی پیدا بکنیم، يك قشرهای نورانی که وقتی وارد می شویم در يك دانشگاهی، عملش نورانی، علمش نورانی، اخلاقش نورانی، همه چیزش نورانی باشد، الهی باشد. پیروزی نه برای این است که ما برسیم به يك مثلاً آزادی، برسیم به يك استقلالی و منافع برای خودمان باشد، همین، همین دیگر تمام؟ حالا که دیگر منافع مال خودمان شد، دیگر کاری دیگر نداریم اینها مقدمه است، همه اش مقدمه این است که يك ملت انسان پیدا بشود، يك ملتی که روح انسانیت در آن باشد پیدا بشود، تحول پیدا بشود در خود اشخاص. آن چیزی که مطرح است پیش انبیا انسان است آن چیز، چیز دیگری نیست، انسان مطرح است پیش انبیا، چیز دیگر پیش انبیا مطرح نیست، همه چیز به صورت انسان باید در آید. می خواهند انسان درست کنند. انسان که درست شد، همه چیز درست می شود. رژیم ها به تبع خارجی ها می خواستند که در این ممالک شرقی انسان درست نشود. آنها از انسان می ترسند. آنها می خواهند که يك انسانی پیدا نشود. انسان اگر پیدا شد زیر بار زور نمی رود انسان، انسان اگر پیدا شد منافع مملکتش را به خارج نمی دهد، امین است انسان. انسان برای خدا کار می کند و برای خداست. زندگیش برای خداست و مردنش هم برای خداست. يك چنین موجودی ممکن نیست که برای اجانب خدمت بکند و به ضد کشور خودش قیام بکند. اینها نخواستند در دانشگاه های ما انسان درست بشود از انسان می ترسیدند، کوشش کردند که نیروی انسانی ما را نگذارند رشد بکند، نیروی انسانی ما را نگذارند جلو برود، کوشش کردند، با هر ترتیبی که توانستند، با هر نقشه ای که داشتند، عمده کارشان روی انسان ها بود که انسان ها را نگذارند رشد بکنند. وقتی انسان تربیت نشد در يك مملکت، وقتی تمام نظر يك فرد به مادیت بود، وقتی تربیت، تربیت مادی بود، خوب، این آدم می خواهد که دارایی يك پارك باشد، این از هر راهی شد بشود، این فرقی به حالش نمی کند برای اینکه مادی است. آدم مادی همین جهت ماده را نگاه می کند، کار ندارد که این ماده، این پارکی که پیدا شده است، این اتومبیلی که پیدا شده است از کجاست. هر چیز، خودش رامی خواهد، به مبداءش کار ندارد. انسان الهی است که اگر چنانچه يك چیزی را به او بدهند می پرسد از کجاست؟ چه هست استفاده این آیا صحیح است یا نه؟ این اتومبیل آیا از راه حلال است یا حرام؟ خیانت است یا امانت؟ این انسان است که این چیزها را پیشش مطرح است، ما هم این را می خواهیم. این اشتباه است که ما می گفتیم که یا می گوئیم که رژیم نباشد بس است دیگر، استقلال باشد بس است، آزادی باشد بس است، نخیر، مسأله این نیست. ما همه اینها را فدای انسان می کنیم. ما انسان می خواهیم، همه فدای

انسان وقتی درست بشود همه چیز درست می شود . در این چند سال کوشش کردند که انسان نباشد ، انسان را نگذارند يك انسانی پیدا بشود . اینها می دیدند که يك فرد انسان اگر پیدا بشود ممکن است يك ملت را هدایت کند ممکن است که يك ملت را به خلاف آنها چیز بکند ، از این ناراحت بودند نمی گذاشتند کسی تحقق پیدا بکند .

آنها از مدرس می ترسیدند . مدرس يك انسان بود ، یکنفری نگذاشت پیش برود کارهای او را تا وقتی کشتندش . یکنفری غلبه می کرد بر همه مجلس ، بر اهالی که در مجلس بودند غلبه می کرد یکنفری ، یکنفری تا توی مجلس نبود (من آنوقت مجلس رفتم ، دیدم ، برای تماشا ، بچه بودم ، جوان بودم رفتم) مجلس آنوقت تا مدرس نبود مثل اینکه چیزی در آن نیست ، مثل اینکه محتوا ندارد . مدرس با آن عبای نازک و با آن _ عرض بکنم _ قبای کرباسی وقتی وارد می شد ، مجلس می شد _ يك مجلس _ طرح هایی که در مجلس داده می شد ، آن که مخالف بود مدرس مخالفت می کرد و می ماساند مطلب را .

وقتی که روسیه در يك قضیه ای (که الان یادم نیست) اولتیماتوم داد به ایران و آوردند به مجلس و قوای نظامی اش هم حرکت کرده بودند به طرف تهران یا قزوین که این را قبول کنند ، مجلس (آنطور که حالا نقل می کنند) مجلس بهت شان زده بود که باید چه بکنند . قوا ، قوای شوروی است ، مقاومت نمی توانیم بکنیم ، قبول این هم که خیانت است . آنجا نوشته است که يك روحانی با دست لرزان آمد و گفت حالا که ما باید از بین برویم چرا خودمان از بین ببریم ؟ ما این را ردش می کنیم . رد کرد ، همه هم قبول کردند . آنها هم هیچ کاری نکردند . اینها می بینند يك انسان وقتی در يك ملت پیدا بشود می تواند که مجرای امور را از آن طریقی که آنها می خواهند برگرداند ، آن چیزی که آنها می خواهند نگذارد پیدا بشود ، کوشش کردند نگذارند انسان پیدا بشود .

کوشش کنید که انسان درست کنید

شما دانشگاهی ها کوشش کنید که انسان درست کنید . اگر انسان درست کردید مملکت خودتان را نجات می دهید . اگر انسان متعهد درست کردید ، انسان امین ، انسان معتقد به يك عالم دیگر ، انسان معتقد به خدا ، مؤمن به خدا ، اگر این انسان در دانشگاه های شما و ما تربیت شد مملکتتان را نجات می دهد . بنابراین ، کار ، کار بسیار شریف و مسؤولیت ، مسؤولیت بسیار زیاد . الان این مسؤولیت به دوش ما و شماست . این مسؤولیت بزرگ ، یعنی سعادت ملت را شما و ما باید بیمه کنیم ، قشر روحانی و قشر دانشگاهی . سعادت ملت را شماها باید بیمه کنید ، این مسؤولیت به دوشتان آمده ، نرفتید زارع بشوید ، اگر زارع بودید ، مسؤولیت داشتید اما نه این مسؤولیت را . اگر يك کاسبی بودید ، مسؤولیت داشتید در حدود شعاع خودتان اما الان مسؤولیت ، مسؤولیت يك ملت است ، مسؤولیت يك کشور است ، مسؤولیت برای اسلام است . مقابل خدا ، الان همه مسؤولیم . باید همه ما کوشش کنیم ، دانشگاه کوشش کند ، دانشگاه های دینی کوشش کنند ، دانشگاه های علمی شما کوشش کنند انسان درست کنند .

همه دنبال این باشید ، انسان . اگر انسانیت را استثناء بکنید يك فردی درست بکنید دانشمند ، يك

طبیعی که بهتر از همه اطباء دنیاست اگر این وجهه انسانی نداشته باشد همین طیب مضر است ، همین طیب وقتی که می خواهد يك کسی را معالجه کند دنبال منافع است ، نه دنبال معالجه ، دنبال آن است از این چقدر در می آید ، هر چه بشود بیشتر بدو شد او را . اگر يك طیب درست کنید که انسانی بار بیاید ، او دنبال معالجه است ، نه دنبال اینکه از این چقدر در می آید . قضیه کسب نیست ، قضیه علاج انسانی است ، الهی است . يك طیب می تواند معالجه اش الهی باشد ، می شود معالجه اش شیطانی و طاغوتی باشد . معالجه طاغوتی ، اینکه برود دنبال اینکه چقدر از این درمی آید چقدر ما قضیه استخوان لای زخم چقدر ما می توانیم از این استفاده کنیم ، هر چقدر می توانیم استفاده کنیم معطلش کنیم . الهی ، می خواهد این را نجات بدهد ولو چیزی گیرش نیاید می خواهد این را نجات بدهد . اگر در دانشگاه شما انسان درست شد او می خواهد ملت را نجات بدهد در فکر این نیست که خودم چی باشم ، مقام خودم چی باشد؟ می خواهد نجات بدهد و اگر طاغوتی شد می خواهد استفاده کند ، نمی خواهد نجات بدهد ، می خواهد خودش را ، برای خودش کار کند ، نه برای کشور .

کوشش کنید که الان همه مسؤول هستیم و باید همه از این عهده مسؤولیت بیرون بیائیم و همه باید خدمت کنیم . الان مملکت ما محتاج به خدمت است ، چه آنهایی که انسان می خواهند درست کنند و نیروی انسانی در دست آنهاست و چه آنهایی که در قشرهای دیگر هستند . همه باید به این مملکت خدمت بکنیم بلکه این آشفتهگی هایی که هست این آشفتهگی ها انشاءالله از بین برود و شما به يك مملکتی از خودتان باشد خودتان در آن خدمت بکنید ، برای ملت خودتان و خودتان و عمده اینکه برای نجات کشورتان و برای خدا . خداوند همه شما را انشاءالله موفق کند و همه ما را به خدمتگزاری برای کشورمان برای ملتمان موفق کند .

امام در جواب سوال یکی از حضار فرمودند : من دیگر وقت اینکه حالا بنشینم و هی صحبت کنم ندارم ، من حرف هایم همین هاست . من عرض می کنم دیگر ، من الان دیگر حالم مقتضی نیست ، حرف های ما همین هاست ، دیگر بیشتر از این ما حرفی نداریم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به شیعیان لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران ما بعد از سلام و تحیات ، توجه ما به اوضاع لبنان و مصیبت هایی که به برادران ما وارد می شود هست و با کمال تأسف از این اقدامات ضد انسانی که از جانب صهیونیست ها به کمک آمریکا به بلاد مسلمین مخصوصا مردم لبنان و برادران ما وارد می شود ، بسیار متأسف هستیم و امیدواریم خداوند تبارک و تعالی که پشتیبان مستضعفین و مظلومین است ، در این موقع هم به مدد های خود به شما و همه برادران ما کمک کند . ما در کنار شما با اسرائیل و آمریکا در حال مبارزه هستیم و امیدواریم که لشکر حق بر لشکرهای طاغوتی و شیطانی غلبه کند . مصیبت ها و ناراحتی های شما برای اسلام و مسلمین تازگی ندارد ، همیشه نیروهای طاغوتی با اسلام مخالف بوده اند و با مسلمین مبارزه می کردند .

نصرت شما و موفقیت همه مسلمین را خواهیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 65

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی ایران

خواست و مقصد واحد اقشار ملت در نهضت، عنایتی الهی است

بسم الله الرحمن الرحيم

این از خصوصیت نهضت اسلامی است که همه قشرها در خدمت صادقانه اند، نه خدمت به حسب وظیفه ظاهری بلکه همه یک وظیفه الهی برای خودشان احراز کردند و یک خدمتی همه جامعه کردند که شما کارکنان آمار هم از همان جمعیت هستید. یعنی همه، همه و همه برای اسلام. اگر این یک نهضت ملی بود، نه شما اینقدر فعالیت می کردید و نه ما و نه سایر ملت. ملت اسلام رامی خواهد، ملت کشور خودش را هم که می خواهد برای اسلام است. از بچه های کوچک تا پیرمردها همه فریاد اسلام می زدند و این نهضت برای همین صیغه اسلامیش و برای همین که مقصد اسلام بود و قیام بر ضد طاغوت، قیام بر ضد کسانی که اسلام را می خواستند بشکنند و کارهایی کردند که اسلام را می خواستند به فراموشی بسپارند، یک قیامی بود که خدای تبارک و تعالی مدد فرمود که شما جمعیتی که همه متفرق بودید، همه از هم جدا بودید، همه با هم مجتمع شدید، ارتشی ها که بر ضد مابودند، متصل شدند آنهایی که اصلش کاری به این مسائل نداشتند وارد شدند، آنهایی که اگر کار داشتند، کم کار بودند پرکار شدند و همه با هم یک مقصد، همه باهم یک مقصد، یعنی از مرکز تا شعاع آن طرف، تا آخر مملکت، از آن طرف هم تا آخر از آنور، از آن ورهم تا آخر همه با هم یک چیز می گفتند. یعنی در بیابان ها هم اگر شما می رفتید از یک چوپان می پرسیدید که تو چه می خواهی؟ می گفت که جمهوری اسلامی. آن یک مسأله الهی بود، خدایی بود. یعنی خدا تأیید کرد شمارا، و این را خیلی برای خودتان و برای خودمان افتخار می دانیم که در یک مرحله ای که رو به نابودی داشت یک مملکتی می رفت، اسلام رو به فراموشی می خواست برود، در یک چنین مرحله ای خداوند عنایت کرد و دست رحمتش رادراز کرد به طرف ملت و ملت همه باهم هر کس از هر جا می آمد داد می زد اسلام، طاغوت نه، رژیم نه، این یک مطلبی نبود که یک کسی بتواند خودش درست کند این را خدا درست کرده.

محقق ساختن احکام اسلام، ضامن دوام رحمت و عنایت الهی

از این جهت که دست خدا در کار است، باید شما و ما و همه، کاری بکنیم که این دست رحمت بسته نشود، از روی سر ما برداشته نشود و آن کار این است که همانطوری که تا حالا همه باهم بودیم و

(یدالله مع الجماعه) و همه برای خدا بود و خدای تبارک و تعالی عنایت فرمود. حالا هم توجه به يك گرفتاری های شخصی عجالتانکنیم ، الان هم توجهمان به همان مقصد باشد که این جمهوری اسلامی که حالا لفظش آمده است ، معنا و محتوایش باز نیامده است ، شما می بینید که در همه ادارات ، در فرهنگ ، در دادگستری ، در سایر جاها باز يك صیغه اسلامی پیدا نکرده است که ما اسمش را بگذاریم جمهوری اسلامی ، ما رآی دادیم به جمهوری اسلامی ، شما هم رآی دادید ، الان جمهوری اسلامی است در ایران ، اما محتوایش تا حالا تحقق پیدا نکرده ، یعنی در هر اداره ای که برویم باز يك رنگ و بویی از سابق می بینیم و ما می خواهیم این رنگ و بو برود ، و شسته بشود .

استقلال فکری را از ما گرفته اند

و در رآس همه چیزها همانطوری که اشاره کردید فرهنگ است ، فرهنگ ما که حالا می شود گفت از اولی که وجود پیدا کرد ، این مدارس وجود پیدا کرد ، از اول آن مخالفین ما توجه بدان داشتند برای اینکه آنها می دانستند که هر چه پیدا بشود از فرهنگ باید پیدا بشود . دو جناح بود که این دو جناح بیشتر از هر چیزی مورد توجه مخالفین ما بود ، مخالفین اسلام بود . یکی جناح روحانیت ، یکی جناح فرهنگ ، این دو تا قوه را اینها می دیدند که این دو تا است که می توانند يك مملکتی را استقلال به آن بدهند و اداره اش کنند و لهذا در هر دوی اینها کارشکنی کردند . در فرهنگ روی برنامه هایی که درست کردند ، برنامه هایی نبود که درست به درد ما بخورد .

در روحانیت ، کوبیدند روحانیت را در هر نوبت . از زمانی که رضاخان آمد ، جز يك چند صباحی که می خواست بازی بدهد مردم را و اظهار دیانت کرد و اظهار چه کرد ، از همان زمان عمده نظرش را دوخت روی روحانیت که اینها را از بین ببرد با هر بهانه ای توانست . او می دید که مجالس روضه هایی که بر پا می شود و در تمام ایران است در تمام ده و قصبه و شهر و بیرون شهرها ، این مجالس پر برکت هست و از این مجالس پر برکت ممکن است که اشخاصی پیدا شوند و گروه هایی پیدا بشوند که جلوگیری از این استفاده های غیر مشروع را بکنند . این مجالس را اگر هر کدام شماها یادتان نیست ، اکثرا شاید آقا (اشاره به يك پیرمرد روحانی) یادشان باشد ، این مجالس را قدغن کردند در سرتاسر ایران ، دیگر ما مجلس روضه نداشتیم در يك موقعی که اینطور بود ، هیچی نداشتیم ، سر تا سر مملکت را اینها کنترل می کردند ماءمورینشان ، که مبادا يك صدایی يك جا بلند بشود ، روضه ای در يك جایی باشد و از آن طرف فشار به اینها برای اینکه عمامه ها را بردارید و عمامه ها را برداشتند .

و همین طور فرهنگ را ، برنامه هایش را يك جوری درست کردند که آنجا دیگر نمی توانستند بگویند که فرهنگ نباشد ، می گفتند باشد اما برنامه ها جوری درست شد که به درد خود ملت نخورد و بالاتر از این ، این است که تبلیغات زیاد برای اینکه محتوای ما را از ما بگیرند ، خودمان را به خودمان بدبین بکنند ، دانشگاهی را از روحانی جدا کنند بلکه دشمن کنند ، روحانی را با دانشگاهی جدا بکنند بلکه دشمن بکنند ، بازاری را با کذا ، همین طور اینها را محتوایشان را بگیرند و بدبین کنند و بدتر ، از

این است که محتوای اشخاص را بگیرند که اطمینان به خودشان نداشته باشند. مثلاً ما طبیب داریم نه این است که ایران طبیب ندارد، طبیب دارد، الی ما شاء الله طبیب داریم، چه شده است که یک مریض وقتی پیدا می‌کنیم فوراً صحبت این است که (برود اروپا) این برای این است که ما را به طبیب‌های خودمان بدین کردند، طبیب داریم و بدین شدیم. ما مهندس داریم، نمی‌توانیم بگوییم مهندس ما نداریم، اما این محتوا را از ما گرفته‌اند که اگر بخواهیم یک جاده‌ای را اسفالت کنند، مهندسش باید از خارج بیاید، از خارج می‌آوردند، یک کارخانه بخواهید درست کنید، یک بنای بزرگ بخواهید درست کنید، از خارج باید بیاید. این برای این است که همچنین تبلیغات کرده بودند که ما را از خودمان به خودمان بدین کرده بودند، محتوایمان را بیرون کشیده بودند، ما یک آدم هائی بودیم که همه‌اش توجه‌مان به غرب بود. الان هم که ملاحظه می‌کنید الان همین طور است، الان هم که ما می‌گوئیم اسلام، اسلام، شما می‌گوئید اسلام، اسلام، این گروه‌ها هم دور هم نشسته‌اند و می‌گویند دموکراسی، دموکراسی! چرا؟ برای اینکه اینها همچنین غربی شده‌اند، همچو غریزه شده‌اند که نمی‌توانند تصور بکنند که یک کشوری با برنامه اسلامی می‌تواند اداره بشود، اینها غفلت از این می‌کنند یا خودشان را به غفلت می‌زنند که 700_800 سال این اسلام بر همه ممالک حکومت کرد، حالا می‌گویند نه! ما جمهوری اسلامی نه، جمهوری دمکراتیک، این برای این است که محتوا ندارند اینها، اینها را تبلیغات همه‌جانبه‌ای که کردند همه را از این باطنشان بیرون آورده‌اند، مغزهایشان را به اصطلاح شستند و به جای او غرب را نشانده‌اند. استقلال فکری را از ما گرفته‌اند، استقلال خودمان را، شخصیت‌مان را از ما گرفته‌اند. ما استقلال شخصیت الان نداریم و باید فکر این باشیم که خودمان شخصیت پیدا بکنیم، توجه بکنیم به تاریخ اسلام که ببینیم اسلام در دنیا چه کرده و چه کارهایی اسلام کرده است که اینها که می‌گویند که از اسلام کاری نمی‌آید یا اینکه الان دیگر مثلاً قدیمی شده است اینها، از بابت اینکه نمی‌فهمند، اینها بسیارشان ملتفت نیستند، توجه نکردند، برای همین معنا که محتوا را غربی‌ها کشیدند و به جای آن تزریق غربیت کرده‌اند و لهذا همه چیز را می‌گویند از آنجا بیاور. خوب، شما می‌خواهید یک خیابان را آسفالت کنید شما ندارید اشخاصی را که خیابان اسفالت کنند؟ شما می‌خواهید یک سمپاشی بکنید، ندارید اشخاص شما؟

می‌خواهید یک عرض می‌کنم کارخانه را راه بیندازید، دارید اشخاص لکن شما را از اشخاص خودتان جدا کردند، از شخصیت خودتان جدا کردند، ما می‌توانیم خودمان را اداره کنیم و بهتر هم می‌توانیم.

اسلام انسان ساز است و غرب نابود کننده انسانیت

شما خیال نکنید که غرب خبری هست در آنجا خبری نیست ما نمی‌گوئیم که آنها کارخانجات ندارند آنها درست کردند همه اینها را، اما اساس انسانیت در آنجا نیست اینها هر چه درست کردند، یعنی هر چه نه، بسیاری از چیزهایی که درست کرده‌اند بر ضد انسانیت درست کرده‌اند، این غرب است که دارد اساس اخلاق انسانی را از بین می‌برد، این غرب است که دارد شخصیت انسانیت را از

بین می برد و ما خیال می کنیم که غرب همه چیز دارد، حالا که غرب اتومبیل درست کرد پس باید غرب همه چیز داشته باشد. در قوانین، ما قوانینمان غنی تر از همه قوانین عالم است. قوانین اسلام از آن قبل از اینکه شما ازدواج کنید برای ازدواجتان ترتیب درست کرده است برای اینکه این ازدواج طریق به این است که آدم درست بشود، از آنجا شروع کرده است. شما حالا می خواهید ازدواج کنید هیچ، هیچ قانونی در عالم کار به این ندارد که شما می خواهید ازدواج کنید. چه جوری بکنید، شما ثبت کنید، در اداره ای که باید ازدواج را ثبت کنید، بکنید، باقی آن به خودتان مربوط است. اسلام از قبل از این که شما ازدواج کنید تصرف کرده، توجه کرده که این ازدواج مبداء يك بچه است. این بچه باید درست بجا بیاید. نظیر يك کشاورز بسیار عطوفت دار، به اینکه کشاورزیش خوب بشود از اول زمین را يك زمین صالحی درست می کند، آب را يك آب صالحی درست می کند، کشت را و تخم را يك تخم صالحی درست می کند. اسلام انسان ساز است می خواهد انسان درست کند. از قبل از اینکه شما ازدواج کنید، گفته، به زن گفته است چه مردی را انتخاب کند و به مرد گفته چه زنی را انتخاب کن، چه ادبی داشته باشد، و همین طور آن ازدواج را بعد از ازدواج را، آن عرض می کنم که چه را، بعد از او را، آن حمل را، بعد از او را، بچه داری را، برای اینکه اسلام انسان می خواهد درست کند. از آن اولی که می خواهد بنای يك اولادی بشود اسلام در آن تصرف دارد، اینکه همه، همه قوانین دنیا از آن غفلت دارد، هیچ توجهی بدان ندارند، اسلام بدان توجه دارد. اسلام می خواهد کاری بکند که شما در داخل صندوقخانه هم هیچ کاری نکنید بر خلاف قوانین عالم، قوانین دیگر چه کار دارند به باطن، داخل خانه ات هر کاری می خواهی بکن. به من چرا، شما نیا بیرون و نظم رابه هم بزن، هر کاری می خواهی بکن. اسلام اینجور نیست. اسلام می خواهد انسان درست کند. این انسان را جوری می کند که در صندوقخانه و پشت در هم همان باشد که در خیابان است نه اینکه در صندوقخانه هر کاری می خواهد بکند، در خیابان نکند.

در صندوقخانه این آدم باید همان آدمی باشد که در خیابان است، در مجامع است، اسلام انسان می خواهد درست کند، انسانی که در همه حالات انسان باشد.

غرب از این اصلا خبری ندارد. غرب دنبال این است که طیاره درست کند به انسان کار ندارد.

عالم را انسان باید درست بکند، غرب به انسان کاری ندارد. غرب به طیاره کار دارد و اینطور چیزها، انسان را رو به تباهی دارد می برد. دارد انسان را وحشی بار می آورد، یعنی آدمکش، بالاتر وحش، آن است که بیشتر آدم می کشد، بیشتر حیوان می خورد. غرب دارد انسان را وحشی بار می آورد. آن وحشی که آدمخوار است، آدمکش است، آدمکش بار می آورد.

اسلام انسان را محب آدم بار می آورد. به آدم عطوفت می دهد. آنجائی هم که اسلام جنگ کرده و اشخاص فاسد را از بین برده، برای عطوفت به جامعه است، آنها مفسد بودند. فاسدها را از بین می بردند برای اینکه این غده سرطانی برود از بین، این جامعه درست بار بیاید. همه اش عطوفت است ما که این چند نفر فاسد را می گوئیم باید بکشند برای اینکه غده سرطانی مفسدند، فاسد می کنند این جامعه را و فاسد کردند این جامعه را، حالا که این فاسدها و مفسدها رادارند می کشند، صدای غرب

در آمده است که چرا این فاسدها را می کشند، اینها دوستان ما هستند، خوب، ما برای همین می کشیم آنها را. اینها از ما هستند، اینها به ما خدمت کردند، اینها هیاهو در می آوردند به اینکه خدمتگزارهای ما را چرا می برید از اینجا، ما روی همین زمینه که خدمتگزارهای شما هستند و برخلاف ملیت ما عمل کردند، برخلاف اسلام عمل کردند، آدم کشتند، روی این منظور است که ما آنها را، جزای آنان را به آنها می دهیم.

آن روزی که امثال مرحوم مطهری را می کشند، يك کلمه حرف نیست که چرا کشتید، يك کلمه هویدا را وقتی می کشند داد می زنند، این مجلس سنای امریکا اینقدر فریاد کرد. برای اینکه آدمکش ها از آنها باید پرسید که آمار این آدم کشی ها که ما کردیم، کو؟ سوابقشان را هم بگوئید، نمی گویند آنها، آنها بله خیر خواه امت هستند، خیرخواه مردم هستند، دوست هستند، حقوق جامعه را می خواهند حفظ کنند، طرفدار حقوق بشرند. از این الفاظ لا معنی که باز يك قدری از این الفاظ فاسد در ایران هم هست باز، طرفدار حقوق، این الان در اینجا هم هست و مانصیحت به اینها کردیم که بابا شما حسابتان را از ما جدا بکنید، آنها حقوق بشر را نمی خواهند، ملاحظه بکنند آنها طرفدار ابرقدرت ها هستند و لهذا می بینید که این بشری که با دست اینها تقریباً چند صد هزار، حالا چند هزار را نمی دانم، چند هزار نفر را از ما کشتند. 15 خرداد می گویند 15000 کشته شده است، از 15 خرداد تا حالا شاید دویست هزار تا یا بیشتر کشته دادیم، زخمی الی ما شاء الله، این طرفدارهای حقوق بشر نمی گفتند که آخر چرا؟ چرا دارد اینجور می شود؟ نمی گفتند چرا حالا که ما اینهایی که آدم کشتند، فساد کردند، به تباهی کشاندند مملکت ما را چهار تا از آنها را داریم در دادگاه ها بعد از رسیدگی، بعد از شهادت شهود، بعد از اقرار خودشان، به جزایشان می رسانیم حالا فریاد، داد طرفداران حقوق بشر بلند شده، این طرفداران حقوق بشر را بشناسند مردم که اینها چه مردمی هستند اینها طرفدار کی هستند و این طرفداران حقوق بشر خودمان توجه کنند به این مسائل که اینها چه اشخاصی هستند و برای چه این کارها را می کنند.

نداوم نهضت، تا تحقق حکومت اسلام و قرآن

در هر صورت ما الان احتیاج به شماها داریم به همه داریم، بیشتر از سابق، اینکه می گوئیم بیشتر از سابق برای این است که بیشتر همه مردم توجه داشتند به اینکه این رژیم برود و ما يك حکومت عدل داشته باشیم. همه توجهشان يك جا بود، هیچ توجه به اینکه ما امشب وقتی برویم منزل ناهار، شام، چه بخوریم نبود در کار، هیچ این مطلب نبود، یا حقوق من کم یا زیاد است. در این حال انقلابی که همه داشتیم می رفتیم جلو، نه من به فکر این بودم که حالا بعد از اینکه شب شد چه باید کرد نه شما در فکر این بودید که حقوقتان کم است، زیاده، اینها اصلاً مطرح نبود، چون مطرح نبود و همه هم الهی بودید این سد را شکستید، سدی که ممتنع می دانستند آن را که همچو چیزی بشود. شما با دست خالی و با اراده الهی این سد را شکستید، حالا که رسیدیم به اینجا الان يك سستی پیدا شده که توجه

به اینکه حالا ما حقوقمان چیست، خانه نداریم، زندگی نداریم، حقوق چطور است، در چه چطور است، این حرف ها حالا پیش آمده است، از این جهت الان توجه باید بیشتر به نهضت باشد، یعنی فعالیت بکنید که مردم را متوجه به نهضت بکنید برای اینکه ما بین راه هستیم نرسیدیم به مقصد، ماباز محتوای جمهوری اسلامی را در ایران پیاده نکردیم، مقصد ما این بود که اسلام، سر تا سر ایران اسلام باشد، حکومت مال اسلام باشد، تا حالا نشده البته يك مقدار راه را جلو رفتیم لکن مانده است، راه زیاده است، حالا وقتی است که همه با هم باشیم، همه توجهمان به مقصد باشد و اینقدر بهانه گیری برای اینکه حالا حقوق من کم است، انشاءالله زیاد می شود یا خانه نداریم، انشاءالله خانه پیدا می کنیم، زراعتمان چطور است، زراعت پیدا می کنیم. اما باید حالا همانطوری که در آن قدم های اول فراموش کردید همه اینها را، نه کارگر متوجه این بود که من مزد کم است یا زیاد و نه کشاورز متوجه این بود که امسال کشاورزی چطور است همه متوجه يك مقصد بودند لکن عمل شد و خوب شد، از حالا به بعد هم باید همین معنی را ادامه بدهیم، همین توجه به مقصد را ادامه بدهیم، همین الوهیت را حفظ کنیم، یعنی قصدمان را برای خدا و برای جمهوری اسلام و برای احکام قرآن بکنیم تا عنایت خدا محفوظ باشد و دست لطف الهی بالای سر همه باشد و انشاءالله اگر این مطلب بشود، پیروزی و مملکتمان انشاءالله مال خودتان، و خودتان اداره اش می کنید، همه دست ها هم منقطع خواهد شد ولی عمده همین معناست که این معنا را حفظ بکنیم. من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می خواهم و سعادت این ملت که شما هم از این ملت هستید و خداوند همه شما را تأیید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی به وزیر امور خارجه ترکیه

اسلام برای تمام کشورها يك آرمانی است که در آن همه چیز هست

بسم الله الرحمن الرحيم

من متقابلاً سلام به ملت ترك و نخست وزیر ابلاغ می کنم و لازم است که ما اساس این نهضت را بطور اجمال برای شما و دولت شما بیان کنیم. اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفت، یکی از شدت فشار خارجی و داخلی و چپاولگری های خارجی و داخلی، و اختناق فوق العاده، که در ظرف پنجاه و چند سال ایران، ملت ایران يك روز خوش ندید و اخیراً هم کشتارهای فوق العاده دست جمعی که در اکثر بلاد ایران پیش آمد، مردم را به جان آورد که این نهضت را همراهی کنند و یکی دیگر آرزوی ما برای يك حکومت اسلامی و يك حکومت عدل که يك رژیم در مقابل رژیم های طاغوتی باشد و ما مسائل اسلامی را مثل صدر اسلام در ایران پیاده کنیم.

و امید ما آن است که سایر ملت ها، سایر دولت ها به این نهضت اسلامی بپیوندند و وجهه نظرشان اسلام باشد. اسلام برای همه کشورها يك آرمانی است که در آن همه چیز هست لکن تبلیغات خارجی و دنبال آن هم تبلیغات داخلی، اسباب این شد که ملت های ما را از اسلام جدا کردند و دولت های ما را هم جدا کردند. و مع الاسف تبلیغات به طوری شد که جوان های شرق، تمام آمالشان را به تحقق معانی غربی خرج کردند و تمام حیثیت ملی خودشان را، بعضی از جوان های ما فدای غرب کردند و این شکست روحی بود که برای ما از همه شکست هایی که داشتیم بالاتر بود.

نظر ما به اقتصاد نیست مگر به طور آلت، نظر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ اسلامی را از ما جدا کردند. و غرب در شرق آنطور نفوذ کرد که شرق خودش را باخت و محتوای بسیار از جوان های ما را گرفت، اما ما گمان می کنیم که باید تمام ملت ها و دولت ها توجه خودشان را به این نقطه نظر منعطف کنند که این شکست روحی را از ملت ها جدا کنند و گمان نکنند جوان های ما که هر چه هست، در غرب است و خودشان چیزی ندارند.

اسلام حکومت ها را موظف به خدمت کرده است

اسلام در مقابل همه دولت های طاغوتی، برای انسان سازی آمده است، قرآن کتاب انسان سازی است. انسان اگر چنانچه در این ممالک اسلامی تحقق پیدا بکند و اسلام برنامه دولت ها و ملت ها باشد،

امکان ندارد که دیگران بتوانند استفاده های نامشروع از ما بکنند، ما باید اقتصادمان تابع اسلام باشد، فرهنگمان تابع اسلام باشد، ارتشمان، ارتش اسلام باشد.

در صدر اسلام ارتش يك پناهگاهی برای ملت ها بوده است، محیط ارتش از محیط مردم جدا نبوده است، محیط رعب نبوده است، محیط وحشت نبوده است، اگر چنانچه ارتش، دولت، به وظایف ارتشی خودشان، به وظایف دولتی خودشان، به وظائف اسلامی عمل کنند، محیط در يك کشور، محیط محبت می شود، محیط آرامش روحی می شود و این هم برای ملت مفید است و هم برای دولت و هم برای ارتش، و اگر محیط، محیط ارباب باشد، چنانچه در حکومت های طاغوتی است، محیط وحشت باشد، این برای ملت و خود دولت و خود ارتش بد است و اینکه طاغوتی ها محیط ارباب ایجاد می کنند، برای این است که آنها برای ملت کار نکرده اند و خودشان را از ملت جدا کرده اند و از ملت وحشت دارند، از این جهت محیط را ارباب، محیط اربابی درست می کنند که مردم را سرکوب کنند. در صدر اسلام این معانی نبوده است، ارتش اسلام از مردم جدا نبوده است محیط هیچ وقت محیط اربابی نبوده است، حکومتی که در رءس جامعه بوده است، با مردم دیگر فرقی نداشته است بلکه زندگیش پائین تر بوده است. حکومت ها نمی خواستند که به مردم حکومت کنند، می خواستند خدمت کنند. اسلام حکومت ها را موظف به خدمت کرده است، ارتش در خدمت ملت باید باشد.

حکومت ها در خدمت مردم باید باشند، اگر يك چنین برنامه ای تحقق پیدا بکند، محیط رعب از بین می رود، محیط دوستی پیش می آید، مبدل به محیط برادری می شود، يك چنین محیطی که محیط برادری باشد ملت پشتیبان دولت است، و اگر ملت پشتیبان يك دولتی شد، دولت سقوط نمی کند.

اگر شاه به نصایح روحانیون توجه کرده بوده و خدمت به این ملت کرده بود، سقوط نمی کرد لکن خدمت نکرد و خیانت کرد و پشتوانه مردمی را از دست داد و وقتی که مردم شنیدند رفت شادی کردند، چنانچه در رفتن پدرش هم شادی کردند. حکومت ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد. برادر باشند با هم، با ملت دوست باشند، ملت احساس کند که دولت از خود اوست، دولت خدمتگزار اوست. ملت ها احساس کنند که ارتش از خود آنهاست، ارتش که در خیابان می آید برای او گل بریزند، نه از او فرار کنند. آن عمده در برنامه های حکومتی، در برنامه های دولتی این معناسست که محیط اخلاقی درست کنند. محیط برادری درست کنند. این در رءس همه برنامه هاست، اگر این برنامه درست شد، اگر دولت بخواهد کاری بکند، همه ملت با او همراهی می کنند. اگر دولت بخواهد برنامه ای را، اگر دولت بخواهد برنامه ای را اجرا بکند، ملت در خدمت او هست ما این دو حکومت راکه در ایران بود، الان با هم مقایسه می کنیم، دولت سابق اگر می خواست برنامه ای را اجرا بکند، مردم با او موافق نبودند بلکه حتی الامکان کارشکنی می کردند. الان دولت ما وقتی می خواهد برنامه ای را اجرا کند، از اطراف به ما پیشنهاد می شود که ما در خدمت حاضریم، طبقات مختلف مردم می گویند: که ما در اجرای این برنامه حاضریم، از جان و دل حاضریم که کمک بکنیم. الان که بعض برنامه ها را می خواهد

دولت اجرا بکند، ملت همچو اظهار همراهی می کند که اعجاب آور است.

این يك مطلبی است که درعین حال که به تمام معنا الان ما نتوانستیم اسلام را در ایران پیاده بکنیم لکن همان نسیمی که از اسلام به ایران وزیده است، نتیجه اش این شده است که دولت ما يك دولتی است که ملی است، ملت او را می خواهد. نخست وزیر ما هیچ وحشت ندارد که توی مردم برود و با مردم بنشیند و صحبت بکند، بر خلاف نخست وزیرهای رژیم سابق که امکان نداشت که توی مردم بیایند برای اینکه مردم با آنها دشمن بودند، چنانکه آنها با مردم دشمن بودند. دولت ها اگر چنانچه اینطور بشوند که به اسلام توجه کنند و روح اسلام را در مردم ایجاد کنند و در خودشان، این هم به صلاح خودشان هست و هم به صلاح کشورشان و هم همه برنامه ها را با آسانی می توانند انجام بدهند.

و من امیدوارم که بین دولت های اسلامی يك اخوتی، اخوت اسلامی، همانطوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود که اگر این اخوت اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، يك قدرت عظیمی است که هیچ يك از قدرت های دنیا نمی توانند به پای او باشند.

و من از خدای تبارک و تعالی مسئلت می کنم. که این معنا در همه دولت ها تحقق پیدا بکند و همه موفق بشوند که برای اسلام باشند و همه موفق باشند که اخوت اسلامی خودشان را حفظ بکنند و همه موفق باشند که در خدمت ملتشان باشند که ملت هم پشتیبان آنها باشد.

وزیر امور خارجه ترکیه: باتشکر از حضرت امام خمینی مایل هستم که دو مطلب را بیان کنم. مسأله اول رابطه مذهب و سیاست است و مشکل اینکه چگونه ما بتوانیم ظرفیت های انسانی را توسعه بدهیم و تقویت بکنیم. نکته دوم: درباره تفاوتی که نباید بین کسانی که حکومت می کنند و کسانی که بر آنها حکومت می شود، وجود داشته باشد، این همان چیزی است که مواضع و اصول دموکراسی را بیان می کند و اجرا می کند. من از این پذیرائی گرمی که شما از من و از هیئت اعزامی ما کردید بسیار سپاسگزارم و متشکر هستیم.

امام خمینی: آنچه که اما، قضیه تربیت يك ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد.

شما کوشش کنید که فرهنگ را، فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند همان هایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمتگزار به مردم، امین به بیت المال، و همه اینها در تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کند.

اگر يك ملتی فرهنگش اینطور تربیت بشود، این فرهنگ، فرهنگ غنی اسلامی است و مملکت يك مملکت آرام مترقی خواهد بود. و اما اینکه می گوئید که يك مسأله دموکراسی است صحیح است لکن مع الاسف در ممالک غرب که بیشتر دم از دموکراسی می زنند و در ممالک ما، که باز آنها هم دم از

دموکراسی می زنند ، خبری از دموکراسی نیست غربی ها با این افسون می خواهند ما را خواب کنند و بهره برداری از ما بکنند و ما هم در تحت لوای اسلام نباشیم دموکراسی را نمی توانیم آنطوری که صحیح است به آن عمل بکنیم .

من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه دولت های مارا اسلامی را توفیق بدهد که همه در سایه اسلام وزیریک پرچم ، که آن پرچم اسلام است با هم برادروار درکنار هم با هم بر مشکلات خودشان غلبه کنند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 75

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان دزفول

مسئولیت خطیر و شریف مادران و معلمان ، تربیت انسان ها

بسم الله الرحمن الرحيم

شما خانم ها به طوری که حالا خودتان می گوئید معلم هستید ، دو شغل شریف دارید ، شما خانم ها دو تا شغل بسیار شریف دارید . یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل ها بالاتر است . يك فرزند خوب ، شما اگر به جامعه تحویل بدهید برای شما بهتر است از همه عالم . اگر يك انسان شما تربیت کنید ، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم . پس شما يك شغلتان این است که بچه های خوب تربیت کنید . دامن مادرها ، دامنی است که انسان از آن باید درست بشود یعنی اول مرتبه تربیت ، تربیت بچه است در دامن مادر برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علائق هاست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست ، بچه ها از مادر بهتر چیز اخذ می کنند . آنقدری که تحت تأثیر مادر هستند ، تحت تأثیر پدر نیستند ، تحت تأثیر معلم نیستند ، تحت تأثیر استاد نیستند . از این جهت بچه هایتان را در دامنتان تربیت اسلامی ، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می دهید شما این بچه را به دبستان ، يك بچه صحیح ، اخلاق خوب ، آداب خوب ، آنطور تحویل بدهید . پس يك شغل ، شغل تربیت اولاد است که مع الاسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می خواستند از این مادرها بگیرند ، تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه داری بکند . این شغل شریف را منحطش کردند در نظر مادرها ، برای اینکه می خواستند که مادرها از بچه ها جدا بشوند ، بچه ها را ببرند در پرورشگاه ها بزرگ کنند ، مادرها هم علی حده بروند يك کارهایی که آنها دلشان می خواهد بکنند ، بچه در پرورشگاه وقتی که بزرگ بشود ، يك بچه ای که در دامن مادر بزرگ بشود نیست ، عقده پیدا می کند ، وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواهد سر و کار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم بشود ، این بچه عقده پیدا می کند . بسیاری از این مفسده هایی که در جامعه واقع می شود ، از این بچه هایی هستند که عقده دارند ، از این انسان هایی هستند که عقده دارند ، مبداء يك عقده بزرگ این جدا کردن بچه از مادر است . محبت مادری لازم دارد بچه . بنابراین ، این شغل که شغل انبیاء است و انبیاء هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند ، این شغل اول شما هست در اول تربیت بچه . و چون شما معلم هستید از این جهت يك شغل شریف دیگری به شما محول شده است و به آنقدر که این شغل شریف است ، مسئولیت آن هم بزرگ است . شغل شما شغل انسان سازی است . معلم انسان درست می کند ، همان

شغل انبیاء است .

انبیاء آمدند از اول ، هر نبی آمده است تا آخر ، فقط شغلش این بوده است که انسان درست بکند ، تربیت کند انسان ها را . شغل معلمی همان شغل انبیاء است . پیغمبر اکرم معلم همه بشر است و بعد از او حضرت امیر (سلام الله علیه) باز معلم همه بشر است . آنها معلم همه بشر هستند ، شما معلم يك عده از بشر . شغل همان شغل است یعنی شعبه همان است ، کار ، يك کار است . آنها در محیط وسیع تر و ماها در يك محیط کوچکتر . بنابراین ، این شغل شما باز يك شغل بسیار شریفی است لکن مسؤولیتش هم بسیار زیاد است ، چنانچه مسؤولیت انبیاء بسیار زیاد بود ، انبیاء به همان مقدار که برای آدم سازی آمده بودند مسؤولیتشان زیاد بود منتهی آنها مسؤولیتشان را به انجام رساندند ، کارهایی که به آنها محول بود به انجام رساندند . شما شغلتان بسیار شریف است و همان شغل انبیاء است مسؤولیتتان هم همان مسؤولیت است .

اصلاح و افساد جامعه در گرو نحوه تربیت معلمین

و باید توجه داشته باشید که این بچه هایی که پیش شما تربیت می شوند ، تربیت دینی بشوند ، تربیت اخلاقی بشوند . اگر يك بچه متدین را شما تحویل جامعه بدهید ، يك وقت می بینید همین يك بچه متدین متعهد ، يك جامعه را اصلاح می کند . يك فرد ممکن است يك جامعه را اصلاح بکند ، بنابراین اگر چنانچه خدای نخواستہ این بچه از دامن شما درست از کار نیاید ، از تحت تربیت شما که معلم هستید درست از کار در نیاید ، ممکن است يك بچه يك جامعه را فاسد بکند و شما مسؤول باشید .

شما از آن طرف يك فرد را تربیت صحیح بکنید ، آنقدر شرافت دارید که همان شرافت انبیاء است ، از این طرف اگر خدای نخواستہ تربیتتان نسبت به بچه هایی که توی دامنانتان هست ، یا بعدا که بچه هایی که تحت تربیت شما هستند ، اگر خدای نخواستہ فاسد تربیت بشوند ، ممکن است که يك جامعه را فاسد کنند .

خداوند انشاء الله شما را حفظ کند و سعادت مند کند و مربی خوب باشید برای بچه ها و مربی خوب باشید برای دخترهایی که می آیند پیش شما تربیت بشوند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 77

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات

قضیه، قضیه اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در پاریس که بودیم و در شدت مبارزه بین مسلمانان ما و طاغوت قشرهای مختلف هر کدام خدمت‌هایی کردند از آنجمله گروه مخابراتی خدمت بزرگی کردند. اگر اینها نبودند، مطالب ما به ایران نمی‌رسید. اینها مطالب ما را در کمال اخلاص به ایران رساندند و در نهضت، پیروزی نهضت سهم بسزایی داشتند. من از خداوند تعالی سعادت همه را خواستارم و دعاگوی همه هستم. از حالا به بعد هم همین تکالیف هست. ماها الان باید برای اسلام زحمت بکشیم.

قضیه، قضیه اقتصاد نیست. قضیه، قضیه کشور نیست. قضیه، قضیه ایران نیست. قضیه، قضیه اسلام است. از قضایای دیگر انسان می‌تواند صرف‌نظر کند، از خانه اش بگذرد، از اولادش صرف‌نظر کند، از جهات دیگر بگذرد لکن از اسلام نمی‌تواند بگذرد. هیچ کس حق ندارد که از اسلام بگذرد. هیچ کس حق ندارد که از این رژیم که تمام سعادت‌ها در آن است و تمام چیزهایی که ملت‌ها می‌خواهند در پرتو آن است، نمی‌تواند انسان بگذرد و نباید بگذرد.

تکلیف ملت، کوشش و جدیت برای اصلاح امور و سازندگی کشور تا تحقق جمهوری اسلامی

ما الان در وضعی واقع هستیم که قشرهای مختلف با زبان‌های مختلف بر ضد این نهضت فعالیت می‌کنند، چه در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و چه در قشر کشاورزی و عمرانی و چه در دانشگاه‌ها و سایر جاها، در ادارات و سایر جاها فعالیت می‌کنند برخلاف نهضت. گرچه این قشرهای ضعیف دیگر نمی‌توانند يك کار اساسی بکنند لکن خوب موجب زحمت می‌شوند، موجب ابتلاء می‌شوند. الان ما همه موظفیم، چه شما خانم‌ها و چه آقایان موظفند که هر کدام در هر رشته‌ای که هستند، در هر مقامی که هستند، مشغول هر کاری که هستند، این نهضت را ادامه بدهند. الان وضع این است که، ادامه نهضت به این است که کارهایی که اینها می‌خواهند انجام بدهند به وجه خوبتر انجام بدهند. کارخانه‌ها به کار خودشان ادامه بدهند. کشاورزها به کار کشاورزی ادامه بدهند و هر گروهی که مشغول يك کاری هستند، این کار را خوب انجام بدهند. اختلال در کار پیدا نشود، کم کاری نباشد، اهمال کاری نباشد،

اینها به سازش و ساختن ایران مضر است. شما الان بعد از اینکه این سد بزرگ را شکستید، دیدید که آن طرف سد که شکسته شد چه خرابی‌ها هست و ایران به چه وضعی مبتلا است و حالا ما باید یک ایران ویرانی را از سر بسازیم و ساختن یک مملکت با دست یک گروه امکان ندارد. محول کردن مطالب را به دولت یا به روحانیت صحیح نیست برای اینکه اینها قدرت این کار را ندارند، تمام گروه‌ها و تمام افراد، هر فردی وظیفه دارد که در این نهضت خدمت بکند. چنانچه در وقتی که می‌خواستید بکشید این سد را، هر فردی یک تأثیر داشت. نمی‌توانست یک فرد بگوید که من تنها که نمی‌توانم این رژیم را به هم بزنم پس کنار بروم، قطره‌ها جمع می‌شود و دریا و رودخانه‌ها و سیل‌ها را تشکیل می‌دهند. انسان‌ها هم مثل قطراتی می‌مانند که یکی یکی یک جزئی کار از ایشان می‌آید. از هر قطره توقعی نیست که یک سد را بشکند لکن اگر قطره کنار برود، قطرات کنار بروند، سد شکسته نمی‌شود. قطرات وقتی که با هم مجتمع شدند سیل درست می‌کنند، سیل‌های عظیمی درست می‌کنند، این سیل‌های عظیم از همان قطرات باران است. این قطرات باران است که وقتی به کوهسارها می‌ریزد، سیل از آن درست می‌شود و سیل کوه را درهم می‌شکند. قطرات انسان هم همین طور است که یکی یکی از آنها کار نمی‌آید (یعنی کار مهم) اما هر یک دخالت دارند در آن کاری که باید بکنند.

همانطوری که برای شکستن آن سد افراد هر یک دخالت داشتند، برای سازندگی یک مملکت هم... افراد هر یک دخالت دارند. هر یک از افراد یک کار از آنها می‌آید و نمی‌تواند این فرد بگوید من کار خودم را انجام نمی‌دهم، یا کار خودم را بد انجام می‌دهم. الان باید کار کرد و کار را خوب انجام داد، حفظ کرد این نهضت را به اینکه همه با هم مشغول ساختن بشویم، همه با هم مشغول تصحیح این اموری که آنها خراب کردند باشیم.

و همانطوری که شما دستگاه مخابراتی، یک قسمت عظیمی از کار را در موقعی که ما احتیاج مبرم به آن داشتیم شما حاجت ما را برآوردید و این در دفتر شما ثبت است و پیش خدای تبارک و تعالی ضبط است، همانطور حالا هم احتیاج به وجود شماها هست، احتیاج به وجود همه افراد هست. همه، هر فردی مورد احتیاج است و هر فردی مکلف است و هر فردی مسوول است. همه ما مسوولیم الان در مقابل خدای تبارک و تعالی. مطلب، مطلب اسلام است، نه مطلب اینکه بتوانیم ما از آن بگذریم. در این مطلب باید همه ما کوشش بکنیم و با کوشش همه انشاءالله این جمهوری اسلامی تحقق پیدا می‌کند و با تحقق جمهوری اسلامی آرمان همه شماها برآورده می‌شود.

دستیابی به مملکتی نمونه با تحقق احکام و قوانین اسلام در همه ابعاد و جوانب مملکت

اسلام تاکنون (مگر یک چندی که در صدر اسلام بوده است) تاکنون وجود خارجی به آن معنایی که باید پیدا بکند، پیدا نکرده. الان هم که ما جمهوری اسلامی را می‌خواهیم، تاکنون کاری که ما کردیم مانع را به طور عمدی رفع کردیم. آنطوری که ملت تاکنون عمل کرده است، موانع برقراری

جمهوری اسلامی را رفع کرده است که آن رژیم سلطنتی بود. رأی هم به جمهوری اسلامی همه دادید و الان مملکت ما رژیمش، رژیم جمهوری است لکن با رأی به جمهوری اسلامی آرمان های اسلام تحقق پیدا نمی کند. دنبال این رأی عمل باید باشد، باید يك یکی احکام شرع در خارج تحقق پیدا بکند، باید دادگستری، دادگستری اسلامی باشد، باید فرهنگ، فرهنگ اسلامی باشد، باید بازار، بازار اسلامی باشد، مدارس، مدارس اسلامی باشند، باید همه قشرها اسلامی بشوند و همه قوانین اسلام انشاءالله تحقق پیدا بکند. اگر چنانچه به این آرمانی که همه داریم انشاءالله برسیم، يك مملکت نمونه خواهید پیدا کرد.

شما گمان نکنید که غربی ها پیشرفت کرده اند، غربی ها در جهات مادی پیشرفت کرده اند لکن معنویات ندارند. اسلام و همین طور مکتب های توحیدی، اینها انسان می خواهند درست کنند و غرب از این معنی بکلی برکنار است، غرب مواد طبیعت را کشف کرده است و قوای طبیعت را کشف کرده است و آنهم بر ضد انسان این قوا را به کار می برد، برای هدم انسانیت، برای هدم شهرهای ممالک. چنانچه که می بینید که هر يك از این کشورها که به اصطلاح پیشرفته تر هستند بیشتر انسان ها را در فشار قرار می دهند. ما يك مملکت پیشرفته به اصطلاح خودشان که عبارت از آمریکاست، گرفتار آن بودیم و الان هم ممالک بسیار گرفتار همین مملکت پیشرفته هستند. آن چیزهایی که آنها پیشبرد کردند، بر ضد مقصد انسانیت به کار می برند و آدمخواری را در عالم ترویج می کنند، جنگ و جدال را در عالم ترویج می کنند، پیشرفت ها برای پیشرفت جنگ و پیشرفت آدمکشی است.

لکن ممالکی که اگر پیدا بشود، مملکتی است اسلامی که هر چه بکند در خدمت معنویات است، در خدمت انسان است، برای انسان سازی است. اگر ما موفق بشویم به اینکه فرهنگمان، يك فرهنگ اسلامی بشود، مدارسمان، يك مدارس اسلامی بشود و آنوقت افرادی که از آن تحقق پیدا می کند و افرادی که تربیت می شود در آن فرهنگ و در آن مدارس، انسان هستند. انسان امین است، انسان رحیم است، انسان رفتارش با برادرها و خواهرهای خودش رفتار رحیمانه است، با عطف است. ما امیدواریم که شما به فعالیت خودتان همانطوری که قبلا ادامه دادید، حالا هم ادامه بدهید و در هر جا که هستید، آن فعالیتی که باید داشته باشید و آن خدمتی که باید به کشور خودتان و آن اسلام بکنید انشاءالله موفق باشید. خداوند همه شما را سعادت مند بکند و همه شما را عزت و سعادت عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران

سرنوشت يك ملت در دست دو قطب دانشگاه و روحانیت است

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش دانشگاه در هر کشوری ساختن انسان است. ممکن است از دانشگاه انسانی خارج بشود که يك کشور را نجات بدهد و ممکن است که يك انسان درست بشود که کشور را به هلاکت بکشاند. این نقش مهم از دانشگاه می باشد. مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آنهایی که از دانشگاه بیرون می آیند هست. بنابراین دانشگاه بزرگترین مؤسسه موثر است در کشور و بزرگترین مسؤلیت ها را هم دانشگاه دارد. اینکه اجانب به وسیله عمال شان این کار را انجام دادند که دانشگاه های ما را عقب نگه داشتند و به اصطلاح استعماری درست کردند، برنامه ها، برنامه های استعماری بود، این برای ترس از دانشگاه بود. همین مطلب در روحانیت هم هست، روحانیت هم نقش دارد. در روحانیت هم ممکن است يك روحانی يك کشور را نجات بدهد و ممکن است يك روحانی يك کشور را به هلاکت برساند. این دو قطب که عبارت از قطب دانشگاه به معنای تمام کلمه، دانشگاه و روحانیت، این دو قطب تمام سرنوشت يك ملت را در دست دارند. و لهذا کار از همه کارها بالاتر و شریفتر است و برای اینکه کار، همان کار انبیاست. همه انبیا برای آدم سازی آمده اند. قرآن کریم يك کتاب آدم سازی است. همه انبیا آمده اند که آدم ها را درست کنند، با درست کردن آدم همه بساط درست می شود. این دو قطب که هر دو مامور آدم سازی هستند، قطب دانشگاه مامور آدم سازی هست و قطب روحانیت مامور آدم سازی هست و کارشان شریفترین کارهاست و برای اینکه همان کارها انبیاست و هم مسؤلیت شان بالاتر از همه مسؤلیت هاست برای اینکه در اینجا همه چیز درست می شود. تمام نظر اجانب به این دو قطب دوخته شده است منتها هر جا را يك جور کوبیدند. رضا خان که آمد شماها هیچ کدام یادتان نیست، من دیدم. از اول رضاخان که آمد بعد از چندی که ابتدائاً به صورت يك مسلمان و يك آدم مثلاً ملی، وقتی که پایه حکومتش محکم شد، اول حمله ای که کرد به روحانین کرد، اینها را از همه طرف و از هر طرفی کوبید به طوری که من در فیضیه يك جلسه درس داشتم، يك روز که رفتم دیدم يك نفر است، گفتم چطور؟ گفت که همه شان فرار کردند. قبل از آفتاب از مدرسه و از حجره ها فرار می کردند و آخر شب بر می گشتند منزل برای اینکه نمی توانستند، پلیس می آمد و می گرفت و می بردشان یا لباس شان را می کند، یا التزام از ایشان می گرفت و یا حبس شان می کرد و روحانیون سرتاسر کشور را در مضیقه و در

در رژیم طاغوت تعالیم دانشگاهی بر اساس غربزدگی بود

راجع به دانشگاه ، چون انعکاس دنیائیش به نظرشان این بود که دانشگاه را نمی شود بست ، دانشگاه را باز گذاشتند ، لکن نه دانشگاهی که به درد يك ملتی بخورد و دردی را از ملت بردارد . دانشگاه را به يك صورتی در آوردند که اشخاصی که از آنجا خارج می شوند به درد همان بخورند . آنقدر تبلیغات کردند از غرب ، از جلورفتن به طرف غرب آنقدر تبلیغات کردند که جوان های ما را در دانشگاه ، غربی بار آوردند . از همان دانشگاه روی تعلیماتی که بعضی از اساتیدی را که از خود آنها بودند تبلیغات کردند ، جوری که جوان های ما جوان هائی شدند که به درد آنها می خوردند ، نه به درد کشور ما . مغزهای اینها را شستشو کردند ، به جای مغزهای انسانی ایرانی ، غربی گذاشتند به طوری که اعتقاد بچه ها و جوانان ما این شد و حالا هم شاید خیلی شان این باشد که باید همه چیز ما غربی باشد . به طوری تبلیغات کردند که الان هم همین طور است . در عین حالا که طیب داریم یکی که مریض می شود می گویند اروپا باید ببریم . این برای این است که خودمان را از دست دادیم . استقلال فکری دیگر حالا نداریم . همه اش دنبال این هستیم که غرب چکاره است .

الان هم که جمهوری اسلامی را ما می خواهیم انشاءالله مستقر بشود و می خواهیم حساب مان را از غرب جدا بکنیم و استقلال همه جانبه پیدا بکنیم ، الان هم يك دسته غربزده هائی هستند که اینها الان در فکر این هستند که يك جمهوری بوجود آید ولی اسلامیش نباشد ، جمهوری باشد يك جمهوری دموکراتیک . این برای این است که اینها ، آنهائی شان که مردمی نیستند که جنایتکار باشند ، اشتباه دارند . اینها از بس به آنها تزریق شده و تعلیم شده در این مدارس ، هر جا می رفتند هی صحبت غرب بوده ، هر جا رفتند صحبت آزادی در غرب و بوده است ، هر جا می رفتند هی صحبت غرب بوده ، هر جا رفتند صحبت آزادی در غرب بوده است ، هر جا رفتند صحبت حقوق بشر و طرفدار حقوق بشر و جمعیت حقوق بشر و طرفدار حقوق بشر در غرب بوده . اینها آنهائی شان که خیانتکار نیستند ، اشخاص بدی نیستند لکن باورشان آمد و از بس به آنها گفته اند باورشان آمده .

تربیت غرب انسان را از انسانیت خلع کرده

و حال آنکه غرب پیشرفت هائی که دارد ، پیشرفت های مادی دارد و دنیا را به صورت يك جنگنده ، به صورت يك وحشی بار می آورد . تربیت غرب انسان را از انسانیت خودش خلع کرده ، به جای او يك حیوان آدمکش گذاشته است . الان شما در هر جای دنیا که ملاحظه کنید ، الان هم که يك آرامشی فرض کنید که در دنیا هست و جنگ عمومی نیست ، در هر مملکتی می بینید با دخالت همین آمریکا و با دخالت همین شوروی آدمکشی هست . افغانستان الان آدمکشی است به دخالت شوروی ، در بسیاری از جاها . لبنان هم آدمکشی است به دخالت امریکا . غرب حیوان بار می آورد آن هم نه حیوان آرام ، يك حیوان وحشی ، آدمکش ، آدمخوار ، پیشرفت ، پیشرفت انسانی نیست ، پیشرفت

حیوانی است، تربیت انسانی نیست. در غرب، تربیت حیوانی است. من حکومت ها را می گویم، ملت ها را نمی گویم. حکومت ها و پرورش هائی که در حکومت هست، حکومت های انسانی نیست. غرب پیشرفت کرده در اینکه حیوان تربیت کرده، آلات قتاله درست کرده. در روزنامه دیشب یا پریشب بود که يك چیزی درست کرده اند که پنج مرتبه بالاتر از آنی است که در آن جنگ روی ژاپن ریختند. کار غرب این است يك همچو چیزی درست کند برای آدمکشی. و این افتخاری است که دویست هزار نفر را در يك شهر، يك بمب کشت، این پیشرفت غرب است، ما باورمان آمده است که همه چیزها در غرب است، خیر، آن چیزی که در غرب است تربیت حیوان درنده است، حیوان درنده دارند درست می کنند. الانی هم که درست می کنند، همان چنگ و دندان حیوان درنده است منتها به صدها هزار مرتبه بالاتر.

تنها مکتب های توحیدی الهی انسان سازند

غرب انسان درست نمی کند آن که انسان درست می کند آن مکتب های الهی است، مکتب های توحیدی است که تمام هم انبیا این بوده که آدم درست کنند که آدم توی يك مملکتی باشد. آزادی به جوری که آزادی ضرر به غیر نزند، استقلال فکری، استقلال روحی، استقلال انسانی. آنها انسان می خواهند درست بکنند. قرآن کتاب انسان سازی است، می خواهند که انسان درست کنند. انسان اگر درست شد آرامش در يك مملکتی پیدا می شود. اگر يك مملکتی روی تعلیمات توحیدی، روی تعلیمات انسانی اسلامی افرادش بار آمدند اینها به تعبیر قرآن اینطوری بار می آیند که بین خودشان با هم رحیمند، دوستند، بین خودشان اینطور هستند اما اگر کسی باشد به آنها تعدی بکند و بخواهد حمله کند به آنها، نسبت به آنها اشداء است، سخت است. باید يك مملکتی که عهده دار تربیتش دانشگاه است، چه دانشگاه روحانی و چه دانشگاه شما، عهده دار انسان سازی باشد که وقتی جوان ها از دانشگاه بیرون آمدند انسان بیرون آمده باشند، غربی نباشند، اسلامی باشند. غربی بودن ملازم با همان معانی است.

زحمات پانزده ساله ملت برای تحقق يك مملکت اسلامی بود

آزادی که غرب می خواهد، يك آزادی بی بند و بار است هر که کاری دلش بخواهد می کند، يك آزادی است که مخالف با اخلاق است مخالف، با سنن انسانی است، نه يك آزادی محدودی که روی قواعد و روی چهارچوب قوانین باشد. آنها يك همچو آزادی می خواهند. جمهوری دموکراتیک که این آقایان می خواهند همان جمهوری طرز جمهوری های غرب را می خواهند. مملکت ما آنقدر خون داده اند که حالا بشود يك مملکت غربی!! مردم ما برای اسلام خون داده است، برای اسلام اینقدر تحمل زحمت کشیده اند که يك مملکت اسلامی درست بشود، يك قوانین اسلامی در کار باشد، قوانین غربی ما نمی خواهیم. ما نمی خواهیم تربیت، تربیت غربی باشد. ما می خواهیم يك تربیت

انسانی باشد به طوری که همه با هم دوست باشند ، همه رفیق باشند ، نه من از شما بترسم ، نه شما از من بترسید . محیط ، محیط رحمت باشد ، نه محیط رعب و وحشت . این خدمت که خدمت به انسانیت است و خدمت به اسلام است بر عهده ما و شماست . بر عهده ما هست از جانب روحانیت ، بر عهده شما هست در جهت دانشگاه های خودتان .

مسئولیت دانشگاه پلیس سنگین تر و حساستر از سایر قسمت هاست

مسئولیت دانشگاه پلیس بیشتر از سایر قسمت هاست برای اینکه اینها کارشان حساستر است . اگر از دانشگاه پلیس آدم های اسلامی بیرون بیاید ، آدم هایی که نسبت به مردم محبت داشته باشند بیرون بیاید این اصلاح می کند يك مملکت را . به خلاف اینکه اگر آدم هایی باشند که بخواهند تحمیل کنند بر مردم ، مردم را اذیت کنند ، تربیت آنطور باشد که ایجاد وحشت و رعب کنند در مردم ، دین به فساد کشیده می شود ، به فساد که کشیده شد خودشان هم رو به فساد می روند . بنابراین ، این شغل شریفترین شغل هاست و مسئولیتش بزرگترین مسئولیت هاست . و ما و شما که این شغل را داریم ، ما در طرف روحانیت و شما در طرف دانشگاه ها مسوول این جوان ها هستیم . در پیشگاه خدای تبارك و تعالی مسوول هستیم که اینها را خوب بار بیاوریم تا اشخاصی که به درد يك مملکت بخورند ، اشخاصی که خدمتگزار باشند به اسلام ، خدمتگزار باشند به کشور خودشان ، امین باشند و خیانتکار نباشند ، همه اینها زیر بیرق توحید است و اسلام است . اسلامی بار بیاورید و اسلامی بشوید . خداوند همه شما را حفظ کند ، سعادت مند کند و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار بدهد .

بیانات امام خمینی در جمع وزیر امور خارجه و هیأت سفرای ایران در کشورهای خارج

شستشوی مغزی ملت ایران در جهت بی محتوایی و گرایش به غرب

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که به نظر من مهم است این است که در زمان این پدر و پسر نالایق بیشتر در ایران واقع شده است این است که با تبلیغات دامنه دار هر طرفی اینها کاری کردند که مهم این است که محتوای ما را از ما گرفتند و ما را همچو مومن به غرب کردند که حاضر نیستیم غیر از مطالب غرب چیزی را قبول نکنیم. جوان های ما تقریباً خیلی هایشان اینطور شدند که از يك ایرانی، متحول شدند به غربی و این يك خطری است برای کشوری که اصلاً خودش را دیگر قبول نداشته باشد هر چه قبول دارد، اجنبی را قبول داشته باشد جای خود، يك کس دیگر نشسته باشد و به اصطلاح شما، مغز شویی شده، آنها را شستشوی مغزی دادند و آن ملیت خودشان را، اسلامیت خودشان را شسته اند و به جای آن غرب را نشانند و به حیث اینکه ما اگر چیزی هم خودمان داشته باشیم، باز دست مان را دراز می کنیم پیش غرب، مثلاً ما می دانیم که مهندسی داریم که می توانند اسفالت کنند، می توانند عمارت بسازند، می توانند عرض بکنم که راهسازی کنند معذک وقتي که صحبت می شود، يك معمار غربی باید بیاید و عمل کند. ما طبیب داریم ولی وقتی که يك نفر مریض می شود، باید بفرستیم به خارج با اینکه طبیب در میان ما هست لکن طوری ما را الان تحقیر کردند اینها و ما را میان تهی کردن که ما باورمان آمده است که ما هیچی نداریم و آنها همه چیز دارند و در صورتی که ما راجع به همین پیشرفت هائی که اینها کرده اند، باید بنشینیم حساب کنیم ببینیم که آیا این پیشرفت ها رو به تمدن دارد می رود یا رو به توحش دارد می رود؟ من تعبیرم این است که امریکا و سایر این دول غربی و شرقی اینها ترقیاتی کرده اند به این معنا که انسان ها را دارند حیوان درنده بار می آورند، تمام این کارها که کرده اند، برای درندگی است (ملت رانمی گویم، دولت ها را می گویم) تمام افکار متوجه این شده است که يك چیزی درست کنند که کوبندگیش از آن سابق بیشتر باشد. همین پرروز بود که روزنامه من دیدم که فلان چیز را درست کرده اند که پنج مرتبه بالاتر از آن بمبی است که در ژاپن ریختند و چند هزار نفر را کشته اند. دنبال این هستند که يك آلت قتاله درست کنند یعنی دنبال این هستند يك حیواناتی درست کنند که این حیوانات درنده باشند، بدتر از حیوانات درنده قبلی. تمدن نیست، رو به توحش دارد می رود، غرب دارد رو به توحش، دارد می سازد يك مردمی را که بریزند به جان هم و با چنگ و دندانشان هم را پاره

کنند. برخلاف تمدن که مکتب های الهی می خواهند انسان درست کنند که همه در کنار هم آسوده و آرام باشند، مکتب های اینها همه اش دنبال این معناست که باید این آنجا را بگیرد و آنجا را بگیرد بزند، بکشد، چه بکند. ما باید حالا که يك همچو انقلابی پیش آمد، يك همچو نهضتی پیش آمد و اینها هم، این طبقه متوسط و پائینی احساس کرد که يك استقلالی دارد، باید همه ما دنبال اینها باشیم و این استقلال فکری را حفظ کنیم.

نوصیه به سفرای ایران در حفظ استقلال و عدم خودباختگی در برابر محافل غربی

آقایان حالا دارند تشریف می برند به ممالک خارج و بیشترش به ممالک غرب است. این جهت در نظرشان باشد که آن خود باختگی ها را که دولت سابق و دولت های سابق داشتند و چشم گو بودند، هر چه آنها می گویند قبول نکنند، آنها دیگر نباید باشند. همانطوری که ایشان (اشاره به وزیر امور خارجه) سفیر امریکا را رد کرد و هیچ کاری هم نمی شود بکنند، نمی توانند بکنند، شما هم وقتی که تشریف می برید در سفارتخانه هایتان، در محل کارتان می بینید يك انسان متحول از آن حاصل می شود و آنطوری که شاه بله قربان گو بود و من این را مکرر گفته ام و از بس متأثرم باز هم پیش شما عرض می کنم که من وقتی عکس شاه را پهلوی جانسون دیدم که جانسون عینکش را برداشته و از این طرف دارد چشم هایش آنطور می کند و نگاه می کند و به او نگاه نمی کند و او آن طرف میز او سر جای خودش بود، او آن طرف میز او ایستاده بود مثل يك بچه مکتبی که ایستاده پیش معلمش چیز می کند، من همچو متأثر شدم که ما در چه حالی هستیم که این شخص اول مملکت ما به اصطلاح هست، در مقابل او اینطوری ایستاده و آن هم اینطور بی اعتنا چشم هایش را آن طرف گذاشته و در روزنامه انداخته بود این عکس را و تحمیل هم گمان می کنم کرده بودند که در روزنامه های ایران منعکس بشود، اینجور نباشد. ما الان يك مملکتی هستیم که مستقیم، کسی در ما دخالت نمی تواند بکند شما هم الان نماینده هستید از يك مملکتی که مستقل است، احتیاج اصلا ندارید، آنها به ما احتیاج دارند، ما احتیاجی به آنها نداریم، آنجا که می روید با کمال استقلال عمل کنید. اینطور نباشد که آنجا وقتی شما رفتید باز همان حرف های سابق باشد و همان چیزهایی که سابق آنها می آمدند. شاه به صراحت بیان گفت که لیست وکلا را می فرستادند پیش دولت ها و آنها لازم بود که همین ها را تعیین بکنند. می گفت (می خواست تأیید خودش را بکند، تکذیب پدرش را میکرد) لیست را تا حالا اینطور می داد. تکذیب چند سال قبل خودش را هم می کرد که خیر حالا دیگر آنطور نیست حالا همان وقت هم آنطور بود لکن خوب، دستور بود که اینجوری بگوید. اینجور نباشد که هر چه آنها به ما می گویند، قبول نکنیم. نخیر شما باید مستقل باشید و شجاع باشید، مملکت شما يك کاری کرد که دنیا را متحیر کرد. الان هم شما رفتید آنجا می بینید که چه جور به شما احترام خواهند گذاشت، ملت احترام خواهد گذاشت لکن آنها ممکن است بخواهند باز سوء استفاده بکنند، محکم بایستید در مقابل شان، مسائل را به طور جدی و به طور اینکه يك ابر قدرت با يك ابر قدرت دارد صحبت می کند، نه يك ضعیف با يك قوی. ما الان

هیچ ضعفی از خودمان نشان نمی توانیم بدهیم و نمی دهیم و ابرقدرت ها هم کنار زده ایم و خودمان هم مستقل داریم کار خودمان را انجام می دهیم . شما هم الان از طرف يك دولتی که ابرقدرت ها را کنار گذاشته و خودش جایش نشسته و خودش در حکومت نشسته و استقلال دارد ، يك حکومت اسلامی است ، به عنوان اسلام مستقل است ، اسلامی که هفتصد سال تقریبا تمام قاره آسیا و اکثر بسیاری از جاهای اروپا را تحت سلطه اش بوده است .

بعد اسلامی و ایمانی نهضت را که موجب پیروزی شد حفظ کنید

در هر صورت و مهمتر از این ، اینکه این جهت اسلامیت را نگه دارید . آنکه این نهضت را پیش برد قدرت اسلام بود ، نه ما بودیم ، نه شما بودید ، نه دولت بود ، نه جبهه ها بودند ، نه نهضت ها بودند ، نه عرض بکنم که احزاب بودند ، هیچ يك از اینها ، نه بازار بود ، همه اینها وقتی آن روح اسلام آمد در آنها ، این کارها انجام گرفت ، آن روحی که الان هم يك قدری فرض کنید دارد سست می شود که مکرر پیش من آمده اند ، جوان ها قسم داده اند به من که شما دعا کنید ما شهید بشویم ، حالا هم دارند می گویند خوب ، حالا که دیگر قضیه میدان جنگ نیست الان هم به من می آیند می گویند که شما دعا کنید ما شهید بشویم . این تحول اسباب این شد که ما پیش بردیم . شما این جهت ایمان و اسلام را حفظ کنید ، در سفارتخانه هایتان رنگ اسلامی بدهید ، ترسید از اینکه بگویند اینها عرض بکنم عقب افتاده اند . آنها عقب افتاده اند ، آنها که دارند مردم را می کشند به عصر حجر عقب افتاده اند ، نه ما که می خواهیم مردم را بکشیم به تمدن ، به تمدن به معنای واقعیش . نترسید از حرف هائی که اینها می زنند . هیچ قدرتی در مقابل اسلام نیست ، همین قدرت است که يك عده کمی غلبه کرد بر يك عده زیادی ، بر قدرت های زیاد . سفارتخانه هایتان را ، اداراتتان که در آنجا دارید ، همه را اسلامی کنید ، آن جهات غربی اش را اصلاح کنید . هر چه جهت اسلامیش بکنید آنها بیشتر از شما حساب می برند ، هر چه طرف غرب بروید آنها از شما بهره می برند ، شما این مطلب را که با آن از يك مملکت اسلامی رفته اید ، با يك حال اسلامی رفته اید و مسائل را اسلامی می خواهید حل بکنید این مطلب را در همه جا که هستید در نظر داشته باشید ، بعد از يك چند دفعه تجربه کنید ببینید احترام بیشتر خواهد شد . وقتی دیدند شما يك ایده ای دارید که سر آن ایده باقی هستید و پافشاری دارید می کنید ، اینها هم با شما چیز می شوند ، اگر شما يك قدم کنار بروید ، يك قدم عقب بروید آنها جلوتر می آیند . وضع همین است ، يك قدم شما عقب بروید آنها يك قدم جلوتر می آیند ، بیشتر از شما توقع دارند .

تاکید فراوان بر شروع مطالب با (بسم الله الرحمن الرحيم)

مجالستان را هم مجالس اسلامی کنید . عرض بکنم که سفارتخانه هایتان ، سفارتخانه اسلامی کنید ، همه جهات را چیز بکنید ، اسم خدا را آن بالا يك جا بنویسید ، بسم الله الرحمن الرحيم را بنویسید ، در کاغذهایتان بسم الله الرحمن الرحيم باشد ، خوف نکنید از اینکه به ما می گویند چی ، همین تعلیمات

آنهاست که ما را غر بزرده کرده که می ترسیم که بسم الله الرحمن الرحيم را بنویسیم روی کاغذهایمان . من این را به آقایان هم گفتم که این را رسمی اش بکنند که بسم الله الرحمن الرحيم در همه کاغذها باشد . این دولت عراق با اینکه سرانشان اعتقاد به این مسائل اصلش شاید بسیاریشان نداشته باشند لکن در کاغذهایشان بسم الله الرحمن الرحيم همه هست ، همه کاغذها را ، وقتی هم که صحبت می خواهند بکنند ، همان جا که می نشینند بسم الله الرحمن الرحيم می گویند و صحبت می کنند . از بسم الله الرحمن الرحيم نترسید ، شیطان می ترسد ، شما ملك هستيد انشاء الله .

لزوم پرهیز از مجالس طاغوتی و برپائی محافل ساده اسلامی

در هر صورت آنکه من زیاد به نظرم اهمیت دارد این است که آقایان از غرب نترسید ، اینقدر ما را که ترسانده اند ، در غرب هم خبری نیست ، نترسید هر وقت خودتان مستقل و عرض بکنم اسلامی و مطالب اسلامی ، مجالس اسلامی ، آنجور مجالسی که آن طاغوت داشت ، نداشته باشید ، آن مهمانی کذا را نکنید ، مهمانی اگر کردید ساده باشد ، وقتی ساده باشد عرض بکنم که مراسم دینی اش محفوظ باشد و امثال ذلك جهات سیاسی اش هم آقای دکتر و خود شما بهتر اطلاع دارید و من دعا می کنم برای شما ، انشاء الله خداوند همه شما را حفظ کند و همه ما را آشنای به وظائف مان بکند که يك مملکتی که حالا دست شما آقایان و ما افتاده است ، بتوانیم آن را درست اداره کنیم ، بعد نگویند که اینها نتوانستند ، حالا که نتوانستند قیم می خواهند و ما قیم شان باید باشیم . اینجور نباشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر شوروی

از شوروی می‌خواهیم در افغانستان دخالت نکند

احکام اسلام، احکامی است مسالمت آمیز و می‌خواهیم همه قشرها، مسالمت آمیز باشند. همانطور که قبلاً تذکر داده ام ما می‌خواهیم با کسانی که می‌خواهند با ما روابط دوستانه داشته باشند روابط دوستانه باشیم و امیدواریم که کشور شما و دولت شما احترام متقابل را حفظ کند و طوری عمل کند که در ایران منعکس نشود که شما در امور کشور ما دخالت دارید. من میل ندارم که وانمود شود در اهواز دخالت داشته اید. رفتار شما باید طوری باشد که رفع سوء تفاهم شود. نباید کاری انجام شود تا وانمود گردد از شوروی اسلحه وارد می‌شود و اگر این مسأله درست باشد، من از شما گله دارم. ایران در سابق بیشتر تجارتش با روسیه شوروی فعلی بود. سابق که اصلاً آمریکایی در کار نبود و ما هم مایلیم با شما روابط حسنه و روابط اقتصادی و سیاسی داشته باشیم و این موکول است به احترام متقابل رعایت شود. ما از شما می‌خواهیم مسائلی که باعث شود عده‌ای بعضی چیزها را بگویند، پیش نیاید و مهمش همین قضیه رساندن اسلحه است، چنان که ما میل داریم افغانستان که یک مملکت اسلامی است، مسائل اسلامی حل شود. دخالت شوروی در آنجا در ایران هم اثر خواهد گذاشت و ما از شوروی می‌خواهیم در افغانستان دخالت نکند. باز تکرار می‌کنیم که ما خواستار روابط دوستانه هستیم.

اینکه جوانان ما می‌گویند نه شرق و نه غرب، معنایش این است که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند، و این کاملاً بجا و بحق است. شما باید ثابت کنید که اسلحه‌های ساخت شوروی از شوروی به ایران وارد نمی‌شود. روابط ما باید صحیح و سالم و بدون دخالت کسی در کشور ما و یا دخالت ما در کشور دیگر باشد.

اگر تره‌گی به راه خود ادامه دهد، سرنوشتش سرنوشت محمد رضا خواهد بود

امام با تأکید بر اسلامی بودن جنبش مردم افغانستان و رد اظهارات سفیر شوروی مبنی بر وجود جنبش ضد انقلابی در آن کشور، فرمودند: معلوم می‌شود که شما از اوضاع افغانستان خیلی اطلاع ندارید. من به طور کلی بگویم کسانی که در ایران و افغانستان اعمالی به اسم کمونیست انجام می‌دهند به نفع شوروی نیست. گرچه اعتقاد من این است که کمونیست‌هایی که در ایران هستند روابطشان با

آمریکا بیشتر است . در افغانستان حکومت فعلی فشار زیادی به نام کمونیست به مردم وارد می آورد و به اطلاع ما رسیده که حدود پنج‌هزار نفر از مردم در افغانستان کشته شده‌اند و علمای اسلام را در آنجا دستگیر کرده‌اند . اگر تره کی همچنان به راه خود ادامه دهد ، سرنوشتش سرنوشت محمد رضا خواهد بود . و من میل ندارم که کشورهای اسلامی روابطشان با شوروی غیر حسنه شود .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 90

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهر ری و بازاریان تهران

مقصد نهائی ملت، تحقق احکام اسلام در سراسر بلاد مسلمین

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که همه ما پاسدار اسلام و از نگهبانان دین مبین اسلام باشیم و شما برادران را خدای تبارک و تعالی در جزو پاسداران اسلام و دوستان اهل بیت (علیه السلام) ثبت کند. البته همه اقشار ملت در این نهضت شرکت داشتند و شما پاسدارها در این نهضت شرکت داشتید. جوانان ما همه در این نهضت شریک بودند و امیدوارم از این به بعد هم به این شرکت باقی بمانند. مهم این است که ما تکلیف حال و آینده را بدانیم. آنچه گذشته است بحمدالله خوب گذشت لکن آنچه مهم است این است که تکلیف ما در حال چه است و در آینده. ما باز جمهوری اسلامی را به آنطور که می خواهیم تحقق پیدا نکرده، البته الان رژیم فعلی به حسب رفراندومی که شد رژیم جمهوری اسلامی است لکن ما مقصودمان نبود که فقط رأی بدهیم به جمهوری اسلامی و برویم کنار. ما جمهوری اسلامی را می خواهیم که احکام اسلام در آن جمهوری تحقق پیدا بکند. احکام اسلام در سرتاسر کشور و انشاء الله در سرتاسر بلاد مسلمین و امید است که سرتاسر کشورهای همه جا باشد.

معنای آزادی در جمهوری اسلامی، آزادی عمل در چهار چوب قوانین اسلام

آنچه که مورد نگرانی هست فی الجمله این است که الان که شما آقایان و همه اقشار احساس يك آزادی کردید و آزاد هستید، ببینیم که آیا آزادی که ما الان داریم با این آزادی چه می کنیم ما الان از قید و بندی که رژیم سابق داشت آزاد هستیم و لهذا آزادانه شما پیش ما آمدید و سابقا نمی توانستید و ما هم آزادانه با شما صحبت می کنیم و شما هم با ما صحبت می کنید، لکن ما با این آزادی باید چه بکنیم؟ آیا حالا که آزاد هستیم، دیگر تمام قید و بندها را کنار بگذاریم؟ به مجرد اینکه آزاد شدیم هر چه می خواهیم بگوئیم؟ هر چه می خواهیم بنویسیم؟ هر کاری که می خواهیم بکنیم، بکنیم؟ این است معنای آزادی که در جمهوری اسلامی است که قید و بندها دیگر برداشته باید بشود؟! هر کس هر چه می خواهد بگوید ولو ضد ملت باشد، ولو ضد اسلام باشد، ولو برخلاف قرآن مجید باشد؟ یا نه، آزادی که می خواهیم ما، آن آزادی که اسلام به ما داده است، حدود دارد آزادی، آزادی در حدود قانون است. همه جای دنیا اینطور است که آزادی که هر ملتی دارد، در حدود قانون آزادی دارد. نمی تواند کسی به

اسم آزادی قانون شکنی بکند. آزادی این نیست که شما بایستید در کوچه به هر کس رد می شود يك مثلا ناسزائی بگوئید خدای نخواسته یا با چوب بزنید او را من آزادم آزادی این نیست که قلم را بردارید و هر چه دلتان می خواهد بنویسید ولو بر ضد اسلام باشد ولو بر ضد قانون باشد.

نعمت آزادی، امتحانی الهی است

الان این آزادی را خدای تبارك و تعالی که به ما عنایت کرده است، ما را برای این آزادی امتحان می کند. يك وقت نمی توانستید هیچ کاری بکنید، حالا خدا به شما این عنایت را فرموده است که آنهایی که جلو آزادی شما را گرفته بودند، آنها را از این مملکت اخراج کرد، حالا که اخراج کرد و آزادی به شما عنایت فرمود، شما را با این آزادی امتحان می کند. نعمت های خدا امتحان است برای بندگان خدا. ببینیم که آیا نعمتی که خدا به ما عنایت کرده است، این نعمت را کفران می کنیم یا شکر این نعمت را می کنیم. کفران این است که آزادی را ما وسیله کارهای زشت قرار بدهیم من آزادم، هر کاری می خواهم می کنم ولو، شکر نعمت این است که این آزادی را صرف بکنیم در آنچه که خدای تبارك و تعالی امر فرموده است. این آزادی که خدا به ما عنایت فرموده است و يك هدیه الهی است، اگر چنانچه شما خیانت به این آزادی و این هدیه خدا بکنید، ممکن است خدای تبارك و تعالی هدیه خودش را پس بگیرد از ما و ما باز برگردیم، به آن حالی که سابق بودیم. باید همه ما توجه به این معنا داشته باشیم که از این آزادی سوء استفاده نکنیم. گرانفروشی یکی از سوء استفاده هاست که کسی بگوید من آزادم، حالا هر چه دلش می خواهد به این مستمندها اجحاف بکند و قیمت ها را بالا ببرد و بازار را به وضع طاغوتی درست کند. اجحاف در معاملات، بی انصافی در معاملات يك امری نیست که عقل انسان بپذیرد و خدای تبارك و تعالی راضی باشد به این معنا. باید بازارها را يك بازارهای اسلامی بکنید.

در جمهوری اسلامی همه چیز باید اسلامی باشد

جمهوری اسلامی همه چیزش باید اسلامی باشد، اداراتش، باید اسلامی باشد، تحول لازم دارد. حالا باز نیست. دادگستری باید اسلامی باشد، قضات، باید قضاتی که اسلام تعیین کرده است باشند. تا حالا نشده است این. فرهنگ باید يك فرهنگ اسلامی و از این فرهنگ وابسته و استعماری بیرون بیاید، و حالا نشده است باز. الان بازار که در دست بازارهای به ظاهر متدین است، به اسم اینکه حالا دیگر کسی نیست که به ما فشار بیاورد و بگوید نرخ کذا، نباید اجحاف بکند. با حاکم وقت است که جلوگیری کند و ما ممکن است اجازه بدهیم جلوگیری کنند از يك اجحافاتی که می شود در بازار.

ما آزادیم هروئین بفروشیم، آزادیم تریاک بفروشیم، آزادیم قمار خانه باز کنیم، آزادیم شرابخانه باز کنیم، شراب فروشی باز کنیم همچو آزادی نیست، این آزادی ها يك آزادی های غربی است که اینطور چیزها را می آورد. آزادی که در اسلام است، در حدود قوانین اسلام است. آن چیزی

که خدا فرموده است نباید بشود، شما آزاد نیستید که الزام کنید. همچو آزادی نیست که کسی بخواهد قمار کند، بگویند آزاد است، خودش می داند. بله اگر چنانچه آزادی دموکراتیک بود و جمهوری، جمهوری دموکراتیک بود، آن آزادی ها به حسب قاعده اش هست، هر کس دلش می خواهد که دکان شراب فروشی باز کند، باز کند. اگر دلش می خواهد هم قمار خانه باز بکند. مراکز فحشا هیچ مانعی با جمهوری دموکراتیک ندارد. اینها که جمهوری دموکراتیک می خواهند این را می خواهند، یک همچو آزادی، ما که عرض می کنیم جمهوری اسلامی این است که روی قواعد اسلام باید باشد. باید مراکز فحشا بسته بشود. جوان های ما به مراکز فحشا وارد نشوند. جوان های ما را بد بار آوردند، هروئینی بار آوردند، تریاکی بار آوردند، قمار باز بار آوردند، شرابخوار بار آوردند و یک صدمه بزرگی به کشور ما زدند که نیروی انسانی را از ما گرفتند، نیروهای انسانی را هدر دادند.

نابودی نیروهای انسانی، از جنایات 50 ساله خاندان پهلوی

باید در جمهوری اسلامی، نیروهای انسانی محفوظ بماند. نیروی انسانی صرف یک امر صحیح بشود تا کشور ما نجات پیدا بکند. ما الان یک کشوری داریم که سال های طولانی و خصوصا در این پنجاه و چند سالی که این پدر و پسر غیر صحیح، این پدر و پسر جنایتکار در این مملکت حکومت کردند، نیروی انسانی ما را از بین بردند. الان شما باید چراغ بردارید و برگردید دوره که انسان پیدا بکنید. نگذاشتید انسان پیدا بشود. دانشگاه ها را نگذاشتند دانشگاه اسلامی باشد، دانشگاه انسانی باشد. مدارس ما را نگذاشتند درست ما درس بخوانیم. فشارها، اختناق ها در آن زمان، در این زمان هر کدام به یک شکلی. جوان های ما را برایشان مراکز فحشا تهیه کردند و تشویق کردند به این مراکز فحشا. مراکز فحشا را می گویند بیشتر از کتابخانه هست و همین طور هم هست. حالا انشاءالله امیدوارم جلوگیری شده باشد. در هر صورت این صدمه ای که به ایران خورد، از حیث نیروی انسانی بیشتر از آن صدماتی است که از حیث اقتصاد خورد از حیث جهات دیگر اقتصاد زود قابل جبران است اما نیروی انسانی سال طولانی لازم است تا یک انسانی به رشد انسانی برسد.

وظیفه پاسداران، صیانت از اسلام و نفوس خود

من امیدوارم که همان طوری که شما پاسدارهای اسلام هستید، پاسداری از خودتان هم بکنید، پاسداری از نفس خودتان بکنید. نگذارید نفس سرکشی بکند، هرکاری می خواهد بکند، مهار کنید نفس خودتان را که تابع اسلام باشد، هر چه خدا می خواهد عمل بکنید. خداوند به همه شما توفیق عنایت کند. انشاءالله این مملکت به سر و سامان برسد و همه سعادت مند باشید خدا حفظتان کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان و درجه داران پادگان ها و یگان های شهرستان تبریز

تلاش گسترده ریشه های گندیده رژیم سابق

بسم الله الرحمن الرحيم

من قبلا از شما آقایان که تشریف آوردید و از نزدیک با من ملاقات می کنید و مطالبی که شما دارید و من دارم، در میان می گذاریم مثل برادرها، تشکر می کنم و آنچه که به نظرم می رسد در يك همچو موقع حساس، برای همه پادگان خصوصا پادگان های آذربایجان عرض می کنم. موقعیت حساس را همه می دانید که گر چه رژیم رفته است، برگشت هم ندارد و اگر چه دست اجانب کوتاه شده است و انشاءالله آن هم بر نمی گردد، لکن الان در همه قشرها يك اشخاصی که استفاده می بردند، استفاده های نامشروع می بردند، چه در ادارات، چه در ارتش و چه در جاهای دیگر، اینها الان باز در فکر این هستند که یا اگر بتوانند همان جور رژیم را برگردانند که نمی توانند و اگر هم آن را نتوانند، تضعیف کنند این نهضت اسلامی را، چون نهضت اسلامی استفاده غیر مشروع به کسی نمی دهد و استفاده مشروع می دهد و آنها استفاده غیر مشروع می خواهند بکنند. از این جهت الان در همه اقشار از این ریشه های گندیده هست بنابراین حالا که ما تا اینجا رسیدیم، از اینجا به بعد باید بسیار هوشیار باشیم و توجه داشته باشید به اینکه آن توطئه هائی که از داخل و خارج دارد می شود، نگذارید که اینها رشد پیدا بکند و اینها را همین حالا از بین ببرید و آن که به جهت وحدت کلمه اولاً و ایمان ثانیاً یعنی ایمان مقدم بر همه چیز، دنبال او وحدت کلمه، همانطوری که شما ملاحظه کردید که ایمان به خدا و وحدت کلمه این معنا را پیش آورد که ابرقدرت ها را کنار زدید. همه قشرها، چه دولت های اسلامی (الاکمی از آنها) و چه ابرقدرت ها که همه شان پشتیبان محمد رضا بودند، همه بودند، به من پیغام ها می دادند خصوصا از آمریکا و می خواستند که او باشد چنانچه خودش هم وسائلی ایجاد کرد که باشد و هر چه قدرت است دست ماها باشد و ایشان سلطنت بکنند (و من می دانستم دروغ می گوید) معذک این قدرت ها نتوانستند نگه دارند او را برای اینکه در مردم يك ایمانی پیدا شده بود که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند. يك ملتی که شهادت را برای خودش فوز می داند و می رود دنبال شهادت، این را نمی شود با توپ و تانک جوابش را داد، چنانچه نشد.

الان يك سستی مشاهده می شود که پیدا شده است و این سستی در اثر این است که خودشان را پیروز دانسته اند و چون خودشان را پیروز دانسته اند از این جهت يك قدری سست شده اند، و توجه به

جهات شخصی شروع شده ، خانه ندارم ، حقوقم کم است ، درجه می خواهم از این حرف هائی که آنوقت انقلاب رو به جلو رفتن بود این حرف هیچ نبود ، حالا که رسیده است به يك حدی که يك شکستی به طرف داده است ، قهرا در هر انقلابی اینطور است که بعد از اینکه طرف را شکست دادند و به پیروزی رسیدند باز بر می گردند به حالات خودشان و حالات اولیه و چیزهائی که احتیاج دارند مورد نظرشان می شود خانه ندارم و حقوق ندارم و من فرضا مریض هستم و این حرف ها پیش می آید . الان ما در نصفه راه واقع هستیم ، ما راه را به آخر نرسانده ایم . رای دادیم به جمهوری اسلامی ، الان هم رسماً جمهوری اسلامی است ایران شناختند همه ممالک هم شناخته اند ایران را به جمهوریت اسلامی ، لکن ما محتوای جمهوری اسلامی را می خواهیم . زحمت ما ، آنکه ملت ماداد ، زحمت های چیزهائی که تحمل کرد ، برای این بود که اسلام تحقق پیدا بکند . جمهوری اسلامی لفظی ما نمی خواهیم که ، يك جمهوری اسلامی که فقط به آن راءى بدهیم و خودش را کار نداشته باشیم . ما باید اسلام را به همان طوری که در صدر اسلام بود ، آرزوی ما این است که اسلام را آنطور که در صدر اسلام بود پیاده کنیم ، آنطوری که در زمان خود رسول الله بود پیاده بکنیم و این محتاج به جدیت تام است در همه اقشار . الان يك مسؤولیت بزرگی به دوش همه ما هست . من که يك طلبه هستم و در قم هستم و شما آقایانی که در مراکز حساس هستید ، مسؤولیت دارید ، یعنی به جائی رسیده است که اگر چنانچه ما سستی بکنیم ، ممکن است آن ریشه ها تقویت بشوند ، رشد پیدا بکنند ، به هم متصل بشوند و غائله بار بیاورند . اگر نتوانند هم توفیق پیروزی پیدا بکنند ، لکن غائله می توانند ایجاد کنند که زحمت برای مملکت ما ایجاد کنند و ما اگر چنانچه سستی بکنیم ، ممکن است که آنها روابطشان را با هم درست بکنند و لااقل برای ما ، برای شما زحمت ایجاد بکنند .

وظائف خطیر ارتش اسلام در رابطه با خدا و خلق

الان ما باید هر کدام وظائف خودمان را انجام بدهیم ، من که يك نفر طلبه هستم ، وظیفه طلبگی خودم را و شماها که در ارتش هستید وظیفه ارتشی خودتان را . من برای شما عرض بکنم ارتش های صدر اسلام وضعش این بوده رئیس ارتش ، امام جماعت بود یعنی انتخاب که می شد این رئیس ارتش که برود کجا ، امام جمعه هم همان انتخاب می شد . مالک اشتر را وقتی می فرستادندش کجا ، همان مالک اشتر رئیس ارتش بوده و استاندار فلان جا هم بوده است و امام جماعت و امام جمعه هم بوده است برای اینکه وضع ارتش در اسلام با وضع ارتش در ، سایر رژیم فرق داشته است شما ببینید الان که ما اینجا با هم نشستیم و يك محیط محبت است ، این بهتر است یا يك محیط رعب که وقتی یکی از شما وارد می شود ما بترسیم ؟ در روح خود شما ، این محیطی که محیط دوستی و محبت است در روح شما آرامش بیشتر ایجاد می کند یا اینکه وقتی وارد بشوید و مردم از شما فرار کنند؟ ارتش باید وقتی ارتش اسلامی شد ، رئیس ارتشش جوری باشد که دیگران به او اقتدا بکنند ، افراد ارتش طوری باشند که مردم وقتی که وارد شدند در يك جلسه ای ، مردم از آنها استقبال بکنند گل سرشان بریزند . چنانچه

در این آخر شدید، این بهتر بود که گل بریزند سر ارتش، یا از آنها فرار بکنند؟ برای خودتان، برای خودمان، برای همه. این طاغوت ها که محیط رعب ایجاد می کنند برای این است که خائن هستند، می ترسند از مردم، چون می ترسند از مردم يك محیط رعب ایجاد می کنند که مبادا مردم احقاق حق بخواهند بکنند، لکن ارتش اسلامی از باب اینکه خیانت نکرده به مردم، عدالت کرده است، خدمت کرده است، برای خدمت آمده است، چون برای خدمت آمده است، خیانت هم نکرده هیچ خوفی از مردم ندارند مردم هم از آنها خوف ندارند. در عین حالی که مردم پشتیبان اینها هستند، از آنها خوف ندارند. مثل پشتیبانی يك برادر از برادر است. اگر چنانچه ملت پشتیبان شما باشد بهتر است یا اینکه ملت پشت بکند به شما و شما تنها بمانید و بخواهید هی با تانک و توپ و سرنیزه و خونریزی کار انجام بدهید؟ اگر این آدم که هنوز سی و چند سال حکومت کرد بر اینجا اگر دست يك دستی به ملت دراز کرده بود قبل از اینکه وقت گذشته باشد (این آخر دستش را دراز کرد لکن این دست غلط بود) اگر این نصیحت روحانیون را پذیرفته بود و توجه به ملت کرده بود و خدمت کرده بود به ملت، سقوط می کرد؟ ملت پشتیبانش بود، سقوط نمی کرد. همین ملتی که با فریاد مرگ بر شاه قیام کردند اگر آنوقت يك فرض کنید که جبهه ای بر خلاف آن می شد همان وقت مردم با زنده باد شاه می آمدند جلو. من این معنا را به او تذکر دادم که من یادم هست که وقتی که متفقین از اطراف ریختند به ایران و ایران را قبضه کردند و مردم بر همه چیزشان می ترسیدند لکن وقتی که اطلاع رسید که رضاخان را فرستادند و فرار کردند، مردم شادی می کردند. من به این پیغام دادم کاری نکن که وقتی تو بروی مردم شادی بکنند و این نشنید و وقتی که رفت دیدید که مردم چه کردند، چقدر شادی کردند.

آقا کاری باید بکنید که محبت مردم را جلب کنید. این، هم رضای خدا در آن هست، هم راحتی خودتان در آن هست و هم برای کشورتان مفید است. اگر بنا باشد که ارتش جوری باشد که مردم از آن بترسند و پشت به او بکنند، این برای ارتش، خودش بد است، ارتش باید خدمت به ملت بکند، باید خدمت به کشور بکند همان طوری که در صدر اسلام بوده است که ارتش اسلام مردم از آنها خوفی نداشتند مردم با هم رفیق و برادر بودند. رئیس اول اسلام هم اینطور بود که با مردم معاشرت می کرد مثل معاشرت يك نفر آدم با يك نفر دیگر، مثل دو نفر برادر که اینجا نشسته بودند. پیغمبر اکرم که رئیس اسلام بود در مسجد می آمدند می نشستند و رفقایشان هم اصحابشان هم دورشان می نشستند با هم، جوری بود جلسه که وقتی يك کسی می آمد از خارج، نمی شناخت که اینها کدام یکی پیغمبرند کدام یکی غیر پیغمبر، می پرسید که کدام یکی تان هستید، وضع اینطوری بود، اینطور با جامعه رفتار، اینطور با مردم رفتار می کردند. اینطور نبود که وقتی که وارد می شود هزار تا پرده جلو باشد و بعد هم باید دید کجا بنشینید و سان بدهند و چه، این حرف نبود در کار. از آن طرف اینطور، از آن طرف قدرت اینطور بود که ایران را، آن امپراطوری بزرگ ایران را شکست دادند، آن امپراطوری بزرگ روم را هم شکست دادند، در عین حالی که وضع يك وضع ساده ای بود، بین خودشان به دستور قرآن رحمت بود و بر دیگران شدت. لشکر ما هم باید اینطور باشد، باید اینطور باشد که بین خودشان، یعنی خودشان و

ملت ، ملت را عائله خودشان حساب بکنند ، همانطوری که با فرزند خودشان رفتار ، با برادر خودشان رفتار می کنند ، با مردم هم اینجور باشند . در مقابل وقتی که اجنبی ، غیر مسلمین که حمله ای به شما کردند ، اجنبی خواست حمله بکند ، آنجا شدید محکم ، اینطور نباشد که بین خودتان وقتی ضعف را گیر بیاورید اذیت بکنید و وقتی که يك صدا از يك جا بلند شود فرار کنید . خوب ، ما دیدیم وقتی که متفقین آمدند آن مضمونی که آنوقت می گفتند ، که می گفتند آن یکی که دو نشد اعلامیه چیز است ، لشکر زمان اینها بود که اعلامیه چیز کردند ، اعلامیه شماره يك ، دوم نداشت و سه ساعت از قراری که گفتند مقاومت کردند و فرار کردند . من فراری هایشان را که در خود تهران آنجا صدا در آمده بود در تهران سربازها داشتند فرار می کردند . تمام صاحب منصب ها از تهران فرار کردند ، طرف اصفهان رفتند ، برای چه ؟ برای اینکه اینها نه پایگاه ملی داشتند بین مردم ؟ پایگاه نداشتند . از آن طرف هم قدرت نظامی نداشتند ، قدرت نظامی نداشتند . به رضا خان گفته بودند که (گفته بود چرا به این زودی آخر چرا؟) گفته بودند که این هم ما تعارف داریم می کنیم و الا همان ، همان حمله اول بود . سه ساعت طول نکشید همان حمله اول . آنها از آن طرف آمدند ما از این طرف فرار کردیم برای اینکه قدرت نظامی نبود ترس بود .

قدرت نظامی در مقابل غیر می ایستد تا آنوقتی که کشته بشود شهادت . نظامی اسلام شهادت را برای خودش زندگی می داند کسی که شهادت را زندگی دانست برای خودش ، زندگی ابدی دانست برای خودش ، این در مقابل غیر می ایستد و آخر نفس را می کشد و شهادت طلب می کند اما آن کسی که نظرش به همین زرق و برق و مادیات است و اصلا ایمانی در قلبش نیست ، آن البته از آنجا صدا بلند می شود ، در تهران فرار می کند ، در سر حد بود ، باز نیامده بودند همان سر حد که صدا بلند شد ما شاهد قضیه بودیم در تهران فرار کردند و از اینجا رفتند . شما باید همان دستور قرآن را عمل کنید که بین خودتان ، بین خودتان با سایر ملت روابط دوستی داشته باشید که وقتی شما می آید توی مردم ، مردم شما را بپذیرند ، شما را دوست داشته باشند برای اینکه شما حامی آنها هستید ، آدم حامی خودش را دوست دارد . اما در مقابل غیر ، محکم بایستید و شهادت را برای خودتان فوز بدانید . این سرباز اسلام است و حالا شما سرباز اسلام هستید ، و من امیدوارم که اسماء شما ثبت بشود در دفتر امام زمان (سلام الله علیه) خداوند همه شمارا حفظ کند ، موفق باشید و من امیدوارم که این حرف هائی که در تبریز یا آذربایجان يك اشخاص مفسدی حرف های نامربوط اینجا می زنند ، امیدوارم نباشد این مسائل . من خدمتگزار همه هستم ، خدمتگزار شماها هستم ، خدمتگزار روحانیت هستم .

این مسائل نیست . این مسائل را مفسده جوها و اشخاصی که می خواهند فساد بکنند ، اینها طرح می کنند والا دو تا مسلمان ، دو تا انسان که نمی توانند با هم مخالف باشند . ما نسبت به همه شما و نسبت به همه قشر ملت ، خدمتگزار هستیم و من امیدوارم به این خدمت بتوانیم تا به آخر برویم و همه ما خدمتگزار اسلام باشیم .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

بیانات امام خمینی در جمع عشایر خوزستان

تحت ظلم و فشار بودن تمام اقشار در رژیم شاه

بسم الله الرحمن الرحيم

خوب است که در يك مکان ، برادرهای اهل سنت ما و برادران اهل تشیع حاضرند و هر دو دسته از وضع سابق نگرانند و ظلم هائی که به اینها شده است ذکر می کنند و این مسأله این نیست که فقط شماها تحت فشار و ظلم بودید یا آقایان اعراب تحت فشار و ظلم بودند . این يك ظلم عمومی بود به تمام این کشور ، همه تحت فشار بودند . من اگر نگویم مراکز و خصوص مرکز علمیه قم بیشتر در فشار بود لکن نمی توانم تصدیق کنم که دیگران بیشتر در فشار بودند ، همه بودند . الان هم که با گروه های مختلف از جاهای مختلف مواجه می شویم ، هر گروهی چنین ظلم را در محل خودشان احساس کرده اند ، اعتقادشان این است که همان محل خودشان از همه جا بیشتر تحت ظلم قرار گرفته . شما در محل خودتان احساس کردید ، عینا دیدید که ظلم شده است ، آقایان هم در مناطق خودشان همین معنا را احساس کرده اند ، ما هم در قم احساس کردیم ، اهالی تهران هم در تهران و اهالی هر محلی در همان محل و لهذا چون ما هر کدام ، هر طایفهای شاهد همان وضعی بوده است که پیش خودش بوده است و سایر چیزها را می شنیده ، از این جهت آنی که به عیان دیده ، بیشتر در نظرش جلوه کرده است از آنکه شنیده است ، لکن شما باید بدانید که همه اهالی مملکت ما تحت فشار بوده اند . آنوقت که به اسم کشف حجاب و برای کشاندن ملت به تباهی ، آن سابقه اقدام کرد ، در همین قم شاید از جاهای دیگر بیشتر فشار آوردند ، در تهران همین طور ، در همه جا و آنوقت که پسر او چپاولگری و جنایات را به ارث برد ، همه جا اینطور بود ، در همه جا این فسادها و تباهی ها بود . شاید در تهران بیشتر از جاهای دیگر مراکز فساد بود ، در تهران بیشتر عنایت داشتند که جوان های ما را ، این نیروی بزرگ را نگذارند رشد بکند . این يك مطلبی نبود که يك جا و دو جا باشد ، منتها شما آقایان در محل خودتان که بودید به عیان دیدید که چه کارها کردند . آقایان در محل خودشان به عیان دیدند ، ماها هم در محل خودمان به عیان دیدیم که چه کردند با این ملت .

ایجاد تفرقه میان اقشار توسط ریشه های فاسد

البته ما تا کنون نتوانستیم جمهوری اسلامی را به آن محتوایی که باید داشته باشد ، متحقق کنیم .

ما در بین راه الان هستیم ، ما الان آنقدری که انجام دادیم ، ملت ما انجام داده است این است که دست جنایتکارها را تا يك حدودی قطع کرده است و البته ریشه هائی هم از آنها هست الان و همین ریشه ها هستند که در بین آقایان اعراب می روند و به آنها تزریق می کنند که اینها می خواهند بین عرب و عجم فرق بگذارند ، در بین شما می آیند و می گویند بین برادرهای سنی و شیعه می خواهند فرق بگذارند ، در هر جا يك نغمه‌ای را سر می کنند . در کارخانه ها می روند طور دیگری آنها را از کار باز می دارند ، در میان کشاورزان می روند و به طور دیگری اخلاص لگری می کنند . الان از ریشه های آنها اشخاصی متفرق هست در همه جای ایران و البته از خارج هم الهام می گیرند ، اینها مشغول فساد هستند .

سعی اخلاص لگران جهت عدم تحقق جمهوری اسلامی است

امروز آن چیزی که تکلیف همه ماست ، شما برادرهای اهل سنت ، اینها برادران اهل تشیع ، همه و همه افراد این ملت تکلیف دارند ، این است که الان توجه به این معنا داشته باشند که دست هائی در کار است که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند ، با شیوه مختلف . شیوه های مختلفی الان در کار است و این محتاج به این است که خارجی ها آئی که به آن رسیده اند این است که اسلام که جلو منافع آنها را می گیرد . اگر اسلام تحقق پیدا بکند و مملکت يك مملکت اسلامی باشد ، دست آنها دیگر تا آخر کوتاه است فلهدا الان که همه راءى دادید به جمهوری اسلامی و همه وفاداری خودتان را اعلان می کنید و در این وفاداری طبیعی است که يك امر اسلامی را می خواهید و همه ما اسلام را می خواهیم ، الان اینها در صدد این هستند که بین مسلمین تفرقه بیندازند و يك برنامه هائی ، يك پیشنهادهاى بکنند ، همه این پیشنهادها یا بیشترش برای این است که نگذارند جمهوری اسلامی به آنطور که اسلام می خواهد تحقق پیدا بکند .

بسط اختلافات جزئی ، راهی برای بازگشت اجانب

الان بر همه ماست که دست از اختلافات جزئی و شخصی و این چیزها برداریم ، دست از آن چیزهائی که امور شخصی است ، همه اهل این مملکت در زمان سابق به واسطه فشارهائی که سابق آوردند ، اکثر اهل این مملکت ناراضی بودند و تحت فشار بودند و این ناراضی ها از سابق هستند . جمهوری اسلامی هیچ ناراضی درستی نکرده است . این وارث يك عده ای است ، يك عدد کثیری از ناراضی هاست . الان باید فکر این معنا باشیم که جمهوری اسلامی آمده است برای این معنا که اصلاح کند امور را ، آمده ترمیم کند آن خرابی ها را و باید همه کمک کنیم به این جمهوری اسلامی که نگذاریم اینهائی که می خواهند اخلاص بکنند به نتیجه برسند . اگر خدای نخواست این اخلاص لگرها بتوانند يك کاری انجام بدهند و ما نتوانیم جلو آنها را بگیریم و آنها رو به رشد بروند ، اگر به واسطه اختلافات که در بین مان ایجاد بشود رو به ضعف برویم ، خوف این است که دوباره يك مسائلی شبیه به آن مسائل سابق پیش بیاید یا بدتر از آن . بنابراین الان همه ما موظفیم که از آن چیزهائی که مربوط به شخصیات

خودمان است يك قدری صرفنظر بکنیم ، يك قدری صبر بکنیم . شمائی که پنجاه و چند سال در زیر ظلم صبر کردید ، یعنی نتوانستید حرف بزنید ، حالا یکی دو سال هم صبر کنید ، تامل کنید . کمک کنید به نهضت ، کمک کنید و نگذارید که این اشخاص مفسد بیایند و فساد بکنند بین شما ، بیایند و يك چیزی بگویند که بخواهند بین شما جدائی بیندازند ، بین آقایان بروند جور دیگری صحبت کند و نگذارند که با هم دوست باشند ، همه با هم برادر باشیم و همه دوستیم ، همه مسلمانیم ، همه اهل يك ملت هستیم ، همه با هم دست به هم بدهیم تا اینکه انشاءالله این آشفتگی ها رفع بشود و شما بدانید که اگر چنانچه اسلام تحقق پیدا بکند ، همان معانی که در صدر اسلام بود و همان برابری که در صدر اسلام بود ، همان قطع ایادی ظلمه در آنوقت بود ، انشاءالله تحقق پیدا می کند . من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه آقایان را می خواهم و امیدوارم که این ملت به سعادت و سلامت بتواند این راه را طی بکند . انشاءالله موفق باشید .

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران

اعمال ضد مردمی عمال اجانب در لباس طرفداری از توده ها

بسم الله الرحمن الرحيم

این گروه ها که در دانشگاه و در رسانه ها و در سطح کشاورزی و در سایر جاها مشغول سمپاشی هستند و با اسم ملت دوستی و ملت خواهی و به اصطلاح خودشان کمونیست مشغول فعالیت هستند، من گمانم این است که آمریکائی هستند. آمریکائی ها در هر جایك چیزی درست می کنند و در این ممالک اسلامی، صورت کمونیست و شبیه مارکسیست درست می کنند. دست آنها پشت سر اینهاست به حسب گمان من. باید از این آقایان که طرفدار توده ها هستند، پرسید که حساب کنند این طرفداریشان را. ما حسابش را می کنیم. فراندم با مصالح توده مخالفت داشت؟ بر خلاف مصلحت مردم بود؟ رژیم شاهنشاهی برود و يك رژیم انسانی اسلامی بیاید، این خلاف مصلحت توده بوده؟ اگر خلاف مصلحت توده بود، شما پس شاهنشاهی را می خواهید، پس شما کمونیست نیستید، شما آمریکائی هستید که رژیم طرفدار آمریکا را می خواهید. و اگر چنانچه بر خلاف مصلحت ملت نیست (چنانچه نیست، همه می دانند که نیست) چرامخالفت کردید؟ چرا صندوق ها را سوزانید؟ چرا مسلحانه از بعضی جاها جلوگیری کردید؟ چرا تحریم کردید؟

شمائی که طرفدار توده ها هستید، خوب توده ها هر چه می خواهند شما باید با آنها باشید. توده های ایران فراندم را نمی خواستند؟ صد و نود و نه تقریباً رفتند راءى بدهند با آن اشتیاق؟ با آن وضع که همه می دانیم؟ حتی مریض ها، معلول ها رفتند و در بعضی جاها بعد از اینکه راءى را در صندوق ها انداختند، همان جافوت شدند. به من این مطلب رسیده، اینهایی که وقت راءى دادنشان نبود مثل بچه های کمتر از سن راءى دادن، اظهار ناراحتی می کردند، يك عده شان اینجا جمع شدند من برایشان صحبت کردم، دلداری دادم به آنها. خوب، يك همچو چیزی که همه ملت می خواهد، چطور شد که این آقایانی که طرفدار ملت هستند مخالفت کردند؟

کشاورزی مخالف با مصالح مملکت ما و ملت ماست؟ اگر کشاورزی نشود، نفعش به جیب کی می رود؟ باید این را حساب بکنیم تا آقایان معلوم بشود چکاره اند. آنوقت که کشاورزان می خواستند تخم افشانی بکنند، اینها می رفتند مانع می شدند از آن، بعد که این را موفق نشدند و حالا می خواهند درو بکنند، می روند مانع می شوند. اگر کشاورزی ما محصول نداشته باشیم، آیا خلاف مصلحت ملت است؟

یا مصلحت ملت است؟ مصلحت ملت ما، توده های ما این است که کشاورزی ما راه نیفتد و ما همه چیزمان محتاج به آمریکا باشد؟ این خدمت، خدمت به آمریکاست، یا به شوروی؟ به آمریکاست. اینها یا می گویند ما شوروی هستیم و کمونیست چین هستیم یا اینکه آنطور که ما می گوئیم آمریکائی هستند. همه می دانند که اگر کشاورزی ما یعنی همین کاری که شاه کرد و همین خیانتی که شاه کرد به اسم اصلاحات ارضی، کشاورزی ما را به زمین زد و آمریکا نفعش را برد، یک مقدارش آمریکا و یک مقدارش هم صهیونیسم، اینها اگر چنانچه توده ای هستند به اصطلاح خودشان، کمونیست هستند، مارکسیست هستند واقعا، دلسوز برای این ملت هستند (آن هم نیستند، آن هم دروغ می گویند، اما حالا ما فرض می کنیم) اگر چنانچه اینها برای ملت دلشان سوخته و می خواهند خدمت کنند به ملت، خدمت به ملت این است که ما محتاج باشیم که گندم و جو و برنج و عدس و همه چیزمان از آمریکا بیاید؟! آمریکا این چیزها چون زیاد است در آنجا می سوزاند، به دریا می ریزد، زیاد است. اصلاحات ارضی را پیش آوردند که کشاورزی را به زمین بزنند. من همان وقت هم، دکتر امینی آنوقت نخست وزیر بود، گاهی کسی را می فرستاد پیش من، من همان وقت به او پیغام دادم که تو خودت اهل کشاورزی هستی، خودت ملاک هستی، تو می دانی که اگر چنانچه این اوضاع به هم بخورد اداره نمی توانند بکنند، این برای اداره کردن نیست. خوب حالا- ما از این آقایان که دور می گردند و کشاورزی را می خواهند نگذارند که به جریان بیفتد، می پرسیم که خوب به جریان که نیفتاد، نفعش تو جیب کی می رود؟ همه می دانیم که به جیب آمریکا، پس شما از عمال آمریکا هستید، اگر از عمال آمریکا نباشید، باید بگوئید که کشاورزی باید چیز بشود که نفعی توی جیب آمریکا نرود.

خوب می آئیم سراغ کارخانه ها. به نفع ملت است که این کارخانه ها راه بیفتد و جریان پیدا بکند، یا به ضرر ملت است؟ به نفع مملکت ماست که کارخانه هایش به کار بیفتد یا ما باید در این محصول کارخانه ها هم دستمان را پیش دیگران دراز کنیم نفعش باز ببرند اکثرشان؟ پس شما عمال دیگران هستید.

می آئیم سراغ دانشگاه. آیا به نفع دانشگاه هست که جوان های ما تحصیل نکنند؟ هر روز توی دانشگاه ببیند یک بساطی درست کنند، یک میتینگی درست کنند، یک _ عرض کنم _ اغتشاشی ایجاد کنند که جوان های ما درس نخوانند؟ این به نفع کیست؟ به نفع مملکت ماست این؟ ما اگر دانشگاهی مان خوب باشد، دانشگاهی مان صحیح عمل بکند، به نفع ملت است یا به ضرر ملت؟ خوب شما نمی گذارید که دانشگاه راه بیفتد، این به نفع کی تمام می شود؟ این هم به نفع خارج تمام می شود، برای اینکه همانطوری که آن دست ها نمی گذاشت که دانشگاه جریان صحیحش را پیدا بکند که ما در این مطالب هم محتاج بشویم به خارج، دستمان را پیش غیر دراز کنیم، اینها هم دارند همین کار را انجام می دهند که ما در همه چیزمان محتاج به خارج باشیم. حالائی که یک مملکتی ما پیدا کردیم و دست دیگران را کوتاه کردیم، الان نفت را برای خود ما می خواهند استخراج کنند، خوب شما می روید نمی گذارید که نفت هم استخراج کنند، این به نفع کیست؟ ما هر یک از کارهای اینها را وقتی بنشینیم

حساب بکنیم ، آنها به نفع آمریکا بیشترش می شود . پس بنابراین شما به اسم کمونیست ، به اسم مارکسیست ، به اسم توده ، برای آمریکا کار می کنید . آدم های غیر عاقلی نیستید که بیخودی برای آمریکا کار کنید ، نخیر آدم های عاقلی هستید جیتان را آنها پر می کنند . کی به شما پول می دهد که بروید جلوی کارخانه ها بایستید و بگوئید تعطیل کنید ما بیشتر از آنها به شما پول می دهیم ؟ این پول ها از کجا می آید که می روید دم کارخانه ها می ایستید و به کارگرها می گوئید که ما بیشتر پول به شما می دهیم ، شما کار نکن ما مزدتان را می دهیم . این پول از کجا برای شما می آید؟ شما که از خودتان که چیزی ندارید بدهید ، بی چیزید ، شما اگر چیزدار بودید که این کارها را نمی کردید . این پول ها را کی به شما می دهد که نگذارید کارخانه ها به راه بیفتند؟ اگر روس ها می دهند ، پس شما تابع او هستید ، پس شما عمال اجنبی هستید ، اگر انگلیس ها می دهند همین طور ، و به گمان من آمریکائی می دهند . پس شما در این جهت هم که می روید پول می دهید که کارگر کار نکند و خودتان هم که پول ندارید ، این پول ها از خارج می آید ، وقتی که از خارج آمد ، خوب شما این سرحدات ما که می خواهیم جلوی اجنبی را بگیریم ، می خواهیم مملکت مان يك مملکت باشد ، می خواهیم مستقل باشد ، می خواهیم تجزیه نشود ، چطور رفتید افتادید اطراف مملکت و با هر بساطی که می توانید ، می خواهید تجزیه را درست کنید؟ شما خدمتگزار این مملکت هستید؟ اگر خدمتگزارید چطور تجزیه می خواهید بکنید يك مملکتی را؟ این تجزیه به نفع کیست ؟ به نفع ایران است ؟ به نفع ملت ماست ؟ یا آن هم به نفع دیگران است ؟ شما هر جای قضیه را بگیرید ، مشت اینها باز است . باید این را به آنها گفت ، باید نوشت ، باید تبلیغ کرد .

نشینید تا خائنین دانشگاه را قبضه کنند

آقا شما نشسته اید که چهار تا کمونیستی بیایند در دانشگاه و قبضه کنند دانشگاه را؟ شما مگر کمتر از آنها هستید؟ عدد شما بیشتر از آنهاست ، حجت شما بالاتر از آنهاست . شما این مسائل را که بگوئید ، خیانت اینها را می توانید واضح کنید در آن مکان ، در دانشگاه ، خیانتشان را می توانید واضح بکنید که خودشان بگذارند و بروند . بایستید ، صحبت کنید ، بگوئید آقا خوب بیائید یکی یکی بگوئید بینم شما چکاره هستید که آمده اید توی دانشگاه دارید اخلال می کنید می خواهید چه بکنید؟ می خواهید درس بدهید بر ایمان ؟ شما کار خودتان را اول حساب بکنید که چکاره هستید توی این مملکت . شما از اهل این مملکت هستید یا عمال غیر هستید خودتان را به ما می چسبانید؟ بایستید آقا ، بگوئید .

البته باید اشخاصی هم که گوینده هستند بیایند در دانشگاه و من پیشنهاد می کنم که آقای آقا سید علی آقا بیایند ، خامنه ای . شما ممکن است که بروید پیش ایشان از قول من بگوئید ایشان بیایند به جای آقای مطهری . بسیار خوب است ایشان ، فهیم است ، می تواند صحبت کند ، می تواند حرف بزند . در هر صورت عمده ، فعالیت خود شماهاست .

مرحوم مدرس خدا رحمتش کند ، مردی بود که ملك الشعرا گفته بود از زمان مغول تا حالا مثل

مدرس کسی نیامده، می گفت که بزیند که بروند از شما شکایت کنند، نه بخورید و بروید شکایت کنید. من رفتم پیشش، خدا رحمتش کند، اخوی ما نوشته بود به من که يك نفری است اینجا رئیس غله است، آنوقت يك رئیس غله زمان رضاشاه بود، به من نوشت که بروید به آقای مدرس بگوئید که این مرد آدم فاسدی است، دو تا سگ دارد یکی اش را اسمش سید گذاشته و یکی اش را شیخ، شما بگوئید که این را از اینجا بیرونش کنند. من رفتم به ایشان گفتم، گفت بکشیدش. گفتم آخر چطور بکشیم؟ گفت من می نویسم بکشیدش. گفتم آخر شما اینجا مامور هستید، شما اینجا هستید آنها آنجا نمی توانند. گفت چطور شد که وقتی قافله ها از گلپایگان می آیند عبور کنند و بروند، از کمره می خواهند عبور کنند می فرستید لختشان می کنند، حالا نمی توانید بکشید يك کسی را؟

جلوگیری قاطعانه از اخلاک‌گران مزدور

اینها تودهنی می خواهند آقا. عدد شما زیادتر است، حجت شما بالاتر است، خیانت آنها واضح است. گفتن می خواهد، اجتماع بکنید، بگوئید مطالب را، يك رئیسی، يك معلمی را که می بینید کمونیست است بیرونش کنید از دانشگاه، من نمی گویم حالا جنگ بکنید با آنها، جنگ نمی خواهیم حالا بشود، اگر يك وقتی منتهی به اینها شد که يك روز اینها را بیرونشان می کنیم اما حالا نمی خواهیم يك جنگی بشود، می خواهیم حالا با ملایمت بشود، اما خوب، با صحبت، آنها صحبت می کنند، شما هم صحبت بکنید. شما نشینید یکی دیگر برایتان صحبت بکند. يك روحانی بیاید صحبت کند، خودتان بگوئید، هر کدامتان می توانید، در مقابل آنها بایستید، صحبت کنید، آن می گوید، شما هم بگوئید. آنوقت یکی یکی انگشت بگذارید روی کارهایشان که تو این کاری که می کنی برای چیست؟ تو تابع کی هستی که این کارها را می کنی؟ تو ایرانی هستی و این کار را می کنی یا آمریکائی هستی یا شوروی؟ یا برای آنها کار می کنی یا برای ایران، اگر برای آنها کار می کنی جایش اینجا نیست، برو آنجاها کار کن. تو برای آنها داری کار می کنی، واضح است که منفعتی که به دست می آید از نبود زراعت در ایران، جیب آمریکا می رود، همه می دانند این را.

ما چه چیزهایمان از آمریکا وارد می شود و این بازاری بود که شاه درست کرد و حالا شما تابع او هستید، شما دنبال او هستید، شما می خواهید همان رژیم را پیش بیاورید، نمی خواهید که يك رژیم صحیحی باشد، شما تابع همان هستید، شما می خواهید همان بساط را درست کنید برای ما. ما هم تا حالا زحمت کشیدیم، این ملت اینقدر خون داده است، اینقدر زحمت کشیده است شما آن کنارها نشستید تماشا کردید، مثل بسیاری از این روشنفکرها آن کنار نشستند تماشا کردند.

این جوان های ما از دانشگاهی و از _ عرض می کنم _ که جنوب شهری و از اینها ریختند و کارها را انجام دادند، حالا که کارها را انجام دادند، اینها از آن طرف مرزها راه افتاده اند و آمده اند اینجا و با تذکره های نمی دانم درست یا غیر درست، ایرانی اند اما بیرون بودند اینها بسیارشان، حالا آمده اند اینجا و می خواهند باز اخلاک بکنند، می خواهند باز همان مسائل را ایجاد کنند، نه اینکه اینها

می خواهند که يك رژیمی باشد مثلا فرض کنید که (با اسلام مخالفند) اسلامی نباشد، لکن يك رژيم آزادمنش دموکراتیک به اصطلاح آنها باشد. نخیر، این مسأله اینها نیست، مسأله اینست که اینها می خواهند همان مسائل پیش بیاید، نشد با عنوان شاهنشاهی، يك عنوان دیگر رویش بگذارند، باز قضیه، قضیه آمریکائی باشد لکن با يك صورت دیگری غیر شاهنشاهی، حالا دیگر شاهنشاهی تمام شد. اگر بتوانند او را می آورند، اما حالا نمی توانند می خواهند يك بساط دیگری درست کنند، همان مسائل، همان منافع این ملت رنج دیده باز برود تو جیب آمریکائی ها و باز برود توی جیب نفتخوارهای مفتخوار. اینها عمال آنها هستند برای این کار، دلیلش هم همین ها است که من دارم می گویم و واضح است جواب آنها.

هی (مکتب، مکتب) کدام مکتب، مکتب مارکسیسم؟ این شکست خورده در دنیا، حالا گیر این بچه ها افتاده. اگر راست بگویند، لکن درست نمی گویند. قضیه، قضیه مکتب نیست، قضیه، قضیه منافع است، منافع را می خواهند ببرند، آنها بهتر به آنها منفعت می رسانند، تابع آنها هستند والا خوب يك مملکتی که که می خواهد، ادعایش اینست که ما می خواهیم دست همه (خوب، بنابر همین است) ما می خواهیم دست همه اجانب بریده بشود از این مملکت، این به نفع ملت ماست یا به ضرر؟ اگر به نفع ملت ماست و شما ملی هستید، شما هم دلسوز هستید برای این مملکت، تودهای هستید، خوب شما کمک کنید، ما می خواهیم قطع بشود دست اجنبی ها (وقطع شد الحمد لله) حالا، شما کمک کنید که دوباره برنگردد، نه اخلال کنید که دوباره برگردند آن مسائل. کمک به این است که بروید کارخانه ها را کاری کنید راه بیفتد، کارگرهای نفت را کاری کنید که کارهایشان را انجام بدهند، حالا که نفت منافعش برای خود شما هست، راه بیفتد اینها، کشاورزها را بروید تشویق کنید که کار بکنند، دانشگاه را تشویق کنید که راه بیفتد. شما همه جا اخلال می کنید پس شما يك مردم اخلالگر هستید، نه يك مردم مثلا دانشمندی که می خواهید به ما چیز یاد بدهید، شما می خواهید اخلال بکنید. و باید جلوییشان را بگیرید، مسائل را به آنها بگوئید، در دانشگاه بنویسید، منتشر کنید. کسانی که برخلاف این هستند بروید یکی یکی پیش آنها، بروید بگوئید شما این کاره هستید، شما چه می گوئید باز به ما؟ پس چطور می خواهید يك دانشگاهی را در دست بگیرید در صورتی که اخلالگر هستید؟ يك اخلالگر دزد که نمی تواند دانشگاه را اداره کند.

تکیه بر اصلاح دانشگاه از طریق سخنرانی و روشنگری

ما اگر دانشگاهمان اداره نشود، کارمان زار است. دانشگاه، تمام مسائل به دست دانشگاه است، یعنی این دو تا قطب دانشگاه و روحانی همه مقدرات مملکت تو مشتمل اینهاست. دانشگاهی، دانشجو چه دانشجوی قدیمی و چه دانشجوی جدید، همه مسائل توی دست اینها باید حل بشود، اینها قوه متفکره ملت هستند. اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست ما برود، همه چیزمان از دستمان رفته است.

يك مسأله ایست که نباید شما بنشینید که من عمل بکنم و نه من هم باید بنشینم که شما تنها. ما هر دو باید دست به دست هم بدهیم، آنقدری که من می توانم من انجام بدهم و آنقدری که شما می توانید، شما انجام بدهید. جوان هستید، در مقابلشان بایستید، صحبت کنید، حرف بزنید، اشخاصی که می توانند در اینجا بیایند حرف بزنند، بروید پیدایشان کنید بردارید بروید دعوتشان کنید به دانشگاه، نشینید که من تعیین کنم، البته من آسید علی آقا را صالح می دانم برای این کار، لکن نشینید که من دعوت کنم. لازم نیست که یکی باشد، هر چند روز يك دفعه يك نفر، اجتماع کنید در همان دانشگاه و يك نفر از همین آقایانی که صحبت می توانند بکنند، حرف می توانند بزنند، بیاورید دانشگاه صحبت بکنند برایشان. حاضر به صحبت هم اینقدرها نیستند اینها، فقط اخلال می خواهند بکنند. در هر صورت من امیدوارم که مایوس نباشید و با قدرت جلو بروید و با قدرت دانشگاه را خودتان اصلاح کنید، هر معلمی که می بینید انحراف دارد بروید با او صحبت کنید، دعوا نکنید صحبت کنید بگوئید شماها این کاره هستید و این کاره نمی تواند در دانشگاه بیاید و رئیس دانشگاه یا استاد دانشگاه بشود، نمی شود. و البته اگر مسائلی باشد که من هم از دستم برآید که خدمت بکنم، من خدمتگزارم و می کنم و اگر چنانچه اینهایی که گفتید، باید به جایی رجوع بشود، بنویسید روی ورقه ای، بدهید اینجا تا من با آنها صحبت کنم تا درست بشود.

در اینجا امام در پاسخ سوالی که از طرح جهاد برای روستاها شده بود، چنین جواب فرمودند: بله، این مورد تأیید است، لکن به طور مفید. من گفتم به آقایانی که آمدند پیش من راجع به این معنی، گفتم که این مورد تأیید است، صحیح است این کار لکن باید اینطور نباشد که هر کس می خواهد برود در دهات و به اسم اینکه از طرف دولت آمده و هر کاری بکند، نباشد. باید به نظر معتمدین، اشخاصی که می شناسند آن اشخاص را، انتخاب بشود که گروه هائی که می روند در ده و اینها اگر که يك وقت گروه منحرف باشد، دهات را منحرف می کنند. این باید انتخاب بشوند از اشخاصی که متعهدند، از اشخاصی که صحیح اند. و البته يك خدمتی است به جامعه، این چیز خوبی است برای مملکت ما.

و نیز امام در پاسخ سوال دیگر در مورد بعضی گروه ها، چنین بیان داشتند: بله، اینها مصیبت شان بدتر از آنهاست. يك وقت اینست که يك کسی می آید تکلیفش معلوم است. آنوقت که ما بچه بودیم، در خمین می گفتند امیر مفتحم (آنوقت از بختیاری ها بود آنجا رئیس بود در آنجاها) گفته بود که من سردار حشمت (این یکی از خوانین آنجا بود، یکی از شاهزاده ها بود) این تکلیفش معلوم است، دشمنی اش معلوم و دوستی اش هم معلوم، اما فلان آدم، گفته بود امان از این آدم که با ظاهر دوست است لکن کمر آدم را می شکنند.

خطر دشمنان به ظاهر دوست و لزوم احتراز از آنان

این ظاهر دوست ها کارش مشکل تر از آن غیر دوست هاست. آنها تکلیفشان معلوم است ما می دانیم چه بکنیم. اگر يك همچو، حالا من نمی گویم که کی اینطور است، من آنها را الان درست

نمی توانم بگویم ، اما اینهایی که سر خود هر چه دلشان می خواهد گردن قرآن می گذارند ، اینها کارشان مشکلتر از آنهاست _ هر کی دلش هر طوری _ اینکه در صدر اسلام این کلمه مکرر وارد شده است که اگر کسی قرآن را به راعی خودش تفسیر کند (فلیتبوء مقعدہ من النار) این جایش در آتش است ، این پیش بینی يك همچو مطالبی است که يك وقتی هر کسی به راعی خودش يك چیزی درست می کند ، بر خلاف آنکه می گوید قرآن ، می خواهند درست کنند . اینها کارشان يك قدری مشکلتر است برای اینکه _ از _ تشبث به قرآن می کنند

من نجف که بودم ، يك نفر از همین افراد آمد (قبل از این بود که آن منافقین پیدا بشوند آمد) پیش من ، شاید بیست روز ، بعضی ها می گفتند بیست و چهار روز ، مدتی بود پیش من ، هر روز می آمد آنجا قدری به نظرم آمد که این وسیله است ، نهج البلاغه و قرآن وسیله برای مطلب دیگری است و شاید ، باید یادم بیاورم آن مطلبی که مرحوم آسید عبدالمجید همدانی به آن یهودی گفته بود . يك یهودی می گویند در همدان مسلمان شده بود بعد خیلی به آداب اسلام پایبند شده بود ، خیلی زیاد ، این موجب سوءظن مرحوم آسید عبدالمجید که یکی از علمای همدان بود شده بود که این قضیه چیست . يك وقت خواسته بودش ، گفته بود که تو مرا می شناسی ؟ گفت بله . گفت : من کیم ؟ گفت : شما آقای آسید عبدالمجید . گفت من از اولاد پیغمبرم گفت بله . تو کی ؟ من يك یهودی بودم و پدرانم یهودی بودند و تازه مسلمان شده ام . گفته بود نکته اینکه تو تازه مسلمان که همه پدرانت هم یهودی بودند و من همه سید و اولاد پیغمبر و ملا و این چیزها و تراز من بیشتر مقدسی ، این نکته این چیست ؟ من شنیدم که از آنجا گذاشت و رفت معلوم شد حقه زده و يك قضیه ای بوده ، می خواسته با صورت اسلامی کارش را بکند . در یهودی ها این کارها هست . من به نظرم آمد که این قضیه ، اینقدر نهج البلاغه و خوب ، من هم يك طلبه هستم من اینقدر نهج البلاغه خوان و قرآن و اینها نبودم که ایشان بود ، ده ، بیست روز من گوش کردم به حرف هایش ، جواب به او ندادم ، همه اش گوش کردم و آمده بود که تأیید بگیرد از من ، من هم گوش کردم و يك کلمه هم جواب ندادم فقط اینکه گفت که ما می خواهیم که قیام مسلحانه بکنیم ، من گفتم نه ، قیام مسلحانه حالا وقتش نیست و شما نیروی خودتان را از دست می دهید و کاری هم ازتان نمی آید . دیگر بیش از این من به او چیزی نگفتم . او می خواست من تأییدش بکنم . بعد هم معلوم شد که مساءله همانطورها بوده . بعد هم که آقایان آمدند ، از ایران هم برای آنها اشخاصی سفارش کرده بودند که اینها را تأیید کنید ، اینها مردم کذائی هستند ، فلان ، معذک من باور نکردم . حتی از آقایان خیلی محترم این تهران چیز کرده بودند که اینها مردم چطور هستند و من باورم نیامده بود . اینهایی که اینقدر از قرآن و از نهج البلاغه و از دیانت زیاد دم می زنند و بعد جملات قرآن را يك جور دیگری غیر از آنچه باید معنا می کنند و جملات نهج البلاغه را يك جوری دیگر غیر از آنچه که باید معنا می کنند ، اینها را نمی توانیم ما خیلی رویشان اطمینان داشته باشیم .

این بعضی های عراق همین فقرات نهج البلاغه را که امثال اینها استشهاد می کنند ، آنها هم در

چیزها می نویسند در پلاکاردشان می نویسند و منتشر می کنند همین ، همین فقرات نهج البلاغه را . این بعضی هائی که اصلا کاری به این مسائل ندارند ، اینها را می نویسند و به دیوارهای نجف و به خیابان های نجف منتشر می کنند . به اینها ما نمی توانیم ، من نمی گویم چه جورند ، ممکن هم هست که یکنفرشان صادق باشد یا شاید اشتباه داشته باشد ، لکن ما نمی توانیم به آنها اعتماد کنیم ، به آنها نمی شود اعتماد کرد .

سپس یکی از دانشجویان سوال کرد: در مقابل ، موضع ما چگونه باید باشد؟

امام در جواب فرمودند: موضع شما همین است که با آنها خیلی دوستانه نباشید ، البته نباید طردشان کرد ، نباید درگیری با آنها کرد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 108

بیانات امام خمینی در جمع پزشکان، کارکنان و گروهی از مجروحین بیمارستان شفایحیائیان

همه جان ها فدای اسلام عزیز و احیاء آن

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم چطور اظهار تأثر کنم در اینطور مصیبت ها که به ما وارد شده است . نمی دانم با شما برادران خودم و فرزندان خودم چطور مواجه باشم و چطور بینم من سالم نشسته ام و شما مجروح و رنجیده هستید .

آنچه که مایه دلخوشی است این است که این امور برای اسلام واقع شده است و برای خدا بوده است ، آنچه که برای خداست پیش خدا محفوظ است . شما سلامتی خودتان را از دست دادید برای اسلام ، چنانچه اولیاء خدا جان خودشان را برای اسلام دادند . اسلام عزیزتر از آن است که ما تصور می کنیم . اسلام آن است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) برای آن چه زحمت ها کشید و چه مصیبت ها کشید و چه جوان ها داد و چه اشخاص برومند را فدا کرد . اسلام همچو عزیز است که فرزندان پیغمبر جان خودشان را فدای اسلام کردند . حضرت سید الشهدا (سلام الله علیه) با آن جوان ها ، با آن اصحاب برای اسلام جنگیدند و جان دادند و اسلام را احیاء کردند . شما زحمت کشیدید ، شما رنج بردید . جوان های ما فدا شدند و اسلام را در این وقت که می رفت رو به تباهی برود زنده کردید . خداوند شما را اجر عنایت کند که اسلام در این زمان به خاطر کوشش شما تجدید شد اگر نبود این کوشش های جوان های ما و اقشار ملت ، می رفت که اسلام را دست جنایتکاران از بین ببرد . شما قیام کردید ، فداکاری کردید و اسلام را زنده کردید و خداوند به شما زندگی ابدی خواهد داد . من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت و توفیق شما را خواهانم و تشکر می کنم از شما و از کسانی که به شما خدمت می کنند ، چه پزشکان و چه اشخاص دیگر . من هم یکی از خدمتگزاران شما هستم و یکی از دعاگویان شما . خداوند انشاءالله شما را شفا بدهد رحمت خودش را بر همه ما و بر همه ملت ایثار فرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی به آیت الله محمد باقر صدر

حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد باقر صدر دامت برکاته نجف اشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشامدهای اخیر یکی پس از دیگری موجب تأسف است . انتظار آن نبود که به جنابعالی شخصیت علمی و اسلامی چنین رفتار شود ، چنانچه انتظار نبود ، و نیست که مأمورین دولت عراق در سرحدات رفتاری کنند که مخالف حسن همجواری است . ملت ایران که با نهضت اسلامی خود امید دارد دست اجانب را از جمیع ممالک اسلامی کوتاه کند و استقلال را به آنها برگرداند ، همچنین انتظار دارد که همان نحو که ملت ها با نهضت عظیم اسلامی ایران موافق و پشتیبان آن هستند ، دولت ها نیز پشتیبان آن باشند . حوزه علمیه نجف اشرف که در خدمت اسلام و مسلمین است ، در طول تاریخ حافظ استقلال عراق بلکه سایر کشورهای اسلامی بوده است ، انتظار ندارد که مورد اهانت واقع شود و یکی از شاخص ترین بزرگان آن مورد تهاجم واقع شود .

من به دولت عراق نصیحت می کنم که این دژ محکم را که حافظ کیان مصالح کشور است حفظ کند ، این نصیحتی بود که من در دوران گذشته به شاه مخلوع و دولت ایران کردم . از خداوند تعالی عظمت اسلام و استقلال کشورهای اسلامی را خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع کارمندان بانک مرکزی ایران

این مملکت در طول پنجاه و چند سال با اسم تمدن رو به تباهی رفته است

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایانی که در بانک ها هستید بهتر می دانید که این رژیم سابق با بانک چه کرده است و بانک ها نسبت به این ملت چه کرده اند و همین طور می دانید که با کارخانه ها و کشاورزان چه کرده اند . شما ببینید اینها با دانشگاه چه کرده اند . ما به طور اجمال این را می دانیم که این مملکت در این پنجاه و چند سال رو به تباهی رفته است ، به اسم تمدن بزرگ این مملکت را خراب کرده اند ، لکن هر قشر ما آنچه را که لمس کرده است فقط به محل کار خودش مربوط می شود . الان ما مواجه هستیم با دستجات مختلفی که از اطراف ایران پیش من می آیند ، هر دسته ای که می آید می گوید که هیچ جا خرابتر از جای ما نیست . مثلاً از بختیاری می آیند و می گویند که هیچ جا بدتر از بختیاری نیست و بختیاری ها هیچ ندارند . از بلوچ می آیند همین حرف را می زنند و آنها هم می گویند هیچ جا بدتر از جای ما نیست . از کردستان می آیند همین مطلب را می گویند و از هر جای دیگر همین حرف است و من می بینم که همه صحیح می گویند ، لکن اینکه می گویند هیچ جا بدتر از ما نیست ، این برای این است که آنها را دیده اند و جاهای دیگر را نشنیده اند . آن کس که در بختیاری مانده ، دیده است که در بختیاری چه گذشته اما شنیده که در جاهای دیگر هم ظلم و ستم بوده اما آنها را ندیده ، از این جهت محل خودش را از همه جا بدتر می داند . اینها همه درست می گویند برای اینکه همه جا خراب است ، اصلاً برنامه این بوده است که خرابی بکنند . کشاورزی را با اسم اصلاحات ارضی بکلی از بین ببرند و بازار درست کنند برای آمریکائی ، برای آمریکائی که گندم هایش زیاد است . آمریکا می خواهد که ایران با سایر کشورهایی که تحت نفوذ است کشاورزی به هم بخورد تا محتاج به او شوند چنانچه ما الان محتاج هستیم همه چیزمان از خارج باید بیاید ، دامداری را از بین نبردند تا اینکه در گوشت محتاج به خارج باشیم و همین طور در این پنجاه سال همه چیزمان را با اسم های بسیار فریبنده و اغفال کننده خراب کرده اند و از بین بردند . منتها شما خرابی های بانک را بهتر مطلع هستید ، کشاورز ، خرابی کشاورزی را بهتر از شما می داند و هر قشری خرابی محل خودشان را بهتر احساس می کنند .

تکلیف کارمندان بانک کوشش در جهت اصلاح مفاسد آن است

لکن بحث این است که حالا باید چه کرد . اگر بنا باشد که حالا ما باز بنشینیم و کلیات بگوئیم که باید چه بشود ، کاری از پیش نمی بریم . الان شما که کارمندان بانک هستید مشغول بشوید به درست کردن بانک ها . تکلیف این است که شمائی که کارمند بانک مرکزی هستید کوشش کنید که آن را اصلاح کنید . شما اینجا را اصلاح کنید آن کس هم که می گوید فلان اداره خراب است مشغول درست کردن آن اداره باشد . الان شهردار تهران با عده ای از کارمندانشان اینجا بودند و آنها هم همین شکایت ها را داشتند ، لکن آنها هم باید مشغول بشوند به درست کردن شهرداری و خدمت به شهر ، نه اینکه همه مان بنشینیم و کلیات را بگوئیم و دردها را بگوئیم و درمانش را از خدا بطلبیم . نه ، باید همه مان کار بکنیم . از حالا باید این طبقه جوان و بچه کوچک را کم کم تربیت کنیم . بزرگ ها را طوری تربیت کردند که کمتر می توان اصلاحش کرد . الان شما در بانک هستید ، نباید بگوئید که در شهربانی خرابی است و باید چه کرد . شما باید ببینید که در بانک چه خبر است و عمل بکنید . بانک را ببینید مفاسدش چه بوده ، اشکالاتش چه بوده ، چه جور باید بانکی درست بکنیم که مفید برای کشورمان باشد . شماها خودتان همه با هم تفاهم کنید و مشکلات بانک را از میان بردارید . این تکلیف شماست . اگر اینطور بشود که هر کس در محلی که هست همان محل را وجهه نظر خودش قرار بدهد و بنا بگذارد که آن محل را درست بکند بعد از يك مدتی انشاءالله می بینیم که همه جا درست شده ، شهرداری مان درست شده ، بانک هاما درست شده و کشاورزی مان هم درست شده .

ما می خواهیم همه جا يك رنگ اسلامی پیدا کند

امیدوارم خداوند به شما توفیق بدهد و این مسائلی هم که شما گفتید مورد نظر هست ، امید است که تحقق پیدا کند . ما می خواهیم اینطور باشد که وقتی در يك بانک وارد شدید مثل این باشد که به مسجد رفته اید ، آنطور باشد که وقتی در وزارتخانه رفتید مثل این باشد که توی مسجد رفته اید و همه جا يك صبغه اسلامی پیدا کند و اگر انشاءالله این معنا تحقق پیدا کند که من امیدوارم تحقق پیدا کند همه چیز ما اصلاح می شود . خداوند همه تان را تأیید کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم

هر گاه برای اسلام احساس خطر کنیم تکلیفم را ادا می کنم

بسم الله الرحمن الرحيم

من هر وقت احساس خطر بکنم برای اسلام، برای مسلمین، لازم می دانم تکلیف خودم را ادا کنم و مسلمین را آگاه کنم. من در این موقع که برای راءى گيرى در قانون اساسى است احساس خطر مى کنم، احساس توطئه مى کنم و لازم مى دانم تذکراتى به ملت ایران بدهم تا تکلیف خودم را ادا کرده باشم.

این چند روز، این چند روز که صحبت از قانون اساسی و نشر قانون اساسی است، مسائلی طرح می شود که به نظر من توطئه ای در کار است، توطئه ای که برای اسلام و مسلمین و برای کشور ما خطر پیش می آورد. این چند روز که صحبت از قانون اساسی است و مطالعه در قانون اساسی و به فراندوم قرار دادن قانون اساسی بعد از مجلس و بعد از مطالعه کارشناسان، مطالبی پیش آمده است که من احساس خطر می کنم و لازم می دانم ملت را از این خطر آگاه کنم.

امروز طرح اشکال، یا توطئه است یا جهالت

در اجتماعاتی که می شود، گروه هائی که در اینجا اجتماع می کنند از اقشار مختلف، مسائلی را طرح می کنند که امروز وقت آن مسائل نیست. اشکالاتی را طرح می کنند که امروز وقت آن اشکالات نیست. من احتمال می دهم که این مسائل، این اشکالات ناخودآگاه از طرف اشخاصی طرح می شود که یا مستقیماً یا به واسطه، تحت تأثیر توطئه ها شده اند. ما امروز گرفتار مسأله ای هستیم که باید تمام افکار ملت ما متوجه به همان مسأله باشد. صحبت از گرفتاری ها، صحبت از نابسامانی ها، صحبت از اشتباهات دولت، صحبت از خرابی اوضاع بی موقع است. آقایان توجه داشته باشند امروز روزی نیست که طرح اشکالات بشود، در ارتش طرح اشکال بشود، در وزارتخانه ها طرح اشکال بشود، در کمیته ها طرح اشکال بشود، در دادگاه ها طرح اشکال بشود. امروز اشکال به این قشرها محتمل است از ناحیه اشخاصی باشد که توطئه بزرگ را می خواهند انجام دهند. در وقتی که قانون اساسی را می خواهند طرح کنند و به نظر ملت برسانند، ذکر این مسائل یا توطئه است یا جهالت.

با به تعویق افتادن تصویب قانون اساسی باید فاتحه اسلام را خواند

آن مطلبی که بسیار مهم است این است که من اول باید بگویم صحبتیم با کیست و با چه اشخاصی و بعد عرض کنم . اشخاص مختلفی در مخالفت ، یک اشخاصی هستند که حسن نیت دارند لکن توجه به عمق مسائل ندارند ، یک اشخاصی هستند که تحت تأثیر تبلیغات و صحبت های اشخاص مغرض واقع می شوند در عین حال که حسن نیت دارند ، یک اشخاصی هم هستند که با کمال سوء نیت مشغول توطئه هستند . توطئه این است که تصویب قانون اساسی را به تعویق بیندازند یک سال ، دو سال به بحث و شور قرار بدهند و ریشه های گندیده به هم متصل بشود و اساس اسلام را از بین ببرند .

تعویق تصویب قانون اساسی و برقراری جمهوری اسلامی ، استقرار حکومت اسلامی ، این تعویق موجب این می شود که اشخاص توطئه گر در مرزهای ما در داخل ، در خارج با هم متصل بشوند و با اتصال با هم اصل قانون اساسی و اصل اساس اسلام را پایمال کنند . اشخاصی که حسن نیت دارند باید توجه کنند که اگر چنانچه به آنطور که مجلس مؤسسان صحبت می شود و به آنطور که قانون اساسی در مجلس مؤسسان واقع بشود که این مطلب از اشخاصی که سوء نیت دارند طرح شده است و به اشخاصی که با کمال تأسف حسن نیت دارند سرایت کرده است ، این معنا این است که دو سال ، سه سال به مباحثات و معارضات دامن زده بشود و توطئه مجتمع شود . الان دارند مزدورانی در ایران از آن طرف مرز تربیت می کنند که اگر ما به زودی مطلب را خاتمه ندهیم ، این مزدوران مجتمع می شوند و با اجتماع آنها ممکن است مصیبتی به بار بیاورد ، باز شما رابه زحمت بیندازد ولو سرکوب می شوند لکن زحمت ایجاد می کنند .

طرح مجلس مؤسسان الهام گرفته از شیاطین و خطری برای اسلام است

مجلس مؤسسان برای این است که مردم منتخبین خودشان را تعیین کنند و این فرق ندارد بین آنکه طرح فعلی دولت باشد یا طرح هائی که اشخاصی که توجه ندارند یا تحت تأثیر واقع شده اند یا شیاطین به آنها چیزهائی را تزریق کرده اند که تعویق بیندازد و استقرار حکومت اسلامی یکی دو سال طول بکشد تا توطئه ها نضج بگیرند و اساس را از بین ببرند . این طرحی که دولت داده است این است که همان مجلس مؤسسان با افراد کمتر ، از خود ملت ، به تصویب ملت ، به انتخاب ملت اشخاصی انتخاب بشوند و آنها در قانون اساسی که پیش نویس شده است مطالعه کنند و اشکالاتی که روشنفکران و حقوقدانان و سایر مردم به قانون اساسی که پیش نویس شده است ، طرح کنند و منتخبین مردم مطالعه کنند و بعد از اینکه آنها تصویب کردند باز هم به فراندم گذاشته شود ، با اینکه احتیاج نیست لکن ما برای اینکه تحکیم بشود مطلب ، به نظر عموم می گذاریم لکن اگر آن مجلس مؤسسان با طول و عرض و عمق آن که دو سال ، سه سال باید طول بکشد تا قانون تصویب بشود اگر آن طرح را ما می خواهیم از آن روشنفکران غربرده که بعضی از این قشرهای روشنفکر هستند ، از این مزدوران با توجه ، از آنهایی که می خواهند رژیم سابق را برگردانند و یا شبیه آن را ، از آنهایی که از آن طرف مرزها به آنها کمک

می شود، از آنهایی که مزد می دهند به کارگران که کار نکنند، از آنهایی که اسلام را کهنه می دانند، از آنهایی که از اسلام می ترسند، اگر ما بخواهیم تعویق بیندازیم و آنطوری که آنها با شیطنت طرح کردند و مع الاسف بعضی از اشخاصی که حسن نیت دارند باورشان آمده است، باید برای اسلام فاتحه بخوانیم، باید برای کشور خودمان فاتحه بخوانیم.

من امروز ملت را آگاه کردم که طرح مجلس مؤسسان به آن معنایی که از غرب طرح شده است و الهام از شیاطین گرفته شده است موجب تعویق می شود و موجب فساد.

چه کسانی رفتارند را تحریم کردند؟

اینها که در مراحل اول شکست خوردند، اینها که رفتارند را تحریم کردند، اینها که انحرافات اسلامی دارند، بعد از شکست از رفتارند به این فکر افتاده که نگذارند قانون اساسی به این زودی ها تصویب شود تا بلکه (و به خیال خودشان) توطئه ها نضح پیدا کند و به خیال خودشان باز مسائل سابق برگردد. ملت ایران! بدانید و بشناسید اینها را. آنهایی که غفلت کرده اند توجه فرمایند، آنهایی که سابقا رفتارند را تحریم کردند حالا هم دارند می گویند ما شرکت نمی کنیم تا مجلس مؤسسان پیدا بشود. ببینید چه اشخاصی هستند آنها، آنهایی که از آن طرف مملکت می گویند ما شرکت نمی کنیم، از آنجائی که مرکز توطئه است، از کردستان که مرکز توطئه است، آنهایی که می گویند ما شرکت نمی کنیم، چه نظر دارند؟ آنهایی که تبع کمونیست ها هستند، چه نظر دارند؟!

اینقدر تحت تأثیر غربزده ها نباشید

بزرگان ما توجه کنند، به عمق مطالب برسند، اقشار مختلفه دارند با هم مجتمع می شوند. اولی که اسلام نباشد تحقق پیدا بکند، شیطان بزرگ رفت و شیاطین را فریاد زد که اگر این اسلام درست بشود، کارها همه لنگ است. حالا هم فریاد بلند شده است، فریاد بلند کردند برای اینکه قانون اساسی را به تعویق بیندازند. باید آقایان توجه کنند، آنهایی که حسن نیت دارند مطالعه کنند، دقت کنند، تحت تأثیر اشخاصی که مفسد هستند نروند، روشنفکران ما تحت تأثیر روشنفکران حرفه ای نروند، حقوقدان های ما تحت تأثیر حقوقدان های غربی نروند، وکلای دادگستری ما تحت تأثیر غربزده نروند، قضات ما تحت تأثیر اشخاصی که غربزده اند نروند، دانشگاه ما تحت تأثیر اشخاصی که در دانشگاه افساد می کنند نروند، کارگرهای ما، دهقانان ما تحت تأثیر اشخاص مفسد نروند. اینها شیاطینی هستند که در صدر اسلام هم شیطان بزرگشان فریاد زد و همه را با هم مجتمع کرد، الان هم می خواهند همین کار را بکنند. ملت! متوجه باش. وقت این نیست که اشکال بکنی به دولت، اشکال بکنی به ارتش و اشکال کنی به بازار. وقت این است همه با هم مجتمع برای تصویب قانون اساسی و تسریع در آن که در ظرف یکی دو ماه تمام بشود و نه یکی دو سال طول بکشد تا اینکه توطئه ها نضح بگیرد.

خدایا! تو می دانی که من صلاح ملت را، صلاح اسلام را، صلاح قرآن مجید را، صلاح روحانیت را، صلاح مسلمین را دارم عرض می کنم. تعویق در تصویب قانون اساسی و گذاشتن آن را در نظر يك مجلس بزرگ مؤسسان که مناقش آنها و تأسیس آن 6 ماه طول می کشد و مناقشات آن معلوم نیست یکی و دو سال، سه سال طول بکشد، خطر است برای اسلام، خطر است برای رسول الله. تأسیس مجلس مؤسسان به آنطوری که غربی ها الهام کردند، خطر است برای اسلام، خطر است، خطر است برای کشور اسلامی، خطر است برای امام زمان. آنهایی که در اشتباه هستند، برگردند و بدانند توطئه در کار است و بدانند من کمال علاقه را به آنها دارم و نمی خواهم به آنها سوء ظن پیدا بشود. آن شیاطینی هم که می خواهند توطئه را بکنند، بدانند که ملت ما بیدار است و این توطئه را خنثی خواهد کرد.

خداوند ما را از خواب غفلت بیدار کند. خداوند اسلام و مسلمین را تقویت کند. دست اجانب را از ممالک ما کوتاه کند. این ریشه های گندیده را که می خواهند توطئه کنند خدایا قطع کن این ریشه ها را.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون، وعاظ و گویندگان مشهد

(و لا تنهوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

نه سستی کنید و نه محزون باشید اگر مؤمن هستید، علورتبه دارید و از همه بالاترید لکن مهم ایمان است و چطور تحصیل کنیم ایمان را؟ اسلام شهادتین است، ایمان حظ قلب است، آن چیزی را که زبان بگوید و تلقین کند به قلب و قلب قبول کند، باور کند. اگر باور کردید که خدای تبارک و تعالی قادر مطلق است، حی مطلق است، وجود مطلق است، قادر عظیم الشان است، اگر باور کردید این معنی را، دیگر نه حزنی است و نه سستی. یک جلوه ای در از این ایمان در شما پیدا شد و به واسطه همین جلوه ایمان این سد عظیمی که باورکردنی نبود شکستید، سدی که تمام قدرت های، تمام ابرقدرت ها، تمام حکومت ها پشتیبان او بودند، تمام حکومت های اسلامی، شاید استثناءشان کرد که یکی دو تا، تمام حکومت اسلامی پشتیبان بودند و تمام قدرت های بزرگ پشتیبان بودند. امریکا کرارا پشتیبانی خودش را اظهار کرد، انگلستان کرارا اظهار کرد. نوکر خوبی بود برای اینها و اظهار تأسف آنها بعد هم دلیل بر این بود که خوب نوکری بود و البته باید هم اظهار تأسف کند. کی اظهار تأسف نکند برای کسی که طول عمرش، وطنش را برای آنها داد. چرا اظهار تأسف نکند، چرا سنای امریکا اظهار تأسف نکند از اینکه ایران چند نفر قاتل را می کشد. اظهار تأسف برای این است که این نوکرها را از دست داده اند و حق دارند اظهار تأسف کنند. آنها پیششان انسان مطرح نیست، منافع مطرح است. ایمان مطرح نیست، نفع مطرح است و چون فکرها، فکر مادی بود و از ایمان اطلاع نداشتند و از خدایی اطلاع بودند، ممتنع می دانستند که یک مشت اشخاصی که هیچ ندارند، بر یک قدرت شیطانی غلبه کنند با داشتن تمام ابزار جنگ و پشتیبانی تمام قدرت های بزرگ. آنها حساب مادیات را کرده بودند، حساب ایمان را نکرده بودند، روی قواعد مادی، صحیح می گفتند، روی قواعد مادی همین بود که آنها می گفتند، ما هیچ نداشتیم، یک مشت خالی بود و آنها همه چیز داشتند، لکن قدرت ایمان آمد و با قدرت ایمان شکست آن سدهای بزرگ را و تا این قدرت ایمان هست، شما (انتم الاعلون) تا این قدرت ایمان را حفظ کردید، شما بالاترین موجودات هستید. کوشش کنید، ایمان را تحصیل کنید و ایمان را نگه دارید. یک جلوه ایمان این سد بزرگ را شکست و دست اجانب را، قدرت های بزرگ را کوتاه

کرد. ایمان بود که در صدر اسلام دو امپراطوری بزرگ را درهم کوبید، و الا قدرت مادی نبود در کار. در جنگ روم طلیعه جنگجویان روم 60 هزار بودند و تمام جمعیت مسلمین 30 هزار نفر بودند و پشت سر آن طلیعه 700 هزار نفر رومی بودند یکی سرداران اسلام گفت 30 نفر با من بیاید تا من شب بروم و با این 60 هزار نفر جمعیت جنگ کنم بعد از اینکه اصرار کردند به او (بر حسب تاریخ) 60 هزار رفتند، 60 هزار نفر مسلم با 60 هزار نفر جنگجوی رومی که تا دندان مسلح بودند، رفتند و آنها را شکست دادند و 700 هزار نفر جمعیت رومی به دنبال آن شکست خورد و رفت. بود که قدرت ایمان بود که این کار را کرد و شما دیدید که قدرت ایمان هم در ایران همین کار را کرد.

تحول روحی که پیدا شد در ملت ما، بالاتراز این شکستن سد بود. این را کرارا من گفته ام که يك نفر پاسبان می آمد در بازار تهران، بزرگترین بازارهای ایران و می گفت چهارم آبان است بیرق بزیند، احدی به خودش اجازه نمی داد که تخلف کند، در ذهنش نمی آمد که می شود تخلف کرد. همین جمعیت، همین مردم در ظرف قریب به دو سال که اخیرا تقریبا نهضت نصیح گرفت، همین جمعیت در کوچه و خیابان ریختند و گفتند مرگ بر این رژیم. همین که از يك پاسبان آنطور می ترسیدند، بازارها می ترسیدند، همین ها ریختند در خیابان ها و با مشت خالی گفتند مرگ بر رژیم و ما رژیم را نمی خواهیم، ما اسلام را می خواهیم. پیشبرد برای این بود که اسلام را می خواستند، نه جمعیت، نه شخص، هیچ کس دخالت در این امور نداشت، خدا بود، قدرت، قدرت الهی بود. این قدرت الهی را، این عنایت الهی را حفظ کنید. تا حالا شما را قدرت الهی رسانده است به اینکه آزاد شدید، استقلال پیدا کردید و هیچ يك از ممالک در مملکت شما نمی تواند تصرف کند. این ایمان بود، این قدرت الهی بود، این ودیعه الهی را حفظ کنید. مادامی که این ودیعه حفظ شده است (انتم الاعلون). اگر خدای نخواست این ودیعه را ما از دست بدهیم، دنبالش سستی است و بعدش حزن است، اندوه است، شکست است، بخواهید که پیروز شوید رمز پیروزی را باید حفظ کنید. رمز پیروزی ایمان بود. آن وحدت کلمه را، ایمان آورد. ایمان، وحدت کلمه آورد که سر تا سر این مملکت همه با هم، همه با هم فریاد زدند و يك مطلب را خواستند. اجتماع کردند از مرکز تا هر جا شعاع مملکت است رفت صدا و فریاد زدند جمهوری اسلامی، اسلام. شهادت را برای خودشان فوز دانستند. آنهایی که فرار می کردند از همه چیز، حمله کردند بر تانک ها و توپ ها، غلبه کردند بر لشکر شیطان، بر طاغوت. این رمز را حفظ کنید، این نهضت را حفظ کنید، این وحدت کلمه را حفظ کنید، همه قشرها با هم باشید، روحانی با دانشگاهی باشد، دانشگاهی با روحانی باشد، همه با بازاری باشند، همه با دهقان باشند، همه با اداری باشند، همه با کارمندان باشند، همه با هم. از حالا به بعد ما احتیاجمان به وحدت کلمه بیستراست. الان من می بینم که ربه سستی داریم می رویم و این لازمه هر پیروزی است، وقتی عقیده شد که پیروز است، سست می شود لکن ما پیروز نشدیم باز، سست نشوید. ریشه های گندیده رژیم و اجانب در مملکت ما هست و در هر گوشه و کنار هست اگر سستی کنید، این ریشه ها با هم مجتمع خواهند شد و اگر مجتمع بشوند خطر دارد. باید این نهضت حفظ بشود، این وحدت کلمه حفظ بشود، بر نگردید

، ملت ما

بر نگردند سراغ اینکه خانه ندارند ، سراغ اینکه کاشانه ندارند ، شما پیروز بشوید ، همه چیز دارید لکن پیروز نشدیم ما . این ریشه ها را بشناسید ، اینهایی که در هر امری اشکال تراشی می کنند ، بشناسید . اینهایی که نمی خواهند جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند ، بشناسید . اینها همان ها بودند که تا شاه بود شاه را می خواستند و حالا هم آرزوی او را دارند و این آرزو را به گور می برند . من متشکرم از شما علما ، فضلا ، مؤمنین که از راه دور آمدید و با ما ملاقات می کنید و درد دل ما را می شنوید . ما امروز مواجه هستیم با يك گروه هایی که اینها بر ضد ملت ما هستند به صورت مختلف و من امیدوارم که هدایت بشوند اینها . من از آقای مرعشی که تشریف آوردند تشکر می کنم و از همه آقایان تشکر می کنم و این صورت های نورانی را که می بینم مسرور می شوم . خداوند همه شما را سعادت مند کند . خداوند همه شما را از لشکر امام زمان سلام الله قرار بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 119

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اقشار مردم

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

وقت من کم و هوا گرم و شما عزیزان من در توی آفتاب و مکان ضیق و فشرده در زحمت هستید ولی من چند کلمه با شما صحبت می کنم . بعضی مسائل ، مسائل اصلی است ، مسائلی است که بنیاد مسائل دیگر است ، مسائلی که حفظ کیان اسلام و حفظ استقلال کشور به آنها بسته است و بعد از اینکه این مسائل اصلی تحقق پیدا کرد مسائل دیگری است که آن مسائل باید دنبال بشود . ما الان مبتلا هستیم به يك رشته از مسائل اصلی که اسلام به آن بسته است و استقلال کشور . باید همه ما تمام هممان را و تمام قدرتمان را صرف در این مسائل اصلی بکنیم و بعد از آنکه ایران مستقلى و اسلام پیاده شده ای داشتیم ، دنبال مسائل فرعی برویم و انشاءالله آن مسائل را هم متحقق کنیم .

پیروزی بی نظیر ملت و شکست مفتضحانه شاه و عمالش در تاریخ ثبت گردید

الان مسأله ای که در پیش است یکی مسأله قانون اساسی است و یکی تشکیل مجلس شورا . این دو مسأله بر سایر مسائل مقدم است . کوشش ها هست برای اینکه نگذارند این قدم ثانی را ما برداریم ، چنانچه کوشش ها کردند که نگذارند رفرا ندم حاصل بشود راجع به اصل جمهوری . قشرهای مختلف ، ریشه های فاسد رژیم سابق ، عمال فاسد اجانب جدید کردند که پس از آنکه شکست خوردند و رژیم منحوس شاهنشاهی مدفون شد ، نگذارند جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند . طرح ها ریختند و کارشکنی ها کردند . طراحان نوکر اجانب طرح ریختند و ریشه های فاسد رژیم سابق کارشکنی ها کردند ، تحریم کردند رفرا ندم را ، آتش زدند صندوق های بعضی از بلاد را ، مانع شدند از اینکه راءى بدهند در بعضی از موارد ، لکن شکست خوردند ، آن هم شکستی که در تاریخ نظیر نداشت .

دو شکست اینها تاکنون خورده اند که هر دوی این شکست ها در تاریخ بی نظیر یا کم نظیر است . یکی شکست در مبارزه بین ملت و رژیم ، با همه قدرت که داشت و با همه پشتوانه ها که از قدرت های بزرگ داشت . این شکست ، شکستی بود که در دنیا سابقه نداشت که يك ملتى با دست خالی ، يك ملتى که هیچ نداشت ، بر يك رژیمی که همه چیز داشت غلبه کند ، البته نیروی ایمان ، نیروی اسلام موجب این غلبه شد . وقتی نیروی اسلامی بود تمام قشرها متصل شدند به هم ، قشر روحانی ، قشر دانشگاهی ، قشر ارتش همه به هم متصل شدند و همه با هم این سنگر بزرگ را ، این سد بزرگ را شکستند و این

نیروی ایمان بود . قدم بعد قدم فراندم بود . مخالفین ما با فراندم مخالفت کردند و کارشکنی کردند لکن ملت ما با نیروی ایمان پیش برد و فراندمی که در ایران واقع شد ، نه در ایران و نه در سایر جاها سابقه نداشت . با این عشق و علاقه ، با این محبت و همبستگی که 99 و بیشتر یا 99 درصد قدری این طرف آن طرف ، شما پیروز شدید . در این دو قدم ، پیروزی مال شما و خذلان و رسوایی مال مخالفین شماست

عدم صلاحیت حقوقدانان غربزده در تدوین قانون اساسی

حالا به قدم سوم رسیده است که باز مخالفت ها شروع شده است . با بهانه مختلف ، جنود شیاطین دور هم دارند جمع می شوند ، بهانه های مختلفی که سابقا هم این بهانه ها را داشته اند . حالا که بناست قانون اساسی به دسترسی ملت گذاشته شود تا هرکس هر مطلبی دارد پیشنهاد کند و بعد نمایندگان مردم ، نمایندگان منتخب از طرف خود ملت قانون اساسی را بررسی کنند ، با همه مطالبی که قشرهای مختلف و به اصطلاح ، حقوقدان ها بررسی کنند و همه مطالب را روی هم بریزند و قانونی که نوشته شده است اگر نقص دارد ، رفع کنند نقص را و اگر اشکال دارد ، اشکال را مرتفع کنند ، حالا هم بهانه گیرها ، آنهایی که شکست خورده اند در آن مراحل ، می خواهند در این مرحله خرابکاری کنند . بیدار باشید برادران ، دشمنان خودتان را بشناسید ، می خواهند نگذارند قانون اساسی بر طبق آنطوری که اسلام حکم می کند تصویب شود . باید حقوقدان های غربی نظر بدهند؟! ما می خواهیم قانون اسلامی بنویسیم ، از غرب بیایند نظر بدهند؟! یا غربی ها بیایند نظر بدهند؟ یا غربزده ها بیایند نظر بدهند؟ حقوقدان اسلامی ما می خواهیم و این حقوقدان ها اسلام رانمی دانند یعنی چه ، البته بعضی از آنها من وقتی که به طور کلی می گویم ، از باب اینکه آنهایی که در قشر اسلامی هستند و مطالعات اسلامی دارند خارج هستند ، من با آن غربزده ها صحبت دارم ، با آنهایی که تحت تأثیر غربزده ها واقع می شوند صحبت دارم . باید قانون اسلامی ما را از غرب بگیریم ؟ از غربزده بگیریم ؟ باید دید کی صلاحیت دارد ، چه حقوقدانی صلاحیت دارد که در قانون اساسی ما نظر بدهد . ما که می خواهیم جمهوری اسلامی تحقق پیدا کند و قانون اساسی جمهوری اسلامی می خواهیم تدوین کنیم ، ما باید دنبال آنهایی باشیم که حقوقدان غربی هستند؟ اگر باشند روشنفکرانی که از اسلام بی اطلاع هستند و نمی دانند اسلام چیست ، هر وقت ما خواستیم قانون اساسی جمهوری یا جمهوری دموکراتیک را تدوین کنیم شما آقایانی که حقوقدان هستید ، شما آقایان روشنفکر غربی صلاحیت دارید که نظر بدهید لکن ما هر وقت خواستیم قانون اسلامی بنویسیم ، خواستیم مسائل اسلام را طرح بکنیم شما صلاحیت ندارید ، شما از اسلام اطلاعی ندارید ، شما اسلام را می گوئید برای این زمان نیست برای اینکه اسلام را نمی دانید ، برای اینکه اعتقاد ندارید که آن که قانون اسلام را آورده است ، خداست ، خداست که محیط بر همه چیزهاست ، بر همه اعصار است ، قرآن است که کتاب همه اعصار است ، دستورات رسول الله است که برای همه اعصار است . شما اطلاعی نه از قرآن دارید و نه از

سنت دارید و نه از اسلام و ما به شما اجازه نمی دهیم که دخالت در معقولات کنید ، بله در بعض مسائل اداری ، در بعضی مسائل اجرایی شما هم حق نظر دارید لکن عمده این است که شما نمی خواهید يك قانون اساسی اسلامی باشد . شماها از اسلام وحشت دارید ، حق هم دارید برای اینکه اسلام در استفاده های شما را بست ، اسلام دوستان شما را از ایران بیرون کرد ، اسلام ، جنایتکارها که رفقای بعضی از شما بودند به درك فرستاد . شما وحشت دارید از اسلام و حق دارید وحشت داشته باشید ولی ملت اسلام ، ملت ایران نمی تواند تابع هوای نفس شما باشد ، نمی تواند قرآن را کنار بگذارد و قانون اساسی غربی را قبول کند ، به شما اجازه نمی دهد که در امری که بی اطلاع هستید و جاهل هستید دخالت کنید . شما اطلاعاتتان در حدود مسائل غربی است ، قوانین غرب را می دانید ، شما تاکنون قرآن را مطالعه نکرده اید . عرض می کنم که ، من به همه اقشار نمی گویم ، در بین اینها اشخاص اسلامی ، اشخاص مطالعه دار هست ، من آنها را می گویم که می گویند اسلام دیگر فایده ندارد ، من آنها را می گویم که می گویند اسلام مال 14 قرن پیش است . ما به اشخاصی که اطلاع ندارند از قوانین اسلام ، اطلاع ندارند از روح اسلام ، نمی دانند که اگر اسلام تحقق پیدا بکند چه خواهد شد ، ما به آنها اجازه نمی دهیم که دخالت در این امور بکنند ، بله ، حق رأی دارند ، رأی بدهند که اسلام نه ، چنانچه دادند . مختارند که رأی بدهند لکن نگویند که ما مجلس مؤسسان کوچک را نمی خواهیم ، يك مجلس مؤسسان 500_600 نفری می خواهیم ، بهانه نگیرند . مگر مجلس مؤسسان چیست ؟ جز این است که اشخاصی که مردم آنها را انتخاب می کنند ، باید بنشینند و قانون را ملاحظه کنند؟ باید حتما 600_700 نفر باشند تا نوبت به شما هم برسد؟! اگر تمام ملت پنجاه نفر را تعیین کنند ، اینها وکیل ملت نیستند؟ این مجلس ، مجلس مؤسسان نیست ؟ ما بعد از اینکه بررسی شد در قانون اساسی به نظر خبرگان اسلامی رسید ، به نظر روحانی اسلامی رسید ، به نظر علماء متعهد رسید به نظر نمایندگان مردم رسید ، باز هم در افکار عمومی می گذاریم ، میزان است .

میزان ، رأی ملت است

مجلس مؤسسان اگر اعتبار دارد برای این است که مجلس مبعوث از ملت است . خود ملت حق ندارد رأی بدهد لکن وکیل ملت حق دارد؟ این چه غلطی است ؟ خود من حق ندارم تصرف بکنم در مال من ، وکیل من حق دارد؟ خود شما حق ندارید رأی بدهید ، وکیل شما حق دارد؟! وکلا- برای این حق دارند که وکیل شما هستند و الا چه حقی دارند . يك نفر چه حقی دارد برای 35 میلیون جمعیت رأی بدهد؟ پنجاه نفر ششصد نفر چه حقی دارد برای يك ملت 35 میلیونی رأی بدهد؟ این حق برای این است که شما می خواهید رأی بدهید ، رأی شماست ، میزان ، رأی ملت است . ملت يك وقت خودش رأی می دهد ، این اساس يك وقت يك عده ای را تعیین می کند که آنها رأی بدهند ، آن در مرتبه دوم صحیح است و الا مرتبه اول ، حق مال خود ملت است . شما خون دادید ، حقوقدانان برای شما تکلیف معین کنند؟ خودتان باید تکلیف معین کنید . شمائید ، همین ملت ، همین مردم محروم دانشگاه ، جوان های

محروم دانشگاه، همین جوان های محروم مدرسه فیضیه، همین جوان های محروم در ارتش، همین جوان های محروم در بازار، همین جوان های محروم در کارخانه ها و در کشاورزی، اینها باید راءى بدهند. بهانه ها را کنار بگذارید، از خدا بترسید، با ملت شوخی نکنید، راءى مردم را هیچ حساب نکنید، مردم را به حساب بیاورید.

ما حتما باید تابع طرح های غربى باشیم؟ اسلام را کار نداریم؟! غرب هر چه بگوید تابع او هستیم؟ غرب تا حالا همین بساط بود که بود. ما تا حالا مبتلای به غرب بودیم و بیش از پنجاه سال که اکثر شما یا بعض از شما یادشان است، بعضی از شما و من یادم است و بیست و چند سال که اکثر شما یادتان است، طرح های ما غربى بود، گرفتاری های ما از غرب بود. باز همان گرفتاری ها پیش بیاید؟ قانون اساسی را هم آنها بنویسند؟ آنها راءى بدهند؟! غریزه ها راءى بدهند؟ میزان، شما هستید. آن کسی هم که اینها خودشان قبول دارند، ولو دروغ می گویند، دکتر مصدق هم وقتی که يك مطلبی پیش آمد که من حالا یادم نیست، آمد بالا ایستاد گفت: (من با خود مردم صحبت می کنم، به وکلا کار ندارم، وکلا صدای مردمند، من با خودشان صحبت می کنم.) ما از خودتان راءى می خواهیم، ما اگر چنانچه هیچ هم وکیل نگیریم، شما هستید میزان.

يك قدری در مطالبان تعقل کنید، نگذارید ملت به تنگ بیاید

ما برای خاطر اینکه این نق نق ها کم بشود، گفتیم يك مجلسی هم درست بشود، شما اسمش را مجلس مؤسسان بگذارید. اگر خیلی دلتان می خواهد غربى باشید، اگر خیلی دلتان می خواهد که مردم را به خودتان متوجه کنید، اسمش را بگذارید مجلس مؤسسان و الا ما با مردم کار داریم. ما قانون را قاعده این بود قانون را بنویسیم، منتشر کنیم در همه بلاد و همه مردم ببینند، بعد به آنها بگوئیم این را می خواهید یا نه؟ فرزاندم کنیم. ما برای اینکه شماها خیلی دم از روشنفکری می زنید، يك قدری هم با شما مسالمت بکنیم. با اینکه هر چه مسالمت بکنیم شما بدتر خواهید کرد، ما می گوئیم که مردم خودشان افرادی را تعیین کنند که این قانون اساسی که نوشته شده است بیابند ببینند، هر راءى دارند، هر طرحی دارند بدهند، می خواهد این راءى ها راءى های مخالف با قرآن باشد، می خواهد موافق، منتها ما مخالف هایش را قبول نمی توانیم بکنیم و شما دنبال این هستید که این کار را بکنید. این مجلس را شما اسمش را مجلس مؤسسان بگذارید، ما بعد از این مجلس مؤسسان هم به خود موکل ها، به وکلا ما چکار داریم، ما شما را می شناسیم، ما نوکر شما نیستیم.

آقایان می گویند که ملت بی اطلاع است، من می گویم شما بی اطلاع هستید. اگر ملت بی اطلاع است شما بی اطلاع تر هستید برای اینکه در اینجا اطلاعات اسلامی می خواهد و بعضی از شما اصلا اطلاع ندارید، بعضی از شما نمی داند نماز چند تاست. چرا ملت ما اطلاع ندارد؟ چرا اینقدر ملت ما را ضعیف قرار می دهید؟ چرا اهانت به ملت می کنید؟ چه حقی دارید؟ ملت ما، درش همه چیز هست. اگر اسلام فقط عیب است، بله شما حق دارید. ملت ما مسلم است، شما هم اسلام را قبول ندارید، پس ملت

ما چیزی نمی‌دانند برای اینکه اسلامی است و اسلام چیزی است که مخالف با همه دانش‌هاست! حرف شما این است. یک قدری در حرف‌هایتان تفکر کنید، یک قدری در مطالبتان تعقل کنید، نگذارید که ملت یک وقت به تنگ بیاید، رژیم سابق ملت را به تنگ آورد نگذارید یک قدری تعقل کنید، یک قدری برای اسلام حق قائل شوید، یک قدری برای مسلمین حق قائل بشوید، یک قدری برای برادران اسلامی حق قائل بشوید.

امروز اختلاف سلیقه و تشنت برخلاف مسیر ملت است

مسئله اصلی که حالا باید شمای ارتشی، من طلبه، مراجع عظام، علماء اعلام، دانشگاهی بازاری، دهقان، اداری و کارمندا، همه به آن توجه بکنند این است که این قانون اساسی که اساس اسلام را ما می‌خواهیم پیاده بکنیم، این قانون اساسی درست بشود، بعد که قانون اساسی مان را انشاءالله به رغم به رغم اینهایی که نمی‌خواهند بشود، باز شما رأی دادید و درست شد و مجلس شورا و شما رأی دادید آزادانه، برخلاف این پنجاه سال، آزاد رأی دادید وکلایتان را فرستادید و رئیس جمهور را خودتان تعیین کردید، باز نگفتید شما حق ندارید، ما غربی‌ها باید رئیس جمهور برایتان تعیین کنیم، خود شما تعیین کردید، آنوقت می‌آئیم سراغ اینکه این مسائل دوم را باید پیش بیاوریم و من هم می‌دانم شما مشکلات دارید، ما هم مشکلات داریم.

شما ارتش را می‌دانید که یک اشکالاتی در آن هست، ما هم ارتش را می‌دانیم اشکالات دارد، هم ادارات را، هم وزارتخانه‌ها را، هم بازار را و هم محله‌ها را و هم مدارس خودمان را. این مدارس خودمان هم اشکال دارد. اما حالا ما نباید آن چیزی که ما باید در آن مسیر همه با هم برویم، هر کدامان مسیرش را رها کند، من بیایم بروم حجره‌های مدرسه مثل چند تا هست، نمراتش چطوری هست، طلبه‌هایش چند تاست و شما بروید بگوئید در ارتش، حالا چه اشکالی هست، شورا لازم است یا چه لازم است. تشنت الان مخالف با مسیر ماست، ملتفت باشید. الان اختلاف سلیقه‌ها را نیاورید پیش، الان همه مان باید برویم سراغ این کارها. چطور آنوقت که (من یک گاهی مثال می‌زنم) اگر یک وقت زلزله خدای نخواستہ بیاید و یک شهر را خراب کند و من بنشینم توی مدرسه درس بخوانم، شما هم بروید در نظام عرض می‌کنم که رژه بروید صحیح است؟ نه، باید همه بیایم این زلزله زده‌ها را نجات بدهیم.

آقا، امروز مملکت ما غریزه است که از زلزله زده بدتر است امروز بعضی از اشخاص در این مملکت می‌خواهند نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند، اغفال می‌کنند بعضی مقامات را، می‌خواهند نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند امروز وقت این نیست که نق بزنم که من فلان قسمش را نمی‌خواهم فلان قسمش را می‌خواهم امروز وقت این است که همه دست به هم بدهید بگوئید اسلام را ما می‌خواهیم، چنانچه همه گفتید، با اسلام همه پیش رفتید. شما اشکالات خودتان را حالا پیش نیاوردید، بگذارید برای بعد، بگذارید اسلام تحقق پیدا بکند، بگذارید مملکت، مملکت بشود بعد بیایم سراغ

اینکه این مملکت نظامش چه جور باید باشد، طلبه‌اش چه جور باید باشد، کاسبش چه جور باید باشد. من هم می‌دانم همه جا اشکال هست لکن الان ما زلزله زده هستیم، غریزه هستیم، همه باید دست به هم بدهیم و این راه را تا اینجا که آمدیم، باقیش هم برویم. ما بین راه هستیم، باز گردنه‌ها داریم که دزدها توی آن گردنه است. ما یک گردنه را از آن گذشتیم، یا دو گردنه را، باز دزدها توی آن گردنه‌های دیگر هست، در کمین نشسته‌اند با هر صورت. ما باید همه، همه دست به هم بدهیم از این گردنه‌ها بگذریم، بعد که گذشتیم از گردنه‌ها و رسیدیم به منزل بنشینیم بگوئیم حالا اشکالاتمان چیست. الان وقت اشکال تراشی نیست، الان وقت جلورفتن است. من از همه می‌خواهم، من التماس می‌کنم به ملت ایران، من دست ملت ایران را می‌بوسم، اسلام را می‌خواهند ببرند.

صفوف خود را از غریزدگان و عمال رژیم فاسد جدا سازید

این قشرهای این قشرهای دانشگاهی و دانشجو و وکلا و روشنفکرها حساب خودشان را از این چندین نفر، چند نفری که عمال غربند و عمال محمدرضا، جدا کنند. کانون وکلا که همه اش غریزه نیست، کانون وکلا تویشان پیدا می‌شود، این غریزه‌ها را کنار بگذارند. یکیشان رفت، باقی هم بروند. روشنفکرها، روشنفکرهای اسلامی، روشنفکرهای وارداتی را کنار بزنند. غریزه‌ها را کنار بگذارید، عده‌شان خیلی زیاد هم نیست اما فضولیشان زیاد است. عده زیاد نیست، ادعایشان زیاد است. خود قشر روشنفکر متعهد اسلامی برای خاطر خدا، برای خاطر اسلام، برای خاطر استقلال کشور، برای خاطر حفظ آزادی، این روشنفکر متعهد اسلامی، آنهایی را که در بینشان پیدا می‌شود که نق می‌زنند و می‌خواهند نگذارند کارها پیش برود، اینها را کنار بزنند. التماس دعا بکنند پیش گوششان، بروند به اروپا باز سر عیاشی‌ای که می‌کردند، حالا آمده‌اند. آن کانون وکلا، آنهایی که بر ضد اسلامند، و کنار بگذارند. همه که نیستند، بعضی از وکلا بسیار مردم صحیح و سالمی هستند، بسیارشان ولی آنهایی که فضولی می‌کنند، آنها را کنار بگذارند، از کانون بیرون کنند.

توس غریزدگان از روحانی و دانشگاهی صالح

دانشگاه ما که مرکز آدم‌سازی باید باشد، قشر دانشجو که متعهد برای اسلام است و خوش را برای اسلام داد و فعالیت برای اسلام کرد، حالا بیدار باشد که یک عده معدودی توی این دانشگاه دارند می‌روند و نمی‌خواهند اسلام پیدا بشود، نه اینکه می‌خواهند دانشگاه درست بشود، خیر، آنها از درست شدن دانشگاه می‌ترسند.

خدا رحمت کند مرحوم فیض رضوان الله علیه را _ قمی _ توی همین مدرسه فیضیه، نزدیک اینجایی که حوض بود، زمان رضاخان فرمودند به من که چی عیبی دارد، خوب اینها می‌خواهند صالح را از غیر صالح جدا کنند (می‌خواستند امتحان بکنند و آن امتحان‌هایی که می‌خواستند بکنند و روحانیت را از بین ببرند) ایشان باورش آمده بود، می‌فرمود که خوب، اینها می‌خواهند صالح‌ها را

کنار بگذارند باشد، بدها را بفرستند. من عرض کردم آقا، اینها از صالح می ترسند، اینها از روحانی صالح می ترسند، از بدش چه ترسی دارند؟ بدش که همراه هست _ همراهشان _ اینها از صالح می ترسند. دانشگاه هم باید خودش را اصلاح کند، خود دانشگاهی، خود دانشگاهی صالح. اینهایی که حالا آمده اند و می خواهند به قول خودشان اصلاح بکنند، اینها از اصلاح دانشگاه می ترسند. اینها می ترسند که در دانشگاه یک آدمی پیدا بشود که یک وقت مشت بزند به دهانشان. آنها هم می ترسیدند که از روحانیت یکی پیدا بشود مشت بزند به دهانشان. همه از آدم می ترسند، از آدمک که کسی نمی ترسد. اینها می خواهند دانشگاه را نگذارند آدم تویش پیدا بشود و شما جدیت کنید که آدم پیدا بشود. شما جدیت کنید که این اشخاصی که حالا افتاده توی دانشگاه ها و دارند فساد می کنند، خودتان بیرونشان کنید. نباید شکایت کنید که در دانشگاه یک کسی آمده و دارد حرف می زند. خوب، برو مقابله بایست، بگو آقا تو چه می گوئی؟ تو برای ملت دلت می سوزد؟ اگر برای ملت دلت می سوزد، چرا رفرا ندیم را نمی گذاشتید بشود؟ چرا نمی گذارید کشاورزها الان رزاعتشان را بردارند؟ جز این است که می خواهید برای آمریکا بازار درست کنید؟ بیشتر، شاه درست می کرد، حالا شاهک. چرا نمی گذارید کارخانه ها راه بیفتند؟ اگر کارخانه ها برای ما راه بیفتد، خوب احتیاجمان از بیرون کم می شود، از غرب کم می شود و اینها عمالند برای اینکه ما را محتاج به آنها کنند. بشناسید دوستان خودتان و دشمنان خودتان را. قشرهای روشنفکر، دشمن اسلام را بیرون کنند از مراکز خودشان. کانون وکلا، وکلای دشمن با اسلام را یا نفهم را کنار بگذارند. من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می خواهم و عذر می خواهم که شما را در این گرما مزاحمتتان کردم ولی خوب چه باید کرد. باید دردها را گفت و ملت را بیدار کرد که مبادا خدای نخواستہ تحت تأثیر این حرف ها یک وقت واقع بشوند. خداوند ملت ما را سعادت مند کند. خداوند مملکت ما را از شر شیاطین نجات بدهد. خداوند شما را از مسلمین متعهد و از لشکر امام زمان سلام الله علیه قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با جامعه و عاظ تهران

در صدر اسلام ، مسجد مرکز فعالیت های سیاسی بوده است

بسم الله الرحمن الرحيم

مسجد و منبر در صدر اسلام مرکز فعالیت های سیاسی بوده است . جنگ هائی که در اسلام شده است بسیاری از آن از مسجد طرحش ریخته می شد . حضرت امیر سلام الله علیه به حسب خطبه هائی که در نهج البلاغه جمع شده است _ بعضی _ خطیب بزرگ و فخر خطباست و با آن خطبه های بزرگ مردم را تجهیز می کردند برای دفاع از اسلام و همین طور دستورهای اخلاقی و دستورهای عقیدتی و همه چیز در این کتاب مقدس هست . مسجد جائی بوده است که از آنجا شروع می شده است به فعالیت های سیاسی ، منبر هم جائی بوده است که محل خطبه ها بوده است ، خطبه های سازنده و سیاسی ، مع الاسف تبلیغات زیادی که شاید از سیصد سال پیش شده است یعنی از آنوقتی که غرب به اینجا راه پیدا کرده و مطالعات در حال مردم مشرق عموماً کرده اند و رسیدگی به احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم مشرق آنها کرده اند . در آنوقتی که وسایل رفت و آمد مثل حالا نبوده است در تاریخ می بینید که با شتر حرکت می کردند این بیابان های مملکت ما را بررسی می کردند ، تمام جاها را اینها بررسی کردند و تمام مخازن ما را بهتر از ما مطلع اند و تمام گروه های کشور را چه مرزنشین ها و عشایر و چه مرکز نشین ها و روشنفکرها ، همه اینها را ، اینها مطالعه کردند و به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به يك وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد ، یعنی آن نتیجه ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود ، خنثی کنند ، چه بکنند؟ مسجد و منبر و روحانیت ، مامورشان که رضاخان بود آمد و شاید (اگر) شما یادتان نباشد که چه کرد ، تمام منابر تعطیل شد ، تمام مساجد نیمه تعطیل ، تمام مجالس روضه خوانی همه از بین رفت ، تمام روحانیت دستخوش مفسده هائی که آنها داشتند (عمامه ها را برداشتند ، لباس ها را از چیز آنها کردند تغییر دادند ، منبری ، محرابی ، كوچك ، بزرگ همه در تحت فشار قرار گرفتند) واقع شدند .

تبلیغات دامنه دار جهت جدا نمودن روحانیت از سیاست

و يك چیز مهمی که هم در دانشگاه عمل شده است و هم در منبر و محراب و روحانیت ، این

است که تبلیغات دامنه دار شده است که به خود روحانیون هم مطلب را مشتبه کنند که شما چه کار دارید به سیاست، شما بروید نمازتان را بخوانید، عبا را به سرتان بکشید و بروید نماز را بخوانید و بعد از نماز هم اگر می توانید چند کلمه مسأله بگویند و بعد هم برگردید خانه تان، چه کار دارید به مملکت، به احتیاجات ملت شما چه کار دارید، این کارش با ماهاست. ما وقتی که از آن حبس بنا بود بیائیم به آن حصر، این پاکروان (مثل اینکه مقتول هم شد و آنوقت رئیس سازمان بود) آمد آنجا، من و آقای قمی هر دو با هم نشسته بودیم آن هم آمد و گفت به اینکه این سیاست کاری است که دروغگوئی در آن هست، بدجنسی مثلا در آن هست چه هست، آخر کلمه اش این بود که پدر سوخته ای در آن هست، این را شما بگذارید برای ما، من گفتم سیاست به این معنایی که شما می گوئید مال شماست. اینها همچو تبلیغات کرده بودند که اگر يك ملائی وارد می شد در امر سیاسی، راجع به حکومت می خواست صحبت بکند، راجع به مجلس می خواست صحبت بکند، راجع به گرفتاری های سیاسی مردم می خواست صحبت بکند، در خود جامعه روحانیت می گفتند این آدم سیاسی است دیگر به درد نمی خورد همان خاصیتی که در علی ابن ابیطالب (علیه السلام) بود که يك رجل سیاسی بود، از خطش معلوم است که مرد سیاست بوده و از کاغذی که به مالک اشتر نوشته و دستورهائی که داده، همه اش دستورهای سیاسی است ما غفلت کردیم، از مبادی امر و از صدر اسلام و از کیفیت سیاست رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و از سیاست امیرالمومنین سلام الله علیه و سیاست ائمه علیهم السلام که به صورت تقیه سیاست ها را اجر می کردند غفلت کردیم. به ما اینها تزریق کردند و حتی به خود ما تعمیم کردند که شما حق دخالت در این امور را ندارید، اصلا به شائن شما نیست و آن اسم که ما هم يك قدری خوشحال بشویم که آقا شما بالاتر از این هستید که در سیاست دخالت بکنید شما يك رجل روحانی هستید، شما باید مردم را تهذیب اخلاق شان بکنید، اخلاق برای مردم بگوئید و امثال این حرف ها. هم منبرها را از محتوایی که باید داشته باشد که آن دخالت در امور سیاست و مملکت است و هم مسجدها را و هم سایر طبقات روحانیون را و هم حوزه علمیه را از آن محتوایی که اسلام از اول می خواسته اینها باشند و این کارها را بکنند، حوادث واقعه باید به روحانیین رجوع بشود. حوادث واقعه چه چیز است، حادثه ها، همین حوادث سیاسی است، حالا احکام جزء حوادث نیست و اما (الحوادث الواقعه) رجوع کنید به فقها حوادث همین سیاست هاست، این حادثه ها عبارت از این است که برای ملت ها پیش می آید، این است که باید مراجعه کنند به کسانی دیگری که در رأس مثلا هستند و الا مسأله گفتن، احکام شرعی جزء حوادث نیست، يك چیزهائی است که بوده است. در هر صورت من طلبه را و شمای خطیب را از آن خاصیتی که باید داشته باشیم، از آن خاصیت انداختند و این بزرگترین جرمی بود که اینها مرتکب شدند. آن فشارهای رضا شاه، آنها معلوم بود که به جانی نخواهد رسید، فشار و زور کار را انجام نمی دهد و لهذا دیدید تمام شد آنها، با فشار نمی شد، نمی شد کار را درست کرد، با حيله باید کار را درست کرد، دست دوم این بود که با حيله به صورت اینکه من هوادار اسلام هستم من عدالت اجتماعی اسلام را قبول دارم حالا هم دست بر نمی دارد.

همین چند روز پیش از این در يك مجله ای دیدم که نوشته است که من از مردن نمی ترسم برای اینکه من يك آدم مسلمان هستم _ باز هم به خیالش که باز می شود _ در هر صورت آنکه برای ما مهم است این است که ما همانطوری که در این سه سال، بحمد الله واقع شد و تقریباً راه صد ساله منبری و محرابی رفت و سایر مردم و دانشگاهی ها راه صد ساله رفتند اینها، یعنی يك تحول روحی در تمام جوامع پیدا شد. آن منبری که اصلش یا جرات نمی کرد از ترس این مردمی که پای منبرش نشسته اند مطلب سیاسی را عنوان بکند یا خودش اعتقادش این بود که نه نباید این کارها بشود، در این یکی، دو سال دیدیم که متحول شدند به يك مردم متعهد که همان چیزی که در صدر اسلام مطرح بوده اینها مطرح کردند، محراب ها همانطوری که محراب های صدر اسلام بوده است متحول شدند، منبرها همانطور، بازار متحول شد، بازاری که برای خودش هیچ قائل نبود که در امور سیاسی داخل بشود در امور سیاسی و در متن سیاست داخل شد، دانشگاه ها متحول شدند، آنهایی که خیال می کردند که بعضی شان اسلام این نمی شود، تحرك ندارد، آنها فهمیدند که همه تحرك ها از اسلام است. قرآن کتاب تحرك است، جنبش است. آنها هم متصل شدند به شما، بازار هم متصل شد به همه، کارگرا هم متصل شدند به همه، کارمندان هم متصل شدند به همه، آخرش هم ارتش متصل شد. این يك مطلب الهی بود، نمی شود این را پای کسی حساب کرد که این کار را کرده، این را ما به پای خدا حساب می کنیم، خدا این کار را کرد، اراده خدا بود که منت بر همه گذاشت و همه اقشار را با هم متحد کرد به طوری که ارتش هم متصل شد، ژاندارمری هم متصل شد همه متصل شدند به هم و همه یکصدا يك مطلب را خواستند و آن مطلب اینکه ما جمهوری اسلامی می خواهیم، ما این رژیم را نمی خواهیم، این يك تحولی بود که بشر نمی توانست این تحول را درست کند، این تحول الهی بود، یعنی مقلب القلوب این کار را کرد، قلب ها را از آن وحشت بیرون آورد، از آن وحشتی که از این رژیم ها همه داشتند از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن تصمیم و شجاعت به ایشان داد به طوری که زن ها، بچه ها و مردها، همه به مبارزه برخاستند. کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید، مقابل توپ و تانک بیاید، این يك تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجاد فرمود و مادامی که ما این تحول را حفظ نکنیم و نهضت را به همانطوری که تا حالا آمده است حفظش نکنیم، برای ما پیروزی هست، جدیت بکنید. شما آقایان که وظیفه تان سنگین تر از سایر طبقات است، شغل شریف تر و مسؤولیت زیادت، آگاه کنید مردم را به اینکه يك چند قدم دیگر ما داریم که برسیم به اینکه همین طور که گفتید رئیس درست بشود، مجلس شورا درست بشود و قانون اساسی تصویب بشود، شما و من و همه اهل منبر و محراب و همه روحانیون و طبقات دیگر و همه دانشگاهی و دانشمندان موظفند که امروز همه با هم و همه مجتمع کوشش کنید که زود این مطلب بگذرد.

مخالفین ، با جمهوری مخالف نیستند ، با اسلام مخالفند

شما ببینید ما فراند می که می خواستیم بکنیم و همه ملت همراه بودند ، کسی مخالف نبود ، آنهایی که به اسلام اعتقاد نداشتند ، آنهایی که می خواستند که اسلامی توی کار نباشد تحریم کردند ، بعضی شان در کردستان تحریم کردند ، یک اشخاصی که کمونیست بودند و متصل به آنها ، در تهران هم شرکت نکردند ، چند طبقه و چند حزب ولو جمعیت کم بود . خوب ، در بعضی از شهرستان ها هم صندوق ها را سوزاندند و در بعضی جاها هم با تفنگ مانع شدند از اینکه بیایند رای بدهند . همین اشخاصی که برای رای به جمهوریت اسلامی کوشش می کردند که نشود ، از جمهوریش حرفی نداشتند ، از اسلامیش حرف داشتند و الا آنها جمهوری را ، اگر شرقی بودند جمهوری هست ، اگر غربی هم بودند جمهوری هست ، از اینش هیچ حرفی نداشتند ، کلمه اسلامیش را بردارید جمهوری جایش بگذارید ، همه مان رفیقیم ، اما یعنی چه ؟ یعنی ما اسلام را کنار بگذاریم تا آنها با ما رفیق بشوند که اسلام را کنار گذاشتند . حالا همان جمعیت ملاحظه کنید آنهایی که می گویند ما راهپیمائی می کنیم تا مجلس مؤسسان درست بشود ببینید چه اشخاصی هستند ، کی ها متصل شدند به هم و چه نظری دارند از این کار . نظر این است که مجلس مؤسسان شش ماه طول بکشد تا تعیین بشود اشخاصش ، دو ماه طول بکشد تا یکی یکی ، پانصد ، ششصد ، هفتصد نفر را تعرفه هایشان را ببینند و ببینند درست است یا نه ، این تقریباً حدود یک سال ، دو سه سال طول بکشد که مناقشات در یکی یکی اش ، این بعضی از این شیاطین بیایند یک ماه دو ماه معطل کنند سر یک ماده ای از این قانون . آنوقت چه بشود؟ این ریشه هائی که الان زود قابل کردن و دور ریختن است ، اینها جان بگیرند ، اینها به هم متصل بشوند؟ این اشخاص مختلف به هم متصل بشوند ، با اتصال به هم مانع بشوند از اینکه اصل رای داده بشود (جمهوری اسلامی) با اتصال به هم همچو بکنند که مسائل سابق دوباره عود کند . در اصل مقصد این است منتها در بین اینها بعضی در اشتباهند ، سوء نیت ندارند ، اطلاعاتشان ناقص است ، اشتباه دارند ، در تحت تأثیر آنهایی که سوء نیت دارند واقع می شوند و بعضی شان سوء نیت دارند و روی نقشه دارند کار می کنند اینهایی که با هم دارند متصل می شوند شما مطالعه کنید ، چه جمعیت هائی بودند ، آیا بازاری هستند ، آیا منبری ها هستند آیا محرابی ها هستند یا یک دسته هائی هستند که این دسته ها هیچ کدام یک کار به اسلام کاری ندارند ، بعضی شان هم جدا مخالف با اسلامند . اینهایی که می گویند ما از دیکتاتوری پهلوی خارج شدیم به دیکتاتوری عمامه و کفش رسیدیم ، از دیکتاتوری نمی ترسند حاضرند که یک کمونیست بیاید دیکتاتوری کند ، از آخوند می ترسند ، از عمامه و کفش می ترسند ، از اسلام می ترسند ، نه از دیکتاتوری . بدترین دیکتاتوری ها آنی است که در کمونیست هاست ، غرب آنطور دیکتاتوری ندارد ، اینها از او نمی ترسند ، اینها از اسلام سیلی خوردند از آنکه سیلی خوردند از آن می ترسند .

ما می خواهیم مملکت اسلامی درست کنیم ، نه غربی

و شما باید همه رفقاتان را ، تقریباً شاید بیشتر از هزار نفر شما رفیق دارید در اینجا ، همه اهل

این علم هستید (بیشترند الحمد لله ، خدا بیشترشان کند) شما بعد به تمام اینها ابلاغ کنید از قول من ، ابلاغ عاجزانه ، ابلاغی که يك نفر فقیر دستش را دراز می کند که منابر ، در منابر بگوئید که مجلس مؤسسان به آن معنا ملت نمی خواهد . به مردم حالی کنید مطلب را . مساءله ، مساءله اقتصاد نیست ، مساءله خانه نیست که من بتوانم از خانه بگذرم ، از اقتصاد بگذرم ، مساءله ، مساءله قرآن است . می توانیم ما بگذریم از قرآن؟! ما نمی توانیم بگذریم از این . آن که می گوید مجلس مؤسسان اگر نباشد ما تحریم می کنیم ، این همین کمونیست ها هستند که آن را تحریم کردند ، حالا هم باز همین حرف را می زنند ، یا يك کسی است که اشتباه دارد اشتباهش باید رفع بشود . اینها نظرشان این است و اشخاصی که حسن نیت دارند ، توجه به این ندارند ، نظرشان به این است که تعویق بیندازند . هی تعویق ، تعویق ، تعویق و مجلس مؤسسان به آنطوری که در غرب هست و ما همیشه باید تقلید از غرب را بکنیم و مع الاسف دست برداشتیم از این غربزدگی ، آن مجلس مؤسسان شش ماه می خواهد تا آن افراد تعیین بشوند ، هفتصد نفری ، هشتصد نفر ، اگر کارشکنی نکنند در آن ، بعد هم چند ماه می خواهد اصلا يك مجلسی درست بشود ، آئین نامه اش نوشته بشود ، بعد هم خدا می داند چقدر می خواهد تا رسیدگی به آن طوری که شیاطین می خواهند ، رسیدگی بکنند . ما می خواهیم يك مملکت اسلامی درست کنیم ، ما نمی خواهیم يك مملکت غربی درست کنیم ، ما حقوقدان غربی لازم نداریم ، اصلا صلاحیت ندارد آن کسی که حقوق به معنای حقوقدانی غربی و غربزدگی دارد ، او صلاحیت ندارد که در قانون ما دخالت بکند و با قانون اساسی مسکورا نمی خواهیم درست بکنیم ما قانون اساسی آمریکا را که نمی خواهیم ، ما می خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم . اسلام شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد ، اسلام شناس روحانیون هستند و بعضی از اشخاصی که در روحانیت داخل هستند ولو از صنف دیگر هستند لکن اطلاعات اسلامی سیاسی دارند و ما همین ها را می خواهیم تعیین کنیم یعنی نه اینکه ، ملت ما همین ها را می خواهد . ما تبلیغ می کنیم ، شما هم تبلیغ بکنید يك همچو اشخاصی باید تعیین بشوند . حالا الان وظیفه همه شما آقایان و رفقا و برادرهایتان و ما و دوستانمان همه باید توجه مان الان به این باشد که این طرحی که دولت می دهد صحیح است و همه تأیید کنیم دولت را تا رفراندم بگذارند قانون اساسی را . دیشب بود که در روزنامه دیدم که سفیر سوئیس گفت که قانون اساسی در این مملکت به رفراندم گذاشته می شود و در همه جا این رسم هست ، برویم سراغ وزارتخانه اش آن هم نه ، برویم سراغ اداراتش آن همه نه . ما همچو چیزی نمی خواهیم ، ملت ما می خواهد که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند ، یعنی هر کس وارد هر وزارتخانه‌ای بشود خیال کند که وارد شده در يك معبدی ، يك جائی که مردمش آنجا هستند مردم صالحند . اگر وارد شد در ژاندارمری ، مثل سابق نباشد که رضاخان وارد شده بود آنوقت نوشته بودند که وارد شد در ژاندارمری دست گذاشته بود در جیب هایش گفته بود می ترسم بدزدند . اینجور نباشد . سردارهای جنگ های اسلامی امام جماعت هم بودند . همان سرداری که می فرستادند حاکم کجا بود ، یا می فرستادند رئیس لشکر کذا بود ، امام جماعت هم بود ، آنها صالح بودند (نه ، امام جماعت که چیزی نبود ، نه) آنها صالح بودند . ما حالا می خواهیم آنطور باشد که آن رئیس

ستادمان هم همچو باشد که به او اقتدا بکنند ، نخست وزیرمان هم همچو باشند که به او اقتدا کنند ، به ایشان اقتدا بکنند ، ما می خواهیم اینطور باشد ، ما می خواهیم همچو باشد که هر جای مملکت که بروید این اسلام را آنجا ببینید . مقصد ما این است ، مقصد ما این نبود که يك لفظی بگوئیم که ما جمهوری اسلامی می خواهیم باقیش دیگر هیچی . حالا باید این کارها را انجام بدهیم و الان چیز مهمی که نظر همه تان باید باشد همین است که این طرحی که دولت داده است که باید عده ای را ، هفتاد و پنج نفر را مردم تعیین بکنند ، بعد از این تعیین اینها را بررسی بکنند و بعد از او رفراندم بشود ، این طرح را قبول کنید و به مردم هم تزریق کنید که همین طرح صحیح است ، باقیش برای اینکه می خواهیم این زود بگذرد ، باقیش معطل کردن است و باقیش توطئه و چیز است و می خواهند با هم جمع بشوند شیاطین . من متشکرم از شما که آمدید با من از نزدیک ملاقات کردید و درد دل های مان را با هم بگوئیم . خداوند انشاءالله همه شما را تأیید کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 132

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی جوانان و حزب جمهوری اسلامی و فرهنگیان شهرستان ملایر

قدرت اسلام عامل تجمع طوایف مختلف در زیر یک سقف

بسم الله الرحمن الرحيم

این قدرت اسلام است که طوایف مختلفه را در زیر یک سقف جمع کرده است. قبل از این يك همچو اتفاقی نمی افتاد که از بیجار، از دورود، از ملایر، از خوزستان و از جاهای دیگر با ما ملاقات کنند، مطالبشان را بفرمایند، ما هم مطالبی عرض کنیم. لکن قدرت اسلام قوه ایمان، این مطلب را محقق کرد که الان ما اشخاص مختلف المحل در يك جا مجتمع هستیم و مطالب خودمان را می گوئیم.

مطلب همان است که مکرر عرض کردم و باید تاکید کنم که ما يك مطلب حتمی داشتیم که دشمن های خودمان را عقب بزنیم و آنها را از مملکت بیرون کنیم و موانع را مرتفع کنیم که الحمدلله شده است و اگر هم مانده است، يك ریشه گنبدیهای هست این، و يك مطالبی داریم که در مقام سازندگی کشور است. در راس همه قضیه قانون اساسی است. . . . به اسم تمدن بزرگ همه را به هم بریزد، لکن ما باید اول اصول مطلب را درست کنیم، ایرانی داشته باشیم، اسلامی داشته باشیم، تا بعد راجع به آبادی این و راجع به فروعش صحبت کنیم.

الان مطلب این است که دشمن شما، دشمن های اسلام الان مشغول توطئه هستند و مشغول جمع آوری قوا هستند و می خواهند يك توطئه ای بکنند و توطئه ای که آنها می خواهند بکنند قبلا هم در صدد بودند که نگذارند. . . .

. . . خوب امریکاست که دارد و به همه جا می دهد و ما هم از آنجا باید بخریم. اگر کشاورزی ما تحقق پیدا بکند، ما خود کفا هستیم، بلکه زیادتر داریم. مملکت ما يك مملکت کشاورزی است، زیادتر از مقدار خودش دارد. اگر یکی از استان های ایران درست کشت شود، مثل خراسان، مثل آذربایجان کافی است برای مملکت ما، باقیش را باید بفروشیم. اینها آمده اند نمی گذارند. این به نفع کیست؟ به نفع آمریکا. پس این دلیل بر این است که اینها برای آمریکا دارند کار می کنند. کارخانه ها را نمی گذارند که جریان پیدا بکند. این به نفع کیست؟ به نفع اجنبی. پس اینها برای اجنبی دارند کار می کنند اینها ادعا می کنند که ما صلاح ملت را می خواهیم، صلاح مملکتمان را می خواهیم. خیر، اینها اعمالشان بعکس است.

الان ما می خواهیم قانون اساسی يك مملکتی را درست کنیم و به نظر ملت برسانیم، خوب يك

همچو چیزی ، يك همچو امر مهمی را اینها حالا افتاده اند دوره که نه ، ما می خواهیم مجلس مؤسسان باشد . و آن مجلس مؤسسان عریض و طویلی که ششصد ، هفتصد نفر باید جمع بشوند که اگر بخواهد اصلش تحقق پیدا بکند ، يك شش ماهی لازم است تا مجلس مؤسسان درست بشود و بعد هم افراد مختلف ، افراد مغرض نمی گذارند که این قانون درست تحقق پیدا بکند و نظرشان به این است که طول بکشد . يك چیزی که با دو ماه می شود اصلاحش کرد ، به دو سه سال ، سه چهار سال طولش بدهند و آنها توطئه ها را بکنند ، کارهایشان را انجام بدهند و اجتماعاتشان را با هم بکنند و یکدفعه نه اسلام و نه کشور و نه قانون اساسی و همان حرف های سابق .

لزوم شرکت در جهاد سازندگی به عنوان يك وظیفه الهی

الان همه ما که در اینجا مجتمع هستیم ، شما که از بیجار آمده اید ، آقایانی که او دورود آمده اند ، آقایانی که از ملایر آمده اند ، آقایانی که از اهواز آمده اند ، همه ما باید با هم دست به هم بدهیم که این مرحله اصلی را ، اینها را محقق کنیم مراحل بعد آسان است دیگر . مهم این است که این مراحل بگذرد که مملکت ما يك حکومت مستقر پیدا بکند ، يك رئیس جمهوری پیدا بکند ، يك مجلس شورا پیدا بکند که اساس حکومت که اصل است تحقق پیدا بکند ، بعد برویم سراغ اینکه گرفتاری داریم . و الان هم دولت در صدد این است که به طور گسترده در همه جا مشغول بشوند به پاکسازی و مشغول بشوند به کار . که همین امروز هم پیامش را ما خواهیم داد به همه ملت که جهاد سازندگی يك کاری است که باید بشود و همه ملت ، همه مردم موظفند که در کار شرکت کنند و اگر با همه ملت این کار شروع بشود ، ایران بعد از چندی يك ایران آباد انشاءالله خواهد بود . من از خدای تبارك و تعالی سلامت و سعادت همه شما آقایان را می خواهم و متشکرم از شما که از بلاد دور آمدید و در يك اتاق تنگ و تاریکی نشستید و عرق می ریزید .

انشاءالله خداوند همه تان را تأیید کند .

بیانات امام خمینی به ملت ایران در مورد تشکیل جهاد سازندگی

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت، ملتی که بحمدالله مهیا برای کمک و فداکاری بوده و هستند. با فداکاری ملت بحمدالله مراحل را بسیار اهمیت داشت پشت سر گذاشتیم. موانع مرتفع شد، خائنین رفتند و اگر تتمه ای هم باشد با همت ملت خواهند رفت، لکن این دیوار شیطانی بزرگ که شکست، پشت آن دیوار خرابی های زیاد هست و ما باید به همت ملت آن خرابی ها را ترمیم کنیم. ناچاریم که به ملت متوجه بشویم برای سازندگی برای اینکه ترمیم کنیم این خرابی که در طول مدت حکومت جائر پهلوی در مملکت ما حاصل شده است و بحمدالله ملت ما راجع به سازندگی این مهیا بودن خودشان را اعلام کرده اند. دانشجوهای عزیز، متخصصین، مهندسین و بازاری، کشاورز، همه قشرهای ملت داوطلب برای این است که ایرانی که به طور مخروبه به دست ما آمده است بسازند، از این جهت باید ما بگوئیم يك جهاد سازندگی، موسوم کنیم این جهاد را به جهاد سازندگی که همه قشرهای ملت، زن و مرد، پیر و جوان، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین، شهری و دهاتی همه با هم باید تشریک مساعی کنند و این ایران را که خراب شده است بسازند و البته آن جاهائی که بیشتر خرابی هست مثل آنجاهایی که روستاها، جاهائی که مسکن عشائر هست، دهات دور افتاده که تقریباً هر کدام از گروه ها می آیند شکایت از وضعشان دارند می گویند برق نداریم، خانه نداریم، آب نداریم، اسفالت نداریم، بهداری نداریم و همه هم صحیح می گویند، بنابراین بوده است که اینطور ایران را خراب کنند و الان که بحمدالله آن سد شکسته شد، برای مرحله ثانی که مرحله سازندگی است، ما دستمان را پیش ملت دراز می کنیم و از ملت می خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند و این سازندگی و جهاد سازندگی را شروع کنند و البته ماءمورین دولت در هر جا آنها هم مردم با آنها تشریک مساعی کنند در تحت نظر اشخاص کارشناس، دولت کارها را انجام بدهند و روحانیونی که در همه جا در بلاد بحمدالله هستند، در این امر آنها هم تشریک مساعی کنند، نظارت کنند و من به همه ملت، به همه اشخاص که در این روستاها و دهات بسر می برند، پس از اینکه به همه شان دعا می کنم و عرض ارادت، يك سفارش دارم و آن اینکه توجه کنند کسانی که برای ساختن و برای سازندگی و برای جهاد سازندگی در دهات می آیند در روستاها می آیند، توجه کنند که مبدا خدای نخواستہ در بین آنها يك اشخاصی باشد که بر خلاف رویه ملت،

بر خلاف اسلام مسائلی داسته باشند . اگر يك همچو اشخاص دیدند ، فورا آنها را از ده کنار بگذارند و نگذارند در بین جوان های ما ، در بین روستائیان ما تبلیغات سوئی بکنند . انشاءالله خداوند به همه ملت و به همه کسانی که در این راه تشریک مساعی می کنند و این وظیفه اخلاقی شرعی را ادا می کنند ، به همه توفیق عنایت کند . همه موفق باشند که در این جهاد شرکت کنند و آن خرابه ها را بسازند و برادران خودشان را کمک کنند که شاید هیچ عبادتی بالاتر از این عبادت نباشد . بلکه من می خواهم از اشخاص که برای زیارت ها ، برای مکه معظمه ، برای مدینه منوره می خواهند بروند لکن به طور استحباب می خواهند بروند ، من می خواهم از آنها هم تقاضا کنم که شما برای ثواب می خواهید بروید مکه مشرف بشوید ، می خواهید بروید مدینه منوره ، عتبات عالیات مشرف بشوید ، امروز ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید و این سازندگی را همه با هم شروع کنید که ایران خودتان درست ساخته بشود و برادرهای خودتان نجات پیدا بکنند خداوند به همه شما اجر عنایت می کند و همان ثوابی را که شما از زیارت ها می خواهید ، خداوند به شما در این جهاد خواهد داد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 136

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم تهران نو ، نمایندگان کارکنان کشتارگاه اصفهان و عشایر کرد

توجه کنید که ما مسلمانیم و فقط قانون اسلام را می خواهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

از برکات این انقلاب است که برادرها همه دور هم جمع شده اند ، شما آقایان که از کردستان ، از اصفهان و از جاهای دیگر همه با هم جمع شدید تا مطالبی را که داریم در میان بگذاریم .

شما همه می دانید که در این پنجاه و چند سال در مملکت ما به جوان های ما چه گذشت و خزائن این مملکت چطور به باد رفت و نیروهای این مملکت چطور عقب ماند . حالا که بحمد الله به واسطه اجتماع همه این سد بزرگ شکسته شد و قشر خائن یا کشته شد و یا فرار کرد ، حالا ما باید در این فکر باشیم که الان تکلیف مان چیست . همان هائی که رفرا ندیم را تحریم کردند ، همان می خواهند که نگذارند قانون اساسی را به تصویب برسانیم چون این قانون اساسی اسلام و جمهوری اسلام است و اینها از اسلام می ترسند و لذا می خواهند نگذارند جمهوری اسلامی در ایران مستقر بشود . قبلا می گفتند که ما جمهوری می خواهیم و به اسلام هیچ کاری نداریم ما جمهوری دموکراتیک یا جمهوری غربی می خواهیم . ولی ما مسلمان هستیم و مسلمان نمی تواند از اسلام بگذرد . مسلمان از همه چیز می تواند بگذرد اما از اسلام نمی تواند بگذرد . این عده قلیلی که می گفتند که ما جمهوری و یا جمهوری دموکراتیک می خواهیم ، آنها در اقلیت بسیار ضعیف واقع شدند . ما که می خواهیم قانون اساسی جمهوری اسلامی را بگذاریم اینها به فکر افتادند که این را هم نگذارند تحقق پیدا کند و لذا می گویند باید مجلس مؤسسانی نظیر مجلس غرب در اینجا باشد و ششصد یا هفتصد نفر عضو داشته باشد . اولاً چند ماه طول بکشد تا اعضاها تعیین بشوند و ثانياً چند سال طول بکشد تا تصویب بشود و این تأخیر بدان جهت است که شاید بتوانند ریشه گندیده دور هم جمع بشوند و يك مفسده ای بار بیاورند . شما آقایان باید توجه داشته باشید که طرحی که دولت داده است طرح صحیحی است و باید زودتر مطلب را تمام کرد که مبادا اینها دوباره اجتماعی بکنند و همان مفاسد سابق را پیش را پیش بیاورند . بعضی از این افراد در کردستان باز همین معنا را تحریم کرده اند که ما مجلس مؤسسان می خواهیم و الا تحریم می کنیم . آنوقت هم رفرا ندیم را تحریم کرده بودند و الان هم همان ها هستند آنهائی هستند که با اسلام مخالفند . ما به مردم می گوئیم شما نماینده های خود را تعیین کنید و حدود هفتاد و پنج نفر بنا شده است تعیین شوند تا بیایند این قانون را بررسی کنند . تمام مردم نماینده های خود را بفرستند ، بعد از

اینکه این نماینده ها قانون را قبول کردند آنوقت به راءى مردم گذارده مى شود و يك روز مطلب تمام مى شود و تمام جريان ، دو ماه بيشتر طول نمى كشد ، نه سه سال و چهار سال طول بكشد تا از آن طرف مرزها به اين طرف و از داخل هم ايدى آمريكا و انگلستان و جاهای ديگر دست به هم بدهند و غائله اى پيا كنند .

شما عشاير محترم خرابكاران را در بين خود راه نداده هدايت شان كنيد

ما مى خواهيم هر چه زودتر مملكت ما مملكت اسلامى بشود و همه شما همين معنا را مى خواهيد . شما هم كه به كردستان مى رويد سلام را به همه دوستان برسانيد و بگوئيد اساس اين است كه مى خواهند همان رژيم سابق يا نظير آن را پيش بياورند و آنها را بايد در بين خود راه ندهيد ، از آنها اعراض بكنيد يا هدايتشان بكنيد . شما هم براى ملت مى خواهيد كار بكنيد ، بيايد كمك كنيد ، چرا كارشكنى مى كنيد؟ رفرا ندوم مى خواهيم بكنيم ، شما كارشكنى مى كنيد خرابكارى مى كنيد قانون اساسى اسلامى مى خواهيم درست كنيم باز هم شما خرابكارى مى كنيد . پس شما يك دسته خرابكار هستيد ، نه يك دسته ملي . شما مى خواهيد همان مسائل را دوباره برگردانيد و ما هم انشاءالله نمى گذاريم . انشاءالله همه شما سالم باشيد ، همه موفق باشيد ، همه مويد باشيد و سلام من را به همه دوستان در همه جا برسانيد . خداوند همه را حفظ كند .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن ندای اسلام قم

باید تمامی هم و غمتان متوجه مسائل اصولی مثل تصویب قانون اساسی باشد .

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض می‌کنم که اول باید تشکر کنم از شماها که در جنوب شهر يك همچو فعالیت ها را می‌کنید و این يك جهاد بزرگی است برای شما و خداوند شما را انشاءالله تأیید می‌کند. قضیه اینکه برای رفاه آنجا، برای چی آنجا، اینها همه در نظر گرفته شده است و شاید زود هم این کارها بشود. بنابراین است که در همین جهاد برای ساختن، جهاد سازندگی، به قشرهای پائین تر بیشتر توجه بشود و جنوب شهری ها و روستاها و اینها، بیشتر به آن توجه بشود، اینطور نیست که از آن غفلت بشود.

البته خوب يك قدری معطلی دارد، يك قدری مسائل مشکل تر که اساسی تر است الان در کار است. شما می‌دانید که الان قضیه قانون اساسی در کار است، قضیه قانون اساسی، اساس حکومت اسلام است. ما اساس حکومت را باید درست بکنیم و بعد برسیم سراغ اینکه کارهای حکومت باید چه باشد. و غالباً البته در هر انقلابی وقتی که يك پیروزی حاصل شد، آنوقت مردم متوجه به گرفتاری خودشان می‌شوند. قبل از پیروزی توجه دارند به اینکه برسند به پیروزی وقتی که فهمیدند حالا پیروز شدند يك سستی پیدا می‌شود، توجه به گرفتاری ها زیاد می‌شود، نظیر اینکه يك قافله ای وقت که از این منزل می‌خواهد به يك منزل دیگری برود مثلاً چهار فرسخ مثل قوافل سابق تا توی راه بودند خستگی نبود همچو که می‌رسیدند به منزل، آنجا خستگی حاصل می‌شود، خستگی توی منزل حاصل می‌شود. آنوقت دیگر اگر به آنها می‌گفتند که پا شوید يك نیم فرسخ دیگر بروید نمی‌توانستند، آنجا چون رسیدند به منزل سستی می‌کنند. قضیه انقلابات هم اینطوری است که وقتی که همه داریم با هم حرکت می‌کنیم که آن سد را بشکنیم خسته نمی‌شویم، سستی پیدا نمی‌شود، هر چه جلو می‌رویم قویتر می‌شویم. وقتی که رسیدیم به يك جایی که سد را شکستیم و اعتقادمان این شد که الحمدالله پیروز شدیم، آنوقت بر می‌گردیم سراغ اینکه زاغه نشینان وضعشان چه جوری است؟ اداره ای ها وضعشان چه جوری است؟ ارتش ها وضعشان چه جوری است؟ مردم کوچه و بازار را باید چه کرد؟ مدارس را باید چه کرد؟ اینها برای این است که ما خودمان را پیروز فرض کردیم. حالا بر می‌گردیم به مسائل خودمان. اگر در این انقلاب درست دقت کنیم پیروزی ما در آنوقتی است که آن مسائل اصلی ما لااقل درست تحقق پیدا بکند. از مسائل اصلی ما یکیش تحقق پیدا کرده است و آن رفرا اندم برای جمهوری اسلامی است، اما

قانون اساسی که اساس يك مملکت است و بعد هم مجلس شورا که باید باشد در يك مملکتی، رئیس جمهور باید باشد، این مراحل باز برایمان مانده است. اگر بنا باشد که ما حالا به خیال خودمان پیروز شده باشیم، آنوقت من که طلبه هستم بروم سراغ طلبگی خودم و شما آقایان هم بروید هر کدام سراغ کارهای خودتان، گرفتاری های خودتان، این مسائل اصلی ممکن است يك وقت خلا به آن وارد بشود و خطرناک است به نظر من می آید که شما، همه آقایان، همه قشرها، زن ها، مردها، دانشمندا، غیر دانشمندا، همه الان همشان را صرف این بکنند که این قانون اساسی به تصویب برسد. یعنی کسانی که می خواهند مخالفت با این بکنند الان زیادند، زیادند که مخالفت می خواهند بکنند و عمده مخالفتشان هم همین است که نمی خواهند اسلام تحقق پیدا بکند آنها می ترسند از اسلام چنانچه اربابانشان هم از اسلام می ترسیدند.

الان همه ما تکلیفمان این است که گرفتاری های خودمان را که زیاد است، من می دانم گرفتاری زیاد است، گرفتاری زاغه نشینان را می دانم چقدر زیاد است، گرفتاری های خودمان را عجالتا تا یکی دو سه ماهی که این قانون اساسی باید تصویب بشود و مجلس شورا درست بشود و رئیس جمهور تهیه شود، عجالتا اینها را يك قدری سبک بگیریم، خیال نکنیم مطالب اینهاست. اصول را باید ما حفظ بکنیم، وقتی اصول تحقق پیدا کرد اینها فروغش است. باید هم اینها بشود، شکی نداریم که باید بشود. در عین حالی که اینطور است، معذک خوب دولت بنا گذاشته است که این کار را بکند اما حالا آنی که به نظر من بسیار اهمیت دارد و شیاطین دارند کارشکنی می کنند این است که همین جوری که طرح کرده دولت و صحیح هم هست، این قانون اساسی را منتشر کنند، بعد هم يك عده 75 نفری را تعیین کردند که مردم آنها را خودشان انتخاب کنند. آنها هم بررسی کنند در قانون اساسی بعد هم به رفتار مردم بگذاریم و آنها هم راءی بدهند که قانون اساسی مان درست بشود چون اساس است. دنبال آن مجلس شورا درست بشود آن دیگر آسان می شود کارها. وقتی ما این اساس را درست کردیم، آنوقت بیاییم سراغ اینکه باید چه بکنیم راجع به جهات دیگر. البته نمی گویم حالا این فعالیت نشود، اینها هم باید بشود اما تمام هممان صرف این نشود که ما مثلا زاغه نشینانمان چطور است، یا مثلا مدارس مان چطور است، یا محله مان چطور است، همه هم ما صرف این نشود. و مهم مان این قضیه باشد که اساس مسأله اصل باشد، ما اساس مسأله را درست بکنیم و بعد بیاییم سراغ این متفرعاتش. حالا هم این فعالیت ها می شود، مشغول هستند، از این طرف خانه سازی شروع کردند دیگر برای خانه سازی، منتها از بیرون، از کناره ای ایران می آید جلو، از این طرف هم برای این جهادی که هست این هم انشاءالله دارند عمل می کنند و همه قوا بحمدالله بسیج می شوند برای این کار و این کارها امید است که زود هم درست بشود. اما چیز مهم این اصول است، قانون اساسی مهم که يك دسته الان افتادند تو دور که نه، مجلس باید مجلس مؤسسان باشد، چون در غرب مجلس مؤسسان بوده، آقایان هم میل دارند مجلس مؤسسان باشد و اینها هم نه اینکه برای مجلس مؤسسان دلشان سوخته، اینها می خواهند مطلب را به تعویق بیندازند، معطل کنند بلکه آن ریشه های گنبدیده ای که دارند به هم متصل می شوند قوه پیدا

کنند بیابند اساس را از کار بیندازند .

تکلیف بر گسترش مساجد ، این مراکز تبلیغات اسلام و بسیج قشون

الان ما باید همه هممان را صرف این قضیه بکنیم . اینها البته مورد توجه هست ، همیشه مورد توجه بوده و ما امیدواریم که همه مسائل بعد از اینکه يك استقراری حکومت اسلامی پیدا کند و ما بتوانیم انشاءالله حکومت اسلامی آنطور که اسلام می خواهد چه بشویم ، اول نظر راجع به مستمندان ، اول نظر ، همانطور که اسلام اینطور می گوید ، اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آنهاست .

سخنگوی انجمن : اگر اجازه بفرمائید مسأله مهمی که مطرح است که اول خدمتتان عرض کردم ، آن مسأله تبلیغاتی است که در جنوب شهر خیلی کم است .

امام : خوب ، اینها هم باید در مقابلش بشود ، اینها هم باید بشود . می دانم باید مساجد ، انشاءالله در يك طرحی می شود که ، باید بروند سراغ مساجد . مساجد باید مرکز ، همانطور که صدر اسلام مرکز سیاست بوده مساجد ، مساجد مثل اینها نبوده است که فقط مرکز چه باشد . خطبه نماز جمعه ، خطبه سیاسی بوده همیشه . مساجد مرکز بسیج قشون بوده ، مرکز تبلیغات اسلام بوده است .

اینها انشاءالله تدبیر می شود .

سخنگوی انجمن : چون به اصطلاح ضد انقلاب ، از همین مسأله سوء استفاده می کند .

امام : بله می دانم اینها را ، می دانم اینها را .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به زیستکار دستن رئیس جمهور فرانسه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رئیس جمهور

برای پذیرائی و مهمان نوازی که در مدت اقامت در فرانسه از من به عمل آوردید تشکر می کنم .

از کشور شما بود که من توانستم ندای حق و حقیقت را به ملت ستمدیده ایران برسانم و انقلاب استثنائی ایران را رهبری کنم . انقلابی که سال های متمادی در حال تکوین بود و دلیل نضج آن فساد و ظلمتی بود که در تمام کشور حکفرما و علت اصلی آن وجود سلطنتی بود که از خارج حمایت می شد .

روابطی که ما را به فرانسه پیوند می دهد همواره بر مبنای اخلاقی و تمدن های ما احترام متقابل پایه گذاری شده است . بنابراین تعجب کردم وقتی دریافتم بعضی از محافل فرانسوی برای محکومیت جنایتکاران ، غارتگران و فاسدان رژیم منحل گذشته که مرتکب جنایات عظیمی نسبت به مردم کشور شدند و طبق اصول اسلامی و قرآن مجید مقصر شناخته و محاکمه شدند دخالت می کنند . آنان باید احساس همدردی و توجه بیشتری نسبت به انقلاب ما از خود نشان دهند . انقلابی که ما را از یوغ امپریالیسم و ستم پادشاهی مستبد که جنون عظمت و خود بزرگ بینی داشت رها کرد .

این قادر متعال است که به ما کمک کرد و ما را از چنگال عامل بدبختی ها و نابسامانی ها رهائی بخشید . ما دست شما را می فشاریم و امیدواریم که روابط دوستی مان بیش از پیش توسعه یابد و استحکام یابد .

آقای رئیس جمهوری خواهشمندم مراتب حق شناسی من و آرزوهای مرا برای سعادت ملت فرانسه بپذیرید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران مسجد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تهران

به غیر اسلام نباید فکر کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که همه ما پاسداران اسلام باشیم . من امیدوارم که همه مسلمین از پاسداران قرآن کریم باشند و همه مسلمین از پاسداران امام زمان باشند . من از شما پاسدارها که لباس پاسداری پوشیده اید تشکر می کنم . در هر جا هستی پاسداری کنید از این نهضت طرفداری کنید و از آقای بطحائی هم تشکر می کنم که زحمت کشیدند و با شما آمدند اینجا .

ما آنچه مقصدمان است اسلام است ، به غیر اسلام نباید فکر کنیم ، به غیر قوانین اسلام نباید فکر کنیم . مقصود ما این است که هر جای این مملکت برویم اسلام را ببینیم ، اینطور نباشد که رای بدهیم به جمهوری اسلامی لکن هر جا برویم از اسلام خبری نباشد . جمهوری اسلامی معنایش این است که يك جمهوری باشد و قوانینش همان قوانین اسلام . تمام قوانینی که غیر از قانون اسلام است ، قانون نیست ، مورد رضای ما و ملت ما نیست . ملت ما که به خیابان ها ریختند ، به پشت بام ها رفتند و شب و روز زحمت کشیدند ، جوان هایشان را دادند ، خونشان را دادند ، برای اسلام بود ، اگر اسلام نبود همچو کاری نمی کردند .

این تحولی بود که به دست خدا واقع شد

اسلام بود که شما را راه انداخت و به شما همچو قدرتی داد که در مقابل این قدرت های شیطانی بزرگ ایستادید و نترسیدید ، این غیرتی بود که خدا به شما داد و الا ما که بندگان ضعیفی هستیم و چیزی نداریم ، همه مان در مقابل این تفنگ عاجزیم و همین ما که در مقابل يك تفنگ عاجز بودیم و از يك پاسبان می ترسیدیم ، همین ملتی که از پاسبان می ترسید ، خدا يك قدرت به همه ما داد که بیایم در خیابان و فریاد بزنیم که ما این رژیم را نمی خواهیم . این قدرتی بود که خدا به شما داد و باید از خدا تشکر کنیم ، این قدرتی بود که ایمان به خدا بعدا به شما داد ، این تحولی بود که به دست خدا واقع شد . الان هم باز جوان هائی می آیند پیش من و می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم ، ما شهادت را می خواهیم .

این يك تحولی بود که برای این ملت پیدا شد و گرایش زندگی این دنیا خیلی مطرح نبود ، شهادت را می خواستند . اگر چنانچه دنیا و این امور مادی و این زندگی مطرح بود نمی رفتند در مقابل توپها و در

مقابل تانك ها و مسلسل ها . آنان در مقابل توپ و تانك رفتند ، از بچه كوچك گرفته تا بزرگ ها ، از دانشگاهي تا علمای مذهب ، از بازاری تا كارگر و ارتشی .

حفظ عنایت خدا منشاء تمام پیروزی هاست

ارتشی که سال های طولانی اینها برای خودشان درست کرده بودند ، دیدید که در ظرف مدت کمی پشت به آنها کرد و رو به شما آورد . این قدرت خدا بود ، این چیزی بود که خدا به شما عنایت کرد و باید این عنایت خدا را حفظ کنید . حفظ این عنایت خدا که منشاء همه پیروزی هاست به این است که قدم های دیگری هم بردارید ، همه با هم پشتیبانی کنیم ، همانطوری که در اول ، این نهضت با ایمان پیش رفت و اجتماع همه شما به واسطه ایمانی که در دلتان بود سبب شد که يك همچو قدرت شیطانی را درهم کوبیدید . این يك عنایتی بود ، عنایت خاصی بود از خدای تبارك و تعالی و لذا حساب همه اشخاصی که به مادیات فکر می کردند ، آن اشخاصی که توجه به معنویات نداشتند هم حساب هایشان باطل شد ، ولی حساب هائی که روی دنیاست و به معنویات نظر ندارد ، روی آن حساب ، حق با آنها بود که به معنویات نظر نداشتند امکان ندارد این قدرت از بین برود این را مکرر می گفتند ، خصوصا این آخر که در پاریس دستجات می آمدند و بعضی ها نه اینکه سوء نیت داشتند ، خیرخواه بودند لکن اشتباه داشتند و روی حساب مادیت ، روی حساب های دنیا و اهل دنیا ، نباید يك ملتی که هیچ ندارد ، حالا چهار تا اسلحه های که دارید قبل از انقلاب که هیچ چیز نداشتید ، این غنیمت است که قبلا نداشتید ، جز يك مشت خالی ، يك ملتی که زن هایش همیشه در پرده بودند و پایشان را بیرون نمی گذاشتند ، يك ملتی که حاضر نبودند يك قدم برای امری بردارند ، در آنها يك تحولی واقع شد . تحول الهی که همین ملت با اینکه هیچ نداشتند ، بر آنها که همه چیز داشتند مقدم شدند مشت های شما با ایمانی که دنبالش بود ، بر این تانك های غول پیکر غلبه کرد . خون های جوانان ما بر مسلسل ها غلبه کرد . این چیزی بود که خدا به شما داد و باید این را حفظ کنید . الان به فکر این نباشید که به ما پاسدارها حقوق نمی دهند و یا کم می دهند . همانطوری که سابق در حال انقلاب بودید و در حال جلورفتن و شکستن ، يك کدام می نشستید فکر کنی که ما اگر شب به منزل برویم شام چی هست ؟ نه ، این فکر در ذهن هیچ کسی نبود و می دانم نبود اگر بود نمی آمدند جان بدهند . آن روزی که شما راه افتادید به میدان و توی خیابان ها ، آنها با ابزار غول پیکر و شما با مشت ، هیچ به فکر آن نبودید که حقوق مطرح نبود ، جان مطرح نبود . این روحیه شما را غلبه داد ، این چیزی که شما را غلبه داد مادامی که او هست شما پیروزید دعا کنید که باشد ، جدیت کنید که نگهش دارید . خدا به شما يك عنایتی کرده است که این عنایت را حفظ کنید ، نگهش دارید . تا آن قدم های اصولی و مسائل اصلی درست نشود ، تا آن کارها درست نباشد به فکر اینکه من حقوقم کم است و یا من رتبهام کم است به این فکرها نباشید . حالا باید همه همانطوری که از اول مقصد را نگاه می کردید و به مصائب خودتان توجه نداشتید ، حالا هم مقصد را نگاه کنید ، به مطالب خودتان توجه نکنید . بازاری حالا نباید به فکر منفعت بردن باشد ، کارگر به فکر این

نباشد که حقوقش کم است، دهقان به فکر این نباشد که امسال زراعت چطور است، باران آمده یا نه، اینها فکرهاست که شما را از این قدرت الهی باز می‌دارد. شما قیام‌لله کردید.

شما که موعظه خدا را پذیرفتید حافظ آن باشید

آن وصیتی که خدای تبارک و تعالی به پیغمبر اکرم فرمود این بود که به مردم بگو من يك حرف دارم، يك موعظه دارم، هیچ دیگر من نمی‌گویم، يك موعظه دارم (قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله) نهضت کنید برای خدا. يك نفری برای خدا نهضت کن، همه با هم برای خدا نهضت کنید. شما برای خدا نهضت کردید، دلیلش این است که جان را گذاشتید کف دست و راه افتادید در خیابان‌ها و فریاد کردید اسلام، این دلیل بر این است که شما برای خدا کار کردید، اگر اینکار برای خدا نبود، کسی جانش را نمی‌داد. میدانی که گلوله تفنگ دارد، مسلسل می‌بندند، توپ می‌آید، تانک می‌آید، سرباز مسلح است، این دلیل بر این است که برای خدا کار انجام دادید. همین وصیتی که خدا، موعظه ای که خدا کرده است عمل شد (اعظکم بواحدہ) این یکی (انما اعظکم بواحدہ) به ایشان بگو که من فقط يك موعظه دارم و آن اینست که نهضت شما، قیام شما برای خدا باشد. توی این همه چیز هست، در این يك کار و يك موعظه همه چیز هست. شما این موعظه خدا را پذیرفتید تا حالا، نگذارید از دست برود، قیام شما لله باشد، برای خدا، از حالا به بعد هم جدیت کنید. شما شب‌ها خیلی هاتان تا صبح بیدارید و آنوقتی که جوان باید بخوابد و درها بسته است، شما ایستاده اید و شما به دوستان تفنگ است، این اگر برای خدا نباشد، برای کیست؟ کسی زور به شما نگفته است. يك وقت این است که يك صاحب منصبی ایستاده آنجا و تفنگش را کشیده و می‌گوید باید بایستد، آن برای خدا نیست برای صاحب منصب است، برای تفنگ است. کسی حالا به شما فشاری نیاورده که پا شوید بایستید تا صبح.

این لله است، کار شما برای خداست. جوانی که باید در دل شب بخوابد و اقتضای جوانی است که بخوابد، نمی‌خواهید تفنگ را به دوش کشیدید، خودتان را در معرض هلاکت گذاشتید، شیاطین باز به دنبال هستند که خدای نخواستہ بزنند و شما ایستاده اید و دارید از اسلام طرفداری می‌کنید، این برای خداست. اگر برای خدا نبود، این چه کاری بود که انسان خوابش را کنار بگذارد که بیاید در جایی که معرض خطر است و از معرض اطمینان و از معرض آمال دست بردارد و بیاید در معرض این خطر و خواب عزیزش را از دست بدهد، این نمی‌شود مگر برای خدا. زور هم که نیست، هیچ کس هم به شما نگفته، فقط يك قدرت ایمان است. این را حفظ کنید، این همان است که شما را تا اینجا پیروز کرده است و همه حرف‌های مادیین را باطل کرده است. حرف‌های کمونیستی با همین کارها باطل می‌شود.

اگر فقط دنیاست و فقط همین است، این قدرت زمین زدن آن قدرت‌های بزرگ را ندارد، اگر دنیا بود معقول نیست که شما بتوانید قدرت بزرگ را از بین ببرید.

ما حالا باید قانون اساسی را آنطوری که برای اسلام باشد، تحکیم کنیم، تصویب کنیم و این هم باید زود تصویب شود. این طرحی است که دولت داده است، همین طرح صحیح است و اگر بخواهد آنطوری که این غربزده می گویند مبنی بر اینکه شما مطابق چیزهای دنیاسند یک مجلسی درست کنید با پانصد، ششصد نفر آدم و پانصد، هشتصد نفر آمدند یکی یکی بنشینند آنجا، این معانی اش آن است که ما تا دو سه سال دیگر بنشینیم و عزا بگیریم و آنان قوت پیدا کنند، طرحی است که یا از غرب ریخته شده است و یا از آنجائی که شاه در آنجاست. این طرح وارداتی است، آیا این طرح قبول است؟ ما می گوئیم زود کلك قضیه کنده شود و اسلامی بشود و الان همه ما باید در دنبال همان معنا باشیم و همین طرحی را که دولت گفته است، صحیح است. دشمنانتان می خواهند که جیب هایشان پر بشود و اسلام جیب پر کن نیست، اسلام با ضعفا است. اسلام آن است که امیرش می فرماید که من می ترسم در آن طرف مملکت یک کسی گرسنه باشد، شاید آنجاها چیزی نداشته باشد بخورد من باید زندگیم این باشد، خودم دلم آرام نباشد که اگر آنجا گرسنه است من هم اینجا گرسنه ام. اسلام این است، البته خودش می فرماید شما قدرت ندارید و صحیح می فرماید، ماها قدرت نداریم مثل او باشیم. اما اینقدر قدرت داریم که جیب هایمان را دیگر پر نکنیم برای املاک بیابان ها قصرهای روی هم انباشته، این را قدرت داریم که از مال این فقرا از مال این ضعفا جیب مان را پر نکنیم این پول های نقد زیادی که ما نمی توانیم تصورش را بکنیم، اکثرش به جیب این خانواده رفته، اکثرش جیب اینها رفته، به همان مقدار هم به جیب امریکا رفته، ما می خواهیم این لقمه را از دهن اینها بیرون بیاوریم به فقرا بدهیم. این کارگرهای صنعت نفت ما با آن زحمت و با آن بیچارگی کار بکنند، آنوقت برود توی شکم این خارجی ها و این پولدارها، آنهایی که در خارج برای خودشان املاک درست کردند، برای خودشان پارک درست کردند. این صحیح است!؟

ما می خواهیم از توی شکم اینها بیرون بیاوریم و بین همین ملت پخش کنیم، همین هائی که این انقلاب را پیا کردند. و من از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت شما را می خواهم و دلم به شماها خوش است. انشاءالله خداوند همه تان را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع بانوان مکتب الزهرا و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم

بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما بانوان محترم تشکر می کنم که از راه دور آمدید و با من ملاقات کردید . من دعا به شما می کنم که خداوند همه را سعادت مند کند و تشکر می کنم که در این نهضت پیشقدم بودید . بانوان ایران در این نهضت پیشقدم بودند و مثل بانوان صدر اسلام بودند و نهضت ما به واسطه آنها به پیش رفت و امیدوارم که این نهضت به واسطه شما به پیش برود .

این قدرت ایمان بود که شما را به خیابان ها کشید

چیزی که هم به بانوان و هم به آقایان برومند که عمرتان ، وقت تان را ، جوانی تان را صرف دارید می کنید در راه اسلام و این اسلام است شما را در نیمه های شب که جوان باید بخوابد شمارا بیدار نگه می دارد و این ایمان است که جوانی که از مورد مطمئن بیاید در مورد خطرناک ، از رختخواب منزلش که هم مطمئن است و هم محل خواب است بیاید در کوچه ها ، در خیابان پاسداری کند در صورتی که هم خواب از چشمش رفته است و هم احتمال خطر است ، این يك خدمت ارزش داری است که شما الزامی به این معنا ندارید ، خودتان آمدید . ارزش این خدمت این است که بدون اینکه کسی شما را الزام بکند به اینکه این خدمت را کنید خودتان انتخاب کردید که خدمت را بکنید ، چنانچه بانوان هم در همین معنا شریکند که در وقتی که همه خطرها بود ، هم شما در خیابان رفتید ، هم آن بانوان محترمه و هیچ کس هم شما را الزام نکرده بود که بیائید بریزید در خیابان و بروید پشت بام ها الله اکبر بگوئید و مورد اصابه گلوله مثلا بعد واقع شوید . این قدرت ایمان است که شماها را به خیابان ها کشید و بانوان را به خیابان ها و ارزش عمل همین است . يك وقت این است که يك سازمانی است که این سازمان الزام دارد انسان به اینکه برود بیرون خودش را به خطر بیندازد ، يك وقت این است که نه ، يك سازمانی که او را ملزم کند نیست ، داوطلب است برای اینکه برود و خدمت کند . اینکه ارزش به خدمت و عمل زیاد می دهد همین معناست که با همه مشکلات و با همه خطرها در اول نهضت همه تان به خیابان رفتید و مقابل توپ و تانک بدون اینکه کسی شما را الزام کرده باشد و حالا هم همه به همین حاضرید و دارید شما پاسداری می کنید و ارزش این پاسداری خیلی زیاد است و من امیدوارم که همه ما و همه شما را

خداوند از پاسداران اسلام قرار بدهد ، خدمت امام زمان باشید .

قدرت ایمان را برای رسیدن به جمهوری اسلامی حفظ کنید

همه چیزی که الان مهم است این است ، همین پاسداری که شما می کنید و بانوان هم همین پاسداری که کردید و نهضت را رساندید به اینجا و يك امر اعجازی را ، معجزه آمیزی را تحقق کردید و قدرت بزرگی را شکستید . همین قدرت ایمان باید باز هم محفوظ بماند .

اگر چنانچه بخواهید روی آن مقصدی که شما از اول آمدید و اسلام را خواستید ، جمهوری اسلام را خواستید ، اگر بخواهید جمهوری اسلامی به همه معنا که دارد ، با همه محتوا که دارد ، در خارج تحقق پیدا بکند باید که از حالا به بعد هم همان ایمان را ، همان قدرت ایمان را حفظ کنید ، با هم باشید . همه فکرها ، همه فکر اینکه جمهوری اسلامی محقق بشود . جمهوری اسلامی فقط به این نیست که بگوئیم ما جمهوری اسلامی می خواهیم راءى بدهیم . راءى دادن اسباب این نمی شود که جمهوری اسلامی تحقق داشته باشد . بله ، البته الان رسماً ایران جمهوری اسلامی است ، لکن جمهوری اسلامی ، احکام اسلامی باید در او جاری بشود ، یعنی در هر جای ایران ، در اداراتش ، در وزارتخانه ها ، در بازارش ، در محله هایش ، در دانشگاهش ، در دادگستری ، همه جا باید اسلام باشد .

آنکه ملت ما می خواهند و خدای تبارك و تعالی می خواهد که ما باشیم این است که ما همه جای مملکت را به صورت اسلامی در بیاوریم ، در صورتی که در زمان طاغوت همه جا خراب بود ، حالا هم باز خرابی هست . بنابراین ما الان باز بین راه هستیم ، باز به مقصد نرسیدیم . کسی که بین راه است باید تمام نظرش به این باشد که به مقصد برسد . من می دانم که در بین همه قشرها يك اختلافی هست ، يك نابسامانی هائی هست ، اینطور نیست که نه ، من ندانم . خوب هر روز آنطور که شما آمدید و مشکلاتتان را می گوئید ، تقریباً ماهر روز مبتلا هستیم و از اطراف می آیند و مشکلات را می گویند و ما می دانیم که مشکلات زیاد است و در بین ارتش مشکلات زیاد است ، در بین ژاندارمری مشکلات زیاد است ، در شهربانی زیاد است ، در خود پاسدارها زیاد است ، در کمیته ها زیاد است ، در رادیوها زیاد است ، همه اینها چیزی نیست که معلوم نباشد ، ما می دانیم که اشکالات زیاد است و بعد از هر انقلابی این اشکالات هست ، نمی شود که يك انقلابی واقع بشود آن هم يك همچو انقلاب بزرگی ، يك همچو انقلابی واقع بشود که این اعجاز واقع شده است حساب این انقلاب حساب ها را از هم باطل کرد ، يك همچو انقلابی واقع بشود . آنوقت پنجاه و چند سال هم دست های ناپاک خارج و داخل خراب کرده باشند ، هر چه منفعت داشته به جیب زدند و يك مملکت خرابه ای گذاشتند . بعد از انقلاب با این خرابی مملکت توقع این نیست که همچو که شد و اینها رفتند همه چیزها درست بشود .

اگر هر کسی در هر پستی هست آنجا را خوب اداره کند مملکت خوب می شود

الان همه ما دست به هم بدهیم همه با هم دست به هم بدهیم و با هم این خرابه ها را آبادش کنیم و

اینکه می‌گوییم همه ما با هم، برای این است که هر کس در هر پستی است آنجا خوب اداره کند. شما متوقع این نباشید که همه کارها را من بکنم، من هم متوقع نباشم که شما همه کارها را بکنید. من به این طلبگی که دارم این شغل خودم را خوب اداره کنم، شما هم که پاسبان هستید هر یک تان پاسبانی خودتان را خوب انجام بدهید، این خانم‌ها که شغل دیگری دارند، این شغل خودشان را خوب انجام بدهند، وزارتخانه‌ها هم شغل خودشان را خوب انجام بدهند، دهقان‌ها هم شغل خودشان را خوب انجام بدهند، کارگرها هم شغل خودشان را خوب انجام بدهند. وقتی نباشد همه قشرها اسلامی باشند، همه فکرشان این باشد که یک مملکت اسلامی را اداره بکنند، یک کشور اسلامی که حالا جمهوری اسلامی است اداره اش بکنند، خرابی‌ها را ترمیم بکنند. ما یک قشرمان نمی‌تواند خرابی‌ها را ترمیم بکند، همانطوری که شما نمی‌توانید همه ایران را پاسداری بکنید ما هم نمی‌توانیم همه ایران را مثلاً صحیح اداره بکنیم. همه ما باید همه جمعیت ایران، همه ایران را، شما در قم هستید پاسدار هستید، هر کس این پاسداری را که می‌کند خوب انجام بدهد، با صداقت انجام بدهد، با امانت انجام بدهد، برای خدا انجام بدهد. من هم که یک طلبه هستم طلبگی خودم را همین طور، آقا هم که آقا هستند آقائی خودشان را و همه قشرها وقتی که آن کاری که دستشان هست خوب انجام بدهند، یک مملکت خوب می‌شود. مملکت عبارت است از این آب و خاک، جمعیتش هم عبارت از این ملت است این آب و خاک است، این ملت است. این ملت وقتی همه شان دست به هم دادند، یعنی هر کدام در آن محلی که هست آنجا را خوب اداره بکند، باغبان باغ است باغ را خوب اداره بکند، کشاورز هم در صحرائی که هست کشاورزیش خوب اداره بکند، نخست وزیر هم در نخست وزیریش خوب اداره بکند، وزراء دیگر هم همین طور، اداره دیگر هم همین طور، پاسبان هم همین طور، همه اگر بنا شد که با چنین نظری تو کار باشند و همانطوری که همه تان با یک فریاد الله اکبر کنید یک کوه بزرگ را و ساقط کردید یک امپراطوری دو هزار و پانصد ساله را و این ایمان بود که این کار را کرد و این اسلام بود که این کار را کرد، اینجا راهم می‌توانید.

بعد از متمرکز شدن اصول، همه امور به جای خود عمل شود

الان مملکت دست خودتان است، خودتان می‌توانید اداره اش بکنید به شرط اینکه الان که اصول، یعنی قانون اساسی الان بناست درست بشود باید بعدش مجلس شورای ملی درست بشود، رفاندم درست بشود، الان که این اصول در دست است و شیاطین دنبال این هستند که هر کسی را وادار کنند که اشکالاتی درست بکنند، اشکالاتش توجهش می‌دهند، می‌روند پیش دهقانان می‌گویند که کو اینکه، حالا هم جمهوری اسلام، اسلام شد که برای شماکاری نکرد. مثل اینکه همچو که گفتند جمهوری اسلامی یک خرابی هائی یکدفعه خودرو سبز می‌کند. یا بیایند به پاسدارها بگویند (که گفت) خوب حالا جمهوری اسلامی شد، الان این چیزهای مختلفی که اینجا هستند، این اشخاص بدی که هستند، انتصابات بدی که هست، همه را متوجه کنند به یک چیزهائی که غیر آن مسأله است که الان ما دنبالش

برویم . این نظیر این می ماند که آن روزی که شما که همه با هم داشتید الله اکبر می گفتید و می خواستید بشکنید این سد را بیایند به شما بگویند که مثلا- اداره فلان رئیسش چه جوری است . بگو حالا وقت این حرف نیست ، حالا وقت این است که برویم و بشکنیم . حالا همین است . الان وقت این است که نه این خانم ها به اشکالات خودشان ، داخلی خودشان توجه کنند و نه شما برادرها به اشکالات خودتان و داخلی خودتان توجه کنید و نه من و نه آقا و نه دیگران . الان تا این اصول مستقر نشده ، یعنی ما يك مملکتی می خواهیم تا باشد ، آنوقت بگوئیم که پاسدارش کی و ملائیش کی و بانوانش کی و چه . الان وقت این است که ما می خواهیم این مملکت را مستقرش ، آزادش ، قانون اسلامش ، همه چیزها درست بشود . وقتی که تا دو سه ماه دیگر انشاءالله این مطلب پیش رفت ، جمهوری یعنی رئیس جمهور هم درست شد ، قانون هم تصویب شد ، فرماندم هم شد ، مجلس شورای ملی هم درست شد که دیگر تزلزل توی کار نباشد ، الان يك حکومتی است که انتقالی است ، حکومت آمده است که انتقال قدرت را بدهد به کس دیگری که این قدرت متمرکز بشود ، وقتی متمرکز شد ، همه این امور به جای خودش عمل می شود . حالا هم الان در عین حال که حکومت انتقالی است باید خوب يك کارهای اساسی دارند می کنند ، حالا همین سازندگی که بناست می کنند ، همین خانه سازی که بناست بکنند ، همین پل سازی و خیابان ها و همه اینها را مشغولند .

شیاطین دربی آند که نگذارند قانون اساسی تصویب شود

اما الان آنی که مهم است این است ، آن اصل را فراموش نکنیم ، اصل این است که الان می خواهند قانون اساسی درست بکنند ، شیاطین افتادند که نگذارند . همه بایستیم در مقابلشان که ما نخیر ، می خواهیم . این طرح خوبی است ، همین را می خواهیم . ما مجلس مؤسسانی که غربی ها می گویند ، نمی خواهیم . ما همین معنائی که دولت گفته است و زود انجام می گیرد ، نه آنی که يك سال ، دو سال ، سه سال شاید طول بکشد که خدای نخواستہ يك وقت این تزلزل اسباب این بشود که به هم بخورد اینها . الان وقت این معناست و من می دانم که چیزهائی که شما گفتید که ما تنها نیستیم ، همه هستند که ناراحتی دارند ، اما ناراحتی را بگذارند برای يك وقت دیگر ، يك قدری تأمل کنید و بگذارید برای وقت دیگری .

الان هر کدام هر پستی که دارید محکم دنبالش را بگیرید و محکم انجام وظیفه بکنید و این وظیفه ، وظیفه ای است که برای خداست ، نه کسی شما را الزام کرده و نه خیلی چیزی است که شما به طمع آن باشید . چیزی تو کار نیست ، يك مشقت فقرا ، يك مشقت از مستمندها ، الان مسائل الهی همیشه زیاد است و ما انشاءالله امیدواریم که همه مان با هم اسلام را پیاده کنیم و همه قشرها اسلامی شوند . وقتی بشود عدالت اسلامی ، عدالت اسلامی برای همه است ، يك فردی این نیست که به فرد دیگر تقدم داشته باشد ، مگر اینکه تقوا داشته باشد . خدا همه شما را انشاءالله حفظ کند ، موفق کند . من به همه شما دعا می کنم و من خدمتگزار همه شما هستم . خدا همه تان را انشاءالله حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فرمان امام خمینی به حجة الاسلام نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب آقای حجت الاسلام حاج میرزا حسین نوری دامت افاضاته

لازم است جنابعالی مسافرتی به کشورهای اروپائی بنمائید و از نزدیک با دانشجویان عزیز و برادران ایرانی آشنا شوید و نیازمندی ها و مشکلات مذهبی آنان را بررسی نموده و در حدود امکاناتی که در اختیار دارید در رفع آنها بکوشید و به وظایف خطیری که در این موقع حساس به عهده دارند آنان را آشنا سازید و از تفرقه و اختلاف بر حذر دارید و نسبت به تقویت معتقدات مذهبی ایشان در برابر دشمنان اسلام سعی کافی مبذول دارید و سلام اینجانب را به عموم آنان ابلاغ نمائید . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 151

بیانات امام خمینی در جمع وعاظ خراسان

درباره قانون اساسی اسلام، اسلام شناس باید نظر بدهد نه روشنفکران خارجی

بسم الله الرحمن الرحيم

مسأله مهم فعلا این است که پیش نویسی از قانون اساسی شده است و آن به معرض افکار عمومی گذاشته شده است و الان باید همه قشرها و همه روحانیون بلاد و همه روشنفکران متفکرین اسلامی با دید اسلامی، برای جمهوری اسلامی این قانون را بررسی کنند و نظر بدهند.

این قانون که پیش نویس شده است برای این است که همه نظر بدهند. شما آقایان، شما علمای اعلام، شما متفکرین اسلامی، شما اشخاصی که علاقه به دیانت مقدسه اسلام دارید و عقیده دارید به اینکه هیچ حکومتی مثل حکومت اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل رژیم اسلام نیست، باید نظر کنید به یک یک مواد این قانون. یک ماه مهلت دارید که هر چه به نظرتان رسید برای اسلام مفید است و موافق جمهوری اسلامی است و در این قانون به آن توجه نشده است، تذکر بدهید و بنویسید و در روزنامه هائی که هست منتشر کنید. آقایان نشینند که دیگران قلم ها را بردارند و قانون را بررسی کنند و به خیال خودشان آن را اصلاح کنند. این حق شماست، درباره قانون اسلام، باید اسلام شناس نظر بدهد. قانون اساسی جمهوری اسلامی یعنی قانون اساسی اسلام. حق این مطلب با شماست، با علمای اعلام و با مراجع عظام است، با همه روشنفکران اسلامی است. نشینید تا اینکه روشنفکران خارجی، روشنفکرانی که به اسلام عقیده ندارند اظهار نظر بکنند و این حرف هائی که می نویسند، بنویسند. شماها قلم را بردارید، در همه مساجد، در همه منابر، در همه کوچه و بازار مسائلی را که به نظرتان می رسد باید در این قانون اساسی باشد، طرح کنید.

علما مسائل را مطرح کنند، نشینید دیگران برای شما تکلیف معین کنند خودتان تکلیف را معین کنید. خودتان قانون اساسی را بررسی کنید، خودتان نظر بدهید، روزنامه ها را از مقالات خودتان پر کنید. نشینید دیگران و دشمنان شما برای شما مقاله بنویسند و مسائلی را که خدای نخواستہ بر خلاف مسائل اسلامی و بر خلاف شؤون اسلام باشد مطرح کنند. همه موظفیم که این کار را انجام بدهیم. همه حق نظر داریم و شما علمای اعلام بیشتر حق نظر دارید. آنهائی که اسلام را می شناسند و علاقه به اسلام دارند در این امر بیشتر جدیت کنند و پیشقدم باشند.

لزوم انتخاب علمای اسلام شناس و آشنا به مسائل روز جهت نمایندگی مجلس

مسئله بعد که بسیار مهم است، مسأله انتخاب اشخاصی است که باید بعد از اینکه همه ایشان و مطلب شان را گفتند، نظر بدهند این عده تعدادشان هفتادوپنج نفر می باشد که باید بنشینند و این قانون اساسی را با توجه به آرائی که از همه می آید مورد بررسی قرار دهند که بعد به فراندم گذاشته شود.

مهم این است که ملت بفهمند چه اشخاصی باید برای بررسی قانون اساسی تعیین بشوند. بفهمند که مسأله اسلامی است، نه مسأله غربی و نه مسأله شرقی است. ما نمی خواهیم قانون اساسی نه غربی و شرقی را بررسی کنیم. مامی خواهیم قانون اساسی جمهوری اسلامی را بررسی کنیم و لازم است اشخاصی را که مردم انتخاب می کنند و آقایان روحانیون و مراجع پیشنهاد می کنند اشخاصی باشند مردمی و علاقمند به اسلام و اشخاصی باشند که بدانند اسلام یعنی چه.

در این زمان که بناست این قانون اساسی بررسی شود و مطلب به دست خود شما افتاده است، ملت علما را تعیین کنند. البته اختیار ملت دست خودش است لکن پیشنهاد می شود علمائی را که از قانون اسلام و مسائل روز اطلاع دارند تعیین کنند و علما هم باید از رفتن به مجلس خودداری نکنند برای اینکه مجلس، مجلسی است که در آن سرنوشت اسلام تعیین می شود. وقتی سرنوشت اسلام باید در يك مجلس تعیین شود، حق علما است که بروند و این سرنوشت را به دست مبارك خودشان تعیین کنند. پس مطلبی که مهم است دو مطلب است: یکی بررسی از قانون اساسی که همه قشرها باید بررسی کنند و من توصیه می کنم که علمای اعلام بررسی کنند و نظر بدهند و بعد از اینکه مردم آراء خودشان را گفتند و طرح های خودشان را دادند، این کار باید انجام پذیرد. حرف ما این است که برای اسلام باید مردم اشخاص اسلام شناس و کسانی را که مسائل اسلام را می دانند و علاقه به اسلام دارند انتخاب کنند و ما انشاءالله بعد از این هم اوصاف چنین اشخاصی را خواهیم گفت و خواهیم نوشت.

خداوند شما را برای کمک به اسلام و جامعه اسلامی موفق کند و بتواند اسلام را آنطوری که دلخواه اسلام است در خارج پیاده کنید. من از همه شما و از همه علمای بزرگ مشهد و همه خطبا و فضلا که در اینجا هستند تشکر می کنم و خدمتگزار همه شما هستم و دعاگوی شما می باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از طلاب حوزه علمیه مشهد

اشاره

اصل حرکت روحانیت و سایر اقشار ملت، جایگزین نمودن اسلام به جای طاغوت است

بسم الله الرحمن الرحيم

من میل نداشتم که آقایان فضلا در این آفتاب گرم، در این خانه محقر با این هوای گرم زیر آفتاب، اینجا تشریف داشته باشند و گمان داشتم که _ و گفتم به بعضی آقایان که از آقایان بخواهند که در سالن مدرسه فیضیه تشریف داشته باشند تا من آنجا خدمتشان برسم لکن بعد مثل اینکه اینطور مقرر فرمودند آقایان که اینجا تشریف داشته باشید و من از اینکه شما الان در زحمت هستید، هم خواهران، هم برادران، هم علمای اعلام در زحمت هستید بسیار معذرت می خواهم و این زحمت را هم جزء خدمت های به امام زمان سلام الله علیه و به اسلام عزیز باید محسوب بدانید. مسائل زیاد است مطالبی که پیش خواهد آمد زیاد است لکن ما باید در مسائل، هر مسأله ای که پیش آمد و جلو پیش آمد آن مسأله را بررسی کنیم و در آن مسأله، فعالیت. تا کنون مسائل بزرگی را با همت همه قشرهای ملت و خصوصا روحانیت عظیم الشان پشت سر گذاشتیم و بحمدالله موفق شدید شما آقایان و ملت بزرگ و همه قشرها بر اینکه این خدمت بزرگ را به اسلام کردید و این اشخاصی که به اسلام خیانت کردند و بنای خیانت بزرگتر داشتند و کسانی که آنها را تأیید می کردند و بنای تأیید بیشتر داشتند، آنها را شکست مفتضح دادید و رفتند و دست خیانتشان کوتاه شد، چنانچه دست چپاولی ابرقدرت ها هم کوتاه شد.

آنچه که پشت سر گذاشتیم، بحمدالله موفقیت آمیز بود لکن ما نباید به همین معنا قناعت کنیم و مسرور باشیم که مطالب تمام شده است. مطالب تمام نشده است و مسائل اصولی هم باقی مانده است برای اینکه اصل حرکت روحانیت و حرکت همه قشرهای ملت برای جانشین کردن اسلام در محل طاغوت بود.

البته برای مقدمه این جانشینی، اول باید طاغوت برود و رفت، حالا وقت این است که ما به جای آن طاغوت يك حکومت عدل اسلامی، يك حکومت انسانی، يك حکومت قرآنی به جای آن جایگزین کنیم و این حالا- اول کار است. البته اصل تغییر رژیم و برقرار شدن جمهوری اسلامی الان هست یعنی اصل رژیم تغییر کرد و الان رسماً ایران جمهوری اسلامی است و همه هم شناختند ایران را

به این معنا لکن ما فقط این معنا را نمی خواهیم که جمهوری اسلامی را عیبی باشد، لفظی باشد. مهم همه ما، همه شما و همه ملت و همه علمای اعلام این است که اسلام به همه ابعاد تحقق پیدا بکند به طوری که هر کس وارد این مملکت می شود، از سرحد که وارد شد آثار اسلام ببیند تا مرکز که آمد آثار اسلام، دانشگاه رفت اسلامی، وزارتخانه رفت اسلامی، ادارات دولتی رفت اسلامی، بازار آمد اسلامی، در کشاورزها و پیش کارگرها رفت اسلامی. آنکه مقصد ما هست این معنا هست، نه فقط رفتن چپاولگرها و ما راجع به این معنا در اول قدم هستیم و مسائل پشت سر است. بعضی مسائل الان آنوقت است که ما تمام همتمان را به آن مسأله بگماریم و با تمام قوا توجه بکنیم و بعضی مسائل بعد از این است و بعضی مسائل هم مسائل فرعی است که دنباله اینها باید تحقق پیدا بکند.

اظهار نظر در مورد قانون اسلام بر عهده (اسلام شناس) است نه روشنفکران خارجی!

آنکه الان محل ابتلاء همه ما هست این است که یک پیش نویسی از قانون اساسی شده است و این پیش نویس به معرض افکار عمومی گذاشته شده است، الان باید همه قشرها و شما روحانیون و همه روحانیون همه بلاد و همه روشنفکران اسلامی و همه متفکرین اسلامی، باید دید اسلامی، برای جمهوری اسلامی، این قانون را بررسی کنند و نظر بدهند، این قانونی که پیش نویس شده است برای این است که همه نظر بدهند.

شما آقایان، شما علمای اعلام، شما متفکرین اسلامی، شما اشخاصی که علاقه به اسلام و علاقه به دیانت مقدسه اسلامی دارید و عقیده دارید به اینکه هیچ حکومتی مثل حکومت اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل رژیم اسلامی نیست، باید نظر کنید به این قانون، یکی یکی موادش را، یک ماه مهلت دارید، یکی یکی موادش را در نظر بگیرید و هر چه به نظرتان رسید که برای اسلام مفید است و موافق با جمهوری اسلامی است و در این قانون ناقص است، در آن جهت تذکر بدهید و بنویسید و در روزنامه هائی که هست منتشر کنید. آقایان! نشینید که دیگران قلم ها را بردارند و بررسی از قانون بکنند و به خیال خودشان، آنها را به خیال خودشان اصلاح بکنند. این حق، حق شماست. قانون اسلام را، اسلام شناس باید نظر بدهد. قانون اساسی جمهوری اسلام یعنی قانون اساسی اسلام. حق این مطلب با شماست، با علماء اعلام است، با مراجع عظام است، با همه روشنفکران اسلامی است، نشینید تا اینکه روشنفکران خارجی، روشنفکرانی که به اسلام عقیده ندارند اظهار نظر بکنند و این حرف هائی که می نویسند، بنویسند. شماها قلم را بردارید، در همه مساجد، در همه مدارس، در همه کوچه و بازار، مسائلی را که به نظرتان می رسد باید در این قانون اساسی باشد طرح کنید. علماء طرح کنند و مردم دنباله، نشینید دیگران برای شما تکلیف معین کنند. خودتان تکلیف را معین کنید، خودتان قانون را بررسی کنید، خودتان نظر بدهید، خودتان روزنامه ها را پر کنید از مقالات خودتان. نشینید دیگران برای شما مقاله بنویسند و مسائلی طرح بکنند که یک وقت خدای نخواستہ بر خلاف مسائل اسلامی و بر خلاف شؤون اسلام باشد. همه موظفیم، همه باید این کار را انجام بدهیم و نظر بدهیم همه

حق نظر داریم و شما علماء اعلام بیشتر حق نظر دارید . آنهایی که اسلام را می شناسند ، آنهایی که علاقه به اسلام دارند آنها بیشتر باید در این امر جدیت کنند و پیشقدم باشند .

لزوم جدیت ملت در انتخاب علماء مطلع برای تدوین قانون اساسی و تعیین سرنوشت

و بعد آن چیزی که بسیار مهم است ، قضیه انتخاب اشخاصی است که باید نظر کنند به این قانون و باید بعد از اینکه همه راءى خودشان را دادند و همه مطالب خودشان را گفتند این عده 75 نفری مثلا این عده بنشینند و این قانون اساسی را با آرائی که از همه می آید نگاه کنند و جرح و تعدیل کنند و بنویسند که بعد به فراندم واقع بشود .

مهم این است که اشخاصی که برای بررسی این قانون تعیین می کنند ملت ، بفهمد چه اشخاصی باید تعیین کند . بفهمد که مسأله ، مسأله اسلامی است ، نه مسأله غربی ، نه مسأله شرقی ، ما نمی خواهیم قانون اساسی غربی یا نمی خواهیم قانون اساسی شرقی را بررسی کنیم ، ما می خواهیم قانون اساسی جمهوری اسلامی را بررسی کنیم و این لازم است که اشخاصی که انتخاب می کنند ، مردم انتخاب می کنند ، آقایان روحانین پیشنهاد می کنند ، مراجع پیشنهاد می کنند ، اشخاصی را پیشنهاد کنند ، مردم را پیشنهاد کنند که اینها علاقمند به اسلام باشند ، اینها بدانند اسلام یعنی چه . در مجلسی که سابقا با اینکه طاغوت آن مجلس را بر پا کرد ، مجلس مؤسسانی که در زمان رضاخان در ایران تحقق پیدا کرد علمای اول ، طراز اول علمای ایران در آن مجلس بودند البته آنوقت با سرنیزه بود لکن علمای درجه اول بودند . در این زمان هم بناست این قانون اساسی بررسی بشود و دست ظالم کوتاه شده است و مطلب به دست خود شما افتاده است ، ملت علما را تعیین کنند ، اختیار هست ، الزامی نیست لکن پیشنهاد است ، علمائی که اطلاع دارند از قانون اسلام ، اطلاع دارند از مسائل روز ، آنها را تعیین کنند و علماء هم ابا نکنند از رفتن در مجلس برای اینکه مجلس ، مجلسی است که سرنوشت اسلام در آن تعیین می شود وقتی سرنوشت اسلام در يك مجلسی باید تعیین بشود حق علماست که بروند و این سرنوشت را به دست مبارك خودشان تعیین کنند .

پس مطلبی که الان مهم است دو مطلب است یکی بررسی از قانون اساسی که همه قشرها باید بررسی کنند و من توصیه می کنم که علمای اعلام بررسی کنند و نظر بدهند ، بعد از این تعیین اشخاصی که باید بعد از راءى ، بعد از اینکه مردم آراء خودشان را گفتند و طرح های خودشان را دادند آن اشخاصی که باید تعیین بشود و مردم تعیین می خواهند بکنند برای بررسی کردن همه آراء این اشخاص ، ملت ما بدانند که باید این اشخاص ، اشخاصی باشند که علاقه به اسلام داشته باشند ، طرح ما این است لکن ملت مختار است . طرح ما این است که برای اسلام باید اسلام شناس ، کسی که اسلام را می داند چه است ، کسی که مصالح اسلام را می داند چه است ، کسی که علاقه به اسلام دارد ، کسی که قرآن مجید دارد ، کسی که علاقه به کشور اسلامی دارد ، يك همچو اشخاصی را تعیین کنند و ما انشاء الله تعالى باز هم راجع به اوصاف این اشخاص ، راجع به اشخاصی که وصفشان چه باشد باز هم خواهیم

و خداوند همه ما را و همه شما را موفق کند که خدمت کنیم به این جامعه و خدمت کنیم به اسلام و اسلام را به آنطوری که دلخواه اسلام است در خارج محقق کنیم و من از همه شما تشکر می کنم و از همه علمای بزرگ مشهد ، آیت الله (اشاره به یکی از حضار) ، همه آیات عظام را که الان در اینجا تشریف دارند و همه علمای اعلام که اظهار تقدیر می کنند به من و همه خطبا و همه اعظام از فزای مشهد مقدس که در سنگر جلو هست راجع به مسائل دینی ، من از همه شما تشکر می کنم و دعاگوی همه شما و خدمتگزار همه شما هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع ورزشکاران و فرهنگیان بابل

دو قوه مادی و معنوی انسان وقتی ارزش دارد که در خدمت خدا باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

انسان دو جنبه دارد یکی جنبه معنوی و یکی جنبه ظاهری و مادی ، انسان ها در جنبه های معنوی يك نحو تعلیمات دارند و در جنبه های ظاهری و مادی يك نحو دیگر ، و اگر این دو تا با هم جمع بشوند يك انسان به تمام معنی بوجود خواهد آمد .

من از این خوشحالم که کسانی جهت معنوی را تقویت می کنند و اشخاصی هم جهت مادی را ، و امید است هر دوی آنها دو جنبه مادی و معنوی را جمع بکنند . شما معلمان محترم و آقایان ورزشکاران عزیز اگر این دو جنبه را تقویت کنید و همچنین در همه قشرهای کشور اگر این دو جنبه تقویت بشود ، جنبه معنوی با آن تعلیمات معنوی که اسلام آورده است و جنبه های مادی با آن طرزهایی که لازم است ، این ملت سعادتمند می شود . آنها که جنبه ورزشکاری و مادی را دارند ، آنها جوان هایی هستند که قوای جسمی شان به خاطر همین ورزش نشاط و آمادگی پیدا می کند ، آنوقت روح آنها معنویات و ایمان را زودتر قبول می کند . يك وقت است که ورزشکاری و تعلیم و تربیت در خدمت طاغوت است که این جز خسران برای يك کشوری به بار نمی آورد ، ولی وقتی این دو قوه و نیروی بزرگ در خدمت خداست ، آنوقت ایمان در آنها تقویت شده و برای پیشبرد مقاصد اسلام نیروی عظیمی پیدا می شود که هیچ نیروئی نمی تواند جلوییش را بگیرد . چنانچه به عیان دیدید که اجتماعات با قوای مادی و معنوی و نیروی ایمان پیش رفتند تا اینجا و این نهضت عظیم را بپا کردند و آن قدرت های شیطانی را شکستند و آن قدرت طاغوتی و بزرگ که مجهز به همه سلاح های مدرن بود و پشت سر او هم تمام قوای مادی و تمام ابرقدرت ها بود و از او حمایت می کردند و البته امریکا بیشتر حمایت می کرد ، با این حال با همه قدرتها نتوانستند این قدرت ایمان را که در کشور ما و در ملت ما پیدا شد از بین ببرند و نتوانستند خود و منافع خود را حفظ کنند . ما در آنوقت اسلحه نداشتیم ، حالا که چهار تا اسلحه در دست پاسداران قرار دارد ، اینها غنائم جنگی است . قبل از انقلاب و در حال انقلاب ما اسلحه نداشتیم ولی آنها همه چیز داشتند . بنابر حساب هایی که مادیون می کردند امکان نداشت يك قدرتی به آن بزرگی که همه قوا دنبال آن بود و حتی حکومت های به اصطلاح اسلامی پشت سر او ایستاده بودند شکست بخورد .

ممالك به اصطلاح اسلامی تمام شان مشترك المنافع و پشتیبان یکدیگر هستند

ابر قدرت ها مثل آمریکا، شوروی، چین، انگلستان، اینها همه پشتیبان قدرت طاغوتی بودند. بی جهت نبود که من وقتی خواستم از کویت عبور کنم اجازه ندادند، بیخود نبود که دولت عراق جدیت کرد که یا ما ساکت باشیم و یا آنجا نباشیم، برای اینکه همه با هم بودند، قوای شیطنی با هم بودند. و من در آنجا وقتی دیدم حتی از رفتن من به کویت مانع شدند و گفتند از هر جا که آمده ای برگرد، و ما مجبور شدیم به عراق برگردیم. مهم مسأله این نیست که فقط کویت اینچنین باشد، این ممالك به اصطلاح اسلامی تمام شان با هم مشترك المنافع و همه پشتیبان یکدیگر هستند. اینها نخواهند گذاشت ما در آنجا بمانیم و بدین خاطر بنا گذاشتیم به مملکتی برویم که دیگر تحت تأثیر نباشد. ما فرانسه را انتخاب کردیم و آنجا رفتیم و آنها هم پشتیبان شدند، هم عراق و هم دولت ایران، چرا که در پاریس دست ما برای تبلیغات باز بود. ما مطالب و مسائل ایران را به همه جای دنیا رساندیم و با بعضی که از آمریکا می آمدند مصاحبه های تلویزیونی انجام می شد و در تمام آمریکا (آنطور که می گفتند) و در بسیاری از مناطق مثل کانادا پنخس و مطالب ما در آمریکا هم پنخس می شد. آنهایی که خودشان را منتسب به اسلام می دانستند و هم آنهایی که از اسلام خارج بودند به پشتیبانی طاغوت پرداختند، اما ملت ما با قدرت پیش رفت. آیا در آنوقت ملت تفنگ داشت؟ مسلسل داشت؟ تانک داشت؟ توپ داشت؟ هیچ نداشت، لکن يك چیز دیگر بود و آن معنویات و ایمان به خدا بود و ایمان آنچنان قدرت به ملت داد که افرادی که قبلا از صدای تفنگ می ترسیدند دیگر از تانک هم هراسی در دل راه ندادند.

قدرت الهی باعث جمع شدن قوای روحانی و قوای مادی شد.

آن که در دو سال قبل از سایه يك پاسبان می ترسید حالا از سپهد هم نمی ترسد. یکی از دوستان ما گفت چند تا بچه در شیراز دور يك صاحب منصبی جمع شدند و به او گفتند که بگو زنده باد فلانی و مرده باد فلانی. صاحب منصب همین طور که ایستاده بود و می گفت بروید، وقتی مرا دید، گفت آقا بیا و مرا از دست اینها نجات بده و بعد ایستاد و همان را که بچه ها به او می گفتند با فریاد بلند گفت. ملت ما همه با هم يك مطلب می گفتند و این باعث شد که قوای روحانی و قوای مادی با هم جمع شوند. این کار از غیر خدا بر نمی آمد. این قدرت، يك قدرت الهی بود. در پاریس شخصی پیش من آمد، از دهات اطراف خود که رفته بود تعریف کرد و می گفت صبح که می شود آن عالم ده جلو می افتد و مردم دنبال او تظاهرات می کنند. گفت همه دهات اینطور شده است و یکی را اسم برد که من به یکی از دهات آنجا رفتم. يك قلعه ای است در بیابان در نزد يك کوه، دیدم اینها هم همان معنی را می گویند. من در همان جا اعتقاد این شد که يك دست غیبی در کار است، و الا کارهای بشری يك شعاع خاصی دارد. این همان عقیده و ایمان است که در صدر اسلام هم بوده است. در آنوقت مسلمانان 10 تا 15 نفرشان يك شتر داشتند، لشکرهای رسول الله و لشکر مسلمین هر چند نفرشان يك شمشیر داشتند آن هم يك شمشیر کهنه، اما با این حال بر امپراطوری ایران و روم غلبه کردند. عده پیشقراول روم 60 هزار نفر و

دنبال آن 700 نفرند 830 هزار نفر بودند . یکی از سرداران اسلام گفت که 30 نفر با من بیایند تا با این 60 هزار نفر مقابله نمایم ، ولی بر حسب تاریخ بنابراین شد که 60 نفر باشند که يك نفر مقابل هزار نفر برود و بعد هم رفتند و پیروز شدند و این به این خاطر بود که ملائکه پشت سرشان بودند و خداوند به آنها توجه کرد . خداوند شما را موفق کند .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 160

بیانات امام خمینی در جمع هیئت اعزامی از سیستان و بلوچستان

بنابراین بود که فرهنگ ما را از بین ببرند

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما آقایانی که از دور آمدید تا مطالب خودتان را بگوئید و مطالب ما را هم بشنوید و همین طور از خواهرهای محترمت که آمده اند من تشکر می کنم و مطالبی که من الان باید به شما عرض کنم این است که اولاً این گرفتاری هائی که شما ذکر کردید ، این اشکال صحیح است و شما یا می دانید و یا باید بدانید که این گرفتاری اختصاص به ناحیه سیستان ندارد ، اختصاص به مازندران ندارد ، هر جای مملکت را که شما بروید و هر دستهای از اهالی مختلف مملکت که پیش ما آمده اند ، همین گرفتاری ها و شبیه همین گرفتاری را گفته اند ، حتی کوچ کردن از محلی به محله دیگر و باز در جاهای دیگر هم بوده است و هست ، مثل بختیاری ها و از عشایر دیگر . این شکی ندارد که رژیم سابق بنایش بر این بود که مردم را متشتت کند و زندگی آنها را بر هم بزند ، بنابراین بود که کشاورزی ما را از بین ببرند و ما را محتاج به آمریکا کنند ، بنابراین بود که فرهنگ ما را از بین ببرند و ما را حتی برای طبیب ، برای مهندس ، برای همه چیز محتاج به آمریکا و سایر ممالک کنند . این بلا اشکال همین طور بوده و هیچ هم اشکال در این نیست که برنامه اسلام بر خلاف این است . اگر اسلام تحقق پیدا کند ، اگر حکومت اسلامی به آنطوری که دلخواه ماست تحقق پیدا بکند ، مسیر ، این مسیر نیست ، اینطور نیست که آن هم کمک کند به اینکه آشفتهگی پیدا شود ، برای اصلاح است حکومت اسلامی .

تحصیل استقلال برای مملکت با تصویب قانون اساسی

لکن آنکه من می خواهم ، حالا- اساسی است که می خواهم عرض کنم و الان موظفم که هر طایفه ای آمدند این مطلب را بگویم ، این است که الان ما یک گرفتاری اصولی داریم که اگر این گرفتاری اصولی تمام نشود و نتوانیم به پیروزی در این گرفتاری برسیم ، نه دیگر امید این است که سیستان درست بشود و بلوچستان درست بشود و نه امید این است که تهران و قم و سایر جاها درست شود باز ممکن است خدای نخواستہ به وضع بدتری برگردد ، به آن حالات سابق ، و آن گرفتاری این است که اول ما باید اساس استقلال مملکتمان را درست بکنیم که مملکت بشود مملکت ایران برای ما و کسی دیگر نتواند در آن تصرف کند . اگر ما کشور خودمان را استقلالش را تحصیل نکنیم ، تضمین

نکنیم، سایر چیزها درست نخواهد شد. پس الان آن چیزی که بر ما لازم است این است که همه برادرها، همه خواهرها، همه قشرهای ملت در این امری که الان راجع به اصل مطلب است و آن قانون اساسی است (اساس يك مملکت قانون آن مملکت است) راجع به این همه قوا را روی هم بگذاریم، الان که طرح شده است قانون اساسی و به دسترس مردم گذاشته شده است، کسانی که صاحب نظرند، مسلمان هائی که صاحب نظرند، علمائی که صاحب نظرند، اسلام شناس هائی که می دانند اسلام چه هست، آنها بررسی کنند، نظر بدهند، بنویسند، در روزنامه ها منتشر کنند، نگذارند که دیگران مشغول بشوند به نوشتن و سرنوشت ما را دیگران درست کنند، خودشان با همه اشخاصی که می توانند قانون را بفهمند و می توانند اسلام را بفهمند که این آیا فلان ماده اش منطبق با قوانین اسلام است یا نه و آیا صلاح برای مملکت اسلام چه است. این، الان این چیزی که مهم است این معناست که همه شما با هم نظر کنید به قانون اساسی و اهل نظرتان، حقوقدان های مسلم، روشنفکرهای متعهد به اسلام، مهندسين، روحانیون، همه اینها الان نظر بدهند راجع به قانون اساسی، نگذارند که دیگران نظر بدهند و بعد ببینند چه خواهد شد، حالا خودشان نظر بدهند. هر ماده ای از مواد قانون اساسی را که روحانیون تشخیص دادند که این برخلاف اسلام است، سایر طبقات هم، آنهائی که می دانند خلاف اسلام است، آنها هم نظر بدهند و آنها که اطلاع از این معنا ندارند تبعیت کنند و بخواهند که باید اینجور باشد و بعد از اینکه این مرحله را گذاراندیم، يك مرحله دیگری است که آن بسیار مهم است و آن این است که بعد از اینکه قانون اساسی به نظر همه رسید، يك ماه گذاشتند به آراء عمومی و همه نظر دادند، يك جمعیت که مثلا 70 نفر، 75 نفری در همه ایران، خود اهالی هر طرفی، هر ناحیه ای وکیل تعیین بکنند برای اینکه بررسی کنند در قانون اساسی و نظر بدهند که بعد از اینکه نظر دادند، آنوقت به آراء عمومی بگذارند. الان آن چیزی که بسیار برای ما ضروری است این است که آن افرادی که باید در هر جا تعیین شوند این افراد چه افرادی باشند، ممکن است که در بین بعضی از این افراد يك اشخاص منحرفی باشند و این اشخاص منحرف اسباب این بشوند که به انحراف کشیده بشوند. باید فکر کنند، دنباله کنند، بررسی کنند، يك اشخاص که مؤمن به این نهضت هستند و این هم مورد نظرشان است و می خواهند هم انجام دهند.

جاهائی که عقب افتاده است مقدم است

و الان هم بررسی هائی شده است، طرح هائی داده شده است و شاید در رادیوها دیده باشید _ شنیده باشید که طرح هائی است برای اینکه هم کار پیدا شود برای بیکارها و هم ساخته شود يك چیزهائی، هم راجع به خانه سازی ها در همه سطح کشور و هم راجع به راه سازی که البته این جاهائی که عقب افتاده است مقدم است و اینطور نیست که همه مثل سابق همه چیز منحصر بشود به مراکز و بنابراین است آن جاهائی که دور افتاده تر است، احتیاجشان بیشتر است، جلو باشند، مقدم باشند. و من از خدا می خواهم که انشاءالله دعا کنید موفق بشویم و همانطوری که آن خواهر محترم من مسائل را

گفت ، همانطور حالا- فکر بکنیم که الان راجع به اساس مطلب ، اینها انشاءالله در موقعش درست می شود با يك صبری ، حوصله ای و البته باید همه این مسائل درست شود لکن با يك صبری که الان ما در حال انقلاب هستیم ، حالا باز ما انقلابمان تمام نشده ، ما باز جمهوریمان تمام نشده ، ما فقط يك راءى دادیم حالا چیزهای دیگرش درست نشده ، انشاءالله اینها درست بشود به تدریج و امیدوارم که همه امور اصلاح بشود . و امیدوارم خداوند توفیق بدهد به شما ، عنایت کند خدای تبارك و تعالی ، چنانچه تا حالا به عنایت خدای تبارك و تعالی پیش رفتید و از این به بعد با عنایت خدا انشاءالله پیشروی کنید و مسائل همه اش انشاءالله حل می شود . خداوند به همه شما توفیق عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 163

بیانات امام خمینی در جمع هیئت نیوزیلندی

بسم الله الرحمن الرحيم

باید روابط بین ملت‌ها بر اساس مسائل معنوی باشد و در این رابطه بعد مسافت تأثیری ندارد و چه بسا کشورهایی که همجوار هستند اما رابطه معنوی بین آنها نیست، بنابراین روابط دیگر هم نمی‌تواند مثمر ثمر باشد. ما روابطمان با کشورها براساس مبانی اسلام خواهد بود. چنانچه ملت‌ها از اسلام اطلاع پیدا کنند خواهند فهمید که هر چه می‌خواهند در اسلام وجود دارد. ما امیدواریم که با کشور نیوزیلند روابط حسنه داشته باشیم. در پایان سلام ما را به ملت و دولت نیوزیلند ابلاغ نمائید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

این عنایت الهی بود که يك ملتی که هیچ نداشت ، توانست بر قدرت هائی که همه چیز داشتند غلبه کند

بسم الله الرحمن الرحيم

این دیانت اسلام و قدرت ایمان بود که حتی بچه های خردسال ما را جلوی تانک و توپ برد . من وقتی در پاریس می شنیدم که در تمام قراء و قصابات ایران ، در تمام اقشار ملت ، زن و مرد ، بزرگ و کوچک ، دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی ، روحانی عالیقدر و سایر طبقات ، همه با هم يك مطلب را می گفتند ، آنجا فهمیدم که دست غیب در کار است . شعاع افعال انسان (هر انسانی باشد) يك حدودی دارد . يك نفر ممکن است يك خانه را بتواند متبدل کند به يك وضعی ، يك محله را ، يك شهر را ، يك استان را ، يك قشر را . اما انسان نمی تواند تمام سی و چند میلیون جمعیت ، با افکار مختلفه و شغل های مختلفی که دارند و امکنه مختلفه و از هم دور همه يك شعار بدهند ، از بچه دبستانی تا بیمارستانی و پیر مردهای بیمارستانی ، همه دنبال يك مطلب باشند . آن نمی شود الا اینکه يك عنایت غیبی در کار باشد . آن که بود این دست غیبی بود و این عنایت الهی بود که يك ملتی که هیچ نداشت ، بر يك قدرت هائی که همه چیز داشتند غلبه کند . این همان قدرت صدر اسلام بود که يك عده از اعرابی که هیچ وسیله نداشتند ، هر چندتایشان يك شمشیر ، يك شتر داشت غلبه کنند بر تقریباً تمام معموره دنیا در آنوقت ، بر آن قدرت های بزرگ سلطنتی ایران و روم این نبود الا قدرت الهی و تأییدات غیبی . این را از تأییدات الهی و غیبی بدانید نه از شخص ، نه از مثل من که حقیر هستم و خدمتگزار شما . و این معنایی که حاصل شده است و باید بگویم يك عنایتی از خدای تبارک و تعالی به این ملت شده است این هدیه خدای تبارک و تعالی را حفظ کنید . این يك هدیه غیبی بود که به ما داده ، این آزادی که الان به ما داده است و دست ستمکارها را کوتاه کرده است و این استقلالی که خدای تبارک و تعالی به ما داده است و دست اجانب را کوتاه کرده است ، این برای خاطر آن قدرت ایمان و وحدت کلمه و توجه به خدای تبارک و تعالی بود که دست عنایت حق تعالی بر سر این ملت سایه افکند و این پیروزی حاصل شد .

این هدیه خدای تبارک و تعالی را حفظ کنید، حفظ به این است که همانطوری که با هم بودید، دل ها با هم یکصدا بودند، همانطور از حالا به بعد هم این معنا را حفظ کنید. وقتی که شما دل هایتان با هم صاف باشد، قلب ها یک قلب باشد، دست ها دست واحد باشد، دست خدا هم باشماست. (یدالله مع الجماعه) این دست مبارک الهی که بر سر شما و عنایت حق تعالی که بر شما سایه افکند این را قدر بدانید و حفظ کنید. اگر حفظ شد، در همه مراحل پیروز هستید، همانطوری که در وقتی که انقلاب حاصل شد و همه رو به پیروزی رفتید و توجه به یک مقصد داشتید و آن نبود رژیم فاسد و تحقق رژیم الهی و توجه به چیز دیگر نبود، توجه به اینکه من گرفتاری دارم، وقتی منزل می روم شام چه دارم، آیا من فرض کنید فلان گرفتاری دارم، هیچ توجه به این معانی نبود. نه زارع به فکر زراعت بود و نه کاسب به فکر کسب. و لهذا دیدید که کسب ها را رها کردند و بازارها را تعطیل کردند و کارها را تعطیل کردند و همه با هم توجه به یک معنا و آن خدا، توجه به دین خدا. این توجه عمومی به دین خدا موجب این شد که خدای تبارک و تعالی هم توجه فرمود و این معجزه حاصل شد. آن چیزی که همه حساب های مادیین را فاسد کرد و غلط از آب در آمد، آنی که دولت آمریکا هم، کارشناسان آنها هم تصدیق کردند به اینکه مسائل فوق فکر ما بود و حساب های مادرست نبود و حق هم داشتند برای اینکه حساب های آنها حساب مادی و طبیعی بود، ماورای طبیعت را ندیده بودند، طبیعت را دیده بودند. روی موازین طبیعت همانطور است که آنها می گفتند که نباید یک ملتی که هیچ ندارد این غلبه کند بر یک قدرت هایی که پشتیبانش قدرت های همه عالم بود، نه قدرت ها، تقریبا عرض می کنم نه فقط ابر قدرت ها، همه ممالک اسلامی دنبالش بودند. اینکه ما را نگذاشتند عبور کنیم از کویت، از این طرف کویت به آن طرف کویت هم اجازه عبور ندادند برای این بود که پشتیبانش بودند. اینکه عراق فشار آورد که شما فعالیت سیاسی نکنید ما تعهدات داریم و ما هم فشار آوردیم که ما تا هستیم فعالیت سیاسی تکلیف شرعی ماست، می کنیم و بالاخره ما را تهدید کردند به اینکه شما بر فرض اینکه به شما کار نداشته باشیم، اصحاب شما، رفقای شما را خواهیم چه کرد و من دیدم که دیگر نمی شود، این برای این بود که آنها می گفتند ما تعهد داریم با دولت ایران و من فهمیدم که اینهمه دولت های اسلامی (به اصطلاح اسلامی) وضع همین است که نگذارند ما وارد شویم و هر کجا برویم درمان بکنند، ما هم رفتیم به خارج که اینها دیگر نفوذ نداشتند آنجا و آنها هم پشیمان شدند از این معنا.

این قدرت الهی را از دست ندهید. این امانت الهی را حفظ کنید. همانطوری که آنوقت به فکر گرفتاری های خودتان نبودید و فکر، یک فکر بود و آن هم اسلام و این رمز پیروزی شد. شما الان پیروز نیستید باز، برای اینکه آنکه شما می خواهید، آنکه ما همه می خواهیم این است که اسلام به همه معنا در ایران و انشاءالله در همه ممالک انشاءالله تحقق پیدا کند. غرض این نبود که فقط ظالم از بین برود، مانع از بین برود، آن هم یکی بود اما آنها مقدمه بودند. آنکه مقصد بود اسلام بود، آنکه مردم خونشان را در راه آن دادند اسلام بود، آنکه مردم جوان هایشان را دادند و زن ها جوان هایشان را دادند و

بعد هم اظهار تشکر می کردند، آن اسلام بود و اعتقاد به اینکه باید اسلام تحقق پیدا بکند. ما تا حالا این مطلب برایمان حاصل نیست، الان باز آن رنگ های رژیم سابق هست، نتوانستیم و نتوانستند که آن صبغه ها و رنگ ها را بزدايند، ما بين راه هستيم، ما بين راه هستيم.

به اسم اسلام لطمه بر حیثیت اسلام زدند

ما باید سازندگی کنیم، چه سازندگی های مادی و چه معنوی. معنویات این کشور را اینها از بین برده اند، نیروهای انسانی را از بین برده اند، کوشش کردند که نگذارند روحانیت به شغل مقدس خودش آنطور که می خواهد ادامه بدهد، کوشش کردند که نگذارند دانشگاه به آنطوری که باید دانشگاه باشد انجام وظیفه کند و همین طور همه قشرها را، هم معنویات را از ما گرفتند و قوای انسانی را و هم اقتصاد مملکت را از بین بردند و همه جهات مادی را، هم خیانت به مادیات کردند و هم خیانت به معنویات و خیانتشان به معنویات عظیم تر بوده از خیانتشان به مادیات.

شما اکثراً یادتان نیست مصیبت هایی که بر حوزه علمیه در زمان رضاخان وارد شد. بعضی از این آقایان عظیم که اینجا تشریف دارند یادشان است والا طبقه جوان یادش نیست که چه کردند اینها با حوزه های علمیه، چه کردند اینها با ملت در آن زمان در این زمان هم که شما یادتان هست دیدید که چه کردند. تمام حیثیت ملی، حیثیت انسانی، حیثیت اسلامی ما را اینها تباہ کردند. آنوقت مساجد ما را بستند، مدارس ما از بین رفت، عمامه های فصاحت اهل علم را از سرشان برداشتند و آن فصاحت ها و نسبت به خواهرهای ما هم آن فصاحت ها. در زمان این بدتر از زمان او شد. در آنوقت فشار بود و فشار آمد داشت، در اینوقت حيله بود حيله های زیاد و فشار هم بود اما حيله هم زیاد بود. به اسم اسلام، به اسم عدالت اجتماعی، عدالت اسلامی، به اسم اسلام، احکام اسلام را از بین می خواستند ببرند، به اسم اسلام لطمه بر حیثیت اسلام زدند و می خواستند بزنند. بحمدالله اینها از بین رفتند و خواهند رسید به جرائم خودشان در آنجایی که آنجا دار جزاست.

محدودیت پاداش و کیفر در دنیای مادی گواهی بر وجود يك عالم نامتناهی است

ما نمی توانیم يك نفر آدمی که به اندازه محمدرضا ارتکاب جرائم کرده، بشر با تمام قوایش نمی تواند او را، این جنایت هائی که او کرده است جزا بدهد برای اینکه بالا-خره تا آخرش این است که يك نفر آدم مرده است، يك نفر آدم مقابل يك نفر آدم است. کسی که هزاران جمعیت را، بسیاری از اشخاص را خودش در 15 خرداد، آنطوری که می گفتند خودش در هلیکوپتر، در آن بالاها، خودش مرتکب این قتال شده است و با امر او این ملت با امر او به این قتلگاه ها خیابان های ما مبدل شد. يك ملت را از بین برده است، يك ملت را، ما چه جوری می توانیم او را - ارتکاب این جنایت را ما عوضش را به او بدهیم. این دلیل بر این است که يك عالم دیگری است که در آنجا همه این معانی حاصل می شود. يك عالمی که ابدی است، جهنمی که خالد است، همیشه است. يك عذابی که

تصورش را ما نمی توانیم بکنیم .

این دلیل بر این است که يك عالم دیگری باید باشد تا این مجرم ها را در آن عالم جزایشان را بدهند . ما در این عالم نمی توانیم جزای آنها را بدهیم . انشاءالله خداوند تعالی به ما و شما کمک کند و به روحانیت قدرت عنایت کند ، به ملت ما قدرت عنایت کند که ما بتوانیم اسلام را آنطور که هست پیاده کنیم و متحقق کنیم و من باید ثانيا از حضرات آیات عظام و حضرات فضلا و علمای اعلام و همه شما آقایان تشکر کنم و من نسبت به همه شما خدمتگزارم و امیدوارم که همه ما نسبت به اسلام خدمتگزار باشیم و این منزل را با همه سختی ها که هست طی کنیم و انشاءالله به مقصد اصلی برسیم .

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 168

بیانات امام خمینی خطاب به وزیر امور اقتصاد و دارائی و معاونین این وزارتخانه

از وجوه تمایز حکومت اسلامی با حکومت طاغوت ، (داشتن پایگاه مردمی) است

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر يك کشور بخواهد يك کشور سالمی باشد باید بین دستگاه حاکمه با ملت تفاهم باشد و مع الاسف در رژیم های شاهنشاهی و بخصوص در رژیم اخیر این معنا عکس بود یعنی دستگاه حاکمه (همه دستگاه حاکمه) در يك قطب واقع شده بود و ملت هم در يك قطب . این دستگاه حاکمه کوشش می کرد که با ارباب و با فشار و با آزار و شکنجه و حبس و امثال اینها با ملت رفتار کند و ملت هم اگر زور نداشت کوشش می کرد که مالیات بتواند ، نپردازد ، از زیر بار همه چیز در برود ، هر چه بتواند کارشکنی کند برای دولت و از این جهت هی شکاف بین مردم و دولت حاصل می شد و دولت هم هیچ پشتیبان نداشت و دستگاه حاکمه يك امر به خیال خودش مستقلاً بود که هیچ ارتباطی با ملت نداشت ، ملت هم به او هیچ اعتماد نداشت ، او را دشمن خودش می دانست . ارتش وقتی می آمد توی مردم مثل اینکه دشمن آمده است و جمعیت از او فرار می کردند و پشت می کردند به او و پاسبان وقتی که می آمد در بین مردم ، مردم از او فرار می کردند ، تفر داشتند و اینها اسباب این شد که نتواند حکومت باقی بماند و با پایگاه نداشتن در پیش ملت ناچار باید کنار برود و رفت . این باید يك عبرتی باشد برای دولت ها . در رژیم اسلامی شاید در راعس برنامه همین تفاهم ما بین دولت و ملت باشد یعنی نه دولت خودش را جدا می داند و بخواهد تحمیل بکند و مردم را تهدید بکند ، ارباب بکند ، اذیت بکند و نه مردم در صدد این بودند که دولت را تضعیف بکنند از مقررات دولتی . اسلام وضعش از اول اینطور بوده است که آن حاکمش که راعس بوده است ، در زندگی ، در معاشرت ، در اینها با مردم یا پائین تر بوده است یا همانجور . و ما بهترین حاکمی که در اسلام بعد از رسول الله پیدا شد ، حضرت امیر سلام الله علیه بود و مع الاسف حکومت کوتاهی داشت و ما وقتی که سیره ایشان را در عمل از تاریخ اخذ بکنیم و فرمایشات ایشان را در خطبه ها ، در نامه ها اخذ بکنیم و رفتار ایشان را با رعیت و همین طور رفتار رعیت با او ، رفتار استاندارهایی که می فرستادند در اطراف ، يك مملکت بسیار بزرگ بود دیگر ، حجاز و مصر و ایران و عراق و سوریه و يك مقدار از اروپا و اینها همه تحت سیطره بودند و وقتی که می فرستادند سفارش هایی که می کردند نسبت به اینکه چه جور باید رفتار بکنید و چه جور هم رفتار می کردند آنها و مردم با آنها چه وضعی داشتند ، اینها همه در تاریخ هست . زندگی

خود امیرالمومنین که معروف است که . . . يك آدم متعارف نمی تواند آنطور زندگی کند . حتی اشکال کرده بودند که خوب شما اگر زندگی ات این است ، پس چرا همچو قوی هستید؟ در يك جایی می فرمایند که این درخت هائی که در بیابان پیدا می شود ، هم چوبش محکمتر است هم آتشش قوی تر است برای اینکه آب کم خورده است . اینطور نیست که هر کس زیاد خورد و چرب خورد و شیرین خورد ، این يك آدم قوی بشود بلکه شاید بسیاری از این غذاها خصوصا این غذاهای غیر عادی برای انسان شاید سستی و ضعف و اینها هم می آورد . در هر صورت در زندگیش وقتی که انسان می بیند ، می بیند که يك پوستی بوده است (اینطور نقل می کنند) که شب ها این پوست را می انداختند و خودشان با حضرت فاطمه سلام الله علیها رویش می خوابیدند و روزها همین پوست را علوفه رویش می ریختند برای شترشان . و در خوراك هم کسی نمی توانست آنطور زندگی بکند ، هیچ کس همچو زندگی ای و خودشان هم می فرمایند شماها نمی توانید لکن در تقوا و در ورع **سَأَ** من اشتها کنید ، با من موافقت کنید . وضع حکومت اینطوری بود و اینطور خاضع در مقابل قانون ، رئیس يك ملت که توسعه ریاستش اینقدر زیاد بود و قدرت ارتشش آنطور ، آنطور خاضع در مقابل قانون که وقتی قاضی ای که خودش نصب کرده او را دعوت می کند که يك کسی را ادعائی داشته یا ایشان ادعا داشتند که راجع به يك زرهی ، یهودی هم بوده آن طرف ، وقتی که (به حسب نقل) قاضی ایشان را احضار می کند (همان قاضی که خودش نصب کرده) تشریف می برند وقتی قاضی می گوید یا ابالحسن ، می گوید نه ، باید من و او را علی السواء حساب بکنی ، قاضی باید نظرش به هر دو علی السواء باشد و مرا با کنیه که يك احترام است اسم نبر ، یا علی بگو . و وقتی هم که قاضی رسیدگی می کند و حکم بر ضد حضرت امیر می دهد ، حق می دهد ، منتهی یهودی می آید ایمان می آورد اسلام می آورد می بیند که اسلام این است . وضع معاشرتشان با مردم ، وضع زندگی شان ، وضع عدالتشان ، رسیدگی شان به فقرا و معروف است و دیگر تاریخ هم هست که خانه هایی بوده است که مطلع نبودند که کی می آید برایشان چیزی می آورد ، ایشان می بردند و در يك جایی که رفتند و بچه ها وقتی که می رفتند گریه می کردند و ایشان وارد شده بود و به آنها غذا داد و تلافی کرد و اینها ، بعدش شروع کردند يك صدای مثل صدای شتر که بچه ها را بخندانند . گفتند: (من وقتی آمدم این بچه ها گریه می کردند دلم می خواهد حالا که می روم بخندند بچه ها) . ای يك حاکمی است که توسعه حکومتش از حجاز تا مصر تا ایران تا افریقا تا همه اینها بوده است . خوب البته هر کس که نمی تواند (هیچ کس نمی تواند) . لکن اگر حکومت ها خودشان را جدا ندانند از مردم ، رؤسا اینطور نباشد که بروند هر کس در هر جائی يك ریاستی داشت بخواهد اعمال قدرت بکند ، اعمال ریاست بکند ، مردم را پائین تر بداند ، با مردم رفتاری بکند که رفتار يك مثلا زورمند خیلی کذا است با دیگران ، اسباب این می شود که مردم از او جدا بشوند ، مردم مالیات ندهند و فرار کنند از مالیات ، دو دفتر داشته باشند . الان کرارا از من سؤال شده است که مادر زمان طاغوت دو تا دفتر داشتیم يك دفتری بود که در دسترس مامورین می گذاشتیم این غیر آن بود که ما داشتیم . حالا چه بکنیم ؟ ما گفتیم نه ، حالا دیگر شما از خودتان می دانید دیگر . اینها برای این است که از آنطرف زور و ارباب و فشار ، از آنطرف هم ملت نمی تواند

اینقدر بپذیرد، از این جهت او هم قدر بتواند تخلف می کند، بتواند علنا تخلف می کند چنانچه اخیرا کرد، اگر نتواند اینطورند خوب در خفا تخلف می کند، هر چه بتواند از مال دولت بر می دارد. این باید يك سرمشقی باشد برای دولت ها، برای ادارات، برای همه جا که مردم را از خودشان جدا نکنند، مردم را از خودشان بدانند، مردم هم آنها را از خودشان بدانند. اگر يك همچو تفاهمی بین دولت و ملت پیدا شد این دولت متکی به ملت است و سقوط ندارد، این دیگر قابل سقوط نیست و من امیدوارم که بشود انشاءالله يك صبغه اسلامی پیدا بکند، يك شبیهی، يك قدری شباهت به حکومت اسلام باشد و اگر باشد (امیدواریم که بشود همه اش، اما هر چه بتوانیم) اگر بشود يك مملکت آرامی که هیچ کس در فکر این نیست که به دیگری تعدی بکند، نه دولت به ملت و نه ملت به دولت و مردم هم از روی رضا و رغبت مالیاتی که برای حفظ خودشان است، برای حفظ سرحدات خودشان است، خودشان رضا و رغبت می دهند. هرکسی فرض کنید که يك کسی گوسفند دارد، ده هزار گوسفند دارد، اگر يك نفر بیاید بگوید، اینها را حفاظت می کنم، او بداند که این امین است و حفظ می کند، این از روی رضا و رغبت به او اجرت می دهد، چیز می دهد که حفظش کند. يك کسی که خودش نمی تواند حفظ کند، آن اشخاصی که بیایند و بگویند ما حفظ می کنیم، خودش از روی رضا و رغبت به او پول می دهد. خوب يك مملکتی است که مردم که نمی تواند این مملکت را اداره بکنند و حالا که نمی توانند اداره کنند خوب يك طایفه ای باید اداره کنند، سرحداتش را حفظ بکنند همچو جهات دیگرش درست بشود. خوب، يك مملکتی مملکت خود مردم است و دولت می خواهد حفاظت کند این را، انتظامات را ایجاد کند، شهرداری می خواهد شهر را آباد کند، دولت می خواهد راه ها را درست بکند و این چیزی است که مال خود مردم است و به دسترس خود مردم، برای خود مردم دارد انجام می دهد. وقتی اینطور شد، خود مردم با رضا و رغبت (دیگر دو دفتر هم درست نمی کنند) و می دهند برای اصلاح امورشان و اگر يك دغل هم پیدا بشود آنوقت کم می شود، اینطور نیست که همه باشند.

خمس تمام عایدی يك مملکت در سال رقم هنگفتی است که میتواند کشور را اداره کند

و اگر يك روزی هم انشاءالله توانستیم، توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و آن هم کم رقمی نیست، البته از زکات خیلی نیست اما اندازه فقرا هست که دیگر فقیر را نمی گذارد وجود پیدا کند. اما خمس يك مالیات بسیار هنگفتی است و این مالیات بسیار هنگفت برای همه چیز است یعنی سیستمش طوری است که، اینطور نیست که خیال بشود که برای فقرا است. خمس تمام عایدی تمام يك مملکت در هر سال يك قلم بسیار درشت است و این می تواند اداره بکند. اگر انشاءالله توانستید، توانستیم همین سیستم اسلامی را که دیگر در مالیات هم هیچ احتیاج به اینکه يك چیز دیگری زاید بر آن باشد نداشته باشیم، همین خمس تمام درآمدها و بسیار عادلانه است برای اینکه این بقال سر محله به اندازه خودش مالیات می دهد، آن آدمی هم که صاحب کارخانه های کذاست

آن هم به اندازه

خودش مالیات می دهد. این يك طور سیستمی است که يك جور با عدالت رفتار شده و اگر چنانچه انشاءالله هم بشود، که دیگر هیچ احتیاجی به اینکه مردم زاید بر آن چیزی بدهند ندارد و البته حالا که باز آن ترتیب نشده است و امید است که بشود و اگر بشود هم يك درآمد بسیار سرشاری است که شاید همه چیز ما را اداره بکند و انشاءالله مملکت صحیح و سالم بشود و خودتان اداره اش بکنید. مقصود عرضم این است که حتی رؤسای مالیه وقتی که در آنوقت که من بچه بودم و در آن طرف ها بودم رئیس مالیه اش هم حراص بود نسبت به مردم و (را) چه می کرد و از ژاندارمری مثلا چه می کرد تا از مردم به زور چیزی می گرفت، به زور نه اینکه همان مالیات را مالیات و غلق به اصطلاح آنوقت که مالیات می گرفت و مأمور هم غلق می خواهد و آنجا هم باید برود وقتی که وارد می شود باید آن کسی که به او وارد شد کدخدای ده چه بکند و چی برایش بیاورد. چه مصیبت هائی مردم داشتند از دست همین کسانی که به عنوان مأموریت، چه مأمور مالیه بود چه مأمور حکومت بود، مأمورین هم وقتی می رفتند مردم را عذاب می کردند و آنطور نبود که حضرت امیر (علیه السلام) دستور می دهد که بروید صدا کنید آن آدم هایی که هستند برای زکات صدا کنید. بگوئید که (به حسب روایت) که زکات تان را داده اید یا نداده اید؟ اگر گفتند داده ایم برگردید و آنها هم تخلف نمی کردند. وقتی يك حکومت آنطور شد و مردم در مقابل خدا مسؤول شدند و خداوند را شاهد دیدند آنها هم تخلف نمی کردند و آنها هم مالیاتی را که باید بدهند می دادند، زکات را می دادند، خمس را می دادند.

امر بر جدیت مسؤولین در رفتار نیک با مردم و ایجاد يك محیط برادری

در هر صورت عمده این است که همه ماها بدانیم که مسؤول هستیم پیش خدای تبارک و تعالی و همه بدانیم که عقل هم اقتضاء می کند که به همانطوری که اسلام دستور داده با مردم رفتار بشود، حکومت ها همانطور رفتار بکنند. وقتی که در صدر اسلام مأمورین رامی فرستادند، همان که سردار بود، همان که استاندار بود امام جماعت هم بود یعنی اینقدر مورد اعتماد مردم بود و مردم او را به عدالت می شناختند که به او اقتدا می کردند و با او نماز می خواندند و همان هم جنگ می رفت و مردم هم به او احترام می کردند. اگر يك همچو چیزی بشود و ما بتوانیم که يك دستگاه دولتی ای که دولت اسلامی باشد، با مردم باشد. شما الان الحمدلله تا يك حدودی پیش رفته است این. می دانید که ارتش همچو با مردم دور بود که در يك جمعیتی ارتش وارد نمی شد برای اینکه اگر می آمد تا او می آمد مثل اینکه لشکر مغول حمله کرده مردم می رفتند کنار و اگر مردم می خواستند بیایند توی اینها با سرنیزه کنارشان می کردند اینجور بود وضع، حالا ما اینجا هر چند روز يك دفعه يك عده ای از ارتش می آیند، يك عده ای از ژاندارمری می آیند، يك عده مردم دیگر، همه مردم مخلوط به هم، داخل در هم و همه با هم مخلوط و همه باهم یکصدا و همه اظهار اسلام، اظهار اطاعت به احکام اسلام می کنند و این چقدر خوب است من به آنان می گفتم که شما حالا برایتان بهتر است که با دل راحت اینجا نشستید و نمی ترسید که کسی شما را اذیت کند و مردم هم نمی ترسند که شما اذیتشان کنید، حالا وجدان کنید حالا وجدان شما

راحت تر است یا آنوقتی که می ریختند و با سر نیزه مردم را، خود آن آدمی هم که سرنیزه می کشد ناراحت است و وجدانش ناراحت است، نمی شود انسان اینطور باشد. بله، ممکن است يك وقت يك کسی اینقدر جنایت بکند که عادی بشود برایش، لکن مردم عادی نمی توانند. این ارعابی که اینها ایجاد می کردند برای این بود که از ملت می ترسیدند. اصلا اساس ارعاب مردم و ترساندن مردم و عرض بکنم که دور کردن مردم از خودشان، اساس این بوده است که اینها از بس که به مردم تعدی کرده اند، از مردم می ترسند. حالا که از مردم می ترسند چه بکنند که مأمون باشند؟ ایجاد رعب می کردند، می ریختند عرض بکنم که توی مردم يك بساطی درست می کردند که مردم از آنها بترسند، این مردم از آنان بترسند، برای حفظ خودشان بود. خودشان به مردم بد کرده بودند، حالا اینطور می کردند که بترسند. این شاه سابق جرات نمی کرد بیاید توی مردم، هیچ امکان نداشت برایش که بیاید با مردم بنشیند. دو گل بود که آمده بود اینجا، رفته بودند نزدیکی های بازار و با آن همه حفاظت و اینها، دو گل پیاد شده بود رفته بود توی جمعیت، برای اینکه او نمی ترسید از جمعیت ایران، شاید در جمعیت خودش هم آنجا نمی ترسید. وقتی که اینطور بشود که بتواند يك سلطان مملکت، فرض کنید یا يك نخست وزیر مملکت بتواند برود توی مردم، با مردم باشد، صحبت بکند، حرف بزند، چه بکند، وقتی اینطور باشد خوب اساس به احترام... حکومتی اش اضافه اینکه مردم پشتیبان او هستند، مردم او را چون پاسبان خودشان می دانند پشتیبانشان هستند اما وقتی که بگویند پاسبان عقرب است و می زند آدم را، به اسم پاسبانی اخاذی می کند، مردم را می چابد خوب این دیگر معلوم است که مردم به او بدبین می شوند. اگر دیدند که روسای مالیه مثلا، اینها يك قدری مالیات می گیرند يك قدری هم زیادتر از مالیات برای خودشان، يك قدری هم مأمورشان می رود چه می کند، مردم حتی الامکان مالیات نمی دهند، حتی الامکان بتوانند از زیر بارش فرار می کنند اما وقتی دیدند آنکه آمده است برای حفظ خودشان و برای حفظ مملکتشان و برای حفظ دارایی شان، برای حفظ جانشان اینها دارند زحمت می کشند، خوب قهرا آدم وقتی دید يك کسی به او کمک می کند به او محبت می کند، آنوقت مالیات ها را با رضا و رغبت و با صورت گشاده به آنها می دهد. جدیت بکنید که با مردم رفتارتان خوب باشد. اینها بندگان خدا هستند، با اینها رفتارتان خوب باشد. همه جا و همه کس همه مردم با هم جدیت بکنند که همه باهم خوب باشند، يك محیط برادری ایجاد بشود. در مملکت اگر يك محیط برادری ایجاد شد، محیطی که قرآن کریم می فرماید که مؤمنین اخوه هستند، برادر هستند، همه مؤمن ها با هم برادر هستند، وقتی يك محیط برادری پیدا شد، صلح و صفا پیدا شد دیگر اینطور ناراحتی ها و اینطور چیزها در کار بشود، نمی شود.

روش بررسی قانون اساسی و تصویب آن در دنیا نمونه است

انشاءالله خداوند همه شمارا تأیید کند، موفق باشید و همه را تأیید کند که این بار که حالا در نیمه راه است به آخر برسانیم و این مجلس که بنا است درست بشود و بررسی قانون اساسی، هر که

نظر دارد نظر بدهد و بعد از نظر دادن به این مجلسی که بنا است درست بشود، مردم خودشان این مجلس را تأسیس نکنند آنجا آنها بررسی نکنند، آنها تصویب نکنند بعد هم خوب مردم، و من گمان ندارم که در دنیا از این فرمی که طرح شده است الان، بهتر فرمی است که هست و در دنیا از این بهتر نداریم ما که در اختیار ملت در دو دفعه باشد. در هر جا به اصطلاح اینها هیچ دموکراسی بالاتر از این نیست که يك مطلبی در اختیار مردم دو دفعه قرار بگیرد. مجلس مؤسسان که درست می کردند يك دفعه اختیار مردم بود و آن این است تعیین آن آقا را نکنند. رفراندم اگر بود يك دفعه در اختیار مردم بود که یکی دیگر قانونش را بنویسد مثل فرانسه در جمهوری پنجمش کسان دیگر از اجزای دولت و وزارتخانه ها و اینها قانون را نوشتند، يك چند نفری هم از مجلس شورا و اینها بود که بعد به رفراندم گذاشتند قانون اساسی شان را اما این قانون اساسی که الان بنا هست بر آن، دو دفعه در اختیار مردم است، يك دفعه اینکه مردم این اشخاصی که اطلاعات دارند از قوانین، اطلاعات دارند از اسلام اطلاعات دارند از آن، برای مردم هستند، دلسوزند برای مردم، امین هستند، يك همچو اشخاصی را تعیین کنند برای بررسی قانون اساسی و درست کردن و اینطور چیزهایش، به این هم اکتفا نکنند باز يك دفعه دیگر در اختیار مردم بگذارند که حالا بعد از اینکه نمایندگان شما این را تصویب کردند یا تصدیق کردند به اینکه این بسیار خوب است و صحیح است و موافق با اسلام است و موافق با مصلحت کشور است ثانیاً بیایند به مردم بگویند آقا اینی که، کسانی که شما تعیین کردید، تعیین کردند، بیائید باز خودتان هم باز بفرمائید. در دنیا يك همچو چیزی نیست و حالا هم که می بینید که بعضی ها نق نق می زنند اینها همانها هستند که نمی خواهند این مملکت يك آرامشی پیدا بکند. هر جایش را بگیری باز يك صدایی دیگری در می آورند، هر جایش را مردم را شما از اینجا بشناسید ببینید که حرف هائی که می زنند روی چه اساسی دارد. اینهائی که الان دارند هی داد و قال می کنند اینها خوب، حرفشان چیزی نیست که قابل ذکر باشند لکن ببینیم چه جور اشخاصی نق می زنند راجع به همین معنا هم که بهترین ترتیبی است که در دنیا واقع شده است و می خواهد واقع بشود. برای همین هم باز يك اشخاصی اشکال می کنند. این برای یا می خواهند اظهار فضلی بکنند، خوب آن مانعی ندارد، خوب اشخاصی دلشان می خواهد اسمشان توی روزنامه باشد و اظهار فضلی بکنند، اظهار روشنفکری بکنند، ما مضایقه از این نداریم که آقایان اظهار فضل خودشان را بکنند لکن جوری نباشد که بخواهند يك مطلبی را که می خواهیم زودی تمام بشود و این مملکتی که الان توطئه دارند می کنند توطئه ها جمع به هم بشود و يك وقت خدای نخواسته بعد از دو سه سال که قانون اساسی را ما تا دو سه سال طول بدسیم و مجلس مؤسسان تا دو سه سال، این اسباب زحمت بشود. و بهترین طریقی که اصلاً در دنیا هم سابقه دارد یعنی به استثناء آن جهتش خود مردم و وکلایشان را تعیین می کنند و چیز، رفراندم سابق دارد و بررسی از قانون اساسی هم با اهل خبره این هم سابقه دارد در فرانسه ای که این به قول همین شماها، یعنی به قول همین روشنفکرها، مهد آزادی و مهد دموکراسی است این سابقه دارد این بهتر از آن است. برای اینکه آنجا از وزرا و از نخست وزیری و از اشخاصی که منتخب مردم نبوده است با چند نفر هم از منتخبین مردم،

اینها با هم جمع شدند، این منتخبین در غیر این جهت، آنها هم منتخب برای این جهت نبودند. مجلس شورا و مجلس سنا منتخب برای نگاه کردن در قانون اساسی نبوده، انتخاب کرده اند اما نه انتخاب برای قانون اساسی، از منتخبین آنها که انتخاب برای قانون اساسی هم نبوده و از وزرا و از امثال اینها يك گروه هایی جمع شدند با هم، تدوین کردند، اینکه تدوین شد به آراء عمومی گذاشتند رای دادند این تمام شد. این بهتر است که دیگر بالاترین (به اصطلاح شما) دموکراسی در دنیا و مهد آزادی اینطور درست کرده است یا اینکه حالا ایران که شماها روشنفکرها اعتقادتان این است که يك مملکتی است که مردمش هیچ نمی فهمند عرض بکنم همچو اهانت می کنید به مردم و همچو خودتان را باختید در مقابل غرب که خیال می کنید ما هیچ چیز نداریم و آنها همه چیز دارند، حالا آن بهتر است یا این بهتر است؟ در همان معنایی که مهد عرض بکنم آزادی و اساس و دموکراسی است آن بهتر است یا این که آنی که می خواهد بررسی کند در قانون اساسی، منتخب خود مردم باشد و بعد از این هم که چیز شد خود مردم رای بدهند. آنی که بهترین طریقتش به خیال آنها بوده، این است که يك اشخاص دیگری این را بررسی بکنند که مبعوث از مردم نیستند و بعد مردم خودشان رای بدهند. ما می گوئیم نه، آنی هم که می خواهد بررسی بکند، آن هم مبعوث از مردم، بعد هم خود مردم رای بدهند. دیگر بهتر از این چیزی اصلا نیست و این نق نق ها هم جز اینکه یا اظهار فضیلت است (که هیچ مضایقه ای نیست) یا خدمت به این است که نگذارند درست بشود بلکه این پالیزبان _ نمی دانم _ و این اویسی و اینها که در سر حدات دارند فتنه می کنند بلکه بتوانند، لکن آقایان باید بدانند دیگر گذشت، نمی توانند و نمی شود این چنین چیزی. انشاءالله همه موفق و موید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار با سفیر یمن شمالی

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر می‌کنم از اینکه به ملاقات من آمده‌اید و همین‌طور از ملت شما. اسلام يك دين آسمانی است که برای ارشاد ملت‌ها و رفع اختلاف بین آنان و هدایت به کمالات انسانی و رفع ظلم و بیدادگری آمده است لکن مسلمین مجموعاً و تقریباً همین‌طور دولت‌های اسلامی از آن سری که اسلام برای آن آمده است یا غافل بودند و یا تغافل کردند و همه گرفتاری‌هایی که برای مسلمین در طول تاریخ ایجاد شده است برای همین جهت است که از تعلیمات اسلام دور بودند و نتوانستند آن هدایتی را که اسلام برای آن آمده است ادراک کنند و یا به واسطه اغراضی که داشتند نتوانستند انجام بدهند. مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است: (واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا) اگر به همین يك امر و نهی عمل می‌کردند تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند لکن مع الاسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تغافل بعضی از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند باید مسلمین انتظار گرفتاری‌های بیشتر داشته باشند. مشکل دیگری که هست عدم تفاهم بین دولت‌ها و ملت‌هاست. جدائی ملت از دولت بلکه رو در رو قرار گرفتن آنها موجب ضعف آنها و گرفتاری دولت و ملت شده است و تا این مشکل خود را دولت‌ها رفع نکنند، روی سعادت را نخواهند دید و همیشه گرفتار دست خیانتکاران و اجانب خواهند بود. من از خدا می‌خواهم که مسلمین را بیدار و آشنا به وظائف اسلامی بکند.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن کاراته ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

انشاءالله خداوند به همه شما توفیق بدهد و قدرت شما را ، هم قدرت جسمی و هم قدرت روحی عنایت کند .

الان مملکت ما احتیاج به قدرت روحی دارد و هم احتیاج به قدرت جسمی . و امیدوارم که شما در هر دو مرتبه ، هم در جانب روح و هم در جانب جسم خودتان را تقویت کنید . و تقویت در جانب روح به این است که توجه تان به خدای تبارک و تعالی زیاد باشد ، اتکانتان به قدرت لایزال حق تعالی باشد و نظرتان نظر الهی باشد و تبعیت از احکام خدا بکنید و در جسم و جان هر دو فداکار اسلام باشید و همه فداکار اسلام باشید . و من امیدوارم که در پناه اسلام همه قدرت ها ، همه قواها قدرتمندتر بشوند ، قوت دارتر بشوند و شماها انشاءالله برای مملکت آبرومندی تهیه کنید و مملکت ما را معروف کنید در همه جا ، چنانچه در این نهضت بحمدالله همه جا معروف شد و همه با چشم احترام به این ملت نگاه می کنند و عمده این است که از این به بعد هم ما این احترام را حفظ بکنیم ، به اینکه همه با اخلاق اسلامی و با آداب اسلامی باشیم تا انشاءالله این قدرت و این قوت در جای خودش خرج بشود و نهضت اسلامی ما به ثمر برسد . خداوند انشاءالله شما را سعادتمند کند در دنیا و در آخرت .

پاسخ امام خمینی به نامه آقای یوسف کر معلی

بسمه تعالی

جناب آقای یوسف کر معلی دامت توفیقه

نامه جنابعالی و اعضای محترم جمعیت خوجا اثنی عشری کشور کنیا واصل گردید . از اظهار تبریک و پشتیبانی از استقرار جمهوری اسلامی در کشور ایران که نموده بودید ، متشکرم و از خدای تعالی عظمت و موفقیت عموم مسلمانان جهان و پیروزی آنان را بر دشمنان خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 178

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان لنگرود و پاسداران انقلاب اسلامی همدان

رسالت انبیا، تزکیه نفوس و مهار جهات مادی افسار گسیخته انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند کلمه با آقایان و خواهران در مفاد این آیه شریفه که آن خواهر خواند عرض کنم. خدای تبارک و تعالی می فرماید که من منت گذاشتم بر مردم به اینکه پیغمبر را فرستادم که آیات مرا برای مردم تلاوت کند (ویزکیهم و يعلمهم الكتاب و الحکمه) تزکیه را مقدم ذکر فرموده است از علم، از حکمت. آیات شریفه قرآن در هر ذره از آن نکات هست. جهت اینطور نیست که مثل يك نویسنده باشد که مقدم و مؤخر بودنش ممکن است که در نظر نباشد. تلاوت آیات شریفه، خوب همان رسالت است یعنی رسول آمده است که آیات قرآن را بر مردم تلاوت کند، تلاوت برای چه؟ تلاوت کند و مردم را تزکیه کند، نفوس مردم را تزکیه کند تطهیر کند.

انسان دو جنبه دارد: جنبه معنوی و جنبه ظاهری. جنبه ظاهری همین است که می بینید و همین دنیا است که می بینید و همین مادیات است که مشهود است و جنبه معنوی جنبه دیگری است که ماورای این عالم است، در انسان است. اما انسان مجموعه همه عالم است کانه خدای تبارک و تعالی دو نسخه موجود فرموده اند: يك نسخه تمام عالم، يك نسخه کوچک این است. انسان عصاره همه موجودات عالم است یعنی در انسان همه چیز هست و خدای تبارک و تعالی توجه و عنایت فرموده است و منت گذاشته است بر انسان به اینکه پیغمبرانی فرستاده است برای اینکه هم آن جهت معنویت را که اهم است و تمام نظر به اوست تربیت کند، تزکیه کند مردم را، تهذیب کند مردم را، تعلیم بدهد مردم را، حکمت تعلیم کند، کتاب تعلیم کند و هم این جهات مادی افسار گسیخته را مهار کند. اینها که مادی هستند مادیت را به طور افسار گسیختگی توجه به آن دارند و انبیا آمده اند که همین مادیات را و همین امورات مادی که انسان نسخه های از آن هم هست، عصاره های از آن هم هست و انسان را طوری تربیت کند که مادیات هم در مهار معنویات باشد. اصل اساس، معنویات اوست. اصل اساس این است که هیچ تعلیم و تربیتی در دنیا و هیچ رژیم در عالم (از تمام رژیم ها که بگیرید) توجه به آن معنویت انسان ندارند. اینکه توهم می شود که فرق ما بین رژیم اسلامی و انسانی با سایر رژیم ها این است که در این عدالت هست، این صحیح است لکن فرق این نیست، فرق ها هست، یکی از فرق هایش قضیه عدالت اجتماعی است. هیچ يك از رژیم دنیا غیر از این رژیم توحیدی انبیا توجهش به معنویات انسان

نبوده است، در نظر نداشته است که معنویات را ترقی بدهد. آنها همه در دنبال این بوده اند که این مادیات را استفاده از آن بکنند و یک نظام مادی در عالم ایجاد بشود و انبیا اصلش آمده اند برای تزکیه نفوس انسانی، تعلیم و تربیت کتاب و حکمت و مهار کردن این طبیعت که انسان قبل از مهار کردن طبیعت به دست انبیا به طور اصلاح همه چیز را می خواهد. در انسان کما اینکه یکی از موجودات عالم است که یک حیوانی است منتها حیوان قابل تربیت. هیچ یک از چیزهایی که در انسان، قوایی که در انسان است محدود نیست. انسان شهوتش محدود نیست به اینکه نظام داشته باشد مثل سایر حیوانات، بلکه از سایر حیوانات هم بدتر است. غضب انسان محدود نیست به اینکه در یک موردی اعمال غضب بکند، در یک موردی نکند، غیر محدود است. این مثل این است که سلطه بر سایر کشورها، بر سایر گروه ها محدود نیست که با یک نظمی بر آنها غلبه کند، غیر محدود است. انسان شهوتش همچو غیر محدود است که هیچ مرزی ندارد، هیچ فرقی مابین افراد نیست، اگر غضب کند مرزی ندارد که در آن مرز محدود باشد. مهار تا نشود، تا اشخاصی که باید مهار کنند این قوای انسان را، تا مهار نکنند غیر محدودی و مطلق است. انبیا آمده اند که با تعلیم و تربیت الهی و با تزکیه نفوس مهار کنند این قوه های غیر محدود انسان را.

بر طبق موازین کتاب و سنت اعمال قدرت کنید

این مقدمه را که من عرض کردم برای این است که ما الان در معرض یک خطر عظیم واقع هستیم که این خطر از خطر رژیم سابق برای ما بیشتر است و آن خطر افسار گسیختگی است. خطر افسار گسیختگی که انسان بعد از اینکه خودش را آزاد دید، بعد از اینکه دیوارهای استبداد را شکسته دید، بعد از اینکه از زندان 35 میلیونی بیرون آمد، حالا افسار گسیخته بشود، هر چه می خواهد بکند، یعنی برخلاف این تعلیماتی که انبیا از صدر عالم تا حالا آورده اند که مهار کنند این قوای انسان را، مهار کنند این قدرت هائی که انسان دارد، مهار کنند این شهواتی که انسان دارد، حالا که ما، ملت ما به واسطه همتی که کردند و به واسطه همتی که کردند و به واسطه آن ایمانی که داشتند خدای تبارک و تعالی آنها را موفق کرد و غالب شده اند بر طاغوت، حالا مهار گسیخته بشود. این خطر، خطر بزرگی است که تعالیم انبیا را به باد می دهد، زحمت های رسول اکرم را به باد می دهد، آبروی اسلام را از بین می برد. الان آبروی اسلام بسته است به اعمال شما مردم ایران که مردم عالم متوجه اند به اینکه ببینند چه می کنید. اینکه الان آزادی به دست شما آمد و از اختناق بیرون رفتید، آیا چه می کنید؟ آیا افسار گسیخته شدید؟ دیگر حدی ندارد کارها؟ مرزی ندارد کارها؟ پاسدارید و تفنگ دارید و قوه دارید و قدرت دارید و به خانه ها می ریزید، مال مردم را می برید، هتک آبروی مردم را می کنید؟ یا نه، تربیت، تربیت اسلامی است، حد و مرز دارد، حدود دارد در اسلام، اگر چنانچه یک کسی با دیگری هم دشمنی داشته باشد (که در اسلام نباید داشته باشد) اگر چنانچه کسی فرزند کسی را کشته باشد، حقی که اسلام به او داده این است که روی موازین آن را قصاص بکنند هیچ حق دیگری ندارد یعنی اگر چنانچه فرزند یک نفر را،

فرزندهای يك نفر را ، عشیره يك نفر را ، يك نفر قتل عام بکند و همه را بکشد ، در اسلام این است که این را باید قصاص کرد بیش از این حقی برای کسی قائل نیست ، يك فحش حق ندارد بدهد ، يك سیلی حق ندارد بزند .

آیا امروز که قدرت دست مردم آمده است و در مقابل قدرت ها خود مردم هم قدرت پیدا کرده اند ، پاسبان ها قدرت دارند ، سپاهی ها قدرت دارند ، آیا قدرت را روی موازین کتاب و سنت ، روی تعلیمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعمال می کنند ، یا هر چه پیش آمده ، آمد . حالا که قدرت داشت ، هر جا که می تواند این قدرت را اعمال می کند ، دنبال این نیست که روی حق باشد ، دنبال این نیست که روی عدالت باشد ، دنبال این است که اعمال قدرت خودش را بکند ، همان افسار گسیختگی که حیوانات دارند ، حیوانات افسار گسیخته اند ، میزان ندارد کارشان انسان را که انبیا تربیت می خواهند بکنند ، می خواهند محدودش کنند به حدودی ، روی قوانینی ، روی مرز و بومی باشد . آیا امروز که ایران يك مرکزی شده است که چشم های دنیا به این مرکز دوخته شده و همه عالم دارند دانشمندانشان مطالعه می کنند در احوال این مملکت و این ملت ، آیا این ملت حالا- دنبال این مطلب هست که ما يك کاری بکنیم که حفظ آبروی اسلام بشود؟ ما می گوئیم جمهوری اسلامی ، آیا رباخورها به جمهوری اسلامی اعتقاد دارند و باز مشغولند؟ آیا آن اشخاصی که ظلم می کردند و حالا قدرت دست يك اشخاص دیگر افتاده و اینها با قدرت هستند ، به جمهوری اسلامی معتقد هستند؟ اگر معتقد هستند به جمهوری اسلامی ، باید حکومت اسلامی مثل حکومت علی ابن ابیطالب سلام الله علیه باشد . مردمی که در این حکومت زندگی می کنند همه اسلامی باشند ، تابع باشند . اینطور نباشد که کارهایی بشود که در خارج منعکس بشود که اینها يك مشت وحشی بودند ، وقتی که از دام بیرون افتادند خودشان وحشت کردند .

مسئولیت خطیر روحانیون در حفظ حیثیت اسلام

برادرهای من ! خواهرهای من ! امروز آبروی اسلام بسته به اعمال ماها ، اعمال شماهاست ، امروز آبروی اسلام بسته به اعمال روحانیون است . روحانیون که مربی انسان ها هستند به جای انبیا نشسته اند ، مبعوث از طرف انبیا هستند . آبروی اسلام امروز ، آبروی اسلام در ایران و امروز بسته به اعمال همه است و خصوصا روحانیون . اگر خدای نخواست از این طایفه يك اشتباهی صادر بشود ، يك خطایی صادر بشود ، این به پای اسلام تمام می شود . متوجه باشید که مسئولیت بزرگ است ، همه مسؤولیم ، همه مسؤولید لکن روحانیون بیشتر مسؤولند . مبادا يك وقت اعمالی صادر بشود از این طایفه که همانطور که گفته می شود و اشخاص مغرض گفته اند و می گویند که ما از زیر بار دیکتاتوری رضاخان بیرون آمدیم وزیر بار دیکتاتوری آخوندها واقع شدیم . آخوند دیکتاتور نیست و دیکتاتور آخوند نیست . اگر رسول اکرم ، امیرالمومنین (سلام الله علیه) خدای نخواست دیکتاتور بودند ، آخوند هم باید دیکتاتور باشد لکن آنها نبودند ، آنها هیچ وقت اعمال قدرت را بر غیر موضعش نمی کردند ، آنها

بودند که به حسب نقل وقتی که حضرت امیرسلام الله غلبه کرد بر يك دشمن و او تف انداخت به صورت امیرالمومنین ، پاك كرد . گفته می شود که آمدند بعد او را از بین بردند و از ایشان سؤال شد ، گفت ترسیدم که برای خدا نباشد برای این باشد که او به من اهانت کرده . اهانت را ، اهانت به يك موجودی که هر که او را اهانت کند واجب القتل است ، هر که به رسول خدا اهانت کند ، هر که به ائمه خدا اهانت کند واجب القتل است ، در عین حال برای اینکه خودش بوده و حقی برای خودش بوده و می خواسته که خالص باشد این کاری را که می فرماید ، تحمل کرد تا اینکه مبادا يك وقت يك خللی در قصد واقع بشود . آقایان علماء اعلام مسؤولیتشان زیاد است چنانچه شغلشان از همه شغل ها شریفتر است . شغل ، شغل انبیا است و مسؤولیت انبیا و همه و همه مسؤول هستیم . همه هستیم که باید با رعایت صحیح رفتار کنیم (کلکم راع) همه باید مراعات حدود بکنیم . مراعات اموری را که باید بکنیم ، بکنیم . همه باید بنده خدا باشیم ، بنده خدا در احکام ، هر چه فرموده است عمل بکنیم ، نه هر چه خواستیم . امروز آبروی اسلام بسته به اعمال شما آقایان ، شما برادرها ، شما خواهرها و بالاتر علما ، برای اینکه علما در رءس هستند و اگر در رءس يك خطائی خدای نخواستہ واقع بشود سرایت می کند ، در رءس علما هستند و اگر در رءس يك خطائی واقع بشود مردم او را پای انبیا دارند و می گویند تعلیم آنهاست ، لااقل دشمن های ما می گویند اسلام همین بوده است . الان دشمن ها دنبال این هستند که این نهضت را ، این نهضت اسلامی را يك کاری بکنند که لکه دار بشود . شکست مهم نیست ، لکه دار شدن مهم است . اگر ما با آبرومندی شکست بخوریم اهمیتی ندارد ، انبیا هم شکست خوردند ، اگر نهضت ما خدای نخواستہ با آبرومندی از بین برود آبرو محفوظ است ، در تاریخ محفوظ خواهد ماند . شکست بخوریم ، حضرت امیر هم از معاویه شکست خورد ، اما اگر شکست معنوی بخوریم ، اگر حالا که اسلام دست ما آمده است ، امانت است پیش ما ، اگر ما به این امانت خیانت بکنیم ، اگر خدای نخواستہ از حدود تجاوز بکنیم ، این نهضت آلوده می شود و در خارج گفته می شود این هم اسلام ، پای اسلام حساب می کنند نمی دانند که اسلام این نیست . اگر ما خطا بکنیم ، ما خطا کاریم نه اسلام . کاری نکنید و کاری نکنند و علما کاری نکنند و بزرگان قوم کاری نکنند و متفکران کاری نکنند که اسلام لکه دار بشود ، که مکتب لکه دار بشود . ما خودمان از بین برویم اشکالی ندارد ، نهضتمان هم از بین برود اشکالی ندارد لکن اگر خدای نخواستہ مکتبمان از بین برود ، مکتب ، مکتب توحید است ، مکتب اسلام است ، مکتب خداست . اگر ما کاری بکنیم که این مکتب لکه دار بشود ، در دنیا بگویند که وقتی که کار به دست خود مردم افتاد ، وقتی کار به دست پاسداران اسلام افتاد ، گفتند ما پاسداران اسلامیم ، اگر کار به دست علمای اسلام افتاد ، گفتند ما علمای اسلام هستیم ، ما جانشین انبیا هستیم ، اگر يك وقت خطا واقع بشود ، این مسأله از آن خطاهای كوچك نیست ، امروز مسائل بزرگ است ، امروز خطاها كوچكش هم بزرگ است ، امروز اسلام در دست ماست تا ما چه بکنیم ، قرآن کریم در دست ماست تا ما چه بکنیم . آیا کاری بکنیم که به ما بگویند که این هم اسلام ؟ پای اسلام حساب می شود .

برادرها! از پاسداری خوب پاسداری کنید . محور اسلام باشید . پاسدار اسلام و قرآن باشید . پاسداری از اسلام بکنید . همین دیروز به من اطلاع دادند که يك پاسداری در قم يك کسی را همینطور کشته است . (یکی از حضار: (برادر ایشان است) برادر هر کس باشد باید کشته بشود باید ، بله ؟ امام در جواب سخنان یکی از حضار سؤال می فرمایند: برادر مقتول است ؟ قصاص می شود ، شما حق دارید او را قصاص کنید و به دست شما می دهند و کشته خواهد شد . من امروز گفتم باید کشته بشود . هر که قدرت دستش هست هر کاری می خواهد نباید بکند . موازین دارد ، میزان دارد مطلب . کشتن يك مسلمان میزان دارد ، بیخود است مگر ؟ کشتن يك بشر میزان دارد بی میزان نمی شود کسی را کشت .

من امیدوارم که خداوند ماها را بیدار کند . خداوند ماها را هوشیار کند . خداوند به ما ایمان عنایت کند . خداوند انشاءالله شما را سعادت‌مند کند . خواهران و برادران من را هر جا هستند سعادت‌مند کند و از عهده این مسؤولیت بزرگی که بردوش همه است انشاءالله با توفیق خدای تبارک و تعالی همه از این عهده بیرون بیائیم . خداوند همه را حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پاسخ امام خمینی به تلگرام لئونید برژنف

بسمه تعالی

حضرت لئونید برژنف صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

از پیام محبت آمیز آن حضرت و ابراز محبتی که نسبت به جمهوری اسلامی ایران ابراز داشته اید کمال تشکر را دارم . از خداوند تعالی سعادت و رستگاری ملل اتحاد جماهیر شوروی را مسئلت داشته و امیدوارم جمهوری اسلامی ما که بر اساس اتحاد کلمه و بر مبنای پر ارج انقلاب اسلامی و محور رژیم طاغوتی بنا شده ، در همبستگی و اتفاق ملل جهان و آسایش ابناء بشر نقش ارزندهای ایفاء نماید و جناب آقای دکتر محمد مکرری حامل این پیام هستند آرزو دارم ملت های جهان در راه صلح و آرامش همچنانکه خواست اسلام و ملت ماست پیوسته کوشا باشند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 184

پیام امام خمینی به اهالی آذربایجان در مورد کمک به سیل زدگان

بسم الله الرحمن الرحيم

حادثه دردناک و آتش سوزی و سیل ویران کننده در تبریز که موجب وفات بعضی از برادران شده است ، موجب کمال تاسف و تاثر است . به خانواده های برادران آذربایجانی که پیوسته در مسیر انقلاب اسلامی بوده اند و از جان و مال دریغ نکرده اند تسلیت عرض می کنم و از خدای تعالی صبر و اجر آنان را خواستارم و دولت جمهوری اسلامی و موسسه شیر و خورشید سرخ و استاندار آذربایجان موظفند هر چه زودتر به ترمیم خسارات وارده بر برادران عزیزمان بشتابند و از برادران آذربایجانی تقاضا می کنم که با همت والای خود برادران عزیز خود را کمک نمایند و اگر از بابت سهم مبارك امام علیه السلام همراهی نمایند ، مورد قبول و مرضی ولی عصر عجل الله فرجه الشریف است .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 185

بیانات امام خمینی در دیدار با طلاب و روحانیون شهرستان تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم

من امیدوارم که شما آقایان که در این راه قدم برداشتید و در مدرسه دینی و علمی وارد شدید، بعدها از ذخائر این امت و از مبلغین اسلام باشید. راه، راه خوبی است و خطرناک. راه خوبی است که راه انبیاست، انبیا، هم برای تربیت بشر آمده اند و علماء امت هم مریبان بشر باید باشند. پس شغل، شغل انبیاست راه، راه انبیاء خطرناک است که اگر ما به وظایف محوله خود عمل نکنیم، غیر از این است که دیگران نکنند. اگر يك بقال، يك كارمند، يك شخصی که سمت روحانیت ندارد، يك كار زشتی خدای نخواستہ انجام بدهد، این برای خودش عیب است اما اگر شما انشاءالله روحانی شدید و هر کدامتان در يك بلدی یا در يك مملکتی انشاءالله سرشناس شدید و مروج دین اسلام، اگر خدای نخواستہ يك انحرافی در شما پیدا بشود. این انحراف، انحرافی نیست که مثل سایر مردم باشد. شما نشانه خدا هستید، نشانه اسلام انشاءالله خواهید بود و کسی که نشانه خدا و نشانه اسلام است، باید همه حرکاتش، همه سکناش، همه اعمالش، همه گفتار و کردارش الهی باشد، روی موازین الهی باشد. مردم به روحانیون نظر دارند، توجه دارند، توجه به پیغمبر اکرم که اینها نمایندگان پیغمبر اکرم و امام زمان سلام الله علیه هستند. اگر خدای نخواستہ از اینهایی که نماینده هستند از طرف اولیاء خدا، از طرف رسول خدا، اینها اگر يك وقت، يك انحرافی از آنها پیدا بشود، شاید اشخاص غرضمند این را به پای اسلام حساب کنند، خیال کنند تعلیمات اسلامی اینطور است و لهذا راه، راه پر خطری است و راه شریفی. جدیت کنید که از این راه پر خطر خوب عبور کنید که این صراط است. صراط مستقیم الهی از اینجا شروع می شود. جسر جهنم از دنیا تا بهشت امتداد دارد و شما الان در بین راه هستید و در صراط هستید. توجه کنید که این راه را منحرف نشوید. مستقیم این راه را تا بهشت انشاءالله با سعادت پیدا کنید و توجه داشته باشید که شما در آتیه انشاءالله در آتیه مردم هستید و مردم باید خودش منزّه باشد، مهذب باشد. توجه داشته باشید که آخوند شغلش بزرگترین شغل ها و مسوولیتش بزرگترین مسوولیت هاست. يك شخص روحانی می تواند يك ملت را نجات بدهد و يك شخص روحانی می تواند يك ملت را به تباهی بکشد. توجه داشته باشید که مبدا از آن اشخاص بشوید که يك ملت را به تباهی بکشید. از آن اشخاص باشید که يك ملت را به سعادت برسانید، یا شعاع شما در هر جا هست، آنها را به سعادت برساند. با ارشاد شما مردم هدایت بشوند. نکند که يك وقت با

عمل شما، با قول شما، با رفتار شما يك اعوجاجی در مردم پیدا بشود، يك انحرافی پیدا بشود. این انحراف برای شما ضررش زیاد است. شما انشاءالله بعد که هر يك از علمای اعلام شدید، توجه کنید که در خلال تحصیل علم، تقوا تحصیل کنید، مهذب بشوید، اخلاقتان را مهذب کنید، اعمالتان را مهذب کنید. باید بر طبق کتاب و سنت باشد که شما خودتان کتاب و سنت بشوید یعنی کتاب و سنت عملی. روحانی باید طوری باشد که مردم وقتی که او را دیدند به یاد رسول خدا بیفتند و شما این بار را به دوش گرفتید و باید این بار را به سلامت به آخر برسانید و مردم را هدایت کنید. خداوند شما و دوستان شما و رفقای شما که در مدرسه و در سایر مدارس هستند همه را سلامت و سعادت عنایت کند و همه شما را خداوند از علمای اعلام مهذب که برای خدا قدم برداشتید قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 187

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت تهران

هجوم اشخاص فرصت طلب و قبضه امور، پس از پیروزی نهضت

بسم الله الرحمن الرحيم

من این جهت رامی دانم که این نهضت و انقلاب تا رفتن رژیم شاه و به هم خوردن این دستگاه ظلم خوب جلو رفت، لکن بعد از این پیشرفت، یک آزادی پیدا شد و آن اختناق ها از بین رفت و اشخاصی که فرصت طلب بودند از اطراف به ایران هجوم آوردند و کارها را به وسائلی قبضه کردند و نمی گذارند کارها به صورت اسلامی پیش برود. این را من می دانم، این انحصار به شرکت نفت ندارد، در سایر جاها هم همین مسائل هست و از همان افراد ناصالح هستند، بلکه بسیاریشان از همان رژیم سابق الان هستند، وجود دارند و تصفیه نشده اند لکن الان یک قدری باید آقایان صبر کنند تا این مراحل که مراحل ابتدائی است، از آنها بگذرند بعدش مشغول تصفیه بشوند و یک تصفیه صحیح بشود کرد.

ما می خواهیم یک مملکتی باشد اسلامی، اشخاصی که اداره می کنند این مملکت را، اعتقاد به اسلام داشته باشند و اسلام مبنای اعمالشان باشد، نه اشخاصی که به اسلام خیلی توجه ندارند. اینها باید تصفیه بشوند لکن ما برای مصالحی عجالتا این مطلب را مسکوت عنه گذاشته ایم و در عین حال که می دانیم بعضی افراد، افراد غیر صالح هستند و در خصوص شرکت نفت هم به من اطلاعاتی داده اند که روی یک روابطی دارد پیش می رود لکن من باز در این باب سکوت کردم که عجالتا این مسائل اصلی مان حل بشود، بعد از اینکه این مسائل اصلی حل شد، آنها آسان است، مشکل نیست، آنها در یک روز تصفیه می شوند، یا دو روز تصفیه می شوند. و من امیدوارم انشاء الله یک روز یک رژیم اسلامی با محتوای اسلامی داشته باشیم، نه فقط لفظ اسلام باشد و عمل، عمل طاغوتی. الان در بعضی جاها لفظ اسلام است و فقط گفته می شود اسلام، آنهایی که الان اعتقاد به اسلام ندارند کلمه اسلام را می گویند، برای اینکه می دانند الان اسلام خریدار دارد و آنها هم یک اشخاصی هستند که دنبال این هستند که مشتری پیدا بکنند این مشتری آن روز که طاغوت بود، طاغوت بود و اسم او را می بردند، حالا که اسلام است اسلام می گویند. این فرق نکرده، فرق، این مشتری است که ببیند، دنبال مشتری می گردند که مشتری هر جور هست، آنها هم خود را آنجوری کنند. لهذا ما هم نه اینست که توجه نداریم که اینهایی که اینطور هستند و بعضی شان هستند که معلوم نیست اعتقاد به اسلام داشته باشند و

بعضی هم ندارند ، لکن معذک یک مصالحی الان اقتضا می کند که این مطالب اول مستقر بشود ، یک حکومت ، حکومت انتقالی به حکومت استقراری تبدیل بشود و مجلس پیدا بشود و وقتی مجلس از اشخاص ملی بوجود آمد حل خواهد شد . ما امیدواریم که انشاءالله بتوانیم مردم را هدایت کنیم به اینکه چه اشخاصی را به مجلس بفرستند ، وقتی مجلس یک مجلس ملی اسلامی شد این مسائل دنبالش حل است . اینکه من راجع به بسیاری از افراد که می دانم افراد سالمی نیستند ، سکوت کردم ، این برای همین مصلحت است و انشاءالله امیدوارم که موفق بشوید شما و همه به اینکه خدمت بکنید به این کشور و بدانید تا برنامه اسلام نباشد خدمت صحیح نخواهد بود . از اشخاصی که به اسلام توجه ندارند ، توقع اینکه خائن نباشند هیچ وقت نداشته باشید ، آنها دنبال این هستند که یک راهی پیدا بکنند برای مقاصد خودشان ، هر راهی که پیدا شد ، هر راهی که هر روزی پیدا شد آن راه را می گیرند .

همه افشار از اختلاف و تفرق که مضر برای اسلام و ملت است پرهیز کنند

من امیدوارم که انشاءالله همه توجه بکنند ، همه قشرها به اسلام توجه بکنند ، و این اختلافات و این مسائل که همه مضر برای کشور ماست ، همه مضر بر ملیت ماست ، بر اسلام ماست ، از اینها دست بردارند ، گروه گروه نشوند ، این گروه شدن اسباب این می شود که مسائل عقب بیفتد . هر گروهی و دستهای جمع می شوند ، یک گروه درست می کنند ، مابین گروه ها را همه ادغام کردیم ، دور هم جمع کردیم تا یک قدرت بزرگ شدند که آن قدرت های ابر قدرت را شکستند ، حالا آقایان دوباره برگشتند گروه درست کردند ، هر روز هم یک گروهی پیدا می شود که اگر چه عددشان چیزی نیست ، ادعایشان زیاد است نه واقعیتی دارند و نه یک برنامه ای دارند ، هیچ چیز نیست لکن همین مقدار که گروه کذا ، گروه کذا ، حزب کذا ، همین ها مضر به حال مملکت ماست . ما می خواهیم این گروه ها برگردند یک گروه بشوند و آن گروه ، گروه اسلامی که برای این مملکت مفید باشند ، خدمت بکنند به این کشور این نابسامانی هائی که هست ، این خرابی هائی که هست ، ترمیم بکنند . این اختلافات و گروه گروه درست کردن نمی گذارند خرابی ها ترمیم بشود ، نمی گذارد دولت کارش را انجام بدهد ، نمی گذارد که مردم به کارشان برسند البته ممکن هم هست که سوء نیت نداشته باشند . لکن فهمشان خیلی نیست و ادراکشان زیاد نیست ، فهم سیاسی ندارند ، خیلی دم می زنند از اینکه ما کذا هستیم ، لکن فهم سیاسی ندارند . اگر فهم سیاسی داشتند ، امروز روز این نبود که هی گروه های مختلف و دستجات درست کنند ، آن یک حزب درست کند ، آن یک گروه ، آن یک گروه ، هر کس یک چیزی درست کند و یک عده های دور خودش جمع بکند ، در عین حال که عده شان چیزی نیست لکن مضر هست .

انشاءالله خدا همه را بیدار کند و همه توجه به مصلحت مملکت بکنند و انشاءالله پیش ببریم و این مسائل حل بشود ، لکن مطمئن باشید که دیگر نمی توانند آنها بیایند و کاری انجام بدهند ، این کار گذشته است ، دیگر تمام شده است . خدا همه تان را توفیق بدهد و موید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مردم فردوس

بسم الله الرحمن الرحيم

اهالی محترم شهرستان فردوس ایدهم الله تعالی

طبق درخواست آقایان محترم، جناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ اسماعیل فردوسی دامت افاضاته جهت رسیدگی به امور مذهبی و مشکلات محلی بدان شهر می آیند. امید است اهالی محترم فرصت را مغتنم داشته از وجود ایشان بهره مند شده و برای پیشبرد اهداف عالی اسلام از هرگونه همکاری لازم با ایشان دریغ ننمایید و انشاءالله تعالی با همکاری علمای اعلام دامت برکاتهم و اهالی محترم، بتوانند وظائف محوله را به نحو احسن انجام دهند. از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع طلاب حوزه علمیه اصفهان

وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا سرمنشاء همه کمالات است

بسم الله الرحمن الرحيم

شما از صفر شروع کردید و بحمد الله تا اینجا رسیدید و از حال اختناق شروع کردید و به آزادی رسیدید و من امیدوارم که تا آخر، تا آنجا که مقام انسان است، یعنی لایتناهی، همه برسید. امیدوارم که انسان های آگاه و آگاهی دهنده های باشید. شما آقایان همانطوری که شغلستان محترم و شریف است مسئولیت تان زیاد است. شما باید خودتان را بسازید و بعد ملت را بسازید، خودسازی به اینکه تمام قشرهایی، ابعادی که انسان دارد و انبیاء آمدند برای تربیت آن، تمام ابعاد را ترقی دهید، جنبه علمی، همه ابعاد علم. جنبه اخلاقی، همه ابعاد اخلاق. تهذیب نفس، وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا که سرمنشاء همه کمالات وارسته شدن نفس از تعلقات است و بدبختی هر انسان تعلق به مادیات است. توجه و تعلق نفس به مادیات، انسان را از کاروان انسان ها باز می دارد و بیرون رفتن از تعلقات مادی و توجه به خدای تبارک و تعالی انسان را به مقام انسانیت می رساند. انبیاء هم برای همین دو جهت آمده بودند، بیرون کردن مردم را از تعلقات و تشبث به مقام ربوبیت.

نیل به مقام انسانیت، با منزله شدن از تعلقات دنیوی

شما آقایان اهل علم که بعضی ملبس به لباس علم هستید، و بعضی یا اکثرا انشاء الله بعد ملبس خواهید شد، انشاء الله این مراتب را طی می کنید. علم تنها اثر ندارد بلکه گاهی مضر است عمل بدون علم بی نتیجه است. علم و عمل دو بالی است که انسان را به مقام انسانیت می رساند. علم به همه شوون و عمل، عمل نفسانی، عمل جسمانی، عمل عقلانی، انسان را به مراتب انسانیت می رساند. امید است که شما آقایان در خلال تحصیل توجه به این مطلب داشته باشید که در مدرسه ها منزله کنید خودتان را از تعلقات دنیا. تمام گرفتاری های بشر از این تعلقات است. اگر این تعلقات نبود، اگر این توجه به دنیا و تعلق به دنیا نبود، ما اینقدر گرفتاری در ظرف بیش از پنجاه سال و قریب شصت سال نداشتیم. محمد رضا پهلوی به واسطه تعلقی که به دنیا داشت، نفسش غیر از دنیا چیزی نمی فهمید، سر منشا اینهمه فساد برای ملت و این همه بدبختی برای خودش شد. دوستان او که جنود شیطان بودند، برای تعلقی که به دنیا داشتند که نفوسشان غیر از دنیا ادراک نمی کرد، به واسطه همین تعلق، منشاء این همه

بدبختی برای ملت و بدتر آنکه برای خودشان شدند ، هم بدبخت کردند ملت را و به باد دادند همه چیز ملت را و هم بدبخت کردند خودشان را .

انبیاء در عین حال که دنیا را اداره می کردند ، مملکت ها را اداره می کردند که در اسلام نمونه بارزش نزدیک به ماست و تاریخ نشان می دهد که در ظرف نیم قرن تقریباً اکثر معموره را فتح کردند ، در عین حال تعلق نداشتند به دنیا . فتح برای مملکت گیری در اسلام نیست . مملکت گیری برای حکومت در اسلام نیست . حکومت جائزانه مطرح نیست . فتح برای این است که انسان ها را ، آدم ها را به کمال برساند . فتوحات اسلام غیر از فتوحات رژیم های دیگر است . آنها فتوحاتشان ، رژیم فتوحاتشان ، فتوحات برای دنیاست و انبیا فتوحاتشان برای خداست ، برای توجه دادن مردم به خداست . آنها مردمی که اسیر ماده هستند و اسیر نفس و شیطان هستند ، آنها را می خواهند تحت تأثیر خودشان و مکتب خودشان قرار بدهند و آنها را از حزب شیطان به حزب الله وارد کنند .

(الله ولی الذین امنوا بخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیاء هم الطاغوت بخرجونهم من النور الی الظلمات) این دو ، این دو جنبه است ، این دو جنبه است ، جنبه طاغوت و جنبه الله ، جنبه الله را که توجه به خدا دارند و ایمان به خدا دارند ، خدای تبارک و تعالی آنها را از همه ظلمت ها از تمام ظلمت ها اخراج می کند و به نور می رساند . آن نور ، نور خود حق است . اینکه نور است (الله نور السموات و الارض) از همه ظلمت ها که ما عدای الله است ، آنها را خارج می کند و به نور می رساند و به الله می رساند . طاغوت مردم را از نور خارج می کند و به ظلمات می رساند . (ظلمات بعضها فوق بعض) این دو راه است ، راه انبیا و راه طاغوت . راه انبیا راه خداست و خدا ولی است و خدا فاعل است و به دست خدا انسان تربیت می شود و راه طاغوت راه شیطان است که شیطان مربی انسان است .

با تعلم و تهذیب نفس به جند الهی وارد شوید

عزیزان من ! توجه داشته باشید که در جند الهی وارد باشید . درس خواندن تنها انسان را در جند الهی وارد نمی کند ، علم تنها خصوصاً علم های قانونی ، رسمی ، انسان را به مراتب انسانیت نمی رساند باید باشد لکن در جنب او باید توجه به غیب باشد . درس را برای خدا بخوانید . از صفر شروع کردید و امیدوارم تا غیر متناهی بروید و بروید تا برسید به آنجا که غیر از خدا کسی را نبینید . همه چیز را از او ببینید ، همه کس را جلوه او بدانید . اگر همچو تربیتی در انسان ها واقع بشود ، انسان ها الهی می شوند . انسان الهی جنگ و زور ندارد ، جنگ و جدال ندارد ، همه جنگ و جدال هائی که واقع می شود برای این است که توجه به طبیعت است . جنگ هائی که در اسلام وارد شده است برای اینکه اینها را از ظلمات به نور وارد کنند . جنگ اسلامی ، جنگ های رژیم های دیگر نیست . اینها از ظلمات به ظلمات دیگر وارد می کنند ، از ظلمت به ظلمات وارد می کنند . انبیا می خواهند از ظلمات اینها را به نور وارد می کنند . خداوند همه شما را تأیید کند . من از شما فرزندان عزیز که دلم به شما خوش است . دلم به

چهره های شما خوش است و از این صورت نورانی حظ می برم ، تشکر می کنم که از راه دور آمدید و در این هوای گرم و در این منزل تنگ در زحمت واقع شدید . خداوند همه شما را از علمای عاملین و از مجاهدین اسلام قرار بدهد . خداوند همه شما را از ظلمات بیرون کند و به نور برساند .

والسلام عیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

ص: 193

بیانات امام خمینی در جمع مردم اردکان فارس

پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی و اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب هائی که در دنیا واقع می شود دو جور است. يك انقلابی، انقلاب اسلامی است و يك انقلاب غیر اسلامی. انقلاب اگر انقلاب غیر اسلامی باشد، این انقلاب بعد از انقلاب دیگر بند و باری در کار نیست و هر طوری که می خواهند با مردم عمل می کنند، مهاری در کار نیست. لکن انقلاب اگر اسلامی باشد یعنی متکی به ایده اسلام، متکی به احکام اسلام باشد این باید از اول انقلاب تا آخر ابد که این انقلاب آثارش هست این اسلامی باشد و تحت احکام اسلام. ملت ما تا اینجا آمده است و بحمد الله با پیروزی به اینجا رسیده است لکن پیروزی این نیست که مافقط طاغوت را از بین ببریم پیروزی اصیل آن است که ما بتوانیم متبدل بشویم به یک موجود انسانی، الهی، اسلامی که همه کارهایمان، همه عقایدمان، همه اخلاقمان، همه اسلامی باشد.

اصل، محفوظ ماندن مکتب است نه به دست آوردن پیروزی ظاهر

الان چشم همه متفکرین دنیا تقریباً دوخته شده است به ایران و توجه به این الان هست که آیا این ایرانی ها که به این پیروزی رسیدند و مدعی هستند به اینکه اسلام بالاترین مکتب است، اسلام از همه مکتب های عالم منزّه تر است، آیا این مردمی که این ادعا را دارند، اینها چه جور هستند الان؟ الان که جمهوری اسلامی در ایران مستقر شده است یعنی رژیم الان رژیم جمهوری اسلامی است، آیا این نظام اسلامی در ایران چه اثری داشته است؟ همان مسائل سابق است منتها مهره ها تفاوت کرده است؟ آن روز مأمورین انتظامی و مأمورین دولتی، آنها ظلم می کردند و حالا پاسداران اسلامی و مردم اسلامی و بازار اسلام ظلم می کنند؟ فقط اسم تغییر کرد و افراد تغییر کردند لکن مطلب باقی است و مطالب باقی است؟ یا خیر، آن هم، محتوا هم تغییر کرده است؟ من خوف این را دارم که در دنیا يك شکست بزرگ بخوریم و آن شکست مکتبمان باشد. من از این بسیار خوف دارم. شکست ما اگر مکتبمان محفوظ باشد و شکست بخوریم اشکالی در کار نیست، بسیاری از اولیاء خدا در مقابل غیر، شکست خوردند اما مکتبشان محفوظ بود. اگر خدای نخواست ما پیروز بشویم به این معنا که آن دسته ای از

ظالم ها که بودند و آن دستهای از چپاولگران که بودند بیرون کردیم لکن به جای آنها يك دسته ظلمه دیگری با يك محدودیت خاصی و چپاولگرهای دیگری با يك محدودیتی به جای او نشست ، این موجب این می شود که مکتب ما در دنیا منعکس بشود که مکتب درستی نبوده ، شکست در مکتب واقع بشود . آن شکستی که جبران نمی تواند بپذیرد این شکست است .

هشدار به رعایت حدود و عمل به موازین شرعی برای پیشگیری از شکست

الان ما در تمام سطح ایران می بینیم که يك نابسامانی هائی هست ، يك اختلافاتی هست ، يك کارهائی هست که نباید بشود . چیزهائی که بر خلاف رضای خداست ، بر خلاف دستور پیغمبر اکرم است ، بر خلاف دستور اسلام است ، در همه سطح کشور واقع می شود . نه همه می کنند ، لکن در تمام سطح کشور هستند اشخاصی که همچو کارهائی می کنند و خوف این است که این به پای اسلام نوشته بشود ، به پای جمهوری اسلام نوشته بشود و در خارج بگویند این هم نظام اسلام و این هم جمهوری اسلام که مثل سابق است با اختلاف افراد . همانطوری که سابق می ریختند توی خانه های مردم و می گرفتند و هیچ تحت قاعده ای نبود الا قاعده جباریت و ظلم ، حالا هم بی میزان مثلا- در بعضی جاها می روند خانه مردم و چه می کنند ، این پای اسلام حساب بشود . اگر پای خود ما حساب می شد ، خوب مسلک بود ، مسلک صحیح . لکن آنهائی که می خواهند در این مملکت باشند آنها دارند خلاف می کنند ، مثل کارهای رژیم سابق ، آن را به پای اسلام حساب نمی کردند آنها يك دستهای بودند که کارهائی می کردند و روی رژیم طاغوتی بود ، این به مسلک ما هیچ ضرری وارد نمی آورد ، به مملکت ما ضرر وارد می آورد اما مسلک ما محفوظ می ماند و آنها را خلاف اسلام می دانستند ، خلاف رژیم اسلام می دانستند . لکن اگر امروز خدای نخواست در طبقات مردم خصوصا در طبقات روحانین که آنها در راس هستند و آنها نماینده اسلام هستند اگر خدای نخواست بعضی اشخاص ملبس به لباس روحانین يك کاری بکنند به اسم روحانی ، يك کاری بکنند به اسم کمیته کذا و این کار بر خلاف موازین شرعیه باشد ، این را دیگر نمی آیند حساب کنند به اینکه این رژیم طاغوتی است ، می گویند رژیم اسلامی است و این هم کارهایش ، این هم حرف هائی است که دارند می زنند و لهذا امروز يك مسأله خطرناکی مطرح است . ما آنوقت اگر شکست خورده بودیم از طاغوت هیچ ابائی نداشتیم خوب ما شکست خوردیم حضرت امیر سلام الله علیه هم از معاویه شکست خورد آن ابائی نبود خوب ما يك مطلبی را می گفتیم ، مطلب حقی داشتیم می گفتیم ، نتوانستیم پیش ببریم آنها غلبه کردند بر ما . اما امروز مسأله آن نیست امروز يك صفحه دیگری در کار است و آن این است که مسلمین ملت ما شکست داد طاغوت را و رای داد به جمهوری اسلامی و شد مملکت ، مملکت اسلامی . اگر امروز ما يك خطاهائی بکنیم که دشمن های ما در خارج دامن به آن بزنند ، در داخل دامن به آن بزنند و منعکس کنند در خارج و داخل به اینکه اسلام هم مثل سایر مکتب ها بلکه پائین تر از او ، این شکست ، شکستی است که جبران ناپذیر است شکست حضرت امیر از معاویه هیچ اهمیتی نداشت برای اینکه شکست مسلک

نبرد شکست شخص بود. اما اگر ما الان مدعی هستیم که اسلام است رژیم ما، ولی وقتی برویم سراغ بازار بینیم بازار همان بازار سابق است، ربا همان ربای سابق است، چپاولگری همان چپاولگری سابق است، اجحاف و گرانفروشی فوق العاده همان است که سابق بود، برویم توی ادارات هم بینیم همان اشخاص و همان وضع و همان نابسامانی آنجا هم هست، برویم در مثلا دانشگاه بینیم آنجا هم مسائل همان مسائل است، هر جا برویم همان مسائل باشد این موجب این می شود که انعکاس پیدا نکند. که رژیم فاسدی رفت یک رژیم فاسدی جایش نشست. کاری ما نکردیم جز اینکه یک رژیم فاسدی را ما از بین بردیم که آن رژیم فاسد کارهایش پای اسلام حساب نمی شد. این خطر نبود که اگر چنانچه محمد رضا یک ظلمی بکند یا سازمان امنیت مردم را چه بکند این به اسلام مربوط است. هیچ، جدا بود. حساب اسلام جدا، حساب آنها هم جدا بود. این خطر آن روز هیچ نبود بلکه هر چه آنها ظلم می کردند اسلام تقویت بیشتر می شد. (لازال یوید هذا الدین الرجل الفاجر) رجل فاجر، آدم فاسق، آدم ظالم هر چه ظلم بکند تأیید دین است برای این که دین عدل است او هر چه ظلم بکند مردم توجهشان به دین زیادتر می شود اما امروز که مملکت یک مملکت اسلامی است، رژیم یک رژیم اسلامی است و یک آزادی برای مردم پیدا بشود، از این آزادی اگر بخواهد خدای نخواستہ یک استفاده های سوئی بشود و از این آزادی یک ظلمی بشود، تعدی بشود عرض می کنم که کارهایی که بر خلاف مسیر انقلاب است بشود، اینطور نیست که ما مثل شکست از محمد رضا باشد که بر ایمان اهمیت هیچ نداشت. امروز شکست مسلک شکست می خورد، این است که مهم است. باید ما همه بیدار باشیم، متوجه باشیم به اینکه از آزادی سوء استفاده نکنیم. حالا- که آزاد هستیم هرج و مرج بشود، هر کسی بخواهد برای خودش، همچو آزادی در بین بشر نباید باشد، در اسلام مطرح نیست یک همچو آزادی که کسی آزاد باشد که مردم را اذیت کند، کسی آزاد باشد که اجحاف بکند و همین طور از سایر چیزها. امروز همه ما امانتدار اسلام هستیم، اسلام الان سایه افکنده بر سر ما از باب اینکه رژیم سلطنتی مبدل شد به رژیم اسلامی. الان که این امانت دست ما آمده است اگر خدای نخواستہ ما به این امانت خیانت بکنیم و این را در نظر غربی ها، در نظر دشمن های ما، در نظر دشمن های داخلی و خارجی و آن اشخاصی که می خواهند این نهضت را آلوده کنند، نتگین کنند، اگر ما الان یک عملی بکنیم که بهانه دست اینها بدهیم ما خیانت به اسلام کرده ایم و باید همه چشم هایمان را باز بکنیم. بالاتر از همه طبقه روحانیون هستند که باید بسیار با توجه، حالا غیر سابق است سابق روحانیون نمی توانستند کاری بکنند اگر کاری هم می کردند می گفتند که این ساواکی است. اگر یک معمومی یک کار خلافی می کرد مردم می گفتند این ساواکی است، این از خدمه مثلا ظلمه است. امروز که همچو چیزی را نمی شود گفت امروز اگر خدای نخواستہ یک نفر روحانی (که نمی کند او، یک نفر صورت روحانی) بیاید در بینشان واقع بشود، یا در کمیته ها برود و یک خلافی بکند، امروز دیگر نمی گویند ساواکی است، امروز می گویند روحانی است دارد این کار را می کند، دیروز ساواکی این کار را می کرد امروز روحانی این کار را می کند و همین طور شماها دیروز بازار، بازار طاغوت بود امروز بازار اسلام است. محتوایش

فرق کرد؟ نه ، رباخور همان رباخور ، گرانفروش همان گرانفروش ، احجاف کن همان احجاف کن و همین طور در هر جای مملکت که برویم اگر محتوا تغییر نکند خوف این است که مکتب مامورد اهانت واقع بشود ، مردم از مکتب ما برگردند و این بالاترین شکستی است که ممکن است بر ما وارد بشود و الا فرض کنید يك کسی هم (اینها هم نمی شود اما فرض کنید شد) اینها روابطشان را باهم درست کردند و امریکا هم پشت سرش آمد و يك کودتا هم شد ما را هم همه را کشتند و از بین بردند و خودشان جایش نشستند ، این شکست مسلک نیست ما شکست نخوردیم ماشکست طبیعی خوردیم ، نه شکست معنوی . اما اگر خود ما يك کارهایی بکنیم که در بین مردم ، در بین جوامع ، در بین متفکرین بادامن زدن دشمن های ما در داخل و خارج بر مسائل و مکتب ما اسباب این بشود که شکست بخورد ، این شکست است که دیگر جبران ندارد ، این شکستی است که در مقابل این ، انبیا ایستادند ، درمقابل این ، اولیا ایستادند که این شکست واقع نشود جانشان رادادند برای اینکه مکتبشان محفوظ بماند . در هر صورت ما الحمدلله تا حالا آمده ایم لکن از این به بعد مشکلتر است مسأله و اهمیتش بیشتر است . و من از شما آقایان هم تشکر می کنم که از راه دور آمده اید با ما ملاقات کنید و به رفقای شما خودتان و به دوستان ما و به برادرهای ما سلام من را تبلیغ کنید . خداوند همه شما را تأیید کند و موفق .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 197

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان شیلات جنوب

همه موظفیم که خودمان را اصلاح کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقایانی که به اینجا آمده اند تشکر می کنم ، خداوند شماها را سعادت مند کند در دنیا و در آخرت ، شما می دانید که امروز ایران احتیاج دارد به کار و کارگر و زیاد کار کردن ، روز سازندگی است . اینها رفتند و مملکت خرابی گذاشتند که در همه چیز احتیاج به سازندگی دارد و این سازندگی باید به دست همه ، همه جمعیت ایران واقع بشود . دولت تنها نمی تواند ، روحانیون نمی توانند ، قشر واحد نمی تواند ، همه با هم باید دست به هم بدهند و این خرابه را بسازند .

الان شما در يك شركتی واقع شدید که در آن شرکت هم باید به طور امانت ، به طور دیانت عمل کنید و همان طوری که در این نهضت پیشبرد کردید ، در نهضت مقابل جنود ابلیس هم پیشبرد کنید . جنودی که ما را می خواهد به فساد بکشاند ، جنودی که ما را می خواهد به ظلم و به تاریکی بکشاند ، در مقابل آنها هم باید نهضت کرد ، قیام کرد ، هر کس مکلف است که خودش را اصلاح کند قبل از اینکه دیگران را اصلاح بکند ، همه موظفیم که خودمان را اصلاح کنیم .

تلاش شیاطین برای ایجاد تفرقه و فساد میان اقشار مردم

امروز ایران محتاج است به اینکه مردهای صالح در کارها دخالت کنند . هر جا هستید باید با صلاح و باسداد و با امانت و با دیانت مشغول کار باشید . خداوند همه شما را تأیید کند و خداوند مملکت شما را مستقل کند و از شر شیاطین حفظ کند . البته می دانید که الان هم شیاطین در کارند که بین کارگران ، کارمندان ، همه اقشار فساد ایجاد کنند ، تفرقه ایجاد کنند ، شما برادرها بیدار باشید که مبدا در بین شما بیایند و موجب تفرقه بشوند ، اینها گمان کردند که می توانند با تفرقه آن حالات سابق را برگردانند ، آن رژیم های فاسد را برگردانند ولی بحمد الله دیگر دیر شده است و نخواهند توانست لکن آنها کوشش می کنند که تفرقه نفاق بین شماها بیندازند و زحمت ایجاد کنند و شما توجه داشته باشید که اگر يك همچنين اشخاصی در بین شماها آمدند ، آنها را از بین خودتان دور کنید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی همدان

خویشتن داری و حفظ احکام اسلام بالاترین پاسداری است

بسم الله الرحمن الرحيم

از شما پاسداران از دو جهت تشکر می‌کنم: یکی اینکه از راه دور آمدید برای ملاقات و حرف‌های خودتان را بزنید، ما هم اگر حرفی داریم بزنیم به شما، یکی هم برای اینکه پاسدار هستید، پاسدار اسلام هستید و من امیدوارم که همه ما پاسدار اسلام و قرآن مجید باشیم. پاسداری از اسلام، یکی از همین است که الان در سطح کشور بحمد الله جمعیت کثیری مشغول هستند و نظم مملکت الان در دست آنهاست و اگر آنها نبودند، این انتظامات نبود و یک پاسداری بالاتر از این است و آن پاسداری از اسلام، از احکام اسلام و پاسداری انسان از خودش. همانطوری که برای یک کشور دزدهائی هست، خیانتکارهائی هست، جنایتکارهائی هست و باید با پاسداری جلو این خیانت‌ها و جنایت‌ها را گرفت و بحمدالله پاسدارهای اسلامی جلو می‌گیرند، همین طور در خود انسان از این جنود شیطانی زیاد است که انسان اگر پاسداری نکند، انسان را به هلاکت می‌رساند.

وظیفه خطیر پاسداران خدمت صادقانه بر طبق موازین اسلام است

اگر پاسدارهای اسلامی ما پاسداری از خودشان هم بکنند که در این خدمتی که هستند یک خدمت صادقانه، یک خدمت عاشقانه برای اسلام و یک خدمتی که مستقیم در راه اسلام باشد، اگر بکنند اینها پاسداری را حقش را عمل کردند و اگر خدای نخواستہ یک انحرافی حاصل بشود، یک تعدی از طرف آنهائی که میگویند ما پاسدار اسلام هستیم، به برادرانشان بشود، حالائی که قدرتمند هستند و قوی هستند و آزاد هستند، از این قدرت و قوه و آزادی سوء استفاده کنند، به برادرهای خودشان خدای نخواستہ تعدی کنند، به منازل مردم تعدی خدای نخواستہ بکنند، آنوقت نه اینکه یک آدم عادی این کار را کرده است (آن آدم عادی هم مجرم است) لکن یک جمعیتی است که به اسم پاسدارهای جمهوری اسلامی هستند و ملبس به لباس پاسداران جمهوری اسلامی هستند، اگر خدای نخواستہ از پاسدارهای جنود اسلامی، پاسدارهای جمهوری اسلامی یک اشتباه و خطائی حاصل بشود، این فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل شود، برای اینکه اینها خودشان را معرفی می‌کنند که ما جنود اسلام هستیم، ما پاسدار اسلام هستیم و همه توقع از پاسدارهای اسلام دارند که روی خط

مشق اسلام کنند، کارهایشان کارهای اسلامی باشد. همانطوری که در طبقه روحانیون که آنها پاسدار اسلام و احکام اسلام هستند اگر خدای نخواستہ یک ملبس به لباس روحانیون یک کار خلاف بکند، این فرق دارد با اشخاص عادی، برای اینکه اینها پاسدار اسلام هستند، ملبس به لباس روحانیت هستند، ملبس به لباس پاسداری از قرآن و سنت هستند اگر خدای نخواستہ از اینها یک وقت اشتباه، خطائی حاصل بشود فرق دارد تا اینکه از یک آدم عادی حاصل بشود و لهذا شما جوان ها که پاسدار جمهوری اسلامی هستید و روحانیون که پاسدار احکام اسلام و قرآن هستند وظیفه تان زیاد است و شغلتان شریف. شغل، شغل شریف برای اینکه پاسداری از اسلام یک شغل بسیار شریف است و مسؤولیتش هم زیاد است. باید حفظ کنیم این حدود ثغور اسلامی را، فقط این نباشد که ما پاسدار هستیم، ما هم بگوئیم ما روحانی هستیم، شما هم بگوئید ما پاسدار و خدای نخواستہ به وظایفی که پاسداران و روحانیون باید عمل بکنند ما یک وقت خدای نخواستہ نکنیم. باید همانطوری که مدعی هستیم ما که ما پاسدار هستیم و پاسدار جمهوری اسلام و پاسدار احکام اسلام هستیم، باید خودمان ابتداء مرزمان همان مرز اسلام باشد، راه مان همان راه مستقیم اسلام باشد تا این ادعای ما پیش خدا قبول بشود. اگر فرض بفرمائید که مردم هم مطلع نشوند که ما برخلاف داریم عمل می کنیم، خدا که می داند، در محضر خداست. در پیشگاه خدا ما نمی توانیم آنوقت ادعا کنیم که ما پاسدار هستیم، برای اینکه ما که خودمان بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواستہ عمل بکنیم، بعد بخواهیم ادعا کنیم که ما نگهبان اسلام هستیم، کسی که خودش بر خلاف اسلام عمل می کند نمی تواند بگوید من نگهبان هستم، یک کسی که خودش دزد است نمی تواند بگوید من نگهبان هستم، من پاسبان هستم. پاسبان وقتی دزد باشد، پاسبان نیست، دزد است. پاسدار خدای نخواستہ اگر برخلاف موازین اسلام باشد، پاسدار نیست، این یک آدمی است که برخلاف اسلام است.

کوشش در اصلاح خویش و دفع توطئه گران

کوشش کنید برادرها که خودتان را اصلاح کنید و پاسداری از خودتان بکنید، پاسداری از خودتان کردید، پاسداریتان از جمهوری اسلامی پیش خدای تبارک و تعالی مقبول است و ارزشمند، بسیار ارزشمند. در یک همچو زمانی که احتیاج دارد اسلام به اینکه پاسدار داشته باشد و مردمی که برخلاف هستند و آنهایی که برخلاف جمهوری اسلامی هستند، در توطئه هستند، مشغولند آنها به عمل در سرحدات ما، در خود شهرهای ما مشغول به توطئه هستند، در یک همچو موقعی احتیاج به پاسدارها هست. هم پاسداری از خودتان بکنید و هم پاسداری از جمهوری اسلامی. انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد و موید و موفق باشید و آقای مدنی هم انشاءالله بعد از اینکه در تبریز کارهایشان را یک مقداری رو به راه کردند انشاءالله می آیند به همدان. موفق باشید انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران قرچک ورامین

در مملکت اسلامی غیر قانون خدا هیچ حکومتی ندارد

بسم الله الرحمن الرحيم

ما موظفیم حالا که جمهوری اسلامی رژیم رسمی ما شده است همه طبق جمهوری اسلامی عمل کنیم. جمهوری اسلامی یعنی اینکه رژیم به احکام اسلامی و به خواست مردم عمل کند و الان رژیم رسمی ما جمهوری اسلام است و فقط مانده است که احکام، همه احکام اسلامی بشود. مجرد بودن رژیم اسلامی مقصود نیست، مقصود این است که در حکومت اسلام، اسلام و قانون اسلام حکومت کند، اشخاص برای خودشان و به فکر خودشان حکومت نکنند، ما می خواهیم احکام اسلام در همه جا جریان پیدا کند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند. در اسلام حکومت، حکومت قانون، حتی حکومت رسول الله و حکومت امیر المومنین حکومت قانون است یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است، آنها به حکم قانون واجب اطاعه هستند پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می کند. در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ حکومتی ندارد. اگر رئیس جمهوری در مملکت اسلامی وجود پیدا نکند، این اسلام است که او را رئیس جمهور می کند، قانون خداست که حکمفرماست. در هیچ جا در حکومت اسلامی نمی بینید که خود سری باشد حتی رسول الله از خودشان رای نداشتند، رای قرآن بوده است، وحی بوده، هر چه می فرموده از وحی سرچشمه می گرفته است و از روی هوا و هوس سخن نمی گفتند و همین طور حکومت هایی که حکومت اسلامی هستند آنها تابع قانونند، رای آنها قانون اسلامی است و حکومتشان حکومت الله. اینکه ما دائما راجع به این معنی سفارش می کنیم که باید حالا- که رژیم، رژیم اسلامی شده است، محتوا، محتوای اسلامی باشد برای این است که يك مملکتی که افرادش ادعا می کنند که مسلمان هستیم باید در آنجا احکام اسلام حکومت کند لکن می بینیم در بسیاری جاها دیده می شود که افراد پایبند احکام اسلام نیستند. بسیاری از اشخاص ادعای اسلام می کنند ولی فقط ادعاست، دیگر در عمل خبری از اسلام نیست. ما که می گوئیم حکومت باید همانطور که اسلامی است محتوایش هم اسلامی باشد، یعنی هر جا که شما بروید، در هر وزارتخانه ای شما بروید، در هر ادارهای که شما بروید، در هر کوی و برزن و در هر بازار که شما بروید، در هر مدرسه و دانشگاه که بروید آنجا اسلام و احکام اسلام را ببینید. ما حکومت اسلامی خواستیم، ما جمهوری اسلامی لفظی نخواستیم، ما خواستیم که حکومت الله در

آزادی باید منطقی و طبق قانون الهی باشد

بنابراین ، این تو هم که حالا که جمهوری اسلامی شده است و هر کس خودش هر کاری می خواهد بکند آزاد است ، این درست نیست ، آزادی در حدود قانون است یعنی آن مقداری که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی داده است در آن مقدار آزاد هستیم . آزاد نیستیم که فساد بکنیم ، هیچ انسانی آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند ، هیچ انسانی آزاد نیست که برادر خودش را اذیت بکند . این مقدار آزادی که خدای تبارک و تعالی به مردم داده است بیش از آن آزادی هائی است که دیگران داده اند آنها آزادی غیر منطقی داده اند و آزادی هائی که خدا داده است آزادی منطقی است ، همه چیزهائی را که آنها داده اند آزادی نیست ، آزادی باید منطقی و طبق قانون باشد . بنابراین ما از آن چیزی را که می خواهیم حکومت الله است ، می خواهیم خدا و قرآن بر ما حکومت کند ، ما هیچ حکومتی را جز حکومت الله نمی توانیم بپذیریم و هیچ دستگامی را که برخلاف قوانین اسلام باشد نمی توانیم بپذیریم و هیچ رایی را که برخلاف راءی اسلام باشد ، خواه راءی شخصی باشد و یا راءی گروهی و حزبی نمی توانیم بپذیریم . ما تابع اسلام هستیم ، ما تابع قانون اسلام هستیم و جوان های ما خونشان را برای اسلام داده اند جوان های ما_ ما اسلام و احکام اسلامی را می خواهیم .

اصلاح و تهذیب نفس ، مسوولیتی خطیر برای تحقق احکام اسلام

الان وظیفه ما این است که هر کدام مان در هر جا که هستیم و در هر سرحدی که هستیم جدیت کنیم که قوانین اسلام را از خودمان شروع کنیم . اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح نکنیم و قوانین اسلام را نسبت به خودمان اجرا نکنیم ، نمی توانیم يك حکومت اسلامی تشکیل بدهیم . اگر آن کسی که در راس حکومت است مثلاً رئیس جمهور و نخست وزیر خودش را اصلاح نکند و خودش تابع قوانین اسلام نباشد و قوانین اسلام را در مملکت اجرا نکند ، چنین شخصی نمی تواند در راس حکومت اسلامی و حاکم اسلام باشد . هر يك از این صاحب قدرت ها و کسانی که در راس قدرت هستند مثل رئیس ستاد یا رئیس کل ژاندارمری و سایر روسا تا قوانین اسلام را در وجود خودشان اجرا نکنند ، نمی توانند ریاست اسلامی داشته باشند . اسلام يك رئیسی را که برخلاف قوانین اسلام عمل بکند نمی پذیرد . لشکر اسلام کسی را که در راس آن باشد و عمل به اسلام نکند نمی پذیرد ، يك اداره های که احکام اسلام در آن جاری نباشد نمی پذیرد و ما الان نواقصی داریم ، مملکت ما الان اسلامی نیست ، شما هر جا که دست بگذارید باز می بینید که آثاری از طاغوت هست ، يك عده افراد توطئه گر هستند و ما نمی توانیم بپذیریم که در وزارتخانه ها ، در ادارات افراد توطئه گر باشند . باید اصلاح بشود ، مملکت باید اسلامی بشود و شما هم که پاسدار هستید ، اول باید خودتان را اصلاح کنید ، خیال نکنید که ما حالا آزاد هستیم ، تفنگ هم که داریم باید مردم را اذیت کنیم . شما الان وظیفه سنگینی دارید ، شما الان تحت

نظر خدا و تحت نظر امام زمان (سلام الله عليه) هستید، ملائکه، شما را مراقبت می کنند، نامه اعمال شما را به امام زمان (عليه السلام) عرضه می دارند. باید متوجه باشید مبدا از این اختیاراتی که حالا پیدا کرده اید و از این قدرتی که الان پیدا کردید و زیر بار آن قدرت ظالم بیرون رفتید، خودتان يك قدرت ظالمه باشید و به برادران خودتان تعدی کنید، مبدا يك کسی را بیجا بگیرید یا به واسطه اغراض شخصی يك کسی را بیجا محاکمه کنید، يك کسی را بیجا محکوم کنید، چون شما تحت مراقبت هستید، خدای تبارک و تعالی از ما سوال خواهد کرد. خداوند انشاء الله همه شما را توفیق بدهد و همه ما را توفیق بدهد که انسان بشویم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 203

بیانات امام خمینی در جمع افراد جهاد سازندگی و کارکنان شرکت نفت

هر جنبشی که این صد سال اخیر شده از طرف روحانیون بوده است

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام مکتب تحرك است و قرآن کریم کتاب تحرك، تحرك از طبیعت به غیب، تحرك از مادیت به معنویت، تحرك در راه عدالت، تحرك در برقراری حکومت عدل و مع الاسف آنهایی که می خواستند شرق را که حتی خود شرقی ها هم، آنهایی که غافل بودند از اسلام و از مکتب های توحیدی باورشان آمد. آنها بعکس آن چیزی که مکتب های توحیدی هست که همه مکتب تحرك بوده اند، گفته اند دیانت افیون جامعه است یعنی دین آمده است که مردم را خواب کند، روحانیت درباری است، روحانیون درباری هستند، روحانیون در خدمت سرمایه دارها هستند. این تبلیغاتی بوده است که در طول شاید چند صد سال شده است و در این سال های اخیر و زمان این پدر و پسر خیلی زیادتر شد و این مطلب درست بعکس آن چیزی است که واقع است. شما اگر حالت و تاریخ انبیا را ملاحظه کنید و تاریخ اسلام را و صدر اسلام را که به ما نزدیک است ملاحظه کنید می بینید بعکس آن چیزی که اینها تبلیغ کرده اند چیزی که اینها تبلیغ کرده اند که دیانت افیون است یعنی دیانت آمده است که مردم را خواب کند و مثل يك افیونی که به چرت فرو می رود و مردم را اینطور کند تا اینکه آن سرمایه دارها مردم را بچاپند، بعکس آن، وقتی که تاریخ انبیا را ملاحظه کنید می بینید که انبیا آمده اند مردم را بیدار کنند، این مردم افیونی را هشیار کنند این مردمی که به خواب رفته بودند اینها را هشیار کنند. موسی (علیه السلام) که تفصیل تاریخش در قرآن هم هست و در کتب آسمانی هم هست، ملاحظه می کنید که يك آدمی بوده است، يك شبانی بوده است، شبان حضرت شعیب بود مدت ها و با يك عصا مردم را، همین مردم توده را برضد فرعون که در زمان او بزرگترین قدرت بود بسیج کرد نه اینکه مردم را خواب کرد تا فرعون بچاپد آنها را، مردم را بیدار کرد که فرعون نچاپد آنها را، عکس آن چیزی که گفتند و جوان های ما باور کردند. اسلام که نزدیک به ماست، تاریخ پیغمبر اسلام در دسترس همه است، ملاحظه کنند بینند که آیا اسلام آمده است که مردم را تخدیر کند؟ خواب کند؟ یا اینکه قرآن يك کتاب سلحشوری است، قرآن يك کتاب جنگجویی است در مقابل مشرکین، مشرکینی که قدرتمند بودند. اینکه می فرماید (قاتلو المشرکین کافه) مشرکین در آنوقت همان قدرتمندها بودند، مشرکین قریش همه قدرت دست آنها بود. آیا پیغمبر را مشرکین، قدرتمندها

بسیج

کردند، درست کردند که مردم را خواب کند و مشرکین بچاپند مردم را؟! یا پیغمبر اسلام مردم را بسیج کرد؟ همین سر و پا برهنه ها را بسیج کرد بر ضد مشرکین و قتال کرد و جنگ ها کرد تا مشرکین را دماغشان را به خاک مالید و عدالت اجتماعی را ایجاد کرد. عکس آن مطلبی که برای شرقی ها، غربی دیکته کردند و مع الاسف بسیاری از ما هم باورمان آمد. تبلیغات آنها تبلیغات دامنه داری بود. در زمان رضاخان که اکثر شما یا هیچ يك از شما یادتان نیست، در زمان رضاخان اول هدفی که بعد از قدرتمندی داشت اول هدف به زمین زدن روحانیون بود، هدف اولش بود، مدرسه ها را از بین برد، روحانیون را لباس هاشان را کند، گرفتند بعضی از روحانیون محترم را، در خیابان بردند در آن محالی که داشتند در کلانتری ها، و می بردند نه اینکه می گفتند برو لباست را عوض کن، همانجا عبا و قبا را وسطش را پاره می کردند می ریختند دور که این يك كت و شلوار مثلا بشود. اینطور رفتار کردند و این دستور بود. آیا اسلام تخدیر کرده است مردم را؟ یا تاریخ اسلام نشان می دهد که پیغمبر اسلام در مکه که بودند از ترس همین قریش و مشرکین در پنهان بودند و تبلیغات زیرزمینی می کردند، وقتی که آنجا دیگر نتوانستند و آنها با هم شدند که او را بکشند و ایشان فرار کرد و به مدینه تشریف برد، آنهایی که همراه پیغمبر بودند و دعوت پیغمبر را قبول کردند، همین مردم طبقه سه بود، همین فقرا. اصحاب صفا که معروف است اینها يك عده ای بودند که توی مسجد از باب اینکه منزل نداشتند توی مسجد می آمدند روی صفا ای، يك سکوئی آنجا می خوابیدند. در جنگ هایی که می شد اینها نداشتند چیزی، يك خرما را (اینطور می گویند) يك خرما را این دهنش می گذاشت در می آورد می داد به آن، آن دهنش می گذاشت در می آورد می داد به آن، اینطور بود وضعشان. اینها را پیغمبر بسیج کرد بر ضد این سرمایه دارها بر ضد این قدرتمندها، بر ضد این مشرکین که مردم را غارت می کردند. تبلیغات غرب این بود که نه، این عکس بود که اینطور بود که پیغمبرها آمده اند که مردم را تخدیر کنند و قدرتمندان آنها را بچاپند در صورتی که پیغمبرها تاریخشان معلوم است و اینها آمده اند که بسیج کنند این مستمندان را که بروند و این غارتگرها را سر جای خودشان بنشانند و عدالت اجتماعی درست کنند. در روحانیون هم می گویند که اینها اهل درباری هستند، قدرتمندها اینها را درست کرده اند که اینها مردم را تخدیر کنند و آنها بچاپند.

من خودم در يك اتوبوسی در تهران با دو نفر از آقایان نشسته بودم، در زمان رضاشاه بود از طرف شمال شهر می آمدم به طرف جنوب، چند نفر هم توی اتوبوس بودند، دو نفر با هم شروع کردند صحبت کردن، یکی از آنها به دیگری گفت که من سال ها بود که این هیكل ها را ندیده بودم (اشاره کرد به ما، ما سه نفر معمم بودیم) بعد گفت که اینها را انگلیسی ها درست کردند که در نجف و در قم مردم را چه بکنند و به نفع آنها چه بکنند. البته آن آدم جاهل بود نه اینکه چه بود، تزریق کرده بودند، گفته بودند، باورش آمده بود. بسیاری از جوان های ما باورش آمده بود. در صورتی که تاریخ خود ما همین چند سال _ این 100 سال اخیر _ این 100 سال اخیر را وقتی ما ملاحظه کنیم جلوی چشم هم همین طور بوده، ما این 100 سال اخیر را که ما ملاحظه کنیم هر جنبشی که واقع شده است از طرف روحانیون بوده است

جنبش تنباکو بر ضد سلطان وقت آن بود ، جنبش مشروطه بر ضد رژیم بود ، البته با قبول داشتن رژیم ، عدالت می خواسته اند ایجاد کنند . در زمان خود ما چندین دفعه قیام کردند روحانیون بر ضد رضاخان ، چندین دفعه ، یک دفعه از خراسان ، یک دفعه از آذربایجان ، یک دفعه از اصفهان و همه اطراف ایران را دعوت کردند به قم که ما اینها را شاهد بودیم و اینها همه قیام بر ضد رضاخان بود ، البته قدرت او داشت و شکست می داد ، علمای آذربایجان را گرفت و برد ، در سنقر گمان می کنم بود ، دو نفر بزرگان علمای آنجا مرحوم آ میرزا صادق آقا ، مرحوم انگجی ، اینها را بردند در سنقر یا آنجاها طرف کردستان آنجاها مدت ها آنها در آنجا تبعید بودند ، بعد هم که رهایشان کردند مرحوم آ میرزا صادق آقا آمد قم ماند و دیگر نرفت به آذربایجان و در همانجا فوت شد . علمای مشهد هم که قیام کردند تمامشان را گرفتند آوردند تهران حبس کردند و علمای بزرگشان را می بردند در کلاتری ها یا در عدلیه می بردند توی خیابان ها با سر برهنه هم راه می رفتند که بروند آنجا استتاقشان کنند . علمای اصفهان هم که آمدند اینجا ، شکستند آن اعتصابشان را با فشار ، با حيله ، بلکه آنوقت معلوم شد ، می گفتند که مرحوم حاج آقانورالله که بزرگشان بود او را مسموم کردند . قیام بر ضد اینها از روحانیون شروع می شد البته مردم هم تا یک حدودی کمک می کردند لکن در عوض مردم را اینطور گفتند که آخوند جماعت اصلش درباری است ، اینها برای دربار کار می کنند ، می خواهند سلطنت محفوظ باشد ، می خواهند دربار باشد . حال آنکه اینها بر خلاف آنها بودند و درست عکس تبلیغ می کردند . چرا؟ برای اینکه اینها می دیدند که دو تا قوه است که اگر این دو تا قوه بماند نمی شود ارباب های اینها منافع ایران را ببرند . کارشناس های اینها فهمیده بودند که این دو تا قوه اگر چنانچه در ممالک شرق باشد ، باید آنها دستشان را از شرق بشویند ، یکی قوه اسلام که اگر اسلام قدرتش در شرق باشد و قدرت اسلام حکومت کند ، نمی گذارند که بیایند آنها هر چه ما داریم ببرند و هر چه از نیروهای انسانی و غیر انسانی داریم از بین ببرند . یکی هم روحانیت که اگر این طایفه باشند ، مردم چون با اینها همراه هستند ، نمی گذارند که آنها به منافعشان برسند . پس این دو تا قدرت باید شکسته بشود ، هم قدرت اسلام و قدرت روحانیون . قدرت اسلام را به اینکه دین افیون جامعه است ، حتی نویسندگان خبیث ما هم گاهی این حرف را می زدند ، حتی در امروز هم این حرف هست ، در امروز هم این حرف هست ، در عین حالی که دارند با چشمشان می بینند که این قدرت روحانیون بود که مردم را بسیج کرد و بر ضد این رژیم قیام کردند ، نمی توانند اینها ببینند آن را ، آن قدرت روحانیون بود که مردم را بسیج کرد و بر ضد این رژیم قیام کردند ، نمی توانند اینها ببینند آن را ، آن قدرت را می خواهند بشکنند یعنی اینها عمال همان ها هستند که می خواهند این قدرت را بشکنند . اینها مطالعه کردند دیدند که اگر این قدرت هم محفوظ باشد ، چون مردم و توده همراه اینها هستند ، اگر یک وقت صدایشان در آید دیگران هم بسیج می شوند . چه بکنند که در بین خود مردم اینها را بشکنند؟ در زمان رضاخان طوری کردند ، طوری کردند که شوهرها می گفتند که آخوند را سوار ماشین نمی کردند . یکی از دوستان من از علمای آنوقت می گفتند که (خدا رحمتش کند من از عراق که می خواستم بیایم به قم رفتم ماشین بگیرم شوهر گفت که ما بنا گذاشتیم دو طایفه را

سوار نکنیم یکی فواحش را، یکی آخوندها را. زمان رضا شاه اینطور تبلیغ بود یعنی تبلیغ نه اینکه آن شوfer چیز را، آن شوfer را به او همچو فهمانده بودند، تبلیغات اینطور بود که فهمانده بودند به اینها، عمال آنها همه جا، در همه جا مشغول تبلیغ بودند بر ضد اینها، برای چه؟ برای اینکه اگر اینها يك رشدی داشتند، اگر اینها در بین جامعه همانطوری که باید باشند، باشند، نمی گذارند که هر طایفه ای بیاید، هر مملکتی بیاید يك گوشه ای اینجا را ببرد. مردك می گفت که اگر من نباشم، ایران تجزیه می شود، ایران می شود ایرانستان. ایشان نیستند و ایران هم همان ایران است، نه تجزیه شد، نه ایرانستان شد، و دست آنها هم قطع شد.

توجه و هوشیاری در مقابل توطئه شیاطین، بر ضد اسلام و روحانیت

برادرها! توجه داشته باشید باز هم شیاطین هستند، باز هم آنهایی که می خواهند این دو مسأله را به کرسی بنشانند، اسلام را بگویند که نه حالا دیگر وقتش نیست، همین ملعون ها حالا هم می گویند، همین هائی که از عمال دیگران هستند الان هم این حرف را می زنند که اسلام مال هزار و چهار صد سال پیش از این است. این اسلامی که حالا تحرکش همچو شد که این رژیم را از بین برد، تحرك از اسلام بود، فریاد اسلام بود که رژیم را از بین برد، اینها می خواهند این رابشکنندش، اینها خدمتگزار آنها هستند یا عالما آمده اند که خیانتکارند، یا از روی نفهمی. همین ها باز آن قدرت دوم را می خواهند بشکنند. حالا بدتر از آنوقت است، حالا خارجی ها لمس کرده اند اسلام هم همچو کاری می تواند بکند لمس کرده اند که روحانیون همچو کاری می توانند بکنند، حالا بیشتر از آنوقت تبلیغات می کنند، عمال آنها حالا بیشتر از آنوقت تبلیغ می کنند، آنهایی که از خارج آمدند حالا در اینجا و مشغول توطئه هستند، بیشتر از آنوقت این تبلیغات را خواهند کرد و می کنند و لهدا می خوانید در بعض مقالاتشان باز همان مسائل است منتها نمی توانند علنی بگویند، در پرده، در پرده بایک جهاتی، علنی صاف نمی توانند بگویند، در پرده ای، در چیزی همان مسائل را می گویند. این همان مطلبی است که از اول زمان رضاخان (پیشترها هم بوده اما از اول زمان رضاخان) تا امروز و تا وقتی که پسرش از ایران رفت، این دو تا مسأله بود، این دو تا تبلیغ بود بر ضد اسلام، تبلیغ بر ضد روحانیت، یعنی اسلام و خدمتگزاران اسلام. این دو تا تبلیغ از زمان رضاشاه بود، در زمان او بسیاری از مردم هم به واسطه تبلیغات زیادی که کردند و فشاری که از آن طرف آوردند و اذیت هایی که کردند به این طایفه آنوقت عده زیادی باورشان آمده بود. در زمان این هم باز عده زیادی از جوان های ما بازی خوردند، گول خوردند، پشت کردند بر اسلام، پشت کردند بر روحانیون و حالا هم که فهمیدند که این قدرت اسلام بود که این سد بزرگ را شکست و این قدرت روحانیون بود که در همه جا مردم را بسیج کرد، هر جا رفتید آخوند آن شهر مردم را بسیج کرد و همه را با هم متحد کردند و همه در منبر و محراب مردم را جمع کردند و جوش دادند به هم تا این سد را شکست، حالا هم باز يك طایفه ای، اشخاصی با نغمه های مختلف زیر پرده و روی پرده می خواهند همین مسائل را بگویند، یعنی همان مطلبی که آنوقت از حلقوم افرادی که در زمان

رضاخان بود در آمد ، حالا هم از حلقوم يك طایفه ای در حالا در می آید که همان دو مسأله است (اسلام کهنه شده است ، اسلام نمی شود دیگر ، روحانیون ، آخوندها باید بروند سراغ کارشان ، باید بروند سراغ چه ، دیکتاتوری آخوندی می خواهد درست بشود .) من نمی دانم این دیکتاتوری آخوندی کجاست ؟ کدام آخوند دیکتاتور است که اینها می گویند؟

تنها با تمسك به حبل الله و وحدت کلمه پیروزی تثبیت می شود

در هر صورت بیدار باشید برادرها که همان دام هایی که آنوقت بود و ما را به سیاه روزی رساند و اسلام را از نظر ملت ، نه همه البته ملت ، زیاد از روشنفکرها انداخت و روحانیون را از نظر آنها انداخت ، همان نقشه الان هست ، همان نقشه ، الان هم همان مطالب هست و همان حرف ها هست . گروه گروه با هم می نشینند ، هی گروه درست می کنند ، گروه . ما زحمت کشیدیم ، روحانیون زحمت کشیدند این قشرهای مختلف را جوش دادند به هم تا این کار را انجام دادند ، تا این سد را شکستند ، الان جمعیت های زیادی پیدا شده اند ، شما در روزنامه ها بخوانید ببینید ، هر روز می بینید که گروه کذا ، گروه کذا ، گروه کذا ، هی تیکه تیکه ، چیزی نیستند اما خوب هی تیکه تیکه می شوند ، وقتی گروه گروه کنار رفتند یعنی آنی که اسلام می خواست با هم جوششان بدهد و روحانیون زحمت کشیدند و جوششان دادند به هم ، حالا- همین هائی که دعوی این را می کنند که ما ملت را می خواهیم ما خلق را می خواهیم ، همین هائی که دعوت روشنفکری دارند _ اینقدر اگر _ اگر چنانچه خائن باشند که خوب معلوم است که از روی فهم می گویند و اگر نباشند ، اینقدر فهم ندارند که این گروه ها که به هم متصل شد ، این سیل عظیم پیدا شد و این سد بزرگ را شکست حالا دوباره تا حالا با هم منسجم شده بودند حالا يك جدیت دارد می شود که گروه گروهشان کنند ، هی این گروه برود کنار ، آن گروه برود کنار ، آن گروه برود کنار ، همه از هم جدا ، تا باز راه باز بشود برای آلهائی که می خواهند استفاده نکنند . متوجه باشید گروه گروه نکنید ، این مملکت با وحدت کلمه پیش برد ، متفرقشان نکنید (واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا) این آیه قرآن را بپذیرید همه بچسبید به ریسمانی که بین شما و خداست و آن اسلام است ، متفرق نشوید ، از هم جدا ، جدا نشوید ، هی حساب را جدا نکنید ، آن حساب جبهه کذا ، آن حساب نهضت کذا ، آن حساب حزب کذا ، آن حساب گروه کذا ، آن حساب حزب چه ، کذا جدا نکنید ، همه را ، همه با هم باشید ، همه دوست باشید . حزب سازی دشمن درست کردن است ، هی این یکی از آن طرف بکشد ، آن از آن طرف بکشد ، آن از آن طرف بکشد . همه تحت يك رایت باشید . همه تحت يك پرچم باشید همان پرچمی که شما را پیروز کرده است تا حالا از این به بعد هم دنبال همان باشید و اگر باشید انشاءالله پیروز خواهید شد . و من امیدوارم که نتوانند اینها دیگر شکاف صحیحی وارد کنند . انشاءالله خداوند همه تان را توفیق بدهد ، سلامت باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان کارخانه اتمسفر ایران

اساس اقتصادی کشورها بسته به وجود کارگر و کشاورز است

بسم الله الرحمن الرحيم

در هر کشور کارگر و کشاورز اساس آن کشور هستند . اساس اقتصادی کشور بسته به کار کارگر و کشاورز است و مع الوصف این دو جلوه اقتصادی که اساس اقتصاد کار آن دو گروه می باشد ، در زمان رژیم سابق شکست خورد . کشاورزی را دیدید که چگونه با اسم اصلاحات ارضی بکلی از بین بردند . ایران که باید در کشاورزی صادرات داشته باشد ، يك استان ایران مثل استان آذربایجان یا خراسان که قادر به تأمین محصولات کشاورزی کشور می باشد ولی اینها کاری کردند که ایران بازار برای آمریکا شد و هر چه ما بخواهیم باید از آمریکا یا کشورهای دیگر وارد کنیم . کارگرهای ما راهم طوری کردند که زندگی آنها زندگی اضطراری باشد و کار آنها هم در خدمت دشمن . شما کارگران محترم و کشاورزان محترم ، شما برادران که اساس اقتصاد ایران دست شماست در سابق تحت نظارت طاغوت بودید و کارهای شما نادیده گرفته می شد اما امروز انشاءالله در رژیم اسلامی هستید و اسلام به کارگر و کشاورز بسیار اهمیت می دهد . دولت در فکر شماست ، ما دعاگوی شما و در فکر شما هستیم لکن خرابی ها به اندازه ای است که به این زودی ترمیم نمی شود ، گرفتاری ها به اندازه ای است که به این زودی از چنگال آن نمی توانیم خود را نجات دهیم . قدری صبر لازم دارد . شما که 50 سال تحت فشار طاغوت صبر کردید ، اینکه هم مقداری باید صبر کنید تا جمهوری اسلامی مستقر بشود و بتواند در فکر همه شما باشد . حالا هم چنانچه می بینید در فکر هستند ، برنامه هائی ریخته شده است که هم برای کارگران و کشاورزان و هم برای مستمندان مفید بوده لکن محتاج به وقت است .

به نمر رساندن نهضت ، به ید قدرت کارگران و جوانان برومند

آنچه که الان لازم است من به شما برادران و جوانان برومند ، تذکری که می دهم این است ، شما دیدید رژیم گذشته را با فریاد مردانه خودتان که از حلقوم همه ملت بلند شد شکست دادید ، در عین حالی که رژیم يك قدرت بزرگ شیطانی بود و پشتیبان او همه قدرت ممالک دیگر بودند خصوصا ابرقدرت ها ولی نتوانستند او را نگه دارند و به همت والای شما جوان ها و با ایمانی که به اسلام داشتید آن رژیم را شکست دادید و بحمد الله زیر بار ظلم و اختناق نرفتید و از زیر بار آنها بیرون

آمدید ، تا به اینجا همه با هم بودید و از زیر بار اختناق بیرون آمدید ، از اینجا به بعد هم باید با قدرت شما این نهضت به آخر برسد . شما جوان های برومند ، شما جوان های کارگر که اساس مملکت هستید باید از این به بعد هم این مملکت را اداره کنید و اقتصاد ایران را به ثمر برسانید . گاهی شنیده می شود که در ادارات و در کارخانجات کم کاری می شود ، همین امروز کسی گفت که در این ادارات گاهی بیکاری است و بسیاری هم کم کاری در کارخانه ها ، هم چنین مطالبی شنیده می شود ، در صورتی که الان وقت این است که همه کار بکنیم و همه با هم این آشفتگی ها و خرابی هائی که اینها به جای گذاشتند با همت همدیگر ترمیم بکنیم . الان مملکت مال خود شماست منافع مملکت هم باید مال خود شما باشد و انشاءالله اگر احکام اسلام تحقق پیدا کند ، خواهید دید که عدالت اسلامی چیست ، خواهید دید که عدالت اسلامی غیر از آن ادعاهائی است که در زمان سابق و در رژیم سابق از حلقوم محمدرضا بیرون می آمد که فقط ادعا بود و برای هیچ کس کاری نکرد بلکه زاغه نشین ها را زیاد کرد و به اسم اینکه مملکت صنعتی باشد ، زراعت را به هم زدند و صنعتی هم در کار نبود ، الان هم که بعضی از کارخانه های صنعتی را به اصطلاح خودشان به اینجا آوردند ، باز به نفع خارجی هاست و برای ما نفعی ندارد بلکه ضرر دارد ، مثل ذوب آهن که برای ایران ضررهای زیاد دارد و نمی توانند ترکش کنند و ادامه آنها هم ضررهای زیاد دارد . کارها همه از روی خیانت و جنایت بود و مملکت ما را به تباهی کشیدند که حالا باید به همت همه شما ، من که طلبه ای هستم آنقدری که می توانم و شما که بحمدالله قدرتمند هستید ، آنقدری که در قدرتتان است با هم کوشش کنیم و مشکلات را حل نمائیم . کم کاری نکنید ، نباید کاری بکنید مملکت که الان برای خود شماست و از دست دشمن نجات پیدا کرده است در اثر کم کاری و بیکاری طوری بشود که ما و شما نتوانیم مملکت را اداره کنیم و بعد بگویند اینها احتیاج به سرپرست دارند ، احتیاج به این دارند که کسی دیگر بیاید و مملکتشان را اداره کند . باید همه دست به دست هم بدهید و این مملکت را اداره بکنید و همه دست به دست هم بدهیم و این مملکت را اداره بکنیم و همه دست به دست هم بدهیم و این مملکت را سالم بکنیم و این چرخ ها را به راه بیندازیم . کارخانه باید به همت شما به راه بیفتد ، وقتی که به راه بیفتد منفعش هم مال مملکت خودتان و از آن خود شماست امید است ظلم هائی که سابق می شد تکرار نشود و دیگر به شما هم ظلم نشود . من می دانم که به شما ظلم شده است ، نه فقط به شما بلکه به همه قشرهای ملت ظلم شده است لکن شاید کارگراها بیشتر مورد ظلم و ستم واقع شده اند . امیدوارم خداوند به شما قدرت و سعادت عنایت کند ، شما ستون های این مملکت باشید و اقتصاد این مملکت را به راه بیندازید و همه شما سعادتمند باشید و برادرانتان هم به قدرت شما و خودشان سعادتمند باشند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان اصفهان

مقدمترین جهادها، سازندگی انسان و جهاد اکبر است

بسم الله الرحمن الرحيم

اساسا اسلام برای سازندگی آمده است و نظر اسلام به ساختن انسان است. جهاد برای سازندگی، سازندگی انسان خودش را، مقدم بر همه جهادهاست. این است که رسول اکرم جهاد اکبر فرموده اند هست، جهادی بس بزرگ است و مشکل و همه فضیلت ها دنبال آن جهاد است.

جهاد اکبر است، جهادی است که با نفس طاغوتی خودش انسان انجام می دهد. شما جوان ها از حالا باید شروع کنید به این جهاد، نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود، هر چه قوای جوانی از دست برود ریشه های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می شود و جهاد مشکلتر. جوان زود می تواند در این جهاد پیروز بشود، پیر به این زودی نمی تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان را از زمان جوانی به زمان پیری بيفتد، یکی از کیدهایی که نفس انسانی به انسان می کند و شیطان به انسان پیشنهاد می کند این است که بگذار برای آخر عمر خودت را اصلاح کن، حالا از جوانی استفاده کن و بعد آخر عمر توبه کن. این يك طرح شیطنت آمیز است که نفس انسان می کند به تعلیم شیطان بزرگ. انسان تا قوای جوانیش هست و تا روح لطیف جوانی هست و تا ریشه های فساد در او کم است می تواند اصلاح کند خودش را. لکن اگر چنانچه ریشه های فساد در انسان ریشه اش قوی شد، ملکه انسان شد فسادها، آنوقت است که امکان ندارد. شما جوان ها که الان مهیا هستید برای جهاد در راه ساختن، این يك جهاد است لکن جهاد اکبر، جهاد در راه سازندگی خودتان است که برای مملکت خودتان بعدها مفید واقع بشوید، خدمتگزار باشید. از همین سنین شما باید شروع بشود به ساختن افرادی که بعدها يك مملکت، يك کشور را ممکن است نجات بدهد. اگر چنانچه شما ساختید خودتان را و فضائل انسانی را در خودتان ریشه دار کردید، آنوقت در همه مراحل پیروز هستید، مملکتتان را می توانید نجات بدهید، اینها که مملکت ما را به تباهی کشیدند برای این بود که ساختمان خودشان فاسد بود، خودشان يك اخلاق فاسد داشتند، يك عقاید فاسد داشتند، يك اعمال فاسد. اگر چنانچه خودشان را ساخته بودند، به ملت خیانت نمی کردند، به اسلام خیانت نمی کردند.

برای خدمت به اسلام و کشور کوشش کنید

شما کوشش کنید که به ملت خدمت کنید، به اسلام خدمت کنید و کوشش کنید که جهاد اکبر را انشاءالله به آخر برسانید و يك انسان کامل، يك انسان اسلامی، يك انسان متعهد بشوید که برای خودتان و برای کشور خودتان و برای ملت خودتان مفید واقع بشوید.

خداوند انشاءالله شما را تأیید کند و خداوند شما را به مراتب عالی‌تر برساند. شما جوان‌ها امروز روز شماست، امروز روزی است که شما باید سازنده باشید در این راه‌ها. البته خدمت به خلق، خدمت به خداست. خدمت به انسان‌ها، خدمت به خداست. خدمت به بندگان خدا، خدمت به خداست و در این خدمت انشاءالله موفق باشید و من هم همیشه مهیا هستم از برای ملاقات آقایان و هیچ مانعی از قبل ما نیست، نماینده بیاید یا خود آقایان بیایند. ما آنقدری که می‌توانیم خدمت به همه بشر، همه ملت‌ها می‌کنیم و امیدواریم که شما خدمتگزار به انسانیت و خدمتگزار به اسلام باشید. خداوند همه شما را تأیید کند.

ص: 212

بیانات امام خمینی در جمع علمای اصفهان

اصفهان، مرکز علم و علمای بزرگ اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

اصفهان همیشه مرکز علم بوده است در بعضی اوقات که من شنیده ام هفت هزار یا بیشتر، اهل علم در اصفهان، طلبه در اصفهان بوده است و علماء بسیار بزرگ از اصفهان برخاسته است و متفکرین عظیم الشان. الان هم مرکز علم است، الان هم علمای بزرگ در آنجاست و من امیدوارم که آن حوزه، با برکت و عظمت و پشتیبان اسلام و مروج احکام اسلام باشد. حوزه ها باید توجه داشته باشند که در اینوقت، در این حالی که الان ما واقع هستیم و دشمن ها می خواهند خرده گیری کنند، خصوصاً نسبت به اهل علم و علماء و فضلا و طلاب، باید بسیار توجه داشته باشند که اگر خدای نخواستہ در این زمان که مورد بررسی هستند اینها و مورد توجه هستند، اگر خدای نخواستہ يك انحرافی از بعض اشخاص ملبس به این لباس واقع بشود، ممکن است این پای اسلام حساب بشود.

در رژیم سابق اگر چنانچه يك معمم، يك ملبس به این لباس، يك كار خلاف انجام می داد، به اسلام نسبت معلوم نبود بدهند، می گفتند این منحرف است، این ساواکی است، این درباری است. الان که رژیم، رژیم جمهوری اسلامی است و همه نظرها به شما دوخته شده است، اگر خدای نخواستہ يك انحرافی واقع بشود در مدارس، در کمیته ها، در جاهای دیگر، در دادگاه ها، این پای اسلام حساب می شود، گفته می شود که جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هم همین هاست، همین است که می بینید.

تکلیف ما، حفظ و جاهت و ترویج اسلام

و لهذا امروز تکلیف ما بسیار سنگین است. تکلیف ما حفظ و جاهت اسلام است. تکلیف ما این است که با اعمال خودمان، با گفتار و رفتار خودمان اسلام را ترویج کنیم و وجاهتش را حفظ کنیم و اگر خدای نخواستہ يك انحرافی باشد، باید جلوگیری کنید. اگر يك شخصی را دیدید که از وظیفه اهل علم، از وظیفه انسانی _ اسلامی تخطی می کند، او را نهی کنید. اگر نمی شنود، کنار بگذارید. باید همه به وظیفه اسلامی عمل کنیم و به دست دیگران فرصت ندهیم بهانه ندهیم دست دشمنان که ما را آلوده کنند و بگویند که اهل علم یا دیکتاتور هستند یا انحرافات دارند یا برای خودشان می خواهند يك

بساطی درست کنند . امروز بسیار مسأله مهم است و با سابق بسیار فرق دارد . باید آقایان همانطوری که در تحصیل علم کوشا هستند ، در تهذیب اخلاق ، در اعمال ، در عقاید ، در فضایل اخلاقی کوشا باشند که علم بدون عمل و بدون تقوی بسیاری از اوقات مضر است . باید عالم متقی باشد و متوجه به خدای تبارک و تعالی باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند . باید خودش تربیت شده باشد تا بتواند جامعه را تربیت کند .

پیش نویسی قانون اساسی را بررسی ، و نظریات خود را اعلام کنید

و امید است از آقایان که در اینوقتی که بناست قانون اساسی بررسی بشود ، هر کس هر نظری دارد ، مستقیماً خودش اظهار نظر کند و بفرستد در آنجائی که بناست همه نظرها جمع بشود ، الان برای من فرستادن هیچ نتیجه ندارد ، باید بفرستید و نظرهای خودتان را بگوئید و توجه کنید که ننشینید دیگران نظر بدهند و شما ساکت . صاحبنظرها نظرهای خودشان را بدهند ، علمای اعلام نظر خودشان را بدهند ، هر اشکالی که در این پیش نویس دارند ، بکنند و آن اشکالات را بعد بررسی باید بکنند و بالاتر از آن اینکه توجه داشته باشید که در آتیه ای که بناست وکلا تعیین بشوند برای نظر کردن به قانون اساسی ، توجه بکنید که اشخاص متدین ، اشخاص مطلع ، اشخاص متعهد ، اشخاصی که اعتقاد به اسلام دارند ، اشخاصی که اعتقاد به این نهضت اسلامی دارند ، تعیین بکنند که انشاءالله با نظر آنها يك قانون اساسی اسلامی به تمام معنا بشود . من از همه آقایان تشکر می کنم ، که مشایخ معظم و آقایان فضلا و ائمه جماعت و دیگران که تشریف آوردند و آقایان در این هوای گرم با ناراحتی اینجا نشسته اند . خداوند همه شما را تأیید کند و سلامت بدارد و سعادت نصیب همه بکند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت‌معلم

ضرر عالم بی تهذیب بیشتر از جاهل بی دانش است

بسم الله الرحمن الرحيم

مهم در دانشگاه‌ها، دانشسراها، تربیت‌های معلم، تربیت‌های دانشجوی، این است که همراه با تعلیمات و تعلمات، تربیت انسانی باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبه اعلا رسیده اند لکن تربیت انسانی ندارند، که يك همچو اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیادتر است.

آن کسی که دانش دارد لکن دانشش توأم با يك تهذیب اخلاق و يك تربیت روحی نیست. این دانش موجب این می شود که ضررش بر ملت و کشور زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را يك شمشیری می کند در دست خودش و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشه يك کشور را از بین ببرد و قطع کند.

نوک تیز حمله اجانب همیشه متوجه دو قشر روحانی و دانشگاه بوده است

اینکه خارجی‌ها، کارشناس‌های اجانب، آنهایی که می خواستند این مملکت‌ها را غارت کنند عنایت زیادشان به دو جبهه بود، یکی جبهه روحانیون، یکی جبهه دانشگاه‌ها، برای همین نکته بود که این دو جبهه اگر چنانچه يك تربیت صحیح بشوند که در پهلوی علم، تربیت و عمل صحیح باشد، آنها این معنا را فهمیدند که اگر این دو جبهه به آنطوری که باید باشد، بشود، دست آنها از منافع کوتاه خواهد شد.

اگر يك دانشگاه صحیح ما داشته باشیم یا يك جبهه روحانی به تمام معنا روحانی داشته باشیم، نخواهد اجازه داد به اجانب که همه حیثیت يك مملکت را از بین ببرند، از این جهت چون این دو جبهه را آنها برای خودشان خطر می دانستند، حمله شان به این دو جبهه بود منتها فرم حمله شان فرق داشت. در زمان رضاخان که من یادم است و اکثر شما یادتان نیست، در آن زمان با سرنیزه حمله می کردند و لهذا حمله می کردند مدارس را، افراد را می گرفتند می بردند، عمامه‌ها را بر می داشتند، لباس‌ها را می کردند، مدرسه‌ها را می بستند، مساجد را تعطیل می کردند، مجالس را تعطیل می کردند، مجالس و روضه و اینها را بکلی از بین بردند، به خیال اینکه با این فرم می شود از بین برد. منتها در دانشگاه چون انعکاس

خارجی اش را می ترسیدند، به این فرم وارد نمی شدند، به فرم دیگر وارد می شدند که نگذارند دانشجویان رشد کنند، بعد فهمیدند که این طرز نتیجه ندارد، فشار هر چه زیادتر باشد، بدتر خواهد شد، برای اینها بدتر خواهد شد. در زمان محمدرضا حمله به روحانیت را تغییر دادند و شروع کردند به تبلیغات کردن که مردم را از روحانیت جدا کنند چون این دو قوه اسلام، قوه روحانیت و قوه دانشگاه می توانست در مقابل اینها بایستد. آن ترتیبی که با فشار بخواهند روحانیت را از بین ببرند، این ترتیب نشد. تغییر دادند وضع را شروع کردند تبلیغات به ضد روحانیت که جدا کنند روحانیت را از دانشگاه و همه را از مردم. بین مردم، هم دانشگاهی و هم روحانیون را می خواستند. در بین مردم یک طوری قلمداد کنند که اینها دیانت صحیح ندارند، اینها هم درباری و انگلیسی و نمی دانم آمریکائی و اینها هستند، نقشه این بود که ملت جدا بشود از این دو قشری که از آنها کار می آمد. بین خود این، این دو تا هم جدائی انداختند، به طوری که روحانیون بدبین بودند به دانشگاهی ها، دانشگاهی ها بدبین بودند به روحانیون و این نقشه ای بود برای اینکه این قشرهای مؤثر را از هم جدا بکنند و همه را از ملت جدا بکنند تا نتوانند اینها کاری انجام بدهند و آنها بهره برداری خودشان را از این کشور بکنند.

در این نهضت، یکی از برکات این نهضت این بود که این قشرها را به هم نزدیک کرد، قشر دانشگاهی با قشر روحانی و طبقه جوان روحانی، اینها با هم نزدیک شدند، همکار شدند و همه با سایر طبقات مردم نزدیک شدند، همکار شدند و همه اینها در این کلمه (رژیم طاغوتی نباید باشد و باید یک جمهوری عدل اسلامی باشد)، همه با هم مشترک شدند. این غرض همه بود و مقصود همه این معنا بود.

این نزدیک شدن این قشرها به هم، متحد شدن این قشرهایی که از هم جدا بودند، با تأیید خدای تبارک و تعالی و با اینکه همه مقصدشان یک مقصد الهی بود، این سد عظیم که همه امکان نمی دانستند، ممکن نمی دانستند که این سد شکسته بشود، این سد را شکست، حالا که این سد شکسته شد و آشفتگی ها ظاهر شده و دزدی های اینها فاش شده و بعد هم فاش تر می شود، حالا از برای این ملت، به نظر خود افراد نوعاً یک آرامشی پیدا شده است، و یک نقشه دیگری آنها دارند پیاده می کنند، یعنی آن نقشه ای که قبل اسلامی بود و این قشرها رابه هم نزدیک می کرد و منسجم می کرد و جوش می داد به هم، اینها فهمیدند که از این جوش خوردن این قوا به هم این سد شکسته شده است، حالا در صدد این برآمده اند که اینها را از هم جدا کنند. الان تمام این اشخاصی که برای اجنبی ها دارند کار می کنند آن اشخاصی که سوءنیت ندارند لکن توجه به واقعیات ندارند همه آمده اند دارند گروه گروه می شوند. زحمت تا حالا این بود که این گروه های مختلف با هم باشند تا این کار را انجام بدهند و از حالا به بعد هم هر کاری بخواهد بشود، باید با اجتماع بشود. اینها آمدند حالا با نقشه هائی که دارند، دارند گروه گروه درست می کنند. دیشب بود در روزنامه دیدم که صد گروه، تا حالا، یا صد و پنج گروه تا حالا اظهار وجود کرده اند. یعنی صد طایفه ایجاد اختلاف دارند می کنند. نتیجه این خواهد شد که اگر چنانچه این صد طایفه هر کدام توانستند یک عده زیادی دور خودشان جمع بکنند، نتیجه این می شود که از آنطرف مرزها و از داخل و خارج، بعد از اینکه دیدند این قوا از هم جدا شد، راه خودشان را باز

بینید برای اینکه یا یک کودتائی بکنند یا یک حمله ای بکنند یا لاقلاً شلوغکاری ها را زیاد بکنند ، فلج بکنند مملکت را ، درست الان آن نقشه ای که اول بود به یک جور دیگر . اول که رضاخان آمد آن نقشه‌های که آنوقت بود برای جدا کردن این قوا از هم ، دانشگاه را از مدارس دینی ، بازار را از اینها هر دو ، کشاورزها را از همه ، همه را علیحده . علیحده ، احزاب سیاسی زیاد درست می کردند ، جبهه های مختلف درست می کردند ، همه برای این بود که مبادا یک وقت اینها ، آنها با هم مجتمع بشوند . آنوقت احساس نکرده بودند ، لمس نکرده بودند مطلب را لکن به طور کلی می دانستند ، می فهمیدند این مطلب را ، می خواستند این کار بشود .

بعد که این نهضت الهی پیدا شد و این گروه های مختلف با هم جمع شدند و یک گروه پیدا شد دیگر صحبت از این گروه های دیگر نبود ، همه یک گروه اسلامی بودند ، در دانشگاه می رفتی فریاد این بود که مرگ بر این کذا و اسلام کذا ، در پیش کشاورزان می رفتی همین طور ، در کارخانه ها هم می رفتید ، همین طور ، در _ عرض کنم که _ بازار هم می رفتید همین طور . هر جا که می رفتید ، همه با هم یکصدا یک مطلب داشتید و این سد را شکستید . این دشمن های شما لمس کردند این مطلب را . آنوقت علمی بود ، حالا عینی شد که لمس کردند این مطلب را که با انسجام این قوا با هم ، دانشگاه و روحانی با هم ، همه بازار با هم ، با کارگر و _ عرض بکنم _ سایرین ، اداری و غیر اداری با هم ، اینها وقتی منسجم شدند حتی ابر قدرت ها نمی توانند کاری انجام بدهند چنانچه نتوانستند و همه در صدد این بودند که محمدرضا را نگه دارند ، نه ابر قدرت ها تنها ، تمام قدرت هائی که بود ، همه این مملکت اسلامی هم ، همه پشتیبانی می کردند یعنی من نیافتم یک کسی را که لفظاً ، بعضی از اینها به ما پیام می دادند که ما همراهیم ، لکن ما نمی توانستیم باور کنیم لکن همه شان با هم متحد بودند برای اینکه این جانور را حفظش کنند اینجا و نتوانستند . چرا نتوانستند؟ برای اینکه همه تان با هم یک صحبتی می کردید . یک ملت وقتی همه آن یک چیزی داشت _ نمی شود _ یک چیزی را خواست ، نمی شود خلافتش کرد . خلاف خواست یک ملت نمی شود عمل کرد ، عملی نیست در دنیا . حالا که اینها لمس کردند این مطلب را که این اتحاد و انسجام یک همچو ضروری برایشان دارد و این نفت را ازشان گرفته است که الان دارند دنبالش روضه خوانی می کنند و گریه می کنند که نفت از دستمان رفته است ، حالا دنبال این آمده اند که باز آن مسائل را برگردانند ، جدا کنند ملت را از هم ، همه را از هم جدا کنند و مع الاسف روشنفکرهای ما هم غافلند از این معنا ، غیر از آنهاشان که خائند ، یک دسته خائند که با حساب کار می کنند و برای غیر کار می کنند ، و بیشتر غافلند از مطلب . گروه گروه ، صد گروه ، صدها بیشتر ، مثل اینکه صد گروه مثل اینکه تا حالا درست شده است ، در این دو ماهی که شما به پیروزی رسیدید که با اتحاد به پیروزی رسیدید . حالا آن انسجام دارد باز می شود ، دارد از هم باز می شود ، گروه گروه می شوند ، هر گروهی جدای از هم ، حسابشان جدای از هم ، قلمشان مخالف با هم ، قدمشان مخالف با هم . نتیجه چه می شود؟ نتیجه می شود که یک ملتی همانطوری که سابقاً و در این پنجاه و چند سال به واسطه این اختلافات مانع برده اند ، دوباره همان مسائل پیش بیاید و همان اختلافات موجب این بشود که آنها

باز بیایند و برگردند به حال اول و لااقل يك رژیمی دست نشانده امریکا بیاید ولو اسمش رژیم سلطنتی نباشد ، يك رژیمی بیاید دمکراتیک باشد اما نوکر امریکا .

در برابر نقشه های اجانب بیدار باشید

الان نقشه این است و شروع شده به این تکه تکه کردن . صد تا در این دو ماه ، دو سه ماه ، صد تا گروه اظهار وجود کرده است ولو چیزی نیستند اینها ، اینها چیزی نیستند ، يك عده معدودی هستند ، لکن فساد ایجاد می کنند ، این اسباب فساد می شود در این مملکت ، این کم کم زیاد می شود يك وقت ما باز بر می گردیم به اینکه قشر متجدد و متفکر و _عرض کنم_ که دانشگاهی جدا شده است از روحانی ، روحانی رفت آن طرف و شروع کرد باز هم حرف های سابق را زدن ، دانشگاهی هم رفت آن طرف و شروع کرد آن حرف های سابق را زدند . این دو تا با هم مخالف . بازاری هم به تبع اینها يك دسته با این موافق و با آن مخالف ، يك دسته مخالف یا همه با هم نتیجه این می شود که ما اینقدر خون جوان هایمان از بین رفت برای اینکه يك مملکتی داشته باشیم مال خودمان ، اینقدر مردم جان فشانی کردند و زن ها و جوانهایشان را دادند برای اینکه يك مملکت عدل اسلامی پیدا بشود ، مخالفین اسلام نمی توانند ببینند این مطلب را ، می بینید با قدرت اسلام است که می شود جلوی اینها را بگیرند . نمی توانند آن معنا را ببینند . حالا در صدد این بر آمده اند که باز از هم جدا کنند اینها را ، وقتی جدا کردند اینها را از هم باز همان مسائل پیش می آید . امروز باید شما معلمین ، آن متعلمین آن دانشگاهی ، آن بازاری ، آن روحانی ، آن کارگر و کارمند ، آن کشاورز و همه بیدار باشید که الان نقشه دقیق تر از سابق است .

سابق چون علما به طور کلی می گفتند که اگر اینها با هم بشوند ، چه خواهد شد و آن نقشه ها را می کشیدند ، حالا عینا دیدند که شد ، اینها با هم شدند و يك همچین کاری شد ، يك همچین کاری که همه ممتنع می دانستند و همه حساب ها بر خلاف در آمد ، شد . حالا که شده است بیشتر آنها در صدد هستند که بشکنند این نهضت را . راه شکستن هم همین است که شماها را از هم جدا کنند ، هر کدام را به دیگری بدبین بکنند ، هر کدام را با دیگری در يك جبهه مخالف قرار بدهند و آنها نتیجه ببرند . متفکرهای ما ، روشنفکرهای ما ، همه دانشجویان و دانشگاهیان بدانند که نقشه این است و آثارش را ما داریم می بینیم . این گروه گروه شدن ها برای همین است که نگذارند این انسجامی که بوده حفظ شود ، می خواهند نگذارند مردم بیدار بشوند و راه خودشان را پیدا کنند . همان راهی را که اسلام دستور داده که همه با هم باشید خداوند (واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا و لا تفرقوا) را به مردم واجب کرده . همه با هم باشید و تفرق در کار نباشد . با تفرق همه فسادها هست و با تمسك به خداوند همه صلاح و سعادت ها هست . خداوند انشاء اللّٰه همه شما را و همه ما را و همه ملت را بیدار کند و همه ما در راه اسلام و در راه استقلال مملکت و در راه حقیقت و آزادی قدم بردارد و این نهضت را به آخر برسانیم .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران منطقه 12 تهران

پاسدار باید خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوری که انقلاب اسلامی ما وجهه های مختلف دارد: انقلاب برای برانداختن رژیم فاسد، انقلاب برای پیا داشتن رژیم حق، و امید است که انقلاب برای ساختن انسان و يك مملکت انسانی، پاسداران هم باید پاسداریشان به طرز و شکل انقلاب باشد. تا آنوقت که انقلاب برای شکستن سد رژیم بود، پاسداران، پاسداران آن انقلاب بودند، یعنی آن جهت انقلاب باید قیام کنند و کردند و فریاد زدند و مقابله کردند با همه جنود ابلیسی و بحمدالله از این جهت در انقلاب پیروز شدید. لکن انقلاب يك جهتش پیروز، آن هم نه تمام پیروز، بیشتر این سد از بین رفته است و ریشه های مختصری مانده است که امید است از بین برود. انقلاب برای تحقق حکومت عدل و جمهوری اسلامی که قدم بعد است، پاسدارها هم باید از این معنا پاسداری کنند و همه باید پاسداری بکنند، همه پاسدار اسلام و حکومت حق باید باشید در اینجا پاسداری این است، که این حکومت، حکومت عدل باشد، پاسداری از عدالت باشد. پاسداری از عدالت این است که پاسدار خودش دارای عدالت باشد تا بتواند پاسداری از عدالت کند. اگر خدای نخواستہ يك گروهی در جامعه ما دارای عدالت نیستند و همانطوری که دستگاه سابق، دستگاه تعدی و ظلم و تجاوز به مردم بود، این گروه یا این پاسدار یا این جمعیت هر کس باشد، این هم تا آن اندازه که دستش می رسد همان کارهای رژیم سابق را می کند، این پاسدار نمی تواند باشد. اگر فرض کنید که ماها که مدعی هستیم پاسدار اسلام هستیم و در این انقلاب، این جهت انقلاب که برقراری حکومت عدل اسلامی است اگر بنا باشند ما مدعی پاسداری هستیم از انقلاب (لکن از آنجائی که خراب کردن و زدن و کشتن، کشته شدن بود، درست آمدیم و به انقلابمان وفادار بودیم) اما در این مرحله که مرحله سازندگی يك حکومت عدل اسلامی است، خدای نخواستہ پاسداریمان از يك همچو حکومت عدل اسلامی به طور صحیح نباشد، یعنی خودمان در این مرحله انقلابی نباشیم، در این مرحله خودمان را نساخته باشیم که موصوف به عدالت باشیم، که پاسدار عدالت باشیم، پاسدار حکومت عادلانه چنانچه اگر حکومت ما هم يك حکومت عدل نبود نمی توانیم بگوئیم که این جهت انقلاب ما تحقق پیدا کرده است، که جهت حکومت عدل اسلامی بود. اگر در ادارات ما، در بازارها، در سایر جاهای دیگری که این افراد ایرانی نشیمن دارند و مشغول به کارهای خودشان

هستند، اگر اینها هم آن عدل اسلامی که باید باشد مراعات نکنند، باز افراد انقلابی اسلامی نیستند. پاسدار، چه شماها که با اسم پاسداری مشغول خدمت هستید و چه سایر قشرها (یکی هم قشر روحانیت است، آنها هم پاسدار هستند و لولفظ پاسدار بر آنها اطلاق نمی شود، لکن به حسب واقع پاسدار اسلام هستند) اگر این جمعیت آنطوری که باید این وجهه از انقلاب را که انقلاب، آمدن يك رژيم عادل جای يك رژيم فاسد، اگر در این مرحله که آمدن يك رژيم، نشستن به جای يك رژيم فاسد، مراعات نکند آن جهت انقلابی را، مراعات نکند آن عدالت اسلامی را، که عدالت اسلامی از خود انسان شروع می شود تا هدایت در خود انسان، عدالت با رفیق، عدالت با همسایه، عدالت با هم محله، عدالت با همشهری، عدالت با هم استانی، عدالت با هم کشوری، عدالت با همسایه های کشورهای که با ما هستند و با همه بشر، اگر حاصل نشود، نه حکومت اسلامی است و نه پاسدار اسلامی. به مجرد اینکه من ادعا کنم که پاسدار اسلام هستم، از باب اینکه يك نفر طلبه هستم و طلبه شغلش پاسداری است، مجرد این تا يك نمونه ای نداشته باشد، نشانه و علامتی نداشته باشد، این ادعاست، ولو بتوانیم این ادعا را به مردم جا بزیم، پیش خدا واضح است که درست نیست. کوشش کنید که در این مرحله دوم که ما الان هستیم و بعد هم مرحله های دیگر هست، پاسدار باشید. شماها که الان پاسداری کردید تا حالا (و خداوند همه تان را تأیید کند) کوشش کنید در این مرحله دوم که مرحله حکومت عدل است، رژيم عادلانه است، رژيم اسلامی است، جمهوری اسلامی است، در این مرحله به وظائف پاسداری در این مرحله قیام کنید.

اعمال شما تحت مراقبت و مناقشه دشمنان است

پاسداری در این مرحله این است که از عدالت پاسداری کنید، از حکومت عدل پاسداری کنید. اگر خدای نخواستہ فرض کنید يك نفر جوان مسمای پاسدار به دوستش، به منزل يك کسی، به خانه يك کسی، به مال يك کسی تعدی بکند، آن از پاسداری خودش همین طوری مخلوع است، لکن شماها جدیت کنید، او را هدایت کنید یا از صف خودتان کنارش بزنید، که ممکن است يك کار خلاف از يك نفر در يك جمعیت تحقق پیدا بکند و همه جمعیت به او آلوده بشود و بگویند پاسدارها اینطور هستند.

يك وقت می گفتند که فلان آدم اینطوری است، يك وقت است می گویند پاسدارها اینجوری اند. کوشش کنید که مبادا يك همچو مطلبی پیدا بشود که گفته بشود که پاسدارها فلان جور هستند. خیلی کوشش لازم دارد. چنانچه ما آقایان هم باید کوشش کنیم به اینکه گفته نشود روحانیون اینجور هستند، آخوندها اینجورند. امروز همه چشم ها دوخته به این کشور است و بیشتر چشم آنها که می خواهند مناقشه کنند، می خواهند اشکال تراشی کنند، می خواهند این نهضت ما را يك نهضت صحیح ندانند، چشم ها الان به این مطلب دوخته شده است و مناقشه می کنند، می نویسند در روزنامه های خارج، زیاد می نویسند. اینجا در روزنامه ها شاید با اشاره و این چیزها باشد، اما آنها با صراحت می نویسند. باید ما بهانه به دست آنها ندهیم. آنها خلاف می نویسند لکن اگر ما يك قدم خلاف برداریم،

بهبانه به دست آنها می آید و يك كار را هزار كار نمايش می دهند .

سعی کنید طوری رفتار کنید که خدا این تکلیف الهی را قبول کند

تکلیف امروز برای شما پاسدارها و ما هم که مدعی پاسداری هستیم تکلیف زیاد است ، مشکل است . ببینید از این تکلیف الهی چطور امتحان خودتان را می دهید . حالا که پاسدار هستید ، حالا که دارای اسلحه هستید ، حالا که قدرتمند هستید ببینید که با این اسلحه خودتان ، با این قدرت خودتان چطور با مردم رفتار می کنید ، چطور با برادرانتان که همه کشور است ، همه مردم است ، رفتار می کنید ، رفتار ، رفتار عادلانه است و آنطور که اسلام می خواهد ، تا بشوید پاسدار انقلاب اسلامی ، یا خدای نخواستہ از بعضی اشخاص بر خلاف باشد تا بشود پاسدار جنود شیطان و از پاسداری اسلام ، مخلوع باشد و خدا او را قبول نکند . خداوند همه شما را و همه ملت ما را به وظایف خودمان آشنا کند و همه انشاءالله خدمتگزار باشیم به این ملت و به این کشور .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 221

بیانات امام خمینی به مردم مرودشت

بسمه تعالی

اهالی محترم شهرستان مرودشت ایدهم الله تعالی

طومارهای آقایان محترم و اصل و از مضمون آن اطلاع گردید . در مورد اعزام جناب مستطاب ثقة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ احمد خدایی به آنجا پس از مذاکره با ایشان قرار شد برای رفع مشکلات و گرفتاریهای محل به آنجا بیایند و از نزدیک با همکاری آقایان محترم در رفع آنها بکوشند و چنانچه مصلحت دانسته نماز جمعه نیز در محل اقامه نموده ، با تشکل و اجتماع بیشتر مردم آنجا را به وظایفی که دارند آشنا نمایند . امید است اهالی محترم از وجود ایشان بهره مند گشته از همکاری های لازمه دریغ ننمایند . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 222

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم

موضوع علم انبیاء تربیت انسان است

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر برای هر علمی موضوعی است، چنانچه شما آقایان می فرمایید، علم همه انبیاء هم موضوعش انسان است و اگر برای هر دولتی برنامه ای است، برنامه رسول اکرم (صلی الله علیه و اله وسلم) را می شود گفت سوره ای که در اول وارد شده است آن برنامه رسول خداست: (بسم الله الرحمن الرحيم). اقرار با اسم ربك، اقرار با اسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرار و ربك الاكرم الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم). تمام انبیاء موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان انسان است. آمده اند انسان را تربیت کنند، آمده اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه مافوق الجبروت برسانند. تمام بحث انبیا در انسان است. از اول، هر کس هر يك از انبیاء که مبعوث شدند، مبعوث شدند برای انسان و برای تربیت انسان. برنامه هم این آیه شریفه به حسب اعتبار و به حسب احتمال تعیین می فرماید، به خود رسول اکرم خطاب است لکن خطابات قرآن آن هم که به خود رسول اکرم است غالباً عام است: (اقرار با اسم ربك) از اول که قرائت شروع می شود تعیین می فرماید که قرائت چه جور باید باشد، به اسم رب باید باشد. تمام قرائت هائی که، تمام کلماتی که از اسم رب، جدا باشد شیطانی است. دو جنبه است! يك جنبه رحمانی و يك جنبه شیطانی. قرائت به اسم رب، که شروع شد با اسم رب شروع شد علم با اسم رب قرائت با اسم رب، دیدن با اسم رب، شنیدن با اسم رب، گفتن با اسم رب، درس خواندن با اسم رب، همه چیز با اسم رب، عالم با اسم رب شروع شده است.

خدای تبارك و تعالی عالم را با اسم خودش شروع کرده است، بنای عالم با اسم خداست و انسان که يك عالمی است، عالم صغیر و به حسب واقع کبیر، قرائت، اول تعلیمی که به او می شود و اول برنامه ای که برای رسول اکرم آمده است این است که: (اقرار با اسم ربك) نه همین طور قرائت کن، نه همین طور درس بخوانید، نه همین طور ترویج بکنید، نه همین طور منبر بروید نه همین طور تبلیغ بکنید. درس بخوانید به اسم رب، برنامه است، تبلیغ بکنید به اسم رب، منبر بروید به اسم رب، گوش کنید به اسم رب، صحبت کنید به اسم رب، که اگر اسم رب را از اشیاء جدا کنند، به يك معنا هیچ هستند و هیچ می شوند. همه چیز با اسم رب چیز است، همه آوازهها از خداست. با اسم رب عالم شروع شده

است و با اسم رب ختم می شود .

همه موجودات عالم اسماء خدا هستند

شما هم باید با اسم رب شروع کنید و با اسم رب ختم کنید . علامت خدا در همه چیز هست و باید ما استشعار کنیم اسم خدا ، همه عالم اسم خداست . شماها همه اسم خدا هستید با اسم خدا همه چیز تحقق پیدا کرده است و همه اسم خدا هستید . ما باید این معنا را ادراک کنیم بفهمیم که همه از اوست و همه به او رجوع می کنند (انا لله و انا الیه راجعون) از او هستیم و به او ، اوست همه چیز ، دیگران نیستند ، هیچ اند ، هر چه هست اوست . ما باید ادراک این معنا را بکنیم . انبیاء آمدند که ما را هشیار کنند ، تربیت کنند . انبیاء برای انسان آمده اند و برای انسان سازی آمده اند ، کتب انبیاء کتب انسان سازی است . قرآن کریم کتاب انسان است . موضوع علم انبیاء انسان است هر چه هست با انسان حرف است ، انسان منشاء همه خیرات است و اگر انسان نشود منشاء همه ظلمات است . در سر دوراهی واقع است این موجود ، يك راه ، راه انسان ، يك راه ، راه منحرف از انسانیت تا از چه حیوانی سر بیرون بیاورد . تعلیم تنها ، تعلم تنها ، فقه تنها ، فلسفه تنها ، علم توحید تنها فایده ندارد تا مقرون با اسم رب نباشد (اقرء به اسم ربك ، باسم ربك الذی خلق) . همه خلق را به اسم رب نسبت می دهد ، اسم رب مبداء همه خلق هاست ، خلق است ، خلق مطلق (اقرء باسم ربك الذی خلق) درس هم بخوانید به اسم ربك الذی خلق ، مباحثه هم بکنید به اسم رب . نه همان اول بگویند بسم الله الرحمن الرحيم . بفهمید قضیه چه است و بفهمیم قضیه چه است . انبیاء آمدند که بفهمانند به ما که قضایا چه هست . ما همه حیران ، سرگردان ، همه عالم سرگردانند نمی دانند قضایا چیست ، اینهایی که ادعای انسان شناسی و اسلام شناسی می کنند ادعاست . کی انسان را می شناسد و کی اسلام را؟ يك پرده هائی ، يك ورق های بسیار مختصری از انسان ، يك ورق های بسیار مختصری از اسلام وقتی که کسی بشناسد خیال می کند انسان را شناخته ، اسلام را شناخته .

انسان به معنای حقیقی انسان ، به آن معنائی که انسان است جز ذات مقدس حق و آنهایی که ملهمنند به الهام او ، کسی نمی شناسد . ملائکه ایراد گرفتند که این مفسد را (انسان) چرا خلق می کنی ، فرمود شما نمی دانید بعد که تعلیم اسماء کرد و هیچ کس نمی تواند حمل اسماء بکنند الا انسان و حمل امانت بکنند الا انسان ، وقتی که اسماء را به او تعلیم کرد فرمود که عرضه کن بر این ملائکه ای که اشکال داشتند ، همه عاجز ماندند ملائکه هم عاجز ماندند ، ملائکه مقربین هم عاجزند اما نه ما ، انسان ، ماها يك موجودی هستیم که سر دوراهی واقع شده ایم ، باز آنهایمان که خوب هستند راه را معوج نرفتند و الا توی راهند تا ببینیم چه بشود . دنبالش می فرماید (اقرء وربك الاکرم) با خدا قرائت کن (شاید معنایش این باشد) آنجا (اقرء باسم ربك الذی خلق) البته طولانی است صحبت (خلق الانسان من علق) انسان از این علق ، از این آب ، يك همچو قدرت ، يك همچو قدرت که آن انسانی که همه عالم است .

صراط مستقیم از علق شروع می شود و تا الوهیت ادامه می یابد

می گویند (والعصر ان الانسان لفي خسر) عصر ، انسان کامل است ، امام زمان سلام الله عليه است یعنی عصاره همه موجودات . قسم به عصاره همه موجودات یعنی قسم به انسان کامل (ان الانسان لفي خسر) _ الا _ این انسان که اینجا می گویند ، همین انسان يك سر و دو گوشی است که ماها انسانش می گوئیم خطاب با ماست ، سر دوراهی واقع شده ایم ، يك راه ، راه انسانیت است که این صراط مستقیم است ، صراط مستقیم يك سرش به طبیعت است ، يك طرفش به الوهیت . راه مستقیم از علق شروع می شود منتها بعضی از آنها طبیعی است و آنجائی که مهم است آنجائی است که ارادی است . يك سرش طبیعت است و يك طرفش مقام الوهیت و انسان از طبیعت شروع می کند تا اینکه برسد به آنجائی که در وهم من و تونمی آید . (آنچه در وهم تو ناید آن شوم) اختیار با شماس است که این دوراه را اختیار کنید یا صراط مستقیم انسانیت را ، یا انحراف چپ ، یا انحراف به راست .

از هر طرف انحراف باشد از انسانیت دور می شود ، هر چه جلو برود دورتر می شود ، کسی که از راه مستقیم منحرف شد هر چه پیش برود دورتر می شود به راه . اگر از راه مستقیم انسانیت یعنی آن راهی که انبیاء آمدند معرفی کنند آن راه را ، مأمورند برای اینکه آن راه را معرفی کنند ، خدای تبارک و تعالی در سوره حمد می فرماید که : (اهدانا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم) آنهایی که تو به آنها نعمت دادی ، آنها را منعم کردی ، رحمت را بر آنها وارد کردی ، هدایت را بر آنها وارد کردی ، (غیر المغضوب علیهم و لا الضالین) مغضوب علیهم يك طایفه اند منحرف ، ضالین هم يك طرفند منحرف ، از هدایت دورند و هر چه پیش بروند دورتر می شوند . هر چه درس بخوانید و به اسم ربك نباشد ، از صراط مستقیم دورید و هر چه زیادت در درس بخوانید دورتر می شوید . اگر اعلم من فی الارض بشوید و به اسم ربك نباشد ، ابعداً از خدای تبارک و تعالی هستید ، از صراط مستقیم بعیدتر می شوید . یا صراط مستقیم است که يك سرش جسر جهنم است ، يك طرفش طبیعت است يك طرفش بهشت است ، آخر مرتبه بهشت لقاء الله است ، آنجائی است که غیر انسان هیچ کس راه ندارد فقط انسان راه دارد و ما همه الان در جسر جهنم واقع شدیم ، طبیعت متن جهنم است . در آن عالم ظهور که می کند ، طبیعت جهنم است ، الان ما در متن جهنم داریم حرکت می کنیم ، اگر این راه را طی کردیم آن روز که جسر جهنم ظاهر می شود ، در این چشم های مردم در آن عالم ظاهر می شود ، آن که این راه را طی کرده است از آن جسر عبور می کند آن که این راه را طی نکرده است در جهنم واقع می شود ، می افتد از راه ، کج است دیگر . يك راه مستقیم که اوصافش هم که گفتند و شنیدید و دقیقتر او موس است ، راه باریک است و تاریک است و نور هدایت می خواهد . (اهدنا الصراط المستقیم) خداوند هدایت کند ما را .

مقام انسانیت با قرائت به اسم رب حاصل می شود

شما آقایان که در راه اسلام و علم قدم بر می دارید و متلبس به لباس اسلام و لباس انبیاء شده اید و متلبس به لباس روحانیت شده اید ، گمان نکنید که درس خواندن بدون اینکه قرائت به اسم رب باشد

برایتان فایده دارد، گاهی ضرر دارد، گاهی علم غرور می آورد، گاهی علم انسان را پرت می کند از صراط مستقیم. اینهایی که دین ساز بودند، اکثرا اهل علم بودند. اینهایی که دعوت بر خلاف واقع کردند، اکثرا از اهل علم هستند، چون علم قرائت به اسم رب نبوده است، انحراف داشته است از اول، این راه انحرافی هر چه پیش رفت، بیشتر انحراف حاصل می شود، دورتر می شود از انسانیت. چه بسا يك نفر آدم فیلسوف اعظم است به حسب نظر مردم، فقیه اکرم است به حسب نظر مردم، همه چیز می داند، انبار معلومات است لکن چون قرائت به اسم رب نبوده است از صراط مستقیم دور شده است و از همه دورتر. هر چه انبار زیادتر و زرش زیادتر، هر انبار بزرگتر و زر و ظلماتش بیشتر، ظلمات، (بعضها فوق بعض) گاهی علم ظلمت است، نور نیست. آن علمی که شروع بشود به اسم رب، نور هدایت دارد این علمی که برای این است که یاد بگیرد، آن خوش این است که می خواهد یاد بگیرد و الا می خواهد مسند بگیرم، می خواهم امام جماعت بشوم، می خواهم اهل منبر بشوم، می خواهم مقبول عامه باشم، مقبول مردم باشم، انحراف است، اینها انحرافات است و همه دقیق. صراط مستقیم، به حسب وصفی که شده است باریکتر از پوست بسیار دقیق است. چه بسا انسان يك عمر در ریا بوده و خودش نفهمیده، يك عمر هر عملی کرده ریا بوده است و نفهمیده خودش ریاست، اینقدر دقیق است که خود آدم هم نمی فهمد، موازین دارد برایش، آنهایی که اهل عمل هستند موازین تعیین نکردند که ما بفهمیم که چه هستیم و خودمان را تشخیص بدهیم. در علم انبیاء که علم انسان سازی است موازین دارد اینها.

اسلام را به این زودی نمی شود شناخت، اسلام را با دو تا جنگ نمی شود، اسلام جنگ نیست، جنگ به اسلام مربوطی نیست. مکتب اسلام، اینکه حالا به آن گفته می شود مکتب، این يك چیزی است که مقدمه ای برای آن مکتبی است که اسلام دارد، آن مکتب را من و تو نمی شناسیم، چنانچه انسان را ما نمی شناسیم، اینکه می شناسیم همین موجود طبیعی است، این انسان نیست، از علق می آید يك قدری بالاتر، يك قدری بالاتر، تا می شود حیوان. این حیوانش خیلی طولانی است، این مقام حیوانیت خیلی طولانی است و انسان ممکن است تا آخر عمرش در همین حیوانیت متوقف شده باشد. تا قرائت به اسم رب نباشد فایده ندارد، همه چیز باید به اسم رب باشد.

با اسم خدا و با محبت و رحمت به اصلاح انحرافات بپردازید

شما حالا آقایان از قراری که گفتند بنا دارید که تشریف ببرید در قراء و قصبات و شهرها برای ترویج، برای هدایت، توجه داشته باشید اگر قدمی بر خلاف موازین، بر خلاف رضای خدا بردارید يك جر می است که به این زودی نمی توانید جبران کنید. شمائی که به اسم هدایت بین مردم می روید غیر عامه مردم است وضعتان، غیر وضع عامه مردم است. شمائی که برای هدایت می روید شما رسول از طرف اسلام هستید، رسول رسول خدا هستید. باید بفهمید که در این رسالت چه باید بکنید، این کارهایی که بنا دارید بکنید آیا به اسم رب است؟ آیا از اول که شروع می کنید به اینکه هدایت کنید مردم را، اسلام را معرفی کنید بر مردم، ولو همین قدر که می دانید، آیا این به اسم رب است؟ از اسم خدا

شروع می شود یا خدای نخواستہ نفسانیت آدم در آن دخالت دارد . (اعدا عدوك) همین نفسی است که در انسان است ، این از همه دشمن برای انسان دشمن تر است همه دشمن های عالم آنقدری که از آنها می آید این است که انسان را بکشند زجرش بدهند اما آن که بین جنیك ، آن نفس اماره انسان ، آن غیر این است که انسان را بکشد ، انسانیت را می کشد . همه عالم جمع بشوند که انسانیت شما را بکشند تا آن چیزی که در خود شما هست ، آن نباشد و تغییر نکند ، کسی نمی تواند (اعدا عدوك) همین نفسی است که بین جنیك . ببینید که حالا که تشریف می برید و می خواهید مردم را هدایت کنید ، به اسم رب هدایت می کنید یا به اسم نفس که همان به اسم شیطان است ؟ ببینید با آقایانی که در محل هستند ، شما چه جور رفتار می کنید؟ ما فرض می کنیم که شما در محل که رفتید بعضی از اشخاص منحرف هستند ، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای همین ها غصه می خورد ، برای همین مردم منحرف غصه می خورد (و لعلك باخع نفسك) اینکه مومن نشدند ، همچون غصه های که مثل اینکه می خواهی خودت را بکشی . ما فرض می کنیم که شما وقتی که رفتید يك انحرافات دیدید ، انحرافات را با انحراف اصلاح خیال نکنید بکنید . انحراف نمی تواند انحراف را مستقیم کند . انحرافات را با نور هدایت خدا و با اسم ربك مستقیم کنید .

با اسم خدا حرکت کنید و با اسم خدا هدایت کنید . و با اسم خدا ترویج کنید و با اسم خدا انحرافات را مستقیم کنید . اگر دیدید آنجا می خواهد نفس اماره بگوید که حالا این آقا که اینجا مدتی بوده است و عنوانی دارد و بخواهد عنوانش را يك وقت خدای نخواستہ از دستش بگیرد ، بدانید که این الهی نیست ، این شیطانی است . بخواهید مقابل يك اهل علمی که آنجا هست بایستید و بشکنید خدای نخواستہ حیثیت او را ، بدانید که انسانی نیست و این الهی نیست شیطانی است . با همه محبت کنید ، با محبت می شود منحرف ها را مستقیم کرد ، بهتر از اینکه با شدت وحدت ، گاهی نمی شود و الا غالبا می شود . پیغمبر اکرم نبی رحمت است که برای رحمت آمده است آنجائی هم که آن منحرف های غیر قابل اصلاح را امر به قتل می کرد ، مثل يك غده سرطانی که در يك بدن باشد ، برای اصلاح بدن آن غده را باید بیرون آورد ، چاره نیست ، این غده های سرطانی گاهی يك جامعه را فاسد می کنند ، این هم رحمت بر جامعه است . اینهایی که اسلام را اصلا نمی دانند چیست ، نمی فهمند اصلا اسلام چه است ، خیال می کنند این غربی ها ، اینهایی که دنبال غرب هستند ، که احکام اسلام خشونت دارد . اینها اصلا نمی دانند که این احکام چه چیز هست ، برای چه هست . این مثل این است که به يك طبیی که کارد را برداشته و شکم را پاره می کند و غده سرطانی را بیرون می آورد بگویند این خشونت دارد می کند . این رحمت است یا خشونت ؟ آن طبیی که می برد دست را برای اینکه دست فاسد می کند انسان را ، کارد را در آورده می برد دست را ، این طیب با خشونت دارد رفتار می کند و باید فریاد بر آورد که این طیب خشن است یا این طیب ، طیب رحمت است ، با رحمت دارد رفتار می کند ، يك انسان را برای يك عضو نجات می دهد .

این جامعه مثل يك انسان می ماند ، گاهی وقت برای اصلاح جامعه يك کسی را تهدید

می کنند آن هم تهدیدی که گاهی وقت ها منتهی به کشتن می شود. يك نفر آدمی که يك مملکت را می خواهد فاسد بکند، يك کشور را ، يك گروه را فاسد می خواهد بکند و قابل اصلاح نیست آن را باید برای تهذیب جامعه، برای حفظ جامعه این را، این غده سرطانی را باید از این جامعه دور کرد، دور کردنش هم به اینکه اعدامش کنند. اعدام های اسلامی اینطوری است، نه مثل اعدام غربی می ماند. آنها می ریزند می کشند، می برند از بین و همه آن برای این است که جا برای خودشان باز کنند. اعدام هائی که در اسلام است، اعدام رحمت است، يك طبيبی است که چاقو را برداشته و این جامعه را از شر يك موجودی که اگر باشد فاسد می کند جامعه را، از شر این نجات می دهد جامعه را. يك حد از حدود الهی وقتی که واقع بشود، يك جامعه اصلاح می شود. اگر چهار تا دزد را دستش را ببرند در مجمع عمومی، دزدی تمام می شود. اگر چهار تا آدمی که به فحشا مبتلاست آن را شلاق بزنند، در جامعه، فحشا از بین می رود. این همان غده سرطانی است که طیب برای حفظ يك انسان ناچار است که این غده را بیرون بیاورد. گاهی چاقو بر می دارد چشم آدم را بیرون می آورد، رحمت است، این حفظ است.

جاری نمودن حدود الهی در جامعه یعنی رحمت بر امت

انبیاء آمدند این جامعه را حفظ کنند از فسادها. این حقوقدانان نمی فهمند اصل اسلام را نمی شناسند چیست. این غربی هائی که دور هم جمع شدند برای منافع ابر قدرت ها، اینها از انسانیت اطلاعی ندارند، اینها فقط این حیوان يك سر و دو گوش رامی بینند و این طبیعت و این سطح طبیعت، نه عمق طبیعت، این سطح طبیعت را می بینند، اینها می خواهند حقوق بشر، تو چه می دانی بشر چه هست تا حق بشر چه باشد؟ تو انسان را می شناسی تا حق انسان را بشناسی؟ تو جامعه را می شناسی که حق جامعه را بشناسی؟ همه آنها همین طور هستند، همه این حرف ها که می شنوید در آن طرف ها هست و این طرف ها هم از آنها تقلید می کنند، همه برای این است که بچاپند این جامعه را، برای چاپیدن است، برای اصلاح نیست. جنگ هائی که الان هم در دنیا ممالک زیادی پشت سر هم بچنگند و آمریکا از آن طرف، شوروی از این طرف و آن طرف و از آنور کمک می کنند به اینها، اینها همه جنگ های انحرافی است، بر خلاف انسانیت است. اینجائائی که این جنگ ها می شود و اینهمه کشتار، اینهمه کشتار در این ممالک می شود این طرفدارهای حقوق بشر نشسته اند و سیگار می کشند و پاهایشان را روی هم می اندازند و يك کلمه صحبت نمی کنند اما آن روز که يك عده اشخاصی که غده هستند برای این جامعه، غده سرطانی هستند برای این جامعه اگر بمانند يك جامعه را به باد می دهند، حکم اسلام را در اینها جاری می کنند، همین هائی که آن روز فوج ها از مردم، هزارها از انسان ها را اربابانشان می کشند و پاهایشان را روی هم می اندازند و تکیه می دهند و يك کلمه حرف نمی زنند، واویلا بلند می کنند چرا هویدا را کشتند یا چرا نصیری را کشتند یا چرا کسانی که فوج، فوج جوان های ما را از بین برده اند، اینها می کشند. کشتن اینها رحمت است بر امت. حدود الهی رحمت است بر امت. البته آن دستی که

بریده می شود، اگر زبان داشت گله می کرد اما برای انسان يك عضو فدا می شود، برای يك جامعه يك اشخاص باید از بین بروند، برای حفظ حقوق يك جامعه باید يك غده های سرطانی از این جامعه جدا بشود. اینها برای رفتن محمد رضاخان هم همین عزاها را داشتند، همین آدمی که، حالا- هم از او تعریف می کنند، حالا- هم در مجله های خارجی یا در مطبوعاتشان از او تعریف می کنند، که (نه این اصلاح می کرد، می خواست درست کند مملکت را) آن کنار نشسته اند، نه مطلع نیستند، لکن آن کنار هستند، کنار معرکه هستند ندیده اند اینجا چه شده است، می دانند چه شده اما به خودشان که واقع نشده، هزاران آدم اینجا هم کشته بشود اصلا انسان مطرح نیست پیش آنها، حق و حقوق انسان اصلا مطرح نیست در این جوامعی که طرفدار حقوق بشر هستند، ابدا حقوق بشر مطرح نیست، حقوق ابر قدرت ها مطرح است، آنها برای ابر قدرت ها حق قائلند حقشان هم این است که همه ممالک را اینها بچاپند.

دعوت اقسا رملت به وحدت با تشبث به جبل الله

شما آقایان که انشاءالله تشریف می برید و موفق می شوید و مردم را هدایت می کنید، اولاً دعوت کنید همه را به وحدت کلمه خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: (واعتصموا بحبل الله) اجتماع لکن اجتماع با تشبث به جبل الله. هر اجتماعی مطلوب نیست (واعتصموا بحبل الله) مطلوب است، همان است که (اقراء باسم ربك) اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند.

مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند. الان مشغولند شیاطین به اینکه این انسجامی که پیدا شد برای ملت ما و با این انسجام پیش بردند و بحمدالله پیروز شدند تا اینجا، این را بهمش بزنند، گروه گروه کنند، حزب کذا، حزب کذا، جمعیت کذا. چه اسم رویش بگذارند جمعیت اسلامی کذا، چه اسم بگذارند جمعیت دمکراتیک کذا، امروز، روز این نیست که تکه تکه بشود این مملکت، گروه گروه بشوند اینها امروز تمام گروه ها باید ادغام بشود در يك گروه و آن گروه اسلامی است. همانطوری که تمام گروه ها ادغام شد در يك گروه و تمام قول ها و تمام فریادها ادغام شد در يك فریاد و آن فریاد مرگ بر این رژیم و عرض بکنم که جمهوری اسلامی می خواهیم. آن ادغام گروه ها در هم و توجه به اسلام بود که این سد بزرگ شیطانی را شکست و همه حساب مادیین را باطل کرد، آنها حساب عالم طبیعت و ماده را می کردند حساب جنبه الوهیت آن را نمی کردند، ایمانش را حساب نمی کردند که ایمان چه قدرتی دارد، آن را نمی توانند حساب کنند و ایمان نمی دانند چه است. حساب اینکه، به حسب حساب مادیت محال بود که يك عده معمم که باید درس بخوانند و يك عده دانشگاهی که باید سر کلاس بروند، يك عده بازاری که باید کسب بکنند و يك عده دهقان که باید کشت بکنند و (ولو کشتی برایشان نگذاشتند) يك عده کارگر که باید کار بکنند، نظامی هیچ کدام اینها نبودند، اینها قیام بکنند و نظام يك غولی را به هم بزنند، آن نظامی که همه قدرت ها دنبالش بودند، نه ابرقدرت ها تنها، همه قدرت ها، البته روی حساب طبیعت، روی حساب مادیت، آنهایی که اطلاع از ماورای این عالم ندارند، آنهایی که اطلاع از ایمان ندارند، روی حساب آنها يك

امر محالی بود، يك امر محال واقع شد، آنها محال می دانستند. اما روی حساب (اقرار با اسم ربك الذی خلق) وقتی اسم خدا شد همین مقدار (ما به عمق مسائل نمی رسیم) همین مقداری که همه اسلام گفتند و اسلام اسم خداست همین پیروز کرد اینها را، همه قدرت ها را به هم زد، نتوانستند نگاهش دارند. همه قدرت ها دنبالش بودند، من مطلع هستم همه قدرت ها دنبالش بودند که نگاهش دارند همه چنگال ها چسبیده بودند به این تخت و تاج منحوس که نگه دارند و قدرت ایمان شما، اسلام، قدرت اسلام همه این قدرت را عقب زد و این را از این مملکت بیرونش کرد، ریشه های دیگر را هم بیرون می کنیم.

برهیز از اعمال انحرافی و خلاف موازین به منظور حفاظت از مکتب

اما باید توجه داشته باشید که امروز يك خطر بزرگی جلوی پای ماست که من از این خطر بیشتر می ترسم تا از خطر اینکه بیایند و بریزند و بکشند و ما را از بین ببرند و آن خطر این است که مبدا ما پاهایمان را انحرافی برداریم، قدم های انحرافی برداریم و مکتبمان را بد منعکس کنیم، اسلام را بد معرفی کنیم. آنی که مهم است این است که مکتب به قدرت خودش باقی باشد ولو ما همه از بین برویم. ما شیعه ائمه اطهار هستیم، ائمه اطهار اکثرا یا کشته شدند یا چه شدند لکن مکتبشان محفوظ بود. سیدالشهدا کشته شد مکتبش محفوظ بود بلکه مکتب را زنده کرد، با این کشته شدن مکتب را زنده کرد. سیدالشهدا دیدند که مکتب دارد از بین می رود. قضیه قیام سیدالشهدا و قیام امیرالمؤمنین در مقابل معاویه، قیام انبیاء در مقابل قدرتمندان و کفار، مسأله این نیست که بخواهند يك مملکت بگیرند، همه عالم پیش آنها هیچ است. مکتب آنها این نیست که، مقصد آنها این نیست که کشورگشائی بکنند. اینهایی که از اسلام تعریف می کنند که کشورگشائی کرد اینها اصلا اسلام را نمی شناسند چه است، خیال می کنند اسلام هم مثل رژیم، اسلام مثل آمریکا می ماند که هر چه کشورش وسیعتر بهتر. کشورگشائی انبیاء سنخش فرق دارد با کشورگشائی سلاطین، سلاطین برای دنیایشان فریاد می زنند، برای دنیایشان کشورگشائی می کنند، برای قدرت شیطانیشان کشورگشائی می کنند انبیاء می روند که يك جمعیتی را آدم کنند، توی سرش می زنند که آدم بشو. آنها کشورگشائی شان برای این است که انسان درست کنند. حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه دیدند که معاویه و پسرش (خداوند لعنتشان کند) اینها دارند مکتب را از بین می برند، دارند وارونه اسلام را جلوه می دهند اسلامی که آمده است برای اینکه انسان درست کند، نیامده است قدرت برای خودش درست کند، آمده است انسان درست کند، اینها، این پدر و این پسر (مثل این پدر و پسر) اسلام را وارونه داشتند نشان می دادند شرب خمر می کردند، امام جماعت هم بودند، مجالسشان مجالس لهو و لعب بود، همه چیز در آنها بود، دنبالش هم جماعت بود، امام جماعت هم می شدند امام جماعت قمارباز، امام جمعه هم بودند و منبر هم می رفتند و اهل منبر هم بودند، منبر هم می رفتند. به اسم خلافت رسول الله بر ضد رسول الله قیام کرده بودند، فریادشان لاله الا الله بود و بر ضد الوهیت قیام کرده بودند. اعمالشان، رفتارشان رفتار شیطانی لکن فریادشان فریاد خلیفه رسول الله. این است که مکتب را متزلزل می کند و يك وقت در دنیا منعکس

می شود که اسلام هم همین است . من خوف این را دارم امروز و خدایا به فریاد اسلام برس ، امروز که مکتب ما منحرف جلوه داده بشود یا از اعمال من و شما یا از اعمال کمیته ها یا از اعمال دادگاه ها یا از اعمال ادارات و وزارتخانه ها و امثال ذالک . رژیم سابق برای ما خطر نداشت رژیم سابق ادعا نمی کرد که من ، ادعایش را می کرد لکن کسی از آن قبول نمی کرد ، رژیم سابق خطری نداشت ، اگر يك معممی در رژیم سابق کار خلاف می کرد می گفتند این ساواکی است ، این درباری است ، این ساواکی است . امروز که ساواکی در کار نیست و هم دفن شده اند ، اگر از شما آقایان يك چیزی صادر بشود می گویند جمهوری اسلامی این است ، مکتب ما متزلزل می شود . مسؤولیتتان زیاد است ، آقایان ، خیال نکنید که بروید يك حرفی بزنید ، خیر چیزی نشده . خیر ، هر يك از شما مسؤولیت دارید و مسؤولیت بزرگ ، خیلی بزرگ .

امروز مکتب ما بسته به اعمال ماست ، مکتب ما بسته به اعمال روحانیون است . اگر روحانیون سابق خدای نخواسته يك حرف خلافی ، يك کار خلافی می کردند ، مردم خود او را يك طعن و لعنی می کردند ولو يك دسته شان هم می گفتند روحانیون اینجور هستند ، آخرش این بود که می گفتند روحانیون اینجور هستند اما رژیم ، رژیم اسلامی نبود ، نمی گفتند رژیم اسلامی ، نمی گفتند مکتب اسلام اینطور است . امروز قلم های دشمن های ما در خارج گاهی در داخل برداشته شده است ، قلمفرسائی می شود که مکتب ما را بد جلوه بدهند . آن مکتبی که آمده است ، اسلامی که آمده است و تهذیب می خواهند بکنند همه قشرها را ، همه فسادها را از بین ببرد . با اعمال من و شما ، با اعمال دادگاه ها و با اعمال پاسدارها و با اعمال کمیته ها و اینهایی که همه الان دم از اسلام می زنند همه دم از اسلام (حالا این دیگر این به اصطلاح شما مد شده که بگویند اسلام و جمهوری اسلامی) همه _ دم می زنند از _ اسلام ، حالا اینهایی که الان دم از اسلام می زنند و اینهایی که دار و دسته اسلام هستند مثل شما که اولی هستید از همه ، اگر خدای نخواسته در اینها يك خلاف واقع بشود ، يك کاری واقع بشود که صحیح نباشد ، مکتب ما متزلزل می شود اسلام لکه دار می شود . این اهمیت دارد و الا من و تو را بکشند چه اهمیتی دارد اسلام هست . سیدالشهدا را کشتند اسلام ترقیش بیشتر شد . ماها از اگر با مظلومیت بکشند ، ترویج از اسلام است . خوب شما دیدید بعضی از افراد را کشتند و ترویج شد ، اما اگر کار ما اسلام را از بین ببرد ، کار ما اسلام را بکشد ، عمل ما ، حرف ما ، قول ما ، این است که مصیبت است . این مصیبت ، مصیبت اعظم است و باید شما آقایان که تشریف می برید مواظبت کنید .

تأکید بر انتخاب وکلای متدین و مطلع برای تعیین سرنوشت اسلام

امروز اسلام رهین کارهای من و شماست ، مثل دیروز نیست . بروید در این قراء و قصبات و نخواهید هم که در آنجا خیلی زیاد به شما اهمیت بدهند ، نخواهید ، خدا می دهد شما خودتان لازم نیست دست و پا کنید ، نمی توانید هم بکنید ، گاهی بدترش هم می کنید شما (اقراء باسم ربك) ، کارها درست می شود . بروید در این قراء و قصبات مردم را هدایت کنید ، امروز باید هدایت کرد و هدایت بزرگ این

است که مردم را آشنا کنید به وظایف امروزشان که وکلانی که می خواهند تعیین کنند که سرنوشت اسلام باید تعیین بشود، وکلا چه اشخاصی باشند، اشخاص متدین، مطلع، دانشمند اسلام شناس آنقدری که می توانند، نه این اشخاصی که می نشینند می نویسند و کاری به اسلام ندارند. از اینها احتراز کنید، اینها را تعیین نکنید، اینها خراب می کنند، نمی دانند اصلا اسلام چیست تا اینکه بیابند قانون اسلام را درست کنند. قوانین اسلام و قانون اساسی اسلام باید به دست اشخاصی که يك مقدار لااقل اسلام را بدانند، یعنی چه علاقه داشته باشند به اسلام، دشمن نباشند با اسلام، به دست آن اشخاص که اسلام را اصلش مخالف با طریقه های خودشان می دانند بلکه مخالف با تمدن (به اصطلاح آنها) می دانند البته آن تمدنی که آنها می گویند، مثل تمدن شاه است دیگر، دروازه تمدن او این مقدرات را دست اینها ندهند، ملت ما مقدراتشان را دست این اشخاصی که به اصطلاح خودشان روشنفکر، نه هر روشنفکری، روشنفکرها بسیارشان خوب هستند، آنهایی که علاقه ای به اسلام ندارند، آنهایی که از گفتار و اعمال سابق و لاحق شان معلوم می شود که اینها چه هستند. در تمام این مدتی که همه این ملت فریاد می کردند جمهوری اسلامی، این بیچاره ها برای تقيه هم يك دفعه نگفتند جمهوری اسلامی، اینها از اسم اسلام همچنان می ترسند که شیطان از بسم الله، می ترسند اینها و حق هم دارند بترسند برای اینکه اسلام جلوی شهوات را می گیرد، اسلام نمی گذارند که لخت بروند توی این دریاها شنا کنند، پوستشان را می کند با زن ها لخت بروند آنجا و بعد زن ها لخت بیاند توی شهرها، مثل کارهایی که در زمان طاغوت می شد همچو کاری اگر بشود، پوستشان را مردم می کنند، مسلمانند مردم، نمی گذارند زن ها و مردها با هم داخل هم بشوند و توی دریا بریزند و به جان هم بیفتند. تمدن اینها، این است. اینها از تمدن این را می خواهند. اینها از آزادی اینها را می خواهند، آزادی غربی می خواهند و آن این است زن و مرد با هم لخت بشوند و بروند توی دریا بروند توی نمی دانم _ جاهای دیگر شنا کنند. این تمدنی است که آقایان می خواهند، این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد که بعد از اینکه می رفتند زن و مرد در دریا، زن همانطور لخت و همانطور لخت می آمدند توی شهر، مردم هم جرات نمی کردند حرف بزنند. امروز اگر يك همچو چیزی بشود اینها را ما خواهیم تکلیفشان را معین کرد و دولت هم معین کرد، البته دولت طوری که وزیر کشور گفتند، گفتند که ما جلوی را گرفتیم، اگر نگیرند مردم می گیرند. مگر مازندرانى ها می گذارند یا رشتی ها می گذارند که باز کنار دریایشان مثل آنوقت باشد؟ مگر بندر پهلوی ها مرده اند که زن و مرد با هم در يك دریا بروند و مشغول عیش و عشرت بشوند، مگر می گذارند اینها را؟ تمدن های اینها این است و آزادی که آنها می خواهند همین است، اینجور آزادی بروند قمار کنند و با هم لخت بشوند و با هم چه بشوند و این آزادی.

آزادی در حدود قانون است، اسلام از فسادها جلو گرفته و همه آزادی ها را که مادون فساد باشد داده، آنی که جلو گرفته فسادهاست که جلوی را گرفته است و ما تا زنده هستیم نمی گذاریم این آزادی هائی که آنها می خواهند تا آن اندازه ای که می توانیم آن آزادی ها تحقق پیدا کند.

شما آقایان هم حالا آزاد هستید، تشریف می برید در شهرها در قراء، در قصبات برای هدایت،

ملتفت باشید که از این آزادی حسن استفاده کنید ، خدای نخواستہ سوء استفاده نکنند . مردم را همه دعوت کنید به اینکه وکلای خودشان را بشناسند ، علماء برایشان معرفی کنند ، آنهایی که آدم شناس هستند معرفی کنند که این سابقه اش چه بوده ، دیروز در آن رژیم چه می کرده حالا آمده البته تسبیح هم دستش ممکن است بگیرد و خیلی هم فریاد اسلام بزند ، من بینم دیروز چه جور بوده ، چه جنایت هائی را یا کرده یا اجازه کردن داده است . باید اینها را بشناسند و علمای بلادشان به آنها معرفی کنند ، اشخاصی که برای اسلام دلشان می تپد آنها را تعیین کنند . خداوند انشاءالله همه شما را موفق کند و همه قرائت کنید ، قدم بردارید ، منبر بروید ، همه چیز (باسم ربك الذی خلق

).

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 233

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان وزارت کشاورزی عازم کشور اتحاد جماهیر شوروی

بسم الله الرحمن الرحيم

در برخورد با گروه های دیگری که راجع به ایران می خواهید بحث بکنید ، شما خودتان نهضت را می دانید چه بوده است و برای چه بوده است و مقصد آخری چیست . ایران بعد از آن زحمت ها و مرارت ها و اختناق ها و چپاولگری ها و اینها ، به جان آمد ملت ایران و قیام کرد . و صرف قیام ، ما را به جایی نمی رساند ، بلکه قیام چون اسلامی بود و جوان های ما برای اسلام کوشش کردند و همه مقصدشان اسلام بود و از جان گذشته بودند برای اسلام ، از این جهت ، با وحدت کلمه و با اتکاء به اسلام این نهضت پیشرفت کرد و امید است که این نهضت باز باقی بماند و وحدت کلمه باقی بماند و پیش برود نهضت تا آخر شما در آنجا باید این چیزی که علت پیش آمدن این نهضت بود ، چون در خارج حتی حالا هم باز در روزنامه هائی که اجیر هستند از طرفش یا خود آن مرد یا کسانی که هوادار او هستند باز هم برای او توصیف می کنند که : این می خواست مملکت را پیش ببرد ، شما به گروه هائی که بر می خورید ، توضیح بدهید که این با اسم پیشرفت ، با اسم تمدن بزرگ و دروازه تمدن بزرگ همه چیز ایران را به باد داد و نگذاشت حتی دانشگاه آنطوری که باید رشد بکند ، رشد بکند و اقتصاد ما را بکلی به هم زد و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد ، همه چیز مردم ایران به باد رفت و خسته شدند مردم از این جهت قیام کردند و این نهضت را بپا داشتند و این دست را بریدند و قطع کردند از کشورشان و حالا هم نه این است که به مقصد رسیدند ، مقصد این است که يك حکومت عدل يك حکومتی که وابسته به هیچ جناحی نباشد ، يك كشوری که هیچ يك از جناح نتوانند در او دخالت بکنند ، به يك کشور اسلامی که مبنی بر احکام اسلام باشد ، که احکام اسلام همه اش عدالت است ، يك همچو آرزویی هست و اگر چنانچه بگذارند این دست های پلید وابسته به خارجی ها ، این کار انجام می گیرد و ما امیدواریم که این توطئه هائی هم که الان در ایران است و به صورت های مختلف توطئه هست ، امیدواریم که با همت همه جوان ها و همه جناح ها اینها هم از بین برود . در هر صورت معرفی اینکه وظیفه ای که گفتید راجع به آن اصل ، معرفی اینکه برای چه مردم قیام کردند و چه شد علت قیام آنها و مقصد آنها چه هست ، اینها را البته آنقدری که شما می توانید ، آنجا برای آنها توضیح بدهید . و اما برخورد با همه گروه ها برخورد سالم باید باشد یعنی اسلام همین طور است که حتی با دشمن ها هم با مسالمت رفتار می کند مگر آنکه توطئه بر ضد مصالح يك كشوری ، مصالح اسلام توطئه بکند ، آنجاست

که با شدت عمل می کند . لکن همه بشر را اسلام می خواهد که سعادت‌مند باشند و با همه هم معاشرت صحیح ، برخورد صحیح ، برخورد دوستانه باید باشد ، حتی آنهایی هم که هیچ اعتقادی به اسلام ندارند برخورد ، برخورد دوستانه باشد .

و اما آن مطلب سومتان : در میزی که مشروب محرم است ، مثل مسکرات ، سر آن میز نشستن ، به حسب اسلام حرام است . حتی کسی که هیچ مشروبات هم نمی خورد و سر یک میزی اگر یک ظرف مسکر باشد ، سر آن میز حرام است بنشیند . این حکم خداست و دیگر البته استعمالش دیگر معلوم است . بنابراین ، البته وقتی که شما آنجا بروید ، به شما احترام می کنند ، چیزی را که بخواهید ، می کنند . بگوئید میزتان را علیحده کنند و جلوتر بگوئید . (سؤال : ممکن است عوامل شوروی به یک حالت کوچکی بگیرند) جواب امام : گمان ندارم که آنها حالا شما را کوچک نگاه کنند ، آنوقتی _ که _ شما را کوچک نگاه می کردند که می دیدند که آن شخصی که خودش را شخص اول مملکت می دانست ، برای آنها آنقدر خضوع می کرد که من این را یاد نمی رود که جانشون بود و شاه رفته بود آنجا در عکس هم آنجا در روزنامه ها منتشر شد که این یاد من نمی رود از ناراحتی که آنوقت پیدا کردم ، آن مرد ، جانشون ایستاده بود آنجا عینکش را برداشته بود و به دستش گرفته بود و چپ به آن طرف نگاه می کرد ، این شخص ، آن سر ، همان آنجائی که جای نشیمن خودش بود ، محمدرضا جلو او ایستاده بود مثل اینکه یک بچه مکتبی پهلوی استاد ایستاده بود . وقتی می دیدند آنها که شخصی که حالا دارد حکومت می کند به یک جمعیتی اینطور است وضعش ، نسبت به آحاد مملکت هم آنها نظرشان آنطور می شد اما وقتی که حالا دیدند که یک مملکتی است که مشتش را گره کرد و همه را بیرون کرده ، الان نظر همه نسبت به شماها منقلب شده است . خودتان را باید حفظ کنید ، خودتان را برای اینکه اینقدر تبلیغات بر ضد خود شماها شده است که ماها را ، باطنمان را متحول کردند به یک چیز دیگر از آن شخصیتی که انسان باید داشته باشد ، اینقدر اینها تبلیغات کردند که شخصیت را از ما گرفتند که ما الان هم تا صحبت می شود انگلستان ، امریکا ، همه این خیابان های ما را به اسم اینها گذاشته بودند . میدان ها را به اسم اینها گذاشته بودند و هکذا همه چیز . حالا شما آن نیستید و مملکت ایران هم آن نیست . شما از قراری که از خارج می آیند ، می گویند که شما نمی دانید خارج نسبت به ایران چه نگاه می کند . خود ایران باز عظمت این نهضت را درست ادراک نکرده است . عظمت این نهضت در خارج بیشتر از این مسائل است . الان هم اینهایی که از طرف شوروی می آیند اینجا ، گاهی آن سفیرشان می آید اینجا ، معلوم است که نظرشان به اینجا آن نظرها دیگر نیست و بنابراین شما خودتان را یک ملت غالب بدانید و اشخاص که غلبه کردید دیگر ، و به اسم غلبه بروید در آنجا ابتدا از آنها هیچ باکی نداشته باشید و به اسم یک ملت غالب بروید در آنجا ، نه مثل سابق که یک ملت ضعیف بود ، یک ملت قوی که هم شوروی را کنار گذاشت و هم آمریکا را و هم انگلستان و همه را ، بنابراین هیچ به شما نگاه کوچکی نمی کنند مگر اینکه خودتان کوچک کنید خودتان را و خودتان نکنید این کار را . خداوند انشاء الله همه شما را تأیید کند و توفیق بدهد . انسان باشید و با سلامتی بروید و با پیروزی برگردید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی به مناسبت روز پاسدار

بسم الله الرحمن الرحيم

روز مبارك سوم شعبان المعظم را که روز طلوعه پاسدار و پاسداری از مکتب مترقی اسلام است به عموم هم میهنان و بخصوص پاسداران انقلاب اسلامی تبریکات عرض و بحق باید این روز معظم را روز پاسدار بنامیم . روز ولادت با سعادت بزرگ پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز است ، پاسداری که هر چه داشت ، در راه هدف اهداء کرد و اسلام عزیز را از پرتگاه انحراف رژیم طاغوت بنی امیه نجات داد . رژیم منحط بنی امیه می رفت تا اسلام را رژیم طاغوتی و بنیانگذار اسلام را برخلاف آنچه بوده معرفی کند ، معاویه و فرزند ستمکارش به اسم خلیفه رسول الله با اسلام آن کرد که چنگیز با ایران ، و اساس مکتب وحی را تبدیل به رژیم شیطانی نمود . اگر فداکاری پاسداران عظیم الشان اسلام و شهادت جوانمردانه پاسداران و اصحاب فداکار او نبود ، اسلام در خفقان رژیم بنی امیه و رژیم ظالمانه آن وارونه می شد و زحمات نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اصحاب فداکارش به هدر می رفت .

هان ای پاسداران عصر حاضر و انقلاب اسلامی ! به امام امت و پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز اقتداء نموده حق پاسداری از انقلاب اسلامی را به خوبی ادا کنید و از این منصب بزرگ که منصب انبیاء عظام و اولیاء خداوند تعالی است به خوبی حفاظت کنید . نکند خدای نخواستہ کاری کنید که مقام پاسداری لکه دار شود و مبادا در لباس پاسداری از شما عملی صادر شود که موجب سرشکستگی اسلام باشد و خدای نخواستہ گفته شود پاسداران اسلام چون مأموران سازمان هستند . اکیدا از شما جوانان عزیز خواستارم که عناصر ناپاک را از خود دور کنید و عمل خلاف يك نفر ممکن است گروهی را بدنام کند . ما امروز مواجه هستیم با گروه هائی که در کمین نشسته اند و می خواهند اسلام را و انقلاب شکوهمند اسلام را بر خلاف آنچه هست معرفی کنند و به قشرهای مختلف اسلامی خرده گیرند و آنچه در افراد غیر مسؤول می گذرد به حساب نهضت و اسلام بیاورند ، لهذا لازم است علمای اعلام که راهنمای جامعه هستند و کمیته ها و دادگاه ها و پاسداران انقلاب کوشش کنند و نگذارند کسانی از روی شیطنت و توطئه یا از روی جهالت یا بی اطلاعی از مبانی اسلام رفتاری کنند که نهضت پاک اسلامی را واژگونه و مکتب مقدس اسلام و جمهوری اسلامی را لکه دار کنند . من از تمام گروه های مذکور می خواهم که به دولت موقت اسلامی کمک کنند و دخالت های

مستقیم در امور دولتی و در عزل و نصب مأموران نکنند ، دخالت هائی که موجب تضعیف دولت اسلامی می شود بر خلاف رضای خداست و باید از آن احتراز شود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 237

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان شرکت مخابرات (تلفن بین شهری)

بسم الله الرحمن الرحيم

من سلامت و توفیق همه آقایان را از خدا می خواهم و آن چیزی که از حالا به بعد تکلیف ماست ، مهم این است که انسان در آنوقتی که وقت کار است تکلیفش را بداند . شما می دانید که این مملکت احتیاج به کار دارد ، احتیاج به بازسازی دارد و رژیم سابق همه چیز ایران را فاسد کرد ، از بین برد و الان به قوه های شما جوان های برومند احتیاج است .

خدمت به هر کشوری این است که آن کسی که مشغول يك خدمتی است آن خدمت را خوب عمل کند . شما نمی توانید که کاری که ارتش می کند ، بکنید . ارتش هم نمی تواند کاری که شما می کنید بکند لکن هر دو جمعیت می تواند آن کاری را که به خود شما محول است خوب انجام بدهید . اگر همه اجزاء این مملکت یا هر مملکت دیگری کاری که به آنها محول است خوب انجام بدهند مملکت آباد می شود . کشاورز ، کشاورزی را خوب انجام بدهد کسانی که در کارخانجات هستند کار آنها را خوب انجام بدهند ، کسانی که در ادارات هستند در ادارات کار را خوب انجام بدهند ، کسانی که در وزارتخانه ها هستند آنها را خوب انجام بدهند . الان شنیده می شود که کارمندی های دولتی کم کاری می کنند ، بلکه گاهی گفته می شود که اصلا کار نمی کنند خیلی هایشان ، این بر خلاف مسیر يك ملتی است که الان باید این مملکت را بسازد . در زمانی که آنها بودند اگر کم کاری یا بیکاری بود ، خوب ، می گفتید که برای چه ما کار بکنیم اجنبی منافع ببرد . اما امروز که اینطور نیست ، امروز دست اجنبی کوتاه است الحمدلله ، دست این چپاولچی هائی هم که از داخل بودند ، اینها هم دستشان کوتاه است . امروز يك مملکتی است مال خودتان و همانطوری که هر نفری نسبت به عائله خودش موظف می داند اخلاقا خودش را ، شرعا خودش را به اینکه اداره کند آن زندگی داخلی خودش را و از روی اخلاص عمل می کند ، الان مملکت از خود شما شده است و به منزله عائله شما هست جمعیت مملکت ، باید با محبت و با اخلاص کار بکنید تا اینکه این آشفستگی انشاءالله ترمیم بشود .

و آن تحولی که در حال نهضت ، در آنوقتی که مشغول به انقلاب بودند و مشغول به اقدام بودند ، يك تحول روحی پیدا شده بود از برای همه قشرها که آن تحول خیلی اهمیت داشت و به نظر من آن تحول روحی که برای ملت حاصل شد از آن تحولی که ایجاد کردند و رژیم را بیرون کردند ، آن اهمیتش بیشتر است برای اینکه آن يك تحول معنوی بود ، مردم همه نسبت به هم محبت می کردند . از

قراری که به من کرارا اطلاع داده اند اینکه وقتی که آن اشخاص می آمدند توی خیابان تظاهر می کردند ، از خانه ها به آنها همراهی می شد و خود آنها ، کسی می گفت که من دیدم که يك ساندویج را وقتی که دست يك کسی می رسید تکه تکه می کرد و به رفقائی که ، به این اشخاصی که این بین بودند می داد ، يك حس تعاونی در مردم پیدا شده بود که این حسن تعاون مورد نظر خدا بود و خدای تبارك و تعالی به این ملت مرحمت فرمود که يك ملتی که دست خالی بود ، بر يك قدرتی که همه چیز داشت غلبه کرد . این نبود الا اینکه این ملت يك روح تعاون پیدا کرده بود ، يك ایمان پیدا کرده بود . این ایمان بود که شما را پیروز کرد . الان باید شما همین نهضت را حفظ کنید به اینکه هم اختلافات نباشد بین قشرهای مختلف که مع الاسف تازگی هی کم کم دارد يك اختلافاتی پیدا می شود و هم آن جهت اخلاصش ، جهت اسلامیش محفوظ باشد ، جهت ایمانش محفوظ باشد که با اخلاص و ایمان کار بکنید . همانطوری که با اخلاص و ایمان ، شما این سد را شکستید ، با اخلاص و ایمان جای او را پر کنید و سازندگی کنید و من امیدوارم که خدای تبارك و تعالی به همه شما سعادت عنایت کند و مملکتتان را يك مملکت مستقلی که هیچ کسی در آن تصرف نداشته باشد و نتواند تصرف بکند انشاءالله نصیب ما يك همچنین استقلالی بشود . خداوند همه شما را حفظ کند . موفق باشید انشاء الله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع هیأت شرکت کننده در سمینار محاسبات وزارت دارایی

درس عبرت از سرانجام فلاکت بار حکام ظلم و جور و غیر مردمی

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ و آنچه که به ملت ها می گذرد این باید عبرت باشد برای مردم ، از جمله تاریخ عصر حاضر ببینیم که چه شد که يك چنین قدرتی از بین رفت ، دولت ها ببینند که برای چه اینطور منهدم شد يك چنین قدرتی و اجزاء دولتی ، ادارات ببینند که چه شد قضیه و موجب عبرت همه باشد . هر دولتی که متکی بر ملت نباشد بلکه مقابل ملت بایستد ، این عاقبتش ، ولو يك قدری هم طولانی باشد ، عاقبتش به همین عاقبتی که این پدر و پسر منتهی شدند ، منتهی خواهد شد . رضاخان کاری کرد که بین ملت هیچ پایگاهی نداشت و من شاهد قضیه بودم که متفقین که به ایران رو آوردند و ایران را گرفتند و همه چیز ایرانی ها در معرض خطر بود ، وقتی که نتیجه این شد که رضاخان رفت شادی کردند ، مردم . من به این پسر نادانش گفتم که تو نکن کاری که همانطوری که پدرت رفت و شادی کردند برای رفتن تو هم شادی بکنند و نشنید و دیدید که برای رفتن این بیشتر شادی کردند و حق هم همین بود ، چرا؟ برای اینکه بین مردم پایگاه نداشت . اساس این بود که يك دولتی که خیانتکار است ، این نمی تواند با مردم بسازد و برای خیانتکاری که دارد و چپاولگری که می کند و وابستگی به بیگانگان که دارد ، این همیشه از خودش می ترسد . يك دولت همیشه نگران است که مبادا این خیانت ها که کرده است ، ملت جبران نکند و ملت تلافی کند . از این جهت اینها مجبورند به اینکه با ملت به فشار و ارباب عمل کنند و لهذا هر روز که می گذرد فشار آنها زیادتر می شود ، تفرق ملت هم از این طرف زیادتر . در این پنجاه و چند سال ، اینها هر روز فشارشان زیادتر شد و هر روز ملت از آنها تفرق زیاد شد تا رسید به آنجائی دیدید که تمام ملت ، نه يك قشر ، دو قشر ، همه ملت یکدفعه از او رو برگرداندند و چون هیچ بین مردم پایگاه نداشت نتوانست ، نه خودش توانست و نه قدرت های بزرگ توانستند او را نگه دارند . وقتی يك ملت يك چیزی را خواست ، نمی شود خلافتش را کسی عمل بکند و ملت ما همه با هم خواستند که رژیم طاغوتی نباشد و لهذا کوشش هایی که دولت های بزرگ و ابرقدرت ها هم کردند برای نگه داشتن او به جایی نرسید و نتوانستند نگهش دارند . این باید يك سرمشقی برای دولت ها باشد ، دولت هایی که در عالم هستند که ببینند که چه شد که يك چنین قدرت بزرگی که همه قدرت ها هم دنبالش بودند ، همه هم از او پشتیبانی می کردند ، نه فقط ابرقدرت های کوچکتر هم ، اینها هم از او پشتیبانی

می کردند و می شود گفت که همه قدرت های شیطانی جمع شده بودند با هم که این را حفظش کنند و نتوانستند . این باید يك سرمشقی باشد از برای دولت ها که وظیفه خودشان را بدانند . چه دولت هایی که بعدها در ایران تشکیل می شود و امید است که دولت اسلامی _ انسانی و چه دولت هایی که در خارج این مملکت هستند ، این باید يك سرمشقی برای آنها باشد که با ملت چه بکنند ، چه جور رفتار بکنند . اگر با ملت اینها رفتار خوب کرده بودند ، همه قدرت ها می خواستند اخراجش کنند نمی توانستند . اگر ملت پشتیبان او بود و مردم می خواستند او را ، فرض کنید که دولت های بزرگ می خواستند او را بیرونش کنند ، قدرت ملت او را نگاهش می داشت ، نمی توانستند کاری با او بکنند . چنانکه عکسش هم همین طور بود که همه خواستند باشد ، ملت گفت نه ، تمام شد . ملت ها و دولت ها باید با هم تفاهم داشته باشند یعنی دولت جوری باشد ، ارتش جوری باشد ، شهربانی جوری باشد ، ژاندارمری جوری باشد که مردم به آنها محبت داشته باشند ، احساس دوستی و محبت بکنند نه اینکه وقتی که شهربانی بیاید یا مامور شهربانی بیاید توی بازار ، مردم از او بترسند و از او تنفر داشته باشند چنانکه در این نقاط اینطور بود بلکه در طول سلطنت اینطور بوده است . در سلطنتی که (یعنی در حکومتی که ، سلطنت که نباید گفت) در حکومتی که در اسلام هست اینطور است که آن که راعس است با آن که در لشکر واقع شده است و در ارتش واقع شده است و آن که در ادارات واقع شده ، همه اینها با سایر ملت فرقی ندارند که از هم جدا باشند ، همین ملت هستند که یک مقداری از آنها ارتش شده و یک چند تا از آنها هم حکومت را اداره می کنند و اینها . و وقتی که رئیسشان بیاید توی جمعیت ، هیچ باکی از این ندارد که مردم با او چه می کنند ، هیچ ، برای اینکه با آنها خوبی کرده است ، وقتی خوبی کرد مردم هم با او خوب هستند . شما دیدید که یک روز نمی توانست ، یک ساعت نمی توانست محمدرضا بیاید توی مردم ، اگر می خواست از این خیابان عبور کند ، قبل از اینکه بیاید از این عبور کند آنطور که می گفتند تمام منازلی که در سر راه او بود کنترل می شد ، سازمان امنیت می فرستاد تمام اینجاها را می گرفتند و کنترل می کردند ، برای چه ؟ برای اینکه خوف این را داشتند که از اینجاها يك کسی سوء قصد بکند که حسن قصد اسمش بود اما يك حکومتی که برای مردم باشد ، مردم او را بخواهند این نمی ترسد از اینکه توی بازار مردم بیاید ، توی جمعیت بیاید و با آنها بنشیند صحبت کند ، هیچ از اینها باکی ندارد چنانکه صدر اسلام اینطور بوده است که آن که راعس هم بوده هم توی مسجد می آمده می نشسته و منبر می رفته و می نشسته و با مردم صحبت می کردند . بلی ، وقتی که بساط مثل معاویه شد ، آنوقت او هم دیگر نمی توانست ، او می آمد نماز ، اما برایش يك محافظهای درست کردند و درش را قفل می کردند که او توی آنجا نماز می خواند و مردم بیرون به او اقتدا می کردند و با او نماز می خواندند یعنی آنهایی که باید با او نماز بخوانند ، او نمی توانست بیاید توی صفوف بایستد ، او را قوای انتظامی می آوردند و می کردندش توی آن سوراخ و در آن را می بستند . آنجا در بسته نماز می خواند و بعد هم می آمدند در را باز می کردند و با قوای انتظامی می رفت ، برای اینکه پایگاه نداشت در بین مردم اما آن که حکومت عدل می کرد آن توی مردم بود و با هم بودند و _ عرض بکنم که _ رفاقت داشتند و نه خوف آنها از او

داشتند و نه آنها از او. چرا باید مردم از ارتش بترسند چرا باید مردم از قوای انتظامی بترسند؟ از ژاندارمری بترسند؟ از شهربانی بترسند؟ خوب، اینها بر حسب قاعده باید شهربانی باید شهر را حفظ کند، باید مردم او را اینطور ببینند که حافظ جانشان هست، نه دشمن جانشان. ارتش باید مملکت را حفظ کند نه اینکه مردم خیال کنند که این ارتش می خواهد با مردم چه بکند و می خواهد مردم را اذیت بکند. حکومت اسلامی که ما می خواهیم، یک چنین چیزی ما می خواهیم که آن کسی که در رءس است، او هم با مردم رفیق باشد و بنشیند و خودش را نگیرد، در بین مردم بنشیند با آنها صحبت بکند، هر کس حاجتی دارد به او بگوید، وقت داشته باشد با او صحبت بکند، آن هم که رئیس ارتش است و آن هم که رئیس شهربانی است و آن هم که رئیس ژاندارمری است، آن هم در بین مردم همانطور باشد، وارد بشود بین مردم، نه او از مردم وحشت کند، نه مردم از او وحشت بکنند، این باید دستور باشد برای همه حکومت ها و ملت ها. وقتی یک حکومت اینطور شد، ملت دنبالش است، ملت حافظش است همانطور که او حافظ ملت است، ملت هم حافظ او هستند و ما می خواهیم یک چنین چیزی پیدا بشود که ملت حافظ دولت به همه جهات باشد و دولت هم حافظ منافع ملت به همه جهات باشد. اگر یک چنین چیزی شد، یک مملکت آرامی است که هیچ کس هم نمی تواند در آن تصرف بکند. تا خیانت بزرگان نباشد، دولت های خارج نمی توانند تصرف بکنند. خیانت هست که اسباب این می شود که اینها راهشان را باز می کنند، مستشار می آورند نمی دانم کارشناس می آورند، از این بساطها درست می کنند. این خیانت است که راه آنها را باز می کنند. اگر یک دولت غیر خائن باشد، راه باز نمی شود بر آنها که بیایند منافع ما را ببرند و حالائی که مملکت رسیده به خودمان ببینیم که یک مملکت آشفته و از بین رفته و همه چیزش از بین رفته و باید همه با هم کمک کنند تا اینکه اصلاح بشود.

تکلیف بر کمک و همیاری اقشار برای آباد ساختن خرابی های مملکت

حالا- از این به بعد تکلیف همه ما چیست؟ تکلیف همه ما این است که همه کمک کنیم برای ساختن این مملکت، شما در هر جا که هستید کمک کنید، ما هم اگر کاری ازمان برآید کمک بکنیم، کشاورزها هم کمک بکنند، کارگرها هم کمک بکنند، همه کارمندا هم کمک بکنند، تا کمک همه نباشد نمی شود این خرابه را آبادش کرد، کمک لازم است. خیال نکنند یک کسی که من یک نفرم، من یک نفر چه از من بر می آید. هر یک نفری به اندازه یک نفر از او کار می آید به اندازه همان یک نفر مکلف است کارش را انجام بدهد. الان همه ما، همه قشرهای این ملت مکلفند که برای این مملکت کار بکنند تا اینکه با کار، این مملکت اداره بشود، درست بشود. مملکت مال خودتان است، خودتان برای خودتان دارید کار می کنید و انشاءالله من امیدوارم که همه ما به وظائفمان آشنا بشویم و شما که محللتان هم حساس است، انشاءالله وظائفتان را خوب عمل کنید و این کم کاری که گفته می شود در بین ادارات هست، انشاءالله نباشد بلکه گفته می شود گاهی بیکاری هست. امروز کم کاری مخالف با نهضت است، باید کار بکنیم همه مان، باید برای مملکتمان، برای کشورمان که از خودمان هست الان، الان کسی در

آن دخالت ندارد، البته در بین این مملکت اشخاصی الان هستند خائن، لکن رؤوسشان از بین رفت، آنهایی که سر بودند از بین رفتند، دیگر هم قابل عود نیست. این حرف هائی که می زنند که نمی دانم در سرحدات فلان آقا هست و فلان هست، اینها اصلا جرات نمی کنند يك مملکتی که مجاور اینجا هم باشد، باشند. اینها از این مملکت ها فرار کردند و آن دور دورها رفته اند. خیال نکنید اویسی می تواند در سرحدات اینجا باشد یا پالیزبان می تواند در سرحدات باشد. اینها از سرحدات اینجا همچو می ترسند که شیطان از بسم الله می ترسد. اینها فرار کردند پول ها را برداشتند رفتند آن طرف در آمریکا و آن دور دورها زندگی می کنند. این حرف ها را هیچ وقت خیال نکنید که واقع بشود. البته شلوغی می کنند، الان البته شلوغی ها هست، آن هم از يك دسته مفسدی که نمی خواهند این مملکت آباد بشود، می خواهند همیشه آشوب باشد تا استفاده نکنند، این هست. البته این هم انشاء الله با عمل خود شما جوان ها و خود شما ملت انشاء الله اصلاح خواهد شد. خداوند همه تان را حفظ کند و همه موفق باشیم و همه وظیفه شناس باشیم و هر کس در هر عملی می کند خوب انجام بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 243

بیانات امام خمینی در دیدار با خواهران دانشجوی دانشگاه دماوند

گروه بندی ها و مطرح شدن مسائل شخصی بعد از پیروزی نیم رس انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

لازمه هر انقلابی _ که شاید قابل اجتناب نباشد _ این است که بعد از پیروزی یا بعد از اعتقاد به پیروزی ، این مسائل شخصی پیش می آید . مادامی که در حال انقلاب هست يك ملتی (هر ملتی باشد) در حال انقلاب مسائل شخصی و مسائل گروهی پیششان مطرح نیست ، همه اجتماعا رو به مقصد می روند . چنانچه در انقلاب ایران ملاحظه کردید که همه قشرهای ملت مسائل شخصی و مسائل حزبی و گروهی خودشان را کنار گذاشته بودند و رو به يك مقصد می رفتند ، حتی آن گروه هائی که موافق با نهضت هم نبودند آنها هم سکوت می کردند ، طرح نمی کردند مخالفت را برای اینکه می دیدند مقابل ملت نمی توانند عرض وجود بکنند . لکن بعد از اینکه این پیروزی تا همین حد حاصل شد و مردم دریافتند که حریف را از میدان بیرون کرده اند ، آن هم يك همچو حریف قدرتمندی و ریشه داری که رژیم دو هزار و پانصد ساله بود ، بعد که مردم احساس پیروزی کردند مثل اینکه سی و پنج میلیون جمعیت را از زندان بیرون کرده باشند . اینها از اختناق و از زورها و چپاولگرها و اینها ، یکدفعه زدند بیرون و بعد از اینکه خودشان را پیروز دیدند ، این معنائی که لازمه انقلاب است در ایران هم حاصل شد و آن اینکه بعد از انقلاب توجه می شود به خواست های شخصی . در حال انقلاب اصلا صحبت مسکن هیچ مطرح نبود که مسکن کی دارد ، کی ندارد حتی آن زاغه نشین ها هم آنطوری که يك وقت نشان دادند ، آنها هم در مصاحبه گفت یکیشان که ما صبح که می شود همه مان با هم می رویم برای تظاهر . اصلا مطرح نبود که کسی مسکن دارد یا ندارد ، کسی فلان احتیاج را دارد ، فلانکس حقوقش کم است ، زیاد است ، این حرف ها اصلش در حال انقلاب مطرح نیست و در ایران هم دیدید که نبود . اما مع الاسف در ایران قبل از اینکه ما به پیروزی نهائی برسیم این پیروزی نیم رس اسباب این معنا شد که مردم ، گروه ها متوجه به مسائل شخصیه شدند و توجه به آن نابسامانی هائی که در رژیم گذشته باقی گذاشته بود و آن گرفتاری هائی که برای همه قشرها بود و از ارث همان رژیم سابق بود . این توجه يك جهت شد که مردم از آن وحدت کلمه و از آن توجه خاصی که همه با هم داشتند بیرون آمدند .

گروه بندی های مختلف منفعت طلبان به منظور ایجاد اختلاف و فعالیت های تخریبی

و يك جهت ديگر كه شايد در خصوص انقلاب ما بود، آن اين است كه آن گروه هائي كه با جمهوري اسلامي و با اسلام روي خوشي نداشتند، يا به حسب مكتب انحرافي شان مخالف بودند و يا ترس داشتند از اسلام و گمان هاي باطلی درباره اسلام می بردند، اين گروه ها هم شروع كردند عرض وجود كردن. اين عرض وجود اين گروه هاي بسيار فراوان كه در روزنامه ها تا صد تا (يك قدری هم بیشتر يا همان حدود صد تا) گفته می شود كه تا كنون گروه هاي مختلف تا اينقدر با اسماء مختلف پيدا شده است، اين گروه هاي مختلفی كه پيدا شده است به نظر آدم می آيد كه علاوه بر اينكه يك گروه هائي با اسلام مخالفند و يك گروه هائي هم از اسلام می ترسند ولو اينكه يك مكتب مخالفی ندارند، لكن از اسلام ترسيده اند و بی جهت هم ترسيده اند، لكن خوب ترسيده اند. علاوه بر اين يك دست هائي زير پرده در كار هست براي درست كردن اين گروه هاي مختلف و ايجاد اختلاف كردن كه الان در ايران اين عوامل هست. يكي احساس پيروزی كه دنبال احساس پيروزی برگشت به اين است كه حال، ما بعد از پيروزی می خواهيم ثمراتی داشته باشد و همچو گمان كردند كه فوراً تا پيروز شدند همه چيز درست می شود، يك مملكتی كه همه چيزش به باد رفته يك دفعه همه چيزش درست می شود. اين يك عامل بود يك عامل ديگر هم آن گروه بندی هائي كه شده است و دست هائي كه در كار است، آنهائي كه می خواهند منافع ماها را ببرند و خوف اين را دارند كه اگر اسلام تحقق پيدا بكنند و رژيم جمهوري اسلامي درست پا برجا بشود ديگر براي آنها جایی نيست، آنها شروع كردند به ايجاد اينطور گروه ها براي ايجاد اختلافات. دستجات مختلفی، چه باقيمانده آن رژيم سابق و تفاله آن و چه آن قدرت هاي بزرگی كه طمع به ايران دارند و باز هم نمی توانند دست بردارند و چه اين گروه هائي كه هر کدام براي مقصد خاص خودشان و خوف از اسلام يا مخالفت با اسلام درست شده اند، اينها همه اسباب اين شده است كه الان يك اختلافاتی در سطح كشور وجود دارد و دستجات مختلفی هم فعاليت هاي به قول خودشان سياسي دارند و يك دسته هائي هم هستند كه اينها فعاليت هاي تخریبی دارند كه خرابكاری می كنند. از اين جهت مسأله ای است كه بعد از هر انقلابی اجتناب ناپذير است و در ايران كه يكي از انقلاب هاست، به واسطه اين جهات مختلفه و شايد بعضی جهات ديگر، اين اختلافات پيش آمده است.

تكليف بر حفظ نهضت اسلامي و جاري نمودن احكام اسلام

تكليف همه ما، چه شما بانوان محترم و چه ساير ملت، همه، بانوان و برادران و خواهران و همه اين است كه در يك همچو مقطعی كه ما واقع شده ايم از تاريخ كه ما سر دوراهی الان واقع شده ايم، دوراهی يكي پيروزی نهائی، يكي خدای نخواستہ شكست و برگشت به حال هاي اول، تكليف همه ملت اين است كه همانطوري كه اين نهضت را با وحدت كلمه و وحدت مقصد كه همه مقصدشان اسلام بود، همه با هم فریاد اسلام می زدند، حالا هم همان را حفظ بكنند، اجتماعات خودشان را حفظ بكنند، مساجد را پر بكنند از جمعيت ها، جاهایی كه اجتماعات عمومي می شود، در جای اجتماعات عمومي

اجتماع بکنند و مطالب را، آن مطالبی که مقصدشان است و آن اینکه همه احکام اسلام در ایران جاری بشود، اینها را باز در نظر بگیرند. با این اجتماعات و با اینطور گرم نگه داشتن نهضت، این را گرم نگه دارند تا این مسائل بعدی که باید بگذرد و این حکومت انتقالی مبدل به يك حکومت مستقر بشود، مستقل بشود، مجلس شورا پیدا بشود، رئیس جمهور معلوم بشود تا اینکه بساط آن احزاب، آنهایی که مخالفت هایی با رژیم اسلامی دارند، آنها از بین بروند و انشاءالله مملکتان را خودتان اداره اش بکنید و خودتان مستقل، بدون اختناق استقلالش را حفظ بکنید و به پیش بروید.

البته ما برای آتیه هم احتیاج داریم به مسائلی. ما نباید همین، فرض این بکنیم که حالا ما يك جمهوری اسلامی پیدا کردیم (و انشاءالله همه جهاتش هم امید است که درست بشود) ما نباید قناعت به این بکنیم که در عصر خودمان جمهوری اسلامی محقق شده است، ما برای عصرهای بعد باید حالا فکر بکنیم یعنی ما همانطوری که خودمان مقاصدی داریم و روی آن مقاصد این نهضت را کردیم اعقاب ما هم همان مقاصد را دارند و آنها هم احتیاج دارند به اینکه اجتماع داشته باشند، بینش داشته باشند که بتوانند این چیزی را که شماها به دست آوردید، آنها نگهداری کنند و مملکتان تا آخر يك مملکت مستقل و يك مملکتی که از تحت فشار دیگران خارج شده است و مال خودمان باشد و خودمان اداره اش کنیم.

امیدوارم انشاءالله که خانم ها که تشریف آورده اند اینجا و خیلی هم در این مسائل سهیم و شریک هستند، در این نهضت سهیم هستند، شریک هستند بلکه باید گفت اینها پیشقدم هستند، باید گفت که مردها از اینها الهام گرفته اند در این نهضت، انشاءالله خداوند همه تان را تایید کند، موفق باشید، سعادت مند باشید و مملکت خودتان را خودتان اداره بکنید و بچه ها را خوب تربیت بکنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 11/4/58

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام آذری قمی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ احمد آذری دامت افاضاته

با توجه به وضع کنونی زندان های تهران و احتیاج به تسریع در کار رسیدگی به پرونده های متهمین ، بدین وسیله جنابعالی به دادستانی دادگاه انقلاب اسلامی تهران و حومه انتخاب و منصوب می شوید . امید آنکه پیرو این مأموریت اقدام به رسیدگی و تسریع کارها نموده و در هر حال احتیاط را مراعات نمائید . از خدای تعالی موفقیت آن جناب را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 247

بیانات امام خمینی در جمع بانوان اهواز

بسم الله الرحمن الرحيم

من می توانم بگویم که در زمان این پدر و پسر به بانوان ما بیشتر ظلم شد تا به سایر اقشار . شما شاید اکثرا یادتان نباشد که در زمان رضاشاه با بانوان چه کردند اینها ، چه مصیبت هائی به بار آوردند با اسم اینکه می خواهیم ایران را نظیر اروپا مثلا بکنیم ، ایران را متجدد بکنیم ، نصف از جمعیت ایران را می خواهیم در جامعه بیاوریم . با بانوان نمی دانید چه کردند ، اینها دو طایفه را در آنوقت از همه بیشتر بهشان ظلم کردند یکی بانوان بود که با این اسم آنقدر ظلم کردند و یکی هم روحانیون بود . این دو طایفه را شاید در زمان رضاشاه بیشتر از سایر مردم بهشان تعدی کردند .

بانوان را الزام کردند به اینکه در مجالس کذائی که داشتند حاضر بشوند . مردها با زن هایشان ، با دخترهایشان در آن مجلس های فاسد الزام داشتند که حاضر بشوند . حتی در قم ، در قم که مرکز روحانیت بود ، در قم هم این مسائل بود و در همه شهرستان ها . اینها نمی خواستند که به جمعیت ایران يك نیمی افزوده بشود ، برای اینکه اینها همه جمعیت ایران را می خواستند که نباشد آنطوری که باید باشند .

اینها نمی خواستند که بانوان را آزاد کنند ، برای اینکه مردها هم در زمان اینها آزاد نبودند . نه بانوان آزاد بودند نه مردها . آنها آزادی را در چیزهای دیگر می دیدند که در آن همه اش فساد بود . آزادی را در این می دیدند که زن ها با مردها توی دریا لخت بشوند و با هم شنا کنند ، در مراکز فحشا با هم مجتمع باشند و به قول خودشان آزادانه هر کاری می خواهند ، بکنند . اینها تربیت انسانی را از ایران بکلی از بین بردند و تربیت های غربی ، نه آنهم تربیت های صحیح غربی ، تربیت های فاسد غربی در بین ما رواج دادند . و در زمان این پسر شاید بیشتر معنویات از بین رفت . در زمان او ظلم شاید ظهورش ، ظاهرش بیشتر بود ، بانوان را بیشتر اذیت کردند ، سایر مردم را بیشتر اذیت کردند .

ولی در زمان اینها معنویات مملکت را بیشتر از بین بردند ، نگذاشتند که يك رشد فکری بکنند . با اسم تمدن و با اسم تمدن بزرگ این مملکت را به هدر دادند ، همه چیز این مملکت را و خصوصا نیروی انسانی را به هدر دادند و خیانتی که در این جهت به مملکت ما کردند بیشتر از خیانتی است که در اقتصاد کردند ، یا در ارتش کردند ، یا در فرهنگ کردند . نیروی انسانی ما را نگذاشتند رشد بکند ، فرهنگ را نگذاشتند ترقی بکند ، نگذاشتند که جوان های ما رشد پیدا بکنند . هر کاری کردند همه اش

بر خلاف مصلحت مملکت بود . حالا هم که رفته اند اینقدر قرض به بانک ها باقی گذاشته اند که دولت معلوم نیست بتواند از زیر این قرض ها بیرون برود . همه چیز مملکت ما را بردند و یک مملکت خرابی گذاشتند .

شما بانوان که در این نهضت شرکت داشتید و خداوند شما را حفظ کند ، از این به بعد هم در این نهضت شرکت کنید و این نهضت را به پیش ببرید و مهم شما این است که اولادها را خوب تربیت کنید ، بانوان را آنطور اینها می خواستند باشند که بچه هایشان از آنها جدا باشد ، بانوان را بکشند به ادارات ، نه برای اینکه اداره درست بشود ، یکی اینکه ادارات را فاسد بکنند ، یکی اینکه بچه ها را از دامن مادر جدا بکنند و بچه ها از اول که در دامن مادر نباشد عقده پیدا می کنند و اکثر مفسد از این عقده هائی است که بچه ها پیدا می کنند .

شما بچه های خودتان را خوب حفظ کنید ، بچه های خودتان را خوب تربیت کنید ، این بچه ها هستند که کشوری را نجات می دهند . در دامن شما اینها اسلامی بار بیایند ، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیایند ، با ایمان بار بیایند تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند . خداوند همه شما را انشاءالله سعادت مند کند و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در دیدار اعضای هیأت بحرینی و کرد و پاسداران قائمیه

دشمنان در صدد بد جلوه دادن نهضت اسلامی هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

از برکات این نهضت یکی این است که طوائف مختلفه را زیر يك سقف توی يك اطاق كوچك جمع کرده است، فارس و کرد و عرب و عجم، همه برادرها را در يك جا مجتمع کرده است تا مسائل و مطالبی که دارند بگویند و ما هم اگر عرائضی داریم به آنها عرض می کنیم .

آنچه که الان به نظر من اهمیت دارد و اهمیت حیاتی دارد یعنی حیات اسلام به آن بستگی دارد این است که از حالا به بعد ما چه بکنیم، تکلیف حالا را معین کنیم. آنچه که گذشت، گذشت و بحمدالله به خیر گذشت، ما چه بکنیم که از این به بعد هم به خیر بگذرد، به نفع اسلام بگذرد. آن که الان ما را تهدید می کند و موجب نگرانی است و نگرانش بیشتر از نگرانی ای است که سابق داشتیم راجع به مبارزه با طاغوت این است که الان يك قشرهایی هستند، يك اشخاصی در بین ملت هستند که اینها می خواهند این نهضت اسلامی را با اینکه اسلامی است بد نمایش بدهند، یعنی مکتب ما را يك طوری نمایش بدهند به دنیا که این مکتب اسلامی هم مثل همین مکاتب دیگر و مثل همین رژیم های فاسد دیگر است، منتها آنوقت قدرت دست يك طائفه ای بود و کارهای خلاف می کردند، حالا دست يك طائفه دیگر آمده ولی همان کارها را می کنند .

ما اگر چنانچه در این مبارزه که با طاغوت می کردیم و همه شما جوان های عزیز و همه طبقات ملت با هم مجتمع شدند و به پیش رفتند اگر در آن رژیم ما شکست می خوردیم، قتل عام می شدیم چیز مهمی نبود برای اینکه در راه حق بوده است و مکتب ما محفوظ بود و کوشش خودمان را آنقدری که می توانستیم کردیم منتها زورمان نرسید آنها غلبه کردند، چنانچه اولیاء حق هم بسیاریشان مغلوب شدند لکن مکتب محفوظ ماند. سیدالشهدا سلام الله علیه با همه اصحاب و عشیره اش قتل عام شدند، لکن مکتب شان را جلو بردند. شکست در مکتب نبود پیشروی بود، یعنی بنی امیه را تا ابد شکست داد، قتل سیدالشهدا، یعنی این اسلامی که بنی امیه می خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت بر خلاف موازین انسانی عمل بکند آن را، سیدالشهدا سلام الله علیه با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول شد. ما اگر در این رژیم سابق در این مبارزه شکست می خوردیم و آن مکتب مان محفوظ می ماند، دست نخورده می ماند و خودمان از بین می رفتیم خیلی اهمیت نداشت برای

اینکه سیدالشهدا هم کشته شد، امیرالمؤمنین هم در جنگ با معاویه شکست خورد.

امروز هر قدم کجی که برداشته شود به نام اسلام تمام می شود

اما حالا- سر يك دوراهی واقع شدیم این اهمیت دارد. این دوراهی این است که چه بکنیم که مکتب مان محفوظ باشد، و چه اعمالی مکتب ما را به باد می دهد، شما پاسدارهای عزیز محترم که علاقمند هستیم ما همه به شما، چه بکنید؟ چه اعمالی از شما صادر بشود که این اعمال در این رژیمی که الان رژیم اسلامی است، الان جمهوری اسلامی است، مملکت ما رژیمش الان با فرماندم، جمهوری اسلامی شده، اگر الان يك اعمالی بجا بیاوریم، ارتکاب يك کارهائی بکنیم که بر خلاف موازین شرعیه باشد، بر خلاف موازین عدالت باشد مثلاً فرض کنید که جوانی از ما بر خلاف موازین يك تعدی به غیر بکند، يك جوانی که به عنوان پاسبان اسلام است بریزد در خانه يك کسی و يك کار زشتی بکند، امروز این کار را دیگر پای این شخص حساب نمی کنند می گویند پاسبان، پاسدار اسلام هم اینطوری است، در رژیم سابق ساواکی ها این کارها را می کردند، در رژیم حالا هم پاسداران اسلام این کارها را می کنند. اگر به پای شخص حساب می شد و مکتب محفوظ می ماند و نسبت به اسلام نمی دادند اشکال خیلی نبود. آدم فاسد در عالم خیلی هست، آدم مخالف با موازین عمل کن زیاد است، اما اگر ما خودمان را پاسدار اسلام بدانیم ما که در لباس روحانیت هستیم، این صف و شما که پاسداران اسلام هستید و همه مان انشاءالله پاسداران اسلام باشیم، اگر امروز از ما از این طبقه و از شما و این طبقه و از آقایان و آن طبقه اگر امروز يك خلافی صادر بشود، این اشخاصی که با قلم های زهرآلود چشم ها را دوخته اند که يك چیزی پیدا بکنند برایش، یکی را هزار تا اضافه بکنند و به اسلام نسبت می دهند نه به شما نه به من، اگر يك کاری يك وقتی من کردم می گفتند خمینی يك آدم مخالف با عقل و اسلام است، این اشکالی نداشت، خوب، خیلی اشخاص مخالف بودند یکی اش هم من، اما اگر من حالا يك کاری بکنم و بگویند که رژیم اسلام اینطوری است، یا آقا خدای نخواستہ يك کاری بکنند که نسبت داده بشود به اینکه این حکومت اسلام هم همین است، اینهائی که نشسته اند و الان در داخل و خارج چشم ها را دوخته اند که يك مناقشه ای بکنند، يك چیزی از شما، از من، از آقا ببینند، از روحانیون، از پاسداران، از کمیته ها، از دادگاه انقلاب، از حکومت _ عرض می کنم که _ ملی، از همه اینها يك چیزی ببینند یکی را هزار می کنند، آنهم پای من و آقا حساب نمی کنند، پای اسلام حساب می کنند. امروز مکتب ما در خطر است و آنوقت که رژیم بود، مکتب مان سر جایش بود، خودمان در خطر بودیم. اگر در زمان طاغوت ما با آنها مبارزه می کردیم و ما را می کشتند اشکال نداشت شکست خورده بودیم و اگر در زمان طاغوت از يك معمم يك چیزی صادر می شد، نمی گفتند اسلام، می گفتند این ساواکی هست، به اسلام نسبت نمی دادند. الان اگر از پاسدارهای اسلام، چه شما که پاسدارید و چه ما که پاسداریم يك مطلبی صادر بشود، این اشخاصی که در صددند که تخطئه کنند مکتب ما را، اسلام را تخطئه کنند، اینها قلم ها را بر می دارند اینجا به کنایه و در خارج به صراحت می نویسند و مکتب

ما يك وقت در دنيا شكست می خورد . شكست مكتب مصيبت بزرگ است . امروز مسؤوليت طبقه روحانی ، مسؤوليت پاسدارهای اسلام ، مسؤوليت حكومت است ، رئيس الوزراء اسلام ، نخست وزير اسلام ، مسؤوليت امروز مثل سابق نیست ، امروز مسؤوليت زياد است . مسؤوليت اين است كه اگر يك كاری ما بكنيم ، روحانی خدای نخواستہ يك كاری بكنند ، در كميتہ ها يك كاری بشود ، در دادگاه های انقلابی يك كار خلافی بشود ، پاسدارهای انقلاب يك كاری بكنند ، مردم يك كاری بكنند ، بازار يك بازار غير اسلامي باشد ، آنهایی كه برای مناقشہ نشستہ اند و چشم هایشان را دوخته اند به ما ، آنها برای ما يك كاری می كنند كه اصل مكتب ما شكست بخورد ، یعنی تا ابد اسلام دفن بشود . مصيبت اين است و الا مصيبت كشته شده كه مصيبتی نیست ، خوب ، جوان های ما كشته شدند ، در راه اسلام كشته شدند ، شهيد شدند ، (هنیالهم) ، اما كشته شدن ، دفن شدن مكتب اهميت دارد ، اين را حفظش كنيد ای برادرهای پاسدار من ! ای عزيزان ما! مبدا از شما يك مطلبی صادر بشود كه قلم ها برداشته بشود و نوشته بشود كه اسلام اينجوری هست ، اينها مثل ساواکی هايند . ای آقایان روحانيون ! مبدا از روحانيون يك وقتی ، حالائی كه يك قدرتی پيدا شده است يك چند نفر تفنگدار دور خودشان جمع كنند و يك كاری بكنند كه اسلام را لكه دار بكنند .

امروز اگر از يك روحانی يك مطلبی صادر بشود كه بر خلاف موازين باشد ، آنهایی كه بايد ما را لكه دار كنند می گویند اينها هم ، آخوندها ، الان ديكتاتوری كفش و عمامه است . بهانه دست مردم ندهيد ، اسلام ديكتاتوری نیست ، آن كه ديكتاتور است مسلم نیست ، روحانيت ديكتاتور نیست ، آن كه ديكتاتور است روحانی نیست ، لكن قلم برداشته می شود و نوشته می شود اينها همان ها هستند ، آنوقت ساواك بود ، حالا پاسدار هست . نكند خدای نخواستہ يك وقت يك چیزی از شما صادر بشود ، از ما صادر بشود ، از روحانيون صادر بشود ، از كميتہ ها صادر بشود . اينها هم الان اجزاء مملكت اسلام است . ما ادعا داريم كه يك مملكت اسلامي حالا داريم . الان اينهایی كه به اسم دادگاه اسلام و كميتہ اسلام عرض می كنم پاسداران اسلام و روحانيون اسلام الان ديگر آنطور نیست كه مثل رژيم سابق باشد كه اگر شما يك كاری می كرديد به شما نسبت بدهند ، اگر من يك كاری می كردم به من نسبت بدهند الان يك وضعی داريم كه اگر خدای نخواستہ يك قدم كجی برداريم اين را به اسم اسلام تمام می كنند .

كاری نكنيم كه امام زمان (سلام الله عليه) پيش خدا خجالت بكشد

اين راجع به دشمن های ما ، و اما اولياء خدا و خداوند تبارك و تعالی مراقب ما هستند . ما رقيب داريم ، خدای تبارك و تعالی رقيب ما هست ، ملائكة الله رقيب ما هستند یعنی پاسداری از ما می كنند ، مبدا يك وقتی نامه عمل شما برود پيش امام زمان سلام الله عليه و آنجا گفته بشود به امام زمان كه اين پاسدارهای شما ، و ايشان سرشكسته بشوند ، آقا مساءله مهم است . قضيه ، قضيه كشت و كشتار نیست ، قيام و نهضت ما ، نهضت يك رژيم طاغوتي نیست ، قيام و نهضت ما يك نهضت انسانی است ، يك

نهضت اسلامی است، ما به کتاب و سنت می خواهیم عمل بکنیم، شما به کتاب و سنت باید عمل بکنید. اگر يك وقت نامه عمل يك روحانی را بردند و به امام زمان سلام الله عليه دادند و آن ملائكة اللّهی که بردند دادند گفتند که این هم روحانی شماست، اینها پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد نعوذ بالله، او علاقه دارد به شما. شما ببینید اگر این آقا خودشان خیلی منزّه است از پسرشان يك چیزی صادر بشود خودشان سرافکنده می شوند، اگر از خادم شان يك چیزی صادر بشود خودشان سرافکنده می شوند. ما همه خادم هستیم، از ما توقع هست، از شما توقع هست.

حکومتی که مردم حامی اش باشند، سقوط نمی کند

امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمالتان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را اینطور حساب نکنید. رژیم های سابق مردم را از خودشان جدا می دانستند. آنها در يك طرف بودند، مردم هم در يك طرف بودند. آنها مردم را می کوبیدند، مردم هم آنها را اگر می توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردمید، از همین جمعیتید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجه بشوند، کاری بکنید که مردم محبت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان يك حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر يك ملت پشتیبان يك رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت اینکه رژیم سابق از بین رفت برای اینکه پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می کردند با اینکه در خطر بودند، جانشان در خطر بود، لشکر غیر بود، لشکر اجنبی بود، لشکرهای اجنبی بودند ریختند به ایران ولی چون رضاخان را بردند، مردم خوشحالی می کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم این مردم هم که رفت که دیدید که چه شادیا کردند برای اینکه پشتیبان نداشتند کاری نکنید که مردم بگویند که یکااش نبود این پاسدار، کاری نکنیم که مردم بگویند یکااش روحانیتی در کار نبود. مسأله مهم است. قضیه این نیست که من ساقط باشم، قضیه این نیست آقا ساقط باشند، قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز اینطوری است وضع ما، همه انشاءالله با هم متوجه به اسلام و وظائف.

نگذارید عملی از شما صادر بشود که اجر شما از بین برود

پاسداری و وظائف پاسداری شغل بسیار شریف و بسیار پر مسؤولیت است. شما تا صبح بیدارید و از این مردم پاسداری می کنید و برای خداست و در خطر هم هستید. چه چیزی بالاتر از این، لکن کاری بکنید که مقبول درگاه خدا باشید این زحمت های شما خدای نخواست هدر نرود و آن این است که به وظائف پاسداری عمل بکنید و این است که خودتان پاسدار خودتان هم باشید. این جنود

ابلیسی که به باطن انسان هجوم می‌کنند، پاسداری کنید نگذارید، ردشان کنید، طردشان کنید، نگذارید که وسوسه بکنند شیاطین و خدای نخواستہ یک عملی از شما صادر بشود که اجر شما را از بین ببرد. شما خیلی اجر دارید پیش خدا، نگذارید این از بین برود.

در اسلام همه میزان، تقواست

و من امیدوارم که همه طبقات این ملت در تحت لوای اسلام با رفاه، با سلامت، با سعادت، با سعادت، همه با سعادت باشند. اگر اسلام بیاید، در اسلام این حرف‌ها نیست که این سفید است آن سیاه است، آن کرد است و آن لر است، آن روحانی است و آن چی، تقوا میزان است، اسلام اگر آمد انسان باید از خودش فقط بترسد، نه از حکومت می‌ترسد، نه از ارتش اسلامی کسی می‌ترسد، نه از ژاندارمری اش می‌ترسد، نه از پاسبانش می‌ترسد، نه از پاسداریش می‌ترسد، هر کسی باید از خودش بترسد که اعمالش مبادا بد باشد. و من امیدوارم اسلام به آنطوری که ما می‌خواهیم به آنطوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در ایران پیاده بشود و همه اقشار بدون اینکه فرقی باشد ما بین مرزنشین و ما بین مرکز نشین، بین فارس و کرد، بین عرب و عجم، بین کرد و غیر کرد، هیچ فرقی در اسلام نیست و همه به حقوق خودشان می‌رسند. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه را می‌خواهم و خداوند همه را حفظ کند، غلبه بدهد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته

ص: 254

بیانات امام خمینی در جمع جامعه ورزشکاران باستانی مشهد

بسم الله الرحمن الرحيم

از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم که ظهور ولی عصر سلام الله علیه را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن. ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور انشاءالله تهیه بشود.

من از شما جوان‌ها، از شما ورزشکارها که از آستان قدس آمید تشکر می‌کنم و به دوستان اسلام و مسلمین و دوستان ولی عصر سلام الله علیه و ورزشکاران آستان قدس عرض می‌کنم که همانطوری که با ورزش قوت جسمانی خودتان را تقویت می‌کنید، قوای روحانیتان را هم تهیه و تقویت کنید. همانطوری که کوشش می‌کنید که جسمتان قوی باشد، کوشش کنید که روحتان قوی باشد. آن قوت روح و قوت ایمان بود که شما را غلبه داد بر جنود شیطان و بر طاغوت و باید آن قوت ایمان و قوت باطنی، شما را غلبه بدهد بر جنود شیطان که در باطن انسان، انسان را می‌خواهد اغواء کند. اصلاح کنید حال خودتان را، همانطوری که تقویت می‌کنید جسم خودتان را.

شما که در جوار امام (علیه السلام) هستید و به حرم آن حضرت مشرف می‌شوید، وظیفه شما شاید از دیگران که دورند بیشتر باشد. شما خدمتگزار نزدیک هستید، از نزدیکان هستید و نزدیکان امام (علیه السلام)، باید همانطوری که جسم و مکانا نزدیک هستید، روحا و مکانتا هم نزدیک باشید. باید ببینید که ائمه ما (علیه السلام) در راه اسلام چه فداکاری‌ها کردند و هر چه داشتند در راه اسلام تقدیم کردند، ما هم باید اگر شیعه آنها هستیم، اگر تابع آنها هستیم، در راه اسلام هر چه داریم بدهیم. اسلام عزیزتر از هر چیزی است و چون عزیزتر از هر چیزی است، نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه ما هر چه داشتند در راه او دادند. خداوند انشاءالله همه ما را توفیق بدهد به اینکه این وحدت کلمه ای که موجب عزت اسلام شد از دست ندهیم. این وحدت کلمه، این قدرت ایمان، توجه به اسلام، شما را به پیروزی تا اینجا رساند. از این به بعد هم با همین قدرت پیش بروید، با همین قوه اسلامی، با همین وحدت کلمه. توجه به گرفتاری‌های دنیوی خودتان کمتر بکنید، توجه به اسلام داشته باشید، توجه به گرفتاری‌هایی که اسلام الان هم دارد از دست

این قشرهائی که نمی خواهند بگذارند جمهوری اسلامی تحقق پیدا کند، کوشش ها می کنند که جمهوری اسلامی نباشد، شما باید کوشش بکنید در مقابل همه کوشش های آنها و همانطوری که با کوشش شما، همه قدرت ها در هم پیچیده شد و نتوانستند این قدرت شیطانی را نگاه دارند، با قدرت و قوه و قدرت اسلامی شما، قوه ایمانی شما انشاءالله از این به بعد هم این راه را ما برویم و آنهایی که باید تعیین بشوند برای رسیدگی به قانون اساسی که اساس مملکت ماست و اساس اسلام است، آن اشخاص صحیح، اشخاص متدین، اشخاص متعهد، اشخاصی که علمای بلادتان تعیین می کنند، همه به آنها رای بدهید تا انشاءالله يك قانون اساسی پسند اسلام درست بشود و گرفتاری ها انشاءالله رفع بشود. من از خدای تبارك و تعالی قدرت جسمی و روحی شما را خواستارم و همین طور قدرت روحی و جسمی همه ملت را و قدرت روحی و جسمی رفقای که در آستان قدس دارید و ورزشکارهائی که در آنجا هستند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 256

بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از جوانان اصفهان

امروز طرح مسائل تفرقه آمیز خلاف مصالح اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز روز این بحث ها نیست و دنبال کردن این حرف که چه کسی بد است و چه کسی خوب است خلاف اسلام است و خلاف مصالح اسلامی. این جزء نقشهای از خارج است که نگذارند این مملکت آرام گیرد، نگذارند شما يك مملکت اسلامی درست کنید. این نقشهای است که از خارج اشخاصی شیطان الهام می کنند به اشخاص متدین و آنها هم بی توجه دنبال می کنند. و شما مردم را آماده کنید که امروز روزی نیست که ما مسجدمان را صرف این بکنیم که زید بهتر است یا عمرو، مسیرتان، کارتتان و منیرتان، بازارتان همه دنبال این باشد. الان باید همه روی این جمع شویم که این قانون اساسی درست از کار در بیاید و اشخاصی را که تهیه می کنید برای بررسی قانون اساسی، اشخاص صحیح باشند، مسلمان و متدین باشند، شرقی و غربی نباشند، امین باشند. امروز وقت تان را صرف این بکنید، صرف اینکه زید خوب است یا نیست نکنید. خوب باشد پیش خدا خوب است بد باشد پیش خدا بد است، به شما چکار؟ این مگر یکی از ارکان اسلام است که زید خوب است یا عمرو! امروز سر ولایت حضرت امیر (علیه السلام) هم نباید دعوا کرد. امروز باید همه با هم مجتمع شوید و جمهوری اسلامی را به آخر برسانیم.

اینها همه روی نقشه است. نقشه کشیدند که نگذارند این نهضت به ثمر برسد و لذا از همه طرف خرابکاری می کنند. يك خرابکاریشان همین است که نگذارند جوان های ما صحیح بار بیایند و حالا که باید از نیروی جوانی استفاده بشود، نگذارند این نیروی جوانی به ثمر برسد. بنابراین باید از همه جوانب جلوگیری بشود، هر دسته ای باید يك گوشه اش را بگیرد و درست کند. يك دسته مبارزه با مواد مخدر بکنند، يك دسته با مشروبات مبارزه بکنند، يك دسته هم با فسادهای دیگر مبارزه کنند و همین طور تا انشاءالله این نهضت به ثمر برسد و دولت اسلامی آنطوری که اسلام فرموده است، نه آنطوری که هوای نفس بخواد، عمل بکند که اگر اسلام تحقق پیدا کند، این سعادت است برای ملت و سایر ملت ها. من توفیق شما را در این مجاهدت از خدا می خواهم. البته هر کس هم می تواند به شما کمک کند، کمک به امر خیری کرده است. خداوند همه شما را موفق کند.

والسلام عیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران اسلامی منطقه 12 تهران

پاسداری از مکتب اسلام با عمل به قوانین و مقررات آن

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما برادران و جوانان عزیز تشکر می‌کنم که در این مدت پاسداری کردید و حفظ امنیت را شما کردید و از خدای تبارک و تعالی سعادت و سلامت و عزت شما را خواستارم. لکن نکته‌های را باید عرض کنم که به سایر پاسدارها هم که با من ملاقات کرده اند گفته ام و او این است که امروز چشم هائی به شما دوخته شده است، به مملکت شما، چشم دشمن‌ها و چشم‌های گستاخ. دشمن‌ها می‌خواهند بهانه پیدا کنند و این انقلاب را آلوده کنند. يك وقت هست که يك شخص به عنوان اینکه يك شخص است، يك خلاف می‌کند این خلاف البته صحیح نیست لکن این اسباب این نمی‌شود که يك نهضت آلوده بشود، يك شخص است. يك وقت هست که يك شخصی که منتسب به نهضت است، از نهضت است، مثل شماها که پاسدار نهضت هستید و نگهبان جمهوری اسلامی هستید اگر خدای نخواست از بعضی از شما يك مطلبی صادر بشود، يك عملی انجام بگیرد که این عمل موافق با اسلام نباشد، موجب این بشود که این چشم‌ها که دوخته شده است که اشکال بکند، آنوقت اشکالشان را متوجه به شخص این آدم نکنند که این شخص يك همچو کاری کرده است، اشکال را متوجه بکنند به اسلام و جمهوری اسلامی و نهضت اسلامی که نهضت اسلامی را يك جوری دیگری غیر از آنچه باید باشد نمایش بدهند. این مسؤلیت‌ش خیلی زیاد است، مسؤلیت اصل کار، همه دارند اگر خلاف بکنند، اما يك مسؤلیت‌های شخصی است که بین خودش و خدا تمام می‌شود وقتی توبه بکند، اما يك مسؤلیتی است که يك نهضت، اسلام، اینها بسته به آن دارد. اگر چنانچه یکی از شماها امروز که در لباس شریف پاسداری هستید، مثلاً با مردم رفتارش يك رفتاری باشد که مثل رفتاری که سابق اجزاء ساواک مثلاً خدای نخواست داشته، امروز نمی‌گویند که این آقا این کار را کرد، آنهائی که دشمن هستند می‌گویند که خوب ما دیدیم که اینها هم آمدند روی کار و جمهوری اسلامی هم شد و جمهوری اسلامی هم که همان کارهائی که ساواکی‌ها می‌کردند می‌کنند. به جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند، به اسلام نسبت می‌دهند. این مسؤلیت خیلی مسؤلیت بزرگی است که الان به گردن همه ما هست، یعنی من همین مسؤلیت را دارم، شما هم همین مسؤلیت را دارید. ما باید پاسدار اسلام باشیم که پاسداری از ملت است، يك پاسداری از بازار مسلمان‌ها و خانه مسلمان‌ها و از اشخاصی که

می خواهند شلوغ بکنند و از اینها پاسداری می شود که اینها شلوغکارها را نگذارند شلوغ کنند، دزدها را نگذارند چه بشود، خیانت ها را بگیرند. این يك قسم پاسداری است. يك پاسداری هم پاسداری از مکتب اسلام است. این مهم است که پاسداری ماها بکنیم از مکتب اسلام، از جمهوری اسلامی. پاسداری از جمهوری اسلامی، مکتب اسلام این است که ما اعمالمان همانطوری که اسلام مقرر فرموده است باشد. اگر اعمال پاسدارهای جمهوری اسلامی همان اعمال اسلام باشد، موافق رضای خدا باشد، با بندگان خدا رفتارش رفتار برادرانه باشد، حتی آنهایی هم که معصیت کار هستند، پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) همانطوری که برای مؤمنین رحمت و دلسوز بود، برای کفار هم بود، دلسوز بود برای کفار یعنی متاثر می شد که این کفار به کفر خودشان باقی باشند و منتهی به آتش جهنم بشوند، برای آنها دلسوزی می کرد، دعوتش برای این بود که نجات بدهد این اشخاص کافر را، آن اشخاص عاصی را. خدای تبارک و تعالی خطاب می فرماید که: (مثل اینکه می خواهی خودت را بکشی برای اینها که اینها ایمان نیاورده اند) همچو متاثر بود که اینها چرا ایمان نمی آورند، اینها چرا نجات پیدا نمی کنند. وقتی يك دستهای را در يك جنگی در تاریخ هست که بسته بودند آنها را و می آوردند از کفار، می فرمود که ما اینها را باید با زنجیر وارد بهشت کنیم، حالا باید با اینطور بیاوریم و هدایتشان بکنیم. نور هدایت بود، همانطوری که با مؤمنین سر صلح و صفا داشت، با دیگران هم داشت، مگر آنهایی که يك غده سرطانی بودند که باید کنده بشوند، از جامعه باید کنار بروند.

پاسداری از هواهای نفسانی و رفتار دلسوزانه با مردم از اهم تکالیف است.

شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید (یعنی انقلاب اسلامی) همانطوری که از انقلاب پاسداری می کنید، تکلیف بالاترین است که از اسلام پاسداری بکنید و آن به این است که از خودتان پاسداری کنید، از هواهای نفسانی خودتان، از شهوات خودتان، از میل هائی که میل هائی است که در هر انسان هست و میل شیطانی است، از اینها پاسداری بکنید به طوری که وقتی که شما پاسدارها را مردم می بینند و یا آن چشم هائی که می خواهند يك اشکالی بکنند ببینند، ببینند که شما مردمی هستید که سلامت هستید، در عین حالی که قدرت دارید، در عین حالی که با اشخاصی که فاسدند قدرتمندی هم نشان می دهید لکن با مردم رحیم هستید، با مردم رفیق هستید. رژیم سابق و رژیم های شیطان، اینهایی که مردم را به داغ می کشند، داغ می کردند ملت را، اذیت می کردند، ارباب می کردند با هر طوری بود مردم را می خواستند از خودشان بترسانند، این نکته اثر این بود که خودشان خیانتکار بودند و از مردم می ترسیدند و هر چه زیادت ارباب می کردند، دلیل بر این بود که زیادت می ترسند، برای حفظ خودشان چاره نمی دیدند الا اینکه مردم را اذیت کنند و ارباب کنند که مردم بترسند از این ولهدا نمی توانستند اینها چهره خودشان رادر جامعه نشان بدهند. این محمد رضا يك وقت توی جامعه نتوانست بیاید، هر وقت اینها می خواستند عبور بکنند از يك خیابانی، این خیابان قرق می شد، اجزاء سازمان امنیت تحت نظر می گرفتند همه خانه های مشرف به خیابان را، همه جا قرق می کردند و

تحت نظر می گرفتند و آنها هم که هیاهو می کردند از خودشان بودند نه مردم، مردم که برای اینها هیاهو نمی کردند. تا همچونمی شد و همه چیز کنترل نمی شد و تحت نظر و مراقبت قرار نمی گرفت، این جرات نمی کرد از این خیابان عبور کند، چرا؟ برای اینکه مردم با او خوب نبودند، او از هر فردی می ترسید مبادا يك وقتی يك مثلاً تفنگی به او بزنند. يك سنگی به او بزنند می ترسیدند از مردم. ژاندارمری ما و عرض بکنم که ارتش ما و شهربانی ما همه آنها وضعیتشان اینطوری بود که با مردم از باب اینکه نبودند، مردم را ارباب می کردند برای اینکه کلاه خودشان را حفظ کنند. اسلام اینطور نیست، اسلام سردارهایش هم توی مردم هستند. پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، خوب سردار همه بود، بزرگ همه بود توی مردم بود، با مردم می آمد می نشست، توی مسجد می نشست مثل سایر مردم. حضرت امیر (سلام الله علیه) آنوقت که حکومت يك مملکتی بود که چندین مقابل ایران بود، مصر بود، حجاز بود عراق بود، ایران بود، سوریه بود عرض کنم یمن بود، همه اینها تحت سیطره او بود، مثل سایر مردم می آمد با مردم می نشست، معاشرت می کرد برای اینکه از مردم نمی ترسید، ظلم نکرده بود به مردم تا بترسد، خلافی نکرده بود که از مردم بترسد، برای مردم بود، مردم او را حامی خودشان می دانستند. مردم شما را باید حامی خودشان بدانند. شما جووری رفتار کنید که مردم شما را تشخیص بدهند که يك برادرهای دلسوزی هستید برای آنها و برای حمایت آنها شما شب ها بیدار هستید و شب ها کشته می دهید. اگر خدای نخواسته يك جوانی در بین شما پیدا شد (از باب اینکه جوان است گاهی بی توجه به مسائل است) يك وقت خواست يك کاری بکند که کج رفتاری باشد، با مردم يك خشونت می خواهد به دست بدهد، حالا که يك تفنگی دارد، روی مردم مثلاً چه بکند نصیحتش کنید به اینکه اسلام است، دیگر قضیه، قضیه رژیم طاغوت نیست که سربازش با مردم دعوا بکند، سربازش برادر مردم است و برای مردم است. وقتی اینطور شد مردم هم برای شما می شوند. محبت متقابل است، وقتی شما محبت به مردم کردید مردم به شما محبت می کردند. آن روزی که ارتش ایران شمشیر کشیده بود دنبال مردم، مردم هم با تمام قوا با آنها می جنگیدند. آن روزی که ارتش آمد توی مردم و با مردم چیز کرد، گل سرش می ریختند، محبت متقابل است.

تأکید بر حفظ حیثیت اسلام و جلوگیری از بهانه جوئی دشمنان

الان يك وقتی است که ما احتیاج به این داریم که همه مان رفتارمان، گفتارمان، اعمالمان يك طوری باشد که این دشمن های ما به ما اشکال نکنند که اینها هم همانند، آنروز نمی توانستند، حالا می توانند، آن روز چون آب نبود شنا نمی کردند، حالا آب هست، حالا وقتی که آب هست شناگر قابلی هم هستند. نباید اینطور بشود، ما باید حفظ کنیم خودمان را، حفظ کنیم حیثیت اسلام را، حفظ کنیم حیثیت جمهوری اسلامی را و حفظ کنیم بازار و خیابان و اینها. اینها اهمیتش کمتر از آن حفظهائی است که عرض کردم، آنها بسیار مهم است و من دعاگوی همه شما هستم، و خدمتگزار همه شما هستم و از خدای تبارك و تعالی سعادت و سلامت، عزت، قدرت شما را می خواهم و انشاءالله امیدوارم که با

همین قدرت پیش بروید و با همین قدرت نهضت را پیش ببرید و اسلام آنطوری که دلخواه همه است تحقق پیدا بکند و همه مان انشاءالله مملکت خودمان را، خودمان اداره بکنیم و دست دیگران مقطوع از آن باشد و اسلام به آن طوری که هست و به آن طوری که مکتب مترقی است در خارج انشاءالله با کمک همه و قدرت شما برادران برومند انشاءالله تحقق پیدا بکند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 261

بیانات امام خمینی در جمع بانوان سواحل جنوب

تحول همه جانبه فکری و روحی را خداوند نصیب ملت کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

این از برکات نهضت است که شما بانوان ساحل را و سایر بانوان محترم ایران را در مسائل روز و در مسائل سیاسی وارد کرده است دست های جنایتکار که مظهرش دست محمدرضا و پدر او بود همه قشرهای ملت را از امور اجتماعی و سیاسی کنار گذاشته بود. مسائل سیاسی در پیش بانوان اصلا مطرح نبود و پیش برادرها هم مطرح نبود، یا اگر بعضی مطرح می کردند روی همان جریان سیاست چپاولگری بود. اگر بعضی قشرهای به اصطلاح سیاسی هم در آنوقت در مسائل سیاسی وارد می شده اند، آن سیاست های دیکته کرده از غرب برای چپاول کردن شرق بود. این تحول که در ایران پیدا شد تحول همه جانبه بود، تحول فکری و تحول روحی که خدای تبارک و تعالی نصیب شما ملت کرد. در این زمان که می بینیم گوینده شما بانوان ساحلی، سخنگوی شما بانوان ساحلی مسائلی را که مطرح می کند مسائل روز است، مسائل سیاسی روز است، مسائل اجتماعی روز است، همانطور که بانوان دیگر در مراکز و در سایر جاهای ایران مسائلی را که مطرح می کنند مسائل روز و مسائل سیاسی و اجتماعی است، که این تحول به برکت این نهضت اسلامی پیدا شده. من امیدوارم که این تحول باقی بماند. و شما بانوان و شما برادران و سایر برادران و خواهران ما جدیت کنند و این تحول روحی را حفظ کنید و در مسائل سیاسی خودتان، در مسائل اجتماعی خودتان دخالت کنید.

این نهضت شما را از قید و بندها نجات داد

در رژیم سابق، به اسم اینکه نیمی از جمعیت را در مسائل وارد بکنند همه جمعیت را از مسائل روز و از مسائل زندگی و از مسائل سیاسی کنار گذاشتند. امروز است که همه قشرها در مسائل خودشان و در مسائل کشورشان و در مسائل سیاسی دولت دخالت می کنند. امروز است که تمام ملت، چه بانوان محترم و چه برادران در سرنوشت خودشان دخالت می کنند. آنها مدعی بودند که ما نیمی از جمعیت را آزاد کردیم، با اسم آزادی نیمی از جمعیت، تمام جمعیت را از آزادی محروم کردند. شما امروز آزاد هستید، همه برادران و خواهران امروز آزادند و آزادانه از دولت انتقاد می کنند، از هر چیزی که برخلاف مسیر ملت و اسلام باشد انتقاد می کنند، مسائل اساسی را از دولت تقاضا می کنند. این

نهضت شما را آزاد کرد و از آن بندهائی که بر ملت بود نجات داد . اگر آزادانه در اینجا مجتمع هستید و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را طرح می کنید ، و وظایف سنگین که در این برهه از تاریخ به عهده یکایک افراد ملت است .

تأکید بر ادامه نهضت و انتخاب وکلای متدین و مطلع

تأکید می کنم شما موظفید که نهضت را به همانطور که تا اینجا رساندید تا آخر برسانید و در انتخاب وکلای که خبره هستند و می خواهند مطالعه قانون اساسی که سرنوشت ملت است بکنند ، انتخاب اشخاص متدین ، اشخاص مطلع و متعهد و عقیده مند به نهضت اشخاصی که نه مایل به طرف شرق هستند و نه مایل به طرف غرب بلکه در صراط مستقیم انسانیت و اسلام هستند ، آنها را انتخاب کنید . سرنوشت خودتان را به اشخاص امین بدهید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 263

بیانات امام خمینی در جمع مسؤولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور

واقعیت هر رژیمی از اجزاء آن رژیم معلوم می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

ما تحت مراقبت هستیم . همانطور که شما پاسداران عزیز و همه پاسداران این ملت مراقبت می کنند از کشور ، دست هائی به دنبال این هستند که دست هائی که می خواهند با توطئه های شیطانی این نهضت را خاموش کنند یا سست کنند ، شماها مراقبت دارید تا اینکه جلوگیری بکنید ، چشم هائی هم هست که از شما مراقبت می کند ، چه چشم های دشمنان و چه چشم های دوستانان و چه مراقبت های ملائکه الله و چه مراقبت خدای تبارک و تعالی . همه تحت مراقبت هستید . همانطوری که شما مراقبت می کنید از خرابکارها ، تحت مراقبت هستید که مبادا خرابکاری بکنید . امروز غیر از دیروز است . دیروز که کشور ما طاغوتی بود ، اگر افراد يك خلافي می کردند در دولت طاغوت بود ، جرم سبکتر بود و افراد عادی اگر خلاف بکنند خلاف است لکن جرم سبکتر است . امروز از دو جهت خلاف ها سنگین تر است و خطاها بزرگتر . از يك جهت که مملکت جمهوری اسلامی است و چشم آنان دوخته شده است به این جمهوری اسلامی . دشمنان دارند مراقبت می کنند دارند توجه می کنند ، ما را تحت مراقبت قرار داده اند که ببینند این جمهوری اسلامی چیست ، واقعیت این جمهوری اسلامی چیست . واقعیت هر رژیمی و هر حکومتی ، از اجزاء آن رژیم و اجزاء آن حکومت و اعمال آنها این واقعیت پیدا می شود و معلوم می شود . اگر چنانچه امروز که ما جمهوری اسلامی ادعا می کنیم که هست ، رژیم فاسد بحمدالله که رفت و حالا به حسب رایی که همه دادید به جمهوری اسلامی ، جمهوری اسلامی مستقر شد ، اگر از مردم عادی هم خطائی صادر بشود جرمش زیاده تر است از دیروز . دیروز در حکومت طاغوت بود ، امروز در حکومت حزب الله است . در حکومت پیغمبر اکرم اگر چنانچه کسی خلاف بکنند فرق دارد تا اینکه در حکومت طاغوت خلاف بکند . از این جهت همه ملت تحت مراقبت هستند ، هم چشم های دشمن ها دوخته شده است که از شماها ، از ماها ، از اجزاء این ملت ، از افراد این ملت که اینها راءى دادند که حکومت اسلام ، جمهوری اسلامی ، مناقشه کنند ، خرده گیری کنند . خرده گیری ، نه خرده گیری شخصی به افراد که بگویند فلان اینطور بود ، مناقشه به اینکه جمهوری اسلامی این است . آنها مراقب این مطلب هستند . آنهائی که با جمهوری اسلامی مخالفند کم نیستند ، در مسلمین هم زیادند . حکومت های طاغوتی که الان در بلاد مسلمین هست بسیاری از آنها ، آنها هم با حکومت

جمهوری اسلامی مخالفند. در صورتی که اکثر افراد خارجی هائی هستند که به اسلام اعتقاد ندارند، آنها هم اکثرشان، البته خیلی هاشان اسلام را محترم می دارند یعنی بسیاری شان حکومت هاشان مخالفند با اسلامی و جمهوری اسلامی. در داخل هم ما زیاد داریم اینطور. همین الان در داخل هم بسیار هست از اینهایی که با جمهوری اسلامی مخالفند. با جمهوری مخالف نیستند با جمهوری اسلامی اش مخالفند. اینها همه چشم هایشان را دوخته اند که از ما يك خطائی بینند یکی را هزار تا کنند، در نوشته هاشان، در مجله هاشان در روزنامه هاشان خارج، داخل يك مطلب جزئی را بزرگش کنند. این اشخاص دشمن با ما هستند که با قلم های زهر آلودشان می خواهند این نهضت را آلوده کنند، ننگین کنند، به عالم نمایش بدهند که اسلام هم همین است حالائی که اسلامی شده است و اینها ادعا می کردند که حکومت اسلامی يك حکومت عدالت است، دولت اسلام دولت عادل است، پاسبان اسلام يك پاسبان عادل است. اگر خدای نخواستہ يك اشتباه و خطائی بکنیم اینطور نیست که يك شخص اشتباه کرده، يك شخص خطا کرده، پای شخص اینها حساب نمی کنند، اینها که می خواهند مکتب ما را آلوده کنند پای مکتب حساب می کنند یعنی بی انصافی می کنند. شخص اگر يك کاری کرد به مکتب مربوط نیست لکن آنها دنبال اینند که گناه شخص را پای مکتب بگذارند. بنابراین از من تا آقا، تا همه اقشار ملت الان پاسداری از اسلام به این معنا که همچو پاسداری بکنند که بهانه دست این اشخاصی که بهانه گیر هستند و جرم من و جرم شما را پای مکتب حساب می کنند، يك همچو بهانه های دست اینها ندهید، از خودمان پاسداری کنیم، بدانیم که ما تحت مراقبت دشمن هستیم، تحت مراقبت دوست هستیم، تحت مراقبت اولیاء خدا هستیم، تحت مراقبت خدا هستیم.

همه ملت اسلام، پاسدار اسلامند

عالم محضر خداست، الان ما در محضر خدا هستیم، خدا همه جا هست، حضور دارد. اگر خلافی بکنیم در حضور خدا خلاف کردیم، در محضر خدا خلاف کردیم. و با ادعا به اینکه جمهوری اسلامی است و الان هم رژیم، رژیم جمهوری اسلامی است، اگر خدای نخواستہ به وظائفی که باید پاسدار عمل کند عمل نکنیم، من هم پاسدارم آقا هم پاسدار است و شما همه، همه ملت اسلام پاسدار اسلامند (کلکم راع و کلکم مسؤول) همه باید رعایت بکنند، همه مسؤول هستند. اگر بنا باشد که خدای نخواستہ در يك قطعه از زمان که حساسترین قطعات زمان است بر کشور ما و بر اسلام، اگر خدای نخواستہ از پاسدار، چه پاسدار روحانی که آنها هم همه پاسدارند (روحانیون) و چه شما آقایان که پاسدار هستید، اگر از این دو قشر پاسدار اشتباه و خطائی واقع بشود، اینهایی که دشمنند پای اسلام حساب می کنند، دوستان نه، دشمن ها پای اسلام حساب می کنند و مکتب ما را می کوبند. و این يك مسؤولیت بزرگی است برای همه

اینطور نیست که من خیال کنم یا شما خیال کنید که خوب معصیت کارم و بینی و بین الله مثلا چه. نه مساءله این نیست مساءله مکتب است، مساءله اسلام است. الان ما در يك وقتی واقع شدیم که حیثیت

اسلام دست ماهاست . اگر ما در رژیم سابق يك اشتباه و خطائی می کردیم پای اسلام حساب نمی شد این يك رژیم طاغوتی بود ، نمی گفتند که دولت اسلامی کذا ، می گفتند در دولت طاغوت این واقع شده است . دشمنان هم نمی گفتند که دولت اسلامی ، در اسلام این است . دولت ها هم نمی گفتند . امروز که اسلام است امروز که دولت اسلامی است ، مملکت رژیمش جمهوری اسلامی است ، شماها پاسدار اسلام ، همه ما انشاءالله پاسدار اسلام هستیم ، اگر چنانچه حالا يك خطائی واقع بشود فرم این خطا با خطای سابق فرق دارد ، برداشت دشمن های ما در این جمهوری اسلامی با برداشت شان در رژیم طاغوتی فرق دارد پای اسلام حساب می شود . این يك مسؤولیت بزرگی است به عهده ما ، مسؤولیت بسیار بزرگی است به عهده این آقا که سر پرست پاسداران هست ، این مسؤولیت بزرگی است به عهده هر يك ، يك شما که عده ای در تحت نظارت شما هست ، مسؤولیتی است برای خود آن افرادی که پاسدار هستند ، همه در این مسأله مشترك هستیم که مسؤولیت داریم . من يك جور مسؤولیت دارم ، آقا يك جور مسؤولیت دارد ، شما آقایان يك جور مسؤولیت دارید ، قشرهای ملت ، پاسدارهای دیگر ، قشرهای دیگر همه مسؤولیت داریم برای اینکه امروز خطای ما خصوصا خطای قشر روحانی و قشر پاسدار ، قشر پاسدارهای اسلام ، اینها پای اسلام حساب می شود یعنی دشمن ما می آیند تبتش می کنند به نام اسلام و در خارج و داخل ، در خارج با صراحت ، در داخل با اشاره منعکس می کنند که جمهوری اسلامی همین است . حالا که ما هیچ کاری نکردیم ، معممین دیکتاتوری نکردند ، خوب حالا دارند به ما می گویند دیکتاتور . معممین متوجه باشند که اشخاص می خواهند برای شما مناقشه کنند . اگر خدای نخواستہ در يك جا يك معممی يك خلافی بکند ، يك روزی خدای نخواستہ به کسی زور بگویند ، می گویند همه آخوندها دیکتاتور هستند همه دیکتاتورند ، از آنوقت تا حالا دیکتاتوری محمد رضا بود ، حالا دیکتاتوری عمامه و کفش است . اینها دنبال اینند که درست کنند و ما باید مراقبت کنیم . این مراقبت يك مراقبتی که شما از زدها می کنید ، خیانتکارها می کنید ، این مراقبت بالاتر است . این مراقبت يك مراقبتی است که اساس اسلام در خطر است ، مکتب در خطر است . اگر فرض کنید که توطئه ها جمع بشود خدای نخواستہ (همه توطئه هائی که می گویند هست ولو باور نکنید که اساسی دارد ، لکن خوب شایعات است) شما اگر فرض کنید که توطئه ها همه با هم جمع بشود و شما پاسدارها و این آقا و این بنده و همه را ببیند از بین ببرند اما مکتب مان محفوظ باشد ، ما شکست نخوردیم ، ما به وظیفه مان عمل کردیم ، نتوانستیم مطلب را به آخر برسانیم چون قدرت نداشتیم . حضرت امیر صلوات الله علیه نتوانست در جنگ معاویه غلبه کند ، مغلوب شد یعنی همان اشخاصی که با خودش بودند ، همان اشخاص مخالفت کردند با او و مغلوبش کردند ، لکن مکتبش محفوظ بود . سیدالشهدا مکتبش محفوظ بود و خودش شهید شد . شهادت گاهی مکتب را پیش می برد و شاید اکثرا اینطور باشد . خدا نکند که يك وقت شهادت مکتب پیش بیاید ، اسلام را لکه دار کنند ، جمهوری اسلامی را بگویند این رژیم مثل همان رژیمی ، برای اینکه ما باید از افرادش ، از اشخاصی که تبع او هستند بشناسیم و ما وقتی که اطراف و افرادش را ملاحظه می کنیم می بینیم اینها از همان سنخ کارها می کنند ،

اینها هم منزل مردم می ریزند. بحق هم باشد نباید کرد، در صورتی که بحق هم باشد، نباید يك کاری کرد که صورت، صورت باطل است، ولو واقع حق است، بعضی به او صورت باطل می دهند. تحت مراقبت هستیم و هستیم. این مراقبت از دشمن که دنبال اینند که ما را معرفی کنند به دنیا که اینها اینطور هستند. شما ملاحظه کردید که يك عده معدود جنایتکاری که اگر وجودش محفوظ می ماند، مثل يك غده سرطانی جامعه را فاسد می کرد، این عده معدود را شما ملاحظه کردید که وقتی که دادگاه اسلامی اینها را حکم به اعدام کرد و اعدام کرد سروصدا از اطراف بلند شد و ما را به عنوان هیتلر خواندند. قضیه را می دانند، لکن دنبال اینند که يك چیزی از ما پیدا بکنند و یکی را هزار تا بکنند.

کاری نکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده شود

و ما باید مراقب باشیم. این مراقبت دشمن ها و مراقبت اولیاء خدا و دوستان شما که آنها هم انشاءالله دوستان شما هستند شما هم دوستان آنها هستید و مراقبت ذات مقدس حق تعالی از همه مان، همه تحت مراقبت هستیم. پاسدارهای معنوی ملائکه الله به همه ما اشراف دارند که ما چه می کنیم، در این پاسداری ما چه می کنیم در این آزادی که الان پیدا شده، این قدرتی که الان به دست شماها افتاده است. الان شما قدرتمند شده اید دیگر. بیشتر آنها قدرتمند بودند چه کردند و چه کردند، حالا ببینید که الان که قدرت دست شما افتاده است و شما بحمد الله غنائم جنگی را گرفتید، تفنگ ها را از دست آنها گرفتید و دست خودتان است و الحمدالله پاسداری هم دارید می کنید و امید است که انشاءالله تا آخر بروید، حالا ببینید که تحت مراقبت هستید. نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان سلام الله علیه هفتهای دو دفعه (به حسب روایت) من می ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم اگر نامه اعمال را ببیند و می بیند تحت مراقبت خداست نعوذ بالله شرمنده بشود. شما اگر يك فرزندان خلاف بکند شما شرمنده می شوید اگر این نوکر شما خلاف بکند شما شرمنده اید در جامعه آدم شرمنده می شود که پسرش این کار را کرده یا نوکرش این را کرد یا اتباعش این کار را کرده من خوف دارم که کاری بکنیم که امام زمان سلام الله علیه پیش خدا شرمنده بشود. اینها شیعه تو هستند این کار را می کنند. نکند يك وقت خدای نخواستہ يك کاری از ما صادر بشود که وقتی نوشته برود، نوشته هائی که ملائکه الله مراقب ما هستند، رقیب هستند، هر انسانی رقیب دارد و مراقبت می شود، ذره هائی که بر قلب های شما می گذرد رقیب دارد، چشم ما رقیب دارد، گوش ما رقیب دارد زبان ما رقیب دارد، قلب ما رقیب دارد. کسانی که مراقبت می کنند اینها را، نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه يك وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه باشد. مراقبت کنید از خودتان، پاسداری کنید از خودتان. اگر بخواهید این پاسداری شما، در دفتری که پاسداران صدر اسلام در او ثبت است در آن دفاتر ثبت بشود، همانطور که آنها پاسداری می کردند از خودشان، شما هم از خودتان پاسداری کنید تا ثبت بشود آنجا.

متاع بزرگمان اسلام را آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم

خدای تبارک و تعالی شما را انشاءالله از پاسداران اسلام، قرآن و احکام خدا قرار بدهد و همه ملت را پاسدار قرار بدهد. خدای تبارک و تعالی به شما سعادت عنایت کند و شما را پاسدار خودتان قرار بدهد. خدای تبارک و تعالی همه شما را عزت سلامت و عظمت و قدرت دهد که این مملکت را همانطور که تا حالا به پیش را ندید و دست های خائنین را قطع کردید از این به بعد هم به پیش برانید و این تتمه ها را از بین ببرید. يك مملکت اسلامی که ما بتوانیم عرضه کنیم که ما این را می خواستیم و اگر شما متاعتان را آنطوری که هست عرضه کنید همه از شما می پذیرند. متاع خوب را همه می پذیرند و متاع ما خوب است، مگر خودمان خرابش بکنیم. متاع، قرآن است، اسلام است. اگر خدای نخواست ما يك تصرفی از پیش خودمان نکنیم، يك کارهای خلافی نکنیم و متاع بزرگمان آنطوری که هست به عالم عرضه کنیم که این جمهوری اسلامی بود که ما می خواستیم، این وزارتخانه های ماست که اسلام می خواهد، این ارتش ماست، این ژاندارمری ماست، این پاسبان شهربانی ماست، این ادارات و سایر قشرهای ما هستند، این پاسدارهای ما هستند، این را اگر ما عرضه کنیم، آنطوری که خدا می خواهد باشیم و عرضه کنیم به عالم، يك متاع بسیار خوب است، همه طالبش هستند و انشاءالله خواهید دید که ممالک اسلامی یکی پس از دیگری به شما اقتداء می کنند و يك وقت هم اسلام آن قدرتی که در صدر اسلام برای اسلام بود، آن قدرت را پیدا می کند که دو امپراطوری بزرگ عالم را که آنوقت از آنها بالاتر نبود شکست داد. يك جمعیت که غلبه کرد بر دو امپراطوری بزرگ عالم، که امیدوارم شما همین طور. خداوند انشاءالله همه تان را تائید کند، این برادر عزیز ما را تائید کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد

لزوم جلوگیری از خرید و فروش مواد مخدر و مبارزه با مطلق فساد

بسم الله الرحمن الرحيم

اصل قضیه مبارزه با فساد مطلقاً و با این قسم از فساد که اعتیاد باشد، هیچ اشکالی ندارد و مطلبی است که باید بشود و باید هم دولت و اشخاصی که می‌توانند کمک کنند که این فساد برداشته شود، در این هیچ اشکالی نیست و هر عقلی و هر عاقلی این معنا را تصدیق دارد که با اینطور فسادها که جوان‌های ما را به نیستی تقریباً می‌کشاند باید مبارزه بشود و آنهایی که معتاد هستند باید آنها را در مراکز، از اعتیاد بیرون بیاورند و بالاتر، جلوگیری از فروش و خرید و پخش اینگونه مواد بسیار لازم است، از نظر شرع، این کار هم باید بشود. من حالا کیفیت اینکه چه جور است و وضعیتش چه جور است اینها را دیگر من الان اطلاعی ندارم، اگر آقایان مثلاً یک برنامه‌های دارند و آن برنامه موافق با مصالح است و موافق با همین قضیه است که برای جلوگیری از اعتیاد و برای اینکه معتادین را معالجه بکنند، بسیار امر صحیحی است و لازم است. البته فساد در این مملکت هم منحصر به اعتیاد نیست، به اعتیاد و اینطور فسادها دامن زدند، زیاد کردند، اصل برنامه این بوده است که جوان‌ها را به فساد بکشند. اینها برای اینکه مبادا یک قدرتی یک وقتی در مقابلشان قیام کند، هر جا که احتمال قدرتی می‌دادند آن را با تمام قوا سرکوب کردند. احتمال می‌دادند که روحانیت جلوی آنها را بگیرد، زمان رضاخان هر که یادش است می‌داند که با روحانیت چه کردند و بعدش هم به آن طرز نبود، به طرز شیطنت‌گری بدتری در زمان این یکی بود. دانشگاه را احتمال می‌دادند که یک وقتی در مقابل اینها بایستید، دانشگاه را هم با طرح‌هایی نگذاشتند که دانشگاه صحیح برای این مملکت باشد مردم را احتمال می‌دادند که اگر اتکا بکنند به اسلام یا اتکا کنند به روحانیت بلکه بتوانند بدین بکنند به اصل همه مکتب توحیدی و اسلامی. از این جهت تبلیغات دامنه‌داری که باید گفت چند ساله طوری کرده بود که جوان‌های ما اشخاصی که درست، به عمق مسائل سیاسی نمی‌رسیدند، اینها هم باورش‌شان آمده بود که اسلام یا هر مکتب توحیدی بر خلاف مسیر ملت هاست و جلوگیری از رشد انسانی می‌کند، جلوگیری از تمدن می‌کند. اگر یادتان باشد در زمان محمدرضا و در اوائل این نهضت یک وقتی در یکی از کلامش گفت که این معممین، روحانیون می‌خواهند که مملکت برگردد به حال سابق، حتی کسی

سوار اتومبیل هم نشود، سوار طیاره هم نشود، اینها با این هم مخالفند، اینها می خواهند مثل همان سابق مثلا با الاغ این طرف و آن طرف بروند. همان وقتی که بعضی مراجع با طیاره رفته بودند به مشهد، همان وقت هم ایشان همین حرف را می زد که ما هم بالای منبر گفتیم همین حرفی که این می زند الان بعضی مراجع با طیاره رفتند مشهد، چطور این حرف را می زند؟ روحانیت با فساد مخالف است نه با تمدن. این رژیم بود که به اسم تمدن فساد را رایج کرد، مراکز فحشا در تهران آنطوری که می گویند بیشتر از مراکز کتابفروشی بود، مشروب - فروشی از کتابفروشی می گویند در تهران زیادتر بوده، حالا البته انشاءالله نیست.

آن کسی که در سرحدات شلوغ کاری می کند و آن کسی که هروئین را در مملکت رواج می دهد هر دو طبق يك نقشه برای شکست این نهضت عمل می کنند.

اینها می خواستند که هر قوه ای که احتمال بدهند که در مقابل اجانب و ارباب ها می ایستد و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست، اگر بتوانند فکر را از آنها بگیرند. فکر را چطور بگیرند؟ با اعتیاد به مشروبات، با اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می گیرد، انسان را از میان تهی می کند و مراکز فحشائی که سرتاسر مملکت بود، مراکز فسادی که سرتاسر مملکت بوده، خوب، این هم جوان ها را مشغول می کرد به امور شهوانی که بکلی افکار را از دستشان می گرفت. این يك برنامه ای بود که روی يك حساب دقیق این کارها انجام می گرفت. و الان روی يك حساب دقیق دارد يك کار دیگر انجام می گیرد. شماگمان نکنید که، همین طوری الان صد تا گروه پیدا شده، صد تا گروه اظهار وجود کرده، صد تا بیشتر می گویند اظهار وجود کرده اند، این همین طوری نیست صد گروه در يك مملکتی اظهار وجود کنند، یعنی صد گروه با هم اختلاف پیدا بکنند، یعنی صد گروه با اسلام مخالف باشند، بیشترشان، این همین طوری نیست که من باب اتفاق هر گروهی دلشان خواسته، خیر، يك دستی در کار است که یا اینها دانسته هستند که خیانتکارند چنانچه بسیاریشان اینطورند یا ملتفت نیستند و توجه به مسائل سیاسی ندارند. در يك موقعی که همه قدرت ها جمع شد با هم و ملت را با هم منسجم کرد، الان که وقت این است که نتیجه گرفته بشود و سازندگی بشود، در این موقع آمدند گروه های مختلف، دستجات مختلف، احزاب مختلف، هر کسی يك طرفی يك گروه درست کرد، بسیاریشان در مقابل نهضت و در مقابل اسلام و بسیاریشان هم اسم این را نمی برند لکن واقعه همین طور است. اینها يك مسائلی است که حساب کردند رویش خارجی ها، حساب کردند رویش آلهائی که مطالعه کردند در افکار و در عادات ما، در جمعیت های ما. آنها از هر راهی می خواهند نگذارند که این نهضت به ثمر برسد و تا بتوانند از این شلوغکاری شلوغکاری هایی که در مرزها و در جاهای دیگر می شود، نتیجه بگیرند. الان يك جمعیتی آمده اند اینجا که خرمن های مارآتش زدند و یامشغول آتش زدن خرمن هستند. فرض کنید که يك دستهای هستند که اینهایی که آتش می زنند خرمن ها را، اولاً نمی گذاشتند کشت بکنند، بعد نمی گذاشتند برداشت

بکنند ، حالا هم که خرمن کردند ، آتش می زنند و این همان گروهی هستند که می گویند ما طرفدار مردم هستیم ، طرفدار خلق . طرفداری از خلق را به اینطور می دانند که نگذارند زراعت کنند ، بعد هم نگذارند اینها زراعت شان را بردارند ، بعد هم اگر خرمن کردند خرمن ها را آتش بزنند . این طرفداری آنهاست که مثل تمدن بزرگ شاه است . طرفداری آنها این است که این ملت را بخواهند ضعیف نگاه دارند این ملت را بخواهند فقیر نگه دارند ، این ملت را مختلف و متشتت قرار بدهند تا اینها مشغول به این کار هستند ، آنها بیایند قبضه بکنند همه چیز ما را . به هر حال از چیزهای مهمی که در این باب بوده همین قضیه موادمخدر بود که با حساب ، مواد مخدره می آید نه این است که يك قاچاقچی این کار را می کند یا قاچاقچی هائی ، خیر ، اینها حساب دارد ، اینها روی حساب فهمیدند دانشگاه را باید چطوری نگذارند عمل بکنند ، مدارس علمی را باید چه جوری نگذارند کار بکنند عرض کنم که جوان ها را چه جوری باید نگذارند که مفید برای جامعه باشند و نگذارند رشد بکنند و يك قسمش هم همین است که با اعتیاد ، با هرئین و با تریاک و امثال ذالك این کارها را رواج بدهند . اینها يك مسائل حساب شده است ، شما اینها را پای چهار تا قاچاقچی حساب نکنید ، این قاچاقچی های بزرگ این کارها را می کنند ، این دست های خارجی دارد این کارها را می کند ، اینطور نیست که این مفسده هائی که الان در ایران دارد می شود مثلاً شما این را پای يك جمعیتی حساب بکنید که شلوغکار هستند . نخیر ، این روی حساب صحیح دقیق ، پیش خودشان حساب شده است . باید این مملکت که بناست اسلامی بشود و اگر انشاءالله اسلامی بشود ، دست اینها دیگر تا آخر کوتاه است ، نه به نفتش می توانند دست بزنند ، نه به مس اش و نه به سایر چیزهایش . اینها می خواهند که نگذارند این نهضت به آخر برسد . تا می توانستند همه جمع شدند که نگذارند محمدرضا برود ، همه قوا جمع شدند که نگذارند او برود . خوب ، نشد ، ملت قیام کردند و نشد ، بعد که او رفت جمع شده بودند که بختیار را نگه دارند که آن هم تالی اوست ، او هم یکی از نوکرهاست . بعد که آن هم ملت خارجش کرد و این چیزها کوشش می کردند که باشد ، بعد از اینکه يك عده ای حتی اشخاص محترم هم کوشش کردند به اینکه بماند ، خود او بعدش کوشش کرد به اینکه بختیار باشد و بعد از کوشش به اینکه این چیز یا شورای سلطنتی باشد و ما انتخابات را درست کنیم . اینها همه يك چیزهائی است که می تریق می کردند که يك اشخاص بی اطلاعی از آنها قبول می کردند و طرح می دادند . ملت قبول نکرد این حرف را از آنها ، همه اینها را زد کنار . حالا که همه زدند کنار و از آن جهت هم مایوس هستند و بعد آمدند سراغ انتخابات ، انتخابات را منع می کردند ، يك دسته تحریم می کردند ، بعضی ها تحریم کردند قضیه فرماندم را ، بعضی ها تحریم کردند فرماندم را و بعضی ها آتش زدند ، گروهی آتش زدند صندوق ها را ، باسلاح نگذاشتند مردم رأی بدهند ، خوب ، اینجا هم شکست خوردند و مردم رأی دادند ، رأیی که در دنیا سابقه نداشت ، اکثریتی که در دنیا سابقه نداشت . دادند اینها . از این هم دستشان کوتاه شد ، بعد آمد سراغ قانون اساسی . باز بنا کردند يك کارشکنی کردن که نه ، باید مجلس مؤسسان باشد اگر مجلس مؤسسان نباشد چه و چه خواهد شد ، برای اینکه نگذارند جلو برود از این هم دستشان کوتاه شده ، حالا افتادند

دنبال همین که همین هیئت هم نگذارند درست بشود، آنطور چیزها. اینها، اصلاً تمام اینها يك نقشه های حساب شده است، نه آن کسی در سرحدات و اینها به اسم مثلاً کمونیستی و به اسم نمی دانم کذا شلوغکاری می کنند، اینطور است که دست خودشان است که آمده اند می کنند، نه اینکه هروئین و رواج هروئین در سرتاسر مملکت يك چیز همین طوری شده و من باب اتفاق شده است، نه، اینها همه روی نقشه است، نقشه کشیده اند اینها که نگذارند این نهضت به ثمر برسد، چه بکنند. از همه اطراف خرابکاری. یکی از خرابکاری هایشان همین است که جوان ها را نگذارند يك جوان صحیح بار بیاید و اگر يك نهضتی بشود، از این نیروی جوانی باید استفاده بشود، نگذارند این نیروی جوانی به ثمر برسد. بنابراین، خوب مسأله ای است که همه جوانب باید جلوگیری بشود و البته همه جوانب را هم همه کس نمی تواند، هر دستهای باید يك گوشه اش را بگیرند و درست بکنند. يك دسته مبارزه با مواد مخدره بکنند، يك دسته مبارزه با مشروبات بکنند، يك دسته مبارزه _ عرض بکنم _ با فسادهای دیگر بکنند و همین طور تا انشاءالله بلکه این نهضت به ثمر برسد و دولت اسلامی آنطوری که اسلام فرموده است نه آنطوری که هواهای نفسانی بخواهد بکند. آئی که اسلام فرموده است اگر انشاءالله این تحقق پیدا بکند، سعادت برای این ملت و سایر ملت ها، انشاءالله کشیده می شود به سایر ملت ها، انشاءالله.

و من توفیق شما را در این مجاهدت از خدا می خواهم و البته هرکس هم بتواند کمک بکند به شما، کمک به امر خیری است لکن اصل حالا تشکیلات تان چه جور است و وضع چه جور است، اینها را دیگر من اطلاعی ندارم. آن کلیات را من عرض کردم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و عشایر استان فارس و کهکیلویه

فقر و محرومیت موجود در جامعه، میراثی بر جای مانده از رژیم منفور پهلوی

بسم الله الرحمن الرحيم

اشکال حالا- این است که هر طایفه‌های گمان می‌کنند که همان محروم بودند و از همه آثار تمدن بی بهره، در صورتی که مسأله اختصاص به عشایر شما ندارد، این مسأله عمومی است که در همه ایران هست. اینطور نیست که فقط شما محروم هستید از این مدرسه و راه و سایر جهاتی که مربوط به زندگی است. همین تهران که مرکز است، شاید قریب (آنطوری که به من صورت داده اند) سی تا محله است که اینها همه چیزهایی که برای زندگی يك فرد سالم هست، محرومند، آب ندارند، برق ندارند، بهداشتی ندارند. تهران، نه اینکه اطراف تهران خود شهر، خود شهر تهران از این زاغه نشین‌ها، چادر نشین‌ها تقریباً (از قراری که گفته می‌شود) حدود قریب سی محله از اینها مرکب هست که در اثر به اصطلاح اصلاحات ارضی اینها کوچ کرده اند و آمده اند در اطراف شهر، در خود شهر، در اطراف شهر چادر زده اند و يك جایی کنده اند و آنجاها يك زندگی می‌کنند که زندگی آنها بسیار بدتر از زندگی عشایر است. خیال نکنید که جاهای دیگر در رفاه هستند و شما نه، مسأله این بوده است که يك مملکتی را به آن عنایت نشده که هیچ، مثل این است که يك دشمنی، يك مملکتی را بخواهد سلطه به آن پیدا بکند و مردم را از زندگی باز دارد و اشکال دیگر این است که آقایان گمان می‌کنند که اینطور اموری که از سابق بوده، از حالا که این مسائل نیست، مسأله نداشتن برق و نداشتن آب و نداشتن راه و نداشتن بهداشتی و نداشتن همه چیز، اینها از اموری است که در رژیم سابق بوده است و حالا از رژیم سابق ارث رسیده، حالا چند ماه است که الان انقلاب هست و توی انقلاب ما هستیم. الان چهار ماه و نیم است که اینها رفته اند، این دزدها رفته اند و هر چه هم ایران داشته برداشته اند و رفته اند، هر چه می‌توانستند حمل کرده اند و هر چه نمی‌توانستند قرض کرده اند از بانک‌ها و بانک‌ها را چاپیده اند و رفته اند و الان هم مانده است گردن دولت که باید مال بانک‌ها را بدهد. ما حالا قریب پنج ماه است که از دست این چپاولگرها نجات پیدا کرده ایم و يك مملکتی به دست دولت آمده است، به دست ملت آمده است که هیچ چیز ندارد، اقتصادش ورشکسته است، فرهنگش عقب مانده است، مناطق ایران از مرکز گرفته تا آخر الا بعضی مراکز، باقی اش مردم از همه آثار تمدن اینها محرومند و حالا هم بعد از اینکه يك آزادی پیدا شده است و آن زورها و فشارها برداشته شده

است، يك عده ای ريخته اند توی مردم و به عناوین چپاولگری یا می کنند یا شلوغکاری می کنند، چه آنهایی که انحرافات مسلکی دارند و چه آنهایی که انحراف مسلکی ندارند لکن از تتمه همان رژیم و از تتمه همان بساط هستند. همه جای ایران الان اینطوری است. خوب شما تصور می کنید که يك ایرانی که همه چیزش را بردند و خوردند و مانده است يك خرابهای که نه اقتصاد صحیحی دارد و نه فرهنگ صحیحی دارد و نه ژاندارمری صحیحی دارد و نه ارتش صحیح دارد و نه هیچ چیز و الان هم آن که اداره می کند مملکت را خود مردم هستند که حفظ نظام و نظم را می کنند، شما تصور می کنید که بشود، امکان داشته باشد که فوراً این کارها همه درست بشود، همه چیزها یکدفعه صحیح بشود یا مسأله ای است که همه ما باید دست به هم بدهیم، دولت و ملت و این خرابه را بسازیم دولت به آن مقداری که قدرت دارد.

باید به مسئولین مملکتی که وارث خرابی است مهلت داد.

شما خیال نکنید که دولت نمی خواهد بکند، دولت در صدد است، مشغول است. الان خانه سازی در اطراف ایران شروع شده است، راه سازی شروع شده است، اما يك ایران پهناور با نداشتن وسایل آنطوری که باید باشد، این لابد با تدریج باید درست بشود، یکدفعه نمی شود. شما خیال کنید که یکدفعه بعد از انقلاب بشود همه چیز را يك روز و دو روز و يك ماه و دو ماه و يك سال درست کرد، این نمی شود. اگر يك ناحیه بود، يك جا بود، ده جا بود، خوب می گفتند که این ده جا را به موقع درست کند اما يك مملکت است، يك مملکت پهناور بزرگ، همه چیزش را برده اند و مانده است يك مملکت چیز دست اینها. من باید بگویم به شما که باز هنر می کنند که اینقدر کار کرده اند الان مشغول به رشته های مختلف برای تعمیر چیز هستند و از آن دورها شروع کرده اند که مبدا این زاغه نشینان همین جا بمانند و نروند سراغ زراعتشان، نروند سراغ کسبی که آنجا داشتند. در هر صورت همه این اموری که گفتید، صحیح است ما می دانیم اینها را لکن اختصاص به محل شما هم ندارد. از خوزستان هم که می آیند همین حرف هایی که شما می زنید، می زنند درست هم هست. از هر جایی که از مملکت می آیند اینجا اجتماع که می کنند همین مسائل را می خواهند و می گویند، درست هم می گویند منتها خیال می کنند این همان محل خودشان است که اینطور است. بسیار ایشان می گویند که هیچ جا بدتر از محل ما نیست و حال آنکه برادرهای دیگر نیز هم می آیند و می گویند هیچ جا بدتر از محل ما نیست. راست می گویند، همه جا خراب است. قضیه بدتری نیست، همه جا بداست و اینطور نیست که دولت در فکر نباشد. الان يك دولت انتقالی متزلزل است، يك دولت مستقری ما الان نداریم، يك دولت انتقالی است. این دولت انتقالی را باید يك مقداری به آن مهلت داد که انتقال تحقق پیدا کند، جمهوریت استقرار پیدا کند، يك حکومت مستقری بیاید، يك مجلس صحیحی باشد و بعد از این آنوقت به فکر این کارها بیفتیم که باید البته اشخاصی که متعدی هستند آسان است، آنوقت دیگر خیلی مهم نیست اینها. شماها آن قدرت بزرگ را شکستید اینها دیگر چیزی نیستند. در هر صورت الان باید يك

مقداری مهلت داد. اگر راجع به خود این رژیم يك كاری شده بود، خوب حق بود که بگوئید که رژیمی آمده و ادعا می کند من رژیم اسلامی هستم و دارد فساد می کند. اما اگر يك رژیمی هست و آمده است و وارث يك مملکتی است که همه چیز آن را برده اند، خورده اند و برده اند، هم آن پدر برد جواهرات ایران را و مخازن ایران را منتها گیر انگلیس ها (از قراری که گفته اند) افتاد و هم این پسر برد. همه بانک خارج را پرکردند از اموال دار و دسته اینها و هر چه هم آنجاها توانستند، از اینجا توانستند حمل کردند و بردند. هر چه هم امکان داشته است (از قراری که مطلعین می گویند) از بانک ها قرض کرده اند و برده اند مانده يك مملکتی که ندارد به طوری که بتواند. الان همچو نیست که يك خزینه پری باشد و گذاشته باشند و نخواهند عمل کنند. يك خزینه خالی است نسبت به يك مملکتی. شما باید حساب کنید، بنابراین يك مقداری باید مهلت داد و همه اشکالاتی که شما می گوئید، اشکالات صحیح است.

نیاز به برقراری آرامش برای دفع آشوبگران و استقرار جمهوری اسلامی

ما می دانیم مطالب همین است که شما می گوئید، هم باقیمانده های رژیم سابق مانده اند و فساد می کنند و هم اشخاصی که انحراف دارند و از خارج الهام می گیرند دارند فساد می کنند و ما حالا باید همه دست به هم دهیم، کوشش کنیم که این حکومت دولت انتقالی منتقل بشود یعنی يك مملکتی بشود که يك حکومت مستقری داشته باشد. ما الان رئیس جمهور نداریم، مجلس نداریم ما مجلس لازم داریم، رئیس جمهور لازم داریم. قانون اساسی نداریم، اساس يك مملکتی قانون اساسی آن است، رئیس جمهورش است، مجلسش است، دولت مستقرش است، ما الان هیچ يك از اینها را نداریم. ما الان اینها را الحمدلله بیرون کردیم لکن به جای او الان مايك چیز مشت پرکن نداریم، نیمه کاره است اینها. و الان هم اگر شما خیال کنید که بخواهند مشغول بشوند به اینکه مثلاً آنهایی که شما می گوئید، دستشان را کوتاه کنند، يك آشوبی در يك حالی هست که آشوب بلند می شود، الان برای مملکت شما آشوب ضرر دارد. الان باید يك قدری آرامش باشد تا کارها راه بیفتد. اگر بخواهند با فرض کنید آشوبگری و با جلوگیری از اینها يك شدتی به خرج بدهند، این جز اینکه يك آشوبی بلند بشود و ما نتوانیم اصل این حکومت مستقری که در نظر است، این را برقرار کنیم. الان باید يك قدری آرامش کرد شما پنجاه و چند سال شماها صبر کردید و اعقابتان و آنهایی که جلوتر از شماها بودند در طول تاریخ شاهنشاهی تحت این فشارها و ظلم ها بودند و شما هم هرچه یادتان است از این مسائل بوده است، هر چه یادتان است حبس بوده گرفتاری بوده است و اینها و چاره های نداشتید جز اینکه صبر کنید، حالا البته الحمدلله آزاد شدید، دست های آنها کوتاه شده است و کسی نیست که شما را بگیرد ببرد حبس بکند، چه بکند، باقی مانده است يك دستهای و تفالهای از اینهایی که حالا خیال می کنند می شود يك ماهی از آب گل آلود گرفت. الان اگر بخواهند (تنها عشایر شما که نیست، سرتاسر ایران است) اگر بخواهند الان شروع کنند به اینکه اینهایی که دارند آشوب می کنند، سرکوبی بکنند، الان اسباب این می شود که يك

اختلافاتی در همه ایران پیدا بشود. از آن طرف هم که دارند دامن می زنند به این اختلافات. در خود شهر تهران چقدر دامن می زنند به اختلافات. چقدر ایجاد اختلاف کرده اند، در سایر شهرها همین طور، در عشایر همین طور، در جاهای دیگر همه جا خرابکاران مشغول خرابکاریند که يك فرصتی پیدا بکنند و يك آشوبی درست بشود و نتوانید مملکت خودتان را چه بکنید و بگویند اینها مردمی هستند که آشوبگرند و اینها مردمی هستند که نمی توانند اداره بکنند و محتاج به این هستند که يك کسی بیاید و اداره اش بکند و خدای نخواستہ دوباره يك قلدری را بیاورند بگذارند اینجا و بساط اول را برگردانند. باید يك قدری صبر کرد تا يك حکومت مستقر پیدا بشود و شما بدانید که الان هم در همین حکومت انتقالی، اینها شب و روز مشغول این هستند که طرح بدهند برای اصلاح، برای اینکه درست بکنند، برای اینکه به حال مردم رسیدگی بکنند لکن مجال می خواهد اینطور نیست بشود یکدفعه يك دولت انتقالی، دولتی که همه چیز را می بیند خراب است، یکدفعه بتواند درست کند، نمی تواند درست کنند. نه اینکه نخواهند درست کنند، خیلی هم می خواهند، از خدا هم می خواهند که بتوانند چند روزه مسأله را درست کنند، مطلبی نیست که بشود. شما يك خانه وقتی که در يك جایی خراب بشود، بخواهید درست کنید 6 ماه لازم است اگر همه چیز آن مهیا باشد اگر نباشد که هیچی. يك مملکت اینطوری است حالش، نه شما، همه جا، شما محیط خودتان را می بینید، می بینید گرفتاری ها چه هست و آن هم که از بختیاری می آید محیط خودش را می بیند، آن هم که از اطراف خراسان می آید محیط خودش را می بیند و از محیط دیگر خبر شنیده، آنجا را دیده، علنا دیده، عینا دیده. باید قدری صبر بکنید آقا. الان اگر بخواهید اینطور اختلافات را درست بکنید، همین نقشه ای است که اینهایی می خواهند، آنهایی که می خواهند ما را نگذارند يك حکومتی پیدا بکنیم، يك جمهوری اسلامی محقق بشود، همین ها دامن می زنند به اختلافات و اگر بنا باشد خودمان هم زیاد بکنیم اختلافات را، آنها از آن طرف دامن بزنند، سرحدات و مرزهای ما هم که از اطراف دارند اخلا لگری می کنند، يك وقت يك مملکتی بشود که نشود سر و ته آن را به هم آورد، خدای نخواستہ نتوانید اداره کنید مملکتتان را و گرفتاری و مصیبت بار بیاید. يك قدری باید تحمل کرد، البته راه ندارید واضح است، آشوبگرها هستند آنجا، همه جا هستند. نمی دانم حمام و بیمارستان و اینها، از اول نداشتید حالا هم ندارید، ما هم می دانیم ندارید، خیال نکنید که نخواهند درست کنند، می خواهند و انشاءالله هم می شود اینها، اما يك قدری، يك قدری صبر، به اصطلاح اینها صبر انقلابی لازم است و این تحمل و صبر می خواهد که انشاءالله به تدریج این کارها درست بشود.

برای تثبیت نظام، باید به انتخاب اشخاص متعهد به اسلام همت گماشت

من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه ما را در راه اسلام و در راه کشورمان همه ما توفیق بدهد که همه ما در نظرمان این باید که کمک کنیم و بسازیم این را. البته اینطور خرده اشخاصی که از سابق مانده اند و اینها پایگاهی هم ندارند در بین مردم، اینها چیزهایی نیستند که قابل

باشند . اینها يك دفعه تمام می شود . اساس این است که این حکومت مستقر بشود . ما این مراحل را که الان توی راه هستیم ، مراحلی که باید طی بکنیم ، ما الان قانون اساسی مان در دست رسیدگی است که رسیدگی به آن کنند . بعد هم اشخاصی را باید انتخاب کنید ، خود شماها انتخاب کنید ، انتخاب که می کنید ، يك اشخاصی که عالم باشند ، اسلامی باشند ، متعهد به اسلام باشند و اعتقاد به جمهوری اسلامی داشته باشند و ملی باشند ، به چپ و راست گرایش نداشته باشند ، يك همچو اشخاصی را خودتان که در بین خودتان البته هستند انتخاب می کنید و می فرستید برای اینکه قانون اساسی را ببینند . سرنوشت شما با قانون اساسی است ببینند قانون اساسی را ، بعد که قانون اساسی تصویب شد ، مجلس شورای ملی را درست کنند ، بعد هم رئیس جمهور و بعد از این آنوقت با جدیت این کارها را بکنند . الان دارند می کنند نه اینکه خیال کنید نمی کنند ، الان مشغولند ، هم خانه سازی را در اطراف ایران مشغول شده اند و دارند می سازند و هم پاکسازی را که انشاءالله می شود و خواهد شد و هم چیزها و راه ها را . اینها به فکر هستند و مشغولند و منتها کار بزرگ است ، يك مملکت است ، يك ناحیه نیست که زودی بشود اداره اش کرد ، يك مملکت است ، باید به تدریج دست بشود . انشاءالله خداوند همه شما را توفیق بدهد ، موید باشید و همه مان برای اسلام انشاءالله کوشا باشیم ، کار بکنیم و همه ما در سازندگی کمک بکنیم ، کمک دولت را بکنیم و کمک اسلام را بکنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

پیام امام خمینی در جمع گروهی از عشایر بویراحمد

سرکوبی و تضعیف عشائر ایران از اقدامات رضاخان برای جلوگیری از قیام یکپارچه آنان

بسم الله الرحمن الرحيم

عشائر ایران یکی از پشتوانه های بزرگ کشور بودند که در زمان رضاخان مامور بود که ، یکی از ماموریت هایش این بود که عشائر را از بین ببرد . نقشه بود ، با اسم اینکه ما می خواهیم عشائر را شهری کنیم ، آنهایی که در کوهستان ها زندگی می کنند در شهر باشند (و تخته قاپو کنیم) اینها حتی حرف بود . اصل مطلب این بود که خارجی ها با مطالعاتی که کرده بودند ، چه مطالعاتی که در کشور ما و تمام شهر در زمین های (حالا ما ایران را می گوئیم) در زمین معادن را بررسی کرده بودند و آنوقتی که این وسائل نقلیه حالا نبود اینها کارشناسانشان با شتر می آمدند و به این بیابان ها به این جاهایی که حتی آب و علف هم نبود ، آنجاها می رفتند و نقشه برداری می کردند و آن معادن زیرزمینی را با نقشه هائی که کارشناس ها داشتند و با وسائلی که داشتند آنها را کشف می کردند می فهمیدند که چه دارد این کشور . اختصاص به ایران هم نداشت ، جاهای دیگر هم ، ممالک شرق همه تحت نظرشان بود و همانطور مطالعاتی در روحیه مردم اینجاها کرده بودند . گروه هائی که هستند ، عشائر ، باید چطور جلوییشان را گرفت ، هر عشیره ای را چه جور می شود جلوییش را گرفت که مبادا مخالف با چیزهای آنها ، منافع آنها باشند یا در شهرها باید چه کرد و چه اشخاصی و چه گروه هائی را باید از آنها جلوگیری کرد و کنترل کرد و سرکوبی کرد که همه مملکت آرام بشود و آنها هر چه می خواهند ببرند . مقصد این بود که مملکت را از قوه هائی که می توانند این قدرت ها جلوگیری کنند از منافع آنها ، پاک کنند ، آن قدرت ها را سرکوب کنند . در مراکز آنکه ادراک کرده بودند قدرت روحانیون بود و قبل از اینکه دانشگاه پیدا بشود روحانیون را مورد نظر داشتند بعد هم که دانشگاه ها يك قدری زیاد شد و جمعیتشان زیاد شد آنها هم تحت نظر در آمدند اینها را به يك جور سرکوب کردند و عشایر هم همین طور چون آنها ادراک این را کرده بودند که این عشائر هستند که اگر يك وقت مثلا قیام کنند نمی گذارند اینها به منافی که دارند برسند . عشائر را هم می خواستند از آن محالی که دارند ، اینها را کوچ بدهند به يك محل دیگر ، از محلی

که محل قدرتشان بود اینها را دور کنند و کوچ هم دادند ، زیادی از عشائر را از محل خودشان کوچ دادند به يك محل های دیگر و معلوم است که وقتی عشائر از آن محل هائی که آشنا بودند به وضعیت کوهستان های محل دور بشوند و بروند به يك جای غربتی ، اینها قدرتشان را از دست می دهند . نقشه هم همین بود که عشائر که می توانند يك وقتی قیام کنند برخلاف مصالح آنها ، اینها را خلع سلاح بکنند . علاوه براین از محل های خودشان دورشان کنند و کوچشان بدهند به محال دیگر .

ظلم و اختناق ، ویرانی و ایجاد ناراضیتی از موجبات انفجار ملت

در زمان رضاشاه این کارها شاید شما اکثرتان یادتان نباشد ، این کارها شد و در مراکز از قبیل تهران و قم و اصفهان و مشهد ، اینجاها که مرکز روحانیت بود ، با روحانیت مخالفت های شدید کردند و سرکوبی کردند و روحانیت را . این ظلم هائی که شما در محل خودتان ادراک کردید و معاینه کردید ظلم های اینها را ، همه ماها اینها را دیدیم منتها ما به يك وضعی ، شما به يك وضع دیگری و اقشار دیگر ملت ما هر کدام به يك وضعی . این ظلم ها ، این اختناق و اینها را دیده اند و یکی از چیزهائی که موجب پیروزی شماها شد همین زیادی ظلم و زیادی اختناق که این اختناق وقتی زیاد شد انفجار از آن پیدا می شود ، دنبال يك اختناق طولانی هی عقده ها زیاد می شود و منتظرند که يك صدائی درآید ، صدای اولی ، فریادی در آید ، دیگران دنبالش بروند . اینکه در این پیروزی همه ایران با هم مجتمع شدند و همه با هم همصدا شدند و گفتند ما این رژیم را نمی خواهیم و اسلام را می خواهیم برای این بود که اینها از رژیم هر چه دیده بودند ، بد دیده بودند ، هر چه دیده بودند ظلم دیده بودند با اسم آباد کردن ، خراب کردند با اسم اینکه می خواهند اینها را شهری کنیم و به تمدن به اصطلاح خودشان برسایم خرابی کردند و مملکت را تقریبا به هلاکت کشاندند . همه اقشار ملت ناراضی شدند منتها جرات صدا نداشتند تا يك وقتی که کم کم صدا بلند شد ، از مراکز صداها بلند شد ، آن عقده ها یکدفعه با هم مجتمع شد و انفجار حاصل شد و این انفجار موجب این شد که در عین حالی که دست همه خالی بود و آنها هم با همه قدرتی که داشتند نتوانند آنها مقاومت کنند و مهم هم این بود که این انفجار دنبال علاوه بر اختناق ، يك توجهی به اسلام بود . ایمان مردم اسباب این معنا شد که اینها با هم فریاد کنند و با هم جلو بروند . بنابراین آن معنائی که شماها را پیروز کرد و آنها را شکست داد آن معنا این بود که آنها ستمگر بودند و شما که مظلوم بودید کم کم يك عقده ها پیدا شد و بعد هم توجه به اسلام پیدا شد و همه با هم با توجه به اسلام جلو رفتید . در عین حالی که وسائل جنگ نداشتید ، در عین حال بر اینهائی که همه وسائل را داشتند پیروز شدید .

حفظ ایمان و وحدت کلمه و دفع توطئه ها ، رمز تداوم نهضت

حالا باید ما چه بکنیم ؟ آنهایی که ما پشت سر گذاشتیم ، خوب ، تاریخ است ، گذشت ، ماها باید حالا فکر بکنیم که الان که اینجا نشستیم و باز هم مسائلی داریم حالا تکلیفمان چه هست .

مهم این

ص: 279

است که حالا را ما بفهمیم که باید چه بکنیم . باید همان نهضت به همانطور که بود همان کلید پیروزی که وحدت کلمه و ایمان بود همان را نگه دارید . وحدت کلمه و ایمان ، شما را بر این قدرت پیروز کرد ، حالا هم توطئه های همه جانبه هست ، گر چه این توطئه ها خیلی چیز مهمی نیست لکن آشوب می کند ، اسباب يك آشوب و ناراحتی برای دولت ، برای ملت هست . باید حالا هم همان نهضت را با همان رمز ، با همان کلید پیروزی که همه با هم بودید و همه هم اسلام را می خواستید باید این را حفظش کنید . اگر این حفظ شد ، شما را تا آخر نقطه پیروزی می رساند . اگر خدای نخواستہ وحدت کلمه را از دست بدهید یا مقصدتان غیر مقصد حکومت اسلامی باشد ، خوف این است که دیگر نتوانید قدم بردارید ، نتوانستن قدم برداشتن دنبالش این است که آنها قدمشان را پیش بگذارند ، شماها سست بشوید عقب نشینی کنید آنها يك قدمی جلو بگذارند ، آنها توطئه ها را زیاد کنند . الان چیزی نیستند لکن ممکن است که ماها هر چه عقب برویم آنها جلو بیایند توطئه زیاد بشود این ریشه ها همه با هم مجتمع بشوند ماها از هم متفرق بشویم آنها با هم مجتمع بشوند ، عکس آنکه با آن پیروزی حاصل شد تحقق پیدا کند ، گروه های مختلف با هم مجتمع شدند همه با هم همصدا شدند و سد را شکستند و حالا که سد را شکستند باز هم ما يك سد دیگری داریم يك کارهای دیگری داریم . اگر بنا باشد که ما حالا دیگر آن اجتماعاتی که داشتیم آنها را از دست بدهیم و یکی یکی گروه مختلف ، جمعیت های مختلف ، جمعیت مخالف با هم بشویم ، آن توجهی که به مقصد داشتیم و اینکه حکومت اسلام را می خواهیم آن هم کم کم سرد بشود ، این آتشی که در دل ها فروخته شده بود و این نور خدا ، نوری که خدا در دل ها هدایت او روشن کرده بود ، اینها سرد بشود ، سست بشود ، از آن طرف آنها اجتماعاتشان زیاد بشود از این طرف ما اجتماعاتمان را از دست بدهیم نتیجه این می شود که آنها خدای نخواستہ يك وقتی غلبه کنند و اگر غلبه کنند این دفعه خدای نخواستہ مثل آنوقت نیست که رها کنند شما يك زندگی بکنید ولو توی کوهستان ، ولو توی عشائر خودتان ، نخیر بکلی از بینتان می برند یعنی هم دانشگاه را از بین می برند ، هم مدارس را از بین می برند ، هم شهر نشین ها را از بین می برند ، هم عشائر را از بین می برند . از بین خواهند برد ما را اگر خدای نخواستہ اینها غلبه کنند و انشاءالله نمی کنند لکن ما باید بیدار باشیم ، توجه کنیم که آن معنائی که ما را رساند به اینجا ما حفظش کنیم . آن معنا این بود که اختلافات را کنار گذاشته بودید همه با هم آن روز ، آن روزی که فریاد ، همه مردم الله اکبر می گفتند و در شهرها و ده و در همه جا يك فریاد می زدند و می گفتند (مرگ بر این سلطنت) که آنوقت هیچ فکر اختلاف نبودند اما با هم اجتماع داشتند ، اختلافات کنار گذاشته شده بود این اسباب این شد که شما پیروز شدید يك پیروزی اعجاز آور ، هیچ کس تصور این معنا را نمی کرد که يك همچین پیروزی برای ملتی که هیچ ندارد ، در مقابل يك قدرتی که همه چیز دارد پیروز بشود . اگر چنانچه این رمز را حفظ بکنید ، اجتماع خودتان را حفظ بکنید ، دست از اختلافات قبیلہای ، اختلافات شخصی ، اختلافات ملکی ، اختلافات عشیرہای دست اگر بردارید و آن رمز دوم که عبارت از این است که خواست همه يك جمهوری اسلامی ، يك حکومت عدل ، يك حکومت انسانی ، اگر این دو تا جهت را حفظ بکنید ، هم دست از آن اختلافات بردارید

نگذارید اختلاف پیدا بشود اگر يك وقتی خواست بين دو نفر ولو از عشیره تان بخواهد اختلاف کند ، جمع بشوید نگذارید ، آنها را صلح بدهید ، با هم برادر باشید و از آن طرف هم توجه داشته باشید که ما بناست که يك حکومت اسلامی باشد که دیگر ظلم در کار نباشد دیگر اختناق در کار نباشد دیگر زیر بار ظلم اجانب در کار نباشد که ما منافعمان را هر چه داریم بیایند بر دارند و ببرند و هیچ کس هم حرفی نزند ، اینها نباشد ، اگر ما حفظ کنیم این وحدت کلمه و وحدت مقصد ، که آن اسلام است ، حفظ کنیم ، تا آخر پیروز هستیم یعنی مملکتمان را بکلی از اینها از این شیاطینی که الان هستند و فتنه گری می کنند خالی می کنیم و دیگران هم اجازه نمی دهیم دخالت بکنند در مملکتمان و خودمان برای خودمان مملکتمان را اداره می کنیم و منافع مملکت برای خود شما می شود . يك مملکت پر منفعتی است که می خوردند و می بردند و حالا هم اینقدر قرض گذاشتند در بانک ها و جاهای دیگر که مدت ها باید قرض های اینها ادا بشود تا آیا بشود پس گرفت از آنها ، یا دولت های خارج نگذارند ، آن هم باب دیگری است .

در هر صورت برادرها! شما تا اینجا با برادری ، با اجتماع ، با دوستی ، با محبت ، با توجه به اسلام پیش بردید ، از حالا به بعد هم حفظ کنید این معنا را ، برادری خودتان را حفظ کنید ، عشیره خودتان را حفظ کنید از اینکه با يك عشیره دیگر اختلاف پیدا بکنید . اگر خدای نخواستہ خواست يك اختلاف پیدا بشود ، کدخداهای شما ، پیرمردهای شما ، محترمین شما جمع بشوند جلوی این اختلافات را بگیرند ، نگذارند اگر يك جوانی می خواهد با يك جوان دیگری اختلاف پیدا کند ، نگذارید اختلاف پیدا کند . همه مصیبت هائی که به يك کشوری وارد می شود از روی اختلافاتی که در بین آنها هست پیدا می شود اگر يك کشوری متحدالکلمه باشند ، هیچ ظلمی بر آنها نمیتواند وارد بشود .

خداوند انشاءالله شما را حفظ کند و سلامت و سعادت به شما عنایت کند و عشیره تان را حفظ کند . عشائر ما خزائن این مملکت هستند ، خداوند همه شان را حفظ کند و موفق و موید باشند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان آباده

نامحدود بودن شعاع بینش مکاتب توحیدی در تربیت انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

اینکه ما می گوئیم و شما هم اشاره به آن کردید که هیچ رژیم می مثل حکومت اسلامی نمی تواند انسان را و ملت های انسانی را آنطوری که باید اداره کند و تربیت ، این برای این است که همه رژیم های غیر توحیدی و رژیم هائی که به دست غیر انبیاء وجود پیدا کرده است آنقدری که بینش دارند ، اگر ما فرض بکنیم که اینها صد در صد هم امین هستند و دلسوز برای ملت ها ، لکن شعاع بینش بشر را باید دید تا کجاست و انسان تا کجا می تواند سیر بکند و احتیاجات انسان چقدر است . آیا به مقدار سعه وجود انسان و قابلیت رشد انسان این رژیم های غیر الهی دیدشان وافی است ؟ تا فرض بکنیم اگر هم اشخاصی باشند دلسوز و اشخاصی باشند که بخواهند خدمت بکنند به ملت ها ، بتوانند خدمت بکنند . یا دید اینها محدود است تا يك حدودی و اگر آنها هم بخواهند خدمت بکنند تا همین حدود می توانند خدمت بکنند؟ اگر ما این معنا را دیدیم که انسان مراتب سیرش از طبیعت است تا مافوق طبیعت ، تا برسد به آنجائی که مقام الوهیت است ، سیر از طبیعت تا رسیدن به مقامی که غیر از خدا هیچ نمی بیند ، مراتب معنوی انسان . و این موجود که قابل این است که از این طبیعت سیر بکند و تمام معنویت ها را در خودش ایجاد بکند با تربیت های صحیح و برسد به يك مقامی که حتی فوق مقام ملائکه الله باشد ، احتیاجات انسان يك همچو احتیاج است . انسان مثل يك حیوان نیست که احتیاجش به خوردن و خوابیدن باشد ، انسان يك موجودی است که خدای تبارک و تعالی تا حالا او را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی که در عالم هست در انسان هست ، منتها به طور قوه است ، به طور استعداد است و این استعدادها باید فعالیت پیدا بکند ، تحقق پیدا بکند . تمام رژیم های غیر الهی که به دست غیر انبیاء تحقق پیدا کرده است ، حدود دیدشان همین طبیعت است ، احتیاجات طبیعی را می توانند آنها بر آورند ، می توانند احتیاجات طبیعی هم خیلی خوب بر آورده کنند . سابق مسافرت ها با الاغ و اسب بود ، حالا با طیاره است ، سابق طبابت ناقص بود ، حالا کامل است و از این هم کاملتر خواهد شد ، سابق علوم طبیعی ناقص بود ، حالا کامل است و کاملتر هم خواهد شد ، همه اینها حدود طبیعت است . تمام آن چیزهائی که دست بشر به آن می رسد همین حدود طبیعت و چیزهائی که با چشمشان می بینند و با ادراک ناقصشان ادراک می کنند . از عالم طبیعت به آن طرف دست بشر از آن کوتاه است و تربیت هائی که بخواهند غیر

الهیین، غیر انبیا که به الهام خدا تربیت می کنند، تربیت هائی که اینها بخواهند بکنند، همان تربیت های طبیعی است. طبیب معالجه جسم ما را می کند، طبیب خیلی خوب هر مرضی را، مرض جسمانی را معالجه می کند اما امراض روحانی به طبیب مربوط نیست، هیچ ابدا طبیب کاری به او ندارد، نمی تواند هم داشته باشد برای اینکه اطلاع بر آن ندارد. هر چه علوم طبیعی ترقی بکند انسان را به آن چیزهائی که در طبیعت به آن احتیاج دارد می رساند، آن ورق بالا که فوق طبیعت است، هیچ یکی از این علوم بشری به آنجا نمی رسد. رژیم های بشری بر فرض اینکه صالح باشند و حال آنکه می دانیم که اکثرا نیستند، بر فرض اینکه صالح باشند تا حدودی که دیدشان هست، انسان را پیش می برند. آنجا که نمی دانند، دیگر نمی توانند پیش ببرند و لهذا می بینیم که تمام رژیم های غیر وحی ای، آنهائی که مربوط نیستند به مبداء وحی، کاری به انسان ندارند راجع به آن چیزهائی که مربوط به باطن انسان است حکومت ها هیچ کار ندارند که شما پیش خودتان چه فکر می کنید، پیش خودتان چه اعتقاد دارید، پیش خودتان چه ملکاتی دارید، هیچ کاری به این ندارند، آنقدری که آنها کار دارند، این است که نظام این عالم طبیعت را آنهائی که مردم صحیح هستند، آن حکومت های عادل نظام این طبیعت را به طوری کنند که محفوظ باشد، بازارشان یک بازار منظم باشد، مملکتشان یک مملکت منظم باشد، دزدها را جلویش را بگیرند، بی عدالتی ها را جلویش را بگیرند، آنقدری که رژیم ها به آن نظر دارند همین مقدار است اما هیچ کاری به این ندارند که شما توی منزلتان چه خودتان چه می کنید، چه کار دارند به توی منزلتان، شما بیرون که آمدید باید نظام را حفظش کنید اما در داخل منزل بین خودت و خدای خودت چه کاره هستی. هیچ ابدا این نظام ها قانونی هم برایش ندارند و کاری هم به آن ندارند، تنها رژیمی که و تنها مکتبی که کار دارد به انسان از قبل اینکه این تخم و این دانه کشته بشود، تا آنوقتی است که آخر است و آخر ندارد کار دارند، این مکتب های انبیاء است. هیچ مکتبی غیر از مکتب انبیاء کاری به این ندارند که تو چه زنی انتخاب کن، وصلت کنی، و زن چه مردی را انتخاب کند. به آنها چه ربطی دارد، کاری به این ندارند، هیچ ابدا در قوانینشان این نیست که چه زنی انتخاب کن و چه مردی انتخاب کن. هیچ در قوانینشان نیست که در ایام حمل بچه، مادر چه کارهائی را بکند، ایامی که بچه را شیر می خواهد بدهد. چه کار بکند، ایامی که بچه در دامن مادرش است، مادرش چه وظیفه های دارد، آنوقتی که تحت تربیت پدرش هست پدر چه. ابدا به این کارها قوانین مادی و طبیعی و رژیم های غیر انبیاء و هیچ کاری به اینها ندارند آنها فقط وقتی که انسان انسانی شد که آمد توی جامعه، جلو مفسده هائی که اینها می خواهند، آن هم مفسده هائی که مضر به نظم باشد و الا مفسدی که عیش و نوش و عشرت باشد، هیچ کاری به آن ندارند بلکه دامن هم به او می زنند، کاری به اینکه بخواهند که انسان بسازند، آدم درست کنند، کاری به این ندارند در نظر آنها انسان با حیوان فرقی همین مقدار است که در طبیعت این بیشتر پیشرفتگی دارد، حیوان نمی تواند طیاره درست کند، انسان می تواند، حیوان طبیب نمی تواند بشود، انسان می تواند، اما حدود، حدود طبیعت است. آن که به همه چیز کار دارد، آن که انسان را قبل از ازدواج، قبل از اینکه بخواهد ازدواج کند دنبال این است که آن چیزی که از این ازدواج می خواهد حاصل بشود باید یک آدم

صحیحی باشد، انسان باید باشد، قبل از اینکه شما ازدواج کنید، دستور دارد چه زنی را انتخاب کن، چه مردی را انتخاب کن. چرا این را دستور دارند؟ برای اینکه همانطوری که یک زارع، یک دهقان وقتی که می خواهد یک مزرعه‌های را بسازد، اول نظر می کند که زمین چه جور زمینی است، یک زمین صالح انتخاب می کند، آن تخمی را که می خواهد بکارد چه جور تخمی است، یک تخم گندم صالحی انتخاب می کند، چه لازم دارد برای تربیت، تمام اینها را در نظر دارد تا اینکه این مزرعه را آباد کند و یک منفعتی از آن ببرد، اسلام در انسان این نظر را داشته است که آن زوجی که انتخاب می شود چه جور باشد تا از این زوج یک انسان صحیح پیدا بشود، آن زنی که انتخاب می کنی چه جور زنی باشد تا از این دو نفر زوجین یک انسان پیدا بشود، بعد هم به چه ادبی باید باشد، روی چه ادبی این ازدواج باید باشد، بعد هم در چه حالی باید تلقیح بشود و چه ادبی دارد، بعد هم در ایام حمل چه ادب هائی هست بعد هم در ایام شیر دادن چه ادب هائی هست، همه اینها برای این است که این مکتب های توحیدی که بالاترینش اسلام است آمده اند برای اینکه انسان درست کنند، نیامده اند که یک حیوانی منتها دارای ادراکاتی که حدود همان حیوانیت و همان مقصدهای حیوانی باشد، منتها یک قدری زیاده تر، نیامده اند اینها را درست کنند آمده اند انسان درست کنند. اینکه شما گفتید که هیچ مکتبی مثل اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل اسلام نیست، نکته اش این معناست که اسلام است که می تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه روحانیت، تا فوق روحانیت تربیت کند. غیر اسلام و غیر مکتب های توحیدی اصلا کاری به ماوراء ندارند، عقلشان هم به ماوراء طبیعت نمی رسد، علمشان هم به ماوراء طبیعت نمی رسد، آنی که علمش به ماوراء طبیعت می رسد آنی است که از راه وحی باشد، آنی است که ادراکش ادراک متصل به وحی باشد و آن انبیاء هستند.

بررسی تفاوت های اساسی میان حکومت اسلامی و حکومت های دیگر

اسلام مثل حکومت های دیگر نیست، اینطور نیست که اسلام فرقی با حکومت های دیگر این است که این عادل است و آنها غیر عادل، خیر فرق ها هست یکی اش همین است، فرق های زیاد بین حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم های دیگر، یکی از فرق هایش هم این است که حکومت اسلام و بین اسلام هست و مابین رژیم های دیگر، یکی از فرق هایش هم این است که حکومت اسلام یک حکومت عادل است. آن اوصافی که در حاکم است چیست، آن اوصافی که در پلیس است چیست، آن اوصافی که در لشگری است چیست، آن اوصافی که در مثلا سایر کارمندان دولتی است باید چه باشد، این یکی از فرق هاست، یک فرق نازلی است و بالاتر از این آن چیزهائی است که انسان را رو به معنویات می برد. اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت، مهار کند. طبیعت را به همان معنائی که همه میگویند، آن هم می گوید اینجور نیست که به طبیعت کار نداشته باشد، تمدن را به درجه اعلاش اسلام قبول دارد و کوشش می کند برای تحققش و لهذا حکومت هائی که در اسلام بوده اند یک حکومت هائی بوده اند که همه جور تمدنی در آنها بوده است اما نظر به این نبوده است که در عین حالی که همان چیزهائی که در ممالک متمدن باشد، اسلام هم آنها را قبول دارد و کوشش هم

برایش می کند ، در عین حال آنها به این نگاه می کنند و همین است ، او به این نگاه می کند که بکشدهش طرف روحانیت ، بکشدهش طرف توت فرق است ما بین اسلام و غیر اسلام ، بین حکومت اسلامی و حکومت غیر اسلامی ، بین آن چیزی که مکتب اسلام آورده با مکتب های دیگر ، مکتب های دیگر يك مکتب های ناقص هست که خودشان خیال می کنند خیلی کامل است لکن حدودش تا همین دیدی است که دارند ، بیشتر از این نیست . مکتب اسلام دیدش تا آخر است ، طبیعت را به آن دنیا می گویند ، در لسان انبیا دنیا یعنی خیلی پست ، پس کلمه دنیا یعنی خیلی پست ، اسفل سافلین هم که در قرآن هست همین طبیعت است و آثار طبیعت ، بالاتر است اعلی علیین است ، خدا می خواهد مردم را به اعلی علیین برساند از اسفل سافلین بکشاندشان تا اعلی علیین و این در غیر رژیم های انبیا جاهای دیگر اصلا مطرح نیست . چکار دارند به اینکه مردم بشوند يك مردم الهی ، به ما چه ربط دارد ، اینجا خلاف نظم نکنند ، اینجا کاری نکنند به حکومت ما ضرر بزند ، هر چه می خواهد باشد . انبیا اینطور نیستند ، انبیا به شما کار دارند ، توی صندوقخانه هم که هستی به تو کار دارند . هیچ کس نیست ، لکن حکم خدا هست دنبال شما . آنها می خواهند يك انسانی تربیت کنند که خلوتش و جلوتش فرقی نداشته باشد ، همانطوری که خیانت نمی کند در جلوت و در پیش مردم برای اینکه از مردم ملاحظه می کند ، انبیا می خواهند که انسانی درست کنند که پیش مردمش و غیاب مردمش دیگر فرقی نباشد ، هر دوی آدم باشد ، وقتی که آدم شد ، چه در خلوت آدم است ، چه در بین مردم هم آدم است . نظرشان به این معنا هست و ما میلمان این است ، آرزومان این است که يك همچو مکتبی در خارج بشود ، تحقق پیدا کند ، میل انبیا هم همین بوده است ، میل همه ما این است که ما يك حکومتی داشته باشیم ، همانجور حکومت هائی که در صدر اسلام بود که عدالت بود ، همه اش عدالت بود و زائد بر او آن مسائلی که در قرآن کریم و در اسلام هست آنها هم باشد ، همه چیز و حالا راجع به جمهوری اسلامیش که اول قدم است و تا حالا ، الان ، اسلام ، جمهوری اسلامی الان رژیم ماست ، برای اینکه راء دادند ، تمام شد ، رژیم رفت ، دفن شد تا ابد . دفن شد و حالا- رژیم شما رژیم اسلامی است ، در این رژیم اسلامی الان ما خیلی مسؤولیت داریم . مسؤولیت بزرگ داریم و آن حفظ آبروی اسلام است .

ما مکلفیم به پیاده کردن محتوای اسلام در تمامی امور

الان ما همه مان مکلفیم حالائی که جمهوری اسلامی شد ما هم اسلامی باشیم . اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم ، حکومت اسلام نیست ، این جمهوری اسلامی نمی شود . اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد ، پاسبان هایش اسلامی نباشند خدای نخواسته ، دادگاه هایش اسلامی نباشد ، وزارتخانه هایش اسلامی نباشد ، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام ، همان طاغوت است منتها اسمش را ما عوض کردیم . ما نمی خواهیم اسم عوض بشود می خواهیم محتوا درست بشود باید کوشش کنید محتوا درست بشود .

امروز اسلام بسته به اعمال شما است ، حکومت اسلامی اگر شما خوب رفتار کردید ، همه

قشرهای ایران خوب رفتار کردند يك حکومت اسلامی و يك رژیم اسلامی است ، حکومتش اسلامی ، ملتش اسلامی اگر همه وزارتخانه ها اسلامی شد و همه ادارات اسلامی شد ، ارتش اسلامی شد و شهربانی اسلامی شد و ژاندارمری اسلامی شد ، آنوقت حکومت ما يك حکومت اسلامی است و اگر ماها هم كه يك اشخاصی هستیم كه هر کدام وارد يك كسبی هستیم ، يك شغلی هستیم ماها هم روی دستور اسلام عمل كردیم يك ملت اسلامی هستیم و الا الفاظ است و معنا ندارد ، هی من بگویم اسلام ولكن عملم برخلاف او باشد ، هی حاكم بگويد اسلامی ولكن عمل برخلاف او باشد ، این ، نه رژیم آنوقت اسلامی می شود ، نه ملت ، ملت اسلامی می شود . كوشش كنید كه ملت اسلامی باشد و دولت اسلامی و از خدای تبارك و تعالی من می خواهم این اتحاد شماها و این روحیه قوی شما محفوظ باشد تا این مراتب سیر بشود ، تا این مراحل بگذرد . خداوند همه تان را حفظ كند .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبركاته

ص: 286

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَلٍ مُنْقَلَبٍ

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَلٍ مُنْقَلَبٍ

فهرست آیات و روایات ۷ ۵۷۷

روایات و روایات

موضوع	سوره	آیه	شماره صفحه
قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَلٍ مُنْقَلَبٍ	سبأ	۴۶	۱۴۵، ۳۷، ۳۶
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ	بقره	۲۵۷	۱۹۲، ۶۰
يُدَاخِلُهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ	روایت		۱۶۶، ۶۷
وَلَا يَهْتَفُوا وَلَا تَخْزَتُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	آل عمران	۱۳۹	۱۱۷
وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَارِقَةُ فَارْجِعُوا إِلَى رُؤَاتِ أَخَادِثِنَا	روایت		۱۲۸
وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا	آل عمران	۱۰۳	۲۱۸، ۲۰۸
وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ	جمعه	۲	۱۷۹
لَا يَزَالُ يُوَيْدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ	روایت		۱۹۶
وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً	توبه	۳۶	۲۰۴
إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ،	علق	۵ تا ۱	۲۲۴، ۲۲۳
إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ			

٢٢٤	١٥٦	بقره	إِنَّا إِلَهُهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
٢٢٥	٢ و ١	عصر	وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ
٢٢٥	٧ و ٦	الحمد	إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
			مصحف في لمة
			٢٩٧، ٧٧، ٥٢١
			٧٥٧
			٧٩، ٩٩١
			٧٧١
			٨٧٦
			٨٠٦، ٨١٧
			٨٧١
			٩٢١
			٩٠٢
			٩١٤، ٩١٥

فهرست راهنما	
استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری	۱۶۱
استقلال	۱۶۱
اسلام	۱۹، ۲۰، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۵۵
	۵۶، ۶۸، ۶۹، ۷۸، ۸۳، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۶۶
	۱۸۲، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۳۱
	۲۵۲، ۲۶۶، ۲۸۴
اسلام‌شناسی	۳۹
اصحاب صفه	۲۰۵
اصفهان	۲۱۳
اصلاحات ارضی	۱۰۲
اعتیاد	۲۶۹
اعدام	۶۹، ۲۲۸
افغانستان	۸۲، ۸۹
امام جمعه	۲۲۲
امام حسین (ع)	۳۶، ۲۳۰، ۲۳۶
امام خمینی	۵۵، ۱۴۲، ۱۵۹
امام زمان (عج)	۳۶، ۳۹، ۲۲۵، ۲۵۳، ۲۵۵
	۲۶۷، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۵
امام علی (ع)	۳۶، ۴۰، ۱۷۰، ۱۸۲
امر به معروف و نهی از منکر	۳۴
امیرالمؤمنین ← امام علی (ع)	
امینی	۱۰۲
انبیاء	۱۵، ۴۴، ۵۹، ۱۷۹
انسان	۱۶، ۶۲، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۲۴، ۲۸۲
آذربایجان	۹۷
آذری قمی، احمد (حجت‌الاسلام)	۲۴۷
آزادی	۲، ۱۷، ۱۸، ۴۲، ۶۱، ۸۳، ۹۱، ۹۲
	۲۰۲، ۲۳۲
آمریکا	۸۲، ۱۰۳
آموزش و پرورش ← تعلیم و تربیت	
الف	
ایر قدرت‌ها	۵۵، ۱۱۷، ۱۵۹
اتحاد ← وحدت	
اختناق	۲۷۹
اخلاق	۱۶، ۱۸۰، ۲۰۳، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۵۱
	۲۵۳، ۲۶۰
ادارات دولتی	۱۱، ۱۸۸
ادیان ← دین	
اذان	۳۹
ارتش	۷۳، ۹۵، ۹۶
اروپا	۱۵۱
ازدواج	۶۹، ۲۸۴
استبداد	۲۴۰
استعمار	۱۲۷، ۲۰۴، ۲۷۱، ۲۷۸

حدود - قضاوت	دموکراسی، ۷۴
حسین بن علی (ع) - امام حسین (ع)	دوگل، شارل ۱۷۳
حضرت علی (ع) - امام علی (ع)	دولت موقت، ۱۱، ۲۳۶، ۲۷۴
حضرت محمد (ص)، ۴۴، ۲۵۹	ده - روستا
حضرت موسی - موسی کلیم (ع)	دین، ۱۵، ۲۰۴
حضرت مهدی (عج) - امام زمان (عج)	
حقوق بشر، ۵۵، ۵۷، ۷۰، ۲۲۹	
حقوقدانها، ۵۵، ۱۲۱	
حکومت استبدادی - استبداد	
حکومت اسلامی، ۳۱، ۳۶، ۷۳، ۱۶۹، ۲۴۱	
۲۸۴	
حوزه علمیه قم، ۵۰	
خ	
خانمهای علی (حجت الاسلام) ۱۰۳، ۱۰۶	
خانهسازی - مسکن ۵	
خدایی، احمد (نقّه الاسلام) ۲۲۲، ۶	
خمس، ۱۷۱	
خمینی، روح الله موسوی - امام خمینی	
خودسازی، ۱۹۱، ۲۱۱، ۲۲۷	
کانون و ۲۶	
کربلای ۱۲۸، ۵۸، ۷۸، ۸۰، ۶۹، ۸۹	
دادستان کل انقلاب، ۲۴۷	
دانشجویان خارج از کشور، ۸۵۱	
دانشگاه، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۸۱، ۸۲، ۱۰۲، ۱۰۳	
۱۲۵، ۱۰۵	
دانشگاه پلیس، ۸۴	
دانشگاه و روحانیت، ۲۱۶، ۱۰۴	
دریا، ۲۳۲	
	روزنامه‌ها، ۱۱، ۲۳۶، ۲۷۴
	ده - روستا
	دین، ۱۵، ۲۰۴
	ذوب آهن، ۲۱۰
	راديو تلويزيون، ۲۰
	رژيم شاه مخلوع، ۱۱۱، ۱۶۹، ۱۷۲، ۲۷۳
	رسانه‌های گروهی، ۱۸، ۲۰۲
	رسول اکرم - حضرت محمد (ص)
	رضاخان، ۴، ۱۶۷، ۲۰۵
	رفراندم جمهوری اسلامی، ۱۱ - (A.D)
	رفراندم قانون اساسی، ۸۱۱۳، ۶۶
	رفسنجانی، علی اکبر هاشمی - هاشمی
	رفسنجانی، علی اکبر
	روحانیت، ۲۱، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۴۶، ۵۷
	۵۸، ۶۷، ۸۱، ۱۲۹، ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۹۱
	۱۹۶، ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳
	۲۵۲، ۲۶۵، ۲۶۹
	روحانیت و دانشگاه - دانشگاه و روحانیت
	روز پاسدار، ۲۳۶
	روستا، ۱۳۵
	روسیه - شوروی
	روشنفکران، ۲۴، ۵۸

ص	ز
صادق آقا (از روحانیون آذربایجان) ۲۰۶	زاغه نشینان ← کوخ نشینان، شقایق شاه
صدر، محمدباقر (آیت الله) ۱۱۰	زکوة، ۱۷۱
صدر اسلام ← تاریخ اسلام	زمین، ۳۵
صدور انقلاب، ۲۶۸	زن، ۴۷، ۷۶، ۱۴۷، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۲
صدوقی، محمد (حجت الاسلام) ۲۱	
صنعت نفت ← شرکت نفت	س
ضدانقلاب، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۲۹، ۴۸، ۵۴، ۹۹	سازمان امنیت ← ساواک
۲۷۱، ۲۷۵	سازمان سیا ۱۳
ع	سازمان مجاهدین خلق ← منافقین اخلاق
عراق، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۵۹، ۱۶۶	سازندگی، ۱۲، ۱۴، ۱۹۸، ۲۱۹
عزای عمومی، ۵۰	ساواک، ۳۲، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰
عشایر، ۴، ۲۷۸	سرمایه داران، ۲۰۴
علم، ۱۹۱، ۲۲۵	سفارت خانه ها، ۸۶، ۸۷، ۸۸
علی بن ابیطالب ← امام علی (ع)	سهم امام، ۱۸۵
غ	سیا (CIA) ← سازمان سیا
غرب، ۶۸، ۶۹، ۸۰، ۸۲، ۸۵	سیاست، ۳۹، ۱۲۸، ۲۶۲
غربزدائی، ۲۵	سیاست خارجی، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۱۶۴، ۲۳۴
غربزدگی، ۲۴، ۲۵، ۵۵، ۵۶، ۶۸، ۷۲، ۸۲	سیاست گام به گام، ۲۷۱
۸۵، ۱۲۳، ۱۲۵	سیل تبریز، ۱۸۵
ف	شاه مخلوع ← محمدرضا پهلوی
فرانسه، ۱۴۲، ۱۷۴	شرکت مخابرات، ۸، ۷۸
	شرکت نفت، ۱۸۸
	شوروی، ۸۲، ۸۹، ۱۸۴، ۲۳۵
	شهادت، ۴۷
	شهربانی، ۶

فردوس، ۱۹۰	کوخ نشینان، ۱۵، ۴۰، ۲۷۳
فردوسی، اسماعیل (نقّه الاسلام)، ۱۹۰	کویت، ۱۵۹، ۱۶۶
فرصت طلبان، ۵۵	گ
فرهنگ، ۶۷، ۷۴، ۹۳	گرافروشی، ۱۷، ۴۱، ۹۲
فرهنگ استعماری، ۲۳، ۲۵، ۶۲، ۶۷، ۸۲	گروه گرائی ← گروه های سیاسی
۲۴۸	گروه های سیاسی، ۴۶، ۱۸۹، ۲۰۸، ۲۱۶
ق ۲۱، ۲۱۱	گودنشینان ← کوخ نشینان
قاجاق، ۴۱، ۴۳	۲۱۸، ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۷۰، ۵۵۱
قانون اساسی، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۱	ل ۵۰، ۲۲۱، ۲۲۱، ۱۹۱
۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۲	لبنان، ۶۵، ۸۲
۱۵۵، ۱۶۲، ۱۷۴، ۲۱۴، ۲۵۷	۲۰۲، ۲۷۱، ۲۷۱، ۲۷۲
قران، ۲۰۴	م
قزوین، ۲۳	مادیات، ۱۶، ۱۷، ۱۷۹، ۱۹۱
قضاوت، ۲۲۸	مارکسیست ← کمونیسم
قومیت، ۲۵۴، ۲۷، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲	مالیات، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۲۱۱
قیام، ۳۶	ماه محرم، ۵۰
ک	مجروحین انقلاب ← چنانبازان انقلاب
کارخانه ها، ۲۱۰	اسلامی
کارگران، ۲۰۹	مجلس خبرگان (بررسی قانون اساسی)، ۱۵۳
کانون وکلا، ۱۲۵، ۱۲۶	۱۵۶، ۲۲۲، ۲۷۷
کردستان، ۱۳۸	مجلس شورای اسلامی، ۱۰۱
کشاورزان، ۲۰۹	مجلس مؤسسان، ۱۱۴، ۱۲۲
کشف حجاب، ۲۴۸	محمّدین عبدالله (ص) ← حضرت محمّد
کشورهای اسلامی، ۷۲، ۷۴، ۱۵۹، ۱۶۶	(ص) ۲۶۱، ۱۹۲، ۲۵۱
کم کاری، ۲۱۰، ۲۳۸، ۲۴۲	محمدرضا پهلوی، ۵، ۸۶، ۹۶، ۱۶۷، ۲۳۵
کمونیست ← کمونیسم	محرم ← ماه محرم، ۲۹، ۳۹
کمونیسم، ۳۲، ۸۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۳۰	
کمیته های انقلاب اسلامی، ۳۲، ۳۳	

موسوی خمینی، روح الله ← امام خمینی	مخابرات ← شرکت مخابرات
موسی کلیم (ع)، (ع)، (ع)، (ع)	مدرس، حسن (آیت الله)، (ع)، (ع)، (ع)
ن	مدنی، اسدالله (آیت الله)، (ع)، (ع)
نیوت ← انبیا، (ع)، (ع)	مردم ← ملت
نظم، (ع)	مرزها، (ع)
نماینده امام، (ع)، (ع)	مروءت، (ع)
نوری، حسین (حجت الاسلام)، (ع)	مساجد ← مسجد
نوسازی ← سازندگی	مسائل اصلی انقلاب، (ع)، (ع)، (ع)
نویسندگان، (ع)، (ع)	(ع)، (ع)
نهضت تنباکو، (ع)، (ع)	مسائل قومی ← قومیت
نیوزیلند، (ع)، (ع)	مستضعفین، (ع)، (ع)، (ع)
و	(ع)، (ع)
وابستگی، (ع)	مسجد، (ع)
وحدت، (ع)، (ع)	مسکن، (ع)
وحدت اسلامی، (ع)	مسئولین مملکتی، (ع)، (ع)
وحدت حوزه و دانشگاه ← دانشگاه و روحانیت	(ع)
ورزش، (ع)	مشروبات الکلی، (ع)
ه	مشروطیت، (ع)
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (حجت الاسلام)، (ع)	مصادره اموال، (ع)
همدانی، عبدالمجید (ع)	مصنق، محمد (ع)
هویدا، امیرعباس (ع)	مطبوعات، (ع)
ی	مطهری، مرتضی (ع)
یزد، (ع)	معاویه، (ع)
یزید، (ع)	معلولین انقلاب ← جانبازان انقلاب اسلامی
یمن شمالی، (ع)	معنویت، (ع)
	مکتبهای غیرالهی (ع)
	مکری، محمد (ع)
	ملت، (ع)
	(ع)
	منافقین خلق، (ع)
	مواد مخدر، (ع)

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

